

مجاز برای نمایندگی ها و طلاب المصطفی

الْحَمْدُ لِلَّهِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ



| | |
|----------------------|---|
| سرشناسه: | رضائی اصفهانی، محمدعلی، ۱۳۴۱ - |
| عنوان و نام پدیدآور: | منطق تفسیر قرآن (۳) (روش تحقیق در تفسیر و علوم قرآن) / نگارش محمدعلی رضائی اصفهانی. |
| مشخصات نشر: | قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی ﷺ، ۱۳۹۲. |
| مرجع تولید: | پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی ﷺ |
| شابک: | ۹۷۸-۹۶۴-۱۹۵-۱۸۴-۱ |
| وضعیت فهرست‌نویسی: | فایا |
| یادداشت: | کتابنامه: ص. [۳۷۱] - ۳۷۶؛ همچنین به صورت زیرنویس. |
| یادداشت: | چاپ اول: ۱۳۸۹ (فیپا). |
| یادداشت: | چاپ دوم: ۱۳۹۲ (فیپا). |
| یادداشت: | چاپ سوم: ۱۳۹۴ (فیپا). |
| یادداشت: | چاپ چهارم: ۱۳۹۸ (فیپا). |
| موضوع: | تفسیر -- فن -- قرآن -- تحقیق -- روش‌شناسی |
| رده‌بندی کنگره: | BP ۹۱/۵/ر۶م۸ ۱۳۹۲ |
| رده‌بندی دیویی: | ۲۹۷/۱۷۱ |
| شماره کتابشناسی ملی: | ۲۰۶۸۵۳۵ |

منطق تفسیر قرآن (۳)

روش تحقیق در تفسیر و علوم قرآن

محمد علی رضایی اصفهانی



مرکز بین المللی
ترجمه و المصطفی ﷺ

منطق تفسیر قرآن (۳)

(روش تحقیق در تفسیر و علوم قرآن)

مؤلف: محمدعلی رضایی اصفهانی

چاپ چهارم: ۱۳۹۸ش / ۱۴۴۰ق

ناشر: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

● چاپ: نازجستان ● قیمت: ۵۴۰۰۰۰ ریال ● شمارگان: ۵۰۰

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

مراکز فروش:

◀ ایران، قم، خیابان معلم غربی (حجتیه)، نبش کوچه ۱۸:

تلفن: ۰۲۵ ۳۷۸۳۹۳۰۵ / (داخلی ۱۰۵) / تلفکس: +۹۸ ۲۵ ۳۷۸۳۶۱۳۴

◀ ایران، قم، بلوار محمدامین، سه راه سالاریه. تلفن: ۰۲۵. ۳۲۱۳۳۱۰۶

<http://buy-pub.miu.ac.ir>

با سپاس از دست اندرکارانی که ما را در تولید اثریاری رساندند.

■ ناظر گرافیک: مسعود مهدوی

■ ناظر چاپ: نعمت الله بزدانی

■ مدیر انتشارات: سید اباذر هاشمی هریکندئی

■ مدیر تولید: جعفر قاسمی ابهری

■ ناظر فنی: علی عبادی فرد

سخن ناشر

تحولات اجتماعی و مقتضیات نوپدید دانش‌ها و پدید آمدن دانش‌های نو، نیازهایی را به وجود آورده که پاسخ‌گویی به آن، ایجاد رشته‌های تحصیلی جدید و تربیت افراد متخصص را ضروری می‌نماید. از این رو کتاب‌های آموزشی نیز باید با توجه به این دگرگونی‌ها تألیف شود.

جهانی‌شدن و گسترش سلطه فرهنگی غرب در سایه رسانه‌های فرهنگی و ارتباطی اقتضا دارد که دانش‌پژوهان و علاقه‌مندان به این مباحث، با اندیشه‌های بلند و ارزش‌های متعالی آشنا شوند و این مهم با ایجاد رشته‌های تخصصی، تولید متون جدید و غنی، گسترش دامنه آموزش و تربیت سازمان‌یافته دانشجویان به سرانجام خواهد رسید. این فرایند گاه در پرداختن به مباحث بنیادین و تدوین متون تخصصی تعریف می‌شود و گاه در نگارش بحث‌های علمی، اما نه‌چندان پیچیده و تخصصی به ظهور می‌رسد.

از طرفی بالنسب مراکز آموزشی در گرو نظام آموزشی منسجم، قانونمند و پویاست. بازنگری در متن‌ها و شیوه‌های آموزشی و به‌روز کردن آنها نیز این انسجام و پویایی و در نتیجه نشاط علمی مراکز آموزشی را در پی دارد.

در این بستر، حوزه‌های علوم دینی به برکت انقلاب شکوهمند اسلامی، سالیانی است که در اندیشه اصلاح ساختار آموزشی و بازنگری متون درسی‌اند.

«جامعة المصطفی ص ع آ لله العالمیة» به عنوان بخشی از این مجموعه که رسالت بزرگ تعلیم و تربیت طلاب غیر ایرانی را بر عهده دارد، تألیف متون درسی مناسب را

سرلوحه تلاش خود قرار داده و تدوین و نشر متون درسی در موضوعات گوناگون علوم دینی، حاصل این فرایند است.

«مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی ﷺ» با قدردانی و سپاس از فاضل ارجمند جناب آقای دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی مؤلف کتاب منطق تفسیر قرآن ۳ (روش تحقیق در تفسیر و علوم قرآن) و تمام عزیزانی که در تولید این اثر همیاری و همفکری داشته‌اند، آن را به جویندگان فرهنگ و اندیشه ناب اسلامی تقدیم می‌کند.

مرکز بین‌المللی

ترجمه و نشر المصطفی ﷺ

فهرست

| | |
|----|---|
| ۱۳ | ۱. کلیات |
| ۱۳ | درآمد |
| ۱۳ | مفهوم‌شناسی منطق تفسیر |
| ۱۴ | شیوه‌نامه کتاب |
| ۱۷ | مقدمه |
| ۱۷ | نخست: اهمیت و ضرورت طراحی روش تحقیق خاص برای تفسیر و علوم قرآن |
| ۱۸ | دوم: مفهوم‌شناسی واژگان |
| ۲۱ | سوم: پیشینه |
| ۲۳ | چهارم: رابطه روش تحقیق با مفاهیم هم‌خوان |
| ۲۹ | چکیده: |
| ۲۹ | پرسش و پژوهش |
| ۳۱ | ۲. روش‌های تحقیق عمومی و اختصاصی |
| ۳۱ | درآمد |
| ۳۱ | نخست: روش تحقیق عمومی |
| ۳۱ | الف) تحقیق بنیادی |
| ۳۲ | ب) تحقیق کاربردی |
| ۳۷ | دوم: روش تحقیق اختصاصی تفسیر و علوم قرآن |
| ۳۸ | پیش فرض‌های مطالعات قرآنی |
| ۴۰ | نخستین تقسیم روش‌های تحقیق در مطالعات قرآنی (درون‌متنی و برون‌متنی) |
| ۴۰ | الف) روش تحقیق درون‌متنی (درون‌قرآنی) |
| ۴۱ | پیشینه و دلایل |

| | |
|---|-----|
| کاربردها..... | ۴۱ |
| قلمرو و محدودیت‌ها..... | ۴۲ |
| آسیب‌ها..... | ۴۳ |
| (ب) روش تحقیق برون متنی (برون قرآنی)..... | ۴۴ |
| ۱. روش تحلیل عقلی..... | ۴۴ |
| ۲. روش تحقیق تجربی و نیمه تجربی و هم‌بستگی..... | ۴۷ |
| ۳. روش تحلیل تاریخی (نقلی)..... | ۵۷ |
| ۴. روش تحلیل عرفانی و شهودی (تجربه‌های عرفانی)..... | ۶۷ |
| دومین تقسیم روش تحقیق در مطالعات قرآنی: (تطبیقی و غیر تطبیقی)..... | ۶۹ |
| الف) روش تحقیق غیر تطبیقی..... | ۶۹ |
| (ب) روش تحقیق تطبیقی..... | ۷۰ |
| پیشینه، حوزه‌ها و کاربردهای تحقیقات تطبیقی در مطالعات قرآنی..... | ۷۲ |
| سومین تقسیم روش تحقیق در مطالعات قرآنی (میان رشته‌ای و تکررشته‌ای)..... | ۷۸ |
| الف) روش تحقیق تکررشته‌ای..... | ۷۸ |
| (ب) روش تحقیق میان رشته‌ای..... | ۷۸ |
| الف) مبانی مباحث میان رشته‌ای..... | ۸۲ |
| (ب) شیوه‌های اجرای مباحث بین رشته‌ای..... | ۸۷ |
| (ج) قواعد اجرای مباحث بین رشته‌ای..... | ۸۷ |
| (د) معیارهای مباحث میان رشته‌ای یا تفسیر علمی معتبر..... | ۹۰ |
| ه) کارکردهای مباحث رشته‌ای..... | ۹۰ |
| موانع و آفات مباحث میان رشته‌ای..... | ۹۱ |
| چهارمین تقسیم روش تحقیق در مطالعات قرآنی (ظاهری، باطنی و...)..... | ۹۲ |
| الف) روش تحقیق ظاهری قرآن (مطالعه در تفسیر ظاهر آیه)..... | ۹۲ |
| (ب) روش تحقیق تأویلی قرآن..... | ۹۳ |
| (ج) روش تحقیق باطنی..... | ۱۰۱ |
| راهکارهای بطن‌گیری از آیات قرآن..... | ۱۱۳ |
| د: روش تحقیق در مصادیق آیات (جری):..... | ۱۱۷ |
| گونه‌های جری و تطبیق و کاربردهای آن..... | ۱۱۸ |
| پنجمین تقسیم روش تحقیق در مطالعات قرآنی (فقهی و غیرفقهی)..... | ۱۲۵ |
| الف) روش‌های تحقیق و مطالعه غیر فقهی در تفسیر و علوم قرآن..... | ۱۲۶ |
| (ب) روش تحقیق فقهی در مطالعات قرآنی..... | ۱۲۶ |
| ششمین تقسیم روش تحقیق در مطالعات قرآنی (روش حدیثی)..... | ۱۳۲ |
| الف) شیوه تحقیق سندی..... | ۱۳۳ |
| (ب) شیوه تحقیق محتوایی..... | ۱۳۳ |

| | |
|-----|---|
| ۱۳۴ | ج) شیوه تحقیق صدوری..... |
| ۱۴۹ | هفتمین تقسیم روش تحقیق در مطالعات قرآنی (سمانتیک و هرمنوتیک)..... |
| ۱۴۹ | الف) روش سمانتیک..... |
| ۱۵۲ | ویژگی های مطالعات سمانتیک قرآن..... |
| ۱۵۴ | ب) روش هرمنوتیک..... |
| ۱۵۵ | ج) روش تعاملی..... |
| ۱۶۳ | هشتمین تقسیم روش تحقیق در مطالعات قرآنی (زبان‌شناسی، نشانه‌شناسی و...)..... |
| ۱۶۳ | الف) مطالعات زبان‌شناسی و شاخه‌های آن..... |
| ۱۶۴ | شاخه‌های زبان‌شناسی و کاربرد آنها در مطالعات قرآنی..... |
| ۱۶۹ | ب) نشانه‌شناسی:..... |
| ۱۷۴ | کارکردهای نشانه‌شناسی و نقش آنها در تفسیر قرآن..... |
| ۱۷۹ | ج) زبان قرآن..... |
| ۱۸۴ | ویژگی های زبان قرآن و قواعد کاربردی آن..... |
| ۱۸۹ | چکیده..... |
| ۱۸۹ | پرسش و پژوهش..... |
| ۱۹۱ | ۳. «روش های پژوهش در تفسیر»..... |
| ۱۹۱ | درآمد..... |
| ۱۹۲ | نخست: فرایند تحقیق و مطالعه در مورد یک آیه..... |
| ۱۹۲ | ۱. هدف‌شناسی..... |
| ۱۹۲ | ۲. فضاشناسی..... |
| ۱۹۳ | ۳. واژه‌شناسی و معناشناسی..... |
| ۱۹۳ | ۴. ظاهرشناسی با قرینه‌شناسی..... |
| ۱۹۴ | ۵. تأویل‌شناسی..... |
| ۱۹۵ | ۶. بطن‌شناسی و پیام‌گیری..... |
| ۱۹۵ | ۷. پیشینه‌شناسی آیه در تفاسیر (بررسی دیدگاه‌های مفسران)..... |
| ۱۹۶ | ۸. تفکر خلاق و جمع‌بندی (استنباط و اجتهاد)..... |
| ۱۹۶ | مراحل مطالعاتی یک آیه (از نگاهی دیگر)..... |
| ۱۹۷ | دوم: روش تحقیق در تفسیر ترتیبی..... |
| ۱۹۷ | مقدمه..... |
| ۱۹۷ | الف) روش تحقیق در تفسیر به ترتیب مصحف..... |
| ۲۰۰ | ب) روش تحقیق به ترتیب نزول..... |
| ۲۰۷ | سوم: روش تحقیق در تفسیر موضوعی..... |
| ۲۰۸ | الف) پیشینه..... |

- ب) ویژگی‌ها و آثار مطالعات موضوعی قرآن ۲۰۹
- ج) تفاوت‌ها و محدودیت‌های مطالعات تفسیر ترتیبی و موضوعی قرآن ۲۱۰
- د) تحقیق موضوعی قرآن مقدم است یا تحقیق ترتیبی؟ ۲۱۲
- ه) آسیب‌شناسی مطالعات موضوعی قرآن ۲۱۳
- چهارم: اقسام مطالعات و تحقیقات موضوعی قرآن ۲۱۴
- الف) تحقیق موضوعی درون قرآنی (تفسیر موضوعی سنتی) ۲۱۴
- ب) تحقیق موضوعی برون قرآنی ۲۳۲
- ج) تحقیق موضوعی تطبیقی قرآن ۲۳۲
- د) تحقیق موضوعی میان رشته‌ای قرآن ۲۳۳
- چکیده: ۲۳۵
- پرسش و پژوهش ۲۳۵
۴. روش‌های پژوهش در علوم قرآن ۲۳۷
- درآمد ۲۳۷
- الف) جمع قرآن ۲۳۷
- ب) نزول قرآن ۲۳۹
- ج) وحی ۲۴۰
- د) محکم و متشابه ۲۴۱
- ه) ناسخ و منسوخ ۲۴۲
- نسخ مشروط: ۲۴۳
- و) مکی و مدنی ۲۴۶
- ز) اسباب النزول ۲۴۷
- چکیده ۲۴۸
- پرسش و پژوهش ۲۴۸
۵. روش تحقیق در منطق فهم قرآن ۲۴۹
- مفهوم‌شناسی و زیرمجموعه‌ها ۲۴۹
- پرسش و پژوهش ۲۵۰
۶. روش‌های مطالعات قرآنی مستشرقان ۲۵۱
- درآمد ۲۵۱
- روش‌های تحقیق مستشرقان ۲۵۱
- بررسی و نقد: ۲۵۸
- چکیده ۲۶۴
- پرسش و پژوهش ۲۶۵

| | |
|-----|--|
| ۲۶۷ | ۷. «بهداشت پژوهش»..... |
| ۲۶۷ | درآمد..... |
| ۲۶۷ | الف) بهداشت جسم پژوهشگر..... |
| ۲۷۰ | ب) بهداشت معنوی (روحی و روانی) پژوهشگر..... |
| ۲۷۱ | ج) بهداشت محتوایی تحقیق (بهداشت قلم)..... |
| ۲۷۳ | د) آفت‌ها و موانع پژوهشگران..... |
| ۲۷۵ | ه) آسیب‌شناسی و موانع تولید علم..... |
| ۲۷۶ | آسیب‌های پژوهش‌های حوزه دین..... |
| ۲۷۶ | الف) آسیب‌های روش‌شناختی..... |
| ۲۸۳ | ب) آسیب‌های روان‌شناختی..... |
| ۲۸۷ | ج) آسیب‌های جامعه‌شناختی..... |
| ۲۹۱ | د) آسیب‌های مدیریتی و اجرایی..... |
| ۲۹۶ | ه) آسیب‌های علمی..... |
| ۲۹۹ | چکیده..... |
| ۳۰۰ | پرسش و پژوهش..... |
| ۳۰۱ | ۸. پژوهش‌نگاری..... |
| ۳۰۱ | درآمد..... |
| ۳۰۱ | نخست: شیوه طراحی پژوهش‌های قرآنی (هندسه پژوهش):..... |
| ۳۰۲ | ۱. عنوان..... |
| ۳۰۲ | ۲. تبیین موضوع (مسئله و اصطلاحات)..... |
| ۳۰۳ | ۳. اهمیت و ضرورت..... |
| ۳۰۳ | ۴. تاریخچه..... |
| ۳۰۳ | ۵. انگیزه پژوهشگر..... |
| ۳۰۴ | ۶. پرسش‌های تحقیق..... |
| ۳۰۴ | ۷. اهداف پژوهش..... |
| ۳۰۴ | ۸. فرضیه تحقیق..... |
| ۳۰۵ | ۹. پیش‌فرض‌ها..... |
| ۳۰۵ | ۱۰. نوع تحقیق و روش آن:..... |
| ۳۰۶ | ۱۱. منابع پژوهش..... |
| ۳۰۷ | ۱۲. محدودیت‌های پژوهش و پژوهشگر..... |
| ۳۰۷ | ۱۳. سرفصل‌ها..... |
| ۳۱۲ | مرحله بعد از پژوهش..... |
| ۳۱۷ | دوم: قلمرو و بایسته‌های پژوهش‌های قرآنی..... |

| | |
|-----|--|
| ۳۲۱ | سوم: معرفی برخی موضوعات پژوهش قرآنی |
| ۳۲۲ | چهارم: معرفی مهم‌ترین منابع پژوهش‌های قرآنی |
| ۳۲۲ | ۱. کتاب‌شناسی روش‌ها و گرایش‌های تفسیری |
| ۳۳۲ | ۲. کتاب‌شناسی تفسیر (مهم‌ترین و مشهورترین کتب تفسیر) |
| ۳۳۷ | ۳. کتاب‌شناسی مستشرقان |
| ۳۵۰ | ۴. کتاب‌شناسی تفسیر علمی |
| ۳۶۵ | ۵. حوزه علوم قرآن |
| ۳۶۶ | ۶. حوزه ترجمه قرآن |
| ۳۶۶ | ۷. حوزه ادبیات قرآنی |
| ۳۶۷ | ۸. حوزه فقه پژوهشی قرآن |
| ۳۶۷ | ۹. حوزه منطق فهم قرآن |
| ۳۶۷ | ۱۰. حوزه تفسیر تطبیقی |
| ۳۶۷ | ۱۱. حوزه تفسیر موضوعی |
| ۳۶۸ | ۱۲. منابع حدیثی |
| ۳۶۹ | پرسش و پژوهش |
| ۳۷۱ | فهرست منابع |

۱

کلیات

اهداف: (۱) آشنایی با مفاهیم تحقیق، تفسیر و علوم قرآن؛ (۲) آشنایی با تاریخچه روش تحقیق در تفسیر و علوم قرآن؛ (۳) شناخت اهمیت و جایگاه روش تحقیق در تفسیر و علوم قرآن.

درآمد

﴿إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمٌ﴾^۱

«قرآن کریم»، چشمه جوشان معارف الهی و سفره‌ای پر نعمت است که فراروی بشریت گشوده شده و تا فرجام جهان، یگانه برنامه زندگی انسان خواهد بود. استفاده از این کتاب الهی و بهره‌مندی از تعالیم حیات بخش آن، مبتنی بر روش تحقیق خاصی بوده و آمادگی‌های ویژه‌ای را می‌طلبد، تا انسان بتواند با تدبّر در آیات آن، به راه سعادت رهنمون شود. مفسّران و ارباب علوم قرآن، برخی از این روش‌ها را بیان نموده‌اند. گاه، برخی از این موارد در علوم مقدّماتی، هم‌چون: «منطق» و «اصول فقه» بیان شده‌اند. نوشتار حاضر بر آن است که روش‌های مطالعات قرآن را به شیفتگان «قرآن کریم» عرضه داشته و آنها را در قالب «منطق تفسیر قرآن» سامان دهد.

مفهوم‌شناسی منطق تفسیر

مقصود از منطق تفسیر قرآن، «مبانی، قواعد، سنجه‌ها، روش‌ها، گرایش‌ها و شیوه تحقیق در تفسیر قرآن است که مراعات آنها می‌تواند از خطای مفسّران جلوگیری کند» و به

۱. اسراء، آیه ۹.

عبارت دیگر: قواعد و ضوابط و روش‌های استنباط از «قرآن کریم» است که راه برداشت صحیح از قرآن را به پژوهشگر و مفسر می‌آموزد. بنابراین، منطق تفسیر قرآن شامل موارد ذیل است:

الف) مبانی تفسیر؛

ب) قواعد تفسیر؛

ج) روش‌های تفسیری؛

د) گرایش‌های تفسیری؛

ه) روش پژوهش در تفسیر و علوم قرآن.

پیشتر در آثار ارائه شده در **منطق تفسیر قرآن (۱)** به موارد نخست و دوم پرداخته و در **منطق تفسیر قرآن (۲)** موارد سوم و چهارم را مورد بررسی قرار داده و در **منطق تفسیر قرآن (۳)** مورد آخر را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

شیوه‌نامه کتاب

الف) اهداف کتاب

۱. تبیین روش‌های تحقیق خاص تفسیر و علوم قرآن؛
۲. توضیح اجمالی روش‌های تحقیق مشترک تفسیر و علوم دیگر؛
۳. نقد و بررسی مختصر دیدگاه‌ها در موارد فوق؛
۴. سامان‌دهی روش‌های تحقیق مطالعات قرآنی در قالب آموزشی؛

ب) ویژگی‌های متن

۱. تعریف و بررسی روش‌های مطالعات قرآنی، جداسازی و تبیین مرزهای هر یک از آنها؛
۲. بهره‌گیری از مطالب جدید دانش تفسیر، هم‌چون: زبان قرآن، قرآن و فرهنگ زمانه و روش‌های مطالعات قرآنی مستشرقان؛
۳. توجه به روش‌های مطالعات تطبیقی قرآن با کتاب‌های مقدس دیگر و نیز، تفاسیر شیعه و اهل سنت؛

۴. توضیح روش‌های تحقیق در تفسیر ترتیبی، موضوعی، علوم قرآن، منطق تفسیر قرآن و بیان مثال‌های واقعی از هر یک؛

۵. ارائه مطالب متناسب با متن آموزشی؛

۶. تدریس مکرر متن در مراکز آموزشی، از جمله دوره تربیت پژوهشگری تفسیر و علوم قرآن، مرکز تخصصی تفسیر حوزه علمی قم و جامعه المصطفی ع العالمیه و... و نیز آزمایش، باز خوردگیری و اعمال آنها در متن.

ج) نکات آموزشی

توجه اساتید محترم به نکات زیر برای تدریس این متن ضروری است:

۱. با توجه به اهداف آموزشی که در اول درس‌ها آمده، مطالب عمده درس توسط استاد در کلاس مطرح شده و مطالعه جزئیات آن به عهده دانش‌پژوهان واگذار شود.

۲. در هر درس، پژوهش‌های جدیدی ارائه شده که تحقیق آنها به عهده دانش‌پژوهان است و از جلسه دوم، یک سوم زمان کلاس به ارائه کنفرانس آنان در زمینه فوق اختصاص می‌یابد.

۳. در هر درس، مثال‌های زیادی بیان شده که می‌توانند مبنای تمرین هر مبحث در کلاس باشند.

۴. استاد محترم در هر درس، کتاب‌های مربوط به آن را در کلاس ارائه، دانش‌پژوهان را با آنها آشنا نموده و با استفاده از منابع ذکر شده در آخر هر درس، دانش‌پژوهان را با منابع مطالعاتی بیشتری آشنا می‌سازد.

۵. پیشنهاد می‌شود نمره درس به سه بخش تقسیم شود: یک سوم برای کنفرانس، یک سوم برای تحقیق و یک سوم برای امتحان کتبی.

۶. امتحان این درس می‌تواند به دو صورت انجام شود:

نخست: از میان پرسش‌های آخر هر درس یک پرسش انتخاب شود؛

دوم: بخشی از متن یک تفسیر یا کتاب علوم قرآن، تکثیر شده و همراه برگه امتحانی در اختیار دانش‌پژوهان قرار گیرد تا روش‌های تحقیق به‌کار برده شده در آن را مشخص سازند.

۷. استاد محترم با بیان اصل مطلب و دیدگاه‌های متفاوت در مورد هر روش مطالعاتی، دانش‌پژوهان را به تأمل و تفکر ترغیب نموده و از آنها می‌خواهد که مطلب مورد نظر را نقد کنند؛ آن‌گاه با اضافه کردن مطلبی به نتیجه‌گیری می‌پردازد. به عبارت دیگر: کتاب حاضر فقط افزایش محفوظات دانش‌پژوهان را مد نظر نداشته، بلکه تفکر انتقادی و منطق تحقیق را به آنان می‌آموزد و در ضمن آموزش، قدرت تشخیص و استنباط آنها را در پژوهش روشمند می‌سازد.

سپاس‌گزاری

سپاس خدای متعال را که به ما توفیق انس با وحی الهی و خدمت‌گزاری به آستان قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام را عنایت فرمود و نیز از همه اساتیدی که ما را در آفرینش این اثر قرآنی راهنمایی کردند، به‌ویژه مسئولان، مسئول محترم تدوین متون درسی و مسئولان محترم انتشارات جامعه المصطفی ص العالمیه سپاس‌گزاری می‌کنم. امید است این خدمت قرآنی، مورد قبول خدای متعال و پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه اهل بیت علیهم‌السلام و مورد عنایت پیشگامان تفسیر و پژوهش قرآن، قرار گیرد و گامی در پیشبرد روشمند مطالعات قرآن در عصر حاضر باشد.

پیشاپیش از اساتید و قرآن‌پژوهانی که با انتقادات سازنده خود، ما را در تکمیل این اثر قرآنی یاری رساندند، تشکر می‌کنیم.

«هذا من فضل ربّي»

والحمد لله رب العالمين، قم

محمدعلی رضایی اصفهانی

ش ۱۳۸۶/۱۱/۲۳

مقدمه

این بخش، به ارائه مطالب کلی اختصاص دارد که بیان آنها پیش از پرداختن به بحث روش‌های تحقیق در تفسیر و علوم قرآن، لازم است. و این مطالب به صورت اصول موضوعه و پیش فرض از علوم و مباحث دیگر گرفته شده و یا به عنوان مقدمه و زمینه ورود به مباحث، ضروری هستند:

نخست: اهمیت و ضرورت طراحی روش تحقیق خاص برای تفسیر و علوم قرآن

روش تحقیق، یکی از مباحث مهم مقدماتی هر دانش است که شناخت و ممارست آن، از چند جهت پژوهشگر را در رسیدن به اهداف مورد نظر یاری می‌رساند:

۱. مصونیت بیشتر پژوهش: شناخت روش تحقیق، مستلزم شناخت شیوه ورود، سازماندهی و نتیجه‌گیری در هر علم و آگاهی از ضوابط و سنجه‌های حاکم بر آن است؛ از این رو، احتمال خطا و انحراف در پژوهش را به حداقل می‌رساند.

۲. تسریع پژوهش: شناخت و به‌کارگیری روش تحقیق در هر علم، بر سرعت مطالعه و پژوهش در آن علم می‌افزاید؛ چنان‌که می‌توان در زمان کمتری، تحقیق بیشتری انجام داد.

۳. تعمیق پژوهش: شناخت و به‌کارگیری روش‌های پژوهش نوآمد، زمینه‌ساز ژرف‌اندیشی و تعمیق تحقیق شده و پژوهشگر را از سطحی‌نگری دور می‌سازد.

۴. روز آمد شدن پژوهش: توجه به روش تحقیق، باعث می‌شود که محقق از شیوه‌های نوین پژوهش آگاه شد و پژوهشی نوآمد ارائه کند.

روش تحقیق به صورت کلی به دو بخش تقسیم می‌شود:

الف) روش تحقیق عام: اصول و قواعد عام پژوهش که برای همه علوم بیان می‌شود. آشنایی با این شیوه عام بر هر پژوهشگر لازم است. البته روش تحقیق از موضوع این نوشتار خارج است؛ چون فرض این است که مخاطبان با روش تحقیق عمومی، قبلاً آشنا شده‌اند.

ب) روش تحقیق خاص هر علم: اصول و قواعد خاص پژوهش در هر رشته علمی که می‌تواند پژوهشگران آن رشته را از آخرین روش‌های تحقیق در آن علم آگاه سازد. موضوع این نوشتار نیز، همین روش تحقیق خاص است.

دوم: مفهوم‌شناسی واژگان

در این کتاب از واژه‌های زیر استفاده می‌شود:

۱. **تفسیر:** کشف و پرده‌برداری از ابهام کلمات و جمله‌های قرآن و نیز، توضیح مقاصد و اهداف آنهاست. به عبارت دیگر: مقصود از تفسیر، تبیین مراد استعمالی آیات قرآن و آشکار کردن مراد جدی آن بر اساس قواعد ادبیات عرب و اصول عقلایی محاوره است.^۱

۲. **علوم قرآن:** مجموعه دانش‌های برون‌قرآنی که در مورد قرآن بحث می‌کند. این دانش‌ها، به دو بخش «علوم قرآن سنتی» هم‌چون: تاریخ قرآن، مکی و مدنی، ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه و... و نیز، «علوم قرآن جدید» هم‌چون: زبان قرآن، هرمنوتیک و... تقسیم می‌شوند.

۳. **روش:** «روش تحقیق» را این‌گونه تعریف کرده‌اند: «ارائه مهارت‌ها و تجربه‌هایی، که دستیابی به هدف را آسان‌تر و علمی‌تر می‌سازد و با وقت کمتر، نتایج بیشتری به دست می‌آید».^۲ به بیان دیگر: روشی تحقیق استفاده از ابزارها، قواعد، مهارت‌ها و

۱. تعریف تفسیر، معمولاً در مبانی روش‌های تفسیری بیان می‌شود. در این‌جا حاصل سخن مفردات راغب اصفهانی، تاج‌العروس، قاموس قرآن، علامه طباطبایی (المیزان، ج ۱، ص ۴)، سیوطی (الاتقان فی علوم القرآن، ج ۲، ص ۱۹۲) و طبرسی (مجمع‌البیان، ج ۱، ص ۱۳) بیان شد. در کتاب درآمدی بر تفسیر قرآن، ص ۳۵ - ۳۹ دیدگاه‌های آنان و نیز جمع‌بندی آن آمده است.

۲. روش‌ها، جواد محدثی، ص ۶۷.

شیوه‌های کاربردی نوین در مطالعات قرآنی است که منتهی به مستندات و شواهد جدید در تفسیر قرآن شده یا به ارائه راهکارهای نوین در روش‌های تفسیری بیانجامد.

به عبارت دیگر: روش تحقیق در تفسیر و علوم قرآن - نسبت به قرآن - دانش چهارم به شمار می‌آید. چون موضوع تفسیر، خود قرآن است و روش‌های تفسیری در مورد چگونگی تفسیر قرآن بحث می‌کند و روش تحقیق فوق‌الذکر، چگونگی پژوهش در روش‌های تفسیری را مورد بررسی قرار می‌دهند که در مورد علوم قرآن نیز همین‌گونه است.^۱

۴. تحقیق: در مورد پژوهش و تحقیق، تعریف‌ها و دیدگاه‌های متعددی ارائه شده است که به برخی از مهم‌ترین آنها اشاره می‌کنیم:

الف) تحقیق، مجموعه اقداماتی است که برای کشف قسمتی از مشخصات جهان حقیقی انجام می‌گیرد.^۲

ب) تحقیق بررسی نظام یافته، کنترل شده، تجربی و انتقادی در پدیدارهاست که روابط احتمالی بین این پدیده‌ها، با نظریه و فرضیه هدایت می‌شود.^۳

نکته: دو تعریف اخیر بر اساس و برای تحقیقات تجربی سامان یافته‌اند.

ج) تحقیق عبارت است از یک عمل منظم، که در نتیجه آن، پاسخ‌هایی برای سؤال‌های مورد نظر و مطرح شده در موضوع تحقیق به دست می‌آید؛ اعم از این‌که حاصل آن، بنیادی^۴ یا کاربردی^۵ باشد. محقق سعی دارد حقایقی را آشکار کند و بر اساس تعبیر و تفسیر این حقایق به دانشی دست یابد.^۶

د) تحقیق، پردازش اطلاعات برخوردار از انتظام، متعلق به گستره خاصی از علوم و دارای هویت جمعی است که به نوآوری می‌انجامد.^۷

۱. در مباحث بعدی (رابطه روش‌های تفسیر قرآن با روش تحقیق) این مطلب را توضیح می‌دهیم.

۲. مقدمه‌ای بر روش تحقیق، مصدق، کرمان، مؤسسه‌های مدیریت کرمان، ج ۱، ص ۹۳.

۳. مبانی پژوهش در علوم رفتاری، آنفرد کرلینجر، ترجمه حسن پاشا شریفی و جعفر نجفی‌زاده (تهران، آوای نور، ۱۳۷۴ ش) ج ۱، ص ۳۱.

4. Fundamintal.

5. Applied.

۶. روش‌های تحقیق و چگونگی ارزشیابی آن در علوم انسانی، دکتر عزت‌الله نادری و دکتر مریم سیف نراقی، ص ۳۴.

۷. روش‌شناسی مطالعات دینی، احد فرامرز قراملکی، ص ۲۵.

ه) تحقیق از ریشه «حق» به معنای درست، استوار و ثابت ساختن است و تحقیق به معنای درستی چیزی را به اثبات رساندن و حق بودن مطلبی را آشکار ساختن و به عبارتی: شناخت «هست» هاست. یک تلاش فکری و علمی برای یافتن مطلب درست و حق و ارائه و اثبات آن است.^۱

نکته: در این تعریف‌ها بر حقیقت‌یابی^۲ و گسترش دانش تأکید شده است. در مورد تفاوت تحقیق و تألیف نوشته‌اند که: «تألیف» به معنای پیوند زدن، به هم آمیختن، گردآوری مطالب متناسب با هم در یک مجموعه است و مؤلف صرفاً گرد آورنده مطالب و تنظیم کننده آنهاست؛ اما محقق از اندیشه‌ای نقاد و دیدگاهی عمیق برخوردار بوده و صاحب نظر است؛ چنان‌که نظریه‌ها را با برهان و دلیل اثبات یا ردّ نموده، یا مطلب جدیدی را کشف، یا تکمیل می‌کند.^۳

در مجموع می‌توان گفت: «تحقیق، پردازش اطلاعات برخوردار از انتظام، در مورد مسئله‌ای خاص از علوم در راستای کشف حقیقت است که معمولاً به نوآوری یا تثبیت حق یا ردّ نظریه‌های قبلی منتهی می‌شود».

برخی از صاحب‌نظران، ارکان شش‌گانه زیر را برای پژوهش ارائه نموده‌اند:

۱. **اطلاعات:** که باید شامل اطلاعات تحلیل شده و نه داده‌های خام باشد و نیز اطلاعات مرتبط با هم‌دیگر، کافی و کامل، صادق، دقیق، واضح و متمایز، نو و مستند و غیر متناقض جمع‌آوری شوند؛

۲. **پردازش:** لازم است اطلاعات جمع‌آوری شده، مورد پردازش و تحلیل روشمند قرار گیرند؛

۳. **انتظام:** پردازش اطلاعات هر پژوهش باید با نظم و انضباط انجام پذیرد تا به نظام‌مندی تحقیق بیانجامد.

۴. **تعلق به گستره خاص:** هر برنامه پژوهشی لازم است به شاخه خاصی از علوم تعلق گیرد. تا به حل مسئله بینجامد.

۱. روش‌ها، جواد محدثی، ص ۶۶.

2. Fact Finding.

۳. همان، ص ۶۶ - ۶۷.

۵. هویت جمعی: این مطلب، لازمه تعلق به گستره‌ای معین است؛ یعنی: هر پژوهش، عضوی از هویت جمعی علم است. (پس مقصود در این جا کار گروهی در تحقیق نیست).

۶. نوآوری: در این جا از برنامه آموزشی و ترویجی جدا می‌شود؛ چون هدف از تحقیق، تولید علم است، نه انتقال یافته‌های علمی^۱.

تذکر: گاهی به تحقیقات قرآنی، مطالعات قرآنی نیز گفته می‌شود. در این موارد، مقصود از مطالعه، اعم از مطالعه مصطلح هر کتاب که مقدمه تحقیق آن است نمی‌باشد، بلکه مراد، مطالعه منتج است که شامل تحقیق و پژوهش نیز می‌شود.

سوم: پیشینه

در مورد روش تحقیق عمومی، کتاب‌های متعددی نگارش شده‌اند؛ ولی روش تحقیق در تفسیر و علوم قرآن از مباحث نوآمد است و کتاب‌ها و مقالات اندکی در ارتباط با این موضوع نگاشته شده‌اند.

شاید بتوان ریشه‌های این مبحث را در مقدمه تفاسیری هم‌چون تبیان، اثر شیخ طوسی (۳۸۵ - ۴۶۰ ق.) و مجمع البیان، اثر طبرسی (م ۵۴۸ ق.) یافت که در ضمن مباحث، به روش تحقیق لغوی و روایی اشاره نموده‌اند^۲.

در کتاب الاتقان، اثر سیوطی (م ۹۱۱ ق.) نیز، برخی ریشه‌ها و نمونه‌هایی از روش تحقیق تأویلی، لغوی و... یافت می‌شود^۳. همان‌طور که در آن و کتب دیگر علوم قرآن به مباحث مکی و مدنی و محکم و متشابه اشاره شده که اشاره‌ای به نوعی از روش‌های تحقیق درون‌متنی قرآن است.

و در عصر حاضر نیز، کتاب‌های متعددی تحت عنوان روش‌ها و گرایش‌های تفسیری و مانند آن نگاشته شده که در ضمن مباحث، اشاراتی به روش تحقیق در تفسیر و علوم قرآن داشته‌اند؛ برای مثال: دکتر ذهبی در التفسیر و المفسرون و علامه معرفت (م ۱۳۶۵ ق.)

۱. ر. ک: روش‌شناسی مطالعات دینی، احد فرامرز قراملکی، ص ۲۵ - ۴۵.

۲. ر. ک: تفسیر تبیان، شیخ طوسی، ج ۱، (مقدمه) ص ۴.

۳. ر. ک: الاتقان فی علوم القرآن، ج ۲، ص ۳۸۱ به بعد و ج ۱، ص ۲۴۴، ۲۸۳ و ۲۸۸.

در التفسیر والمفسرون فی ثوبه القشيب» و اصول التفسیر و قواعد خالد عبدالرحمن العک و استاد عمید زنجانی در کتاب مبانی و روش های تفسیر قرآن؛ نگارنده، در کتاب منطق تفسیر قرآن (۲) و دکتر حسین علوی مهر در روش ها و گرایش های تفسیری و دکتر سید رضا مؤدب «روش های تفسیر قرآن» مطالبی را پیرامون روایات تفسیری و شیوه تحقیق در آنها آورده اند. استاد عمید زنجانی و نگارنده نیز، پیرامون هرمنوتیک و رابطه آن با تفسیر قرآن به مطالبی که مربوط به روش تحقیق در تفسیر است پرداخته اند.

کتاب هایی که در مورد «روش تفسیر موضوعی قرآن» نگاشته شده اند نیز، معمولاً به روش تحقیق تفسیر موضوعی پرداخته اند از جمله این آثار، می توان به موارد زیر اشاره نمود:

- روش شناسی تفاسیر موضوعی قرآن، اثر سید هدایت جلیلی؛
- التفسیر الموضوعی بین النظرية و التطبيق، صلاح عبدالفتاح خالدی؛
- منهجية البحث فی التفسیر الموضوعی للقرآن الکریم، زیاد خلیل محمد دغامین؛
- المدخل الی التفسیر الموضوعی، عبدالستار فتح الله سعید؛
- المدرسة القرآنية، التفسیر الموضوعی و التفسیر التجزیئی فی القرآن الکریم، سید محمد باقر صدر؛

- حق و باطل از دیدگاه قرآن و مردم، همراه با روش تحقیق موضوعی در قرآن و راهنمای تحقیق موضوعی درباره حق و باطل، یوسف قرضاوی.

اما به صورت خاص، در این زمینه، فقط یک کتاب با عنوان روش تحقیق در تفسیر موضوعی اثر دکتر لسانی فشارکی و همکار ایشان، وجود دارد؛ البته کتابی نیز تحت عنوان کتابة البحث العلمی و مصادر الدراسات القرآنية والسنة النبوية و العقيدة الاسلامیة از دکتر عبدالوهاب ابراهیم ابوسلیمان انتشار یافته که آن هم بیشتر به معرفی منابع تحقیق قرآنی و روش پایان نامه نویسی پرداخته است.

برخی از کتاب ها نیز، به یک یا چند روش تحقیقی خاص در مطالعات قرآنی توجه کرده اند؛ از جمله: ایزوتسو در کتاب خدا و انسان در قرآن، نقش نشانه شناسی را در تفسیر قرآن لحاظ کرده؛ نصر حامد ابوزید، در آثار خود به نقش مجاز و فرهنگ عرب در فهم و تفسیر توجه نموده؛ محمد آرکون نیز، در مقاله نگرش های انتقادی معاصر در دائرة المعارف

قرآن، به روش‌های نشانه‌شناسی، زبان‌شناسی، تحلیل تاریخی، روان‌شناسی و انسان‌شناسی توجه داده است. البته مستشرقان با پیش‌فرضی خاص، وارد مطالعات قرآنی می‌شوند که در یک فصل مستقل از این کتاب به بررسی دیدگاه‌های آنها می‌پردازیم.

چهارم: رابطه روش تحقیق با مفاهیم هم‌خوان

در مورد روش‌ها و گرایش‌های تفسیری، تقسیم‌بندی‌های متعددی از جهت‌های مختلف صورت گرفته است. ما نخست، تقسیم‌بندی مطلوب روش‌ها و گرایش‌ها را می‌آوریم و سپس به دیدگاه‌های صاحب‌نظران در این مورد اشاره می‌کنیم:

نخست: تقسیم روش‌های تفسیری (مناهج تفسیری)

روش‌های تفسیر قرآن، بر اساس کیفیت استخراج معانی و مقاصد آیات و با توجه به منبع و ابزار مورد استفاده در تفسیر، به دو قسم عمده و اقسام فرعی زیر تقسیم‌پذیر هستند:

الف) روش‌های تفسیری ناقص

۱. روش تفسیر قرآن به قرآن؛
۲. روش تفسیر روایی (تفسیر براساس سنت)؛
۳. روش تفسیر علمی (تفسیر، با استخدام علوم تجربی در فهم قرآن)؛
۴. روش تفسیر اشاری (عرفانی، صوفی، باطنی، رمزی و شهودی)؛
۵. روش تفسیر عقلی و اجتهادی؛
۶. روش تفسیر به رأی (روش ممنوع در تفسیر قرآن).

ب) روش تفسیر کامل قرآن

مقصود از روش تفسیر کامل قرآن، روشی است که در آن از همه روش‌های صحیح تفسیر (روش‌های پنج‌گانه نخست که در بالا آمد) استفاده می‌شود تا مقصود آیات به‌طور همه‌جانبه دریافت و بیان شود.

در حقیقت، برای تفسیر صحیح و معتبر قرآن باید از تمام روش‌های صحیح (پنج‌گانه) در جای مناسب آن استفاده کرد. البته ممکن است برخی از روش‌ها در مورد برخی از آیات کاربرد نداشته باشند؛ مثلاً: روایتی در مورد آیه خاص قرآن وجود نداشته باشد و یا نکته علمی (علوم تجربی) در یک آیه یافت نشود. بنابراین «روش کامل»، در مورد آن دسته از آیات کاربرد دارد که بتوان از روش‌های مناسب و متعدد - تا حد امکان - بهره جست؛ البته تعداد زیر مجموعه‌های روش تفسیر کامل، بستگی به آیه و امکان بهره‌جویی از روش‌های صحیح در آن دارد.

تذکر: روش تفسیر به رأی، روش صحیح و معتبری در تفسیر قرآن نیست و در حقیقت، تفسیر قرآن تلقی نمی‌شود - که توضیح آن در مبحث روش تفسیر به رأی خواهد آمد - بنابراین، ذکر آن در بین روش‌های تفسیری، برای رد آن و گوشزد کردن خطر آن است؛ یعنی: اگر روش‌های تفسیری را اعم از صحیح و باطل در نظر بگیریم، آن‌گاه روش تفسیر به رأی نیز، داخل در آنهاست.

دوم: تقسیم‌گرایش‌های تفسیر قرآن

گرایش‌های تفسیر قرآن بر اساس باورها، افکار، جهت‌گیری‌ها، سبک پردازش، تخصص علمی و سلیقه‌های مفسران قرآن، به شیوه‌های فرعی زیر تقسیم می‌شود:

الف) مذاهب تفسیری

صاحبان مذاهب اسلامی، براساس باورهای خویش به تفسیر آیات قرآن پرداخته‌اند؛ به طوری که گاهی یک مذهب، شیوه خاصی را در تفسیر خویش برگزیده است؛ برای مثال: مفسران شیعه، بر اساس رهنمودهای اهل بیت علیهم‌السلام، به ظاهر و باطن قرآن و آیات مربوط به اهل بیت علیهم‌السلام توجه کرده، موضوع عصمت پیامبران را در تفسیر آیات رعایت نموده‌اند؛ از این رو، به شیوه خاصی در تفسیر دست یافته‌اند؛ چنان‌که «اسماعیلیه» به تفاسیر باطنی و رمزی و «خوارج» به شیوه خاص خود به تفسیر قرآن پرداخته‌اند و هر یک مذهب تفسیری خاص خود را دارند شاید بتوان تفسیرهای «صوفیه» را نیز به مذاهب تفسیری ملحق ساخت.

ب) مکاتب تفسیری (گرایش کلامی)

برخی از طرفداران مکاتب کلامی، مانند: «معتزله»، «اشاعره» و «متکلمان شیعه»، اقدام به تفسیر قرآن براساس گرایش فکری خویش نموده‌اند؛ برای مثال: تفسیر کشاف اثر زمخشری با گرایش معتزلی نوشته شده است.

ج) سبک‌های تفسیری (الوان تفسیر)

مفسران قرآن، بر اساس تخصصی که در علم خاص داشته‌اند، یا براساس علاقه و ذوقی که به یک علم یا مبحث خاص داشته‌اند، در نگارش تفسیر به طرف همان مبحث یا علم رفته‌اند و مطالب آن را در تفسیر خود بیشتر مطرح کرده‌اند؛ از این رو، گرایش‌ها و سبک‌های تفسیری متفاوتی به وجود آمده است؛ از جمله: گرایش‌ها و سبک‌های ادبی، فقهی، اجتماعی، عرفانی، اخلاقی و تاریخی.

د) جهت‌گیری‌های عصری در تفسیر (اتجاهات تفسیری)

گاه به جهت احساس نیاز و ضرورت، ذهن و روان مفسران قرآن در تعامل با شرایط و مسائل عصر خود، به یکی از آنها تمایل یافته و سمت و سوی خاص به خود می‌گیرد.

هم‌چنین گاه مسائل معنوی، تربیتی و اخلاقی، مهم‌ترین جهت‌گیری مفسر است؛ از این رو، در نگارش تفسیر قرآن نیز به آیات اخلاقی و معنوی توجه بیشتر شده است؛ مانند تفسیر: «في ظلال القرآن» و ...

هم‌چنین گاه توجه و جهت‌گیری مفسر، جهادی و سیاسی و مبارزه با حکومت‌ها یا صهیونیست‌هاست؛ از این رو، به آیات مرتبط با این موضوع، توجه بیشتری مبذول می‌شود؛ مانند: «تفسیر مبین» اثر محمد جواد مغنیه.

گاهی نیز مفسر، به تقریب بین مذاهب اسلامی و وحدت اسلامی می‌اندیشد؛ از این رو، در تفسیر خود به آیات مربوط به «وحدت» توجه بیشتری می‌کند.

سوم: اسلوب‌های تفسیری (شیوه‌های نگارش تفسیر)

شیوه نگارش مفسران در تفسیر، یک‌سان نیست و براساس سلیقه و ذوق و یا با توجه به مخاطب خاص، اسلوب‌های نگارش و سبک پردازش مطلب متفاوت است: **تفسیر ترتیبی:** در این تفسیر از اول تا آخر قرآن، آیه به آیه تفسیر می‌شود؛ مانند تفسیر المیزان، نمونه و مجمع البیان.

تفسیر موضوعی: در این گونه از تفسیر، یک موضوع را در آیات و سوره‌های مختلف، پیگیری کرده و مطالب مربوط به آن را جمع‌آوری و نتیجه‌گیری می‌کنند؛ مانند تفسیر پیام قرآن، تألیف آیه‌الله مکارم شیرازی، منشور جاوید اثر آیه‌الله سبحانی و ...

تفسیرها از حیث حجم و کمیت، متفاوت هستند؛ برخی مختصر، برخی متوسط و برخی طولانی و مفصل می‌باشند؛ مانند سه تفسیر **الاصفی، مصفی و صافی** اثر مرحوم فیض کاشانی که اولی مختصر، دومی متوسط و سومی مفصل است و همین‌گونه است، سه تفسیر **الوجیز، الجوهر الثمین و صفوة التفاسیر** اثر مرحوم شبّر و سه تفسیر **جوامع الجامع، مجمع البیان و الکاف الشاف** اثر مرحوم طبرسی.

گاه تفسیرها به صورت شرح و متن ارائه شده‌اند؛ یعنی: آیه را متن و تفسیر را شرح آن قرار داده‌اند؛ مانند تفسیر **المیزان**. گاهی تفسیر و آیات، مخلوط و به صورت مزجی است؛ مانند: تفسیر **شبّر و نفحات الرحمان** اثر نه‌اوندی.

گاه نیز، اثر نگاشته شده، تفسیر کامل آیات قرآن است؛ مانند **مجمع البیان**. گاهی ناقص و دربرگیرنده تعدادی از آیات یا سوره‌های قرآن است؛ مانند: **احکام القرآن** اثر راوندی که شامل آیات فقهی قرآن است و تفسیر **آلاء الرحمن** اثر بلاغی. هم‌چنین گاه تفسیر، جامع علوم قرآن، فنون قرائات، لغت، ادب، اقوال و روایات است و گاهی تفسیر تخصصی است؛ مانند تفسیرهای روایی یا ادبی.

تذکره ۱: تقسیم‌های دیگری نیز در گرایش‌های تفسیری موجود است و گاهی از این نام‌ها به جای یک‌دیگر استفاده شده و گاهی بین روش و گرایش خلط شده است؛ ولی ما آنچه که مطلوب و صحیح‌تر به نظر می‌رسید، ارائه نموده و در ادامه، دیدگاه‌های صاحب‌نظران را بیان و مورد بررسی قرار می‌دهیم.

تذکره ۲: گاهی برخی شیوه‌های تفسیری از جهتی، در شمار روش‌های تفسیر و از جهت دیگر، در زمره گرایش‌های تفسیری قرار می‌گیرند. برای مثال: روش تفسیر علمی از آن جهت که استخدام علوم در فهم قرآن بوده و نتایج مشخص و جدیدی به دنبال دارد و نیز، از منبع و ابزار خاص در تفسیر استفاده می‌کند، از جمله روش‌های تفسیری به شمار می‌رود و از آن جهت که برخی مفسران — هم‌چون طنطاوی در الجواهر، مطالب زیاد علوم تجربی را در تفسیر نقل کرده‌اند، گرایش تفسیری به شمار می‌آید. این مطلب نسبت به روش «تفسیر اشاری» (عرفانی و باطنی) و روش «تفسیر روایی» نیز صادق است.

تذکره ۳: روش‌ها یا گرایش‌های تفسیری، نفی‌کننده یک‌دیگر نیستند؛ بلکه یک‌دیگر را تکمیل می‌کنند؛ بنابراین، پذیرش یکی از آنها، مانع از پذیرش روش و گرایش دیگری نیست. آری روش تفسیر به رأی و برخی شیوه‌های فرعی روش تفسیر علمی و اشاری، مردود هستند و تفسیر قرآن بر اساس آنها ممنوع است که در ادامه بدان خواهیم پرداخت.

بررسی رابطه مباحث فوق با روش تحقیق در تفسیر

در تفسیر قرآن می‌توان چند نوع دانش و معرفت را در نظر گرفت^۱:
دانش درجه اول: شناخت حقیقت قرآن، که نزد خدای متعال در لوح محفوظ است.^۲ این معرفت شهودی و خطاناپذیر و مشروط به شرایطی هم‌چون طهارت معنوی است^۳ که ممکن است جز برای افراد اندکی مانند معصومان علیهم‌السلام حاصل نشود.

دانش درجه دوم: تفسیر مصطلح «قرآن کریم»؛ یعنی: فهم معانی و مقاصد آیات قرآن براساس مستندات، منابع و قرائن، که توسط مفسران صورت می‌گیرد. موضوع تفسیر، قرآن (مصحف) است و از آن‌جا که تفسیر مصطلح کاری بشری و غیر

۱. در این موارد معمولاً از واژه‌هایی هم‌چون: «معرفت درجه اول، معرفت درجه دوم و...» استفاده می‌شود؛ ولی ما از تعبیر «دانش» استفاده کردیم؛ چرا که کاربرد واژه معرفت در مورد روش‌های نظری و روش تحقیق مشکل است. البته ممکن است از این موارد به «مراحل» نیز تعبیر شود.

۲. ﴿بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَّجِيدٌ * فِي لَوْحٍ مَّحْفُوظٍ﴾ بروج، آیه ۲۱.

۳. ﴿لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ﴾ واقعه، آیه ۷۹.

معصومانه است، این معرفت، خطاپذیر خواهد بود؛ ولی مفسر می‌تواند با شناخت منطق تفسیر قرآن و ضابطه‌مند کردن تفسیر خویش، تا حدود زیادی از خطاها جلوگیری کند و تفسیر معتبری را ارائه نماید.

در همین جاست که ممکن است گرایش‌های تفسیر قرآن و حتی تفسیر به رأی شکل گیرد؛ یعنی: مفسر ممکن است منطق تفسیر قرآن را رعایت نکند و بر اساس رأی و نظر شخصی خود، قرآن را مورد تفسیر قرار داده و یا براساس گرایش کلامی یا مذهبی خویش به تفسیر قرآن پردازد.^۱

البته، همه گرایش‌های تفسیری به تفسیر به رأی منتهی نمی‌شوند، چرا که گاهی، گرایش تفسیری ناشی از تخصص مفسر، هم‌چون گرایش ادبی در تفسیر کشاف و یا توجه خاص به یک دسته از آیات قرآن (مثل گرایش فقهی) است.

دانش درجه سوم: روش‌های تفسیر قرآن، که در مورد شیوه فهم و تفسیر بحث می‌کند؛ یعنی: موضوع آن «تفسیر» است (همان‌طور که موضوع تفسیر قرآن بود). این دانش نیز خطاپذیر است؛ ولی مفسر قرآن می‌تواند با رعایت ضوابط روش‌های تفسیر قرآن، خطاها را به حداقل برساند؛ یعنی: روش‌های صحیح و معتبر، مثل تفسیر قرآن به قرآن، روایی، عقلی، علمی و باطنی را بشناسد و از روش‌های غیر معتبر و باطل هم‌چون تفسیر به رأی و شاخه‌های آن در روش‌های تفسیری دیگر اجتناب کند.^۲

دانش درجه چهارم: روش تحقیق در تفسیر و علوم قرآن، که به شیوه‌های کاربردی در مطالعات قرآنی می‌پردازد و نتیجه آن در روش‌های تفسیری آشکار می‌شود. این روش، در نهایت در تفسیر قرآن تأثیر می‌گذارد.

به عبارت دیگر: در روش تحقیق، از قواعد، ابزارها، فنون و شیوه‌های کاربردی مطالعات قرآنی بحث می‌شود که می‌توانند مستندات و شواهد مورد کاربرد در روش‌های تفسیری را جمع‌آوری و ارائه کنند.

در این جاست که مبحث اسلوب‌های تفسیری (ترتیبی، نزولی و موضوعی) شکل

۱. در مورد گرایش‌های تفسیری و روش تفسیر به رأی، ر.ک: منطق تفسیر قرآن (۲) از نگارنده.

۲. ر.ک: منطق تفسیر قرآن (۲) و روش‌ها و گرایش‌های تفسیر قرآن، از نگارنده و نیز روش‌ها و گرایش‌های تفسیر قرآن، حسین علوی مهر و مبانی و روش‌های تفسیر قرآن، عمید زنجانی و ...

می‌گیرد، که در روش‌های تفسیری به‌کار می‌آید. بنابراین، روش تحقیق در تفسیر و علوم قرآن دانش درجه چهارم به‌شمار می‌آید؛ چرا که در مرحله نخست از حقیقت قرآن و در مرحله دوم از تفسیر قرآن و در مرحله سوم از روش فهم و تفسیر و در مرحله چهارم از شیوه‌های کاربردی در روش‌های تفسیری بحث می‌شود؛ برای مثال: در روش تفسیر علمی، از اعتبار و چگونگی استفاده از فراین علمی در تفسیر قرآن بحث می‌شود، که نتیجه آن تفسیر علمی است؛ ولی در روش تحقیق تجربی در مطالعات قرآنی، از کاربرد شیوه تجربی برای بررسی تأثیر یا نتایج روان‌شناختی و جامعه‌شناختی یک گزاره قرآنی بحث می‌شود، که نتیجه این تحقیق می‌تواند در تفسیر علمی مورد استفاده قرار گیرد.

تذکر: اگر بخواهیم از این دانش‌ها یا معرفت‌های چهار گانه و قواعد و مبانی تفسیر و مانند آنها سخن بگوییم، لازم است که دانش جدیدی تحت عنوان «منطق تفسیر قرآن» پایه‌گذاری شود که ما تلاش کردیم در سلسله کتاب‌های **منطق تفسیر قرآن ۱، ۲، ۳** به این نیاز پاسخ بگوییم؛ ولی هنوز جای یک شاخه علمی دیگر، تحت عنوان فلسفه تفسیر خالی است که از «چیستی تفسیر» بحث کند.

چکیده

در این فصل مطالبی پیرامون مفهوم منطق تفسیر بیان شد سپس شیوه‌نامه این کتاب و و لوازم آن مورد بررسی قرار گرفت و به اهمیت روش تحقیقی خاص در تفسیر و علوم قرآن و پیشینه آن اشاره شد و ارتباط روش‌ها و گرایش‌های تفسیر قرآن با روش تحقیق اختصاصی تفسیر و علوم قرآن بررسی شد.

و در پایان دانش و معرفت تفسیر قرآنی به چهار قسم تقسیم شد:
درجه اول شناخت حقیقت قرآن و درجه دوم تفسیر ظاهری قرآن و درجه سوم روش‌های تفسیری و درجه چهارم روش تحقیق در تفسیر.

پرسش و پژوهش

۱. مقصود از «روش تحقیق در تفسیر و علوم قرآن» چیست و تفاوت آن با «مطالعات قرآنی» کدام است؟

۲. چهار «معرفت» در دانش تفسیر را توضیح داده و جایگاه روش تحقیق را در آنها مشخص کنید.

۳. رابطه روش تحقیق در تفسیر و علوم قرآن را با روش‌ها و گرایش‌ها و اسلوب‌های تفسیری بیان کنید.

۴. روش تحقیق در «تفسیر و علوم قرآن» را با روش تحقیق در «علوم اجتماعی» و «تاریخ» مقایسه نمایید.

۲

روش‌های تحقیق عمومی و اختصاصی

اهداف: (۱) یادآوری اجمالی برخی مطالب روش تحقیق عمومی؛ (۲) شناخت روش‌های تحقیق اختصاصی تفسیر و علوم قرآن (درون متنی و برون متنی - تطبیقی و غیر تطبیقی - میان رشته‌ای و تک رشته‌ای - ظاهری و باطنی و تأویلی - فقهی و غیر فقهی - حدیثی - سمانتیک و هرمنوتیک - زبان‌شناختی و نشانه‌شناختی و...).

درآمد

روش‌های تحقیق به دو ارائه می‌شوند: نخست، روش تحقیق عمومی؛ یعنی: اصول و مهارت‌های مشترک پژوهش که در همه رشته‌های علمی لازم است؛ و دوم، روش تحقیق خاص هر رشته علمی، که موضوع این نوشتار روش تحقیق اختصاصی در تفسیر و علوم قرآن است.

نخست: روش تحقیق عمومی

فرض ما در این نوشتار آن است که مخاطب قبلاً با روش تحقیق عمومی آشنا شده است؛ ولی با این حال در این جا اشاره‌ای گذرا به مهم‌ترین مباحث روش تحقیق عمومی می‌اندازیم: روش‌های تحقیق عمومی به دو دسته اساسی تقسیم می‌شوند:

الف) تحقیق بنیادی

هدف از این نوع پژوهش، توسعه و گسترش نظریه‌ها (دانش نو) از طریق کشف ویژگی‌های عمومی و مشترک یا اصول کلی است. نظیر تحقیقاتی که چامسکی در

مورد زبان‌های مختلف موجود در جهان انجام داد و نتیجه گرفت که این زبان‌ها دارای ویژگی‌های عمومی مشترکی مانند سازمان و ترکیب‌های دستوری کماکان مشابه‌اند و از طریق کشف این ویژگی‌های عمومی بود که نظریه خود را راجع به زیستی بودن روال رشد زبان عنوان کرد. در این نوع از تحقیقات، به علت تعمیم نتایج و یافته‌ها، روش نمونه‌گیری دقیق، اساس کار است. محققان در این نوع پژوهش، توجه زیادی به استفاده یا کاربرد نتایج در مسائل واقعی زندگی یا به مسائل خارج از حوزه مورد علاقه خودشان ندارند^۱.

یادآوری: تحقیقات نظری در تفسیر و علوم قرآن از این قبیل است؛ مانند مباحث مبانی تفسیر، اعجاز قرآن، تاریخ قرآن و تحریف ناپذیری قرآن.

ب) تحقیق کاربردی

این نوع پژوهش، بسیاری از ویژگی‌های پژوهش‌های بنیادی را داراست؛ مانند اصول مربوط به روش‌های گزینش نمونه، استنباط‌ها و تعمیم‌ها از نتایج و یافته‌ها در مورد جمعیتی که نمونه از آن انتخاب شده است. اما در این جا هدف پژوهش در جهت رشد و بهتر کردن یک محصول یا روال یک فعالیت و خلاصه، آزمون مفاهیم نظری و مجرد (ذهنی) در موقعیت‌های واقعی و زنده است. بیشتر تحقیقات ما، در آموزش و پرورش از نوع کاربردی می‌باشد و هدف آنها آزمون نظریه‌های تربیتی در مورد چگونگی رفتار دانش‌آموزان در یک موقعیت آموزشی ویژه است.^۲

یادآوری: تحقیقات میان رشته‌ای، جامعه‌شناختی، روانشناختی و... در تفسیر از این قبیل هستند؛ مانند: تأثیر آوای قرآن در بهداشت روان؛ تأثیر آموزه‌های قرآنی، هم‌چون توکل، ذکر و... در آرامش روانی؛ بررسی تأثیر نماز و روزه در رشد تقوای اجتماعی و کاهش بزهکاری‌ها در ماه رمضان.

۱. روش‌های تحقیق و چگونگی ارزشیابی آن در علوم انسانی، دکتر عزت‌الله نادری و دکتر مریم سیف

نراقی، ص ۳۴.

۲. همان، ص ۳۵.

شیوه‌های فرعی تحقیقات کاربردی

خلاصه‌ای از نه روش تحقیق کاربردی:

| شماره | نوع روش تحقیق | آن چه بیان می‌کند | هدف | مثال‌ها |
|-------|---------------|-------------------|--|--|
| ۱ | تاریخی | چه بوده | تجزیه، تحلیل، تعبیر و تفسیر وقایع گذشته به منظور کشف ویژگی‌های طول صد سال گذشته عمومی و مشترک که در ایران؛ مطالعه تاریخ می‌تواند در درک و فهم پانجاه سال گذشته بهتر آنها مفید بوده و ایران؛ آزمودن فرض احتمالاً تا میزانی محدود این که حکیم خیام، وقایع مشابه را در آینده شاعر واقعی شاهنامه پیش‌بینی کند. فردوسی است. | مطالعه‌ای در مورد نوع آموزش خواندن در طول صد سال گذشته |
| ۲ | توصیفی | چه هست | تجزیه، ضبط، توصیف، تحلیل شرایط موجود، یا به عبارت عمومی، جمع‌آوری دیگر: توصیف منظم و حقایق؛ مطالعات طبقه بدون موقعیتی ویژه یا اجتماعی؛ مطالعات حوزه مورد علاقه به تجزیه و تحلیل صورت واقعی و عینی. وظایف؛ مطالعات صاحب‌ای و پرسش‌نامه‌ای؛ مطالعات مشاهده‌ای؛ توصیف مشاغل؛ مطالعات نوشته‌ها و پژوهش‌های مورد علاقه؛ تجزیه و تحلیل مدارک؛ واقعه نگاری گزارش‌های بحرانی وقایع؛ تجزیه و تحلیل نمرات. | مطالعات آماری جمعیت، جمع‌آوری نظرات عمومی، جمع‌آوری دیگر: توصیف منظم و حقایق؛ مطالعات طبقه بدون موقعیتی ویژه یا اجتماعی؛ مطالعات حوزه مورد علاقه به تجزیه و تحلیل صورت واقعی و عینی. وظایف؛ مطالعات صاحب‌ای و پرسش‌نامه‌ای؛ مطالعات مشاهده‌ای؛ توصیف مشاغل؛ مطالعات نوشته‌ها و پژوهش‌های مورد علاقه؛ تجزیه و تحلیل مدارک؛ واقعه نگاری گزارش‌های بحرانی وقایع؛ تجزیه و تحلیل نمرات. |

| | | | |
|---|---------------------------------|-------------------|---|
| ۳ | تداومی و مقطعی چه خواهد بود | بررسی چگونگی | بررسی مراحل مختلف مراحل رشد، یا رشد دویست نفر، از تغییرات آنها در نتیجه شش ماهگی تا هجده گذشت زمان. سالگی؛ مطالعه و بررسی مقطعی از رشد که هدف آن بررسی تغییرات هوش در ده گروه سنی مختلف است. |
| ۴ | موردی و چه هست زمینه‌ای | مطالعه و بررسی | مطالعه و بررسی گسترده موقعیت قبلی سرگذشت کودکی با و فعلی، یا از کنش و بهره هوشی بالاتر از واکنش‌های یک واحد متوسط و با داشتن از اجتماع یا یک فرد و مشکل یادگیری؛ مطالعه یا یک گروه. و بررسی خصوصیات طبقه اجتماعی مردم استان فارس. |
| ۵ | هم‌بستگی یا هم‌خوانی | چه خواهد بود | بررسی میزان تغییرات بررسی و مطالعه روابط یک یا چند عامل در بین نمرات آزمون اثر تغییرات یک یا خواندن زبان فارسی با چند عامل دیگر، از یک یا چند متغیر دیگر؛ طریق به دست آوردن بررسی و پیش‌بینی ضریب هم‌بستگی. موفقیت در دانشگاه بر اساس مطالعه چگونگی هم‌بستگی نمرات دانشگاهی و معدل ششم نهایی در دبیرستان. |
| ۶ | علی یا پس از چرا چنین بوده وقوع | بررسی امکان روابط | بررسی عوامل مربوط به علت و معلولی از ترک تحصیل در طریق مطالعه نتایج دبیرستان‌های ناحیه پنج موجود و زمینه قبلی، آموزش و پرورش تهران به امید یافتن علت یا استفاده از اطلاعات عمل انجام شده است. ضبط شده در این مورد |

| | | | | |
|---|---|---------------------|--------------------|----------|
| <p>ظرف ده سال گذشته؛ بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌ها بین دو گروه، هم‌چون: سیگاری‌ها و غیرسیاری‌ها و مجرمین و غیر مجرمین، از طریق اطلاعات ضبط شده.</p> | | | | |
| <p>بررسی امکان وجود روابط علت و معلولی، از طریق خواندن زبان فارسی آزمایش، به این شکل در کلاس اول ابتدایی که یک یا چند گروه با به کار بردن روش (به نام گروه تجربی) تصادفی در تقسیم را تحت شرایط دانش آموزان و معلمان ویژه‌ای قرار داده و به گروه‌ها و روش‌ها؛ نتایج را با نتایج بررسی اثر یک نوع حاصل از یک یا چند ویژه از قرص مسکن گروه دیگر (به نام اعصاب در تغییر رفتار گروه گواه یا شاهد) پسرانی که «بی‌قرار» که در آن شرایط تشخیص داده شده‌اند خاص قرار نداشته‌اند با به کار بردن روش مقایسه کنیم. نمونه‌گیری تصادفی و داشتن گروهی دیگر به عنوان گروه شاهد که چنین قرصی را مصرف نمی‌کنند.</p> | <p>بررسی امکان وجود روابط علت و معلولی، از طریق خواندن زبان فارسی آزمایش، به این شکل در کلاس اول ابتدایی که یک یا چند گروه با به کار بردن روش (به نام گروه تجربی) تصادفی در تقسیم را تحت شرایط دانش آموزان و معلمان ویژه‌ای قرار داده و به گروه‌ها و روش‌ها؛ نتایج را با نتایج بررسی اثر یک نوع حاصل از یک یا چند ویژه از قرص مسکن گروه دیگر (به نام اعصاب در تغییر رفتار گروه گواه یا شاهد) پسرانی که «بی‌قرار» که در آن شرایط تشخیص داده شده‌اند خاص قرار نداشته‌اند با به کار بردن روش مقایسه کنیم. نمونه‌گیری تصادفی و داشتن گروهی دیگر به عنوان گروه شاهد که چنین قرصی را مصرف نمی‌کنند.</p> | <p>چه خواهد بود</p> | <p>تجربی حقیقی</p> | <p>۷</p> |
| <p>در این نوع روش بیشتر تحقیقاتی که تحقیق، هدف نزدیک هدفشان یافتن عوامل شدن به تحقیق تجربی علی در زندگی واقعی حقیقی است. اما چون و شرایط حقیقی است</p> | <p>در این نوع روش بیشتر تحقیقاتی که تحقیق، هدف نزدیک هدفشان یافتن عوامل شدن به تحقیق تجربی علی در زندگی واقعی حقیقی است. اما چون و شرایط حقیقی است</p> | <p>چه خواهد بود</p> | <p>نیمه تجربی</p> | <p>۸</p> |

| | | | | |
|---|--|---------------------|--------------------------------|----------|
| <p>شرایط تجربه و تحقیق و در حین اجرای آنها به نحوی است که تنها کنترل تعدادی از کنترل یا دست‌کاری متغیرها مقدور می‌باشد، همه متغیرهای بازیگر در رده تحقیقات در حوزه تحقیق مقدور نیمه تجربی قرار نیست، آن را نیمه می‌گیرند؛ مانند بررسی اثر روش ویژه‌ای از آموزش ریاضیات، هنگامی که تقسیم دانش‌آموزان به روش‌های مختلف از طریق نمونه‌گیری تصادفی امکان‌پذیر نیست.</p> | | | | |
| <p>ایجاد مهارت‌ها و طراحی و ایجاد روش‌های جدید یا برنامه آموزشی حین حل مشکلاتی است که خدمت برای مریبان مستقیماً و به نحوی با که آنان را با کلاس درس یا با هر مهارت‌های جدیدی موقعیت زنده و واقعی در زمینه بهتر کردن از مدرسه ارتباط دارد. بحث‌های کلاسی آشنا سازد؛ به وجود آوردن فنون مؤثرتر و بهتر مشاوره‌ای برای دانش‌آموزان عقب مانده.</p> | | <p>چه باید باشد</p> | <p>عملی (در آموزش و پرورش)</p> | <p>۹</p> |

یادآوری: علاوه بر روش‌های فوق که در تحقیقات عمومی مطرح‌اند، امروزه از روش‌های میان رشته‌ای، پدیدارشناختی، نشانه‌شناختی، زبان‌شناختی و... نیز در حوزه تحقیقات دینی و قرآنی یاد می‌شود که در ادامه به آنها می‌پردازیم.^۱

۱. همان، ص ۶۲ - ۶۴.

روش‌های جمع‌آوری اطلاعات

۱. گردآوری اطلاعات از طریق مشاهدات؛
 ۲. گردآوری اطلاعات از طریق مصاحبه؛
 ۳. گردآوری اطلاعات از طریق پرسش‌نامه؛
 ۴. گردآوری اطلاعات از طریق کتابخانه‌ها؛
- تذکر: سه روش جمع‌آوری اطلاعات (۱-۳) را در اصطلاح، «روش میدانی» می‌نامند.

دوم: روش تحقیق اختصاصی تفسیر و علوم قرآن

معمولاً در هر رشته علمی، علاوه بر روش‌های تحقیق عام که در همه رشته‌های علمی کاربرد دارند، روش تحقیق خاص آن رشته نیز مطرح می‌شود که موضوع این نوشتار روش تحقیق خاص تفسیر و علوم قرآن است.

لازم به یادآوری است که روش‌های تحقیق عمومی مانند روش تحقیق «بنیادی» و «کاربردی» در تفسیر و علوم قرآن نیز به‌کار گرفته می‌شوند؛ چنان‌که در مبحث روش تحقیق عمومی به آنها اشاره شد؛ به‌عنوان مثال: در روش تحقیق بنیادی، موضوع اعجاز قرآن و تاریخ قرآن و در روش تحقیق کاربردی، موضوع تأثیر آوای قرآن در بهداشت روان و بررسی تأثیر نماز و روزه بر کاهش بزهکاری.

اینک نخست به پیش‌فرض‌های مطالعات قرآنی می‌پردازیم؛ سپس سیمای کلی از روش‌های پژوهشی که در تفسیر و علوم قرآن امکان و کاربرد دارند، ارائه شده و قلمرو، محدودیت‌ها و آسیب‌های آنها بیان می‌شود. در بخش‌های بعدی نوشتار نیز، مصادیق و موارد استفاده هر کدام از این روش‌ها در تفسیر، علوم قرآن و مطالعات جدید قرآنی تبیین می‌شود. البته لازم به یادآوری است که روش‌های تحقیق در تفسیر و علوم قرآن تقسیم‌بندی‌های گوناگونی می‌پذیرند که گاه زیر مجموعه‌های فرعی این تقسیمات با هم هم‌خوانی و هم‌پوشانی دارند.

پیش فرض‌های مطالعات قرآنی

بررسی هر متن، مستلزم پیش دانسته‌های پژوهشگر و مفسر و نیز پیش فرض‌های ضروری است. برای مثال: هنگامی کتاب شفای بو علی سینا مورد پژوهش فلسفی قرار می‌گیرد، که فرض کنیم وی فردی فیلسوف بوده و متن شفا حکیمانه و عالمانه سامان یافته است. قرآن نیز از این قاعده مستثنی نیست و پژوهشگر آن نیازمند پیش دانسته‌هایی است که تحت عنوان شرایط مفسر از آنها یاد می‌شود و نیز بررسی و تحقیق در متن قرآن، مستلزم پیش فرض‌های ضروری است که ما را به مقصود خدای متعال از آیات قرآن رهنمون می‌سازد.

اگر پژوهشگر قرآنی از شرایط لازم برخوردار نبوده و یا پیش فرض‌های ضروری را رعایت نکند، ممکن است به بیراهه رفته و حتی گرفتار تفسیر به رأی شود؛ یعنی: مطالبی را به قرآن نسبت دهد که مقصود خدای متعال نبوده است.

البته همان‌طور که در مباحث روش تحقیق «سمانتیک» و «هرمنوتیک»^۱ خواهد آمد، باید پژوهشگر تلاش کند که پیش دانسته‌ها و پیش فرض‌های غیرضروری و علایق و عقاید شخصی او بر موضوع پژوهش تأثیر نگذارد یا با رعایت معیارها روش‌های صحیح تحقیق و تفسیر، تأثیر آنها به حداقل برسد. اینک اشاره‌ای به این دو مقوله می‌کنیم:

نخست: شرایط پژوهشگر قرآن

الف) شرایط ضروری:

۱. آشنایی با ادبیات عرب؛
۲. شناخت علوم قرآن؛
۳. آگاهی‌های تاریخی و جغرافیایی؛
۴. شناخت اصول فقه؛
۵. شناخت فقه؛

۱. در ادامه همین فصل، در تفسیر هشتم، این مطالب را مطالعه فرمایید.

۶. آشنایی با علوم حدیث؛

۷. شناخت منابع تفسیر؛

۸. شناخت روش‌های تفسیر قرآن؛

۹. شناخت مبانی و پیش فرض‌های بنیادین تفسیر؛

۱۰. شناخت قواعد تفسیر؛

۱۱. بی طرفی علمی؛

ب) شرایط کمال: آگاهی از علم اصول دین، ایمان، علم الموهبه آگاهی از مکاتب و علوم مرتبط با قرآن، ممارست و تمرین تفسیر.

دوم: پیش فرض‌های بنیادین در مطالعات قرآنی

۱. قرآن، وحی الهی و کلام خداست که پیامبر اکرم ﷺ نقشی جز رساندن الفاظ و معانی آن ندارد؛^۱

۲. قرآن، کلام الهی است که تحریف نشده و نخواهد شد؛^۲

۳. قرآن، کلامی حکیمانه است که از انسجام درونی (عدم اختلاف) برخوردار است؛^۳

۴. هدفمندی قرآن، که مهم‌ترین هدف آن هدایت انسان است؛^۴

۵. هماهنگی آموزه‌های قرآن با فطرت انسان؛^۵

۶. قرآن دارای ساحت‌های فهم و بطون است؛^۶

۷. حجیت ظواهر قرآن براساس بنای عقلا؛

۸. امکان و جواز فهم و تفسیر قرآن؛

۹. انسجام ساختاری قرآن (ترتیب و حیانی و منطقی کلمات و آیات)؛

۱. رک: شعراء، ۱۹۳؛ الحاقه، ۴۴ - ۴۶؛ فصلت، ۴۲ و

۲. رک: حجر، ۹؛ فصلت، ۴۱ و

۳. رک: نور، ۱۸، ۵۸ و ۵۹؛ نساء، ۸۲ و

۴. رک: ابراهیم، ۱؛ بقره، ۲؛ اعراف، ۲۰۳ و

۵. رک: روم، ۳۰؛ آل عمران، ۵۸؛ حجر، ۶ و

۶. رک: بحارالانوار، ج ۹۲، ص ۹ و نیز ج ۸۹ باب ان للقرآن ظهراً و بطناً.

۱۰. قرآن برآمده از فرهنگ زمانه عرب جاهلی نیست؛ بلکه در بسیاری از موارد با آن برخورد کرده یا آن را اصلاح نموده است؛^۱
۱۱. زبان قرآن، حق و مطابق واقع است و باطل در آن راه ندارد؛^۲
۱۲. وجود صنایع ادبی (مجاز، کنایه و...) در قرآن؛
۱۳. جامعیت قرآن، جهانی بودن و جاودانگی آن؛^۳
۱۴. واقع‌نمایی و حجیت تفسیر؛
۱۵. جدایی‌ناپذیری قرآن و سنت.^۴

نخستین تقسیم روش‌های تحقیق در مطالعات قرآنی (درون‌متنی و برون‌متنی)

درآمد: روش‌های تحقیق در مطالعات قرآنی، گاهی براساس اطلاعات به دست آمده از خود قرآن و گاه بر اساس اطلاعات بیرون از قرآن است؛ یعنی تقسیم براساس منبع اطلاعات و مستندات تحقیق صورت می‌گیرد. از این نگاه، روش‌های تحقیق در مطالعات قرآنی به دو شیوه اساسی «درون‌متنی» و «برون‌متنی» انجام می‌شود.

الف) روش تحقیق درون‌متنی (درون‌قرآنی)

در این روش، گاه پژوهشگر آیه یا آیاتی از قرآن را دلیل آیه‌ای دیگر قرار داده و به نتیجه می‌رسد؛

برای مثال: در مورد آیه: ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ﴾^۵ به آیه: ﴿شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ﴾^۶ استناد می‌شود تا روشن گردد که شب قدر در ماه رمضان واقع شده است. هم‌چنین گاه پژوهشگر یک موضوع قرآنی را در کل آیات قرآن مورد بررسی قرار می‌دهد؛

۱. رک: انفال، ۳۵؛ احزاب، ۴؛ انعام، ۱۰۰؛ مائده، ۱۰۳ و ...

۲. رک: فصلت، ۴۲؛ یوسف، ۱۱۱ و ...

۳. رک: قلم، ۵۲؛ انعام، ۹۰؛ یوسف، ۱۰۴ و ...

۴. این موارد در منطق تفسیر قرآن (۱) مبانی و قواعد تفسیر، از نگارنده، به صورت مفصل و مستدل مورد بررسی قرار گرفته است.

۵. قدر، آیه ۱.

۶. بقره، آیه ۱۸۵.

برای مثال: انفاق و... را در قرآن بررسی نموده و نظام کلی آن را استخراج می‌کند، که انفاق به چه کسانی و از چه چیزهایی و چگونه انجام شود و چه پاداش‌هایی دارد.

تذکر: بحث اساسی در روش تحقیق درونی قرآنی، که آن را از روش «تفسیر قرآن به قرآن» متمایز می‌سازد، در فرایند اجرایی آن در تفسیر ترتیبی و موضوعی است. ما در این جا به صورت مختصر اشاره‌ای به این روش تحقیق خواهیم داشت و مباحث مبسوط آن را ذیل روش تحقیق در تفسیر ترتیبی و موضوعی بیان می‌کنیم.

پیشینه و دلایل

براساس روایات شیعه و اهل سنت، روش درون قرآنی در تفسیر قرآن مورد توجه پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام بوده و نمونه‌های متعددی از آن حکایت شده است.^۱ همین نکته، جواز و اعتبار این روش تحقیقی را اثبات می‌کند.

البته دلایل دیگری نیز براعتبار روش تحقیق درون قرآنی وجود دارد؛ از جمله آیات قرآن (مثل آیه هفت / سوره آل عمران) «وَمِنْهُ آيَاتٌ مُّحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرَ مُتَشَابِهَاتٌ» که لازمه عمل به آن و ارجاع متشابهات به محکّمات، استفاده از روش تحقیق درون قرآنی است و نیز شیوه عقلایی در تحقیق هر کتاب که نخست از روش درون‌کتابی استفاده می‌کنند تا مقصود نویسنده را دریابند.

کاربردها

روش تحقیق درون قرآنی در روش تفسیر قرآن به قرآن از کاربرد گسترده برخوردار است. و گاه موجب تخصیص، تقیید و توضیح آیات می‌شود.^۲ در کتاب **تفسیر المیزان**

۱. برای مثال: از پیامبر ﷺ نقل شده است که در مورد مقصود از «ظلم» در آیه: «وَلَمْ يَلْسُوا إِيمَانَهُمْ بَظُلْمٍ» (انعام، ۸۶) به آیه: «إِنَّ الشَّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ» (لقمان، ۱۳) استناد کردند و ظلم را به شرک تفسیر کردند. (صحیح بخاری، کتاب تفسیر قرآن، تفسیر ابن کثیر، ج ۴، ص ۴۴۴؛ بصائر الدرجات، صفار، ص ۱۹۵. و نیز برای موارد دیگر نک: تفسیر صافی، ج ۵، ص ۱۴؛ وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۵۳۸ و منطق تفسیر قرآن (۲)، نگارنده، ص ۲۵.

۲. ر.ک: منطق تفسیر قرآن (۲) روش‌ها و گرایش‌های تفسیر قرآن، نگارنده، مبحث روش تفسیر قرآن به قرآن.

اثر، علامه طباطبایی نیز، به صورت گسترده از این روش استفاده شده است. این روش هم‌چنین در تفسیر موضوعی نیز کاربرد گسترده‌ای داشته و در سال‌های اخیر، کتاب‌های متعددی براساس این روش تحقیقی نگاشته شده است؛ از جمله تفسیر موضوعی پیام قرآن اثر، آیة‌الله مکارم شیرازی و منشور جاوید اثر، آیة‌الله سبحانی. البته روش تحقیق درون قرآنی در علوم قرآن نیز کاربرد دارد؛ برای مثال: برای حل مشکل متشابهات قرآن، باید آنها را به محک‌های ارجاع دهیم که این یک قاعده مستفاده از قرآن (آل عمران، ۷) است و با روش درون قرآنی انجام می‌گیرد. و نیز در مورد تاریخ قرآن می‌توان بخشی از آن را از آیات قرآن استفاده کرد؛ برای مثال: در مورد مبدأ نزول قرآن در شب قدر (قدر، ۱) و در ماه رمضان (بقره، ۱۸۵) می‌توان از آیات قرآن بهره برد.

قلمرو و محدودیت‌ها

روش تحقیق درون قرآنی در بیشتر آیات و موضوعات قرآنی کاربرد دارد؛ برای مثال در مورد صفحه نخست سوره بقره، موضوعاتی هم‌چون: کتاب، هدایت، تقوا (متقین)، غیب، ایمان، نزول، فلاح (مفلحون)، رزق و انفاق، همگی قابل بررسی به صورت درون قرآنی هستند؛ یعنی: می‌توان آیات موافق و مشابه را مورد بررسی قرار داد.^۱ حتی برخی موضوعات قرآنی مثل جزئیات معاد و بهشت و دوزخ و آیات الاحکام جز با روش نقلی (درون قرآنی و حدیثی) قابل دسترسی نیستند.

البته روش تحقیق در تفسیر و علوم قرآن، منحصر به روش تحقیق درون قرآنی نیست؛ یعنی: گاهی ممکن است در تفسیر آیات از روش‌های دیگر نیز استفاده شود؛ حتی ممکن است در یک آیه از دو روش تحقیق درون قرآنی و برون قرآنی بهره جست؛ برای مثال: در مورد آیه: ﴿يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ﴾^۲ هم می‌توان از آیه: ﴿لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ﴾^۳ استفاده

۱. این مطلب با استفاده از روش قرآن به قرآن، به نوعی تفسیر موضوعی درون قرآنی منتهی می‌شود که در فصل سوم مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۲. فتح، آیه ۱۰.

۳. شوری، آیه ۱۱.

کرد و هم از برهان عقلی مبنی بر این که خدا جسم نیست؛ و در هر دو صورت به یک نتیجه می‌رسیم و آن این که ظاهر واژه «ید»، یعنی «دست جسمانی» مراد آیه نیست. باید اذعان نمود که روش تحقیق درون قرآنی در برخی موضوعات قرآنی، مثل اثبات وجود خدا، نبوت عامه و اعجاز قرآن قابل استفاده نیست؛ چرا که با مشکل دور روبه‌رو می‌شود.

آسیب‌ها

روش تحقیق درون قرآنی در تفسیر و علوم قرآن ممکن است به چند آسیب دچار شود که پژوهشگر قرآنی می‌تواند با دقت در موارد استفاده، از آنها پرهیز کند:

۱. **مشکل دور:** استفاده از روش تحقیق درون قرآنی در مورد برخی موضوعات، مثل اثبات خدا، نبوت عامه، عصمت پیامبر ﷺ، اعجاز قرآن و... موجب دور می‌شود؛ چون پژوهشگر برای اثبات عصمت پیامبر ﷺ به آیات قرآن استدلال می‌کند که استدلال به آیات، متوقف بر اثبات اعتبار و حجیت آیات است و اعتبار و حیانی و حجیت آیات هم، متوقف بر عصمت پیامبر ﷺ است. بنابراین در این گونه موارد لازم است پژوهشگر قرآنی با استدلال به دلایل برون قرآنی مسئله را اثبات کند و دلایل قرآنی ارشادی خواهند بود.

البته مانعی ندارد که ما از یک استدلال عقلی که در متن قرآن موجود است وجود خدا یا توحید را اثبات کنیم؛ برای مثال از آیه: «لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا»^۱ که حاکی از وحدت و هماهنگی حاکم بر جهان و در بردارنده برهان تمانع است. و یا از آیه: «وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا»^۲ اعجاز قرآن را اثبات کنیم؛ چون اشاره به استدلال و تحلیل عقلی است نه صرف تعبد به آیه.

۲. **مشکل حصرگرایی:** همان‌طور که گذشت، روش درون قرآنی تحقیق در تفسیر و علوم قرآن انحصاری نیست؛ ولی ممکن است کسی گمان کند که روش تحقیق در

۱. انبیا، آیه ۲۲.

۲. نساء، آیه ۸۲.

تفسیر و علوم قرآن منحصر به روش درون قرآنی است که در این صورت پژوهشگر، خود را از روش‌های دیگر تحقیق محروم ساخته و نمی‌تواند تصویر کاملی از مطالعات قرآنی خود به دست آورد و حتی برخی از آیات قرآن مثل آیات الاحکام دچار اجمال می‌شوند و بدون استفاده از روش تحقیق نقلی برون قرآنی تفسیر جزئیات آنها به دست نمی‌آید.

از برخی موضع‌گیری‌های بیان شده از گروه قرآنیون و نیز ظاهر برخی از دیدگاه‌های علامه طباطبائی رحمته‌الله در «تفسیر المیزان» می‌توان همین حصرگرایی را مشاهده نمود.^۱ ولی با دقت در سخنان دیگر علامه این مشکل از ساحت ایشان بر طرف می‌شود.^۲

ب) روش تحقیق برون متنی (برون قرآنی)

روش تحقیق برون قرآنی، شامل طیف وسیعی از روش‌های تحقیق می‌شود که قلمرو، کاربرد و اعتبارهای متفاوتی دارند. در این جا به صورت مختصر به آنها اشاره می‌کنیم:

۱. روش تحلیل عقلی^۳

این روش بر اساس رابطه علت و معلولی استوار است؛ یعنی: رابطه حوادث یا موضوعات با علت آنها بررسی می‌شود و در این بررسی از تحلیل منطقی بهره می‌بریم؛ یعنی: به تحلیل مبانی، ساختار و لوازم منطقی مطلب می‌پردازیم.

پیشینه و دلایل

حجیت عقل، ذاتی است، چون دلایل عقلی، انسان را به یقین می‌رسانند؛ از این رو از دیر زمان در تحقیق و تفسیر قرآن از برهان‌های عقلی استفاده شده است. نمونه‌هایی از

۱. ر.ک: المیزان، ج ۳، ص ۸۹ ذیل آیه ۷-۹ آل عمران «فلا یبقی للرجوع الیه و الاستمداد منه فی تفسیر القرآن النفس القرآن».

۲. ر.ک: همان، ص ۲۶۲ - ۲۶۱.

۳. واژه «تحلیلی» دو کاربرد دارد، گاه در برابر تألیفی است و گاه به معنای روش است که به تحلیل مبانی، ساختار و لوازم منطقی مطلب می‌پردازد (نه صرف مشاهده و تجربه عینی) که در این جا مقصود اصطلاح دوم است (روش‌شناسی مطالعات دینی، احد فرامرز قراملکی، ص ۲۱۴).

این شیوه را از اهل بیت علیهم‌السلام: نقل کرده‌اند.^۱ هم‌چنین در تفاسیر کلامی و تفسیر آیات کلامی از این شیوه زیاد استفاده شده است؛ چنان‌که نمونه‌هایی از آن را در تفسیر قرآن کریم ملاصدرا و تفسیر المیزان می‌توان دید.

کاربردها: در این شیوه تحقیق، گاه از برهان‌های عقلی برای تحقیق استفاده می‌شود (از قبیل تفسیر آیات متشابه)؛ برای مثال: در تفسیر آیه: ﴿جَاءَ رَبُّكَ﴾^۲ با توجه به برهان عقلی بر این‌که خدا جسم نیست و مکان ندارد، نتیجه گرفته می‌شود که آمدن پروردگار به معنای آمدن مکانی نیست؛ بلکه این تعبیر، نوعی مجاز بوده^۳ و کنایه از حضور و احاطه اوست.

در این‌گونه موارد، تفسیر عقلی به تأویل ظاهر آیات منتهی می‌شود؛ یعنی: با قرینه عقلی، دست از ظاهر آیه بر می‌داریم و به تأویل می‌رسیم. و گاه نیز از تحلیل عقلی آیات و سوره‌ها بهره برده می‌شود؛ از قبیل فهم هدف سوره و مجموعه آیات و نیز درک پیام‌ها و آموزه‌های آیات و نیز فهم استدلال‌هایی که در متن آیات وجود دارند؛ برای مثال: در مورد آیه: ﴿إِلَهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا﴾^۴ گفته می‌شود که تحلیل این آیه روشن می‌کند که «برهان تمناع» را در بردارد.^۵ تفاسیر فلسفی، هم‌چون تفسیر «قرآن کریم»، (ملاصدرا، م ۱۰۵۰ ق.) و تفاسیر کلامی معتزله و شیعه و کتاب *القرآن والعقل* اثر، نورالدین اراکی به صورت گسترده از روش تحقیق عقلی بهره جسته‌اند.

قلمرو محدودیت‌ها

روش تحلیل عقلی، در بسیاری از آیات قرآن کاربرد دارد؛ همان‌طور که در روش تفسیر عقلی قرآن و نیز روش تفسیر اجتهادی قرآن به صورتی ویژه مورد استفاده قرار می‌گیرد^۶ و در برخی موارد منتهی به تأویل ظاهر آیات می‌شود. البته روش تحقیق

۱. عن عبدالله بن قیس عن ابی الحسن الرضا، قال سمعته یقول: «بل یداه مبسوطتان» (مانده، ۶۴) نقلت: له یدان هکذا؟ - و اشرت بیدی الی یدیه - فقال: «لا و لو کان هکذا کان مخلوقاً» (نور الثقلین، ج ۱، ص ۶۵۰ ح ۲۷۹).

۲. فجر، آیه ۲۲.

۳. المیزان، ج ۲۰، ص ۲۸۴ (علامه احتمال می‌دهد که مضاف در تقدیر باشد «جاء امر ربک» یا مجاز عقلی باشد).

۴. انبیاء، آیه ۲۲.

۵. منطق تفسیر قرآن (۲)، ص ۱۶۲ به بعد.

۶. رک: همان.

عقلی، انحصاری نیست؛ یعنی: در کنار آن می‌توان از روش درون قرآنی و روش‌های دیگر تحقیق بهره گرفت؛ اما روش تحقیق عقلی در برخی از آیات، مثل آیات مربوط به جزئیات معاد، بهشت و دوزخ و آیات الاحکام، کارایی چندانی ندارد؛ چرا که این مطالب غالباً از طریق نقل به دست می‌آید.

آسیب‌ها

در مورد روش تحقیق عقلی در تفسیر و علوم قرآن، چند آسیب وجود دارد:

نخست: حصرگرایی: برخی از نویسندگان، هم‌چون نورالدین اراکی مؤلف کتاب *القرآن و العقل* تصریح کرده است که در هنگام نگارش این تفسیر جز کتاب *معالم*، نزد او نبوده و تفسیر قرآن را با عقل انجام داده است. حال آن‌که استفاده از روش تحقیق عقلی در تفسیر قرآن ما را از روش‌های دیگر بی‌نیاز نمی‌سازد؛ بلکه عدم استفاده از روش‌های تحقیقی دیگر، هم‌چون روش نقلی (احادیث) پژوهشگر را از قراین نقلی تفسیر محروم ساخته و گرفتار تفسیر به رأی می‌کند.

دوم: استفاده از استحسانات و ظنون به جای دلایل و برهان‌های عقلی

ممکن است پژوهشگر در روش تحقیق عقلی گرفتار افراط شود و هرگونه تحلیل ظنی عقلی را قطعی بپندارد و براساس آنها تأویل‌های نادرست انجام دهد و گرفتار تفسیر به رأی شود.

در این جا باید به نکته‌ای اساسی، یعنی افراط در عقل‌گرایی در برخی تفاسیر اشاره نمود: گاه برخی مفسران از حد اعتدال خارج شده و آیات قرآن را براساس دلایل غیر قطعی تأویل کرده و دست از ظهور آیات برداشته‌اند. این مطلب به‌ویژه در مورد آیاتی که مطالب غیبی و غیر محسوس و نیز معجزات را بیان می‌کند، بیشتر اتفاق افتاده و گاهی به تفسیر به رأی منتهی شده است. اینک نمونه‌هایی را در این زمینه مرور می‌کنیم:

رشید رضا در *تفسیر المنار*، در مورد داستان گاو بنی‌اسرائیل و دستور کشتن یک گاو و زدن قسمتی از آن به بدن مقتول و زنده شدن آن و مشخص شدن قاتل

او،^۱ می‌گوید: مقصود از «احیاء» در این آیه، معنای مجازی آن است که گفته‌اند معنای زنده گردانیدن مردگان، حفظ خون آنهاست.^۲

وی در مورد معجزات حضرت عیسی علیه السلام در باب زنده کردن مردگان و خلق پرنده نیز،^۳ امکان این معجزات را می‌پذیرد؛ اما وقوع آنها را منکر می‌شود؛^۴ در حالی که ظاهر آیات سوره بقره، زنده شدن واقعی مقتول بنی اسرائیل است و دلیلی برای حمل آن بر معنای مجازی نداریم و نیز ظاهر آیات سوره آل عمران آن است که حضرت عیسی علیه السلام این معجزات را انجام می‌دهد.

البته معجزات، خرق عادت است و در نظر ابتدایی عقل، بعید به نظر می‌رسد؛ ولی خلاف عقل و محال نیست و از همین باب است که گفته‌اند: «ملائکه» و «جن»، دلیل عقلی ندارد^۵ و «جن» را به معنای میکروب دانسته‌اند که به‌طور نامحسوس در بدن انسان اثر می‌کند.^۶ همین شیوه افراطی در روش تحقیق عقلی به نوعی دیگر در آثار محمد آرکون و نصر حامد ابوزید نیز دیده می‌شود.^۷

۲. روش تحقیق تجربی و نیمه تجربی و هم‌بستگی

در روش تحقیق تجربی، وجود روابط علت و معلولی، از طریق آزمایش بررسی می‌شود به این شکل که یک یا چند گروه (به نام گروه تجربی) را تحت شرایط ویژه‌ای قرار داده و نتایج را با نتایج حاصل از یک یا چند گروه دیگر (به نام گروه گواه یا شاهد) که در آن شرایط خاص قرار نداشته‌اند، مقایسه کنیم.^۸

۱. ﴿فَقُلْنَا اضْرِبُوهُ بَعْضَهَا كَذَلِكَ يُخَيِّ اللَّهُ الْمَوْتَى وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾ (بقره، آیه ۷۳).

۲. تفسیر المنار، ج ۱، ص ۳۴۷.

۳. ﴿أَنِّي أَخْلَقُ لَكُمْ مِنَ الطَّيْنِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ وَأَبْرَأُ الْأَكْمَةَ وَالْأَبْرَصَ وَأُخَيِّ الْمَوْتَى بِإِذْنِ اللَّهِ﴾ (آل عمران، آیه ۴۹).

۴. المنار، ج ۳، ص ۳۱۱.

۵. احمد مصطفی مراغی، تفسیر مراغی، ج ۲۹، ص ۹۴.

۶. ر.ک: المنار، ج ۸، ص ۳۶۴؛ دکتر فهد بن عبدالرحمن بن سلیمان الرومی، منهج المدرسة العقلية الحديثة في التفسير، ص ۶۳۱-۶۴۹.

۷. مثال‌ها و شواهد این مطلب در مبحث روش‌های نوین تحقیق در مطالعات قرآنی مستشرقان خواهد آمد.

۸. روش‌های تحقیق و چگونگی ارزشیابی آن در علوم انسانی، دکتر عزت‌الله نادری و دکتر مریم سیف

تفاوت روش تحقیق تجربی حقیقی با روش تحقیق نیمه تجربی آن است که در روش نیمه تجربی، شرایط تجربه و تحقیق به نحوی است که کنترل یا دستکاری همه متغیرهای بازیگر در حوزه تحقیق مقدور نیست.^۱

روش تحقیق هم‌بستگی، بررسی تغییرات یک یا چند عامل در اثر تغییرات یک یا چند عامل دیگر است. برخی صاحب‌نظران این روش را در کل دین مورد بررسی قرار داده‌اند و از آن تحت عنوان «مطالعه تجربی دین» یاد کرده و آن را این‌گونه تعریف کرده‌اند: «بررسی رفتار دینی براساس روش‌شناسی علوم تجربی؛ یعنی: براساس کشف متغیرهای مهم، فهم ارتباط متغیرها و تبیین روابط در رفتار دینی».^۲ سپس یادآور می‌شوند که: مطالعه تجربی دین عمدتاً در دو گستره روان‌شناسی و جامعه‌شناسی، متولد و بالنده شده است. که نتیجه آن، دانش‌های روان‌شناسی دین و جامعه‌شناسی دین شده است. دین‌پژوهی تجربی، رفتار دینی و نه خود دین، را مطالعه می‌کند و بر همین اساس، فی نفسه، حمایت و چالشی را برای دین پدید نمی‌آورد.^۳

در تبیین این دیدگاه به بیان چهار ویژگی معرفتی مطالعه تجربی پرداخته شده که عبارتند از: مبتنی بودن بر مشاهده تجربه عینی، همگانی و قابلیت دستکاری؛ ابتدا بر فرضیه؛ گزینشی بودن؛ تفسیر یافته‌ها در سایه تئوری‌ها و قانون‌های علمی.^۴

هم‌چنین، به ارتباط نماز با سلامت روان اشاره شده، که می‌توان با روش‌های علمی، میزان سلامت روانی افراد نماز خوان و افرادی که نماز نمی‌خوانند را اندازه‌گیری کرد. همان‌طور که می‌توان این پدیده را از منظر فلسفی، کلامی، اخلاقی و حتی تجربه شخصی یا پرسش از یک عالم دینی بررسی نمود.^۵

از این منظر «فرایند مطالعه تجربی دین» در شش مرحله سطح‌بندی می‌شود:

نراقی، ص ۶۴ و ۸۳.

۱. همان، ص ۶۴ و ص ۹۲.

۲. روش‌شناسی مطالعات دینی، ص ۳۰۵ (این بخش از کتاب مذکور، به قلم دکتر نیما قربانی است).

۳. همان، ص ۲۹۹ و ص ۳۱۲.

۴. همان ص ۳۰۰ و ۳۰۲.

۵. همان، ص ۳۰۴.

۱. تنظیم مسئله پژوهش؛ ۲. تدوین فرضیه؛ ۳. آزمون فرضیه؛ ۴. تحلیل آماری؛ ۵. تعمیم نتایج و پیش‌بینی؛ ۶. تدوین تئوری؛^۱

روشن است که قرآن مهم‌ترین منبع دین است؛ پس می‌توان از این روش تحقیق تجربی، را در مورد قرآن بهره جست، یعنی: تأثیر آموزه‌های قرآن را در رفتارهای فردی و اجتماعی افراد با روش علوم تجربی در حوزه روان‌شناسی و جامعه‌شناسی مطالعه کرد، همان‌طور که امروزه در حوزه قرآن و بهداشت روان انجام می‌شود.^۲

حتی می‌توان از روش تحقیق تجربی در حوزه‌های دیگر، مثل غذاشناسی، درمان و... در مورد آموزه‌های قرآنی استفاده کرد؛ همان‌طور که برخی پزشکان در مورد تأثیرات درمانی و غذایی عسل پژوهش‌هایی را صورت داده‌اند.^۳

کاربردها

در مطالعات قرآنی معاصر از روش‌های تحقیق تجربی و نیمه تجربی و نیز روش هم‌بستگی استفاده می‌شود و نتایج جالبی در مورد بررسی شفا بخشی قرآن در جسم و روان و نیز رفتارهای اجتماعی انسان آشکار شده است؛ به‌طوری‌که می‌توان گفت در اثر این پژوهش‌ها، علوم جدیدی هم‌چون: روان‌شناسی قرآنی، جامعه‌شناسی قرآن، قرآن درمانی و... در حال تولد است که به بررسی تأثیرات آموزه‌های قرآنی در جسم، روان و رفتار اجتماعی قرآن باوران می‌پردازند.

به عنوان مثال: «تأثیر آوای قرآن بر کاهش درد بیماران بعد از جراحی شکم»: این پژوهش توسط آقای دکتر نصر آبادی به عنوان موضوع پایان نامه^۴ در یکی از بیمارستان‌های تهران بر دو گروه تجربی و گواه از بیماران انجام شد و نتایج آن به

۱. همان، ص ۳۱۲.

۲. در ادامه مثال‌های متعددی از این پژوهش‌ها آورده می‌شود.

۳. ر.ک. طب در قرآن، دکتر قرقوز، ترجمه: علی چراغی و نیز دکتر پاک نژاد در اولین دانشگاه و آخرین پیامبر ...

۴. این پایان‌نامه در دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم پزشکی زیر نظر آقای دکتر حسن عشایری و دکتر عیسی محمدی در سال ۱۳۷۳ ش به اتمام رسید.

صورت کتابی تحت عنوان «قرآن و شفای دردهای جسمانی» منتشر شد. در این پژوهش نتیجه گرفته شده که آوای قرآن باعث کاهش شدت درد در بیماران بعد از اعمال جراحی شکم می‌شود.^۱

مثال دیگر: «تأثیر آوای قرآن بر کاهش اضطراب و تأمین بهداشت روانی»: این پژوهش بر دو گروه تجربی و گواه از دختران دبیرستانی تهران انجام شد که یک گروه، روزی نیم ساعت قرآن تلاوت کردند و گروه دیگر تلاوت نکردند. آن‌گاه با روش کنترل میزان اضطراب آنها اندازه‌گیری شد. نتیجه‌ای که به دست آمد حاکی از آن بود که قرائت قرآن در کاهش اضطراب و تأمین بهداشت روانی انسان تأثیر دارد.^۲

مثال دیگر: «بررسی تأثیر روزه بر کاهش بزهکاری در جامعه در ماه رمضان». مثال‌های دیگر: تأثیر غسل در پیشگیری و درمان بیماری‌ها، که پژوهش‌های پزشکی متعددی در این زمینه صورت گرفته و منتشر شده و همگی نشان دهنده درستی آیه: ﴿فِيهِ شِفَاءٌ لِّلنَّاسِ﴾ (سوره نحل، ۶۹) است از جمله طب در قرآن، اثر دکتر دیاب و دکتر قرقون و اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، (جلد ۵)، اثر دکتر پاک نژاد.

- وحدت شخصیت انسان و رابطه آن با توحید قرآنی پژوهش‌ها در منابع و مجموعه آثار در سلامت روان نشان می‌دهد که اساسی‌ترین و مهم‌ترین مسئله در شخصیت سالم، وحدت روان و تعهد مذهبی است.

وحدت روان، با سیستم ارزشی که بتواند به حیات، معنا و هدف دهد، مرتبط است. در بین سیستم‌های ارزشی، مذهب، از بالاترین قابلیت برای ایجاد وحدت شخصیت برخوردار است.

اساس و مبنای مذهب اسلام بر وحدت و توحید است. وحدت شخصیت و یگانگی روان انسان، مظهر و نماینده بارز توحید ذات مقدس خالق است.

- دمیدن روح امید و ممنوعیت یأس و ناامیدی در قرآن و تأثیر آن در کاهش افسردگی.

۱. نیز رک: مجله طب و تزکیه، ش ۲۹، ۱۳۷۷ ش، ص ۷۸، مقاله بررسی تأثیر آوای «قرآن کریم» بر کاهش اضطراب، علیرضا نیک‌بخت.

۲. رک: مقالات همایش نقش دین در بهداشت روان، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران، آذر ۱۳۷۶ ش، ص ۷۹ تحقیق مجید یوسفی لویه، کاظم حسن پور.

در «قرآن کریم» می‌خوانیم: ﴿وَلَا تَيْسَسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَيْسَسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمَ الْكَافِرُونَ﴾؛^۱ و از رحمت بی‌منت‌های خدا نومید مباشید که هرگز هیچ‌کس از رحمت خدا نومید نیست، مگر کافران.

کتاب‌های مذهبی و به‌ویژه «قرآن کریم» بر توکل به خدا، امید به فضل و رحمت الهی و مذمت ناامیدی و یأس تأکید دارند آن‌چنان که در اسلام ناامیدی از خدا را یک گناه کبیره به حساب می‌آورند. همین موضوع موجب می‌شود که مؤمنان همیشه شاداب و امیدوار باشند و به دامن افسردگی و یأس نیفتند. یکی از صاحب‌نظران در این زمینه می‌نویسد:

«نتایج (یک آزمون) نشان داد، بیمارانی که باورهای مذهبی قوی‌تر داشتند و اعمال مذهبی را انجام می‌دادند، نسبت به گروه دیگر کمتر افسردگی داشتند و راه طولانی‌تری را در هنگام ترخیص از بیمارستان پیاده طی کردند.

هم‌چنین باور داشتن به خداوند به عنوان منشأ قدرت و آرامش و نیز انجام فرایض دینی، به صورت معناداری با درجه پایین افسردگی در هنگام ترخیص از بیمارستان ارتباط داشته است. (پرسمن، لیونز، لارسون، استرین، ۱۹۹۰ م).

– دعوت قرآن به صبر و تأثیر آن در کاهش فشارهای روانی.

– توکل بر خدا و تأثیر آن در حل مشکلات و آرامش روانی.

یکی دیگر از پزشکان صاحب‌نظر می‌نویسد:

«واکنش سوگ ناشی از داغ‌دیدگی، واکنش طبیعی است. تحقیقات زیادی نشان داده‌اند که داشتن تفکر و عملکرد مذهبی به‌طور محسوس، موجب کاهش شدت درد فقدان و دوره آن می‌شود. این تأثیر از طریق مکانیسم‌های چندی صورت می‌گیرد؛ از جمله:

نخست: اعتقاد، ایمان و توکل به خداوند (Trust in God)؛ با نام و یاد او قلب‌ها

آرام می‌گیرد: ﴿أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾^۲

دوم: داشتن صبر و بردباری و تسلیم بودن به رضای خداوند و نیز تسلیم بودن به

۱. یوسف، آیه ۸۷.

۲. رعد، آیه ۲۸.

نظام الهی و پناه بردن به خداوند در هنگام مصیبت‌ها: ﴿إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾^۱ نیز موجب کاهش شدت و دوره سوگ می‌شود.

سوم: بهره‌گیری از سمبل‌های ایمانی و مذهبی از دیگر عوامل مهم و مؤثر در کاهش درد فقدان است.

در شیعه نمونه متعالی این مراسم، مربوط به عزاداری‌های «عاشورا» است.

عاشورا نمونه‌ای از هر نوع داغ را داراست: داغ فرزند، داغ برادر، غم اسیری و مظهر متعالی وداع با زندگی است.

مسلمان داغدار به هر میزان که بتواند خودش را جای داغداران کربلا قرار دهد و با آنها همانند سازی کند، به همان میزان از فشار داغ‌دیدگی خود کاسته است.

- ممنوعیت خودکشی در دین و تأثیر آن در پایین آمدن آمار خودکشی در جوامع مذهبی:

در دوازده پژوهش که توسط «گارتتر» و همکاران (۱۹۹۱ م) مورد بررسی قرار گرفتند بین اعتقادات مذهبی و خودکشی هم‌بستگی منفی مشاهده شد. در شماری از بررسی‌ها این مسئله روشن شد که افرادی دارای اعتقادات مذهبی قوی، نسبت به خودکشی تنفر و انزجار بیشتری نشان دادند.

استاک در توضیح این‌که چرا افراد مذهبی کمتر دست به خودکشی می‌زنند، دلایل مختلفی ارائه می‌دهد که از آن جمله بالا بودن عزت نفس و داشتن مسئولیت اخلاقی است؛ هم‌چنین عواملی مانند اعتقاد به بخشایش پروردگار، اعتقاد به مبارزه با وسوسه‌های شیطانی از قبیل خودکشی، اعتقاد به عدالت و روز واپسین را از دیگر عوامل می‌داند.

- تأکید بر محبت به پدر و مادر و تأثیر آن در سلامت روانی افراد خانواده.

- آیات حجاب در مورد بانوان و نقش آن در سلامت روانی زنان.

- اعتقاد به معاد و تأثیر آن در تأمین بهداشت روانی.

- تأثیر نماز در آرامش روانی.

- تأثیر یاد خدا در آرامش دل و رفع اضطراب و نگرانی.

- ممنوعیت بزهکاری در قرآن و تأثیر آن در کاهش این رفتار در بین افراد مذهبی (تأثیر اجتماعی).

- امر به معروف و نهی از منکر و تأثیرات آن بر جلوگیری از رشد عوامل آلوده‌کننده فضای جامعه (تأثیر اجتماعی).

- ممنوعیت سوء ظن، تجسس، تهمت و غیبت و تأثیرات آنها در پاک‌سازی فضای جامعه و امنیت اجتماعی و نیز حفظ شخصیت اجتماعی افراد.

- آیات قرآن در مورد محبت، صلح رحم، بخشش به دیگران و تأثیرات مثبت آن در اجتماع انسانی.

- ایجاد فضای سالم جنسی در اجتماع از طریق دستور حجاب برای زنان و ممنوعیت فحشا در آیات قرآن.

- دستور ازدواج و تشکیل خانواده و تأثیرات آن در آرامش فردی و سلامت محیط اجتماع.

آنچه بیان شد تمام تحقیقات پزشکان و محققان در مورد مطالب فوق نبوده و تنها پاره‌ای از نتایج تحقیقات آنان بیان شده است.^۱

در این مورد پژوهش‌های قرآنی متعددی انجام شده که برخی آنها در همایش دین و بهداشت روان دانشگاه علوم پزشکی ایران (سال ۱۳۷۶ ش.) ارائه شد و در دو جلد با عنوان اسلام و بهداشت روان^۲ انتشار یافت:

در کتاب تفسیر موضوعی قرآن کریم نیز مقاله مفصلی از نگارنده در مورد قرآن و بهداشت روانی منتشر شد^۳ هم‌چنین در این رابطه اخیراً کتاب قرآن و بهداشت روان تألیف دکتر احمد صادقیان منتشر شد.^۴

در این زمینه پژوهش‌های متعددی می‌تواند انجام داد که در راستای تفسیر علمی

۱. برای مطالعه بیشتر به منابعی که اولین پاورقی این قسمت معرفی شد، مراجعه کنید.

۲. این کتاب توسط انتشارات نشر معارف، چاپ شده است.

۳. همان.

۴. این کتاب توسط انتشارات پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن، وابسته به مرکز تحقیقات «قرآن کریم» المهدی منتشر شده است.

قرآن مفید خواهد بود؛ برای مثال: در زمینه تأثیر حجاب در تأمین بهداشت روانی و امنیت اجتماعی زنان: ﴿ذَلِكَ أَذُنِي أُنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذِينَ﴾ (احزاب، ۵۹)؛ در زمینه تأثیر جامعه‌شناختی نماز در کاهش بزهکاری‌های اجتماعی ﴿إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ﴾ (عنکبوت، ۴۵) و نیز در مورد پیشگویی‌ها و حقایق علمی قرآن (نظریه‌پردازی‌های علمی قرآنی) تحقیقات تجربی می‌تواند راهگشا باشد و آفاق جدید علمی را بر بشریت بگشاید؛ مثل وجود موجودات زنده در آسمان: (شوری، ۲۹) و سخن گفتن مورچه و حیوانات (نمل، ۱۸).

قلمرو و محدودیت‌ها

روش تحقیق تجربی، نیمه تجربی و هم‌بستگی در روش تفسیر علمی قرآن و نیز در مطالعات میان رشته‌های^۱ کاربرد وسیع دارد. به صورت خلاصه می‌توان گفت: این روش چنان‌که گذشت، در حوزه‌های روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، بهداشت روانی و درمان جسمانی آیات و آموزه‌های قرآنی کاربرد دارد. چنان‌که تاکنون در این زمینه کتاب‌های تفسیری متعددی نگاشته شده که به تحقیقات تجربی و نیمه تجربی فوق استناد کرده‌اند.^۲

البته روش تحقیق تجربی، نیمه تجربی و هم‌بستگی در مورد محتوای برخی از آیات قرآن و آوای همه آیات کاربرد دارد؛ اما ممکن است در مورد محتوای همه آیات قرآن کارایی نداشته باشد.

و نیز روش تجربی و نیمه تجربی، روش‌های تحقیق انحصاری نیستند؛ یعنی: با روش‌های تحقیق دیگر در قرآن قابل جمع هستند.

و نیز لازم است که در تحقیق تجربی از شیوه استخدام علوم در فهم قرآن استفاده شود، نه از شیوه استخراج همه جزئیات علوم از قرآن و نیز نه شیوه تحمیل نظریه‌های علمی بر قرآن.^۳

۱. در مباحث بعدی به روش تحقیق میان رشته‌ای می‌پردازیم.

۲. ر.ک: درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، نگارنده، بخش کتاب‌شناسی تفسیر علمی و نیز پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، نگارنده، ج ۲، بخش قرآن و علوم پزشکی و نیز تفسیر موضوعی قرآن، جمعی از نویسندگان، نشر معارف، بخش قرآن و بهداشت روان.

۳. ر.ک: درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، نگارنده، مبحث گونه‌های تفسیر علمی.

آسیب‌ها

یک: **حصرگرایی**: برخی افراد مثل «پوزیتیویست‌ها» گمان بردند که تنها راه علمی، همان روش تجربی است از این‌رو روش‌های دیگر (عقلی - وحیانی و...) را تخطئه کردند. برخی مسلمانان نیز در تفسیر قرآن تحت تأثیر آنها قرار گرفته و به نوعی علم‌زدگی در تفسیر گرفتار آمدند که علامه طباطبایی رحمته‌الله در مورد این خطر هشدار داده است.^۱

براساس همین تفکر، شیوه‌ای افراطی در تفسیر علمی قرآن به وجود آمد که منتهی به تحمیل نظریه‌های علمی بر قرآن گردید؛ درحالی‌که روش تحقیق تجربی و نیمه تجربی، یکی از روش‌های علمی تحقیق بوده و نفی کننده روش‌های عقلی و نقلی نخواهند بود و اصولاً چنین تفکر حصر گرایانه‌ای، پژوهشگر را از دستیابی به قراین عقلی و نقلی (مثل روایات) باز می‌دارد و در نتیجه تفسیری که از این شیوه تحقیقی حاصل می‌آید، تفسیری ناقص، بلکه تفسیر به رأی خواهد بود.

دو: **قطعی پنداشتن همه تحقیقات تجربی**: برخی از مطالب علوم تجربی که به مرحله بدهت حسی می‌رسند، یا دلیل عقلی مورد پشتیبانی قرار می‌گیرند، قطعی می‌شوند؛ اما بسیاری از علوم تجربی، نظریه‌های علمی که دارای کاربرد عملی هستند؛ بنابراین لازم است در این موارد با احتیاط بیشتری به تحقیق، نظریه‌پردازی و تفسیر بپردازیم و هر پژوهش تجربی را قطعی نپنداریم و به قرآن و خدای متعال نسبت ندهیم؛ بلکه در صورتی که به نتایج پژوهش تجربی اطمینان نسبی حاصل شد و با ظاهر آیه سازگار بود، به صورت احتمال به قرآن نسبت دهیم. تا اگر تحقیقات تجربی پیشرفت بیشتری نمود و نتایج تغییر کرد، ضربه‌ای به اعتبار قرآن و تفسیر آن وارد نشود. در این رابطه مفسران و دانشمندان اسلامی، معیارها و ضوابطی را برای تفسیر علمی قرآن داده‌اند که باید رعایت شود.^۲

سه: **تحمیل نظریه‌های علمی بر قرآن**: همان‌طور که گذشت، در استفاده از روش تحقیق تجربی برای مطالعات قرآنی، می‌توان به سه‌گونه و شیوه فرعی عمل کرد:

۱. المیزان فی تفسیر القرآن، علامه طباطبایی، ج ۱، (مقدمه).

۲. رک: درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، نگارنده، مبحث معیارهای تفسیر علمی.

نخست: استخراج همه جزئیات علوم از قرآن: مبنای این شیوه آن است که بر اساس آیه: ﴿وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ﴾ (نحل، ۸۹) همه جزئیات علوم در قرآن وجود دارد؛ ولی این مبنا مخدوش است؛ چرا که این آیه در راستای هدف قرآن معنا می‌شود که همان هدایت مردم به سوی خداست، بنابراین در قرآن کلیات امور مربوط به هدایت مردم است؛ اگرچه اشارات و نکات علمی شگفت‌آور و اعجاز‌آمیزی در راستای هدایت بشر در آن وجود دارد.^۱ بنابراین شیوه استخراج همه علوم از قرآن صحیح نیست و گاهی ممکن است به تحمیل و تفسیر به رأی منتهی شود.

دوم: تحمیل نظریه‌های علمی بر قرآن: همان‌طور که در گفتار حصرگرایی و قطعی‌پنداری علوم تجربی گذشت، این شیوه بر اساس علم‌زدگی در تفسیر قرآن و قطعی‌انگاری نظریه‌های علمی در قرن نوزدهم و بیستم میلادی به وجود آمد و معمولاً منتهی به تفسیر به رأی می‌شود، که حرام است؛^۲ یعنی: برخی از افراد به دلیل علاقه به علوم تجربی، هر نظریه غیر قطعی علمی را با قرآن تطبیق می‌کنند و اگر با ظاهر قرآن موافق نباشد، بر آن تحمیل می‌کنند. بنابراین تحمیل نظریه‌های علمی بر قرآن صحیح نیست.

سوم: استخدام علوم تجربی برای فهم آیات قرآن: این شیوه اگر با رعایت معیارها صورت گیرد صحیح و معتبر است؛^۳ یعنی: گاهی علوم تجربی قطعی یا پژوهش‌های تجربی اطمینان‌آور مفاد آیه‌ای از قرآن را توضیح می‌دهند و نکات جدیدی از حقایق قرآنی را آشکار می‌سازند (مثال‌های آن در بهداشت روانی گذشت) این شیوه ممکن است تا آن‌جا پیش رود که شگفتی‌های علمی یا اعجاز‌های علمی قرآن را آشکار نموده و تا به نظریه‌پردازی علمی قرآنی (پیشگویی‌های علمی قرآن) منتهی شود.^۴

۱. ر.ک: همان، مبحث: قلمرو قرآن و علم.

۲. همان، مبحث: گونه‌های تفسیر علمی قرآن.

۳. همان.

۴. در این مورد در مبحث روش تحقیق میان رشته‌ای مطالب بیشتری بیان خواهد شد.

۳. روش تحلیل تاریخی (نقلی)

روش تحقیق نقلی، براساس نقل استوار است (در برابر روش عقلی، که بر عقل استوار بوده و نیز روش تجربی که بر تجربه و آزمایش مبتنی است).

روش تحقیق نقلی را روش تحقیق تاریخی نیز می‌نامند و آن را این‌گونه تعریف می‌کنند: تحقیق تاریخی، از آن دست از تحقیقاتی است که بر موضوعی معین که در گذشته و در یک مقطع زمانی مشخص اتفاق افتاده است، صورت می‌گیرد. از آن‌جا که در فاصله دو زمان مشخص در گذشته، رویدادهایی به وقوع پیوسته و ابزاری تکمیل گشته است، بنابراین تلاش محقق در روش تحقیق تاریخی بر آن است که حقایق گذشته را، از طریق جمع‌آوری اطلاعات، ارزشیابی و بررسی صحت و سقم این اطلاعات، ترکیب دلایل مستدل و تجزیه و تحلیل آنها، به صورتی منظم و عینی ارائه کند و نتایج پژوهشی قابل دفاعی را در ارتباط با فرض یا فرض‌های ویژه تحقیق نتیجه بگیرد.^۱

ویژگی‌های تحقیق تاریخی

۱. پژوهش تاریخی به اطلاعاتی بستگی دارد که توسط دیگران جمع‌آوری یا مشاهده شده است. بنابراین، اولین وظیفه محقق تاریخی، بررسی در مورد درستی، اعتبار و معنادار بودن این اطلاعات است؛

۲. اطلاعات مورد نیاز در پژوهش تاریخی را می‌توان از دو منبع یا مأخذ به خلاصه زیر به دست آورد:

الف) منابع دست اول^۲

برخی از این منابع عبارتند از:

۱. اسناد و مدارکی که توسط ناظران واقعی ضبط و نوشته شده‌اند، به استناد بر متون موجود و تحقیقات مربوط؛

۲. بقایایی که از فرد یا گروه به‌جا مانده است مانند: فسیل‌ها، اسکلت‌ها، ابزارها، لباس‌ها، ساختمان‌ها، تصاویر و نقاشی‌ها، سکه‌ها و مانند آنها؛

۱. روش‌های تحقیق و چگونگی ارزشیابی آن در علوم انسانی، ص ۶۵.

2. primary sources.

۳. گواهی شفاهی فرد ناظر در جریان وقوع حادثه. معمولاً کسب این اطلاعات از طریق مصاحبه شخصی صورت می‌گیرد.

ب) منابع دست دوم^۱

منابع دست دوم گزارش‌هایی هستند که گزارشگر آن، ناظر عینی واقعه نبوده و امکان دارد گزارش مذکور براساس مصاحبه‌ای با مشاهده کننده واقعی حادثه تهیه و تنظیم شده باشد یا گزارشگر، گزارش این فرد را مطالعه کرده است. برای مثال: اطلاعات موجود در کتاب‌های درسی تاریخ یا کتاب‌های اطلاعات عمومی که بارها نویسندگان از قول نویسندگان گزارش داده‌اند در زمره منابع دست دوم است. معمولاً، محققان تاریخی، هنگامی از منابع دست دوم استفاده می‌کنند که اطلاعات دست اول موجود نباشد.

۴. در تحقیقات تاریخی، محقق از طریق دو نوع نقد اساسی به خلاصه زیر، اطلاعات به دست آمده را ارزشیابی می‌کند:

الف) نقد ظاهری یا خارجی^۲ از اطلاعات که این سؤال را مطرح می‌کند:

«آیا این سند و مدرک یا شیء باقیمانده، واقعی و اصل است؟»

ب) نقد درونی یا داخلی^۳ از اطلاعات که سؤال می‌کند:

«اگرچه این سند و مدرک یا شیء باقیمانده واقعی و اصیل است، ولی آیا تصویری واقعی از واقعه را ارائه می‌دهد؟»

در این جا مسئله ارزشیابی و بررسی بر صحت اصالت مدرک به دست آمده صرف کار نیست، بلکه چگونگی انگیزه‌ها و تعصبات و محدودیت‌های گزارشگر مطرح می‌شود؛ زیرا که همین چند مورد اخیر ممکن است سبب غلو گزارشگر یا نادیده انگاشتن یک اطلاع خاص گردد. ذکر این نکته ضروری است که همین ارزشیابی‌های انتقادی از اطلاعات است که اگر دقیق و درست انجام گیرد تحقیقات تاریخی را در نوع خود مستدل و قابل اعتماد و با ارزش می‌سازد.^۴

1. secondary sources.
2. External criticism.
3. Internal criticism.

دو تصور از حادثه و شناخت تاریخی

الف) حادثه تاریخی، حادثه‌ای که در گذشته صورت گرفته و سپری گردیده و در زمان خود محبوس و مدفون شده است که نقش مورخ در مطالعه تاریخی و وقایع نگاری است.

ب) حادثه تاریخی در بستر زمان جاری می‌شود و حیات می‌یابد؛ یعنی: شناخت سلف (آینده) در پرتو خلف (گذشته) یعنی مطالعه تاریخی، چگونگی و چرایی پدیدار تاریخی را در پرتو حوادث آینده توضیح می‌دهد؛ برای مثال: مطالعه تاریخی نهضت عاشورا، به معنای توصیف هویت و ابعاد این حادثه عظیم و تبیین آن در آینه زمان و در پرتو حوادث آینده است.^۱

فرایندهای مطالعات تاریخی

نخست: مقام توصیف: شناخت چگونگی بسط و تطور امر تاریخی؛
دوم: مقام تبیین: توضیح چرایی بسط و تطور امر تاریخی.^۲

پیشینه و دلایل: کاربرد روش تحقیق و تحلیل تاریخی در حوزه تفسیر و علوم قرآن پیشینه‌ای طولانی دارد. شاید بتوانیم ریشه‌های این بحث را در خود قرآن بیابیم که قصص انبیا را مطرح کرده و به سرنوشت و تاریخ قرآن از نزول تا ابلاغ اشاره نموده و حتی انسان‌ها را به تفکر در منابع تاریخی و عبرت آموزی از قصص قرآن فرا می‌خواند. امری که لازمه آن تحقیق در تاریخ و تحلیل آن است:

﴿أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ﴾ (یوسف، ۱۰۹)؛
﴿لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةً لِأُولِي الْأَلْبَابِ﴾ (یوسف، ۱۱۱).

سپس مباحث تاریخی مربوط به قصص و تاریخ قرآن، اسباب نزول و... در احادیث پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام و منابع تاریخی مطرح شده‌اند. که در برخی موارد، با تحلیل و عبرت‌گیری همراه هستند.

در تفاسیر شیعه و اهل سنت نیز از این احادیث تفسیری و روایات تاریخی فراوان

۱. روش‌شناسی مطالعات دینی، ص ۲۳۱ - ۲۲۹.

۲. همان، ص ۲۳۶.

استفاده شده، به صورتی که روش تفسیر روایی به وجود آمده است. البته ارزیابی و اعتبار احادیث تفسیری و روایات تاریخی، شیوه خاص خود را دارد، یعنی: لازم است در مورد هر روایت، تحقیق سندی و متنی صورت گیرد و هر روایت که از طریق موثق از معصومان علیهم السلام به ما رسیده و محتوای آن مخالف محکومات (قرآن، سنت قطعی، عقل و علم قطعی) نباشد، حجت خواهد بود و می‌توان از آن به عنوان قرینه‌ای برای فهم و تفسیر آیات بهره جست. البته روایات غیر معصومان نیز پس از بررسی سندی و متنی می‌توانند معتبر بوده و قرینه فهم و تفسیر آیات قرار گیرند.^۱

نتیجه‌گیری: به نظر می‌رسد مطالعه و تحقیق و تحلیل تاریخی در مطالعات قرآنی، جایگاه ویژه‌ای داشته و دارد و مقصود از آن نیز، همین تصور دوم از حادثه و مطالعه تاریخی است؛ یعنی: مطالعه گذشته در پرتو آینده و جاری کردن حادثه تاریخی در بستر زمان، که مقام توصیف و تبیین را شامل می‌شود.

البته مقصود از روش تاریخی در مطالعات قرآنی، اعم از تاریخ مصطلح است؛ یعنی: روش تحقیق نقلی که شامل همه موارد نقل (تاریخ، احادیث تفسیری، لغت و ...) می‌شود.

کاربردها

روش تحقیق تاریخی در حوزه‌های مختلف مطالعات قرآنی دارای کاربرد بوده و مؤثر است؛ از جمله:

الف) در مطالعه قصص قرآنی از جمله سرگذشت ۲۶ پیامبری که در قرآن آمده یا اقوام و شخصیت‌های مستقل مانند لقمان، فرعون و... و توضیحات تکمیلی آنها که در احادیث تفسیری و تاریخی آمده است.

ب) در مطالعه تاریخ صدر اسلام و پیامبر صلی الله علیه و آله و جنگ‌های ایشان که در آیات قرآن

۱. شرایط و قلمرو احادیث تفسیری در روش‌های تفسیری مورد بررسی قرار می‌گیرد (ر.ک: منطق تفسیر قرآن (۲) از نگارنده، مبحث روش تفسیر روایی). ولی ضوابط روایات تاریخی در مبانی تفسیر مورد بررسی قرار می‌گیرد. (ر.ک: منطق تفسیر قرآن (۱) از نگارنده).

۲. البته استفاده از تاریخ، لغت و احادیث تفسیری ضوابط خاص دارد که در منطق تفسیر ۱ و ۲ توضیح داده‌ایم.

آمده است. هم‌چنین در روایات تفسیری تاریخی توضیح داده شده یا گزارش‌های تکمیلی آنها آمده است.

ج) در مطالعه و ارزیابی اسباب النزول (شان نزول‌ها) که در مورد آیات قرآن نقل شده و تعداد آنها بیش از هزار مورد است.^۱

د) در شناخت مکی و مدنی آیات و سوره‌ها در حوزه علوم قرآن که در فهم و تفسیر نیز مؤثر است؛ برای مثال: در مورد واژه «زکات» در آیه: ﴿وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ﴾ (مؤمنون، ۴) برخی از مفسران گفته‌اند که چون سوره مؤمنون مکی است و در آن محیط زکات واجب نبوده بنابراین زکات در این جا به معنای انفاق است.^۲

ه) در شناخت ترتیب نزول سوره‌ها و آیات قرآن که در تفسیر ترتیبی، به‌ویژه تفسیر ترتیبی نزولی کاربرد دارد.

و) در مطالعات جغرافیای تاریخی قرآن؛ یعنی مکان‌های جغرافیایی که در تاریخ گذشته مطرح بوده و در قرآن از آنها یاد شده است؛ مثل «احقاف»، «مدین»، شهر محل عذاب قوم عاد و ثمود، مجمع البحرين و نیز محل جنگ‌های صدراسلام (احزاب، أحد، بدر و...) که در تفسیر قرآن کاربرد ویژه‌ای دارد. و در گذشته ذیل مباحث اعلام قرآن از آنها یاد می‌شده است. وحتى برخی از مفسران قرآن، هم‌چون مودودی در تفهیم القرآن نوشته‌اند که قبل از تفسیر، از این مکان‌ها بازدید کرده‌اند.

ز) در مطالعات باستان‌شناسی قرآنی، مثل «جسد فرعون» که از آب بیرون آمده و برخی از موزه‌ها مدعی نگهداری آن هستند. «سد ذوالقرنین»، «سد مأرب»، «کشتی نوح» و... .

ح) در شناخت آداب و رسوم و فرهنگ عرب جاهلی که در فهم و تفسیر برخی آیات مؤثر است. برای مثال: در مورد آیه: ﴿وَلَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ اتَّقَىٰ وَآتَىٰ الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا﴾ (بقره، ۱۸۹).

۱. رک: اسباب النزول، واحدی و اسباب النزول، سیوطی و نمونه بینات در شان نزول آیات، دکتر محقق.

۲. رک: همان.

در تاریخ و تفاسیر نقل شده که عرب‌های جاهلی عقیده داشتند که در هنگام احرام نباید از در خانه خویش وارد شوند و سوراخی در پشت خانه ایجاد می‌کردند که از آن رفت‌وآمد می‌کردند و قرآن با این عادت غلط برخورد کرد.^۱

اگر مفسر به این حادثه تاریخی توجه نکند و ارتباط آن را با آیه تحلیل نکند، نمی‌تواند فهم روشنی از آیه به دست آورد.

ط) در واژه‌شناسی قرآن: کار اصلی لغت‌شناسان گزارش استعمال لغات در مقطع زمانی خاصی است؛ یعنی: در حقیقت، کار کتاب‌های لغت نقل و گزارش تاریخی است؛ البته برخی از واژه‌شناسان علاوه بر نقل، به ریشه‌یابی و تحلیل واژه هم می‌پردازند؛ هم‌چون: کتاب مفردات قرآن، اثر راغب اصفهانی و التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، نوشته مصطفوی. به‌هرحال، تحلیل تاریخی واژه و کاربردهای آن در صدر اسلام به یاری مفسران آمده تا تصور بهتری از معانی آیات به دست آورند.

یادآوری این نکته لازم است که در این مورد نیز نباید فقط به توصیف و نقل تاریخی معنای لغت در صدر اسلام بسنده کرد؛ بلکه باید به تبیین پرداخته و آینده را در پرتو گذشته شناخت؛ یعنی: مفهوم لغت را باید تا عصر حاضر جاری نموده و مصادیق جدید آن را در زمانه خود شناسایی کرد؛ چرا که لغت برای روح معنا وضع شده و در هر زمان مصادیق جدیدی پیدا می‌کند. برای مثال: تصور مخاطب از واژه «عمد» در آیه: ﴿رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرْوَاهَا﴾ (رعد، ۲) همان ستون خیمه بود؛ همان‌طور که تصور او از «مصباح» چراغ روغنی بود؛ ولی در عصر ما مصادیق جدید مثل ستون فلزی، بتنی و حتی ستون‌های نامرئی مثل نیروی جاذبه پیدا می‌شود و مصادیق جدید مصباح، مثل چراغ نفتی، گازی و برقی است.

ی) در تحلیل ادبی آیات (تحلیل گزاره‌های قرآنی): ادبیات نیز بر نقل تاریخی استوار است؛ چرا که ادیبان ساختار جمله و نقش کلمات در آنها را از کاربردهای مردم در عصر خاص نقل می‌کنند و به اشعار گذشتگان استدلال می‌کنند. مفسران قرآن از ادبیات استفاده کرده و به تحلیل گزاره‌های قرآنی می‌پردازند؛ همان‌طور که زمخشری در

۱. ر.ک: مجمع البیان، ج ۱، ص ۲۸۳ و برخی تفاسیر دیگر قرآن مثل نمونه، ذیل آیه.

تفسیر کشاف فراوان این کار را انجام داده است. هم‌چنین طبرسی در مجمع البیان ذیل هر دسته از آیات به این مطلب توجه ویژه داشته است.

ک) در احادیث تفسیری: علم حدیث نیز بر نقل استوار است و احادیث به صورت نقل تاریخی به دست ما می‌رسند؛ احادیث تفسیری نقش زیادی در فهم و تفسیر قرآن دارند به طوری که در این رابطه روش تفسیر روایی شکل گرفته است.^۱ البته شناخت و کاربرد روایات تفسیری در تفسیر قرآن مستلزم ارزیابی سندی و محتوایی آنهاست. اقسام روایات تفسیری و اعتبار آنها و شیوه‌های نقد آنها به صورت مبسوط در روش‌های تفسیری مورد بررسی قرار می‌گیرد.^۲ در این نوشتار نیز در مبحث روش تحقیق در مباحث علوم قرآن و روش تحقیق حدیثی مطالبی بیان خواهیم کرد؛ ولی به صورت اجمال باید گفت: نخست: روش تحقیق سندی و محتوایی در روایات تفسیری آیات الاحکام کارائی دارد؛

دوم: روش تحقیق محتوایی در روایات تفسیری دیگر (مثل روایات مربوط به عقاید، اخلاق و علوم) به کار می‌رود.

ل) در تحلیل اقوال مفسران: هر چند که اقوال مفسران، به‌خودی‌خود، در تفسیر قرآن حجت نیستند؛ ولی مراجعه به آنها لازم است و تحلیل تاریخی آنها و پژوهش در زندگی و عقاید مفسران زمینه‌ساز فهم بهتر آیات یا به دست آوردن قرائنی برای تفسیر آیات می‌شود و گاه خطای برخی مفسران را در تفسیر آیات یا تأثیر گرایش‌های مذهبی آنان را در تفسیر روشن ساخته و از خطاهای بعدی جلوگیری می‌کند. برای مثال: مفسرانی که گرایش اشعری داشته‌اند، معمولاً آیات ناظر به افعال انسان را جبرگرایانه و آیات مربوط به رؤیت الهی را براساس جواز رؤیت تفسیر کرده‌اند.^۳

م) در تاریخ قرآن: مسئله سرنوشت قرآن از نزول تا جمع و تدوین آن، مطلبی

۱. ر.ک: منطق تفسیر قرآن (۲) روش‌ها و گرایش‌های تفسیر قرآن، از نگارنده و مبانی و روش‌های تفسیر قرآن، عباسعلی عمید زنجانی و ...

۲. ر.ک: منطق تفسیر قرآن (۲) مبحث روش تفسیر روایی.

۳. ر.ک: تفسیر مفاتیح الغیب، فخر رازی، آیات رؤیت. ﴿تَدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ﴾ انعام، آیه ۱۰۳؛ ﴿إِلَىٰ رَبِّهَا نَاطِرَةٌ﴾ قیامت، آیه ۲۳.

تاریخی است که در برخی آیات قرآن و نیز در احادیث و تواریخ بیان شده است و تحلیلی تاریخی می‌طلبد.

البته در مورد شیوه تحقیق و بررسی روایات جمع قرآن دو دیدگاه وجود دارد (تحلیل تاریخی - تحلیل فقهی) که در مبحث روش تحقیق در علوم قرآن و روش تحقیق فقهی بیان خواهد شد.

قلمرو و محدودیت‌ها

همان‌طور که گذشت، روش تحقیق و تحلیل تاریخی در بسیاری از حوزه‌های تفسیر و علوم قرآن کاربرد و تأثیر دارد؛ ولی این روش تحقیق، انحصاری نیست؛ یعنی پژوهشگر می‌تواند در کنار این روش از روش‌های درون قرآنی، عقلی، تجربی و... نیز استفاده کند.

روش تحقیق تاریخی در برخی از آیات قرآن که در حوزه‌های تاریخی پیش گفته قرار نمی‌گیرند کارائی نداشته. و از نظر منابع تاریخی و اعتبار نیز دارای محدودیت‌هایی است که لازم است محقق به آنها توجه کند، تا دچار آسیب نشده و نتایج تحلیل‌های تاریخی محقق، معتبر شود.

آسیب‌شناسی

روش تحقیق و تحلیل تاریخی در مطالعات قرآنی، گاه دچار آسیب می‌شود که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

۱. وجود منابع تاریخی و روایات ضعیف، جعلیات و اسرائیلیات: یکی از واقعیات کتاب‌های تاریخ وجود این‌گونه روایات در آنهاست که احادیث نیز از دسترس جاعلان و عوامل نفوذی یهود و مسیحیان به دور نبوده.^۱ بسیاری از روایات تفسیری و تاریخی سند ندارد و این مشکل در بخش قصص قرآن، حادث‌تر است. البته در این‌گونه موارد، پژوهشگر می‌تواند با دقت و نقد سندی و محتوایی از این آسیب تا حدودی بپرهیزد.

۱. رک: التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب، علامه معرفت، ج ۳، ص ۸۱ - ۳۱۰.

۲. توهم تأثیرپذیری قرآن از فرهنگ زمانه:

یکی از آسیب‌های تحلیل تاریخی آن است که برخی گمان می‌کنند قرآن تحت تأثیر فرهنگ جاهلی عرب قرار گرفته شده است و متنی تاریخ‌مند که برای اعصار بعدی قابل استفاده نیست در این مورد ضروری است توجه نمود که اگر مراد از «فرهنگ زمانه عرب» عناصری مثل ادبیات باشد، این عناصر فرهنگی به ناچار، در هر کتاب با سخنرانی - که برای ملت (کسانی که آن فرهنگ متعلق به آنان است) ارائه شود - نفوذ می‌کند و به‌کارگیری آن برای تفهیم مطالب لازم است. قرآن نیز از این مسئله مستثنا نیست. از این‌رو، خود قرآن هم از واژگان و ضرب‌المثل‌های عرب استفاده کرده است.

اما اگر مراد از فرهنگ زمانه عرب موضع‌گیری‌های فکری و هنری و آداب و سنن و رسوم اجتماعی است، این شامل خرافات و مطالب باطل و شرک‌آلود نیز می‌گردد. در این صورت، باید گفت که «قرآن کریم» متأثر از این فرهنگ نشده است؛ چرا که باطل در قرآن راه ندارد: ﴿لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ﴾^۱ حتی در موارد متعددی، با این عناصر فرهنگی مقابله کرده است؛ مثل مذمت زنده به گور کردن دختران^۲ و یا عقیده به بت‌پرستی و شرک.

قبول عناصر مثبت فرهنگ و طرد عناصر منفی

آنچه نزدیک به صواب به نظر می‌رسد این است که بگوییم: «قرآن کریم» با عناصر فرهنگ زمان خویش سه‌گونه برخورد داشته است:

الف) قرآن عناصر مثبت فرهنگی عرب را، که ریشه در ادیان ابراهیمی داشته و بر اساسی صحیح بوده، پذیرفته، آنها را پیرایش کرده و تکامل بخشیده است. مثال آن در احکام، مسئله حج ابراهیمی و لعان است و از همین قبیل، در عقاید، اعتقاد به جن، سحر و مانند آن است. البته لازم به یادآوری است که عدم اعتقاد برخی از عالمان یا علوم امروزی به ماورای طبیعت (اعم از خدا، جن، فرشتگان و...) دلیل بطلان این عقاید

۱. فصلت، آیه ۴۲.

۲. تکویر، آیه ۸.

نمی‌شود؛ زیرا این مطالب از جمله حقایق دینی هستند که در جای خود و به روش خاص آنها، مستدل شده‌اند، هرچند که در اصل این ادعا سخن بسیار می‌توان گفت؛ چرا که علوم «فرا روان‌شناسی» در جهان امروز به همین مطلب می‌پردازد و نه تنها آنها را نفی نکرده، بلکه مورد مطالعه و تحقیق قرار داده است.^۱

همان‌گونه که صرف احتمال این‌که در آینده، علم، بطلان این مسائل را اثبات می‌کند و آنها را از مصادیق تعارض علم و قرآن قرار خواهد داد، نمی‌تواند دلیل دست برداشتن از عقاید و ظواهر قرآن باشد، به نظر می‌رسد که ناتوانی برخی در پاسخ‌گویی به تعارضات ظاهری علم و دین باعث طرح این مباحث می‌شود، به طوری که برای جلوگیری از اتفاقی که نیفتاده و چیزی که ثابت نشده، حاضرند زودتر تسلیم شوند. و بگویند: قرآن در این مسائل تابع فرهنگ زمانه و زبان مردم بوده است.

ب) قرآن عناصر منفی و خرافات اعراب جاهلی را نمی‌پذیرد، بلکه با آنها مقابله نموده و یا نامی از آنها نمی‌برد.

قرآن از عصر قبل از نزول قرآن به: ﴿الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى﴾^۲ تعبیر می‌کند و می‌فرماید: ﴿أَفَحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ يَبْغُونَ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا﴾؛^۳ آیا حکم جاهلیت را می‌جویند؟ برای گروهی که اهل یقین‌اند، حکم چه کسی از حکم خدا بهتر است؟

مثال‌ها و نمونه‌ها

مواردی که از اعتقادات و احکام جاهلی و فرهنگ عرب زمان نزول آیات قرآن بوده و «قرآن کریم» به مقابله با آنها برخاسته عبارتند از:

عبادت اعراب جاهلی:^۴ ﴿وَمَا كَانَ صَلَاتُهُمْ عِنْدَ الْبَيْتِ إِلَّا مُكَاءً وَتَصْدِيَةً فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ﴾؛^۵ دعایشان نزد خانه کعبه جز صفیر کشیدن و دست برهم

۱. ر. ک. به: مسائل جدید کلام، استاد ملکیان.

۲. احزاب، آیه ۳۳.

۳. مائده، آیه ۵۰.

۴. مصطفی حسینی طباطبایی، «زبان قوم، نه فرهنگ ایشان» مجله بینات، ش ۶ (تابستان ۷۴)، ص ۱۲۵ - ۱۲۶.

۵. انفال، آیه ۳۵.

زدن نیست. پس به کیفر کفری که می‌ورزیدید، عذاب بچشید.

ردّ قانون ظهار: در دروان جاهلیت، هرکس به زنش می‌گفت: «ظَهْرُكَ عَلَيَّ كَظْهِرِ أُمِّي»؛ (پشت تو بر من، هم چون پشت مادرم است) همسرش بر او حرام می‌شد. «قرآن کریم» در این باره فرمود:

﴿مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِنْ قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ وَمَا جَعَلَ أَزْوَاجَكُمْ اللَّائِي تَطَاهِرُونَ مِنْهُنَّ أُمَّهَاتِكُمْ وَمَا جَعَلَ أَدْعِيَاءَكُمْ أَبْنَاءَكُمْ﴾^۱ خداوند زنانتان را که نسبت به ایشان ظهار می‌کنید، مادران شما نساخت و پسر خوانده‌هایتان را پسر شما قرار نداد.^۲

تذکر: این مطلب یکی از مشکلات مستشرقان در روش‌های مطالعات قرآنی آنان است که در مباحث بعدی بدان خواهیم پرداخت.

۴. روش تحلیل عرفانی و شهودی (تجربه‌های عرفانی)

روش تحقیق شهودی و تحلیل عرفانی براساس شهود، مکاشفه و تجربه زنده عرفانی استوار است، هر چند که برخی از مفسران هم‌چون تستری (۲۰۰ - ۲۸۳ ق.) و سلمی (۳۷۶ - ۴۸۸ ق.) در حقایق التفسیر و میبیدی (زنده در ۵۳۰ ق.) در کشف الاسرار و عدة الابرار و گنابادی در بیان السعادة از شهود و مکاشفه در تفسیر قرآن استفاده کرده‌اند، به صورتی که روشن «تفسیر اشاری» در تفسیر قرآن به وجود آمده و حتی برخی معاصران از این روش دفاع کرده و معتقدند: معمولاً تجارب عرفانی را به عنوان مثالی برای تجارب غیر همگانی و تکرارناپذیر (غیر علمی) مطرح می‌کنند اما واقعیت این است که بررسی‌های علمی در خصوص تجربه عرفانی، نشان داده است که اولاً، همان‌گونه که استیس (۱۳۷۰) مطرح کرده، ابعاد تجربه عرفانی، در فرهنگ‌های مختلف، یکسان است و ثانیاً این تجارب، با انجام تمرینات و آیین‌های خاصی تا حدودی تکرارپذیر و همگانی است.^۳

ولی مخالفان در مورد اعتبار و حجیت مکاشفات غیر معصومان تردید کرده‌اند و چند اشکال اساسی را مطرح کرده‌اند از جمله این‌که: شهود و مکاشفه، امری شخصی و غیر

۱. احزاب، آیه ۴.

۲. همان.

۳. روش‌شناسی مطالعات دینی، ص ۲۰۰ (البته این بخش از کتاب از دکتر نیما قربانی است).

قابل انتقال به غیر است و مکاشفات خطاپذیراند؛ چون دو نوع رحمانی و شیطانی دارد و نمی‌توان به صورت قطعی مصادیق آنها را مشخص کرد و نیز مکاشفات استدلال بردار نیست (و اگر مطابق استدلال باشد، حجیت آن بر اساس استدلال است نه مکاشفه).^۱

بنابراین، روش تحقیق و تحلیل عرفانی که بر اساس شهود و مکاشفه است در تفسیر قرآن معتبر نبوده و گاه به تأویل‌های نابه جا می‌انجامد، البته برخی از محققان معاصر دو مورد را توجیه کرده و صحیح شمرده‌اند:

الف) روش تحقیق و تحلیل باطنی آیات: بر اساس آموزه‌های اهل بیت علیهم‌السلام که به صورت روشمند از طرف علامه معرفت رحمته‌الله تبیین گردید و مراحل برای آن بیان شد. علامه معرفت مراحل زیر را برای به دست آوردن بطن و تأویل آیه که همان تفسیر اشاری باطنی است ذکر می‌کنند:

۱. جویا شدن هدف آیه؛
۲. سنجیدن آن هدف با خصوصیات ذکر شده در متن آیه؛
۳. آن چه در تحقق یافتن هدف دخالت دارد، باقی گذارده شود و آن چه دخالت ندارد، نادیده گرفته شود؛
۴. مفهومی عام از متن آیه برداشت شود که مستقیماً در راستای هدف آیه قرار داشته باشد و از خصوصیات ذکر شده پیرامون آیه فراتر بوده و بر موارد مشابه مورد نزول آیه در هر زمان و هر مکان، قابل تطبیق باشد؛
۵. معیار صحت این برداشت در آن است که: مفهوم عام مُسْتَخْرَج از بطن آیه به گونه‌ای باشد که مورد نزول آیه، یکی از مصداق‌های شاخص آن مفهوم عام گردد و اگر چنین نشد و با ظاهر تنزیل، تناسب قریب نداشت، چنین استخراجی نادرست و از قبیل تأویل باطل و تفسیر به رأی خواهد بود.^۲

ب) روش تداعی معانی: مرحوم علامه معرفت رحمته‌الله تفاسیر عرفانی را این گونه توجیه می‌کردند که مفسران در تفاسیر عرفانی نمی‌خواهند تفسیر قرآن را بیان کنند، بلکه نوعی

۱. ر.ک: منطق تفسیر قرآن (۲)، از نگارنده و نیز مبانی و روش‌های تفسیر قرآن، عمید زنجانی، مبحث روش تفسیر اشاری.

۲. التفسیر الاثری الجامع، ج ۱، ص ۳۳.

تداعی معانی ذهنی را بیان می‌کنند.^۱ برای مثال وقتی از آیه: ﴿طَهَّرْنَا بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ﴾ (بقره، ۱۲۵) استفاده می‌کند که قلب خود را پاک کنید، گویا ذهن از واژه بیت و خانه، به قلب منتقل می‌شود.

تذکر: شاید بتوانیم دو مورد فوق (الف و ب) در حقیقت از روش تحلیل عرفانی و شهودی خارج است.

دومین تقسیم روش تحقیق در مطالعات قرآنی: (تطبیقی و غیر تطبیقی)

درآمد: مطالعات و تحقیقات قرآنی، گاه براساس بررسی مسئله از یک نگاه و یک متن یا از چند نگاه و چند متن انجام می‌گیرد؛ بنابراین روش‌های مطالعه و تحقیق قرآنی به دو دسته تطبیقی و غیر تطبیقی تقسیم می‌شوند. البته مطالعات تطبیقی منافاتی با استفاده از روش‌های تحقیق درون قرآنی و برون قرآنی و میان رشته‌ای ندارند، بلکه گاه جمع برخی از این روش‌ها در بررسی یک مسئله لازم است.

الف) روش تحقیق غیر تطبیقی

بسیاری از مطالعات و تحقیقات در تفسیر و علوم قرآن به صورت غیر تطبیقی بوده و هست؛ یعنی: محقق به دنبال بررسی مسئله تحقیق در متن قرآن، بدون نگاه به متون مقدس دیگر است. یا مفسر به دنبال مطالعه و تحقیق تفسیر آیه در متون تفسیری مذهب و مکتب خاص است، بدون این که به تفاسیر مذاهب دیگر نظر کند. برای مثال: تفسیر عیاشی به دنبال دیدگاه‌های شیعه در تفسیر است؛ همان‌طور که تفسیر ابن کثیر در پی ارائه دیدگاه‌های تفسیری اهل سنت است و این‌رو کمتر به جمع‌آوری و تطبیق مطالب بر دیدگاه‌های مخالفان خود می‌پردازند. و نیز گاهی محقق به دنبال مطالعه و تحقیق در قرآن است، بدون این که به مطالعات تطبیقی میان رشته‌ای نظری داشته باشد. روش تحقیق غیر تطبیقی، عمدتاً به صورت درون‌متنی انجام می‌گیرد؛ ولی گاه از روش‌های تحقیق برون متنی (مثل تحلیل عقلی و تحلیل تاریخی) هم بهره می‌گیرد.

۱. همان ج ۱، ص ۳۳ به بعد.

ب) روش تحقیق تطبیقی

روش تحقیق و مطالعه تطبیقی را این‌گونه تعریف کرده‌اند: «شناخت یک پدیدار یا دیدگاه در پرتو مقایسه (فهم و تبیین مواضع خلاف و وفاق)»؛ پس مفاهیم اصلی و سازنده مطالعه تطبیقی عبارت‌اند از:

– شناخت یک پدیدار یا دیدگاه که هدف مطالعه تطبیقی است؛

– بررسی مقایسه‌ای، که شیوه‌ای برای نیل به شناخت چند وجهی است؛

– فهم و تبیین مواضع خلاف و وفاق واقعی بین امور مورد مقایسه (که این مطلب در حقیقت روش نیل به رکن اول است)؛^۱

امتیاز اساسی روش تحقیق تطبیقی آن است که محقق را از حصرگرایی، فراتر برده و امکان وقوف بر ابعاد نا پیدای موضوع مورد تحقیق را فراهم می‌سازد و چشم را بر خلل‌ها و مسائل، بیناتر می‌کند؛ اما رویکرد مستقیم (غیر تطبیقی) در شناخت یک امر، فرد را از دیدن ابعاد مختلف آن، محروم ساخته و او را سطحی‌نگر می‌کند.

دامنه تطبیق

در مطالعات تطبیقی، لازم است دامنه تطبیق روشن شود؛ چنان‌که عوامل مختلفی در تحدید آن نقش دارد از جمله: توانایی فردی، امکانات پژوهشی، قابلیت تطبیق و... . گاه دو کشور با هم مقایسه می‌شوند و گاه دیدگاه دو مفسر یا دو مذهب تفسیری با هم مقایسه می‌شود. و گاه نیز دو متن و کتاب مورد مقایسه قرار می‌گیرند.

فرایند مطالعه تطبیقی عبارت است از:

۱. تعریف مسئله؛

۲. تحدید دامنه تطبیق؛

۳. استقصای حداکثری وجوه و موارد تمایز و تشابه (حتی ظاهری)؛

۴. عبور از موارد تشابه و تفاوت ظاهری به مواضع خلاف و وفاق واقعی؛

۱. روش‌شناسی مطالعات دینی، ص ۲۵۴ - ۲۵۵.

۵. تبیین مواضع خلاف و وفاق.

مهم‌ترین و سخت‌ترین مرحله مطالعه تطبیقی، عبور از مشابهت‌ها و تفاوت‌های ظاهری، به خلاف و وفاق واقعی است؛ عبور از موارد جزئی به مواضع عام و کلی؛ برای مثال: گاه یک لفظ در دو علم یکسان است، اما معانی متفاوت دارد؛ مثل لفظ «قیاس» در علم منطق به معنای استدلال همراه با صغری و کبری و در علم فقه به معنای تمثیل. یا لفظ «شیخ» در اصول فقه به معنای شیخ انصاری و در علم فقه به معنای شیخ طوسی و در دانش فلسفه به معنای بوعلی سینا. و نیز لفظ محکم و متشابه و ناسخ و منسوخ در مذاهب و مکاتب تفسیری، که معانی مختلفی از آن اراده شده است. هم‌چنین لفظ «تأویل» که در نزد قدمای مفسران (هم‌چون تفسیر طبری) به معنای تفسیر آمده، ولی در نظر مفسران معاصر به معنای مقابل تفسیر (معنای مرجوح همراه با قرینه) به کار رفته است.

برای عبور از تشابه و تفاوت‌های ظاهری و رسیدن به مواضع خلاف و وفاق، روش‌هایی بیان شده است، از جمله:

- طرح سؤال اساسی و رخنه‌های معرفتی؛
- شناخت پیشینه و بستر معرفتی شکل‌گیری مسئله تحقیق؛
- تأمل در مبانی معرفتی (مبادی تصویری و تصدیقی هر گزاره)؛
- بررسی دلایل رویکردها و روش‌های موضوع مورد بررسی؛
- بررسی لوازم، آثار و نتایج موضوع مورد بررسی؛
- بررسی رقبا، امثال و اغیار (شناخت موضوع به وسیله اضداد آن)؛
- پارادایم و نظام فکری (نگرش سیستمی، کل‌گرایی و بررسی هویت جمعی به جای فرد گرایی).^۱

تذکر: رابطه مطالعات تطبیقی با مطالعات میان رشته‌ای، عام و خاص من وجه است؛ یعنی: ممکن است از مطالعات تطبیقی در روش‌های تحقیق میان رشته‌ای استفاده شود و مصداق هر دو واحد باشد؛ مثل تطبیق دیدگاه‌های قرآن و کیهان‌شناسی در مورد

۱. همان، ص ۲۵۸ - ۲۷۲ (با تلخیص).

آغاز و پایان جهان؛ اما در برخی موارد مطالعات میان رشته‌ای تطبیقی نخواهد بود؛ مانند تحقیقات میان رشته‌ای که برای نظریه‌پردازی و جهت‌دهی به مبانی علوم و تولید علم جدید صورت می‌گیرد؛ هم‌چنین برخی از مطالعات تطبیقی میان رشته‌ای نیستند؛ مثل تحقیق در مورد تفسیر آیات ولایت در تفاسیر شیعه و اهل سنت.

پیشینه، حوزه‌ها و کاربردهای تحقیقات تطبیقی در مطالعات قرآنی

ریشه مطالعات تطبیقی را می‌توان در مقایسه‌ها در آیات قرآنی یافت. در قرآن به روش مطالعه مقایسه‌ای در موارد متعددی اشاره شده است؛ از جمله:

﴿هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾ (زمر، ۹)

﴿هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ﴾ (انعام، ۵۰)

﴿هَلْ تَسْتَوِي الظُّلُمَاتُ وَالنُّورُ﴾ (رعد، ۱۶)

از این شیوه در برخی تفاسیر ترتیبی و موضوعی نیز استفاده شده است که همراه کاربردها بدان‌ها اشاره می‌کنیم:

۱. مطالعات تطبیقی بین قرآن و کتاب‌های مقدس

برخی از مفسران از دیر باز به مطالعات تطبیقی قرآن، «تورات»، «انجیل» و... توجه کرده‌اند؛ چرا که برخی قصص قرآن به‌ویژه داستان‌های پیامبران الهی هم‌چون: آدم، موسی، عیسی علیه السلام و... در قرآن و عهدین آمده است. بررسی این موارد می‌تواند نزاهت و برتری قرآن را روشن سازد، همان‌طور که مشخص می‌کند همه این کتاب‌ها یک منبع اصلی داشته که همان وحی الهی است؛ لیکن برخی مطالب «تورات» و «انجیل» تحریف شده است.

علامه بلاغی (۱۲۸۲ - ۱۳۵۲ ق.) در تفسیر «آلاء الرحمن» و کتاب‌های الرحلة المدرسية و الهدی الی دین المصطفی به این مطالعات توجه داشته است. در تفسیر المیزان ذیل داستان آدم و حوا و تفاسیر دیگر نیز، از روش تطبیقی فوق استفاده شده است. هم‌چنین برخی از پایان‌نامه‌ها در مورد قرآن و «آپانیس‌ها» (کتاب مقدس هندوها)

و موضوعات خاص بین قرآن و «عهدین» به انجام رسیده است؛^۱ ولی هنوز جای یک بررسی تطبیقی کامل بین قرآن و کتاب‌های مقدس دیگر خالی است.

۲. مطالعات تطبیقی بین شیعه و مذاهب اهل سنت

این شیوه از دیر باز مورد توجه مفسرانی هم‌چون فخر رازی (م ۶۰۶ ق.) در تفسیر کبیر (مفاتیح الغیب) بوده است که دیدگاه‌های تفسیر و کلامی شیعه و اهل سنت را در تفسیر خود نقد و بررسی کرده است. در تفاسیر شیعه نیز از دیر باز ذیل آیات ولایت و آیات جبر و تفویض به دیدگاه‌های اهل سنت (معتزله و اشاعره) توجه شده است و در عصر ما نیز تفسیر المیزان از پیشگامان این شیوه است. در علوم قرآن نیز از مباحث نسخ، محکم و متشابه و جمع قرآن و... از دیدگاه فریقین مورد بررسی قرار گرفته و می‌گیرد. و **البيان في تفسير القرآن** اثر آية الله خوئی رحمته الله و **التمهيد في علوم القرآن** تألیف علامه معرفت رحمته الله از نمونه‌های بارز این شیوه تطبیقی هستند.

و در دهه اخیر، این روش تحقیق و مطالعه تفاسیر قرآن، مورد توجه ویژه قرار گرفته و نخستین کتاب در این زمینه با نام **تفسیر تطبیقی**، توسط دکتر فتح‌الله نجارزادگان به رشته تحریر درآمد.^۲

در عصر ما تفسیر ارزشمند **التفسير الاثرى الجامع** اثر مرحوم علامه معرفت، از نمونه‌های بارز تفسیر تطبیقی روایی است که برخی مجلدات آن منتشر شده است. روش مطالعه تطبیقی، گاهی تحت عنوان «مقارن» نیز نامیده می‌شود. البته این نام در «فقه مقارن» بیشتر کاربرد دارد.

محقق در این روش به تحقیق و مطالعه در مورد دیدگاه‌ها و دلایل مشترک و متفاوت مفسران و صاحب‌نظران شیعه و سنی در مورد تفسیر آیات و مباحث علوم قرآن می‌پردازند و با نقد و بررسی، به ارزیابی آراء و دلایل آنها می‌پردازند.

۱. ر.ک: پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد، مرکز تخصصی تفسیر و علوم قرآن، حوزه علمیه قم و مرکز جهانی علوم اسلامی و تربیت مدرس دانشگاه قم.

۲. در سال ۱۳۸۴ ش، در مرکز جهانی علوم اسلامی برای نخستین بار در جهان رشته دکتری تفسیر تطبیقی راه اندازی شد که طلاب به بررسی تطبیقی تفسیر شیعه و سنی می‌پردازند.

بیشترین کاربرد این شیوه تحقیقی در آیات مورد اختلاف شیعه و سنی، مانند آیات ولایت (مائده، ۳؛ مائده، ۶۷؛ احزاب، ۳۳ و...) و آیات احکام، مثل آیه وضو (مائده، ۶) و آیات جبر و تفویض و اخیراً آیات توحید و شرک است. و نیز آیه محکم و متشابه (آل عمران، ۷) و آیات مشهور به ناسخ و منسوخ و مبحث جمع قرآن و... در علوم قرآن از نمونه‌های دیگر این تحقیق تطبیقی است.

۳. مطالعات تطبیقی علمی (مطالعات تطبیقی بین قرآن و علوم / تفسیر علمی تطبیقی)

یکی از حوزه‌های تحقیقات تطبیقی، مطالعات بین تفسیر قرآن و علوم تجربی است که از دیرباز مورد توجه قرآن بوده است. نخستین نمونه‌های تفسیر تطبیقی علمی را می‌توان در آثار بوعلی سینا یافت.

شیخ الرئیس ابن سینا (۳۷۰ - ۴۲۸ ق.)، فیلسوف و پزشک مشهور ایرانی واژه «عرش» در آیه: ﴿وَيَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَمَانِيَةَ﴾^۱ را به فلک الافلاک (فلک نهم هیئت بطلمیوسی) تفسیر کرده است و «ملائکه» هشت‌گانه را به افلاک هشت‌گانه (قمر، خورشید، زهره، عطارد، زحل، مشتری، مریخ و فلک ثوابت) تفسیر نموده است.^۲

فخر رازی (م ۶۰۶ ق.) در تفسیر کبیر (مفاتیح الغیب)، برخی مطالب علمی را با آیات قرآن تطبیق نموده است. او با آیه: ﴿الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فَرَاشًا﴾ (بقره، ۲۲) استدلال می‌کند که زمین، ساکن است.^۳ وی در ذیل آیه ۱۶۴ سوره «بقره»، فلکیات قدیم و آرای بطلمیوس و قدمای هند، چین، بابل، مصر، روم و شام را مورد بررسی قرار می‌دهد.

علامه محمد باقر مجلسی (م ۱۱۱۱ ق.)، صاحب کتاب بزرگ بحارالانوار، در برخی از جلد‌های این اثر به مطالبی پیرامون آسمان‌ها اشاره نموده و در موارد متعددی به تفسیر علمی گراییده است؛ از جمله در مورد آیه ۲۹ سوره «بقره» می‌گوید:

[در آیه شریفه] بدل یا تفسیر [سماء] است و هفت گانه بودن آسمان‌ها، منافاتی با

۱. حاقه، آیه ۱۷.

۲. رک: رسائل ابن سینا، ص ۱۲۴، دکتر ذهبی؛ التفسیر و المفسرون، ج ۲، ص ۴۲۶.

۳. مفاتیح الغیب، ج ۲، ص ۹۴.

نه گانه بودن آنها - که در علم نجوم ثابت شده است - ندارد؛ زیرا آسمان هشتم و نهم در زبان دینی، به کرسی و عرش، تعبیر شده است.^۱

طنطاوی (متولد ۱۸۶۲ م.)، نویسنده تفسیر الجواهر فی تفسیر القرآن؛ تفسیر ایشان را می‌توان اوج استفاده از علوم در تفسیر قرآن نامید. او در مواردی متعدد، از علوم مختلف در تفسیر قرآن استفاده کرده است؛ از جمله، علم احضار ارواح را از آیات مربوط به گاو بنی اسرائیل^۲ استخراج کرده است. وی در هر مبحث تفسیری بسیاری از علوم جدید را در لابه‌لای تفسیر آورده است.^۳

دکتر محمد بن احمد الاسکندرانی، مؤلف کتاب کشف الاسرار النورانیة القرآنیة فی ما يتعلق بالاجرام السماویة و الارضیة و الحیوانات و النبات و الجواهر المعدنیة؛ ایشان از پیشگامان تفسیر علمی در عصر جدید است.

عبدالرزاق نوفل از نویسندگان مصری که حداقل پنج کتاب در مورد تفسیر علمی نوشته است که عبارتند از: القرآن و العلم الحديث، الله و العلم الحديث، الاسلام و العلم الحديث، بین الدین و العلم...

البته برخی از صاحب‌نظران مانند علامه طباطبایی^۴ با روش علمی تطبیقی مخالفت کرده و می‌نویسند:

انما الکلام فی أنّ ما آورده علی مسالک السلف من المفسّرین «انّ ذلك تطبيقاً وليس بتفسیر» وارد بعینه علی طریقتهم فی التفسیر؛^۵ آن اشکالی که بر روش تفسیر علمای گذشته وارد کرده‌اند که تفسیر نیست، بلکه تطبیق است (همان اشکال)، بر ایشان نیز وارد است.

البته علامه خود نیز، در تفسیر بعضی از آیات قرآن، از علوم تجربی و نتایج آنها کمک می‌گیرد؛ چنان‌که در ذیل آیه شریفه: ﴿وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ﴾^۶ و حیات هر چیزی را از آب قرار دادیم، می‌فرماید: «منظور این است که آب، دخالت کاملی در

۱. بحار الانوار، ج ۵۷، ص ۵.

۲. بقره، آیات ۶۷ تا ۷۲.

۳. الجواهر فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۸۴ - ۸۹.

۴. المیزان، ج ۱، ص ۷ و ۸، (با تلخیص و ترجمه).

۵. انبیا، آیه ۳۰.

وجود هر موجود زنده‌ای دارد... و در بحث‌های علمی جدید، ارتباط حیات با آب واضح شده است.^۱

ایشان در ذیل آیه شریفه: ﴿وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ﴾^۲ می‌فرماید: مراد، توسعه خلقت آسمان است؛ همان‌طور که علوم ریاضی، امروزه به این مسئله نظر دارند.^۳

این دو نوع برخورد علامه و دیگر صاحب‌نظران با تفسیر علمی، بدین جهت است که تفسیر علمی، از گونه‌های مختلفی برخوردار است؛ هم‌چون استخراج همه علوم از قرآن؛ تطبیق نظریه‌های علمی بر قرآن. و استخدام علوم در فهم قرآن، که همگی، یک حکم واحد ندارند؛ از این‌رو، علامه در شمار قائلان به تفصیل در تفسیر علمی محسوب می‌شود.

تذکر نخست: روش تفسیر علمی اگر به صورت استخراج همه علوم از ظواهر قرآن باشد، معتبر نیست چرا که مبنای آن مخدوش خواهد بود.^۴ در صورتی که به شیوه تطبیق علوم بر قرآن باشد، چنان‌چه منتهی به تحمیل نظریه‌های علمی بر قرآن شود، باطل و ممنوع است؛ چون نوعی تفسیر به رأی است؛ ولی اگر صرف مقایسه دیدگاه‌های دانشمندان علوم تجربی با آیات قرآن در یک موضوع، مثل آغاز و فرجام آفرینش، باشد مانعی ندارد؛ بلکه گاهی به روشن‌تر شدن معنای آیات علمی قرآن می‌انجامد و حتی مواردی اعجاز علمی قرآن را به اثبات می‌رساند.^۵

تذکر دوم: شیوه مطالعات و تحقیقات تطبیقی، یکی از اقسام روش تحقیق میان رشته‌ای است و تفسیر علمی قرآن و تحقیقات میان رشته‌ای، منحصر در روش تطبیقی نیست. در این مورد در مبحث مطالعات میان رشته‌ای مطالب بیشتری ارائه خواهد شد.

۱. همان.

۲. ذاریات، آیه ۴۷.

۳. المیزان، ج ۱۸، ص ۳۸۲.

۴. رک: درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، نگارنده، مبحث گونه‌های تفسیر علمی و منطق تفسیر علمی قرآن

(۲) نگارنده، مبحث روش تفسیر علمی.

۵. رک: پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ج ۱ و ۲، از نگارنده.

آسیب‌شناسی مطالعات تطبیقی

هرچند که روش تحقیق تطبیقی در عصر ما یکی از ضرورت‌های مطالعات قرآنی به شمار می‌آید و فواید و آثار مثبت آن بیان شد؛ ولی این شیوه از معیارهایی برخوردار است که اگر رعایت نشوند، محقق را به آفت‌های پژوهشی گرفتار می‌کند؛ از جمله:

۱. خلط اسرائیلیات با تفسیر قرآن

در اثر تحقیقات تطبیقی قرآن و «عهدین»، ممکن است برخی از مطالب غیر صحیح «تورات» و «انجیل» و ملحقات آنها در تفسیر قرآن نقل شود و در اثر مرور زمان کم کم جزئی از تفسیر قرآن به شمار آید.

برای دوری از این آسیب لازم است که محقق مطالب منقول از عهدین را کاملاً از تفسیر قرآن و روایات معتبر جدا ساخته و مشخص کند، تا مطالب با هم خلط نشوند.

۲. انگیزش اختلافات در اثر تعصبات مذهبی

در مطالعات تفسیر تطبیقی بین شیعه و سنی، ممکن است نقدهای تند، باعث رنجش و تحریک مسلمانان پیرو مذاهب مختلف گردیده و آتش اختلافات مذهبی شعله‌ور شد و حتی دشمنان اسلام از این فرصت سوء استفاده کنند. برای دوری از این آسیب لازم است که محقق، بررسی و نقد دیدگاه‌های مذاهب مختلف اسلامی را مؤدبانه، منصفانه و عالمانه انجام دهد و در فرایند این بررسی نقاط قوت و ضعف دیدگاه‌های علمی - نه افراد را - بیان نموده، به حفظ وحدت مسلمانان توجه داشته و از توهین به دیگران پرهیزد.

۳. تحمیل نظریه‌های علمی اثبات نشده بر قرآن

در تفسیر علمی تطبیقی، ممکن است برخی از افراد به تطبیق نابه‌جای نظریه‌های اثبات نشده علوم تجربی بر قرآن پردازند و گرفتار تفسیر به رأی شوند، برای پرهیز از این آفت لازم است که محقق از شیوه معتبر مطالعات علمی قرآن، یعنی استخدام علوم در فهم و تفسیر قرآن (نه از شیوه استخراج علوم از قرآن و نه از شیوه تحمیل نظریه‌ها بر

قرآن) بهره جست و ظواهر قرآن را در نظر بگیرد و مسائل مخالف ظاهر و نیز مطالب علمی غیر قطعی را به قرآن نسبت ندهد. پیرامون همین موضوع در مطالعات بین رشته‌ای توضیح بیشتری ارائه خواهد شد.

سومین تقسیم روش تحقیق در مطالعات قرآنی (میان رشته‌ای و تک‌رشته‌ای)

درآمد: روش‌های تحقیق در مطالعات قرآنی، گاه بر اساس اطلاعات و روش موجود در رشته تفسیر و علوم قرآن بوده و گاه براساس اطلاعات و روش‌های دو یا چند رشته علمی انجام می‌شوند. از این نگاه، روش تحقیق در تفسیر و علوم قرآن به دو شاخه «تک رشته‌ای» و «میان رشته‌ای» تقسیم می‌شود.

الف) روش تحقیق تک‌رشته‌ای

مقصود از رشته در این جا، رشته تفسیر و علوم قرآن است؛ از این رو تمام اطلاعات و روش‌های موجود در این رشته را شامل می‌شود؛ چنان‌که طیف نسبتاً وسیعی از اطلاعات و قراین درون قرآنی و برون قرآنی را دربر می‌گیرد؛ یعنی: در این شیوه علاوه بر استفاده از آیات قرآن، از قراین نقلی دیگر، مانند روایات تفسیری و نیز قراین عقلی استفاده می‌شود و هم‌چنان که در مبحث پیشین بیان شد هر کدام، از روش تحقیق خاص خود برخوردار هستند.

تذکر: برخی مسائل و موضوعات قرآنی ممکن است یک تباری بوده و از این رو در یک رشته علمی مورد بررسی قرار می‌گیرند؛ چرا که ظرفیت بررسی در مطالعات میان رشته‌ای را ندارند. شاید بتوان مسائل مربوط به جزئیات معاد را از این دست شمرد.

ب) روش تحقیق میان رشته‌ای

مقصود از رشته در میان رشته‌ای، رشته‌های مرتبط با موضوعات و مسائل تفسیر و علوم قرآن است؛ یعنی: یک مسئله از دیدگاه دو دانش مورد بررسی قرار می‌گیرد و از آن جا که بسیاری از مسائل و موضوعات قرآنی چند تباری هستند، لازم است تا به صورت میان رشته‌ای مورد تحقیق و مطالعه قرار گیرند.

البته استفاده از مطالعات و تحقیقات میان رشته‌ای، منافاتی با استفاده از روش‌های مختلف مطالعات برون قرآنی و تطبیقی ندارد؛ بلکه گاه، استفاده از آنها در تحقیقات میان رشته‌ای ضروری است.

مطالعات میان رشته‌ای را این‌گونه تعریف کرده‌اند:

- مطالعات میان رشته‌ای کثرت‌گرایی روش‌شناختی، مبتنی بر گفت‌وگو و چالش مؤثر بین گستره‌ها در تحلیل مسئله‌ای واحد است. به دیگر سخن، شناخت یک پدیدار در پرتو گفت‌وگوی مؤثر بین رهیافت‌های دانش‌های مختلف است.^۱
- محقق در مطالعه میان رشته‌ای پای‌بند اصول زیر است:
۱. دیگران نیز شاید از حقیقت برخوردار باشند؛
 ۲. سخن دیگران را باید با هم‌دلی و در عین حال، نقادانه شنید؛
 ۳. چالش بین دیدگاه‌ها، مجالی برای چالش بین روی‌کردهاست؛
 ۴. در چالش بین رهیافت‌ها، می‌توان از روش‌های مطالعه تطبیقی بهره جست.^۲
- کثرت‌گرایی روشمند، (تنوع روش‌های ناظر به مسئله واحد) از جهت برنامه پژوهشی دوگونه است:

نخست: کثرت‌گرایی مبتنی بر برنامه مکانیکی

در این روش، محقق، آرای مختلف را از علوم گوناگون اخذ می‌کند؛ اما هر یک از آراء را با طرح و برنامه پیشین، در نظام معرفتی معینی جای می‌دهد. دیدگاه یک گستره را هم‌چون ریشه‌ها و دیدگاه گستره دیگر را هم‌چون تنه و سومی را هم‌چون شاخه و برگ نظام خود قرار می‌دهد. در این برنامه، محقق با دوری از حصرگرایی روش‌شناختی، از دیدگاه‌های مختلف بهره‌مند می‌شود و نسبت به هیچ دیدگاهی، اعراض و انکار نمی‌ورزد؛ این روش به جمع آراء می‌انجامد؛ برای مثال: برخی از افراد، اقبال ملاصدرا به دانش‌های مختلف (فلسفه، تفسیر قرآن و عرفان). ناظر به مسائل مبدأ و معاد را بر اساس این مدل، تحلیل کرده‌اند.^۳

۱. روش‌شناسی مطالعات دینی، احد فرامرز قراملکی، ص ۳۳۴.

۲. همان، ص ۳۳۷.

۳. همان، ص ۳۳۲.

تذکر: بهتر است این شیوه مطالعات میان رشته‌ای را روش مطالعات تطبیقی بین رشته‌ای بنامیم. که به نوعی برخی افراد در دهه‌های گذشته در حوزه تفسیر علمی همین گونه عمل کرده‌اند؛ یعنی: مطالب علوم جدید را بر آیات قرآن تطبیق نموده‌اند و گاه این تطبیق، بدون رعایت ضوابط و هم‌خوانی با ظاهر آیات صورت گرفته است؛ از این رو این شیوه گاه به تفسیر به رأی نیز منتهی شده است و علامه طباطبایی، آن را در تفسیر قرآن، «تطبیق» نامیده و مردود شمرده است.^۱

لازم به یادآوری است که مثال‌های این مورد در بحث روش تحقیق تطبیقی بیان گردید.

دوم: کثرت‌گرایی مبتنی بر برنامه دینامیکی

در این شیوه، محقق آرای مختلف را به گونه‌ای پویا، در تصرف و ترکیب می‌گیرد تا در این میان به دیدگاهی ژرف‌تر دست یابد. کثرت‌گرایی در این معنا از برنامه‌های پژوهشی مختلفی برخوردار است؛ یکی از کارآمدترین روش‌ها، چالش یا گفت‌وگوی مؤثر بین دیدگاه‌هاست و به همین دلیل، چنین مطالعه‌ای را کثرت‌گرایی دیالکتیکی و یا مطالعه میان رشته‌ای می‌نامیم.

محقق در این روش، دیدگاه‌های دیگر را مردود، پوچ و بی‌ثمر نمی‌انگارد و خود را محتاج مواجهه جدی و با برنامه، نسبت به آنها دانسته و راه مواجهه با آنها را گفت‌وگوی مؤثر می‌داند؛ که به وسیله هنر شنیدن، اثر بخش می‌گردد.^۲

قلمرو و محدودیت‌ها

مسئله‌ای نیازمند مطالعات میان رشته‌ای است که چند تباری (multipleorigens) باشد؛ مسئله چند تباری، به دلیل کثیرالاضلاع و ذوب‌تون بودن، ریشه در علوم مختلف، دارد.^۳ پس در مسائل و موضوعاتی که یک تباری است شیوه مطالعات و تحقیقات میان رشته‌ای کاربردی ندارد. برای مثال: «خودکشی» پدیده‌ای است که عوامل مختلف دارد:

۱. تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، ج ۱، مقدمه، ص ۷ - ۸.

۲. روش‌شناسی مطالعات دینی، ص ۲۳۲ - ۲۳۳.

۳. همان، ص ۲۳۵.

عوامل جامعه‌شناختی، فرهنگی و...؛ از جمله آموزه‌های دینی در پیش‌گیری از آن مؤثر است؛ در این رابطه در قرآن آمده است: ﴿وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ﴾ (بقره، ۱۹۵). پس برای تبیین دقیق این مسئله چند تباری، محتاج مطالعه میان رشته‌ای هستیم. مثال دیگر، «کارکردهای دین» و کارکردهای آموزه‌های قرآنی است که تبیین نیازمند محتاج روش‌هایی هم‌چون: روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، تاریخ و تمدن، فلسفه دین، الهیات و... است. همان‌طور که با ابزارهای تجربی و تحلیلی، قابل تحلیل است.^۱ در عصر حاضر، مطالعات میان رشته‌ای در مورد قرآن بسیار مورد توجه اندیشمندان قرار گرفته‌اند؛^۲ چرا که در چند مورد مفید و مؤثراند:

۱. تفسیر آیات علمی و تبیین موضوعات علمی قرآن؛
 ۲. جهت‌دهی به مبانی علوم، به‌ویژه علوم انسانی؛
 ۳. رفع توهم تعارض علم و دین؛
 ۴. نظریه‌پردازی‌های علمی قرآنی؛
 ۵. تولید علم جدید؛ شکل‌گیری دانش‌های بین رشته‌ای؛ چنان‌که امروزه دانش‌هایی چون روان‌شناسی دین و جامعه‌شناسی دین شکل گرفته است.
- مطالعات و تحقیقات میان رشته‌ای قرآنی در حوزه‌های مختلف علوم بشری شکل گرفته است؛ از جمله:
- نخست: در حوزه علوم طبیعی؛ مانند قرآن و بهداشت، قرآن و نجوم (کیهان‌شناسی) قرآن و علوم پزشکی و... .
- دوم: در حوزه علوم انسانی؛ مانند قرآن و روان‌شناسی، قرآن و علوم تربیتی، قرآن و جامعه‌شناسی، قرآن و اقتصاد، قرآن و سیاست، قرآن و حقوق، قرآن و هنر و... .

۱. همان، ص ۲۳۵ - ۲۳۶ (با تصرف در مثال‌ها).

۲. برخی مراکز مثل پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و پژوهشگاه علوم انسانی و بنیاد پژوهش‌های قرآنی حوزه و دانشگاه، مرکز تحقیقات «قرآن کریم» المهدی (گروه قرآن و علم) داخل ایران و رابطه العالم الاسلامی عربستان در مورد مباحث بین رشته‌ای قرآن و علوم، فعالیت می‌کنند و در مرکز جهانی علوم اسلامی، اخیراً رشته دکتری قرآن و علوم با گرایش‌های مختلف راه‌اندازی شده است.

سوم: در حوزه علوم عقلی؛ هم‌چون قرآن و فلسفه، قرآن و کلام و قرآن و ریاضیات.

چهارم: در حوزه علوم شهودی؛ مانند قرآن و عرفان و

تذکر: ذیل روش تحقیق تجربی، روش تحلیل تاریخی و تحلیل عرفانی در گفتار پیشین مثال‌های متعددی از مطالعات بین رشته‌ای بیان شد و آسیب‌های آنها نیز روشن گشت؛ لیکن این شیوه مطالعاتی و تحقیقاتی، مبانی، قواعد و آسیب‌های خاص خود را دارد که در این جا به مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود:

الف) مبانی مباحث میان رشته‌ای

۱. جواز و حجیت تفسیر علمی

از آن‌جا که مفسر قرآن، در تفسیر آیات، مطالب را به خدا نسبت می‌دهد، نیازمند دلایل و قراین قطعی و علمی است که گاه از آیات دیگر قرآن، روایات معصومین علیهم‌السلام و برهان‌های عقلی اخذ می‌شوند. یافته‌های علوم نیز هرگاه قطعی یا اطمینان‌آور شوند^۱ می‌توانند قرینه فهم و تفسیر آیات قرار گیرند و تفسیر قرآن با آنها جایز خواهد بود؛ و از آن‌جا که حجیت علم قطعی ذاتی است، بنابراین چنین تفسیری نیز، معتبر و حجت است.

البته سرچشمه‌های تفسیر علمی را در احادیث اهل بیت علیهم‌السلام و تفاسیر قرآن در طول اعصار^۲ نیز می‌توان یافت، از این‌رو روایات کیهان‌شناسی، طبی، اقتصادی، حکومتی و سیاسی و... در میراث اسلامی فراوان به چشم می‌خورند؛ هرچند که نیازمند پالایش است، ولی فی‌الجمله، بیانگر سیره مستمره متصل به سیره معصومین علیهم‌السلام است که با روی‌کردی علمی به آیات و مطالب قرآنی پرداخته‌اند.

۲. ممنوعیت کاربرد غیر علم و علمی در تفسیر آیات

البته این مطلب یکی از مبانی تفسیر است که در مورد تفسیر علمی باید بدان توجهی ویژه داشت.

۱. هرچند که مطالب در علوم طبیعی و انسانی اندک است؛ ولی این مطلب به اصل مطلب زیان نمی‌زند و در ادامه در مورد مطالب ظنی و نظریه‌های علمی نیز سخن خواهیم گفت.

۲. نک: درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، محمد علی رضایی اصفهانی.

تفسیر قرآن، کشف معانی و مقاصد آیات و بیان آنها است؛ به عبارت دیگر: بیان مراد استعمالی و جدی خدا در آیات قرآن است و این کشف و بیان، نیاز به دلیل و قرینه دارد؛ ولی از هر قرینه و دلیلی نمی‌توان برای تفسیر آیات قرآن استفاده کرده؛ چرا که برخی را عقل نمی‌پذیرد و برخی نیز از طرف شارع ممنوع شده است. از این‌رو لازم است تا در تفسیر، اعتبار دلایل و قراین مورد ارزیابی قرار گیرد.

هر دلیل یقینی و علمی، قطع‌آور است و حجیت قطع، ذاتی است؛^۱ بنابراین اگر دلیل و قرینه یقینی برای تفسیر آیه‌ای وجود داشت، تفسیر قرآن بر اساس آن جایز خواهد بود.

هرچند که اکثر مطالب علوم تجربی، نظریه‌های علمی هستند و قطع‌آور نیستند؛ اما برخی از مطالب علوم تجربی - که به حد بدهات حسی رسیده یا با دلیل عقلی، هم‌چون ریاضیات پشتیبانی می‌شوند - می‌توانند یقینی باشند.

برای مثال: گرد بودن، حرکت زمین و نیروی جاذبه آن از مواردی است که در عصر ما به حد بدهات حسی رسیده است؛ پس می‌توان آیات قرآن را براساس آنها تفسیر کرد.

۳. گستره و قلمرو قرآن و علوم

در این جا می‌توان از سه «دیدگاه حداکثری» (وجود همه جزئیات علوم در قرآن) و «دیدگاه حداقلی» (نفی مطالب علمی از قرآن) و «دیدگاه اعتدالی» یاد کرد؛ چرا که از سویی از ظاهر برخی آیات مانند: ﴿وَتَزَكُّنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبَيَّنًا لِكُلِّ شَيْءٍ﴾ (نحل، ۸۹) می‌توان دریافت که همه جزئیات علوم بشری در قرآن وجود دارد؛ ولی برخی از دانشمندان و مفسران بر اساس آیات دیگر و قراین لُغَوِیَّ (عقلی) بیان کرده‌اند که مقصود از آیه آن است که کلیات مطالب مربوط به هدایت بشر در ظواهر قرآن وجود دارند.

و از سوی دیگر، برخی، قرآن را کتاب آخرت و بی‌ارتباط با مباحث علمی دانسته‌اند و از طرف سوم می‌توان دیدگاه اعتدالی را طرح کرد؛ یعنی: نباید انتظار داشته باشیم که همه

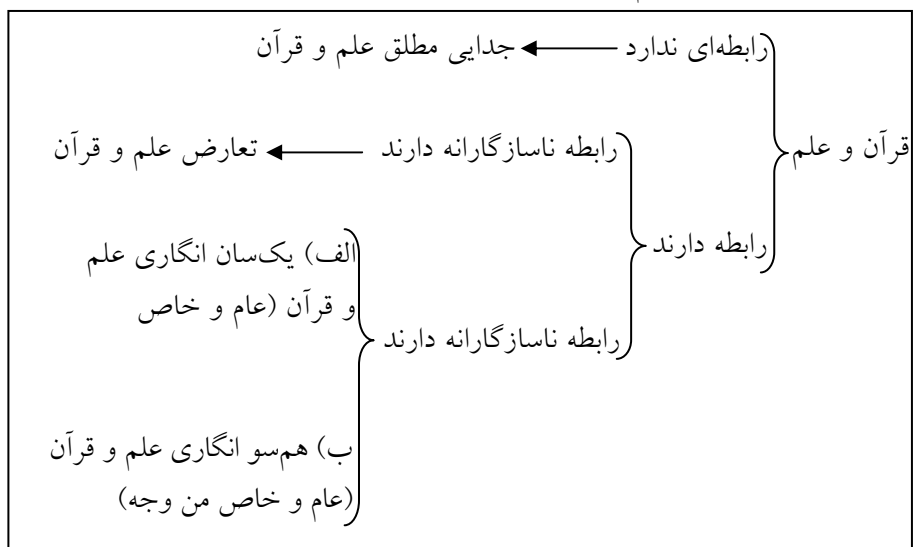
۱. اصول الفقه، مظفر، ج ۳، ص ۲۱ و کتب اصول دیگر مثل کفایة الاصول، آخوند خراسانی و رسائل شیخ انصاری، مبحث حجیت قطع.

جزئیات علوم بشری را از قرآن به دست آورد؛ بلکه قرآن خطوط کلی را در راستای هدایت بشر به سوی خدا بیان کرده است؛ ولی قرآن در همین راستا اشارات فراوانی به علوم طبیعی، انسانی، عقلی و عرفانی نیز دارد.^۱ و این خطوط اساسی و اشارات علمی می‌توانند در جهت‌دهی به علوم بشری، به‌ویژه علوم انسانی کاملاً مؤثر واقع شوند، تا توهّم تعارض نیز برطرف شود. (آن‌جا که به تولید علم جدید منتهی گردد).^۲

لازم به یادآوری است که هدف هدایتی قرآن با علوم انسانی (مثل علوم تربیتی، سیاسی و...) گره‌خورده است؛ از این‌رو تعامل زیادی با آنها دارد؛ اما در مورد برخی از علوم، مانند علوم طبیعی، این ارتباط کمتر است.

۴. رابطه سازگارانه قرآن و علم

در مورد رابطه قرآن و علوم تجربی چند فرض قابل تصور است:



۱. برخی صاحب‌نظران تعداد آیات مربوط به علوم طبیعی و انسان را ۱۳۲۲ مورد شمارش و لیست کرده‌اند (نک: العلوم فی القرآن، الجبال).

۲. تذکر: البته ما نمی‌خواهیم در این‌جا در مورد امکان دینی و معانی آن بحث کنیم؛ ولی فی‌الجمله روشن است که سیاست و اقتصاد مبتنی بر آیات قرآن با سیاست سکولار و اقتصاد بدون ربا متفاوت است و به عبارت دیگر: مکتب و نظام اقتصادی اسلام غیر از اقتصاد غیر دینی است.

با اندک تأملی در آیات قرآن و مشاهده تشویق آنها به علم و دانش‌اندوزی: کاربرد بیش از هفت‌صد بار ماده «علم» در قرآن و بیش از هزار آیه که اشاره به «علوم تجربی» دارند، می‌توان دریافت که فرض اول و دوم باطل است. بنابراین مباحثی که علم ستیزی در قرآن ملاحظه نمی‌شود؛ بلکه مباحث قرآن علم‌پذیر یا علم‌گریز (فرا تر از علم) هستند.

۵. تعارض واقعی بین قرآن و علم وجود ندارد

تعارض واقعی بین علوم و آیات قرآن وجود ندارد و اگر تعارض ظاهری بین آنها پدیدار شود با اندک تأملی برطرف خواهد شد؛ به عبارت دیگر: در موارد تعارض، یکی از دو احتمال وجود دارد:

یک: خطا در مقدمات علم تجربی؛

دو: خطا در فهم دلالت آیه قرآن.

بنابراین در هنگام تعارض ظاهری باید به دنبال راه حل‌های منطقی و معقول باشیم؛ برای مثال: اگر برفرض گزاره قرآنی: ﴿سَبْعَ سَمَاوَاتٍ﴾^۱ با یافته‌های کیهان‌شناسی در مورد وجود یک آسمان معارض شد، به چند صورت می‌توان این تعارض را رفع نمود؛ البته ممکن است هر کدام از این راهکارها در برخی آیات قرآن مفیدتر باشند:

الف) ممکن است واژه «سبع» به معنای عدد حقیقی نبوده، بلکه عدد کثرت باشد و به معنای تعداد زیادی کهکشان آمده است. و یا واژه «سموات» به معنای جایگاه ستارگان نبوده، بلکه به معنای جو زمین باشد؛ مثل آیه: ﴿وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً﴾^۲ و ...

ب) ممکن است زبان قرآن و زبان علم در این مورد متفاوت باشد؛ یعنی: مقصود از آسمان در کیهان‌شناسی، جایگاه ستارگان و سیارات بوده و منظور از «سماء» در قرآن، آسمان معنوی باشد؛ همان‌طور که علامه طباطبایی رحمته‌الله ذیل آیه: ﴿يُدَبِّرُ الْأَمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ﴾^۳ این‌گونه احتمال داده‌اند.

۱. بقره، آیه ۲۹.

۲. بقره، آیه ۲۲.

۳. سجده، آیه ۵.

ج) ممکن است گفته شود مسئله هفت آسمان، یک حقیقت قرآنی است که هنوز علوم تجربی آن را کشف نکرده‌اند و همه کهکشان‌ها که کشف شده، تنها در گستره آسمان اول است. بنابراین می‌توان آن را به صورت نظریه‌پردازی قرآنی در صحنه علوم تجربی مطرح نموده و به دنبال شواهد تجربی آن بود.

۶. هدف اساسی قرآن، هدایت به سوی خداست (نه بیان مطالب علوم)

«قرآن کریم» در آیات متعددی به اهداف خود اشاره کرده و بالاترین هدف خود را هدایت مردم و خارج ساختن آنها از ظلمت‌ها به سوی نور بیان نموده است.^۱

﴿الرَّكِبَاتُ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطِ الْغَزِيِّزِ الْحَمِيدِ﴾ (ابراهیم، ۱).

الف، لام، راه، [این] کتابی است که آن را به سوی تو فرو فرستادیم، به دلیل این‌که مردم را به رخصت پروردگارشان، از تاریکی‌ها به سوی نور بیرون آوری، به سوی راه خدای شکست‌ناپذیر و ستوده.

البته اهداف مقدماتی، هم‌چون بشارت، هشدار، شفا، رحمت و عدالت را نیز مطرح ساخته است.^۲

قرآن کل نظام هستی را نیز هدفمند معرفی می‌کند: کاروان هستی از خدا شروع شده و به سوی او در حرکت است.^۳

توجه به هدف‌مندی قرآن و هدایت‌گری آن، تأثیرات مهمی در فهم و تفسیر قرآن دارد؛ چرا که به تفسیر قرآن جهت می‌دهد؛ یعنی: مفسر قرآن به همه آیات با نگاه هدایت‌گرانه می‌نگرد و آنها را تفسیر می‌کند.

برای مثال: اشارات علمی قرآن و احکام سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آن، همگی در راستای هدایت بشر به سوی خدا تفسیر می‌شود؛ بنابراین تفسیری از آیات قرآن که با هدایت‌گری و اهداف قرآن منافات داشته باشد، اعتبار نخواهد داشت.

۱. نک: بقره، آیه ۲؛ اعراف، آیه ۲۰۳؛ یونس، آیه ۵۷ و ...
 ۲. نک: فرقان، آیه ۱؛ حدید، آیه ۲۵؛ یونس، آیه ۵۷ و ...
 ۳. نک: بقره، آیه ۴۶ و ۱۵۶.

ب) شیوه‌های اجرای مباحث بین رشته‌ای

مباحث بین رشته‌ای را می‌توان به سه صورت مورد تصور قرار داد:

۱. بررسی آرای دانشمندان علوم و مفسران قرآن به صورت مقارن که نتیجه آن تضارب آراء و تقریب افکار دانشمندان دو حوزه است.
 ۲. بررسی یک موضوع از منظر قرآن و علم خاص؛ برای مثال: بررسی مشروعیت حکومت از منظر قرآن و علوم سیاسی که نتیجه آن بیان دیدگاه‌ها در برابر یک‌دیگر و امکان بررسی مقارنه‌ای یک موضوع از دو زاویه است.
 ۳. بررسی یک موضوع علمی در قرآن؛ برای مثال: بررسی وجود موجودات زنده در آسمان، از منظر آیات قرآن که گاه این شیوه منتهی به نظریه‌پردازی‌های علمی قرآن و موضوع سازی برای علوم و جهت‌دهی به آن می‌شود.
- آنچه که در مباحث بین رشته‌ای - در این جا - مقصود است، شیوه دوم و سوم است. هرچند که شیوه نخست، یکی از پیامدهای این مباحث خواهد بود.

ج) قواعد اجرای مباحث بین رشته‌ای

۱. علوم، قرینه فهم آیات: با توجه به این‌که مفسر در تفسیر، به دنبال فهم معانی آیات و مقاصد خدای متعال است، بنابراین مفسر می‌کوشد تا با استفاده از منابع معتبر کتاب، سنت، عقل و علوم تجربی قطعی و نیز با کمک ابزارهایی هم‌چون ادبیات عرب و... به تبیین معانی آیات و مقاصد الهی بپردازد.
 ۲. لزوم توجه به هدف دین، مقاصد نزول قرآن و هدف هر سوره، مجموعه آیات و آیه مورد نظر: هدف اصلی دین و قرآن هدایت انسان به سوی خداست؛ ولی معارف قرآن شامل مباحث متعددی هم‌چون اعتقادات، قوانین و احکام شرعی، اصول و دستورات اخلاقی، آموزه‌های سیاسی، اقتصادی، معارف علمی و... است.
- «قرآن کریم» اشارات متعددی (در بیش از هزار آیه) به مسائل طبیعت دارد که معمولاً در راستای خداشناسی و معادشناسی است (هم‌چون: آیات آغازین سوره رعد و حج). حتی در قرآن مسائل تربیتی، اقتصاد، سیاست و... در راستای قرب انسان به خدا و سعادت اخروی او جهت‌دهی می‌شوند.

از این رو مفسر قرآن باید در تفسیر آیات به هدف اصلی قرآن و نیز هدف هر سوره و آیه توجه کرده و به صورتی آیات را تفسیر کند که در تعارض با آن هدف تلقی نگردد؛ برای مثال: اصول و نظام و مسائل سیاسی، اقتصادی و تربیتی را به صورتی سامان دهد که انسان را به غفلت از خدا و معاد سوق ندهد؛ چون در غیر این صورت تفسیر علمی معتبر نخواهد بود.

۳. لزوم توجه به سیاق زبانی و فضای تاریخی آیات و سوره‌ها: سیاق هر آیه یا دسته‌ای از آیات (یعنی فضای کلی حاکم بر آنها) باید مورد نظر قرار گیرد است. به عبارت دیگر: در تفسیر موضوعی آیات لازم است به تفسیر ترتیبی نیز توجه شود و نمی‌توان یک جمله قرآن را بدون توجه به قبل و بعد و نیز، هدف کلی سوره تفسیر کرد. هم‌چنین توجه به فضای تاریخی و زمان و مکان نزول امری ضروری است؛ برای مثال: در سوره‌های مکی واژه «زکات» را معمولاً مفسران به معنای «انفاق» معنا می‌کنند؛^۱ اما در سوره‌های مدنی این واژه به معنای «مالیات خاص اسلامی» است؛ چرا که فضای سوره‌های مکی بیشتر بیان توحید، معاد و نبوت است؛ اما در سوره‌های مدنی به خاطر شرایط جدید و تشکیل حکومت و جامعه اسلامی، بیان قوانین سیاسی، اقتصادی و... پررنگ‌تر است. بنابراین، مفسر قرآن نباید در فهم و تفسیر آیات علمی، از سیاق و فضای تاریخی و جغرافیایی آیات غفلت کند.

تذکر مهم: البته فضای تاریخی و جغرافیایی و شأن نزول‌های آیات، موجب انحصار معنای آیات در یک مورد خاص نمی‌شود و مفسر می‌تواند از آنها الغای خصوصیت کند.

۴. لزوم استفاده از علوم تجربی معتبر: با توجه به این که علوم تجربی در بسیاری از موارد غیر قطعی است، انطباق نظریه‌های علمی با واقعیت برای انسان روشن نیست؛ ولی کاربردهای خاص خود را در زندگی بشر دارند.

البته گاه نیز علوم تجربی به حد بدهت حسی می‌رسد؛ مانند: «کروی بودن زمین» و گاه مطلب علمی با دلیل عقلی مثل ریاضیات پشتیبانی می‌شود. (البته در مورد واقع‌نمایی علم، تفسیرهای متعددی وجود دارد که در این جا به یکی از آنها اشاره شد) در

۱. نک: تفاسیر قرآن ذیل آیه ۴ مؤنون.

مواردی که علوم تجربی قطعی باشد، تفسیر قرآن با آنها جایز است بلکه یکی از قراین فهم و تفسیر آیات قرار می‌گیرد که بی‌توجهی به آن صحیح نیست.

اما در مواردی که علوم تجربی ظنی و در حد نظریه‌های علمی است، نمی‌توان مطالب علمی فوق‌الذکر را به قرآن و گوینده آن - یعنی خدای متعال - نسبت داد؛ بلکه در این‌گونه موارد حداکثر می‌توان گفت: احتمال دارد فلان نظریه روان‌شناختی، یا جامعه‌شناختی، یا سیاسی، یا اقتصادی، مقصود آیه قرآن باشد؛ به‌ویژه در هنگامی که در یک مورد چند نظریه رقیب وجود دارد و یکی از آنها در آن علم مشهور است.^۱

۵. لزوم استفاده از قاعده جری و تطبیق در تفسیر، به‌ویژه در تفسیر علمی: بسیاری از مطالب قرآن در قالب قصص و آیاتی دارای شأن نزول خاص بیان شده‌اند که می‌توان از آنها الغای خصوصیت زمانی، مکانی و فردی نمود و در مصادیق جدید در هر عصری استفاده کرد.

پس باید با به دست آوردن هدف ملاک اصلی آیه و الغای خصوصیات غیر دخیل در هدف، قواعد کلی از آیات را استنباط نموده و بر مصادیق جدید زمان خویش تطبیق کنیم. از این‌رو قصص قرآن و مطالب آن (مثل داستان لوط در نفی مشروعیت هم‌جنس‌گرایی) منبع خوبی برای فهم معارف قرآن و تطبیق آن بر زمان حاضر است؛ «مثل ﴿تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ﴾^۲ ﴿وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ﴾^۳»

۱. برای مثال در مورد آیه ۴۷ ذاریات: ﴿وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ﴾ دو دیدگاه گسترش جهان و انقباض جهان در کیهان‌شناسی مطرح است و هیچ‌کدام به صورت قطعی اثبات نشده‌اند؛ ولی هر آیه با دیدگاه نخست سازگار است بنابراین می‌توان به صورت احتمالی بگوییم که نظریه گسترش جهان با ظاهر آیه سازگار است.

۲. نساء، آیه ۲۹.

۳. بقره، آیه ۱۸۸.

۴. در مورد این‌که اجرای قاعده جری که در روایات اهل‌بیت علیهم‌السلام وارد شد «(قرآن) یجری کما تجری الشمس والقمر» به صورت فوق از موارد بطن‌گیری از آیات هست یا نه، بین صاحب‌نظرات اختلاف وجود دارد. برخی بزرگان معاصر هم چون آیه‌الله معرفت رحمته‌الله این مورد را بطن قرآن می‌نامند (نک: التفسیر الاثری الجامع، جلد اول مبحث تأویل و بطن)؛ ولی ما در این‌جا به دنبال اصل مطلب هستیم، که قاعده‌ای متخذ از روایات اهل‌بیت علیهم‌السلام است. و نیز می‌توان در این‌جا به قاعده مشهور در اسباب‌النزول اشاره کرد که «العبرة بعموم اللفظ لا بخصوص المورد».

د) معیارهای مباحث میان رشته‌ای یا تفسیر علمی معتبر

تفسیر علمی قرآن یا استنباط و برداشت‌های علمی از «قرآن کریم» معیارهای خاصی دارد که عدم توجه به آنها منتهی به بی اعتبار شدن تفسیر علمی و یا منجر تفسیر به رأی می‌گردد؛ از جمله:

۱. استفاده از علوم تجربی قطعی در تفسیر آیات، (و استناد احتمالی به آیات در مواردی که علوم قطعی وجود ندارد).

۲. مفسر تفسیر علمی (علاوه بر شرایط عام مفسر) از علم تجربی مورد نظر شناخت کافی داشته باشد.

۳. مطلب علمی قرآن با نص یا ظاهر آیه یا آیات سازگاری داشته باشد.

تذکر: البته رعایت معیارها و ضوابط عام تفسیر (مثل استفاده از روش و منابع و فراین معتبر در تفسیر و مفسر دارای شرایط و...) در تفسیر علمی نیز لازم است.

ه) کارکردهای مباحث رشته‌ای

۱. فهم بهتر آیات و تفسیر روزآمد قرآن کریم

برخی از آیات قرآن مطالبی در زمینه پزشکی، کیهان‌شناسی و... بیان کرده که با توجه به پیشرفت‌های جدید علمی نکات جدیدی از آنها فهمیده می‌شود و تفسیر بهتری درباره آنها ارائه می‌شود؛ مانند: «صلب» و «ترائب» و «مراحل خلقت انسان» (حج، ۵؛ مؤمنون، ۶ - ۱۲) و «مباحث کیهان‌شناسی» (یس، ۳۸) و ...

۲. پاسخ به پرسش‌های نوآمد

قرآن با نیازها و علوم روز بشر پیوند خورده و پاسخگوی پرسش‌های جدید بشر بوده و هدایت آن در همه ابعاد زندگی بشر جاری است. پرسش‌های جدید در علوم مختلف مطرح می‌شود و مفسر علمی با دقت و رعایت ضوابط، تلاش می‌کند تا از آیات الهی، پاسخ مناسب به آنها بدهد؛ مثلاً سکولاریسم، پلورالیسم، دموکراسی و... پرسش‌های زمانه ماست که قرآن می‌تواند پاسخگوی آنها باشد. البته در این جا مفسر علمی آیات موافق و مخالف را گردآوری کرده و با بی طرفی به استنباط از آنها می‌پردازد.

۳. نظریه‌پردازی‌های علمی قرآن (جهت‌دهی به مبانی علوم انسانی و موضوع‌سازی برای علوم)

برخی اشارات علمی در قرآن وجود دارند که هنوز به صورت پیشگویی‌های علمی باقی مانده و توسط علوم تجربی اثبات یا نفی نشده‌اند؛ بلکه دورنمای مثبتی برای آنها وجود دارد که می‌توان این دیدگاه‌های قرآنی را در هر علم، به صورت حقایق قرآنی و نظریه‌های علمی قرآن ارائه نمود.^۱

هم‌چنین در بسیاری از آیات قرآن از مبانی و اصول و قوانین سیاست، اقتصاد، مدیریت و... مطالبی بیان شده است که می‌توان از آنها در نظام‌سازی و جهت‌دهی به علوم انسانی بهره جست؛^۲ برای مثال: بر اساس آیات نفی ربا، می‌توان نظریه «اقتصاد بدون» ربا را مطرح کرد.

۴. اعجاز علمی قرآن

برخی از آیات به مطالبی علمی اشاره دارند که در عصر نزول قرآن، بشر به‌طور عادی بدان‌ها دسترسی نداشته است و بعد از مدت‌ها دانشمندان علوم تجربی آنها را کشف کرده‌اند؛ مثل زوجیت عام موجودات، نیروی جاذبه و... که این موارد از جمله اعجاز‌های علمی قرآن شمرده می‌شود؛ چون بشر از اطلاعات پس از کشف آنها عاجز بوده و قرآن به صورت اخبار غیبی از آنها پرده برداشته است. بنابراین مفسر علمی قرآن باید به دنبال این‌گونه موارد (با رعایت شرایط و قواعد) باشد.

موانع و آفات مباحث میان رشته‌ای

۱. تحمیل نظریه‌های علمی به قرآن، یعنی نسبت دادن مطلبی به قرآن که ظاهر آیه آن را بر نمی‌تابد (که نوعی تفسیر به رأی است).

۱. برای مثال: مسئله گسترش جهان در کیهان‌شناسی: ﴿وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ﴾ (ذاریات، آیه ۴۷) و مسئله موجودات زنده در آسمان‌ها: ﴿وَمَا بَثَّ فِيهِمَا مِنْ دَابَّةٍ﴾ (شوری، آیه ۲۹) و نمونه‌های دیگر.
۲. و نیز برای مثال از جریان طالوت: ﴿وَرَزَادَهُ بَسْطَةَ فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ﴾ (بقره، آیه ۲۴۷) و از داستان یوسف: ﴿إِنِّي حَفِيفٌ عَلَيْهِمْ﴾ (یوسف، آیه ۵۵) و موارد مشابه می‌توان شرایط مدیر را از قرآن استنباط کرد.

۲. تلاش برای استخراج همه جزئیات علوم از قرآن معمولاً منتهی به تفسیر غیرمعتبر و گاهی تفسیر به رأی می‌شود.
۳. عدم توجه به اهداف اساسی دین، قرآن، سوره‌ها و آیات که به تفسیر علمی غیرمعتبر منتهی می‌شود.
۴. غفلت از سیاق زبانی و فضای تاریخی آیات علمی قرآن که منتهی به فهم و تفسیر ناقص قرآن می‌انجامد.
۵. اقدام به تفسیر علمی، بدون برخورداری از ویژگی‌های یک مفسر علمی؛ یعنی: تفسیر قرآن بدون علم و آگاهی که خود نوعی تفسیر به رأی است.

چهارمین تقسیم روش تحقیق در مطالعات قرآنی (ظاهری، باطنی و...)

مطالعه و تحقیق در آیات قرآن، گاه برای یافتن معنای ظاهر آیات است که این شیوه در نهایت به «تفسیر ظاهری» منتهی می‌شود. گاه مطالعه و تحقیق در آیات قرآن، برای یافتن معنای پنهان و خلاف ظاهر آیات است که این شیوه در نهایت منتهی به «تأویل» یا بطن آیات (براساس دیدگاه‌هایی که در مورد بطن و تأویل وجود دارد) می‌شود. گاه نیز مطالعه و تحقیق در آیات برای یافتن معنا نیست؛ بلکه برای یافتن مصادیق معنای ظاهری آیات است که از آن با عنوان «جری» یاد می‌شود.

الف) روش تحقیق ظاهری قرآن (مطالعه در تفسیر ظاهر آیه)

روش مطالعه و تحقیق در ظاهر آیات قرآن منتهی به فهم تفسیر ظاهری آیات می‌شود؛ محقق در این روش، معمولاً مراحل زیر را طی می‌کند:

۱. بررسی قرائت آیه؛
۲. تحلیل مفهومی (واژه‌شناسی)؛
۳. تحلیل گزاره‌ای (بررسی ترکیب ادبی جملات قرآن)؛
۴. بررسی زبان‌شناختی و نشانه‌شناختی آیه؛
۵. بررسی تاریخی آیه (شان نزول، مکی و مدنی، باستان‌شناسی، جغرافیای تاریخی و...)
۶. بررسی درون‌متنی (آیات مشابه، مخالف و مرتبط با آیه)؛

۷. بررسی احادیث پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام در مورد ظاهر آیه؛
۸. بررسی دیدگاه‌های مفسران در مورد ظاهر آیه؛
۹. بررسی دلایل و برهان‌های عقلی مربوط به ظاهر آیه؛
۱۰. بررسی اجتهادی (جمع‌بندی قراین آیه و استنباط از آن)¹.

قلمرو و محدودیت‌ها

ظاهر آیات قرآن بر اساس بنای عقلا حجت است؛ روش مطالعه ظاهری قرآن، مقدمه فهم و تفسیر قرآن در تمام روش‌های تفسیری به شمار می‌آید. و هیچ مفسری از آن بی‌نیاز نیست. البته در روش تحقیق و مطالعه ظاهری قرآن ممکن است از روش‌های تحقیق برون‌متنی (مثل تحلیل تاریخی و عقلی) و درون‌متنی (مثل تفسیر قرآن به قرآن) استفاده شود. هرچند که مطالعه ظاهر آیات قرآن ضروری است؛ اما تفسیری نهایی از قرآن به ما ارائه نمی‌کند؛ چون فهم معانی آیات را بیان می‌کند؛ ولی فهم کامل مقاصد آیات متوقف بر فهم باطن، تأویل و مصادیق آیات است.²

روش تحقیق ظاهری آیات، همان‌گونه که در روش‌های تفسیری کاربرد دارد در برخی مباحث علوم قرآن، مثل ناسخ و منسوخ نیز دارای کاربرد است.

(ب) روش تحقیق تأویلی قرآن

«تأویل» در لغت:

واژه «تأویل» از ماده «اول» به معنای بازگشت است که در باب «تفعیل» به معنای بازگشت دادن به کار می‌رود؛³ البته ماده «اول» به معنای «جمع و اصلاح» نیز به کار رفته است.⁴

راغب اصفهانی می‌نویسد: «التأویل من الاول، أي: الرجوع الی الاصل...»⁵.

۱. فرایند تفسیر کامل یک آیه در فصل روش تحقیق در تفسیر ترتیبی به صورت مبسوط بیان خواهد شد.
۲. در فصل اول، تعریف «تفسیر» بیان شد، که در آن دو عنصر اساسی فهم معانی آیات و مقاصد آیات مطرح است.
۳. ابن منظور این معنا را به ابن اثیر و صاحب التهذیب نیز نسبت می‌دهد. (لسان العرب، ابن منظور، ج ۱۱، ص ۳۲ - ۳۶) و نیز معجم مقائس اللغة، احمد بن فارس، ج ۱، ص ۱۵۹ - ۱۶۰.
۴. لسان العرب، به نقل از ابن منظور، ج ۱۱، ص ۳۴.
۵. مفردات، راغب اصفهانی، ماده اول.

دیدگاه‌ها

الف) دیدگاه‌های معناشناسانه تأویل

۱. تأویل به معنای تفسیر

این معنا نزد مفسران پیشین شایع بوده است؛ برای مثال ابو جعفر طبری (م ۳۱۰ ق.) در تفسیر جامع‌البیان در مورد تفسیر آیه می‌نویسد: «القول في تأويل الآية» یا «اختلف اهل التأويل في هذه الآية...».

یادآوری: همان‌طور که در معانی لغوی و قرآنی ملاحظه شد، برخی اهل لغت نیز «تأویل» را به معنای «تفسیر» دانسته^۱ و برخی از اساتید معاصر نیز تأویل در آیه هفتم سوره «آل عمران» را به همین معنا لحاظ نموده‌اند.^۲

۲. تأویل به معنای توجیه متشابه

در قرآن، آیات محکم و متشابه وجود دارد؛ آیات متشابه دارای احتمالات متعدد در معناست، از این‌رو شبهه انگیز است؛ مفسر قرآن، آیات متشابه را به محکم بر می‌گرداند و توجیه می‌کند. همان‌طور که آیه: ﴿يَدُ اللَّهِ﴾ (فتح، ۱۰) را به آیه: ﴿لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ﴾ (شوری، ۱۱) بر می‌گردانند.

برخی از اساتید معاصر، یکی از معانی تأویل را همین توجیه متشابه دانسته‌اند؛ چنان‌که مفسر برای آیات متشابه توجیه معقولی را ارائه می‌دهد، پس زمام لفظ را گرفته و به جهتی می‌برد که معنایی مناسب داشته و لفظ یا عملی متشابه توجیه می‌شود. این گروه - همان‌طور که در بررسی معانی تأویل در قرآن گذشت - معنای تأویل را در آیه ۷ «آل عمران» و ۸۲ «کهف» جاری می‌دانند.^۳

البته «توجیه متشابه» غیر از تفسیر است؛ چون در تفسیر، معنای آیه و مقصود خدا از آن مشخص می‌شود؛ ولی مفسر الزاماً به دفع شبهات یا توجیه آیات متشابه

۱. نک: تاج العروس، ماده فسر.

۲. نک: تفسیر صحیح آیات مشکله قرآن، سبحانی، ص ۲۵۰.

۳. التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب، محمد هادی معرفت، ج ۱، ص ۲۰.

نمی‌پردازد. در ضمن، در توجیه متشابهات، گاه معنای مرجوح به وسیله قرینه ترجیح داده می‌شود؛ ولی در تفسیر این گونه نیست.

۳. تأویل به معنای برگرداندن لفظ آیه از معنای راجح به معنای مرجوح

گاه یک آیه از ظهور ابتدایی در معنایی خواص برخوردار بوده و به وسیله قرینه و دلیل خاص (نقلی یا عقلی) به معنای غیر ظاهری برمی‌گردد. به عبارت دیگر به وسیله قرینه ظهور ثانوی پیدا می‌کند. برای مثال: ممکن است از آیه: ﴿وَجَاءَ رَيْكُ﴾ (فجر، ۲۲) حرکت مادی و جسمانیت خدا را دریافت؛ اما به قرینه آیه: ﴿لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ﴾ (شوری، ۱۱) می‌توان در ظاهر آیه تصرف نموده و گفت: «آمدن خدا» به معنای حضور او در رستاخیز است.

دکتر ذهبی این شیوه را «تأویل» می‌نامد و آن را به مشهور متأخرین نسبت می‌دهد^۱ و این همان اصطلاح شایع عرفی در معنای «تأویل» است که در برابر «تفسیر» قرار می‌گیرد.^۲ البته این معنا با معنای توجیه متشابه که در بحث پیشین گذشت قابل جمع است؛ چرا که توجیه متشابه نیز، غالباً همین عمل کرد را دارد.

۴. تأویل به معنای بطن

این معنای «تأویل» براساس کاربرد آن در احادیث شکل گرفته است. در مبحث «تأویل» در احادیث، که آیه‌الله معرفت - چنان‌که گذشت - بر اساس روایت امام باقر علیه السلام یکی از معانی «تأویل» را همان «بطن» می‌داند؛ لیکن بطن به معنای مفهوم عامی است که از آیه انتزاع می‌شود.^۳

این معنای تأویل نوعی دلالت التزامی است که با کشف هدف آیه و الغای خصوصیت از عناصر غیر دخیل در هدف معنای عامی به دست می‌آید که در هر زمان و مکان مصادیق جدیدی دارد.

۱. نک: التفسیر و المفسرون، دکتر ذهبی، ج ۱، ص ۱۵ - ۱۸ و ج ۲، ص ۲۵.

۲. نک: المیزان، ج ۳، ص ۴۴ و البرهان، زرکشی، ج ۲، ص ۱۶۴.

۳. در این مورد در مبحث «بطن» و نیز ذیل «جری» مطالبی بیان خواهد شد.

۵. تأویل به معنای تفسیر باطنی و بیان معانی از راه اشاره و رمز

این اصطلاح تأویل، در میان عرفا، صوفیه و باطنیه کاربرد دارد.^۱ در این اصطلاح، تأویل اشاره به معنای رمزی و اشاری است که نوعاً از ظاهر الفاظ و قواعد معمول در آنها به دست نمی آید؛ بلکه نیازمند نوعی کشف و شهود است.

برای مثال از آیه: ﴿فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِي الْمُقَدَّسِ طُورٍ﴾ (طه، ۱۲) استفاده می کنند که دنیا را کنار بگذارید و دلبسته به آن نشوید.

البته برخی از اساتید معاصر، این تأویلات را به عنوان تداعی معانی از آیات توجیه می کنند.^۲

لازم به یادآوری است که باطنیه و غلات در مورد تأویل آیات راه افراط را پیموده و تأویلات باطلی ارائه کرده اند^۳ که مورد اعتراض اهل بیت علیهم السلام نیز قرار گرفته به همین دلیل گاهی غلات را لعنت کرده اند.^۴

به هر حال این معنای تأویل، با تفسیر مباین است؛ البته لازم به یادآوری است که در منابع تفسیر ثابت شد که شهود و مکاشفه های عرفانی در تفسیر حجت نیست. و در این جا نیز همین گونه است؛ چون شهود امری شخصی، خطاپذیر و غیر قابل انتقال و غیر مستدل است.

۶. تأویل به معنای مراد کلام

دکتر ذهبی این معنا را به قدما نسبت می دهد و می نویسد:

آن چه مراد کلام است، تأویل آن شمرده می شود؛ پس اگر کلام طلب چیزی بکند، آن چیز مطلوب، تأویل کلام است و اگر خبر از چیزی بدهد، آن چیزی که خبر از آن داده شده، تأویل کلام است.^۵

۱. نک: التفسیر و المفسرون، دکتر ذهبی، ج ۱، ص ۱۸ و تفسیر آلوسی، ج ۱، ص ۵.

۲. التفسیر الاثری الجامع، معرفت، ج ۱، ص ۲۸ به بعد.

۳. نمونه های متعددی از این تأویل ها و تطبیق های باطل باطنیه و غلات را می توانید در کتاب روش های

تأویل، دکتر محمد کاظم شاکر، ص ۱۷۳ به بعد ببینید.

۴. نک: بحارالانوار، ح ۲۵، ص ۲۶۶، ۳۶۵ و ۳۴۳ و ج ۵، ص ۲۴۹ و ۲۵۰.

۵. التفسیر و المفسرون، دکتر ذهبی، ص ۱۳ به بعد.

ب) دیدگاه‌های وجود شناسانه تأویل

۱. تأویل به معنای وجود عینی خارجی

ابن تیمیه (ت ۷۲۸ ق.) در رساله اکلیل وجود خارجی کلام را تأویل شمرده. و آن را مقصود قرآن دانسته است. او در تفسیر سوره «اخلاص» ابعاد نظریه خود را چنین توضیح داده است: اگر کلام، جمله ای انشایی باشد، تأویل آن، خود عمل مطلوب است. و اگر کلام، جمله خبری باشد تأویل آن همان چیزی است که از آن خبر داده شده است (مخبربه) اعم از این که در گذشته اتفاق افتاده یا در آینده تحقق می‌یابد. به عبارت دیگر: هر چیز چهار وجود خارجی، ذهنی، لفظی و کتبی دارد و آن وجود خارجی اشیاء همان تأویل آنهاست؛ برای مثال: شناخت پیامبر ﷺ و اخبار از صفات او (وجود ذهنی) تفسیر اوست؛ اما وجود خارجی پیامبر ﷺ که مبعوث شد، تأویل اوست.^۱

البته دلیلی بر صحت کاربرد این معنا در مورد تأویل نداریم، مگر آن که بگوییم دیدگاه راغب اصفهانی (هدف) و برخی معانی قرآنی تأویل (وقوع چیزی) با آن سازگار است؛ ولی در آن صورت دلیلی نداریم که این معنای تأویل در مورد همه آیات صادق باشد.

۲. تأویل به معنای حقیقت عینی خارجی

علامه طباطبایی رحمته الله علیه تأویل را حقیقت عینی می‌داند که اساساً از سنخ الفاظ و معانی نیست. ایشان می‌نویسند:

حق در تفسیر تأویل این است که تأویل حقیقت واقعی است که مستند بیانات قرآنی (اعم از تشریح، موعظه و حکمت) می‌باشد و آن برای جمیع آیات قرآن، موجود است و از قبیل مفاهیم مدلول الفاظ نیست، بلکه از امور عینی است که بالاتر از آن است که الفاظ به آن برسند، بلکه در پس این آیات که ما قرائت می‌کنیم و آنها را مورد تعقل قرار می‌دهیم، چیزی است که به منزله روح قرآن و قرآن به منزله جسم آن است همان که از آن به کتاب حکیم تعبیر شده؛ از این رو غیر از افراد پاک، آن را لمس نمی‌کنند.^۲

۱. نک: رساله اکلیل، ص ۱۰ - ۱۸ (در مجموعه رسائل ابن تیمیه) و رساله ابن تیمیه در تفسیر سوره

اخلاص، ص ۱۰۲ - ۱۰۳ و تفسیر المنار، ج ۳، ص ۱۹۵ - ۱۹۶.

۲. المیزان، ج ۸، ص ۲۵ به بعد.

از دیدگاه علامه طباطبایی و نیز ابن تیمیه، تأویل مخصوص آیات متشابه نیست؛ بلکه همه آیات قرآن تأویل دارد. برخلاف نظر کسانی که تأویل را در حوزه مفاهیم و منحصر به متشابهات می‌دانند.^۱

اما تفاوت نظر علامه با ابن تیمیه در آن است که ابن تیمیه تأویل را فقط عین خارجی محض می‌داند؛ ولی علامه این نظر را مردود می‌شمارد. و می‌نویسد:

عین خارجی، مصداق است نه تأویل؛ تأویل، حقایق خارجی در بستر زمان و مصالح واقعی و اهداف و مقاصد معین است که از رهگذر تکالیف، احکام، حکمت‌ها، پندها و آداب و رسوم مطرح شده در قرآن و حتی داستان‌ها و اخبار گذشتگان که در قرآن به آنها اشاره رفته، قابل تحقق است.^۲

لازم به یادآوری است که از سویی در آیه هفتم سوره «آل عمران» که تأویل مطرح شده است، رؤیای یوسف (یوسف، ۶ - ۲۱ - ۱۰۰ و ۱۰۱) و یا تعبیر رؤیای همراهان زندانی او (یوسف، ۳۶ - ۳۷) در مورد آیات متشابه است و شامل کل قرآن نمی‌شود و موارد دیگر کاربرد تأویل در قرآن نیز در موارد خاص مثل تأویل روز رستاخیز (اعراف، ۵۳) و تأویل اعمال خضر (کهف، ۷۸ - ۸۲) است. و از سوی دیگر آیه‌الله معرفت در مورد معنای فوق (حقیقت عینی) می‌نویسند: «این یک معنای لطیف عرفانی برای تأویل است که استنادی برای آن نیافتیم».^۳

نتیجه‌گیری

با توجه به معانی لغوی و کاربردهای «تأویل» در قرآن و حدیث می‌توان گفت که واژه «تأویل» از وجوه و نظائر قرآن است و یا مشترک لفظی است؛ یعنی: یک واژه «تأویل» دارای چند معناست که اگر همگی آنها ریشه در وضع تعینی لغوی نداشته باشد، در اثر کثرت استعمال در طول اعصار، به صورت وضع تعینی درآمده‌اند.

۱. نک: التفسیر و المفسرون، ذهبی، ج ۲، ص ۲۵ و ج ۱، ص ۱۵ و البرهان، زرکشی، ج ۲، ص ۱۶۶.

۲. نک: المیزان، ج ۳، ص ۴۸ - ۴۹.

۳. التمهید فی علوم القرآن، ج ۳، ص ۲۵۰.

جمع‌بندی

به رغم این‌که واژه «تأویل» در لغت، قرآن، احادیث و اصطلاح مفسران به معانی مختلفی به کار رفته است، در این‌جا مقصود از «روش تحقیق تأویلی»، ارجاع آیه‌ای از قرآن به معنای خلاف ظاهر، براساس قراین قطعی است؛ یعنی: همان توجیه متشابهات قرآن که در آیه ۷ «آل عمران» آمده است. پس هرچند که گاه «تأویل» به معنای «باطن» قرآن می‌آید ولی در این‌جا چنین معنایی مقصود نیست.

تذکر: حجیت و اعتبار روش تأویلی براساس آیه ۷ «آل عمران» قراین قطعی است که دلیل تأویل آیه می‌شود.

قلمرو و محدودیت‌ها

روش مطالعه تأویلی در آیات متشابه - که تعداد آنها را حدود دویست آیه شمرده‌اند - قرآن کاربرد دارد؛ بنابراین روش تأویلی در اکثر آیات قرآن قابل اجرا نیست.

اعمال روش تأویلی در آیات نیازمند قراین قطعی نقلی، عقلی و علمی است؛ بنابراین در این روش مطالعه قرآنی ممکن است از روش تحقیق درون‌متنی (آیات دیگر قرآن) استفاده شود. همان‌طور که برای تأویل آیه: ﴿يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ﴾ (فتح، ۱۰) از آیه: ﴿لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ﴾ (شوری، ۱۱) استفاده می‌شود. هم‌چنین ممکن است از روش تحقیق برون‌متنی (تحلیل عقلی) بهره جست. همان‌طور که برای تأویل آیه: ﴿وَجَاءَ رَبُّكَ﴾ (فجر، ۲۲) از برهان عقلی «مکان نداشتن خدا» استفاده و نیز برای رد دیدگاه فخر رازی^۲ در مورد «مسطح بودن زمین» براساس آیه: ﴿الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا﴾ (بقره، ۲۲) از دلیل علمی «کروی بودن زمین» استفاده می‌شود و «فرش» بودن زمین به معنای صاف به نظر آمدن، هم‌چون فرش، معنا می‌شود.

روش مطالعات تأویلی آیات، غالباً در روش تفسیر اشاری قرآن کاربرد دارد؛ ولی گاه در روش تفسیر قرآن به قرآن، روش تفسیر روایی، روش تفسیر عقلی، روش تفسیر علمی و روش تفسیر اجتهادی نیز کاربرد دارد.^۳

۱. همان ص ۱۴.

۲. مفاتیح الغیب، ج ۲، ص ۹۴.

۳. رک: منطق تفسیر قرآن (۲) روش‌ها و گرایش‌های تفسیر قرآن، از نگارنده.

آسیب شناسی

روش مطالعه تأویلی آیات، در طول تاریخ گرفتار افراط و تفریط شده و آسیب‌های متعددی را در تفسیر قرآن به بار آورده است؛ از جمله:

۱. تأویل بدون دلیل آیات که ممکن است منتهی به تفسیر به رأی گردد؛
۲. سوء استفاده برخی فرقه‌ها از روش تأویلی (مثل باطنیه و صوفیه) برای تأیید عقاید خود.

مثال: تستری در تفسیر تأویلی خویش «بسم الله» را این‌گونه تفسیر می‌کند:

«باء»، بهاء الله؛ «سین»، سناء الله؛ «میم»، مجد الله و «الله»، اسم اعظمی است که نامهای دیگر خدا را در بردارد. بین الف و لام آن حرفی مخفی است که غیبی از غیب به سوی غیب و سرّی از سرّ به سوی سرّ است... و «الرحمان» اسمی است که در آن خاصیتی از حرف مخفی بین الف و لام است.^۱

و نیز در مورد آیه: ﴿اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ﴾ (طلاق، ۱۲) قاضی نعمان می‌گوید: «مراد از آسمان‌های هفت‌گانه، هفت ناطق و مراد از زمین‌های هفت‌گانه حجت‌های هفت‌گانه هستند».^۲

ناصر خسرو نیز گفته است که مقصود از ﴿وَالَّتَيْنِ وَالزَّيْتُونِ﴾ (تین، ۱) و ﴿فِي سِدْرٍ مَّخْضُودٍ﴾ (واقعه، ۲۷ - ۲۸) همان عقل و نفس است.^۳

از همین روست که علامه طباطبایی^۴ و علامه معرفت^۵ و دکتر ذهبی^۶ روش تأویلی صوفیه را در تفسیر مردود اعلام می‌کنند؛ چرا که آنها مرتکب تأویل‌های بدون دلیل می‌شوند.

۱. تفسیر التستری، ص ۳.

۲. اساس التأویل، نعمان بن محمد مغربی، ص ۴۴.

۳. وجه دین، ص ۸۱ - ۸۲ به نقل از روش‌های تأویل، دکتر محمد کاظم شاکر، ص ۲۳۰.

۴. المیزان، ج ۱، ص ۷.

۵. التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب، ج ۲، ص

۶. همان، ص ۳۳۹ به بعد.

علامه طباطبایی در مقدمه تفسیر المیزان با اشاره به روش تفسیر صوفیه می‌نویسد: اهل تصوف به علت مشغول بودن به سیر باطنی در خلقت و توجه آنان به آیات انفسی و توجه کمتر به عالم ظاهر و آیات آفاقی، فقط به تأویل قرآن پرداختند و تنزیل - و ظاهر قرآن - را کنار گذاشتند. این مطلب، موجب جرأت مردم بر تأویل قرآن و تألیف سخنان شعری و استدلال از هر چیزی، برای هر چیز شد. تا آن‌که در نهایت کار به تفسیر آیات بر اساس حساب جُمَل و برگشت دادن کلمات به زیر و بینات و حروف نورانی و ظلمانی و غیر آن شد. علامه طباطبایی سپس در انتقاد از این روش می‌نویسد: «واضح است که قرآن، تنها برای اهل تصوف نازل نشده است و مخاطب آن اهل علم اعداد و آفاق و حروف نیستند و معارف قرآن، بر اساس حساب جُمَل - که اهل نجوم یونانی آن را قرار داده‌اند - نیست».

علامه معرفت نیز بر این عقیده است که: برای اهل عرفان باطنی، دارای تفاسیری هستند که بر اساس تأویل ظواهر - آیات - و اخذ به باطن تعبیر - قرآن - بدون توجه به دلالت‌های ظاهری آنها مبتنی بوده و بر دلالت رمز و اشاره بر اساس اصطلاح خودشان پایه‌گذاری شده است. چرا که این گروه از اطراف و جوانب کلام استفاده می‌کنند، نه از صریح الفاظ و دلالت کلام. آنان برای ظواهر تعبیر، باطن‌هایی را فرض کرده و آن را بر «قرآن کریم» تحمیل می‌کنند و در این راه به ذوق عرفانی ویژه‌ای استناد می‌کنند که ماورای فهم معمولی مردم است.^۲

ج) روش تحقیق باطنی

«بطن» در لغت

راغب اصفهانی: «ظاهر چیزی است که بر صفحه زمین بوده و پنهان نباشد و بطن، زمانی به کار می‌رود که چیزی در عمق زمین و مخفی باشد».^۳ اصل «بطن» به معنای عضوی از بدن (شکم) و جمع آن بطون است. بطن ضد

۱. المیزان، ج ۱، ص ۷.

۲. التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب، ج ۲، ص ۵۲۶.

۳. مفردات، ماده «ظهر».

«ظهر» است و به هر موضوع پیچیده‌ای «بطن» و به هر موضوع آشکاری «ظهر» می‌گویند و به آن چه با حس درک می‌شود «ظاهر» و به آن چه از حس پنهان است «باطن» گفته می‌شود.^۱

ابن منظور: الظهر من کل شیء،، خلاف البطن^۲... و البطن من کل شیء: جوفه.^۳

«بطن» در قرآن

واژه «بطن» و مشتقات آن بیست و پنج بار در «قرآن کریم» به کار رفته است، که در موارد متعددی به معنای عضو خاص بدن (شکم) است^۴ و برخی موارد به معنای گناهان پنهانی^۵ و نعمت‌های پوشیده^۶ آمده و در یک مورد نیز به عنوان صفت خدا به کار رفته است.^۷

با دقت در کاربردهای قرآنی «بطن» در قرآن، روشن می‌شود که این واژه به معنای اصطلاحی «باطن قرآن» به کار نرفته است. البته برخی از صاحب‌نظران در مورد وجود بطن قرآن به آیاتی استدلال کرده اند، از جمله دکتر ذهبی به آیاتی که دعوت به تدبر، تفکر و تعقل در قرآن می‌کند،^۸ که حکای از لایه‌های ژرف و عمیق نهفته در ورای آیات بوده و مقصود و مراد الهی است و این همان باطن است.^۹

و آلوسی نیز به آیاتی هم‌چون: ﴿تَفْصِيلًا لِّكُلِّ شَيْءٍ﴾ (انعام، ۱۵۴) و ﴿مَا فَرَطْنَا

۱. همان، ماده «بطن».

۲. لسان العرب، واژه ظهر.

۳. همان، واژه بطن.

۴. نور، آیه ۴۵؛ آل عمران، آیه ۳۵؛ انعام، آیه ۱، ۱۳۹؛ نحل، آیه ۷۸ - ۶۶؛ زمر، آیه ۶؛ نجم، آیه ۳۲؛ مؤمنون، آیه ۲۱ و ...

۵. اعراف، آیه ۳۳؛ انعام، آیه ۱۲۰.

۶. لقمان، آیه ۲۰.

۷. ﴿هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ﴾ (حدید، آیه ۳).

۸. نک: ص ۲۹، نساء، آیه ۸۲؛ محمد، آیه ۲۴؛ نحل، آیه ۴۴؛ یوسف، آیه ۱ و ...

۹. التفسیر و المفسرون، ج ۲، ص ۳۵۳.

فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ ﴿ (انعام، ۳۸) استدلال کرده است.^۱
و نیز در همین راستا به آیات عبرت‌گیری از داستان‌های پیامبران هم چون: ﴿لَقَدْ
كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةً لِأُولِي الْأَلْبَابِ﴾ استشهاد شده است.^۲

«بطن» در احادیث:

واژه «بطن» در احادیث متعددی از پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام به کار رفته است؛ ولی به نظر می‌رسد که در همه جا به یک معنا نیست؛ بلکه حداقل در چند معنا استعمال شده است که به مهم‌ترین آنها اشاره می‌کنیم:

۱. «بطن» قرآن، همان «تأویل» آن است

عن فضیل بن یسار قال: سألت ابا جعفر عن هذه الرواية «ما من القرآن آية الا ولها ظهرو بطن»؛ فقال: ظهره تنزيلة و بطنه تأويله، منه ما قد مضى و منه ما لم یکن یجری کما یجری الشمس و القمر.^۳

مشابه این روایت را اهل سنت نیز حکایت کرده‌اند که: «ظاهر قرآن، تلاوت و باطن آن، تأویل است».^۴

یادآوری: در مبحث «تأویل» بیان شد که یکی از معانی تأویل «بطن» است و نیز در مبحث قواعد تفسیری، ذیل قاعده جری و تطبیق بیان خواهد شد که این «تأویل و بطن» در روایت فوق به معنای اخذ قاعده کلیه و تطبیق آن بر مصادیق مشابه است؛ چنان‌که برخی از مفسران معاصر این معنا را تنها معنای بطن قرآن می‌دانند.^۵

۱. روح المعانی، ج ۱، ص ۸.

۲. نک: روش‌های تأویل قرآن، دکتر شاکر، ص ۱۵۴.

۳. نک: تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۲ - ۲۳، این روایت در تفسیر عیاشی بدون سند است؛ اما صفار (م ۳۰۱ یا ۲۹۹ ق.) با اندکی تفاوت با سند صحیح نقل کرده است (بصائر الدرجات، ص ۱۹۹).

۴. نک: روح المعانی، آلوسی، ج ۱، ص ۱۷، الاتقان، سیوطی، نوع ۷۷.

۵. نک: تفسیر الاثری الجامع، محمد هادی معرفت، ج ۱، ص ۲۸ به بعد.

۲. باطن قرآن، مصادیق جدید آن است

در برخی از احادیث از امام باقر علیه السلام حکایت شده که: ظهر القرآن، الذین نزل فیهم و بطنه، الذین عملوا بمثل اعمالهم^۱:
«ظاهر قرآن کسانی هستند که آیات درباره آنها نازل شده و باطن آن، کسانی هستند که رفتاری مانند آنها دارند.»

۳. بطن قرآن به معنای فهم و تفسیرهای متعدد قرآن

در برخی از احادیث، واژه بطن بر «تفسیر» اطلاق شده است از جمله:
«عن جابر، قال: سألت ابا جعفر علیه السلام عن شيء في تفسير القرآن، فاجابني؛ ثم سألته ثانية فاجابني بجواب آخر، فقلت: جعلت فداك كنت اجبت في هذه المسئلة بجواب غير هذا قبل اليوم؟» «فقال لي: يا جابر ان للقرآن بطناً و للبطن بطن و له ظهر و للظهر ظهر...»^۲
در این روایت، جابر از تفسیر آیه می پرسد و امام باقر علیه السلام مطالب مختلفی را بیان می کند و آنها را بطن های قرآن می نامند.
عن علی علیه السلام: «ما من آية و لها اربعة معان: ظاهر و باطن و حد و مطلع: فالظاهر التلاوة و الباطن الفهم و الحد، هو احكام الحلال و الحرام و المطلع، هو مراد الله من العبد بها».^۳

۴. بطون قرآن یا ساحت های مختلف آن

در برخی از احادیث به «هفت بطن قرآن» اشاره شده است از جمله: عن النبی صلی الله علیه و آله: «ان للقرآن ظهراً و بطناً و لبطنه بطن الی سبعة ابطن».^۴
حدیث فوق را فیض کاشانی از طریق اهل سنت نیز نقل می کند. در برخی احادیث نیز «سبعین»، «سبعمأة» و «سبعین الف» نیز حکایت شده است.^۵

۱. تفسیر صافی، فیض کاشانی، ج ۱، ص ۱۴ - ۱۷ و برهان، ج ۱، ص ۲۰.

۲. بحار الانوار، مجلسی، ج ۸۹، ص ۹۵.

۳. تفسیر صافی، ج ۱، ص ۲۸ - ۲۹.

۴. همان، ج ۱، ص ۳۰ - ۳۴.

۵. نک: نص النصوص، ص ۷۲: جامع الاسرار و منبع الانوار، سید حیدر آملی، ص ۱۰۴ و نیز روش های تأویل قرآن، دکتر شاکر، ص ۸۱.

مقصود از هفت بطن قرآن ممکن است سطوح معرفتی و مراتب فهم عمیق آن باشد که در این صورت معنای هفت بطن با روایات دسته سوم، چهارم و پنجم سازگار است و ممکن است به معنای مصادیق آینده آیات باشد؛ یعنی: در هر عصری مصادیق جدیدی از آیات (مثل اقوام و اشخاص) پیدا می‌شوند و بطن جدیدی ظاهر می‌گردد که در این صورت معنای هفت بطن با روایات دسته اول و دوم سازگار خواهد بود.

البته لازم به یادآوری است که واژه «هفت» در این گونه موارد ممکن است عدد واقعی و یا عدد کثرت باشد که در این صورت ده‌ها و صدها بطن را شامل می‌شود.

نظریه پردازی‌های دانشمندان در مورد بطن قرآن

در مورد «بطن قرآن» تفسیرها و نظریه‌های مختلفی ارائه شده که می‌توان آنها را به دو دسته اساسی تقسیم کرد:

نخست: نظریه وجودشناختی

بر اساس این نظریه، قرآن دارای مراتب وجودی است که عالی‌ترین مرتبه آن در نزد خدای متعال است. در آنجا سخن از الفاظ و معانی نیست، بلکه حقایق وجودی است که توسط جبرئیل به پیامبر ﷺ نازل شده و به مراتب پایین‌تر الفاظ و معانی تنزل می‌یابد و از طریق پیامبر ﷺ به مردم ابلاغ می‌شود؛ چنان‌که برخی مفسران قرآن می‌توانند با سلوک به سوی خدا به مراتب عالی وجودی قرآن (بطن) دست یابند. براساس این نظریه «بطن» از سنخ الفاظ و معانی نیست؛ بلکه از سنخ حقایق وجودی است، که در علم الهی موجود است.

در برخی از دیدگاه‌های امام خمینی علیه السلام می‌توان همین دیدگاه را دریافت:

حقیقت قرآن شریف الهی قبل از تنزل به منازل خلقیه و تطور به اطوار فعلیه، از شئون ذاتیه و حقایق علمیه در حضرت احدیت است و آن حقیقت «کلام نفسی» است که مقارعه ذاتیه در حضرات اسمائیه است. و این حقیقت برای احدی حاصل نشود به علوم رسمیه و نه به معارف قلبیه و نه به مکاشفه غیبیه، مگر به

مکاشفه تامه الهیه برای ذات مبارک نبی ختمی ﷺ در محفل انس «قاب قوسین» بلکه در خلوتگاه سر مقام «او ادنی». و دست آمال عائله بشریه از آن کوتاه است، مگر خلص از اولیاء الله که به حسب انوار معنویه و حقایق الهیه با روحانیت آن ذات مقدس مشترک و به واسطه تبعیت تامه، فانی در آن حضرت شدند، که علوم مکاشفه را بالوراثه از آن حضرت تلقی کنند و حقیقت قرآن به همان نورانیت و کمال که در قلب مبارک آن حضرت تجلی کند به قلوب آنها منعکس شود؛ بدون تنزل به منازل و تطور به اطوار؛ و آن قرآن بی تحریف و تغییر است و از کتاب وحی الهی، کسی که تحمل این قرآن را می‌تواند کند وجود شریف ولی الله مطلق، علی بن ابی طالب ع [است]؛ و سایرین نتوانند اخذ این حقیقت کنند، مگر با تنزل از مقام غیب به موطن شهادت و تطور به اطوار ملکیه و تکسی به کسوه الفاظ و حروف دنیاویه. و این یکی از معانی «تحریف» است که در جمیع کتب الهی و قرآن شریف واقع شده و تمام آیات شریفه با تحریف بلکه تحریفات بسیار، به حسب منازل و مراحل که از حضرت اسماء تا اخیره عوالم شهادت و ملک طی نموده، در دسترس بشر گذاشته شده. و عدد مراتب تحریف، مطابق با عدد مراتب بطون قرآن است، طابق النعل بالنعل، الا آن که تحریف، تنزل از غیب مطلق به شهادت مطلقه است، به حسب مراتب عوالم؛ و بطون، رجوع از شهادت مطلقه به غیب مطلق است. پس مبدء تحریف و مبدء بطون متعکس است و سالک الی الله به هر مرتبه از بطون که نائل شود از یک مرتبه تحریف تخلص پیدا کند تا به بطون مطلق که بطن سابع است به حسب مراتب کلیه که رسید از تحریف مطلقاً متخلص شود.^۱

یادآوری: رویکرد علامه طباطبایی رحمته الله علیه در مبحث «تأویل» - که آن را روح و حقیقت قرآن در لوح محفوظ می‌داند که فقط پاکان بدان دست می‌یابند -^۲ با نظریه فوق در مبحث «بطن» هم‌خوان است (هرچند که ایشان، پیرامون بطن قرآن نظریه مفهومی شناسانه‌ای دارد که در ادامه خواهد آمد).

۱. امام خمینی، آداب الصلوة (آداب نماز)، ص ۱۸۱ - ۱۸۲. امام خمینی در جای دیگری در بیان وجه جمع بودن «أنا» و «انزلنا» در سوره قدر می‌فرماید:

بدان که نکته آن، تفخیم مقام حق تعالی به مبدئیت تنزیل این کتاب شریف است و شاید این جمعیت برای جمعیت اسمائیه باشد و اشاره به آن باشد که حق تعالی به جمع شئون اسمائیه و صفاتیه مبدأ از برای این کتاب شریف است؛ و از این جهت، این کتاب شریف صورت احذیت جمع جمیع اسماء و صفات و معرفت مقام مقدس حق به تمام شئون و تجلیات است (همان، ص ۳۲۰ - ۳۲۱).

۲. دیدگاه علامه در مبحث «تأویل» گذشت، نک: المیزان، ج ۳، ص ۴۵، ذیل آیه هفتم سوره آل عمران.

بررسی

دیدگاه فوق، نظریه لطیفی ارائه می‌کند که می‌تواند آیه (۲۱ - ۲۲، بروج) ﴿بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَّجِيدٌ* فِي لَوْحٍ مَحْفُوظٍ﴾ و آیه (۷۹، واقعه) و ﴿لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ﴾ نیز آیات نزول قرآن از نزد خدا توسط جبرئیل به پیامبر ﷺ، شاهدی برای آن باشد.^۱ ولی این معنا با کاربردهای واژه «بطن» در احادیث مطابقت ندارد. همان‌طور که در مبحث مفهوم‌شناسی بطن در روایات ملاحظه شد، بطن بیشتر در معانی، فهم و تفسیر کاربرد دارد، نه در مورد حقیقت قرآن که نزد خداست؛ بنابراین دیدگاه امام خمینی رحمته الله علیه یک نظریه‌ای خاص در مورد بطن قرآن است.

دوم: نظریه‌های معناشناختی

براساس این دیدگاه، بطن قرآن از سنخ مرتبه عالی وجودی قرآن نیست؛ بلکه از سنخ معانی و مفاهیم است که بر اساس ژرف‌اندیشی در آیات قرآن در ذهن انسان شکل می‌گیرد. البته نظریه‌پردازان این دیدگاه، با هم یک صدا نیستند و از روی کردهای مختلفی در تفسیر بطن برخوردارند، که می‌توان برخی آنها را به برخی دیگر بازگرداند و به صورت زیر دسته‌بندی نمود:

الف) بطن قرآن همان هدف آیه است که با الغای خصوصیت به صورت قاعده کلی استخراج و بر مصادیق جدید تطبیق می‌شود.

اظهار نظرهای برخی مفسران و صاحب‌نظران در طول تاریخ با این دیدگاه هم‌خوان است از جمله:

۱. شیخ طوسی (۴۶۰ ق.) چهار معنا برای بطن قرآن ارائه می‌کند؛ وی از جمله از ابو عبیده نقل می‌کند که:

«مقصود از ظاهر قرآن داستان‌های اخبار هلاکت پیشینیان است و مقصود از باطن پندهای آنها برای دیگران»^۲. هم‌چنین از ابن مسعود حکایت کرده که: «هیچ آیه‌ای نیست

۱. البته اگر اشکالاتی که در مورد دلالت آیه (۷۹ واقعه) در مبحث تأویل گذشت، برطرف گردد و تفسیر آیه بر حقیقت قرآن درست باشد.

۲. تبیان، شیخ طوسی، ج ۱، ص ۹.

مگر آن‌که قومی بدان عمل کرده‌اند و قومی دیگر بدان عمل خواهند کرد»^۱.

۲. شاطبی معتقد است که: «ظاهر همان مفهوم عربی مجرد است... و باطن مراد از خطاب است»^۲.

۳. نه‌اوندی در *نفحات الرحمن* بر آن است که: «ظاهر قرآن، چیزی است که هرکس از مدلول‌های مطابقی و التزامی آشکار متوجه می‌شود و باطن قرآن دلالت التزامی مخفی، اشارات ابهامی و لطایف و دقایق است که با عموم علت یا قوی‌تر بودن ملاک و... به دست می‌آید»^۳.

۴. دکتر ذهبی در این باره معتقد است که: «ظاهر قرآن - که به زبان عربی روشن نازل شده - فهم معنای همان الفاظ عربی است و اما باطن آن، فهم مراد خداوند و غرض و مقصود اوست که در ورای ظاهر الفاظ و شیوه ترکیب آن نهفته شده است»^۴.
از سخنان زرقانی نیز می‌توان معنایی مشابه را دریافت نمود.^۵

۵. آیه‌الله معرفت در مورد بطن قرآن می‌فرماید: «مقصود از بطن آیه، مفهوم گسترده و دامنه‌داری است که در پس پرده ظاهر (یعنی ظاهر که در بند خصوصیات مورد نزول است) نهفته است که تحت شرایطی این مفهوم وسیع بایستی از بطن آیه استخراج شود»^۶. ایشان در جای دیگر «بطن قرآن» را معنایی گسترده، قابل دوام و همیشگی و جاوید می‌داند که باید از محتوای آیات، یک معنای کلی، همگانی، گسترده، به گستردگی زمان و به پهنای جهان استفاده کرد.^۷

و ی‌هم چنین «بطن» قرآن را یکی از معانی «تأویل» دانسته و می‌نویسد: «والمصطلح الاخر للتأویل هو: تبیین المفهوم العام الخایی وراء ستار اللفظ الذي یبدو خاصاً حسب التنزیل»^۸.

۱. همان.

۲. محاسن التأویل، ج ۱، ص ۵۱ - ۶۷.

۳. نفحات الرحمن، نه‌اوندی، ج ۱، ص ۲۸.

۴. التفسیر و المفسرون، ج ۲، ص ۳۵۷ - ۳۵۸.

۵. نک: مناهل العرفانی فی علوم القرآن، ص ۴۳۹.

۶. علوم قرآنی، محمد هادی معرفت، ص ۹۱.

۷. مقاله «بطن قرآن» محمد هادی معرفت، ص ۶۵ و نیز نک: التمهید فی علوم القرآن، ج ۳، ص ۲۸.

۸. التفسیر الاثری الجامع، ج ۱، ص ۳۰.

علامه معرفت در پی استدلال خود روایات بطن را شاهد آورده و می‌نویسد:

و علیه فللقرآن ظهر حسب التنزیل و بطن حسب التأویل؛ انما عبّر عنه بالبطن، لان هذا المفهوم العام انما استخلص من فحوى الاية استخلاصاً، با عفاء جوانب الاية المرتبطة بالمناسبات و التي تجعل الاية خاصة بها، حسب ظاهر التنزیل، لیجعلوا وجه الاية العام بعد الغاء الخصوصیات السائرة، لقد بطن هذا المعنى العام لمن قصر نظره على ملاسبات الاية حسب تنزیلها؛ اما الذي تعمق النظر وتدبر، فوجد الاية ذات مفهوم واسع سعة الافاق؛ الامر الذي يجعل القرآن - في جميع آية - ذات رسالة خالدة.^۱

وی آن‌گاه به آیه: ﴿فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ (نحل، ۴۳) اشاره می‌کند که در مورد مشرکانی نازل شده که در نبوت پیامبر ﷺ تشکیک می‌کردند و آنها را به پرسش از اهل ذکر، یعنی اهل کتاب فرا می‌خواند. لیکن رویکرد آیه، عام است و شامل رجوع هر جاهل به عالم در اصول و فروع دین می‌شود که این یک قاعده و رسالت جهانی است؛^۲ یعنی: لازم است از مورد نزول، الغای خصوصیت شده و هدف آیه به صورت یک قاعده کلی در رجوع جاهل به عالم بیان شود تا بر مصادیق جدید در هر زمان قابل تطبیق باشد.

از نگاه علامه معرفت دلالت آیات بر بطن، از نوع دلالت التزامی غیر بین است. از این‌رو فهم باطن نیازمند ژرف نگری است.^۳

و به دست آوردن بطن (به دست آوردن هدف آیه - الغای خصوصیات اخذ قاعده کلیه - تطبیق بر مصادیق جدید و...) از شیوه و شرایط خاصی برخوردار است.^۴ البته این شیوه در روایات تفسیری اهل بیت علیهم‌السلام بسیار به چشم می‌خورد و آیه‌الله معرفت مثال‌های متعددی از این روایات را در تفسیر المیزان (الرحمن، ۷ - ۹) به علی علیه‌السلام و ماء معین (ملک، ۳۰) به علم امام علیه‌السلام آورده و توضیح داده است که در مباحث بعدی بدان‌ها می‌پردازیم.

۶. آخوند خراسانی در کفایة الاصول، احتمال می‌دهد که مسئله بطون از باب لوازم

۱. همان، ص ۳۱.

۲. همان.

۳. همان، ص ۳۲ - ۳۱.

۴. همان، ص ۳۲ - ۳۷.

معنای آیه باشد.^۱ و آیه الله خوئی رحمته الله علیه نیز در مباحث اصول فقه خود بر همین نکته آخوند تأکید کرده و می نویسد:

اما ما ذكره (قده) ثانياً من ان المراد من البطون لوازم معناه و ملزوماته، من دون ان يستعمل اللفظ فيها - التي لن تطل الي ادراكها افهامنا القاصرة، الأبعانية من اهل بيت العصمة و الطهارة عليهم السلام الذين هم اهل القرآن، فهو الصحيح. و تدلنا على ذلك روايات كثيرة تبلغ حد التواتر اجمالاً بلاريب.^۲

البته آخوند خراسانی و آیه الله خوئی در مباحث خود به نکته ای اشاره دارند که علامه معرفت و دیگران بدان نپرداخته اند و آن این که فهم ما از درک این لوازم معنا (بطن) عاجز است. در این مورد در مباحث آینده مطالبی بیان خواهد شد.

بررسی

این دیدگاه موافق بسیاری از روایات بطن قرآن است؛ یعنی: با دسته اول روایات (بطن یعنی تأویل)؛ دسته دوم (بطن یعنی مصادیق جدید)؛ دسته سوم (بطن به معنای تدبّر و عمل به قرآن) و دسته چهارم (بطن قرآن معنای ژرف آن است) همخوان است.

ب) بطن قرآن معنای طولی و نهفته در آیات:

علامه طباطبایی رحمته الله علیه پس از تحلیل روایت «بطن» می نویسد: «ظهر همان معنای ظاهر و ابتدایی است که از آیه به دست می آید و بطن معنای نهفته در زیر است، چه آن معنا، یکی باشد یا بیشتر، نزدیک به معنای ظاهری باشد یا دور از آن بوده و بین آنها واسطه باشد».^۳

علامه طباطبایی رحمته الله علیه با ذکر مثالی می نویسد: «قرآن مجید ظاهر و باطن دارد».

خدای متعال در کلام خود می فرماید: ﴿وَأَعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا﴾^۴ و خدا را پرستید؛ و هیچ چیز را با او شریک مگردانید؛ و ظاهر این کلام نهی از پرستش معمولی بتهاست چنان که می فرماید: ﴿فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ﴾^۵ پس از بت های (سنگی)

۱. کفایة الاصول، ج ۱، ص ۲۰۴ (مبحث استعمال لفظ در بیشتر از یک معنا).

۲. محاضرات فی الاصول، تقریرات بحث آیه الله خوئی، (نگارش محمد اسحاق فیاض) ج ۱، ص ۲۱۳ - ۲۱۴.

۳. نک: المیزان فی التفسیر القرآن، ج ۳، ص ۷۴.

۴. نساء، آیه ۳۶.

۵. حج، آیه ۳۰.

بلید، دوری کنید؛ ولی با تأمل و تحلیل معلوم می‌شود که پرستش بت‌ها برای این ممنوع است که خضوع و فروتنی در برابر غیرخداست و بت بودن معبود نیز خصوصیتی ندارد چنان‌که خدای متعال طاعت شیطان را عبادت او شمرده می‌فرماید: ﴿الْمَ أَعْهَدُ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ﴾؛^۱ «ای فرزندان آدم! آیا با شما پیمان نبستم که شیطان را نپرستید».

و با تحلیلی دیگر معلوم می‌شود که در طاعت و گردن‌گذاری انسان میان خود و غیرفرقی نیست و چنان‌که از غیر نباید طاعت کرد از خواست‌های نفس در برابر خدای متعال نباید طاعت و پیروی نمود چنان‌که خدای متعال اشاره می‌کند: ﴿أَفَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ﴾؛^۲ و آیا اطلاع یافتی از کسی که هوسش را معبود خود گرفت؟! و با تحلیل دقیق‌تری معلوم می‌شود که اصلاً به غیر خدای متعال نباید التفات

داشت و از وی غفلت نمود زیرا توجه به غیر خدا همان استقلال دادن به او و خضوع و کوچکی نشان دادن در برابر اوست و این ایمان روح عبادت و پرستش می‌باشد خدای متعال می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَلَّا لَتَنْعَمَ بَلْ هُمْ أَصْلُ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ﴾؛^۳ و در واقع بسیاری از جن و انسان را برای جهنم آفریدیم؛ چرا که برایشان دل‌ها و عقل‌هایی است که با آنها ژرف‌اندیشی نمی‌کنند؛ و برایشان چشم‌هایی است که با آنها نمی‌بینند؛ و برایشان گوش‌هایی است که با آنها نمی‌شنوند؛ آنان همانند چهارپایانند، بلکه آنان گمراه‌ترند! تنها آنان غافلانند.

چنان‌که ملاحظه می‌شود از آیه کریمه: ﴿وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا﴾ ابتدا می‌توان دریافت که نباید بتها را پرستش نمود و با نگاهی وسیع‌تر می‌توان فهمید که انسان نباید دیگران را به غیر اذن خدا پرستش نکند و با نظری وسیع‌تر از آن این‌که انسان حتی از دلخواه خود نباید پیروی کند و با نظری وسیع‌تر از آن این‌که نباید از خدا غفلت کرد و به غیر او التفات داشت.

۱. یس، آیه ۶۰.

۲. جاثیه، آیه ۲۳.

۳. اعراف، آیه ۱۷۹.

همین ترتیب، یعنی ظهور یک معنای ساده ابتدایی از آیه و ظهور معنای وسیع تری به دنبال آن و هم چنین ظهور و پیدایش معنایی در زیر معنایی در سرتاسر قرآن مجید جاری است و با تدبر در این معانی، معنای حدیث معروف که از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله مأثور و در کتب حدیث و تفسیر نقل شده است: «ان للقرآن ظهراً و بطناً و لبطنه بطناً الی سبعة ابطن» روشن می شود.^۱

بنابر آن چه گذشت، قرآن مجید ظاهر دارد و باطن (یاظهر و بطن) که هر دو از کلام اراده شده اند، جز این که این دو معنا در طول هم مراد هستند نه در عرض یکدیگر؛ نه اراده ظاهر لفظ، اراده باطن را نفی می کند و نه اراده باطن مزاحم اراده ظاهر است.

علامه طباطبایی رحمته الله علیه در جای دیگر در مورد تأویل (در صورتی که آن را از سنخ معانی بدانیم نه حقایق)^۲ مشابه همین مطالب را تکرار می کنند. در همین راستا می نویسند:

ان للقرآن مراتب مختلفة من المعني، مترتبة طولاً من غير ان تكون الجميع في عرض واحد؛ فيلزم استعمال اللفظ في اكثر من معني واحد، او مثل عموم المجاز، و لاهي من قبيل اللوازم المتعددة لمزوم واحد؛ بل هي معان مطابقة يدل على كل واحد منها اللفظ بالمطابقة بحسب مراتب الافهام.^۳

و در جای دیگر در تحلیل روایات بطن می فرماید: و من هنا يظهر اولاً: ان للقرآن مراتب من المعاني المرادة بحسب مراتب اهله و مقاماتهم... و ثانياً: ان الظهور و البطن امران نسيان، فكل ظهر بطن بالنسبة الی ظهوره و بالعكس.^۴

بررسی:

دیدگاه علامه با برخی از روایات بطن مثل دسته سوم (بطن قرآن به معنای تدبیر) و دسته چهارم (بطن قرآن ژرف اندیشی در آن) و دسته پنجم (بطن قرآن همان فهم است)

۱. تفسیر صافی، مقدمه ۸ سفینه البحار ماده «بطن».

۲. علامه طباطبایی رحمته الله علیه تأویل را به معنای حقیقت عینی عندالله در لوح محفوظ می داند، (المیزان، ج ۳، ص ۴۵) پس در هنگامی که سخن از معانی طولی در تأویل به میان می آورد، با معنای بطن همان می شود. (نک: المیزان، ج ۳، ص ۴۴، ۴۶ و ۷۳.

۳. همان، ص ۶۴.

۴. همان، ص ۷۳.

و به‌ویژه دسته ششم (بطون قرآن ساحت‌های مختلف آن) است. و با دقت در کلمات ایشان روشن می‌شود که وی نیز به گسترش معنایی آیات - با توجه به قراین - در مسئله بطن توجه داشته است.

در این صورت شاید بتوان دیدگاه علامه را به دیدگاه قبلی (استخراج هدف، قاعده کلیه و...) یکسان دانست. جز آن‌که علامه معنای بطن را طولی و مطابقی می‌داند؛ اما در دیدگاه سابق، از لوازم معنا به‌شمار می‌آمد. هر چند که علامه طباطبایی در ادامه مباحث خود احتمال لوازم معنای لفظ که به صورت طولی مترتب باشد را نیز مطرح کرده است.^۱

راهکارهای بطن‌گیری از آیات قرآن

براساس مبنای امکان فهم بطن قرآن برای غیر معصومین، این پرسش مطرح می‌شود که راهکار فهم بطن چیست؟ در این رابطه بر اساس دیدگاهی که افراد در تفسیر مسئله بطن برگزیده‌اند، راهکارها نیز متفاوت می‌شوند.

الف) سیر صعودی از شهادت مطلقه به غیب مطلق

براساس نظریه وجودشناختی امام خمینی علیه السلام که بطن را حقیقتی عندالله می‌داند، راه دستیابی به بطن، علوم رسمی نیست، بلکه مکاشفه تامه الهیه است؛ یعنی: سالک با تزکیه نفس و طی مراحل قرب، به سیر صعودی به سوی خدا می‌پردازد؛ یعنی: وصول به بطون قرآن، همان رجوع از شهادت مطلقه به غیب مطلق است.^۲ به عبارت دیگر، قرآن از مقام واحدیت سیر نزولی را طی کرده تا به لباس الفاظ درآمدی است و برای دستیابی به حقیقت قرآن باید به سیر صعودی پرداخت.

۱. المیزان، ج ۳، ص ۴۵.

۲. نک: آداب الصلوة، امام خمینی علیه السلام، ص ۱۸۱ - ۱۸۲.

ب) تدبیر در آیات

براساس دیدگاه علامه طباطبایی که بطن را معانی طولی نهفته در آیات می‌داندست و با توجه به مثال ایشان، روشن می‌شود که راهکار دست‌یابی به بطون تدبیر در آیات و توجه به قراین موجود در آیات دیگر، یعنی تفسیر قرآن به قرآن است.^۱ البته در برخی احادیث نیز تدبیر در آیات، به عنوان یکی از معانی بطن قرآن آمده بود.^۲

ج) انجام مراحل چهارگانه برای به دست آوردن بطن

براساس دیدگاه آیه‌الله معرفت مراحل زیر برای به دست آوردن بطن قرآن لازم است:
نخست: به دست آوردن هدف آیه؛

دوم: الغای خصوصیت از زمان، مکان و افرادی که در اصل تحقق هدف دخالت ندارند؛

سوم: استنباط قاعده کلی از آیه؛

چهارم: تطبیق قاعده کلی مذکور بر مصادیق جدید.^۳

ایشان یادآور می‌شوند که قاعده کلی مذکور باید به گونه‌ای باشد که مورد خود آیه را شامل شود و گرنه صحیح نخواهد بود. این مطلب، نوعی آزمایش برای صحت بطن‌گیری نیز به شمار می‌آید. هم‌چنین از نگاه ایشان ضوابط تأویل عبارتند از:

۱. الغای خصوصیت از آیه و به دست آوردن هدف باید بر اساس شیوه سبر و تقسیم منطقی باشد؛ یعنی: ابتدا باید تمام احتمالات را در نظر گرفته، آن‌گاه به نفی مستدل هر احتمال پرداخت تا این‌که تنها یک احتمال باقی بماند و ملاک حکم کشف شود.

۲. رعایت دقت کامل در شناخت مطالب فرعی و هدف اصلی آیه؛ به‌طوری‌که قاعده کلی (بطن) که از آیه استخراج می‌شود بر ظاهر قرآن قابل تطبیق باشد؛ یعنی:

۱. نک: قرآن در اسلام، ص ۲۰ - ۲۲.

۲. نک: مبحث معانی بطن در احادیث و نیز کنز العمال، متقی هندی، ج ۱، ص ۶۲۲، ح ۲۸۷۹ و

بحارالانوار، مجلسی، ج ۸۹، ص ۹۵.

۳. نک: التفسیر الاثری الجامع، ج ۱، ص ۳۲ - ۳۳.

قاعده کلی به منزله کبرای کلی باشد که صغرای آن مورد نزول و ظاهر آیه است - که مجموعاً یک استدلال منطقی را تشکیل می‌دهند - یعنی تأویل (بطن) و تنزیل باید هم‌چون عام و خاص با هم توافق داشته باشند.^۱

علامه معرفت به نقل از شاطبی به شرط دیگری نیز اشاره می‌کند و آن این‌که مسئله بطن شاهدهی از قرآن داشته باشد.^۲

سپس ایشان موارد متعددی از احادیث تفسیری اهل بیت علیهم‌السلام را نقل می‌کند که با شیوه فوق در مسئله بطن قابل توضیح است؛ از جمله ﴿الْمِيزَانُ﴾ (الرحمن، ۷ - ۹، حدید، ۲۵) که در روایات آمده است مقصود عدل و امام عادل و باطن آن امیرالمومنین علی علیه‌السلام است^۳ که مفهوم عام آن «وسیله سنجش» است که شامل محسوس و معقول می‌شود و نیز در مورد ﴿بِمَاءٍ مَعِينٍ﴾ (ملک، ۳۰) که در روایات به علم امام تأویل شده است^۴ و مفهوم کلی آن است که آب، اصل حیات مادی است؛ همان‌طور که علم، اساس حیات معنوی است.^۵

این شیوه را می‌توان در هر یک از آیات قرآن پیاده کرد؛ برای مثال:

«قرآن کریم» در داستان حضرت یوسف بیان می‌کند که برادران یوسف نزد پدر آمدند و گفتند: ﴿أَرْسِلْهُ مَعَنَا غَدًا يَرْتَع وَيَلْعَبُ﴾ (یوسف، ۱۲)؛ یعنی: از پدر تقاضا کردند که: فردا، یوسف را با ما به صحرا بفرست تا خوب بخورد و بازی کند.

ظاهر این آیه داستان یوسف و یعقوب و نقشه و حيله برادران برای به چاه انداختن یوسف است؛ اما اگر از آیه الغای خصوصیت کنیم و خصوصیات زمان یعقوب و مکان «فلسطین» و افراد را کنار بگذاریم؛ هدف آیه به دست می‌آید که: «هشدار به پدران در مورد فرزندان است که مراقب آنها باشند تا افراد حيله‌گر آنها را با نقشه‌های شیطانی و به بهانه غذا و بازی گرفتار نسازند و از پدر جدا نکنند».

۱. همان، ص ۳۳ - ۳۴.

۲. الموافقات، ج ۳، ص ۳۹۴.

۳. نک: بحارالانوار، ج ۲۴، ص ۳۰۹ و ج ۱۰، ص ۱۸۷ و عیاشی، ج ۱، ص ۱۸۹.

۴. تأویل الایات، استرآبادی، ج ۲، ص ۷۰۸.

۵. نک: التفسیر الاثری الجامع، ج ۱، ص ۴۸ - ۵۲.

سپس با ژرف‌اندیشی بیشتر در آیه و الغای خصوصیت از پدر و فرزند، معنای عمیق‌تری از آیه به دست می‌آید:

«هشدار به ملت‌ها در مورد استعدادهای درخشان که آنها را به بهانه‌های مختلف از دست شما نربایند».

این دو قاعده کلی می‌تواند در هر زمان و مکان بر مصادیق جدید تطبیق شود و مسلماً این قاعده کلی شامل مورد خود آیه می‌شود؛ چون یوسف استعداد درخشان بود که گرفتار حيله‌گران شد و درس عبرتی برای دیگران گردید.

جمع‌بندی

با توجه به معانی «بطن» در لغت، آیات، روایات و اصطلاح صاحب‌نظران، مقصود از بطن در این‌جا همان معنای اخذ قاعده کلیه از آیات است، که علامه معرفت قائل بودند و معانی طولی آیات که علامه طباطبایی قائل بودند، شیوه‌های خاص در مطالعه قرآنی است. بنابراین معانی دیگر باطن قرآن (مثل حقیقت عندالله) که قابل تحقیق محققان عادی قرآن نیست در این‌جا مدنظر نمی‌باشد.

قلمرو و محدودیت‌ها

روش مطالعه و تحقیق باطنی قرآن، نه تنها در بسیاری از آیات، بلکه براساس برخی از روایات، در همه آیه‌ها قابل اجراست.^۱ این روش مطالعه در «تفسیر اشاری» اجرا می‌شود؛ هم‌چنان که «تفسیر روایی» در برخی از روایات کاربرد دارد.

البته شیوه‌ای که علامه طباطبایی رحمته‌الله‌علیه در مطالعه باطنی قرآن پیشنهاد می‌کند در روش تفسیر قرآن به قرآن نیز کاربرد دارد.

بنابراین، روش تحقیق باطنی در برخی از روش‌های تفسیری کاربرد ندارد و برخی مراحل باطن قرآن (مثل حقیقت عندالله قرآن) برای همگان قابل دسترسی نیست.

۱. چون نقل شده: «لکل آیه ظهر و بطن» (و نیز: «ان القرآن له ظاهر و باطن» ر.ک: بحارالانوار، ج ۹۲، ص ۹۵ و کتزالعمال، ج ۱، ص ۲۴۶).

آسیب‌شناسی

در مورد باطن قرآن در طول تاریخ، افراط و تفریط‌هایی صورت گرفته و از این رو آسیب‌هایی را به بار آورده است:

۱. بطن‌گرایی افراطی برخی از فرقه‌ها مثل «باطنیه» که ائمه علیهم‌السلام با آنان برخورد کردند؛
۲. استناد مطالب باطنی بدون ضابطه به قرآن کریم.

درباره اندیشه باطنی و باطنیه گفته‌اند:^۱ باطنیه، طایفه‌ای از شیعیان بودند که منکر ظواهر شرع و قرآن بوده و مقصود حقیقی قرآن را باطن آن دانسته و هرکس که به ظاهر قرآن تمسک می‌جست، گمراه می‌دانستند. آنان ظواهر عبادات و بهشت و جهنم و... را رموز و اشاراتی حاکی از اسرار مذهب می‌دانند. حتی مفضل، یکی از یاران امام صادق علیه‌السلام در نامه‌ای به حضرت، در مورد گروه باطنیه، کسب نظر می‌کند که حضرت در پاسخ می‌نویسد:

«درباره طایفه‌ای سخن گفته بودی که من آنان را می‌شناسم...؛ به تو گفته‌اند که آنان گمان می‌کنند که شناخت دین، همان شناخت اشخاصی چند - هم‌چون امامان باطنیه - است؛ نوشته بودی که آنان می‌پندارند که مقصود از نماز، زکات، روزه، حج، عمره، مسجدالحرام و مشعرالحرام، یک شخص معین است... آگاه باش که هرکس چنین عقیده‌ای داشته باشد، در نظر من، مشرک است...؛ این‌گونه افراد، سخنانی شنیده‌اند، ولی نتوانسته‌اند آن را درک کنند.»^۲

د: روش تحقیق در مصادیق آیات (جری):

مفهوم‌شناسی

نخست: معنای لغوی جری و تطبیق^۳

واژه «جری» در اصل به معنای حرکت منظم و دقیق در طول مکان است. مثل جریان آب یا جریان کشتی در دریا یا جریان خورشید^۴ البته بسیاری از لغویین واژه «جری» را

۱. مبانی و روش‌های تفسیر قرآن، عمید زنجانی، ص ۳۱۴ - ۳۱۶.

۲. محمد بن حسن صفار، بصائر الدرجات، ص ۵۲۶؛ مقدمه تفسیر برهان، ص ۱۲.

۳. در احادیث مربوط به این قاعده واژه «جری» آمده است (ادامه همین مقاله) و واژه «تطبیق» یافت نشد؛ ولی نام مشهور این قاعده «جری و تطبیق» است و ما برای اشاره به جداسازی قاعده «جری» از محیط «بطن» (به معنای اخذ قاعده کلیه) نام ترکیبی را آوردیم.

۴. التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۲، ص ۷۷ ماده «جری».

مقید به «حرکت در مکان» نکرده‌اند، بلکه آن را «خلاف سکون» دانسته‌اند.^۱ هم‌چنین واژه «تطبیق» دراصل به معنای قراردادن چیزی بر چیز دیگر به‌طوری‌که آن را بپوشاند و مساوی یک‌دیگر باشند آمده است.

دوم: معنای اصطلاحی جری و تطبیق^۲

علامه طباطبایی رحمته‌الله بعد از یادآوری این نکته که اصطلاح «جری» از سخنان اهل‌بیت علیهم‌السلام گرفته شده و بعد از اشاره به روایات آن، در تعریف قاعده «جری» می‌نویسند:
این شیوه اهل‌بیت علیهم‌السلام است که آیه قرآن را بر مواردی که قابل انطباق با آن است تطبیق می‌کنند؛ اگرچه خارج از مورد نزول آن باشد.
ایشان تطبیق آیه: ﴿اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾ را بر امام علی علیه‌السلام چنان‌که در احادیث آمده از موارد قاعده جری می‌شمارد.^۳

برخی از نویسندگان معاصر، این قاعده را چنین تعریف کرده‌اند: «جری و تطبیق، عبارت است از انطباق الفاظ و آیات قرآن بر مصادیقی غیر از آن‌چه آیات درباره آنها نازل شده است.»^۴

گونه‌های جری و تطبیق و کاربردهای آن

جری و تطبیق واژگان و جمله‌های قرآن بر موارد و مصادیق جدید، می‌تواند به چند صورت انجام شود:

الف) جری و تطبیق با کمک قراین نقلی (آیات و روایات)

مثال: ﴿اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾^۵؛
﴿وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ﴾

۱. نک: مصباح اللغة؛ مقایس اللغة؛ لسان العرب، ماده «جری»

۲. مقایس اللغة و مصباح اللغة ماده «طبق».

۳. المیزان، ج ۱، ص ۴۱ ۴۲.

۴. روش‌های تأویل قرآن، دکتر محمدکاظم شاکر، ص ۱۴۷.

۵. حمد، آیه ۷.

وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءَ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا^۱.

مصادیق آیه نخست به وسیله آیه دوم مشخص می‌شود که مقصود از «کسانی که خدا به آنها نعمت داده» پیامبران، صدیقان، شهدا و صالحان هستند. تذکر: جری و تطبیق قرآن با کمک روایات، موارد و کاربردهای متنوعی دارد که در ادامه بیان خواهد شد.

ب) جری و تطبیق با کمک قراین غیرنقلی

گاهی با کمک قراین عقلی، عقلایی و نیز با استفاده از خصوصیات ادبی، تاریخی و شرایط زمانی و مکانی جدید می‌توانیم مصادیق آنها را استنباط نموده و مشخص سازیم. مثال: سنت‌های الهی که در قرآن آمده است هم‌چون: سنت ابتلا و امتحان^۲، سنت تغییر^۳ و... در هر زمان مصادیق جدیدی دارند. برای مثال: گروهی از مردم که گرفتار ترس، گرسنگی، مشکلات جسمی و مالی و... می‌شوند، مصداق این آیه قرار می‌گیرند:

﴿وَلْيَبْلُؤَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ﴾^۴؛ و قطعاً [همه] شما را به چیزی از ترس و گرسنگی و کاهش در ثروت‌ها و جان‌ها و محصولات، آزمایش می‌کنیم؛ و به شکیبایان مژده ده.

کاربردهای قاعده جری

۱. بیان مصادیق الفاظ عام

گاهی در آیات قرآن یک واژه عام به‌کار رفته که به وسیله احادیث، مصادیق و موارد آن روشن می‌شود.

۱. نساء، آیه ۶۹.

۲. بقره، آیه ۱۵۵ و عنکبوت، آیه ۲.

۳. رعد، آیه ۱۱ و انفال، آیه ۵۳.

۴. بقره، آیه ۱۵۵.

مثال: ﴿إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ * وَإِنَّ الْفُجَّارَ لَفِي جَحِيمٍ﴾؛ قطعاً نیکان در نعمتی فراوانند و مسلماً بدکاران در دوزخند.

در حدیثی از امام باقر علیه السلام آمده است که فرمودند: «ما نیکان (ابرار) هستیم و دشمنان ما بدکاران (فجار) هستند».^۲

در این آیه نیکان و بدکاران، جمع همراه با الف و لام است که می‌تواند شامل همه نیکان و بدکاران امت‌های پیشین و امت اسلام شود؛ ولی در حدیث فوق، مصادیق آن را اهل بیت علیهم السلام معرفی می‌کنند. روشن است که اهل بیت علیهم السلام مصداق بارز این آیه هستند، همان‌طور که دشمنان اهل بیت علیهم السلام مصادیق بارز بدکاران‌اند؛ ولی مصادیق و تفسیر آیه منحصر در این افراد نیست. البته این‌گونه تعیین مصداق در روایات تفسیری اهل بیت علیهم السلام فراوان است. همان‌طور که مصداق ﴿وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ﴾ در آیه هفتم سوره «رعد» را امام هر زمان معرفی کرده^۳ و مصداق ﴿وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ﴾ را در آیه ۱۱۹ «توبه» پیامبر صلی الله علیه و آله و علی و اهل بیت علیهم السلام ذکر کرده‌اند.^۴

۲. بیان مصادیق الفاظ مطلق^۵

این مورد خود به دو قسم قابل تقسیم است:

الف) تعیین مصادیق فردی

برخی از واژگان و جملات قرآن مطلق است و هیچ قیدی برای تعیین مورد خاصی ندارد؛ ولی به وسیله احادیث مصداق یا مورد خاص آنها مشخص می‌شود.

۱. انفطار، آیه ۱۳ - ۱۴.

۲. البرهان فی تفسیر القرآن، سید هاشم بحرانی، ج ۴، ص ۴۳۶، ح ۳.

۳. کافی، کلینی، ج ۳، ص ۱۹۱.

۴. شواهد التنزیل، حسکانی، ج ۱، ص ۲۵۹ و ۲۶۲.

۵. الفاظ عام، به وسیله علامات لفظی هم‌چون «کل، جمع همراه با ال و...» مشخص می‌شوند؛ اما الفاظ مطلق، به وسیله نبودن قید و با مقدمات حکمت شناخته می‌شوند (نک: کتاب‌های اصول الفقه، هم‌چون حلقات شهید صدر و اصول الفقه مظفر و...)

مثال: ﴿إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا يَضْحَكُونَ﴾؛^۱ در واقع کسانی که خلاف‌کاری کردند، همواره به کسانی که ایمان آوردند می‌خندیدند.

از ابن عباس حکایت شده که گفت: «امروز مقصود از مومنان علی علیه السلام و خلافکاران منافقان قریش هستند.»^۲

مثال دیگر: ﴿هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾؛^۳ آیا کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟!^۴

در حدیثی از امام باقر علیه السلام حکایت شده که فرمودند: «دانا یان (الذین یعلمون) ما اهل بیت علیهم السلام هستیم و نادانان (الذین لایعلمون) دشمنان ما هستند.»^۵

و در حدیث دیگری از امام صادق علیه السلام حکایت شده که فرمودند: «تأویل^۶ آیه چنین است: آیا کسانی که می‌دانند محمد صلی الله علیه و آله و سلم فرستاده خداست و کسانی که آن را نمی‌دانند و او را ساحر و دروغگو می‌پندارند، مساوی هستند.»^۷

در این مثال‌ها عبارت‌های آیات، مطلق است و در آیه نخست می‌تواند شامل همه مؤمنان و خلاف‌کاران شد و در آیه دوم نیز می‌تواند شامل همه دانایان و نادانان بشود؛ اما روایات فوق برخی از مصادیق آیه را مشخص کرده و به معنای انحصار تفسیر و مصداق آیه در این موارد نیست؛ از این‌رو در احادیث آیه دوم مصادیق مختلفی بیان شده بود.

البته این‌گونه موارد نیز در احادیث تفسیری اهل بیت علیهم السلام بسیار به چشم می‌خورد. همان‌طور که در احادیث، مصادیق ﴿غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ﴾ در سوره حمد «یهود» و «نصاری»^۸ و یا «نواصب» و افرادی که امام خود را نمی‌شناسند،^۹ معرفی کرده‌اند.

۱. مطفین، آیه ۲۹.

۲. شواهد التنزیل، حسانی، ج ۲، ص ۳۲۷ - ۳۲۹.

۳. زمر، آیه ۹.

۴. کافی، کلینی، ج ۸، ص ۲۰۴ و ۲۰۵.

۵. واژه «تأویل» در این موارد ممکن است به معنای لغوی آن، یعنی بازگشت به افراد یا واقعه‌ای خاص باشد.

۶. شواهد التنزیل، حسانی، ج ۲، ص ۱۱۶، ح ۸۰۵ و ۸۰۶.

۷. البرهان، محدث بحرانی، ج ۱، ص ۴۷.

ب) تعیین مصادیق از نظر حالات و افعال

هر چند که آیات محکم و احکام اساسی قرآن مثل نماز، روزه، حج، نفی شرک و قتل به ناحق، زنا و شراب‌خواری و... که تابع زمان و مکان نیست در طول اعصار تغییر نمی‌کند؛ ولی برخی موضوعات احکام و آیات، ممکن است براساس مقتضیات زمان تغییر کند؛ یعنی: برخی از آیات قرآن به صورت مطلق بیان شده و در عصر نزول مصادیق خاصی بر اساس عرف و عادت داشته است؛ ولی با گذشت زمان عرف و عادت و روش‌های پدید آمده در جامعه تغییر می‌کند، از این‌رو همان آیات براساس مقتضیات زمان، مصادیق جدیدی پیدا می‌کند و آیات در آنها جریان می‌یابد.

برخی از صاحب‌نظران آن‌قدر بر این مطلب اصرار دارند که آن را یک قاعده مستقل دانسته و تحت عنوان «القرآن یجری فی ارشاداته مع الزمان و الاحوال فی احکامه الراجعة، الی العرف و العوائد» از آن یاد کرده و آن را قاعده‌ای جلیل‌القدر با فایده‌ای بزرگ دانسته‌اند؛^۲ اما روشن است که این مطلب بخشی از قاعده «جری» است.

مثال: ﴿وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا﴾^۳؛ و به پدر و مادر نیکی کنید.

نیکی به پدر و مادر مفهومی است که خصوصیات آن در گفتار و رفتار مشخص نشده است و در هر عصری حالات و افعال جدیدی مصداق آن می‌شود. در صدر اسلام، تأمین غذا و لباس آن عصر و گفتار نیکو از مصادیق آن بود؛ ولی در عصر ما می‌تواند مصادیق جدیدی از غذا و مسکن و نیز دل‌جویی از طریق روابط الکترونیکی (مثل تماس تلفنی، ایمیل، فاکس...) مشمول نیکی باشد و همین‌گونه است مفاهیمی چون «معروف»^۴ که در امر به معروف و در مورد رفتار با دیگران و موارد اجرایی احکام دستور داده شده است و نیز «صله رحم»^۵ و... که در هر عصری افعال و گفتار و حالات و موارد جدیدی مصداق آن می‌شود؛ هم‌چنین در مورد «اسراف»^۶ و

۱. نورالتقلین، عروسی حویزی، ج ۱، ص ۲۴ و ۲۵.

۲. القواعد الحسان لتفسیر القرآن، عبدالرحمن بن ناصر السعدی (م ۱۳۷۶ ق)، ص ۷۹.

۳. بقره، آیه ۸۳؛ نساء، آیه ۳۹؛ انعام، آیه ۱۵۱ و مشابه آن در احقاف، ۱۵.

۴. نک: نساء، آیه ۱۹؛ بقره، آیه ۱۷۸ - ۱۸۰ - ۲۲۸ - ۲۲۹ - ۲۳۱ - ۲۳۲ - ۲۳۳ - ۲۳۴ و آل عمران، ۱۰۴، ۱۱۰، ۱۱۴ و...

۵. نک: بقره، آیه ۲۷؛ رعد، آیه ۲۵ و...

۶. اعراف، آیه ۳۱.

«لباس»^۱ و «قوه و نیروی جنگی»^۲ و «عدل و قسط»^۳ و «تجارت»^۴ که مصادیق عرفی، شرعی و عقلی آنها در هر زمان مقصود و مصداق آیه می‌شود.

جمع‌بندی: بنابر آنچه گذشت، آیات قرآن از دوگونه مصداق برخوردار است: نخست: مصادیق اولیه آیات در صدر اسلام و مخاطبان آیات که گاه در شأن نزول‌ها مشخص شده‌اند.

دوم: مصادیق ثانوی آیات که در زمان‌های بعدی مصداق آیه قرار می‌گیرند و در روایات، گاه این‌گونه مصادیق بیان شده و تحت عنوان جری از آنها یاد شده است.

مثال: عن ابی عبدالله علیه السلام فی قول الله: ﴿الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِينِهِمْ بِغَيْرِ حَقِّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ﴾ (حج، ۴۰)، قال: نزل فی علی و جعفر و حمزه و جرت فی الحسین بن علی علیه السلام و التّحیة والاکرام^۵.

در این حدیث، حضرت نزول، آیه را در مورد سه صحابی پیامبر علیهم السلام می‌داند که بر اثر ظلم مشرکان از مکه هجرت کردند و براساس قاعده جری، مصداق جدید آیه را امام حسین علیه السلام بر اثر ظلم بنی امیه می‌داند که از مدینه هجرت کرد.

یکی از کارهای اساسی مفسران قرآن در طول تاریخ آن بوده و هست که مصادیق جدید آیات را روشن کنند. و همین مطلب یکی از رموز جاودانگی قرآن برای همه اعصار و نسل‌هاست. تعیین مصادیق جدید آیات، جزئی از معنای مطابقی الفاظ آیات است و اگر با رعایت ضوابط تفسیری انجام شود معتبر خواهد بود و اعتبار آن براساس حجیت ظواهر قرآن است که به مقتضای بنای عقلاست.

قلمرو و محدودیت‌ها

روش مطالعه در مصادیق آیات قرآن، در اکثر روش‌های تفسیری، هم‌چون: روش تفسیری قرآن به قرآن، روش تفسیر روایی، روش تفسیر عقلی و علمی کاربرد

۱. اعراف، آیه ۲۶.

۲. انفال، آیه ۶۰.

۳. مائده، آیه ۸.

۴. نساء، آیه ۲۹.

۵. تفسیر فرات کوفی، ص ۹۹ و بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۲۱۹.

دارد.^۱ در این روش تحقیق از روش‌های درون‌متنی (مثل آیات دیگر قرآن) و برون‌متنی (مثل تحلیل عقلی و تاریخی) استفاده می‌شود.

آسیب‌شناسی:

۱. تطبیق آیه بر مصادیق جدید کاری خطیر است و ممکن است به تطبیق آیه بر اساس ذوق و سلیقه منجر شود. راه حل این مشکل آن است که محقق، تفسیر ظاهری آیه را به صورت کامل بررسی نموده و سپس با شناخت هدف آیه و معنای ظاهری و ویژگی‌های آن و نیز، شناخت کامل مصادیق جدید و خصوصیات آنها، به مقایسه و تطبیق بپردازد. در این شیوه می‌توان تا حدودی از روش تحقیق تطبیقی استفاده کرد.

۲. تطبیق نابجای آیه بر مصادیق غلط بر اساس عقاید انحرافی که یکی از مصادیق تفسیر به رأی شمرده شده است.^۲ شهید مطهری رحمته‌الله و دیگران نمونه‌هایی از این‌گونه تطبیق‌های غلط را مورد نقد قرار داده‌اند.

مثال: استاد شهید مطهری رحمته‌الله در کتاب «علل گرایش به مادیگری»، نمونه‌هایی از تفسیر به رأی را نقل می‌کند: در تفسیر آیه کریمه: «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ»^۳، درباره «ایمان به غیب»، این چنین می‌نگارد:

مفسران، غیب را آن‌چه که دیدنی نیست، اعم از خداوند، فرشتگان و... از این قبیل دانسته‌اند؛ حال آن‌که اولاً: خداوند، فرشتگان و... غیب نیستند؛ ثانیاً: با طرح عنوان متقین، مسئله ایمان به خدا مطرح شده و گذشته است. منظور از غیب معهود و شناخته شده، همان مراحل ابتدایی رشد انقلاب توحیدی و زمان انجام تحولات کمی است.^۴

و نیز نقل می‌کند که: شما جمله «...يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ...» را این‌طور تفسیر کرده‌اید: «آنان

۱. ممکن است گفته شود این روش به نوعی در تفسیر اشاری، یعنی تفسیر باطنی (به معنای خاصی از باطن که علامه معرفت قائل است؛ یعنی: اخذ قاعده کلی از آیه و تطبیق بر مصادیق جدید) نیز کاربرد دارد؛ ولی این مطلب با قاعده جری متفاوت است؛ چرا که تطبیق ظاهر آیه بر مصادیق نیست؛ بلکه تطبیق قاعده کلی مأخوذ از آیه است.

۲. منطق تفسیر قرآن (۲)، نگارنده، ص ۳۱۱.

۳. بقره، آیه ۳.

۴. مجموعه آثار شهید مطهری رحمته‌الله، ج ۱، ص ۴۶۵.

برای تحقق ایمان خود، آن پیوستگی را که در زبان مذاهب، نماز خوانده می‌شود بر پای می‌دارند.^۱ آن‌گاه می‌افزاید:

شما هر جا که نام دنیا آمده، آن را با کلمه «زندگی پست‌تر» ترجمه کرده‌اید که اصل ترجمه درست است، ولی مقصود از زندگی پست‌تر را، منحصرأً زندگی در نظام به اصطلاح سرمایه‌داری قرار داده‌اید و آخرت را که به نظام برتر ترجمه کرده‌اید، به معنای نظام عادلانه سوسیالیستی که بعد از این نظام برقرار خواهد شد، دانسته‌اید.^۲

سپس استاد شهید مطهری رحمته‌الله بر این روش تفسیر، خرده گرفته و آن را ماتریالیسم اغفال شده یا ماتریالیسم منافق می‌خواند.

پنجمین تقسیم روش تحقیق در مطالعات قرآنی (فقهی و غیرفقهی)

روش‌های مطالعه و تحقیق در تفسیر و علوم قرآن، براساس شیوه حل مسئله به دوگونه اساسی فقهی و غیرفقهی تقسیم می‌شود، شیوه فقهی، با سابقه هزار ساله روش خاص فقهاست که برای حل مسائل فقهی و استنباط و اجتهاد با استفاده از منابع قرآن، سنت، عقل و اجماع انجام می‌شود. منطقی انجام پژوهش در این روش، در دانش اصول فقه بیان می‌شود. البته در روش تحقیق فقهی از روش تحقیق نقلی، یعنی تحلیل احادیث با شیوه خاص علم رجال و فقه الحدیث نیز استفاده می‌شود و به نقد و بررسی سندی و محتوایی احادیث می‌پردازند. همان‌طور که از بناهای عقلایی و عرفی نیز بهره می‌برند.

بنابراین روش تحقیق و مطالعه فقهی، شیوه‌ای تلفیقی است که روش خاصی از آن متولد شده که در دانش اصول توضیح داده می‌شود و دانش فقه براساس آن بناگذارد شده است. در مقابل این روش روش‌های تحقیق غیرفقهی قرار دارد که طیف وسیعی از روش‌های تحقیق تجربی، شهودی، تاریخی صرف و عقل صرف را شامل می‌شود، که هر کدام منابع و ابزارهای خاص خود را داراست.

۱. همان، ص ۴۶۶.

۲. همان.

الف) روش‌های تحقیق و مطالعه غیر فقهی در تفسیر و علوم قرآن

این روش‌ها گاهی دارای تفاوت ماهوی با روش تحقیق فقهی است؛ مثل روش تحقیق تجربی و شهودی و گاه تک منبعی است، مثل روش تحلیل عقلی؛ درحالی‌که روش فقهی، تلفیقی از چهار منبع و ابزار مطالعه (قرآن، سنت، عقل و اجماع) است. روش‌های غیر فقهی در مباحث قبل توضیح داده شد.

ب) روش تحقیق فقهی در مطالعات قرآنی

روش مطالعه و تحقیق فقهی از سابقه‌ای هزار ساله در بین شیعه و اهل سنت برخوردار است. البته با تفاوت‌هایی که در روش و منابع استنباط مذاهب اسلامی وجود دارد.^۱

روش فوق، مبتنی بر دانش اصول فقه است؛ یعنی: منابع و مختصات این روش در دانش اصول فقه مورد بررسی قرار می‌گیرد که آن هم سابقه‌ای هزار ساله دارد. در اصول فقه است که حجیت و اعتبار روش اجتهاد فقهی و اعتبار منابع آن اثبات می‌شود. همواره روش استنباط فقهی مبتنی بر اجتهاد و استنباط از منابع است.

منابع اصلی اجتهاد فقهی عبارتند از:

۱. کتاب؛ یعنی: قرآن که نصوص و ظواهر آن حجّت و منبع استنباط فقهی است.
 ۲. سنت؛ یعنی: اقوال، کردار و تقریر معصومان علیهم‌السلام که حجّت و منبع استنباط فقهی است. البته در روش فقهی بررسی احادیث، تکیه اصلی بر بررسی سندی احادیث بوده و سپس به بررسی محتوایی می‌پردازند.

۳. عقل؛ یعنی: برهان‌های عقلی، ملازمات عقلی و بناهای عقلایی که منبع استنباط فقهی است.

۴. اجماع؛ یعنی: اتفاق علما بر مطلب فقهی که منبع استنباط فقهی می‌شود. البته در مورد قلمرو دلایل عقل و حجیت و قلمرو اجماع در فقه اختلاف‌نظرهایی وجود دارد.^۲ ولی اصل حجیت قرآن، سنت و عقل مورد وفاق است و روش فقهی نیز بر اساس اعتبار همین منابع معتبر است.

۱. رک: تاریخ و ادوار اجتهاد، جناتی.

۲. رک: کفایة الاصول، آخوند خراسانی.

محققان فقه‌پژوه به وسیله منابع چهارگانه فوق، مسئله فقهی را حل می‌کنند و اگر دو دلیل متعارض مساوی وجود داشته باشد، در این صورت تخییر جاری می‌شود و اگر دلیلی موجود نباشد و یا تساقط ادله متعارض شود به اصول عملیه مراجعه می‌شود که در این صورت اگر موضوع یا حکم، حالت سابقه دارد استصحاب می‌کنند و در موارد مشکوک احتیاط جاری می‌شود و اگر هیچ دلیلی نباشد برائت جاری می‌شود.^۱

قلمرو و محدودیت‌ها

روش مطالعه و تحقیق فقهی در آیات الاحکام قرآن به کار می‌رود و اصولاً فهم و تفسیر این آیات، بدون استفاده از روش فقهی، معتبر نخواهد بود. چنان‌که گفته شده است شمارگان آیات الاحکام قرآن را پانصد آیه و بیشتر دانسته‌اند.^۲

کاربرد روش فقهی، گرایش فقهی را در تفسیر قرآن شکل داد و تفاسیری هم‌چون: **فقه‌القرآن** اثر راوندی، **زبدۃ البیان**، اثر مقدس اردبیلی، **تفسیر قرطبی** و... از نتایج آن است. این جریان در عصر ما به شاخه علمی تحت عنوان **فقه‌القرآن** منتهی شده است؛^۳ اما روش تحقیق فقهی در اکثر آیات قرآن که مسائل فقهی در آنها صریحاً مطرح نشده است کاربرد چندانی ندارد.

روش مطالعه فقهی گاه در مباحث علوم قرآن، هم‌چون: نسخ آیات فقهی و آیات محکم و متشابه فقهی نیز کاربرد دارد.

اختلاف نظرها در کاربرد روش فقهی در تفسیر و علوم قرآن

۱. مسئله **جمع قرآن**: آیه‌الله خوئی در مبحث تاریخ قرآن از شیوه فقهی برای حل مسئله «جمع قرآن» بهره جست؛ اما این شیوه مورد اعتراض علامه معرفت قرار گرفت؛ زیرا ایشان معتقد است که مسئله جمع قرآن یکی از مسائل تاریخی است که

۱. ر.ک: **کفایة الاصول**، آخوند خراسانی، رسائل، شیخ انصاری، **اصول‌الفقه**، محمد رضا مظفر، **حلقات**، شهید صدر و... .

۲. **فقه‌القرآن (آیات الاحکام تطبیقی)**، محمد فاکر میبیدی، ص ۳۷.

۳. اخیراً در سطح دکتری، رشته **فقه‌القرآن** در مرکز جهانی علوم اسلام تصویب و شکل گرفته است.

باید با روش حل مسئله تاریخی بدان پرداخت و جالب آن است که این دو محقق بر اساس دو شیوه فقهی و تاریخی، مسئله جمع قرآن را بررسی کرده‌اند و به دو نتیجه متفاوت رسیده‌اند.^۱

آیه‌الله خوئی با روش فقهی به این نتیجه رسیده که جمع قرآن در زمان پیامبر ﷺ صورت گرفته است.^۲ و آیه‌الله معرفت با روش تاریخی به این نتیجه رسیده که جمع قرآن در عصر عثمان انجام شده است.^۳

۲. مسئله بررسی احادیث تفسیری: در روش فقهی متعارف در هنگام بررسی احادیث، نخست از جهت سند، دوم از جهت صدور و سوم از محتوا بحث می‌شود؛ یعنی: اول در بحث سندی مطرح می‌شود که آیا راویان حدیث عادل یا موثق هستند و حدیث معتبر است یا نه؛ سپس بررسی می‌شود که آیا حدیث به صورت تقیه‌ای صادر شده یا نه و در پایان، محتوای حدیث بررسی می‌شود که آیا موافق یا مخالف قرآن، سنت قطعی، دلایل قطعی عقلی و علمی هست یا نه.

از سویی، برخی از قرآن‌پژوهان معاصر معتقدند که در بررسی احادیث تفسیری، اصل، بررسی محتوایی است و بررسی سندی ره به جایی نمی‌برد؛ چون اکثر روایات تفسیری فاقد سند معتبر هستند و از طرف دیگر، بسیاری از این احادیث مربوط به عقاید و معارف علمی قرآن است که معیار اصلی در آنها عقل و علم است، نه نقل. آری حداکثر می‌توان گفت که روش مطالعه و تحقیق فقهی در بررسی احادیث آیات الاحکام کاربرد بیشتری دارد.^۴

تذکر: بررسی کامل این مطلب را در روش تحقیق حدیثی - در همین نوشتار - پی خواهیم گرفت.

۱. البته ما با بررسی روایات جمع قرآن به این نتیجه رسیدیم که واژه جمع قرآن در چند معنا استعمال شده و مشترک لفظی است یعنی قرآن به چند معنا در چند مرحله جمع شده است و دیدگاه‌های آیه‌الله خوئی و علامه معرفت با هم‌دیگر قابل جمع است. (ر.ک: مجله صحیفه مبین، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۴ ش، مقاله معانی جمع قرآن، از نگارنده).

۲. ر.ک: البیان فی تفسیر القرآن، ص ۲۳۸ - ۲۵۷.

۳. ر.ک: التمهید فی علوم قرآن، ج ۱، ص ۲۷۲ به بعد.

۴. ر.ک: التفسیر الاثری الجامع، محمد هادی معرفت، ج ۱، ص ۲۱۸ و ۲۲۸ و ۲۲۹ و ...

۳. مسئله اجماع: در مورد حجیت و قلمرو «اجماع» در فقه، اختلاف نظر وجود دارد؛ ولی فی‌الجمله در روش تحقیق فقهی، اجماع یکی از منابع استنباط شمرده می‌شود؛ اما در مورد کاربرد اجماع در تفسیر، مشکل جدی‌تر می‌شود و حجیت اجماع در تفسیر قابل قبول نیست.

واژه «اجماع» در اصطلاح، به معنای اتفاق همه علمای دین در عصر است و دانشمندان علم اصول فقه شیعه و اهل سنت^۱ برای آن تعریف‌های را ارائه نموده‌اند: از جمله شیخ انصاری: در این باره می‌گوید: «الاجماع في مصطلح الخاصة بل العامة... هو: اتفاق جميع العلماء في عصر». و علامه حلی می‌نویسد: «الاجماع هو اتفاق اهل الحل و العقد من امة محمد ﷺ»^۲.

دیدگاه‌ها

«اجماع» همواره به عنوان یکی از منابع فقه مورد توجه بوده است؛ از این رو بحث از آن در دانش اصول فقه به صورت مفصل مورد بررسی قرار می‌گیرد. موضوع اجماع در تفسیر نیز از دیرباز مورد توجه مفسران قرآن بوده است؛ به طوری که شیخ طوسی رحمته الله علیه (۴۶۰ ق.) در مقدمه تفسیر تبیان می‌نویسد: «لا ينبغي لاحد ان ينظر في تفسير آية لا ينبي ظاهرها عن المراد تفصيلاً، إلا ان يكون التأويل مجعماً عليه، فيجب اتباعه لمكان الاجماع»^۳ و نیز آیه‌الله معرفت در تفسیر و مفسران، اجماع امت در مورد متشابهات را معتبر می‌داند.^۴ هم‌چنین دکتر شاکر، اجماع محصل را از مدارک تفسیر به شمار می‌آورد.^۵ نویسندگان کتاب روش‌شناسی تفسیر قرآن هم، اجماع را یکی از قراین ناپیوسته در تفسیر آیات به شمار آورده‌اند.^۶

۱. نک: المستصفي، غزالي، ج ۱، ص ۱۷۳، الاحكام، آمدی، ج ۱، ص ۲۵۴ و ...

۲. تهذيب الوصول، علامه حلی، ص ۶۵.

۳. تبیان، شیخ طوسی، ج ۱، ص ۶.

۴. تفسیر و مفسران، محمد هادی معرفت، ترجمه خیاط، ج ۱، ص ۶۲.

۵. مبانی و روش‌های تفسیری، کاظم شاکر، ص ۹۵.

۶. روش‌شناسی تفسیر قرآن، بابایی و دیگران، ص ۲۱۴.

حجیت اجماع در تفسیر

در مورد اجماع دو مبحث وجود دارد:

الف) امکان وجود اجماع (مقام ثبوت)

در این مورد بین دانشمندان اصول فقه و نیز فقها، اختلاف نظر وجود دارد.^۱ اجماع را به دو قسم تقسیم نموده‌اند:

نخست: «اجماع منقول»؛ یعنی: اجماع را کسی از دیگری نقل کند، که در این صورت حجت نخواهد بود. همان‌طور که شیخ انصاری (۱۲۱۴ - ۱۲۸۱ ق.) به این نکته تصریح کرده است.^۲

دوم: «اجماع محصل»؛ یعنی: شخصی خود به گردآوری اقوال علمای اسلام در مورد یک مسئله پرداخته و در نهایت به این نتیجه برسد که همه بر یک نکته اتفاق نظر دارند.

این نوع اجماع در عصر ما با توجه با گستردگی حوزه فعالیت علمای دین، عملاً غیر ممکن است.^۳

ب) حجیت اجماع (مقام اثبات)

بر فرض وجود اجماع معتبر، صرف وجود اتفاق مردم یا علمای اسلام بر موضوعی حجت نخواهد داشت؛ چون دلیلی بر حجیت آن نداریم و صرف دیدگاه افراد نمی‌تواند نشان‌دهنده نظر دین باشد، بلکه از منظر شیعه، هنگامی اجماع حجت است که کاشف از قول معصوم علیه السلام باشد. تنها در این صورت می‌تواند نشان‌دهنده دیدگاه دین باشد.

و هنگامی که اجماع، کاشف از قول معصوم بود، در این صورت نوعی «خبر واحد» تلقی خواهد شد. از این رو همان‌گونه که برخی از معاصرین تصریح کرده‌اند: «اجماع

۱. نک: کفایة الاصول، آخوند خراسانی، ج ۳، ص ۲۷۱ به بعد (با شرح شیرازی، الوصول الی کفایة

الاصول) و نیز فرائد الاصول، شیخ مرتضی انصاری، ج ۱، ص ۱۷۹ به بعد.

۲. فرائد الاصول، ج ۱، ص ۱۷۹ - ۱۸۰ و ۲۱۲.

۳. نک: همان، ص ۲۰۲ و ۲۱۲.

خود قرینه‌ای در عرض روایات نیست، بلکه کاشف از روایات است.^۱ و شاید مقصود شیخ طوسی رحمته‌الله از حجیت اجماع همین مطلب باشد.

تذکرات

۱. اگر اجماع از باب «خبر واحد»، حجت باشد، دلیل اعتبار آن نیز همان دلایل اعتبار خبر واحد بوده و نیاز به دلیل جدیدی ندارد؛ ولی تمام مباحثی که در مورد حجیت خبر واحد و محدوده آن مطرح شد در این جا نیز مطرح می‌شود.

۲. اگر اجماع در تفسیر، حجت باشد، با توجه به این که اجماع دلیل لئی است، همان‌طور که دلیل اعتبار آن (بر فرض آن که از باب خبر واحد باشد دلیل اعتبار آن بنای عقلا است) نیز لئی است و قدر متیقن دارد. هنگامی که شک کنیم آیا اجماع در همه آیات حجت است یا فقط در مورد آیات الاحکام حجت است، قدر متیقن آن را اخذ می‌کنیم که همان آیات الاحکام خواهد بود. و جالب این که در بررسی موارد استناد به اجماع در تفسیر معلوم شد مباحثی که در آن به اجماع استناد شده غالباً مربوط به آیات الاحکام است.

نتیجه

تحصیل اجماع در عصر ما بعید است و اگر اجماع محصلی حاصل شود، ممکن است از منابع و قراین تفسیر باشد؛ ولی منبعی مستقل نخواهد بود؛ چون آن که حجت است اجماع کاشف از قول معصوم است، که نوعی خبر واحد به شمار می‌آید. البته بر فرض فوق، اجماع، حداکثر در مورد آیات الاحکام معتبر خواهد بود.

مثال موارد استفاده از اجماع در تفسیر:

۱. آیه متعه: ﴿فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً﴾ (نساء، ۲۴) مرحوم طبرسی رحمته‌الله و مرحوم شبّر در تفسیر آیه فوق به اجماع اشاره و استناد کرده‌اند.^۲ چنان که جواز بهره بردن از زن (استمتاع) بدون عقد خلاف اجماع است و جواز بهره بردن از زن با عقد موقت، مطابق اجماع و ضروری دین است.

۱. همان.

۲. نک: مجمع البیان، ج ۳، ص ۶۱، تفسیر شبّر، ص ۱۱۲.

ششمین تقسیم روش تحقیق در مطالعات قرآنی (روش حدیثی)

مقدمه

در تفسیر و علوم قرآن به صورت گسترده از روایات پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام استفاده می‌شود، چرا که اینان براساس آیه ۴۴ سوره «نحل» و «حدیث ثقلین» مفسر قرآن هستند. این روایات، گاه احادیث فقهی درباره آیات الاحکام، گاه احادیث تفسیری آیات غیر فقهی و گاه احادیث اسباب نزول و گاه نیز، روایات تاریخی هستند و از آن‌جا که برخی از این روایات ضعیف، مجعول و یا از اسرائیلیات است، لازم است به بررسی سند و محتوا و گاه جهت صدور روایات پرداخت.

از این‌رو در تفسیر و علوم قرآن نیازمند استفاده از روش‌های تحقیق حدیثی مثل رجال، درایة، فقه الحدیث هستیم.

البته بررسی حدیثی، گاه با تحلیل‌های تاریخی و روش تحقیق فقهی و عقلی همراه می‌شود.

کاربرد، قلمرو و پیشینه: روش تحقیق حدیثی در روش تفسیر روایی قرآن کاربرد گسترده‌ای دارد. همان‌طور که در گرایش فقهی تفاسیر و روش تحقیق فقهی و گاه در روش تفسیر اشاری (باطنی) کاربرد دارد. البته روش تحقیق و بررسی حدیثی در روش‌های تفسیری قرآن به قرآن (درون‌متنی) و روش تفسیر عقلی و علمی به‌کار نمی‌رود.

بررسی حدیثی، بر علوم حدیث (مثل رجال، فقه الحدیث، درایة الحدیث) استوار است که سابقه‌ای طولانی در بین مسلمانان دارند و کتاب‌های زیادی در این مورد نوشته شده است.^۱ علم حدیث، یکی از دقیق‌ترین علوم نقلی مسلمانان به‌شمار می‌رود. بررسی حدیثی، معمولاً بر نقل تاریخی (در بررسی سند احادیث) و تحلیل عقلی (در بررسی محتوای احادیث) استوار است. روش تحقیق و بررسی حدیثی نیز به سه شیوه اساسی تقسیم می‌شود:

۱. در علم رجال ر.ک: رجال نجاشی؛ رجال کشی؛ رجال مقانی؛ معجم رجال، ابوالقاسم خوئی، ... و در فقه الحدیث ر.ک: روش فهم حدیث، عبدالهادی مسعودی؛ کیف نتعامل مع السنة النبویة، یوسف قرضاوی و اسباب رد الحدیث، محمد محمود به‌کار.

الف) شیوه تحقیق سندی

در این روش، روایت از نظر سند بررسی می‌شود: آیا روایت سند دارد یا مرسل است و آیا روایات سند موثق هستند یا نه و در مجموع، اعتبار سلسله سند تا معصوم مورد بررسی قرار می‌گیرد.

احادیث تفسیری زیادی که در تفاسیر روایی شیعه مثل: تفسیر عیاشی، البرهان، نور الثقلین نقل شد. و نیز در تفاسیر روایی اهل سنت مثل تفسیر جامع البیان اثر طبری آمده، نیازمند بررسی سندی است. برخی مفسران نیز گاه به بررسی سندی این گونه از احادیث پرداخته‌اند.

در مورد کاربرد شیوه بررسی سندی در روایات تفسیری و تقدم آن بر بررسی محتوایی، اختلاف نظرهایی بین صاحب‌نظران وجود دارد؛ از جمله مرحوم علامه معرفت - چنان‌که در مباحث آینده بدان خواهیم پرداخت - بررسی سندی را در این جا کارآمد نمی‌داند، بر خلاف فقه که این شیوه در آن جا کارآمد است.

ب) شیوه تحقیق محتوایی

در این شیوه، روایت از نظر محتوا مورد بررسی قرار می‌گیرد تا اولاً: محتوای روایت، مخالفتی با قرآن، سنت قطعی، عقل و علم قطعی نداشته باشد. اگر روایت از این جهت مشکل داشت، کنار گذاشته می‌شود؛ وگرنه محتوای آن مورد قبول است.

البته چنان‌که خواهد آمد علامه معرفت بر این معیار بسیار پافشاری نموده و به تفصیل بدان پرداخته است. علامه طباطبایی نیز در تفسیر المیزان در موارد متعددی از این روش برای نقد و بررسی احادیث تفسیری بهره جست.

مثال: ذیل آیه: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾^۱ روایتی در من لایحضره الفقیه، اثر شیخ صدوق از امام صادق علیه السلام نقل شده که «انما فرض الله شهر رمضان على الانبياء دون الامم»؛ سپس علامه طباطبایی به این روایت اشکال می‌کند که سند روایت به خاطر اسماعیل بن محمد ضعیف است و مشابه

۱. بقره، آیه ۱۸۳.

آن نیز به صورت «مرسل» نقل شده است. وی در ادامه یادآوری می‌شود که ظاهر آیه نیز با این روایت سازگار نیست.^۱

و ثانیاً: محتوای روایت موافق ظاهر آیه قرآن هست یا نه؛ که اگر موافق ظاهر آیه باشد - و گر چه سند آن مخدوش باشد - قابل قبول است؛ چون روایت در این صورت محفوف به قرینه می‌شود. علامه طباطبایی از این روش برای تقویت روایات ضعیف تفسیری استفاده کرده است.

مثال: علامه طباطبایی ذیل سوره «حمد»، در مورد روایات مربوط به آیه: ﴿الرَّحْمَانِ الرَّحِيمِ﴾ به همین گونه عمل کرده است وی اشاره می‌کند که «الرحمن» صیغه مبالغه است و شامل رحمت الهی بر مؤمن و کافر می‌شود؛ سپس اشاره می‌کند که «الرحیم» صفت مشبه است و بر استمرار دلالت دارد. موافق همین تحلیل لغوی است؛ یعنی: از سویی روایت به عنوان مؤید مطرح می‌شود^۲ و از سوی دیگر محفوف به قرینه شده و ضعف سند آن جبران می‌شود؛ چون با ظاهر قرآن موافق می‌گردد.

ج) شیوه تحقیق صدور

در این روش، روایت از نظر جهت صدور مورد بررسی قرار می‌گیرد تا روشن شود که آیا معصوم این روایت را در شرایط تقیه گفته یا در شرایط آزاد؛ به عبارت دیگر روایت نظر واقعی معصوم است یا نه؟

البته بحث تقیه بیشتر در مباحث فقهی مطرح می‌شود.^۳ و گاهی در روایات تفسیری فقهی گفته شده است که براساس تقیه مطالبی در روایات آمده است از جمله در مورد آیه: ﴿وَمَا عَلَّمْتُمْ مِنَ الْجَوَارِحِ مُكَلِّبِينَ﴾^۴ در روایتی آمده است که «سألت ابا الحسن الرضا عليه السلام عن الكلب والنهار يرسلان فيقتل: قال: فقال: هما مما قال الله "مكلبين" فلا بأس باكله»^۵ و شیخ طوسی این روایت را که شکار ببر را حلال شمرده، حمل بر تقیه کرده است؛ چون که

۱. المیزان، ج ۲، ص ۲۶.

۲. رک: المیزان، ج ۱، ذیل سوره حمد، ص ۱۸ و ص ۲۳.

۳. رک: نقش تقیه در استنباط، نعمت الله صفری و نیز کتب فقهی مثل الجواهر، نجفی و ...

۴. مائده، آیه ۴.

۵. وسائل الشیعه، حرّ عاملی، ج ۱۶، ص ۲۶۰، ح ۴.

سلاطین وقت از ببرها در صید استفاده می‌کرده‌اند.^۱ البته برخی محققان در این مورد تشکیک کرده و حمل بر تقیه را صحیح ندانسته‌اند؛ چرا که در لغت «مکلب» به تربیت‌کنندگان درندگان نیز اطلاق شده است؛^۲ پس استدلال به آیه صحیح است.^۳

اختلاف نظر در کاربرد روش تحقیق حدیثی در روایات تفسیری

در مورد اعتبار روایات تفسیری، سه بحث عمده وجود دارد:

نخست: شیوه اعتبار بخشی به روایات تفسیری و بررسی حجیت منبع روایات تفسیری؛

دوم: شیوه اعتبار سنجی اقسام روایات، برای کاربرد در تفسیر قرآن؛ سوم: شیوه نقد سندی و محتوایی روایات تفسیری که هر سه بحث، اهمیت و نقش زیادی در تفسیر روایی دارد و در طول تاریخ تفسیر مورد بحث و بررسی مفسران و ارباب علوم قرآن بوده و هست.^۴ و علامه معرفت نیز در کتاب التفسیر والمفسرون فی ثوبه الثشیب و در مقدمه «التفسیر الاثری الجامع» به این مباحث پرداخته که در این جا گزارش مورد دوم بیان می‌شود:

الف) شیوه اعتبار بخشی به روایات تفسیری و بررسی حجیت منابع روایات تفسیری

در مورد اعتبار و حجیت روایات تفسیری پیامبر ﷺ بین مذاهب اسلامی اتفاق نظر وجود دارد؛ اما در مورد بقیه روایات، بین مذاهب اسلامی اختلاف نظر است؛ چرا که دیدگاه‌ها در مورد اعتبار و حجیت منابع این روایات (سنت اهل بیت علیهم‌السلام، اقوال صحابه و تابعین) متفاوت است. در حقیقت این موضوع یکی از مبانی مهم هر تفسیر به شمار می‌آید.

۱. همان.

۲. لسان العرب، ان منظور، ج ۱۲، ص ۱۳۴.

۳. نقش تقیه در استنباط، نعمت الله صفری، ص ۴۶۴.

۴. نک: مقدمه تفسیر التبیان شیخ طوسی؛ مقدمه تفسیر مجمع البیان طبرسی و مقدمه تفسیر صافی فیض کاشانی؛ البرهان زرکشی؛ الاتقان سیوطی؛ التفسیر و المفسرون، دکتر ذهبی و کتاب‌های اصول الفقه فریقین در مورد اصل اعتبار روایات و حجیت آنها و نیز کتاب منطق تفسیر قرآن (۲) روش‌ها و گرایش‌های تفسیر قرآن، از نگارنده.

مرحوم آیه‌الله معرفت در مورد اعتبار روایات تفسیری و منابع آنها در مقدمه کتاب «التفسیر الاثری الجامع» مطالب مبسوطی بیان کرده که روش ایشان را در این مبحث مهم تفسیری روشن می‌سازد. وی در حقیقت اساس تفسیر خود را بر این مطلب بنیان گذارده است:

۱. حجیت روایات تفسیری پیامبر ﷺ: علامه معرفت رحمته الله پیامبر ﷺ را مفسر خبیر قرآن معرفی می‌کند که به دستور الهی مشکلات قرآن را توضیح می‌دهد تا حجت بالغه الهی باشد. او می‌گوید:

«لا شك ان المأثور عن النبي ﷺ تفسيراً و تبييناً و تفصيلاً لمجملات القرآن، حجة بيّنة»^۱
و در جای دیگر دلیل این حجیت را آیه ۴۴ سوره «نحل» ﴿وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ﴾^۲ می‌شمارد.

۲. اعتبار روایات تفسیری اهل بیت علیهم السلام: علامه معرفت معتقد است که روایات تفسیری اهل بیت علیهم السلام مثل روایات پیامبر ﷺ حجت هستند. ایشان در کتاب مورد بحث، این نکته را به صورت اجمالی و پراکنده پرداخته است. و گاه اهل بیت علیهم السلام را «عترت طاهره» خوانده و گاه علی علیه السلام را اعلم صحابه و «امام امیرالمؤمنین» خطاب نموده و گاه^۳ اهل بیت علیهم السلام را مقدم بر صحابه و تابعین شمرده و آنها را بعد از پیامبر ﷺ مراجع فهم معانی قرآن، معرفی کرده است: «وفي مقدمهم العترة الطاهرة، الذين كانوا هم المراجع لفهم معاني القرآن بعد جدّهم الرسول»^۴

اما ایشان در کتاب‌های دیگر به حجیت سنت اهل بیت معصوم تصریح نموده‌اند: «و من ثم فان الذي يصدر من ائمتنا المعصومين علیهم السلام نسنده اليهم و ان كنا علي علم و يقين انه تعلم من ذي علم عليهم، ذلك انه حجة لدينا؛ لانه صادر من منبع معصوم»^۵
البته شیوه عملی علامه معرفت در نوشته‌ها و تفسیر مورد بحث، همین است که

۱. التفسیر الاثری الجامع، ج ۱، ص ۹۸.

۲. همان، ص ۱۲۱.

۳. نک: همان، ص ۹۸ به بعد.

۴. التفسیر والمفسرون فی ثوبه القشيب، ج ۱، ص ۳۰۷.

۵. همان.

روایات تفسیری پیامبر ﷺ و اهل بیت ﷺ را حجت شمرده و براساس آنها فتوی می‌داده است.

۳. اعتبار روایات اصحاب: علامه معرفت رحمته الله برای اقوال صحابه ارزش خاصی قائل بود، چون آنها نزدیک به پیامبر ﷺ بوده و معمولاً مطالب او را نقل می‌کردند. ولی ایشان برای صحابه تعریف خاصی ارائه می‌کردند و با تعریف مشهور که معمولاً می‌گویند: «هرکس پیامبر را ملاقات کرده از صحابه او شمرده می‌شود»، مخالف بوده و بارها در جلسات خصوصی یا در مصاحبه‌ها به همین مطلب اشاره نموده‌اند.^۱ ایشان صحابه پیامبر ﷺ را کسانی می‌دانستند که وجهه النبی ﷺ بوده و اعتقاد، اخلاق و رفتار آنها برگرفته از الگوی نبوی باشد.

علامه معرفت در کتاب مورد بحث نیز، اقوال صحابیان را با دو شرط معتبر دانسته‌اند:

نخست: سند روایت به صحابی صحیح باشد؛

دوم: صحابی از طراز اعلی باشد.

ایشان با شرط دوم بسیاری از افراد اطراف پیامبر ﷺ را، که به عنوان صحابی از آنها یاد می‌شود، از نام صحابه خارج کرده‌اند. از این رو با ذکر روایتی از امام رضا علیه السلام که معاویه را از جمله صحابه ندانسته^۲ و می‌نویسند:

و هذا من اجمل التملیح الی وجه خروج امثال معاویة ممن احدثوا و آووا المحدثین من زمرة الصحابة الاجلاء، نظراً لان احداثهم و بدعهم فی الدین و کذا مشیتهم علی خلاف سنة الرسول الکریم، یکشف عن ثباتهم علی الجاهلیة الاولي و لمّا يتمكن الايمان من قلوبهم و انما ارغموا بالاسلام لاعن طوع. فرفض علیه السلام ان یكون مثل معاویة صحابياً بمعناه الفخیم.^۳

علامه معرفت قول صحابیانی را معتبر می‌داند که هم چون امام علی علیه السلام، امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام باشند یا افرادی مثل عبدالله بن مسعود، ابی بن کعب و عبدالله بن عباس، که با اخلاص اسلام را پذیرفتند و ثابت قدم ماندند.

۱. نک: مجله حوزه و پژوهش، ش ۱۷ - ۱۸، ص ۱۹ - ۲۰ مصاحبه با استاد معرفت.

۲. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ۹۳/۳۴: ۲، باب ۳۲.

۳. التفسیر الاثری الجامع، ج ۱، ص ۱۰۴.

از نوشته‌های استاد روشن می‌شود که همین صحابی‌ان نیز همطراز نیستند؛ بلکه صحابی‌ان معصوم قولشان حجت است اما صحابی‌ان غیر معصوم قولشان فقط ارزشمند است^۱ و می‌توان از آنها نقل روایات پیامبر، فهم نکات تفسیری، نقل شأن نزول - به شرط مشاهده - و معانی لغوی و... را استفاده کرد؛ چون آنها در آن عصر می‌زیسته‌اند و در معرض سخنان پیامبر ﷺ بوده و به فهم معانی قرآن نزدیک‌تر بوده‌اند؛ ولی در عین حال نمی‌توان روایات این صحابه را به پیامبر ﷺ نسبت داد و به عنوان حدیث پیامبر پذیرفت.

ایشان می‌نویسند:

هذا ولكن الذي جرى عليه مذهب علمائنا الاعلام: انّ التفسير المأثور من الصحابي مهما كان على جلاله قدر و اعتلاء منزلة، فأنه موقوف عليه لا يصح اسناده الى النبي ﷺ ما لم يسنده هو بالذات. و هذا منهم مطلق سواء اكان للرأي مدخل فيه ام لا.^۲

از منظر علامه معرفت این مطلب به دلیل آن است که صحابه اگرچه ممکن است مجتهد باشند، اما معصوم نیستند.^۳ پس حساب صحابی معصوم مثل امام علی علیه السلام از غیر آنها جداست؛ یعنی: اقوال صحابه معصوم حجت است؛ اما اقوال صحابه غیر معصوم حجت نیست؛ ولی اعتبار بیشتری نسبت به سایر افراد دارد؛ چون در صدر اسلام زندگی می‌کردند و به فهم قرآن نزدیک‌تر بودند.

۴. اعتبار روایات تابعین: علامه معرفت با تمجید از تابعین، مدارس تفسیری آنها را در مدینه، مکه، کوفه، بصره و شام معرفی نموده سپس ۲۷ تن از بزرگان تابعین را معرفی و ۳۵ نفر از اتباع تابعین را برمی‌شمرد؛^۴ سپس یادآور می‌شود که تابعین، واسطه بین پیامبر ﷺ و صحابه و نسل‌های بعد بوده و به عهد رسالت نزدیک‌تر هستند؛ پس دیدگاه‌های آنها برای دست‌یابی به حقیقت می‌تواند مورد توجه قرار گیرد.

ایشان بعد از ذکر دیدگاه‌های موافقین و مخالفین در مورد ارزش تفسیر تابعین می‌نویسد: «تعبد به اقوال آنها و تسلیم در برابر آرای تابعین دلیلی ندارد».^۵

۱. نک: التفسیر والمفسرون فی ثوبه القشيب، ص ۳۰۷ و التفسیر الاثری الجامع، ج ۱، ص ۱۰۰.

۲. التفسیر الاثری الجامع، ج ۱، ص ۱۰۰.

۳. همان، ص ۱۰۰.

۴. همان، ص ۱۰۵ - ۱۲۰.

۵. همان، ص ۱۲۱.

ب) شیوه اعتبار سنجی اقسام روایات برای کاربرد در تفسیر قرآن

علامه معرفت رحمته الله روایات کاربردی در تفسیر را به چند دسته تقسیم می‌کند و با ذکر اقوال علمای سلف، مانند شیخ طوسی، آیه‌الله خوئی و... هر کدام را اعتبار سنجی می‌نماید:

۱. روایات متواتر

هیچ شکی نیست که احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله و... هنگامی که به صورت متواتر به دست ما برسند، از جمله منابع فقه و تفسیر به شمار می‌آیند.^۱ و از آن‌جا که خبر متواتر علم‌آور است عمل به محتوای آن واجب بوده و تفسیر قرآن بر طبق آن لازم است.^۲ البته خبر متواتر آن است که در تمام طبقات روایات آن به حدی زیاد باشند که اطمینان به صدور آن از معصوم حاصل شده و احتمال اجتماع آنها بر دروغگویی نرود.

۲. روایات غیر متواتر محفوف به قراین

روایات غیر متواتر (مثل خبر متظافر و واحد) اگر همراه قراین باشند موجب علم می‌شوند و این‌گونه از اخبار از جمله خبرهای متواتری خواهند بود که عمل بر طبق آنها واجب است؛^۳ چرا که موجب علم می‌شوند. قرآنی که موجب علم به صدور خبر می‌شوند عبارتند از:

نخست: روایت، مطابق دلایل عقلی و مقتضای آن باشد؛

دوم: روایت، مطابق ظاهر قرآن باشد. (چه مطابق عمومات قرآن یا محتوای آن و... باشد)؛

سوم: روایت، مطابق سنت قطعی باشد (چه مطابقت به صورت صراحت یا فحوی یا... باشد)؛

چهارم: روایت، مطابق اجماع مسلمانان یا اجماع علمای شیعه باشد.^۴

۱. التفسیر الاثری الجامع، ج ۱، ص ۱۲۲.

۲. نک: همان، ص ۲۲۸ و نیز الاستبصار، شیخ طوسی، ج ۱، ص ۴۳ و عدة الاصول، ج ۱، ص ۳۳۶، ۳۶۲ و ۳۷۲.

۳. همان.

۴. همان.

۳. روایات آحاد معتبر

آیه‌الله معرفت در این مورد با ذکر دیدگاه‌های متفاوت به بررسی و نتیجه‌گیری می‌پردازد: اگر روایتی متواتر یا محفوف به قراین نبوده و ضعیف هم نباشد؛ یعنی: خبر واحد معتبر (صحیح یا موثق) باشد. در این صورت چند دیدگاه وجود دارد: نخست: برخی برآنند که این‌گونه اخبار مستند به دلیل تعدی است و موجب علم نمی‌شوند؛ بنابراین در تفسیر، اعتبار و حجیتی ندارند. چون تعدد در باب عمل، تکلیف و احکام است و در تفسیر، مقصود فهم معانی قرآن است. که ظاهر کلام شیخ طوسی رحمته‌الله همین مطلب است که فرمود: «خبر واحد در تفسیر قبول نمی‌شود.»

لا يجوز لاحد ان یقلد احداً منهم المفسرين القدامي و المتأخرين، بل ینبغي ان یرجع الی الادلة الصحیحة، اما العقلیة او الشرعیة، من اجماع او نقل متواتر عن من یجب اتباع قوله، ولا یقبل فی ذلك خبر واحد.^۱

و شیخ مفید رحمته‌الله نیز به تکرار فرموده‌اند که: در جایی که راهش علم است و عمل در آن نیست (مثل اعتقادات) تعدی در آن نیست و شأن تفسیر، شأن اصول معارف است که مطلوب در آن علم مبتنی بر فهم قاطع است نه ظن و احتمال.^۲

و حتی برخی مانند سید مرتضی رحمته‌الله در مقابل جمهور، اصل حجیت خبر واحد را منکر شده‌اند.^۳ و از همین باب است که علامه طباطبایی، حجیت خبر واحد در تفسیر را نپذیرفته و هم‌چون اصولی‌ها^۴ فقط در باب احکام شرعی به حجیت خبر واحد اذعان نموده است.^۵

دوم: برخی از علما، مانند شیخ طوسی برآنند که خبر واحد معتبری که معارض نداشته و علما برخلاف آن فتوا نداده‌اند واجب العمل است؛ چون اجماع بر آن است.^۶

۱. تفسیر تبیان، شیخ طوسی، ج ۱، ص ۶ - ۷.

۲. التفسیر الاتری الجامع، ج ۱، ص ۱۲۳ و مصنفات شیخ مفید، ج ۵، ص ۱۲۳، ۴۹، ۵۴.

۳. نک: الذریعة الی اصول الشریعة، ص ۵۱۷ ۵۵۵ و رسائل الشریف المرتضی، المجموعة الثالثة، ۳۰۹/۴۸.

۴. نک: کفایة الاصول، آخوند خراسانی، ص ۲۷۷.

۵. المیزان، ج ۱۰، ص ۳۶۵ ۳۶۶ و ج ۳.

۶. الاستبصار، شیخ طوسی، ج ۱، ص ۴۳ و عذة الاصول، ج ۱، ص ۳۳۶ و ۳۶۷ به بعد.

علامه معرفت با پذیرش و غنا بخشیدن به سخن شیخ طوسی رحمته الله علیه و مؤید گرفتن سخنان آیه‌الله خوئی رحمته الله علیه بر آن است که اخبار آحاد علم‌آور است و از باب ظن تبعدی حجّت نیست؛ بنابراین خبر واحد ثقه، مخصوص ابواب تکالیف نبوده بلکه در همه ابواب معتبر است.^۱ بنابراین دیدگاه خبر واحد ثقه که علم عادی می‌آورد در تفسیر نیز حجّت است.

علامه معرفت در توجیه کلام شیخ مفید می‌فرماید:

شیخ مفید در برابر شیخ صدوق موضع‌گیری کرده که چرا بدون جداسازی صحیح و سقیم احادیث از هم بر آنها اعتماد نموده است (و شواهدی بر این طلب می‌آورد)؛ با این که شیخ مفید خود بر بسیاری از اخبار آحاد در کتاب‌هایش تکیه کرده است.

وی در مورد کلام سید مرتضی از قول محقق نائینی و آیه‌الله خوئی نیز می‌گوید: خبر واحد دو اصطلاح دارد: اول: خبر واحد در برابر متواتر یا محفوف به قراین قطعی (که اعم از خبر واحد معتبر است) و دوم: خبر واحد به معنای خبر ضعیف موهون. چنانچه افرادی ادعای اجماع بر عدم حجیت خبر واحد کرده‌اند، مقصودشان معنای دوم بوده است. حال آن‌که اعلام، به اخبار آحادی که از سوی افراد موثق روایت شده عمل می‌کنند؛ ولی این عمل به اخبار آحاد به معنای اول است.^۲

علامه معرفت آن‌گاه به روایاتی از ائمه اطهار علیهم‌السلام اشاره نموده حاکی از این‌که «اخبار افراد موثق را رد نکنید».^۳

وی در ادامه به تحلیل دیدگاه‌های مرحوم آیه‌الله نائینی و آیه‌الله خوئی در باب حجیت خبر واحد می‌پردازد و در مورد این‌که خبر واحد تبعدی در باب غیر احکام شرعی اثری نداشته باشد تشکیک نموده و اثر آن را جواز خبر دادن به متعلق آن می‌داند و در پایان می‌فرماید:

نظر ما آن است که حجیت خبر واحد (جامع شرایط اعتبار) مستند به تبعد نیست، بلکه مستند آن، سیره عقلاست که شارع آن را تأیید کرده است و در نظر

۱. التفسیر الاثری الجامع، ج ۱، ص ۲۲۹ - ۲۳۰.

۲. همان، ص ۱۲۳ - ۱۲۴.

۳. نک: رجال الکشی، ۲/۸۱۶/۱۰۲۰ و کافی، ج ۱، ص ۳۲۹، ۳۳۰ و...

عقلا، خبر واحد ثقه دارای شرایط، یکی از اسباب حصول علم است^۱. بنابراین تفسیر قرآن با اخبار آحاد معتبر جایز خواهد بود. چون منجر به علم عادی می‌شود همان‌طور که در مورد اخبار محفوف به قراین که علم‌آوراند عمل می‌شود.

۴. روایات ضعیف

خبرهایی که متواتر یا محفوف به قراین یا خبر واحد معتبر نیستند اخبار ضعیفی هستند که سند یا محتوای آن اشکال دارد. این‌گونه از اخبار از نظر عقلا نه در فقه و نه در تفسیر و نه در زندگی روزمره قابل استناد نیست. علامه معرفت نیز، این‌گونه اخبار را در تفسیر معتبر ندانسته، همان‌طور که گذشت اجماع ادعایی در مورد عدم حجیت خبر واحد را بر خبر واحد ضعیف موهون حمل نمود^۲. البته در مورد معیار نقد احادیث و این‌که معیار ضعیف بودن خبر در تفسیر سند است یا محتوا، مطالبی را ذکر کرده‌اند^۳ که در ادامه خواهد آمد.

ج) شیوه نقد سندی و محتوایی روایات تفسیری

علوم حدیث، عهده‌دار بررسی صحت روایات است و دانشمندان علم حدیث برای این امر از دو راه وارد شده‌اند:

نخست: بررسی سند روایات؛ برای این امر، علم رجال پایه‌گذاری شد و در بین شیعه و اهل سنت کتاب‌های متعددی در این زمینه نگاشته شد^۴. تا راویان از نظر وثاقت و مذهب و نقاط ضعف و قوت شناسایی و به نسل‌های آینده معرفی شوند از این‌رو در هنگام نقل حدیث، سلسله راویان مورد بررسی قرار گرفته و حدیث در یکی از اقسام صحیح، موثق، ضعیف قرار می‌گیرد. بیشترین کاربرد شیوه بررسی سندی در احادیث فقهی بوده و هست.

۱. التفسیر الاثری الجامع، ج ۱، ص ۱۲۶ و ۱۲۸.

۲. همان، ص ۱۲۴.

۳. همان، ص ۲۱۸ به بعد.

۴. نک: رجال کشی؛ رجال نجاشی؛ معجم رجال، خوئی و میزان الاعتدال، ذهبی و ...

دوم: بررسی محتوای روایات؛ در این رابطه دانشمندان علوم حدیث، به فقه‌الحدیث و نقد متنی حدیث پرداختند و در این راستا معیارهای نقد محتوایی شکل گرفت که مشهورترین آنها مخالفت با کتاب، سنت قطعی، عقل و علم قطعی هستند.^۱ از این‌رو شارحان و ناقدان حدیث در طول تاریخ اسلام به بررسی محتوای احادیث پرداخته و تلاش کرده‌اند تا احادیث درست و نادرست را از هم‌دیگر جدا سازند.^۲

بیشترین کاربرد شیوه نقد محتوایی حدیث، در مورد احادیث اعتقادی بوده است؛ اما پرسش اساسی این‌جاست که در بررسی احادیث تفسیری کدام شیوه را به‌کار ببریم؟ و اصولاً کدام شیوه کارایی دارد؟

مرحوم علامه معرفت در مقدمه گران‌سنگ التفسیر الاثری الجامع به این مطلب پرداخته است و معتقد است: اگرچه بررسی سندی ارزشمند است، اما در درجه دوم قرار دارد و مهم‌ترین شیوه برای بررسی احادیث تفسیری، بررسی محتوا و فحوی و قوت مطالب و... آنهاست و این در درجه اول اهمیت قرار می‌گیرد.^۳ ایشان معتقد است که بحث از سند روایت، بحثی فرعی است که غالباً عقیم است؛ چون‌که روایات مرسل زیاد بوده و در بسیاری از موارد، شرح حال افراد، مجمل و مبهم است؛ علاوه بر آن‌که امکان دستبرد به سند روایات وجود دارد. بنابراین درهرحال شیوه نقد متنی کامل‌تر و بهتر است.

معیارهای نقد متنی

علامه معرفت معیار اساسی در نقد متنی و محتوایی احادیث را عرضه روایات بر محکومات می‌شمارد؛ به اعتقادی احادیث عرضه روایات بر قرآن را دانسته و می‌نویسد: فقد تواتر عن النبي ﷺ: «ما جائكم عنِّي يوافق كتاب الله، فانا قلته و ما جائكم يخالف كتاب الله، فلم اقله.»^۴

۱. نک: علم الحدیث، کاظم مدیر شانه‌چی و اضاء علی السنة المحمدية، محمود ابورية و... .

۲. نک: مرآة العقول در شرح کافی از محمدباقر مجلسی و... .

۳. التفسیر الاثری الجامع، ج ۱، ص ۲۱۹.

۴. کافی، ج ۱، ۶۹/۵، باب الاخذ بالسنة و شواهد الكتاب سند حدیث تا امام صادق علیه السلام صحیح است.

وی پس از ذکر احادیث متعدد در این زمینه می‌نویسد: معیار نخست برای تمیز روایت قوی از ضعیف، عرضه نمودن بر محکمت دین است. نظیر عرضه متشابهات قرآن بر محکمت آیات و مقصود از "کتاب" در این‌جا کنایه از محکمت دین و ضروریات عقل است که شامل سنت قطعی و برهان عقلی می‌شود. پس هر چه موافق آنهاست سالم است و هر چه مخالف آنهاست سقیم است.^۱

در همین رابطه به روایاتی نیز استناد شده است؛ از جمله:

عن رسول الله ﷺ: إذا اتاكم عني حديث، فاعرضوه علي كتاب الله و حجة عقولكم؛ فان وافقهما فاقبلوه والأفاضربوا به عرض الجدار.^۲

عن الامام علي بن موسى الرضا ﷺ: "ان في اخبارنا متشابهات كمتشابه القرآن و محكماً كمحكم القرآن، فردوا متشابهات الى محكمها و لا تتبعوا متشابهات دون محكمها فتضلوا".^۳

في صحیحة ابن ابی یعفور: انه حضر مجلس ابی عبد الله الصادق ﷺ و سألته عن اختلاف الحديث، يرويه من يوثق به و منهم من لا يوثق به؛ قال: "إذا ورد عليكم حديث فوجدتم له شاهداً من كتاب الله او من قول رسول الله ﷺ والأ فالذي جائكم به أولى به".^۴

علامه معرفت این صحیحہ ابی یعفور را از احادیث جلیل می‌خواند؛ چرا که اهمیت محتوای حدیث را قبل از سند گوشزد می‌کند؛ یعنی: اگر شاهی از قرآن یا سنت پیامبر ﷺ شهادت به صدق روایت داد، در این صورت اعتبار خواهد داشت؛ چه راوی تقه باشد یا تقه نباشد؛ پس اعتباری به سند تنها - تا هنگامی که استحکام محتوا از آن حمایت نکند - نیست.

در این زمینه به روایاتی نیز استناد می‌شود؛ از جمله:

روي عياشي باسناده عن محمد بن مسلم عن الصادق ﷺ قال: "يا محمد! ما جائك في رواية من برّ او فاجر يوافق القرآن، فخذ به و ما جائك في رواية من برّ او فاجر يخالف القرآن، فلا تأخذ به".^۵

و في صحيح ايوب بن الحرّ، قال: سمعت ابا عبد الله الصادق ﷺ يقول: "كل شيء مردود الى الكتاب والسنة و كل حديث لا يوافق كتاب الله، فهو زخرف"^۶ و عن ابو جعفر الباقر ﷺ: اذا حدثتكم بشيء فاستلوني من كتاب الله.^۷

۱. التفسير الاثرى الجامع، ج ۱، ص ۲۱۹ - ۲۲۲.

۲. تفسير ابوالفتوح رازی، ج ۵/۳۶۸.

۳. عيون اخبار الرضا ﷺ، ۱/۲۶۱/۳۹، باب ۲۸.

۴. کافی، ۱/۶۹/۲.

۵. تفسير عياشي ۱/۳ و مستدرک الوسائل ۱۷/۳۰۴/۵.

۶. کافی، ج ۱/۶۹/۱.

۷. کافی، ج ۱/۶۰/۵.

بنابراین براساس دیدگاه آیه‌الله معرفت علیه السلام معیار اساسی نقد روایات، نقد متنی و محتوایی است و نقد سندی به تنهایی کافی نیست. هم‌چنین معیار اصلی در نقد محتوایی، عرضه بر محک‌های دین است، که شامل قرآن، سنت قطعی و عقل می‌شود. البته معیار علم قطعی نیز به همان ملاک وارد این معیارها می‌شود؛ چون ملاک زیر بنایی، مخالفت نداشتن حدیث با علم قطعی است — که شارع مخالف علم سخن نمی‌گوید — و علم قطعی گاه از طریق نقل، عقل و یا تجربه به دست می‌آید.

جالب این است که اسناد معرفت در ادامه مباحث، به مثالی اشاره می‌کند که از همین باب مخالفت حدیث با علم تجربی بشر و واقعیت خارجی است:

از امام صادق علیه السلام حکایت شده که: «و شعبان لایتم ابدأً و شهر رمضان لاینقص والله ابدأً و لاتكون فريضة ناقصة؛ ان الله تعالى يقول (وَلْتَكْمَلُوا الْعِدَّةَ) ^۱ و شوال تسعة و عشرون يوماً و...» ^۲.

سپس استاد معرفت می‌نویسند: «این خبر، علاوه بر این‌که مرسل است، موهون است؛ چون مخالف واقع است. و نظیر این خبر، اخبار دیگری است که می‌گوید ماه رمضان هیچ‌گاه کمتر از سی روز نمی‌شود» ^۳.

البته ممکن است که استاد، علم تجربی و مخالفت واقع را به نوعی داخل معیار «مخالفت با عقل» به شمار آورده‌اند. از این‌رو معیار جداگانه‌ای ذکر نکرده‌اند.

کیفیت عرضه احادیث بر قرآن

در مورد مخالفت احادیث با قرآن، دانشمندان در علم اصول فقه (مبحث تعادل و تراجیح) و نیز در دانش فقه الحدیث و نقد الحدیث، مطالبی بیان کرده از جمله این‌که مخالفت حدیث با قرآن سه صورت دارد:

نخست: مخالفت به صورت عام و خاص مطلق، که در این صورت قرآن و حدیث

۱. بقره، آیه ۱۸۵.

۲. الاستبصار، ج ۲/۶۸/۲۱۸.

۳. التفسیر الاثری الجامع، ج ۱، ص ۲۳۱.

قابل جمع عرفی و تخصیص هستند؛ مثل آیه: ﴿وَبُعُولَتُهُنَّ أَحَقُّ بِرَدِّهِنَّ﴾^۱ در مورد زنان مطلقه با روایات اختصاص این مطلب به طلاق رجعی.^۲

دوم: مخالفت به صورت عام و خاص من وجه، که در این صورت نیز، قرآن و حدیث قابل جمع هستند. هم چون آیه: ﴿مَا عَلَى الْمُحْسِنِينَ مِنْ سَبِيلٍ﴾^۳ با حدیث لاضرر.^۴

سوم: مخالفت به صورت تباین، که موردی یافت نمی شود؛ چون که جااعلان حدیث می دانند که اگر احادیث دروغ آنها مخالف صریح قرآن باشند و در این صورت کسی آنها را قبول نمی کند و رواج نمی یابند.

علامه معرفت پس از بیان سه قسم فوق و نقد آنها – که مورد اول و دوم در حقیقت مخالفت با قرآن نیست و مورد سوم هم معقول نیست^۵ – شیوه‌ای دیگری را در این باره عرضه می کند، تا بتوان احادیث را بر قرآن عرضه داشته و با تشخیص احادیث صحیح و سقیم نتیجه گیری نمود.

از نگاه ایشان مقصود از مخالفت (حدیث با قرآن) تباین با صمیم دین و روح شریعت است به طوری که حدیث با اهداف یا اغراض سعادت بخش امت در دنیا و آخرت منافات داشته باشد؛ پس هر چه که مخالف این جهت گیری سعادت بخش باشد مردود و هر چه موافق آن باشد مورد قبول است. البته در این جا محکومات و متشابهاست وجود دارد که لازم است [احادیث] متشابه را به محکم باز گردانیم تا دچار اشتباه نشویم.^۶

این همان مطلبی است که در حدیثی از امام صادق ع حکایت شده که: «ما من امر یختلف فیہ اثنان الا و له اصل فی کتاب الله - عزوجل - ولكن لا تبلغه عقول الرجال»؛^۷ هیچ چیزی از شئون امت اسلام نیست، مگر آن که ممکن است در پرتو محکومات قرآن مورد

۱. بقره، آیه ۲۲۸.

۲. نک: الجواهر، ۳۲/۱۷۹ به بعد.

۳. توبه، آیه ۹۱.

۴. نک: وسائل الشیعة، ج ۲۹/۲۶ باب ۲۴.

۵. التفسیر الاتری الجامع، ج ۱، ص ۲۲۲ ۲۲۳.

۶. همان، ص ۲۲۴.

۷. کافی، ج ۱/۶۰/۶.

نقد قرار گیرد و این کار راسخان در علم و افراد باهوش است. از این رو فرمود که عقول رجال به آن نمی‌رسد؛ یعنی: عوام الناس این مطالب را از قرآن نمی‌فهمند.

پس مقصود از مخالفت و موافقت با قرآن، مخالفت یا موافقت حرفی با قرآن نیست؛ بلکه مخالفت جوهری مراد؛ است به صورتی که با روح اسلام در همه قوانین و احکام و سنن آن منافات داشته باشد: چیزی که دانشمندان ژرف‌اندیش و نورانی می‌توانند بر آن اشراف یابند؛ چون علم به مواضع دین و اسرار شریعت دارند.

پس چنان‌چه روایتی با سندی عالی در دست بود که با طبیعت قوانین دینی در قرآن و سنت انسجام نداشت و با مزاج شریعت اصیل هماهنگ نبود حتماً باطل است و لازم است که کنار گذاشته شود.

مثال: در مورد ملت کُرد در احادیث آمده است که آنها گروهی از جنیان هستند، با آنها معاشرت و معامله نکنید.^۱

این حدیث با «قرآن کریم» مخالف است؛ چرا که قرآن، نسل بشر را واحد می‌داند و می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا﴾.^۲

و نیز این مطلب با روایاتی از پیامبر ﷺ ناسازگار است که فرمودند: «الناس من آدم الی یومنا هذا، مثل اسنان المشط لافضل للعربي للعجمي ولا للاحمر علی الاسود، الا بالتقوی»^۳ هم‌چنین مقصود از موافقت حدیث با قرآن، موافقت ذاتی بین مضمون حدیث و اصول اسلامی مستفاد از قرآن و سنت است؛ از این رو روایات جبر و تفویض نزد ما قابل قبول نیستند؛ چون با قاعده «الامر بین الامرین» که از صمیم قرآن و سنت استفاده می‌شود مخالف است.

این همان چیزی است که در علم «شناخت حدیث»، به عنوان «نقد محتوایی و متنی حدیث» از آن یاد می‌شود؛ یعنی: مقارنه مضمون حدیث با اصول عام و مبانی اولیه

۱. وسائل، ج ۱۷، ۴۱۶ (البته روایت مجهول السند است).

۲. نساء، آیه ۱.

۳. البحار، ج ۲۲، ۳۴۸/۶۴.

شریعت، به گونه‌ای که با روح شریعت دارای انسجام باشد.^۱ و این همان شیوه‌ای است که شیخ مفید^۲ در مورد روایات جبر و تفویض به کار بسته است.

جمع‌بندی و بررسی

از مطالب گذشته استفاده می‌شود که شیوه اساسی در نظر آیه‌الله معرفت برای نقد احادیث، نقد محتوایی است و در نقد محتوایی نیز معیارهای اصلی مخالفت با قرآن، سنت قطعی و عقل است و در مخالفت و موافقت بر قرآن، (و به‌طور طبیعی در موارد دیگر) مقصود اساسی مخالفت حدیث با روح شریعت است.

هرچند که این مطلب جالبی است اما مشکلی دارد که باید بررسی و حل شود و آن این‌که مقصود از روح شریعت و دین اسلام چیست و چه کنیم که این معیار حالت ذوقی و شخصی پیدا نکند. و ملاک‌های جزئی تری برای آن تعریف شود که قابل ارزشیابی ملموس باشد.

آسیب‌شناسی

۱. **حصرگرایی:** اکتفا کردن به روش تحقیق سندی در بررسی روایات تفسیری ما را به نفی اکثر روایات می‌کشد. از این‌رو برخی مفسران معاصر اصل در بررسی روایات تفسیری را بررسی محتوایی دانسته‌اند. و در مواردی که سند روایت مخدوش بوده اما روایت موافق ظاهر آیه بوده آن را پذیرفته و تقویت کرده‌اند. (همان‌طور که گذشت).

۲. **وجود اسرائیلیات و روایات مجعول:** یکی از خطرات استفاده از روایات تفسیری است از این‌رو بر مفسران قرآن لازم است که توجه ویژه‌ای به روش تحقیق حدیثی در روایات تفسیری داشته باشند. که کوتاهی در این امر موجب زیان‌های جبران ناپذیری می‌شود.

۱. التفسیر الاثری الجامع، ج ۱، ص ۲۲۴ - ۲۲۶.

۲. رساله تصحیح الاعتقاد، ص ۴۴.

هفتمین تقسیم روش تحقیق در مطالعات قرآنی (سمانتیک و هرمنوتیک)

مقدمه: مطالعات و تحقیقات قرآنی را می‌توان به دو صورت انجام داد:
نخست: با هدف به دست آوردن معنای متن با توجه به نیت مؤلف (هدف و مقصودِ خدای متعال از آیات قرآن)؛
دوم: با هدف به دست آوردن معنای متن، بر اساس فهم مخاطب و بدون توجه به نیت مؤلف.

براساس دو مبنای فوق، روش‌های تحقیق و مطالعه در قرآن به دو روش «سمانتیک» و «هرمنوتیک» تقسیم شده است. این دو روش با روش‌های تحقیق درون‌متنی و برون‌متنی قرآن قابل جمع است و هر کدام از دو روش فوق می‌تواند به کمک یک یا چند مورد از آن روش‌ها صورت گیرد.

الف) روش سمانتیک

برخی از نویسندگان معاصر در مورد این روش تحقیق و مطالعه قرآنی بر این عقیده‌اند که: «واژه سمانتیک Semantics را به معنای یک مکتب و یا نظریه نباید به‌کار برد. از نظر آنان مراد از سمانتیک در این گفتار، روی آوردی است که به صورت‌های مختلف، نزد بسیاری از مفسران سنتی و جدید موجود است. این روی آورد در سده اخیر، مورد توجه بیشتری قرار گرفته و با بهره‌گیری از دانش نوین دلالت‌شناسی، به شکل نظریه‌ای مدون در فهم متون، تکامل یافته است. بنابراین، روی آورد سمانتیکی، کم‌وبیش بر سنت مطالعات درون‌دینی حاکم است.

مبنای این روی آورد در فهم متون دینی، نظریه‌ای مهم در معناداری است که در علم اصول، به نام نظریه «دلالت تصدیقی» در برابر نظریه «دلالت تصویری»، معروف و مقبول افتاده است. امروزه کسانی چون گریس از فیلسوفان مغرب زمین، طرفدار این نظریه‌اند. بر مبنای دلالت تصدیقی، معنی در گرو قصد گوینده است و مخاطب سعی می‌کند آن‌چه را که گوینده قصد کرده، صید کند. جمله، فی نفسه و بدون قصد و اراده گوینده آن، تهی، فاقد معنا و غیر قابل صدق و کذب است. شاید بر همین مبناست که

بوعلی تعریف سنتی صدق و کذب‌پذیری گزاره خبری را به این صورت تصحیح می‌کند: «خبر آن است که گوینده آن را بتوان در آن‌چه می‌گوید، تصدیق یا تکذیب کرد»^۱. سخن بوعلی قابلیت تفسیرهای دیگری را نیز دارد.

بر مبنای دلالت تصدیقی، برای فهم معنای سخن، باید مقصود گوینده را به دست آورد، اما قصد گوینده را از طریق جملات وی می‌توان به دست آورد و این امر، ظاهراً دور است! حل مشکل دور، دو طریق عمده دارد: طریق فردگرایی روش‌شناختی *Methodological Individualism* و طریق کل‌گرایی روش‌شناختی *Meth. Holism*. در روش نخست، گزینه‌های مختلف مقالی و مقامی و قواعد زبانی و نحوی، ابزارهایی هستند که با آنها می‌توان ساختار جمله را کالبد شکافی کرد و مقصود گوینده را به دست آورد. تفسیرهای ادبی و توجه به شأن نزول، کم‌وبیش بر این تلقی استوار است. این روش در زبان سمبلیک، مانند اشعار حافظ و در تفسیر آیات متشابه، چندان کارآمد نیست.

در طریق دوم، مخاطب، خود را نه با جمله‌ای منفرد، بلکه با یک کل روبه‌رو می‌بیند و از طریق کل، به فهم جمله نایل می‌شود. نزد بسیاری از مفسران سنتی، توجه به سیاق، تناسب سوره‌ها و آیات در تفسیر مآثور بر چنین نگرشی مبتنی است. امروزه سعی می‌شود بر اساس یک مدل معین، کل را به دست آورد و آن، «جهان‌بینی گوینده» است. جهان‌بینی حافظ، مراد وی از شعر او را نشان می‌دهد. این چنین است که براساس جهان‌بینی علامه طباطبایی، در تفسیر بیت زیر، «مهر دلدارها» را به معنای «عشق زمینی» نمی‌گیریم:

همی گویم و گفته‌ام بارها بود کیش من مهر دلدارها

در مواجهه با متون دینی، پرسش این است که چگونه می‌توان به جهان‌بینی گوینده دست یافت؟ ترسیم میدان معناشناسی متن، برای نیل به این هدف است. میدان معناشناختی قرآن، می‌تواند جهان‌بینی قرآن را در یک سیستم کل و شبکه به دست آورد.

۱. ابن سینا، الاشارات، ص ۶۳.

آنچه در فضای سمانتیکی به منزله یک اصل تلقی می‌شود، منفعل بودن مخاطب و حفظ بی‌طرفی در شنیدن پیام و سعی در شکار مقصود گوینده، بدون دخالت ذهنیت شنونده است. در این فضا، چنین امری، ممکن، شایسته و بایسته تلقی می‌شود.^۱ همان‌گونه که در مبحث کلیات گذشت، در تعریف تفسیر قرآن، دو عنصر اساسی وجود دارد:

نخست: فهم معانی آیات، که از لغت با توجه به سیاق و... به دست می‌آید (مرادی استعمالی)؛

دوم: فهم مقاصد آیات، که با توجه به قراین درون‌متنی و برون‌متنی حاصل می‌شود (مراد جدی متکلم). این عنصر دوم که در تعریف تفسیر لحاظ شده، اشاره به همان «نیت مؤلف» دارد، که روش سمانتیک بر آن تأکید نموده و دانشمندان مسلمان در اصول فقه و منطقی (به عنوان دانش‌های فهم متن) قرن‌هاست که آن را تبیین کرده‌اند.^۲ یادآوری این نکته لازم است که حجیت و اعتبار نتایج مطالعات سمانتیکی، براساس حجیت ظهور کلام است؛ البته ظهور مستقر، نه ظهور ابتدایی.

قلمرو و محدودیت‌ها

روش مطالعه سمانتیکی قرآن در روش‌های مختلف تفسیر قرآن، مثل روش تفسیر قرآن به قرآن، روش روایی و روش عقلی و اجتهادی کاربرد دارد و همان‌طور که گذشت در این روش می‌توان از شیوه‌های تحقیق درون‌متنی و برون‌متنی قرآن بهره جست.

۱. برای تفصیل سخن در باب سمانتیک و تطور تاریخی آن ر.ک: Kalish Ronald, "semantics", The Encyclopedia of Philosophy, Paul Edwards Ed. in chief, London, ۱۹۶۷.

– Kretzmann, Norman, "History of Semantics", Ibid, p.۳۵۸-۴۰۶. p.۳۴۸- ۳۵۸.

۲. روش‌شناسی مطالعات دینی، احد فرامرز قراملکی، ص ۲۰۴ - ۲۰۶.

۳. ر.ک: کتاب‌های اصول مثل کفایة الاصول، آخوند خراسانی؛ رسائل، شیخ انصاری؛ اصول الفقه، محمد رضا مظفر و کتاب‌های منطق، مثل حاشیه ملاعبدالله و المنطق، مظفر، مبحث حجیت ظواهر و دلالت تصویری و تصدیقی و مباحث مرتبط.

عموم مفسران قرآن در مطالعات قرآنی خود، به دنبال مراد خدای متعال (نیت مؤلف متن) بوده‌اند و برخی از آنها هم‌چون علامه طباطبایی بدین مطلب تصریح نموده‌اند.^۱

ویژگی‌های مطالعات سمانتیک قرآن

۱. پژوهشگر و مفسر در جست‌وجوی معنای متن است و معنای متن، همان مقصود و مراد جدی متکلم و مؤلف است و متون مقدس، پیام‌های الهی برای بشر هستند که هدف پژوهشگر و مفسر، درک پیام نهایی متن است.^۲

۲. رسیدن به معنای متن (مقصود متکلم و مؤلف) از طریق پیمودن روش متعارف و عقلایی فهم متن، که براساس حجیت ظواهر الفاظ استوار است میسر خواهد بود و دلالت الفاظ نیز، تابع وضع لغوی و اصول و قواعد عقلایی محاوره و تفهیم و تفاهم است که هر متکلم و مخاطبی در هر زبان براساس آنها سخن می‌گویند و می‌فهمند.

۳. محقق، گاه به فهم یقینی از متن می‌رسد - مانند فهم نصوص - و گاه به فهم ظنی از متن دست می‌یابد - مانند فهم ظواهر - گاه نیز در فهم متن، به خطا می‌رود.

۴. معیارهایی برای تشخیص خطاهای محققان وجود دارد؛ از جمله آنها: قوانین منطق، قواعد عقلایی محاوره (اصول فقه) و قواعد تفسیر است که برخی از آنها توسط پیشوایان دینی بیان گردیده‌اند - هم‌چون قاعده تفسیر به رأی - و برخی دیگر، توسط دانشمندان تدوین شده‌اند. هرگاه فهم و تفسیر متن، با قواعد مزبور انطباق داشت، حجت و معتبر است. بنابراین نسبی‌گرایی در فهم متن، بی‌معناست؛ زیرا فهم‌های صحیح و فهم‌های نادرست، قابل تشخیص است.

۵. فاصله زمانی عصر پژوهشگر با زمان پیدایش متن، مانعی جدی برای دست‌یابی به مقصود و مراد جدی متن قرآن نیست؛ چرا که: اولاً: برخی قراین از طریق احادیث و شأن نزول‌ها و تاریخ به ما رسیده است و می‌توان تا حدود زیادی معنای اصیل لغات را

۱. علامه طباطبایی در تعریف تفسیر می‌نویسد: «التفسیر وهو بیان معانی الآیات القرآنیة و الکشف عن مقاصدها و مدالیلها» (المیزان، ج ۱، مقدمه).

۲. علامه طباطبایی (رحمته الله) در مقدمه تفسیر المیزان، در تعریف تفسیر، بر فهم مقاصد آیات تأکید دارد: «التفسیر و هو بیان معانی الآیات القرآنیة و الکشف عن مقاصدها و مدالیلها».

دریافت؛ ثانیاً: ظهور الفاظِ متن قرآن، حجت است و اگر با توجه به قراین، ظهوری در زمان ما منعقد شود، معتبر خواهد بود.

۶. پژوهشگر قرآن، بدون پیش‌داوری با متن مواجه می‌شود؛ چرا که تحمیل نظر و پیش‌داوری در تحقیق، موجب تفسیر به رأی شده و ممنوع و حرام است و تفسیر به عمل آمده را غیر معتبر می‌سازد؛ بنابراین باید تا حد امکان خود را از این پیش‌داوری‌ها دور ساخت - هر چند که به‌طور کامل ممکن نیست - .

۷. محقق می‌داند که متن قرآن از خداست و پیامبر ﷺ نقشی در تعیین لفظ و محتوای وحی نداشته است؛ بلکه بارها از جانب خداوند مورد تهدید قرار گرفته است که اگر کلمه‌ای را کم یا زیاد کند، مجازات می‌شود^۱.

آسیب یا مشکل

مشکل اساسی در روش مطالعات سمانتیکی، دست‌یابی قطعی به مراد گوینده متن است؛ از آن‌جا که معمولاً نویسنده و گوینده متن، هدف و نیت نهایی خود را به صراحت بیان نمی‌کند، محقق باید از قراین درون‌متنی و برون‌متنی آن را به دست آورد.

عوامل متعددی (از جمله گرایش‌های محقق و احتمال خطای او در فهم متن و احتمال عدم دست‌یابی به قراین تعیین‌کننده) بر فهم محقق اثر می‌نموده و گاه او را به خطا می‌اندازد و موجب می‌شوند تا مقصود و نیت نهایی مؤلف را در نیابد.

البته در این مورد راهکارهایی در منطق تفسیر قرآن در نظر گرفته شده است؛ از جمله: توجه به قواعد تفسیری و روش‌های تفسیری معتبر؛ پرهیز از تفسیر به رأی و نیز پیش‌داوری‌های غیر ضروری و رعایت بی‌طرفی در استنباط از متن، که توجه به آنها می‌تواند تفسیر معتبری را به ارمغان آورد. هر چند که در هیچ دانشی احتمال خطای ذهن محقق و تأثیر پیش‌فرض‌ها و گرایش‌های او بر مورد پژوهش به صفر نمی‌رسد؛ ولی می‌توان این احتمال‌ها را با رعایت ضوابط و انجام پژوهش روشمند، به حداقل می‌رساند.

۱. «وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ * لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ * ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ» (حاقه، ۴۴ - ۴۶).

ب) روش هرمنوتیک

برخی از نویسندگان معاصر درباره «هرمنوتیک» و روش مطالعات هرمنوتیکی در متون دینی گفته‌اند:

واژه هرمنوتیک Hermeneutics از بن یونانی بوده و از فعل Hermeneuein به معنای تفسیر کردن گرفته شده است و غالباً به معنای مبین اصول و مبانی تفسیر انگاشته می‌شود؛ اما مراد ما از آن، مطابق اصطلاح رایج، روی آوردی خاص از تفسیر است که در نقطه مقابل «سمانتیک» قرار دارد. عده‌ای هرمنوتیک را به «تأویل» ترجمه کرده‌اند. این ترجمه، تمایز روی آورد هرمنوتیک را از سمانتیکی نشان می‌دهد.

در فضای هرمنوتیکی، لزومی ندارد معنا را در گرو قصد گوینده بدانیم؛ معنا، نصیبی است که به مخاطب می‌رسد و مهم، فهم مخاطب است.

اگرچه متن، فرآورده ذهنیت مؤلف است؛ اما به مجرد آن‌که به صورت یک متن به دست خواننده می‌افتد، یک معنای خاص کسب می‌کند. در هر متنی می‌توان چهار عنصر را لحاظ کرد: ثبات معنا، جدایی آن از قصد فکری مؤلف، نمایان کردن دلالت‌های ناآشکار و گستره کلی مخاطبان^۱.

ارتباط مخاطب با متن و پیام، بر مبنای نیازها صورت می‌گیرد. هرچه نیازهای اصیل را در متن ببینیم، رابطه‌ای ژرف‌تر با آن پیدا می‌کنیم و شعاع مخاطبان با پیام، بیشتر می‌گردد. در واقع، متن به یک معنا، مخاطب را تفسیر می‌کند، او را به او نشان می‌دهد و از رازها و نیازهای وی سخن می‌گوید. هرچه خود را در متن، بیشتر مکشوف کنیم، با آن بیشتر ارتباط مفهومی یافته‌ایم. مراد از «انقلاب کپرنیکی»، همین جابه‌جایی مفسر و مفسر است. متن، تفسیر کننده است و مخاطب را نمایان می‌سازد.^۲

این صاحب‌نظران پس از تبیین هرمنوتیک، اشکالات و نواقص روش مطالعه هرمنوتیکی را بر شمرده و در نهایت «روش تعاملی» را پیشنهاد می‌کنند: از نگاه آنان فضای هرمنوتیک بر مبانی متعدد و ابهام‌های زیادی استوار است، اما آن‌چه در این گفتار

1. Ricoeur Paul, Hermeneutics and the human Science, Cambridge university press, 1982, P. 210.

۲. روش‌شناسی مطالعات دینی، همو، ص ۲۰۶ - ۲۰۷.

اهمیت دارد، فقدان ابزارهای لازم برای کاربرد روش آن است؛ به دیگر سخن: روی آورد هرمنوتیکی به متون، بر خلاف روی‌آورد سمانتیک، هنوز ابزارهای دقیق و روش‌های نظام‌مند خود را نیافته است.

ج) روش تعاملی

در سؤال مبنایی «معنا در گرو چیست؟» می‌توان از حصر توجه به قصد گوینده و نصیب مخاطب، فراتر رفت و تعامل فعال بین گوینده و شنونده را مطرح کرد و نیز، معنا را حاصل چنین تعاملی دانست؛ اما این تعامل، مادام که دارای مدل و طرح نباشد، قابل کاربرد روشمند نخواهد بود.

در این مدل، قصد گوینده در معنای جمله انکار نمی‌شود؛ اما طریق کشف آن نوعی ارتباط بین مخاطب با آن تلقی می‌شود و این ارتباط، لزوماً منحصر به قواعد زبانی نیست. بر این مبنا، متن، نه مفسر است و نه مفسر، بلکه هر دو است؛ تعامل بین متن و فرد. آنچه گوینده حکیم از سخن خود اراده کرده است، با آنچه شنونده از سخن چند لایه او در می‌یابد، در فرایند تأثیر و تأثر می‌افتد، به گونه‌ای که فهم ژرف، حاصل چنین چالشی می‌شود و هر تفسیری را زمینه‌ای برای تفسیر دیگر می‌کند.^۱

بررسی:

روش مطالعه هرمنوتیکی یکی از واقعیت‌های عصر ماست که حتی برخی نویسندگان آن را به عنوان روشی برای تفسیر قرآن برشمرده‌اند^۲ برخی دیگر نیز آن را یک گرایش تفسیری دانسته‌اند^۳ و در دیدگاه برخی دیگر به عنوان یکی از فضا‌های مطالعات درون‌دینی انگاشته شده است^۴ و نگارنده هم، آن را به عنوان یکی از ملحقات روش‌های تفسیر قرآن مورد بررسی قرار داده است.^۵

۱. همان، ص ۲۰۸.

۲. مبانی و روش‌های تفسیر قرآن، عباسعلی عمید زنجانی، ص ۲۶۷ به بعد (چاپ ششم).

۳. روش‌ها و گرایش‌های تفسیری، حسین علوی مهر، ص ۲۶۹.

۴. روش‌شناسی مطالعات دینی، همو، ص ۲۰۳.

۵. رک: منطق تفسیر قرآن (۲) روش‌ها و گرایش‌های تفسیر قرآن، ص ۳۶۵ به بعد.

اما در مورد نکات مطرح شده در متن فوق که روش مطالعه هرمنوتیکی را فقط بر اساس نفی نیت مؤلف دانسته، لازم است چند نکته را یادآور شویم:

نخست: دیدگاه‌های مختلف

دیدگاه‌های مختلفی در بین دانشمندان هرمنوتیک وجود دارد که برخی از آنها مبتنی بر اثبات نیت مؤلف در فهم متن است (مثل دیدگاه شلایر ماخر) و برخی دیگر مبتنی بر نفی نیت مؤلف در فهم متن است (هم‌چون دیدگاه هایدگر و گادامر). برخی از مهم‌ترین دیدگاه‌ها در مورد هرمنوتیک این‌گونه‌اند:

۱. جان مارتین کلادینوس (۱۷۱۰ - ۱۷۵۹ م.)؛ وی علوم انسانی را مبتنی بر «هنر تفسیر» می‌دانست و هرمنوتیک را نام دیگر آن قلمداد می‌کرد: هرمنوتیک، هنر دستیابی به فهم کامل و تام عبارات گفتاری و نوشتاری است، البته در مواردی که ابهام رخ می‌دهد.

۲. فردریک آگوست ولف؛ در سخنرانی‌های ۱۷۸۵ تا ۱۸۰۷ م. هرمنوتیک را این‌چنین تعریف کرد: «علم به قواعدی که به کمک آن، معنای نشانه‌ها درک می‌شود». هدف از این علم، درک اندیشه‌های گفتاری و نوشتاری شخص مؤلف یا گوینده است، درست مطابق آنچه می‌اندیشیده.

۳. فردریش ارنست دانیل شلایرماخر (۱۷۶۷ - ۱۸۳۴ م.)؛ وی به هرمنوتیک به مثابه «هنر فهمیدن» می‌نگریست. او به مسئله بدفهمی توجه کرد و بر آن بود که تفسیر متن، دائماً در معرض خطر ابتلا به سوء فهم قرار دارد؛ از این‌رو، هرمنوتیک باید به منزله مجموع قواعدی روش‌مند و روش‌آموز برای رفع این خطر به‌کار گرفته شود. وی هدف تفسیر را کشف نیت مؤلف می‌دانست^۱ و بر دو محور تأکید می‌کرد: نخست: فهم دستوری انواع عبارت‌ها و صورت‌های زبانی و فرهنگی که مؤلف در آن زیسته و تفکر او را مشروط و متعین ساخته است؛ دوم: فهم فنی یا روان‌شناختی ذهنیت خاص یا نبوغ خلاق مؤلف^۲.

۱. دکتر احمد بهشتی، هرمنوتیک، لوازم و آثار، کتاب نقد، ش ۵۰۶، ص ۵۹.

۲. همان، ص ۵۹.

۴. ویلهلم دیلتای (۱۸۳۳ - ۱۹۱۱ م.)، هرمنوتیک را دانشی می‌دانست که عهده‌دار ارائه روش‌شناسی علوم انسانی است. هدف اصلی تلاش هرمنوتیکی او، ارتقای اعتبار و ارزش انسانی و هم‌تراز کردن آن با علوم تجربی بود. او بر تمایز «فهمیدن» و «تبیین» تکیه دارد؛ تبیین حوادث طبیعی بر استخدام قوانین کلی تکیه می‌کند؛ ولی مورخ، در پی فهم اعمال عاملان حوادث است تا از طریق کشف نیت، اهداف، آمال، منش و شخصیت آنان به فهم افعالشان نایل آید. فهمیدن یعنی «کشف من در تو» و این به دلیل ماهیت بشری عام، امکان‌پذیر است. از پیروان او ماکس و بر آلمانی (۱۸۶۴ - ۱۹۲۰ م.) و یواخیم واخ آلمانی را می‌توان نام برد.^۱

۵. بابنر، از نویسندگان معاصر آلمانی؛ وی هرمنوتیک را «آموزه فهم» تعریف کرد. البته این تعریف، با هرمنوتیک فلسفی مارتین هایدگر (۱۸۸۹ - ۱۹۷۶ م.) و هانس گادامر (۱۹۰۱ م.) تناسب دارد؛ چرا که به مطلق فهم، نظر داشته و در صدد تحلیل واقعه فهم و تبیین شرایط وجودی حصول آن است و خود را در مقوله فهم متن یا در چارچوب فهم علوم انسانی محدود نمی‌کند. هایدگر، معتقد است که در جوامع بشری، جهان را از راه پیش ساخت فهم - یعنی مفروضات، انتظارات و مفاهیم - می‌فهمند؛ اینها تشکیل دهنده فهم هستند. گادامر باورهای فوق نظرات هایدگر را تأیید می‌کرد و معتقد بود: هر متن یا چیزی که از دیدگاه خاص، مورد تفسیر قرار گیرد، خود به سستی خاص تعلق دارد و افق خاصی را می‌سازد که در چارچوب آن هر چیزی قابل فهم می‌شود. این افق در اثر مواجهه با اشیاء، دائماً تعدیل می‌یابد؛ ولی هیچ‌گونه تفسیر نهایی و عینی وجود ندارد.^۲

این تعاریف نشان می‌دهد که گستره هرمنوتیک و تلقی‌ها از آن بسیار متنوع است و قلمرو مباحث آن همراه با سیر تاریخی‌اش گسترده‌تر شده و از حد معرفی هرمنوتیک به مثابه راهنمایی برای تفسیر دینی و حقوقی، تا حد آن به منزله تأملی فلسفی در باب ماهیت فهم و شرایط وجودی حصول آن، ارتقا یافته است.^۳

۱. همان، ص ۶۰.

۲. همان، ص ۶۱؛ مجله نامه فرهنگ، شماره ۱۴، ص ۱۲۸.

۳. درآمدی بر هرمنوتیک، ص ۲۷ - ۳۰ (با تلخیص).

دوم: ویژگی‌های مطالعات هرمنوتیکی قرآن

برخی از دانشمندان مصر، هم‌چون: محمد ابراهیم شریف در کتاب *اتجاهات التجدید فی تفسیر القرآن* و عفت محمد شرقاوی در کتاب *الفکر الدینی فی مواجهة العصر و نصر حامد ابو زید* در کتاب *نقد الخطاب الدینی*، به کاربرد هرمنوتیک در تفسیر قرآن روی آورده‌اند؛ پس از آن، در ایران نیز افرادی هم‌چون: محمد مجتهد شبستری در کتاب *هرمنوتیک کتاب و سنت* بدان پرداختند:

۱. فهم متن، محصول ترکیب و امتزاج افق معنایی پژوهشگر و مفسر با افق معنایی متن است؛ بنابراین، دخالت ذهنیت مفسر در فهم، نه امری مذموم، بلکه شرط وجودی حصول فهم بوده و واقعیتی اجتناب‌ناپذیر است.

۲. درک عینی متن، به معنای امکان دست‌یابی به فهم مطابق با واقع، امکان‌پذیر نیست؛ زیرا عنصر «سوبژکتیو» (ذهنیت و پیش‌داوری مفسر) شرط حصول فهم است و در هر دریافتی، لاجرم پیش دانسته‌های مفسر دخالت می‌کند.

۳. فهم متن، عملی بی‌پایان و امکان قرائت‌های مختلف از متن، بدون هیچ محدودیتی وجود دارد؛ زیرا فهم متن، امتزاج افق معنایی پژوهشگر و مفسر با متن است و به واسطه تغییر مفسر و افق معنایی او، قابلیت نامحدودی از امکان ترکیب فراهم می‌آید.

۴. هیچ‌گونه فهم ثابت و غیر سیالی وجود ندارد و درک نهایی و غیر قابل‌تغییری از متن نداریم.

۵. هدف از پژوهش و تفسیر متن، درک «مراد مؤلف» نیست؛ ما با متن مواجه هستیم، نه با پدید آورنده آن. نویسنده یکی از خوانندگان متن است و بر دیگر مفسران یا خوانندگان متن رجحانی ندارد. متن، موجود مستقلی است که با مفسر به گفت‌وگو می‌پردازد و فهم آن محصول این مکالمه است. برای مفسر اهمیتی ندارد که مؤلف و صاحب سخن، قصد القای چه معنا و پیامی را داشته است!

۱. ر.ک: احمد واعظی، درآمدی بر هرمنوتیک، ص ۵۹. ایشان این پنج مورد را به عنوان نقاط اصلی تقابل هرمنوتیک فلسفی با شیوه تفسیری رایج در میان مسلمانان مطرح می‌کند.

۶. نص قرآن، متنی زبانی است که یک محصول فرهنگی است و زبان آن مختص نخستین دریافت‌کننده است و زبان، هرگز از فرهنگ و واقعیت‌های زمان جدا نیست.^۱ نص قرآن از واقعیت‌ها و فرهنگ زمان شکل گرفته است.^۲

یادآوری: مطالبی که تحت عنوان قرآن و فرهنگ زمانه، مطرح می‌شود و برخی به قرآن نسبت می‌دهند که عناصر فرهنگ جاهلی عرب را اخذ کرده است، نتیجه و پیامد همین مطلب است.

۷. برخی نصوص قرآن، شواهد تاریخی هستند که به شرایط خاص صدور آن اختصاص دارد هم‌چون: جن، شیطان، حسد، ربا، دعا، تعویذ و احکام مربوط به بردگی، که قابل تسری به شرایط متفاوت زمان ما نیست.^۳

تذکر: هرمنوتیک با موضوعات دیگر قرآن، هم‌چون تأویل و نیز، مبحث «پلورالیسم» (تکثرگرایی) و مانند آن پیوند و تعامل دارد که از بیان همه این موارد چشم می‌پوشیم.

سوم: بررسی پیامدهای هرمنوتیک در مطالعات قرآن

۱. از جمله مسائلی که مورد توجه طرفداران هرمنوتیک قرار نگرفته و نقش تعیین‌کننده‌ای در موضوع دارد، تفاوت قرآن کریم با متون تاریخی و حتی متن کتاب مقدس (تورات و انجیل و ملحقات آنها) است.

قرآن کتابی است که همه کلمات و حروف آن از جانب خدای متعال نازل شده و مؤلف - به معنای متعارف - ندارد؛ یعنی سخن بشری نیست. همان‌طور که خود قرآن بارها تکرار کرده است، پیامبر اسلام ﷺ که نقل‌کننده این سخن برای ماست، حق ندارد کلمه‌ای از وحی را کم یا زیاد کند و گرنه مجازات می‌شود.^۴

پیامبر اکرم ﷺ تا آن اندازه در مورد نقل کلام الهی دقت داشته و مواظبت نموده

۱. ر.ک: دکتر نصر حامد ابو زید، مفهوم النص، ص ۲۴.

۲. همان، ص ۲۰۱.

۳. همان، ص ۲۱۵ - ۲۲۰.

۴. حاقه، ۴۶.

که حتی واژه «قل» را نیز حکایت می‌کند. درحالی‌که مسیحیان و یهودیان در مورد متن «تورات» و «انجیل» چنین ادعایی ندارند. انجیل توسط چهار نفر (لوقا، متی، یوحنا و مرقس) نوشته شده از این رو به چهار صورت متفاوت درآمده است. آنان پس از عیسی و در زمان‌های تقریباً متفاوت زندگی می‌کرده‌اند؛ بنابراین برخی زبان و فرهنگ زمانه آنان در انجیل بازتاب یافته است.

تورات نیز پس از فوت حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام نوشته شده و برخی قسمت‌های آن هشتصد سال پس از آن حضرت توسط افراد مختلف تهیه شده است؛ از این رو می‌تواند برخی عناصر فرهنگی و حتی خرافی در آن راه یافته باشد. اما با توضیحی که بیان شد قرآن این‌گونه نیست؛ چرا که کتابی تحریف نایافته است؛ کلامی بشری نیست و نمی‌تواند باز یافت فرهنگ زمانه خود باشد.

۲. در برخی از متون تاریخی، از جمله تورات تحریف شده، مسائل خرافی و ضد اخلاقی (هم‌بستر شدن لوط با دخترانش) و مطالب ضد علم (مثل ممنوعیت آدم از درخت علم) و... یافت می‌شود. اما «قرآن کریم» با خرافات و انحرافات جامعه عرب جاهلی (هم‌چون شرک، شراب‌خواری، زنا، برخی اقسام طلاق، دخترکشی و...) مخالفت کرد. و اگر مطالبی از فرهنگ عرب (هم‌چون حج و...) را تأیید کرد (و در همان حال تصحیح هم نمود) به دلیل آن بود که ریشه آنها الهی بود؛ یعنی «حج ابراهیمی» را تأیید کرد؛ چرا که یادگار پیامبر بزرگ الهی بود.

بنابراین اگر جن، شیطان و مانند آنها واقعیت نداشت، آنها را تأیید نمی‌کرد؛ هم‌چون خرافه «غول» که در فرهنگ عرب موجود بود ولی قرآن از آن یاد نکرد. بنابراین می‌توان گفت که قرآن تابع فرهنگ زمانه نشد، بلکه عناصر مثبت و صحیح آن را تأیید و عناصر منفی آن را رد کرده است.^۱

۳. تأثیر پیش دانسته‌ها و ذهنیت مفسر - و هر پژوهشگر علوم تجربی یا علوم انسانی - بر مورد مطالعه، امری مسلم است و اگر این تأثیر زیاد باشد، منتهی به

۱. علم و دین، ایان باربور، ترجمه خرمشاهی، ص ۱۳۰.

۲. رابطه قرآن و فرهنگ زمانه را در مقاله‌ای تحت همین عنوان در مجله معرفت، ش ۲۶، مورد بررسی قرار داده‌ایم.

تفسیر به رأی و تحمیل نظر بر متن مورد مطالعه می‌شود و تفسیر را غیر معتبر می‌سازد. از این رو به همه پژوهشگران و مفسران لازم است که تلاش کنند تا این تأثیر را به حداقل برسانند؛ ولی باید اذعان داشت که تأثیر حداقل، پژوهش و تفسیر را غیر معتبر نمی‌سازد.

۴. در مورد قرائت‌های مختلف و نامحدود متن چند نکته قابل ذکر است:

نخست: آن‌که قرآن دارای بطون و لایه‌ها و سطوح مختلف فهم است (همان‌طور که در احادیث متعدد به این مطلب اشاره شده است).^۱

بنابراین اگر قرائت‌های مختلف، به این معنا باشد، این موافق طبیعت قرآن است و مانعی ندارد که قرائت‌های مختلف و فهم‌های متنوعی از آن به وجود آید.

دوم: آن‌که وجود تفسیرهای متنوع از «قرآن کریم» واقعییتی مبارک است و موجب رشد فهم ما از قرآن می‌شود؛ یعنی: هر روز فهم‌های عمیق‌تر و دقیق‌تری از کلام الهی حاصل آمده و لایه‌های جدیدی از آن روشن می‌شود.

سوم: آن‌که فهم‌ها و تفسیرهای قرآن هر قدر هم که زیاد شود، بی‌ضابطه و معیار نیست، بلکه قواعد و ملاک‌هایی برای تشخیص تفسیرهای صحیح و باطل وجود دارد (همان‌طور که در بخش قبل بیان کردیم)؛ یعنی: بر اساس قواعد منطقی، اصول عقلایی (محاورة (اصول فقه) و قواعد تفسیری، به‌ویژه «قاعده تفسیر به رأی»، می‌توان سره را از ناسره تشخیص داد؛ بنابراین، فهم‌ها و تفسیرهای نامحدود به وجود نیامده و قرائت‌پذیری متن، بی‌انتهای، بی‌معیار و دلخواه نخواهد بود؛ بلکه تفسیرهای معتبر و محدودی در قلمرو و چارچوب قواعد تفسیر باقی می‌ماند و هرکس حق ندارد نمی‌تواند تفسیر دلخواهی از قرآن ارائه کند.

۵. در مورد فهم‌های سیال و غیرثابت، چند نکته قابل ذکر است:

نخست: آن‌که فهم بشری تحت تأثیر پیشرفت‌های بشری و علوم قرار می‌گیرد و

۱. عن الصادق عليه السلام: «ان للقرآن ظاهرا و باطنا» عن الباقر عليه السلام: «ان للقرآن بظنا و للبطن بطن». نک: کافی، ج ۱، ص ۳۷۴؛ بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۹۰ ۹۱؛ تفسیر صافی، ج ۱، ص ۲۸ ۲۹؛ و مشابه آنها از اهل سنت در الاتقان، سیوطی، ح ۴، ص ۲۲۵ و ۲۲۶.

رشد می‌کند؛ این مطلب به صورت موجبه جزئیه، صحیح است، اما این به معنای رشد علم و فهم بشری است و چیزی مبارک و نیکو است.

دوم: آن‌که ما سه‌گونه فهم و تفسیر داریم، تفسیرهای قطعی (مثل نصوص) تفسیرهای ظنی (مثل ظواهر) و تفسیرهای خطا که مفسر به دلایل مختلف دچار می‌شود.

برای مثال: جمله «کل بزرگ‌تر از جزء است» یا جمله «جمع متناقضین محال است» از اصول ثابت فکر بشری است که تغییر نمی‌کند. هم‌چنین نصوص «قرآن کریم» (مثل وحدانیت خدا) در گرایش‌ها، مذاهب و مکاتب مختلف تفسیری تغییر نمی‌کند.

پس ما فهم‌ها و تفسیرهای مختلف و سیال از متون داریم و وجود یکی، دیگری را نفی نمی‌کند. البته این بدان معنا نیست که فهم ما از متن، خطاناپذیر و نهایی است؛ چرا که علوم بشری و فهم ما از قرآن در حال تکامل است؛ ولی در هر مرحله، اگر تفسیر براساس معیارهای صحیح انجام شده باشد معتبر و حجت خواهد بود.

سوم: این‌که اگر بنا باشد که همه فهم‌ها و تفسیرهای بشری متغیر و غیرثابت باشند، پس خود همین ادعای هرمنوتیکی که «هیچ‌گونه فهم ثابت و غیر سیالی وجود ندارد» نیز، خود، در معرض تغییر است؛ یعنی: این جمله تناقض نما و پارادوکس است که اول خودش را در معرض بطلان قرار می‌دهد. بنابراین، اگر ما نسبت فهم بشری را به طور کلی بپذیریم، هیچ فهم ثابتی نخواهد بود و همه علوم بشری زیر سؤال می‌رود از جمله خود این ادعا.

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

از مطالب گذشته به این نتیجه رسیدیم که برخی دیدگاه‌ها در هرمنوتیک متون، می‌تواند با تفسیر قرآن سازگار باشد (هم‌چون تأکید بر فهم نیت گوینده که در تفسیر قرآن نیز مورد تأکید است)؛ ولی برخی دیدگاه‌ها که منتهی به نسبت در فهم و عدم تطابق فهم با واقع یا بی‌اعتنایی به نیت مؤلف می‌شود، با تفسیر قرآن ناسازگار است.

هم‌چنین روشن گردید که نتایج هرمنوتیکی تفسیر متون ادبی، هم‌چون تأثیرپذیری مطلق از فرهنگ زمانه در مورد قرآن صادق نیست. البته برای هرمنوتیک و رابطه آن با تفسیر قرآن نیازمند بحث و تحقیق بیشتری است.

هشتمین تقسیم روش تحقیق در مطالعات قرآنی (زبان‌شناسی، نشانه‌شناسی و...)

براساس مطالعات زبان‌شناختی در دهه‌های اخیر، روش‌های تحقیق جدیدی در تفسیر و علوم قرآن رخ نموده‌اند؛ از جمله پیدایش و رشد دانش زبان‌شناسی مثل «آواشناسی، کاربردشناسی، ریشه‌شناسی و معناشناسی» و نیز دانش نشانه‌شناسی و زبان قرآن که هر کدام از آنها به نوعی در فهم و تفسیر آیات قرآن مؤثر هستند؛ بنابراین پژوهشگران قرآنی نمی‌توانند از کنار این‌گونه مطالعات به راحتی عبور کرده و آنها را در تحقیقات قرآنی نادیده انگارند. به‌ویژه آن‌که برخی از این دانش‌ها و شاخه‌های آن به صورت روش تحقیق و مطالعه رخ نموده‌اند.^۱

الف) مطالعات زبان‌شناسی و شاخه‌های آن

مفهوم‌شناسی: زبان، نظامی قراردادی از نشانه‌هاست. نظام‌های نشانه‌شناختی ممکن است مجموعه‌ای از رنگ‌ها، علائم آوایی، علائم نوشتاری و... باشند. نظام‌های مختلف نشانه‌ای در زندگی وجود داشته و به‌کار گرفته می‌شوند. دانش «نشانه‌شناسی»^۲ به مطالعه این نظام‌های نشانه‌ای می‌پردازد؛ اما اهمیت ویژه و حجم وسیع زبان، موجب شده تا دانشی مستقل به مطالعه آن پردازد، بنابراین در نشانه‌شناسی به نشانه‌های غیر زبانی پرداخته می‌شود و در «زبان‌شناسی» به‌طور خاص به‌گونه خاصی از نشانه‌ها که نشانه‌های زبانی باشند، پرداخته می‌شود. نسبت زبان‌شناسی و نشانه‌شناسی از جهت تاریخ پیدایش و گسترش عکس نسبت منطقی آنهاست. زبان گرچه خود زیر مجموعه و جزئی از دنیای نشانه‌هاست و از این جهت زبان‌شناسی نیز بخشی از نشانه‌شناسی به‌شمار می‌رود؛ اما از جهت تاریخی، نشانه‌شناسی، خود در دامان زبان‌شناسی تولد و رشد و گسترش یافته است. گسترش و پیشرفت زبان‌شناسی در سده‌های اخیر، این اندیشه را مطرح ساخت که درباره نشانه‌های غیر زبانی نیز می‌توان مطالعه کرد و به این‌گونه بود که زمینه‌های پیدایش

۱. در تدوین این قسمت از مقاله «دانش زبان‌شناسی و کاربردهای آن در مطالعات قرآنی»، دکتر علی معموری و مقاله در «دانش نشانه‌شناسی و قرآن» دکتر علیرضا قائمی‌نیا» در مجله تخصصی قرآن و علم، شماره اول، بهره بردیم.

دانشی نوین با عنوان نشانه‌شناسی فراهم آمد برای نخستین بار و دوسوسور زبان‌شناس معروف سوئیسی از امکان وجود دانش نشانه‌شناسی یاد کرد.^۱

زبان، پدیده‌ای ایستا^۲ نیست؛ بلکه در بستر جامعه و تاریخ شکل می‌گیرد، پیشرفت می‌کند و گسترش می‌یابد. زبان، مقوله‌ای اجتماعی است و ماهیت تاریخی داشته، در پیوند تنگاتنگ با ابعاد دیگر زندگی اجتماعی چون: فرهنگ، دانش و دین است. زبان یک موجود ارگانیک^۳ یا اندام‌وار است که دارای ابزار و آلات و ادوات مختلفی چون انسان است انسان که از دست، پا، چشم، گوش و... برخوردار است و همه این اعضا در قالب یک سیستم و نظام با یک‌دیگر در تعامل بوده و هدف و کارکردی خاص را ایفا می‌کنند. زبان، دارای اعضا و ساختار سازه‌ای، واجی، دستوری، معنایی، ریشه‌ای و... است و تمام این ساختارها، ساختارهای مستقل از یک‌دیگر نبوده بلکه هم‌چون اعضای بدن انسان که در قالب یک واحد عمل می‌کنند.^۴

شاخه‌های زبان‌شناسی و کاربرد آنها در مطالعات قرآنی^۵

۱. آواشناسی: دانش آواشناسی Phonetics به مطالعه صورت مادی زبان می‌پردازد و چگونگی تولید صدا به وسیله اندام‌های صوتی انسان را مورد مطالعه قرار می‌دهد. دانش مشابه و معادل آن در حوزه دانش‌های سنتی ما دانش «مخارج الاصوات» است که کاربرد فراوان در علم «تجوید» دارد. مخارج‌الاصوات در تجوید تفاوت روشنی با آواشناسی دارد. پیشرفت علوم در بسیاری از زمینه‌ها مانند فیزیولوژی و آناتومی بدن این امکان را در اختیار آواشناسان قرار داده تا بتوانند به شکل دقیق و علمی، مخارج حروف را تعیین کنند. آنان برای توصیف هر آوا آن را به صورت مجموعه‌ای از

۱. نک: دینه سن، ۱۳۸۰ ش، ۵ - ۲۰ و نیز اگرادی، بی‌تا؛ برای آگاهی بیشتر از تاریخ زبان‌شناسی نک: رایبیز، ۱۳۷۰ ش.

2. Static.
3. Organic.

۴. نک: ۹ - ۱، Hayes، و نیز هال، ۱۳۵۰ ش و باطنی، ۱۳۶۴ ش.

۵. در این قسمت از مقاله «قرآن و زبان‌شناسی» دکتر علی معموری، در مجله تخصصی «قرآن و علم» شماره ۱، ۱۳۸۶ ش استفاده شد.

ویژگی‌های مشخص مانند: واکه‌ای، رهش، قدامی، تیغه‌ای و... تجزیه کرده تا ترکیب آنها سازنده آوای مورد نظر، باشد.^۱ مخارج در تجوید بسیار محدود و غیر دقیق توصیف می‌شوند. از این رو آواشناسی می‌تواند به ساماندهی و بازسازی دانش تجوید یاری‌رسانده، آموزش قرآن را تا اندازه زیادی آسان، سریع و دقیق سازد.

۲. **نحوشناسی:** دانش نحوشناسی Syntax به دستور زبان می‌پردازد. زبان‌شناسان نحوی در پی استخراج قواعد دستور زبان و تدوین آن به صورت یک سیستم نظام‌مند هستند و تلاش پیوسته در آسان‌سازی روش یادگیری این قواعد دارند. دانش نحو در زبان‌شناسی کاملاً جنبه تجربی داشته و پیوسته در حال تحوّل و تغییر است. این در حالی است که نحو عربی، قرن‌ها است که تحوّل و پیشرفتی را به خود ندیده و نظامی را که سیبویه نزدیک به هزار سال پیش در «الکتاب» استخراج نمود، هنوز معتبر شمرده شده و نحو عربی بر همان مبنا استوار است. نظام نحو عربی، افزون بر مشکل رکود و تحوّل‌گریزی از مشکل جدی دیگری رنج می‌برد. بخش‌های فراوانی از این دانش، نه بر پایه مطالعات تجربی زبان که بر پایه تفکرات انتزاعی در زبان، ساخته و تدوین شده است. نحو، یک مجموعه نظام‌مند است و امری حقیقی و نه اعتباری است. نحو باید کشف و شناسایی شود، نه آن‌که ساخته و پرداخته گردد. نحوشناسان، خود را مکتشف و نه مخترع می‌دانند. دستور هر زبانی درون ساختار آن قرار دارد و همه ما به‌طور ناخودآگاه از دوران نوزادی آن را فراگرفته و بر مبنای آن تکلم می‌کنیم؛ بدون آن‌که به طور دقیق بدانیم چه کاری انجام می‌دهیم.^۲

تقسیم افعال، نمونه بارز نگرش انتزاعی در نحو است. افعال در فارسی و انگلیسی بر سه قسم «گذشته»، «حال» و «آینده» تقسیم می‌شوند که عامل زمان، مبنای این تقسیم است. افعال در زبان عربی بر سه قسم «ماضی»، «مضارع» و «امر» تقسیم می‌شوند. تقسیمی که در زبان عربی به کار می‌رود، نامتوازن و ناسازگار با واقعیت زبان است. دوگونه نخست افعال بر مبنای عامل زمان تقسیم شده و تقسیم امر و غیر امر، بر مبنای

۱. برای آگاهی بیشتر نک: حق‌شناس، ۱۳۶۹ ش؛ هایمن، ۱۳۶۸ ش؛ یارمحمدی، ۱۳۶۴ ش.

۲. برای آگاهی بیشتر از مبانی نحو جدید نک: باطنی، ۱۳۷۰ ش.

اخباری و انشایی بودن است. ریشه این اشکال به این بر می‌گردد که دستور زبان را به شکل یک سیستم یک‌پارچه و واحد در نظر نگرفته‌اند. افزون بر آن در بسیاری از موارد افعال، ماضی و مضارع در معنایی غیر از زمان مخصوص به آنها به کار می‌روند. برای نمونه: فعل ماضی در بسیاری از کاربردهای خود صرفاً به قطعیت و تردیدناپذیری وقوع یک حادثه - و رای زمان آن - اشاره دارد. نمونه‌های این نوع افعال در قرآن فراوان دیده می‌شود که معمولاً دستورپژوهان و مفسران در توجیه آن به زحمت فراوان افتاده‌اند. در واقع تقسیم افعال بر مبنای زمان، امری الزامی و غیر قابل تغییر نیست و چه‌بسا بتوان تقسیمات دیگری، متناسب با ساختار دستوری زبان عربی پیشنهاد کرد.^۱

تفاوت دیگر دانش نحو نوین با نحو سنتی در زبان عربی در ارائه معیارهای کیفی و کمی است. در نحو سنتی، بیشتر نقش‌های زبانی به صورت کیفی تعریف می‌شوند و فراوان پیش می‌آید که در تشخیص نقش یک واژه در جمله، امکان اطلاق بیش از یک نقش بر آن وجود دارد؛ درحالی‌که نقش‌ها در نحو نوین کاملاً کمی تعریف شده و امکان آمیختگی بین نقش‌ها بسیار کمتر است. برای نمونه: مجموعه وسیعی از نقش‌ها در نحو سنتی زبان عربی با نام «مفعول» شناخته می‌شوند؛ درحالی‌که هیچ‌وجه مشترکی بین برخی از آنها و برخی دیگر وجود ندارد. این نقش‌ها در نحو نوین هر یک جداگانه تحلیل شده و برخی به صورت «متمم» و برخی دیگر «قید» به شمار می‌روند و هر یک جداگانه تبیین و تحلیل می‌شود. نمونه دیگر نقش «موصول» است که فاقد معنای مشخصی در نقش‌های دستوری است؛ درحالی‌که موصول در نحو نوین به صورت ادوات ربط بین جملات معرفی می‌شوند.

آشنایی با نحو در زبان‌شناسی نوین به پیشرفت و گسترش نحو عربی انجامیده و افزون بر آن در ترجمه قرآن نیز نقش مهمی ایفا می‌کند؛ زیرا یکی از مشکلات ترجمه شناسایی و تحلیل درست نقش هر کلمه و یافتن معادل دقیق آن در زبان مقصد است.

۳. کاربردشناسی: دانش کاربردشناسی Pragmatism به کاربرد زبان و ارتباط آن با ابعاد مختلف زندگی بشر می‌پردازد؛ برای مثال: از این جمله می‌توان دو برداشت

۱. برای آگاهی بیشتر، نک: معموری، ۱۳۸۶.

متفاوت کرد: «تنبیه حسن، بی مورد بود.» می‌توان در یک‌جا حسن را فاعل در نظر گرفت و در جای دیگر حسن را مفعول خواند. دانش کاربردشناسی، به شکل مشخص روی چنین مواردی کار می‌کند که البته چنین مواردی در زبان بسیار زیاد هستند^۱. دانش کاربردشناسی در تحلیل آیات متشابه و نیز آیات مشتبهات می‌تواند سودمند واقع شود؛ زیرا بسیاری از آیاتی که آنها را متشابه می‌دانیم، ناشی از وجود پیچیدگی معنایی نیست؛ بلکه ناشی از وجود یک ساختار مشخص است که امکان فهم بیش از یک معنا در آن وجود دارد. کاربردشناسی با تحلیل بافت درونی و بیرونی متن و جایگاه قرارگیری عبارت مورد نظر درون متن به حل این نوع مشکلات زبانی یاری می‌رساند.

۴. **زبان‌شناسی تاریخی:** این دانش سیر تاریخی پیدایش زبان و سیر گسترش و پیشرفت آن را مورد مطالعه قرار می‌دهد. زبان یک پدیده پویا Dynamic و نه ایستا Static است؛ بنابراین ساختارهای گوناگون آن ممکن است در طول تاریخ دگرگون شده و ساختاری به جای ساختار دیگر بنشینند. شناسایی این تحولات در فهم متون کهن نقش و اهمیت فراوانی دارد^۲.

برای نمونه به ساختار «ی» نسبت در قرآن اشاره می‌کنیم. موارد کاربرد این ساختار در قرآن کمتر از تعداد انگشتان یک دست است؛ اما امروزه در زبان عربی، استفاده از «ی» نسبت بسیار زیاد است؛ بنابراین در این جا یک تفاوت آشکار مشاهده شده و زبان دچار تحوّل گردیده است: ساختاری که قبلاً به کار نمی‌رفته، اکنون فراوان به کار می‌رود. زبان‌شناسان تاریخی در این موضوع به این مسئله می‌پردازند که اگر «ی» نسبت نبود، نیاز به «ی» نسبت که بود. پس عرب زبانان به جای «ی» نسبت از چه چیزی استفاده می‌کردند؟ جایگزین «ی» نسبت در قرآن «من بیانیه» است. به دلیل این که این ساختار متداول نبوده، امکان استفاده از «ی» نسبت هم در قرآن خیلی زیاد به چشم نیامده است. زبان‌شناسی تاریخی، تأثیر زیادی در مطالعه علم بلاغت داشته و در فهم و تفسیر قرآن نقش مهمی ایفا می‌کند. در حوزه نقد حدیث و نیز نقد قرائات نیز به همین صورت مؤثر است.

۱. برای آگاهی بیشتر نک: یول، ۱۳۸۵ ش.

۲. برای آگاهی بیشتر نک: آرلاتو، ۱۳۷۳ ش، ص ۱۱ - ۳۴.

۵. ریشه‌شناسی: دانش ریشه‌شناسی Etymology به شناخت ریشه‌های کلمات می‌پردازد و معادل آن در دانش‌های سنتی ادبیات عرب همان «علم‌الاشتقاق» است. ریشه‌شناسی همانند سایر شاخه‌های زبان‌شناسی، دانشی کاملاً تجربی است و بر مبنای مستندات تاریخی، ریشه واژگان را استخراج نموده و سیر پیدایش و پیشرفت آنها را تحلیل می‌کند. در ریشه‌شناسی، صرفاً به سیر تحولات ریشه درون یک زبان بسنده نشده و پیشینه آن در زبان‌های دیگر نیز دنبال می‌شود. معادل این نوع مطالعات در علوم قرآنی، همان موضوع «مغربات» یا به اصطلاح جدید «واژگان دخیل» است. ریشه‌شناسی، تأثیر بسیار زیادی در دانش مفردات قرآن و به تبع آن در دانش تفسیر دارد و ممکن است دانش تفسیر را کاملاً متحول کند و به طور خاص در مفردات قرآن تأثیر بگذارد و به واسطه مفردات تأثیر خود را در حوزه تفسیر آشکار نماید.

مطالعات نسبتاً فراوانی در حوزه ریشه‌شناسی واژگان قرآنی وجود دارد که متأسفانه تعداد کمی از آنها به فارسی برگردان شده است. کتاب «واژگان دخیل» اثر آرتور جفری از معروف‌ترین منابع در این حوزه است که در کتابنامه آن نیز به منابع متعدد دیگری در این موضوع می‌توان دست یافت.^۱

۶. معناشناسی: دانش معناشناسی Semantics به پیدایش معنا و سیر پیشرفت و تحولات آن می‌پردازد و روابط معنایی بین مفاهیم مختلف را شناسایی نموده، شبکه‌ای از معانی مرتبط به هم را استخراج می‌کند.^۲ معناشناسی، به‌ویژه در تفسیر موضوعی قرآن نقش فراوانی ایفا می‌کند؛ زیرا این امکان را برای ما فراهم می‌کند که روابط معنایی مفاهیم مختلف قرآنی را به شیوه‌ای روشمند استخراج نموده، از این روابط به نظریه‌ای در موضوع مورد بحث دست یابیم.

کتاب مفاهیم اخلاقی دینی در قرآن اثر ایزوتسو از نمونه‌های بارز این نوع مطالعات است. نکته جالب توجه در این کتاب آن است که مفاهیم مختلف اخلاقی در قرآن در ضمن یک شبکه معنایی گسترده دیده شده‌اند که ما را سرانجام به نظریه‌ای قرآنی در موضوع نظام اخلاقی می‌رساند. ویژگی مهم دیگر رهیافت معناشناسانه این پژوهش آن

۱. هم‌چنین برای آگاهی بیشتر از ریشه‌شناسی و کاربردهای آن و برخی منابع مهم آن نک: معموری، ۱۳۸۴ ش.

۲. نک: صفوی، ۱۳۸۳، ۵-۲۵ و برای مطالعه بیشتر درباره معناشناسی: پالمر، ۱۳۶۶ ش؛ شعیری، ۱۳۸۱ ش.

است که روابط معنایی بین مفاهیم قرآنی بر اساس معیارهای علمی قابل قبولی بر مبنای شناسایی روابطی چون جانشینی، هم‌نشینی، تضاد و... استخراج شده و به ندرت به منابع لغوی بسنده شده است. یکی از مشکلات جدی منابع لغوی در زبان عربی، فاصله نسبتاً طولانی بین تاریخ تدوین آنها و عصر نزول قرآن است. این فاصله که تحولات فراوانی را در زبان عربی شاهد بوده است، موجب بی‌اعتمادی پژوهشگران نسبت به منابع لغوی می‌شود؛ از این رو اگر بتوان روشی معتبر در فهم روابط معنایی را به کار گرفت که به خصوص منابع لغوی بسنده نمی‌کند، می‌توان تحول و اعتبار بیشتری به مطالعات قرآنی بخشید.

ب) نشانه‌شناسی^۱:

مفهوم‌شناسی و تاریخچه: مباحث نشانه‌شناسی از مهم‌ترین مباحثی است که در قرن بیستم شکل گرفته است در انگلیسی زبان‌ها واژه سیمیوتیکس Semiotics را درباره آن به کار می‌برند؛ فرانسوی زبان‌ها از واژه سیمیولوژی استفاده کرده semiology و عربها «علم العلامات» یا «العلاماتین سیموتیکا» را به کار می‌برند.

خود واژه سیمیوتیک semiotics از یونان باستان به ارث رسیده است. در یونان باستان در حوزه پزشکی معمولاً به تشخیص علائم بیماری‌ها، علم نشانه‌شناسی گفته می‌شد و واژه مزبور در این معنا به کار می‌رفت.

در قرن بیستم دو متفکر، مستقل از هم به بحث از نشانه‌ها پرداختند. این دو متفکر بی‌خبر از هم این بحث‌ها را گسترش دادند. مبدأ پیدایش علم نشانه‌شناسی در قرن بیستم شدند:

نخست: نخستین نشانه‌شناس، فردیناند دوسوسور زبان‌شناس سوئیسی است که به عنوان پدر زبان‌شناسی نیز، مطرح است. نوشته‌های وی به فارسی ترجمه شده و مهم‌ترین کتابش **درس‌های همگانی زبان‌شناسی** است. ایزوتسو مطالعات وی را در تفسیر قرآن به کار گرفته و اساس و محور کارش قرار داده و نتایجی را از آن در تفسیر قرآن به دست آورده که بعداً بدان اشاره می‌شود.

۱. در این بخش از مقاله «قرآن و نشانه‌شناسی» دکتر علیرضا قائمی نیا در مجله تخصصی قرآن و علم، ش ۱، ۱۳۸۶ ش استفاده شد.

سوسور می‌خواست زبان‌شناسی جدید به وجود بیاورد و می‌خواست یک مبنای جدید و یک گرایش جدید در زبان‌شناسی به وجود بیاورد و می‌خواست زبان‌شناسی را به صورت یک دانش در بیاورد.

دوم: شخص دیگری که هم‌زمان با سوسور در دهه پنجاه و شصت بحث نشانه‌شناسی را آغاز کرد، فیلسوف آمریکایی چارلز ساندرس پرس است. او نمی‌خواست نشانه‌شناسی را به صورت یک علم درآورد، بلکه می‌خواست تحولی در فلسفه جدید غرب که از زمان دکارت شروع شده، گسترش یافته بود و تا زمان ما ادامه دارد، به وجود آورد؛ یعنی تحولی در فلسفه به وجود بیاورد. به اعتقاد پرس مغلطه‌ای که فلسفه غرب در دام آن گرفتار شده بود این بود که بحث از نشانه‌ها را فراموش کرد و مستقیماً سراغ مدل‌های نشانه‌ها و اندیشه رفت و این کار از دکارت آغاز شد.

برنامه‌ای که پرس آغاز کرد یک دانش حقیقی و واقعی و یک دانش معرفت‌شناسی امروزی بود که او اسمش را «منطق» می‌گذاشت و می‌گفت: «نشانه‌شناسی همان منطق به معنای عام است. دانشی عام باید به وجود بیاید که از ارتباط نشانه‌ها با اندیشه‌ها گفت‌گو کند و مرکز عام معنا همان بحث معناشناسی است».

پرس هم‌زمان با سوسور بحث نشانه‌شناسی را در عصر جدید به وجود آوردند؛ ولی با یک بستر متفاوت. پرس در بستر مباحث فلسفی و معرفت‌شناسی و سوسور در بستر و مباحث زبان‌شناسی این بحث‌ها را دامن زدند؛ بنابراین نشانه‌شناسی پرس نشانه‌شناسی فلسفی نام گرفت و نشانه‌شناسی سوسور نشانه‌شناسی زبان‌شناختی نام گرفت. این دو نشانه‌شناسی مستقل از هم به وجود آمده و مباحث آنها کاملاً از یکدیگر متفاوت بود و ارتباط چندانی با هم نداشت. در پی آن مکاتب بسیاری به وجود آمدند تا این دو را با هم تلفیق دهند؛ از جمله این مکاتب «ساختارگرایی» و «پساساختارگرایی» فرانسوی و «نشانه‌شناسی تفسیری» که فیلسوف ایتالیایی امبرتو اکو را به وجود آورد و تصمیم گرفت که تا تمام رویکردهای نشانه‌شناسی را با هم لحاظ نموده و به صورت یک دیدگاه جامع در تفسیر متون از آن کمک بگیرد؛ لذا نام آن را نشانه تفسیری گذاشتند. امبرتو اکو در این زمینه آثار بسیار گسترده‌ای را ارائه نموده است.

از جمله آثار او نشانه‌شناسی و فلسفه زبان است که نخست به زبان ایتالیایی منتشر شده و با پنج فصل و بعد با تکمله‌ای با هفت فصل به زبان انگلیسی ترجمه شده است. این کتاب با عنوان **السیمیا و فلسفة اللغة** به زبان عربی نیز ترجمه گردید. کتاب دیگر به نام **خواننده در روایت و داستان**، با عنوان **القاری فی الحکایة** از کتاب‌های مهم امبرتو اکو به زبان عربی است. هم‌چنین رمانی از اکو سال‌ها پیش به فارسی ترجمه شده به نام **گل رز** که اثر مشهوری است و اهداف نشانه‌شناختی را در آن مطرح کرده است؛ ولی از جمله منابع مهم به شمار نمی‌آید.

از جمله تحلیل‌ها در مورد نشانه‌شناسی از ایزوتسو ژاپنی است. که آن را از سوسور گرفته است. ایزوتسو دو کتاب راجع به مباحث قرآنی دارد و در واقع اولین کسی است که مباحث واژه‌شناسی جدید را در معناشناسی و تفسیر قرآن به کار گرفته است و از این جهت بر همه تقدم زمانی دارد. آثار او در این زمینه عبارتند از: ۱. **خدا و انسان در قرآن**؛ ۲. **مفاهیم اخلاقی در قرآن** که هر دو به فارسی ترجمه شده‌اند. تفاوت این دو کتاب در این است که در کتاب نخست وی مبانی زبان‌شناسی و نشانه‌شناسی سوسور را در فهم معناشناسی قرآن مطرح می‌کند. او با ارائه روش‌هایی در این اثر بیان می‌کند که برای فهم معانی قرآن چه باید کرد. کتاب دوم او تطبیقی است از آن مبانی و مفاهیم اخلاقی و دینی قرآن. در واقع اثر اول کلی است و روش می‌دهد و اثر دوم تطبیقی است و در مورد حوزه مفاهیم اخلاقی قرآن همان روش را به کار می‌گیرد. او در کتاب دوم «مفاهیم اخلاقی و دینی در قرآن» می‌گوید: «من می‌خواهم کاری انجام بدهم که خود مفاهیم و واژه‌های قرآن با شما صحبت کنند؛ واژه‌های اخلاقی قرآن زبان باز کنند و با شما سخن بگویند. و ببینید اخلاق در قرآن چیست؟ وقتی شما می‌خواهید که نظام اخلاقی را در قرآن پیدا کنید قرآن چگونه با شما صحبت می‌کند؟» اما او همان روش‌هایی را به کار می‌گیرد که در کتاب اول، آنها را مورد بحث قرار داده است. او در کتاب اول که بیشتر در مقدمه‌اش این روش را بسط و توضیح داده، با این نکته آغاز کرده که قرآن یک انقلاب در جهان بینی عرب به وجود آورد، قرآن نگرش جهان بینی اعراب جاهلی را تغییر داد. چگونه قرآن جهان بینی عرب جاهل را تغییر داد. این مجموعه

نظام معنایی جدید، معلول نظام معنایی جدیدی است؛ یعنی به عرب‌ها مجموعه‌ای از نظام معنایی جدید را داد. این مجموعه نظام معنایی جدید را از کجا آورد؟ آیا قرآن واژه‌های جدیدی را جعل کرد تا این واژه‌ها معانی جدیدی داشته باشند تا این معانی یک جهان‌بینی جدیدی را طراحی کند؟ نه. قرآن بر تن همان واژه‌های کهن، معانی جدیدی را جایگزین کرد. و از این راه جهان‌بینی نوینی را به وجود آورد. انقلاب قرآن در اصل یک انقلاب معناشناختی است که واژه‌های کهن و مواد اولیه موجود را گرفته و بر تن آنها معانی جدیدی پوشاند و از این‌جا انقلابی در جهان‌بینی عرب پدیدار شد. این امر در واقع به ارتباط جهان‌بینی و معناشناسی اشاره دارد؛ یعنی: این اصل مهم که جهان‌بینی زائیده معناشناسی بوده و جهان‌بینی قرآنی یک جهان‌بینی زبان‌شناختی است. بنابراین اگر بخواهیم جهان‌بینی قرآن را بفهمیم باید به تحلیل زبان قرآن پردازیم.

مباحث تطبیقی زبان‌شناسی و نشانه‌شناسی در مورد علوم قرآن و تفسیر نیز در زبان عربی بسیار به چشم می‌آید. از جمله محمد مفتاح در کتاب *دینامیه النص* که در مغرب جایزه بین‌المللی کتاب سال را دریافت نمود پیرامون نشانه‌شناسی سخن گفته است و در مورد بحث‌های نشانه‌شناسی سوسور و گرامس نیز، مطالبی را عنوان نموده است؛ به‌طور کلی در تعریف نشانه‌شناسی می‌توان گفت: دانشی است که از نشانه‌ها و دلالت در مقام ارتباط بشری سخن می‌گوید. نشانه‌شناسی از هر نشانه‌ای بحث نمی‌کند؛ به عنوان مثال از آسمان و ستاره که دلیل بر وجود خداست بحث نمی‌کند؛ ولی از نشانه‌هایی بحث می‌کند که در مقام ارتباط به‌کار می‌روند؛ مثلاً: من می‌خواهم با شما ارتباط زبانی برقرار کنم یک سری نشانه‌های زبانی را به‌کار می‌گیرم؛ این نشانه‌ها در مقام ارتباط به کار رفته‌اند. اولاً: نشانه‌ها قراردادی هستند، نه نشانه‌های طبیعی و غیر قراردادی؛ ثانیاً: این نشانه‌ها در مقام ارتباط بشری به کار می‌روند، خواه ارتباط زبانی باشد یا غیر زبانی؛ به عنوان مثال، وقتی شما با مخاطب ارتباط برقرار می‌کنید (حالا با هر وسیله‌ای) در این ارتباط، یک سری نشانه‌هایی را بکار می‌برید. بنابراین نشانه‌شناسی نشانه‌ها و دلالت‌های آنها را در مقام ارتباط مورد بررسی قرار می‌دهد.

تفاوت نشانه‌شناسی با هرمنوتیک و زبان‌شناسی

«نشانه‌شناسی» با علومی مانند «هرمنوتیک» تفاوت بسیار دارد. بحث‌های نشانه‌شناسی روش‌شناختی است؛ یعنی: از این بحث می‌کند که با چه روشی می‌توان مجموعه‌ای از نشانه‌ها را فهمید. آیا روشی وجود دارد یا خیر و چه روشی را می‌توان به کار گرفت؛ ولی هرمنوتیک از «فهم» بحث می‌کند: فهم چیست؟ و آیا فهم ما متأثر از پیش‌فهم‌ها و پیش‌فرض‌هاست؟ هرمنوتیک روش به دست نمی‌دهد. اساساً هرمنوتیک معاصر، ضد و مخالف روش است.

در مورد تفاوت زبان‌شناسی با نشانه‌شناسی، اختلاف نظر وجود دارد: بنابر بعضی از دیدگاه‌ها که بدان اشاره شد که از آن جمله دیدگاه سوسور است، در واقع نشانه‌شناسی با زبان‌شناسی به یک معنا عام و خاص مطلق هستند، با این تفاوت که مباحث نشانه‌شناسی از طریق مباحث زبان‌شناسی سامان پیدا می‌کند. در واقع مباحث زبان‌شناسی مدخلی است برای ورود به مباحث نشانه‌شناسی.

نشانه‌ها در قرآن

نشانه‌ها عمل خاصی را انجام می‌دهند و دال‌هایی برای مدلولات خاصی هستند. امروزه این عمل را معمولاً با اصطلاح فرایند نشانه بودن یا «فرایندنشانی» یا Semiosis نشان می‌دهند. نشانه‌ها وقتی نشانه چیزی قرار می‌گیرند، در حقیقت یک فرایند را طی می‌کنند. نشانه‌شناسی semiotics هم دانشی است که این فرایند را بررسی می‌کند. این دانش نشان می‌دهد که چگونه نشانه‌ها این فرایند را طی کرده و علامت‌گذاری چگونه صورت می‌پذیرد؛ هم‌چنین در مقابل، به بررسی این امر می‌پردازد که علامت‌خوانی و گشودن نشانه‌ها چگونه رخ می‌دهد و چه فرایندی را طی می‌کند.

بنابراین می‌توان به مطالب یاد شده این نکته را افزود که نشانه‌شناسی، رابطه دال‌ها با مدلول‌ها و نحوه دلالت آنها بر مدلول‌ها و نیز نحوه پی‌بردن از مدلول‌ها به آنها را بررسی می‌کند.

هر متنی از تعدادی نشانه‌های زبانی تشکیل شده است، قرآن هم از این جهت متنی است که از نشانه‌های زبانی فراهم آمده است. به عبارت دیگر: خداوند متنی با این

ویژگی را به سوی حضرت پیامبر ﷺ فرستاده است. مفسران فعالیت‌های بسیاری را برای فهم این متن آسمانی انجام می‌دهند. این نشانه‌ها بر معانی خاصی دلالت دارند. خداوند نشانه‌ها را به مثابه علامت‌هایی بر معانی قرار داده و به تعبیر دیگر؛ «علامت‌گذاری» encoding کرده است. دسته‌ای از فعالیت‌های مفسران، به بررسی این نشانه‌ها و پی‌بردن به نحوه دلالت آنها مربوط می‌شود؛ به دیگر سخن: نخستین کاری که در تفسیر صورت می‌گیرد، بررسی دلالت این نشانه یا به تعبیر دقیق‌تر «علامت‌خوانی» decoding است. علامت‌خوانی، گشودن دلالت‌های نشانه‌های نص است.

نخستین فعالیت عالمان دینی، فعالیتی نشانه‌شناختی است و معرفت دینی دست‌کم در یک سطح، محصول تحلیل‌های نشانه‌شناختی است؛ علامت‌خوانی نصوص دینی چیزی جز انجام دادن بررسی‌های نشانه‌شناختی در نصوص دینی نیست. تحلیل‌های ادبی و لغت‌شناسی، تحقیقات بلاغی و معانی‌بیانی در آیات و روایات، در مجموع کارهایی نشانه‌شناختی بوده و در این سطح قرار دارند؛ ولی نشانه‌شناسی نصوص دینی، خود، نامی برای مجموعه‌ای از فعالیت‌های گوناگون است و در این مجموعه کارهای بسیاری می‌گنجد.

کارکردهای نشانه‌شناسی و نقش آنها در تفسیر قرآن

نشانه‌شناسی، عهده‌دار انجام سه کار عمده است:

نخست: روش‌شناسی ویژه‌ای را برای فهم متون به دست می‌دهد. این دانش از روش تحلیل ارتباط و روش دست‌یابی به اطلاعات و معنا بحث می‌کند و از این رو، در ذیل روش‌شناسی می‌گنجد.

دوم: نگاهی نظام‌مند به معنا دارد. از این رو، می‌توان گفت که نشانه‌شناسی، نظام و دستگاه معنا در ارتباط را بررسی می‌کند.

سوم: نشانه‌شناسی، مکانیسم تکثیر معنا در یک نظام نشانه‌ای را روشن می‌سازد. خلاصه آن‌که، لبّ و لباب نشانه‌شناسی بحث از روش و نظام معناست.

سخن بالا اهمیت نشانه‌شناسی را برای مفسر آشکار می‌سازد. قرآن محصول ارتباط خدا با بشر است. در این ارتباط، اطلاعاتی در دست بشر قرار گرفته است و این متن

مقدس معانی بسیاری را دربر دارد. مفسر به دنبال کشف این اطلاعات و معانی است. در نتیجه، نشانه‌شناسی از سه جهت برای مفسر اهمیت داشته و می‌تواند او را یاری کند: یکی این‌که در تنقیح روش تفسیر به او کمک می‌کند؛ دیگر این‌که می‌تواند در کشف نظام معنایی قرآن مفید باشد؛ و نیز می‌تواند مکانیسم تکثیر معنایی قرآن را نشان بدهد. اینک توضیح موارد فوق:

۱. روش‌شناسی تفسیر: تفسیر، روش خاص خود را می‌طلبد. اگرچه در طول تاریخ، مفسران بزرگ قرآن از روش‌های تفسیری گوناگون سخن گفته‌اند؛ ولی روش تفسیر، هنوز صورت علمی و نظام‌مند پیدا نکرده است؛ آنها دقیقاً دامنه و جزئیات آن را روشن نکرده‌اند و کمتر در نتایج آن بحث کرده‌اند. از این گذشته، ارتباط روش‌های تفسیری با دانش‌های جدید و روش‌شناسی‌های منقح امروزی مغفول مانده است. نشانه‌شناسی، یکی از دانش‌های مهم است که روش‌های خاصی را در بررسی و تفسیر متون به دست می‌دهد.

۲. نظام معنایی قرآن: نظام خاصی بر معانی قرآن حاکم است. به عبارت دیگر: معانی واژه‌ها و آیات قرآن ارتباط و نظم ویژه‌ای دارند. مفسر باید به این نظام توجه کند؛ چنان‌که کشف آن، نگرش او را نسبت به قرآن عمیق‌تر می‌سازد. نظام معنایی را می‌توانیم «استخوان‌بندی معنایی» متن بدانیم. برای آشنایی بیشتر با این فرایند می‌توان دو مفسر را با هم مقایسه نمود، که یکی صرفاً جزء به جزء آیات را تفسیر می‌کند و به استخوان‌بندی معنایی نص توجه ندارد و دیگری به استخوان‌بندی و چارچوب معنایی توجه دارد. پیداست که توجه به این چارچوب، دید عمیق‌تری به مفسر می‌دهد و می‌تواند ارتباط پیچیده معنایی میان آیات و واژه‌ها را کشف کند.

۳. مکانیسم تکثیر معنایی قرآن: تکثیر معنایی قرآن، مکانیسم خاصی دارد و استنباط معانی و کاربردهای جدید از آن و نیز برقرار کردن ارتباط میان آن و زمینه‌های معرفتی گوناگون مبتنی بر مکانیسم ویژه‌ای است. نشانه‌شناسی می‌تواند این مکانیسم را نشان دهد. پرسش‌هایی از این قبیل مطرح می‌شوند که: چگونه ادعایی فلسفی یا یک تئوری

۱. ر.ک: مبنی و روش‌های تفسیر قرآن، عمید زنجانی؛ منطق تفسیر قرآن (۲) روش‌ها و گرایش‌های تفسیری، محمد علی رضایی اصفهانی و ...

علمی و غیره با قرآن ارتباط پیدا می‌کند؟ و چگونه دانشمندان اسلامی از آیات نتایج فلسفی، کلامی و... به دست می‌آورند؟ پیداست که این قبیل استنباطها مکانیسم خاصی دارند. اما هنوز بحث جامعی درباره آن صورت نگرفته است.

مهم‌ترین وظیفه عالم، فعلیت بخشی actualization به محتوا و مضمون نص است. هیچ متنی از لحاظ نشانه‌شناختی نمی‌تواند تمام استعدادهایش را یک‌جا مکشوف سازد. متن، ویژگی دوگانه‌ای دارد: از سویی، بخشی از استعدادهایش را بالفعل در معرض دید خواننده قرار می‌دهد و از سوی دیگر، بخشی دیگر از آنها را پنهان می‌کند.

مکانیسم اظهار و اخفا در نصوص دینی، جهانی بی‌پایان را برای مفسر فراهم می‌آورد که با ورود به آن در هیچ نقطه‌ای به پایان نمی‌رسد و همواره دیدنی‌های تازه‌ای را به نظاره می‌نشیند؛ در هر قرائتی به منطقه‌ای جدید پا می‌گذارد و در عرصه‌ای نو وارد می‌شود؛ هر جا گمان می‌برد که به نقطه پایان رسیده است، با نقطه آغاز جدیدی روبه‌رو است و هر جا که از حرکت باز می‌ایستد، حرکت جدیدی آغاز می‌شود؛ هر چند نص در ظاهر بسیار محدود به نظر می‌رسد؛ ولی هزاران سخن ناگفته دارد.

جهان‌آفرینی در پرتو قرآن

فعالیت دیگری که عالمان دین انجام می‌دهند، جهان‌آفرینی است. همگام با فعلیت‌بخشی به محتوا و مضمون نصوص دینی، موجودات و شخصیت‌هایی در نصوص ظاهر می‌شوند. خواننده به هنگام برخورد با این موجودات و شخصیت‌ها، جهان ممکن possible world را فرض می‌کند که این موجودات و شخصیت‌ها را در برمی‌گیرد. او هر قدر که در متن پیش می‌رود و با هویت‌ها و نیز روابط جدیدی روبه‌رو می‌شود؛ ساکنان و روابط جدیدی در این جهان فرض می‌گیرد؛ اما چرا این جهان، جهانی ممکن و نه بالفعل است؟ خواننده در گام نخست، جهانی را تصویر می‌کند که اشیاء و هویت‌های نصی درون آن ساکنند و سپس آنها را با جهان واقعی می‌سنجد. کاملاً امکان‌پذیر است که او در ادامه به این نتیجه برسد که این جهان ممکن با جهان واقعی تطبیق می‌کند و باز ممکن است میان این دو فاصله‌ای را بیابد. خلاصه آن‌که خواننده یا مفسر، شخصیت‌ها و هویت‌هایی را که در نص می‌یابد، در داخل جهان

ممکنی قرار می‌دهد و براساس اطلاعاتی که از نص به دست می‌آورد، موقتاً میان این جهان و جهان تجربه‌اش این‌همانی برقرار می‌کند. اگر از سر اتفاق، او به هنگام علامت خوانی و رمزگشایی به تفاوت یا مغایرتی میان این جهان و جهان مورد تجربه‌اش یا جهان واقعی برخورد کند، این این‌همانی را به حالت تعلیق در آورده و تا زمانی که اطلاعات معنایی بیشتری از نص به دست آورد و بخش بیشتری از نص را به فعلیت درآورد، در انتظار می‌نشیند. (Eco, ۱۹۷۹: ۱۷).

این فعالیت نیز، فعالیتی نشانه‌شناختی است؛ زیرا مقصود از آن، تعیین مدلولات نشانه‌های موجود در نصوص دینی است. آیا نشانه‌های مورد نظر بر موجودات عینی دلالت دارند یا نه؟ باید برای آنها نحوه دیگری از وجود قایل شویم. تعیین مدلولات نشانه‌ها با ساختن جهانی ممکن امکان‌پذیر است. مباحثی که مفسران قرآن در زمینه وجود بهشت، جهنم، جن، شیطان و... مطرح کرده‌اند، از سنخ این نوع فعالیت‌ها هستند برای نمونه: مفسران بحث کرده‌اند که آیا حضرت آدم عَلَيْهِ السَّلَام آن‌گونه که قرآن توصیف می‌کند در بهشت - یعنی در عالمی قبل از هبوط به زمین - زندگی می‌کرده است؟ آیا زبان قرآن در این مورد عینی است و می‌کوشد، حقیقتی را که در جهان خارج بوده توصیف کند یا نه؟^۱

گاه خواننده یا مفسر افشای معنایی semantic disclosure انجام می‌دهد و این هم فعالیت نشانه‌شناختی دیگری است. هنگامی که او با نشانه خاصی در نص روبه‌رو می‌شود، هنوز نمی‌داند کدام یک از ویژگی‌های آن نشانه را فعال کند تا به نتایج تازه‌ای دست یابد. قرائت‌های بعدی نص و تأمل در بخش‌های دیگر متن به تدریج می‌تواند مشخص سازد که کدام یک از این ویژگی‌ها باید فعال و برجسته شود؛ برای نمونه: وقتی خواننده با موجوداتی به اسم «ملائکه» در سوره «بقره» آشنا می‌شود، پی می‌برد که این موجودات از سنخ بشر نیستند؛ ولی می‌توانند با دیگران ارتباط برقرار کرده و گفت‌وگو کنند و این که آنها با خدا سخن گفته‌اند.

﴿وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَن يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ﴾^۲ اما پرسش‌های بسیاری برای خواننده هنوز مطرح است: آیا این

۱. ر.ک: تفسیرهای قرآن، ذیل آیه ۳۰ بقره، مثل المیزان، علامه طباطبایی.

۲. بقره، آیه ۳۰.

موجودات می‌توانند به صورت بشر در آیند؟ آیا آنها نیز مرد و زن دارند؟ و... پاسخ برخی از این قبیل پرسش‌ها با قرائت دیگر بخش‌های قرآن روشن می‌شود.

تمام این ویژگی‌ها در ذهن خواننده حضور ندارد، بلکه به معنای دقیق کلمه، بخشی از یک دایرةالمعارف هستند. این ویژگی‌ها و چیزهای دیگر، از راه جامعه در این دایرةالمعارف انبار شده‌اند. این دایرةالمعارف معناشناختی، زمینه‌ای برای فهم نص فراهم می‌آورد و خواننده ویژگی‌های مورد نیاز را از این دایرةالمعارف انتخاب کرده و آنها را فعال می‌کند؛ به عبارت دیگر: افشای معنایی انجام می‌دهد. او ویژگی‌های غیر ظاهر را آشکار و فعال می‌سازد. افشای معنایی، نقشی دوگانه دارد: خواننده برخی از ویژگی‌ها را که با نص مرتبط به نظر می‌رسد، برجسته ساخته و برخی دیگر را که غیر مرتبط به نظر می‌رسد، کنار می‌گذارد؛ البته عناصری از این دایرةالمعارف که کنار گذاشته شده، کاملاً حذف نمی‌شوند، بلکه موقتاً کنار گذاشته می‌شوند و ممکن است که در قرائت بخش‌های دیگر متن، برخی دیگر از آنها برجسته شوند. (Eco, ۲۳: ۱۹۷۹)

مهم‌ترین دست‌آورد نشانه‌شناسی جدید برای معرفت‌دینی، اصل نامحدود بودن فرایند نشانگی unlimited semiosis است. این اصل پربار نشان می‌دهد که نصوص دینی را نباید هم‌چون قالب‌های پر شده و استعداد‌های تماماً به فعلیت رسیده در نظر گرفت؛ بلکه این نصوص، مخزنی بی‌پایان از معنا هستند؛ اقیانوس بی‌پایان و موجی که دائم آب آنها افزایش می‌یابد، نه کاهش.

این اصل را نخستین بار پیرس صورت‌بندی کرد و سپس اکو آن را بسط داد و مفهوم فرایند نشانگی (یا نشانه بودن) را به وجود آورد. نشانگی، کار و عمل نشانه‌ها است؛ نشانه‌ها برای چیزی نشانه می‌شوند. این اصل پیش از هر چیز بر سرشت دینامیکی و دیالکتیکی این فرایند تأکید دارد. این واقعیت که فرایند نشانگی بی‌پایان است بدین معنا نیست که در زندگی واقعی در جایی نمی‌ایستد و توقف نمی‌کند؛ در هر مرحله‌ای از قرائت متن، نشانه‌ها دلالتی دارند و چنین می‌نمایند که به پایان می‌رسند و می‌میرند؛ اما باز در قرائت‌های جدید، دوباره متولد و زنده می‌شوند و دلالت‌های دیگری را پیش می‌کشند؛ بنابراین آنچه در ظاهر، پایان و نهایت به نظر می‌رسد، نقطه عزیمت و شروع جدیدی است و دلالت‌های

نشانه‌ها گرچه در هر مقطعی از زمان به پایان می‌رسند؛ اما باز در مقطعی دیگر از زمان، دلالت‌های جدیدی را پدید می‌آورند. (۲-۱۹۹۹: ۱۱۱، caesar)

ارتباط این مسئله با بطون قرآن و استعمال لفظ در بیشتر از یک معنا که در قواعد تفسیری مطرح شده است، قابل بررسی است.

ج) زبان قرآن

شناخت زبان هر متن، کلید فهم آن است که بنابراین برای فهم و تفسیر قرآن لازم است که پژوهشگر، زبان قرآن را بشناسد و ویژگی‌های آن را دریابد تا بر مبنای این شناخت، تفسیری نیکو از آن ارائه کند. هرچند که آشنائی با لغت و ادبیات عرب، شرط لازم هر مفسر و مترجم است، پس در این جا مقصود از «زبان قرآن» چیست؟

واژه «زبان» چند معنا و کاربرد دارد و تعاریف مختلفی برای آن شده است از جمله: الف) اندام ماهیچه‌ای و متحرک داخل دهان که مهم‌ترین ابزار گویایی است^۱ (معنای لغوی)؛

ب) گفتار مخصوص یک ملت یا جماعت، مثل زبان فارسی و انگلیسی^۲؛

ج) زبان یکی از توانایی‌های ذهن انسان برای ایجاد ارتباط و انتقال پیام است که تکلم و گفتار، نمود آوایی و ظهور خارجی این توانایی است^۳؛

د) از سوسور زبان‌شناس مشهور نقل شده که: زبان مجموعه (ساختار، سیستم / Structure) به هم پیوسته‌ای از نشانه‌هاست که اجزای آن به یکدیگر وابستگی تام دارند و ارزش هر واحدی تابع وضع ترکیبی آن است^۴.

زبان کارکردهای مختلفی دارد از جمله: توصیف حقایق، تبیین علی - معلولی پدیده‌ها، فعل گفتاری، ترسیم احساسات درونی انسان، نقل تجارب و اندوخته‌ها و

۱. نخستین فرهنگ‌القبایی قیاسی زبان فارسی، مهشید مشیری، ص ۵۳۴.

۲. لغت نامه دهخدا، علی اکبر دهخدا، ص ۱۱۱۳۰.

۳. زبان و تفکر، محمد رضا باطنی، ص ۱۱۲.

۴. نقل از: مبانی زبان‌شناسی، ابوالحسن نجفی، ص ۸.

فرهنگ گذشتگان، پیوند مستمر میان گذشته و آینده و... که نقش پایه‌ای زبان‌ها، ارتباط شناختاری و انتقال پیام است.^۱

نکته دیگر این که ممکن است زبان یک متن چند لایه و چند ساحتی باشد، همان‌طور که در مورد برخی از اشعار حافظ و آیات قرآن این‌گونه است. به هر حال مقصود از زبان در این جا شیوه بیان مطالب و ویژگی‌ها و عناصر زبان‌شناسی قرآن است و زبان قرآن دارای ویژگی‌هایی است که انتخاب تئوری زبان‌شناختی و اتخاذ مبنا در مورد آنها لازم است؛ چرا که از نقش زیر بنایی در تفسیر و ترجمه قرآن برخوردار بوده و برخی از این ویژگی‌ها هم‌چون قاعده‌ای در تفسیر قرآن کاربرد دارند.

اقسام زبان‌ها

زبان از جهات گوناگون تقسیم و نام‌گذاری شده است که به صورت فهرست‌وار به آنها اشاره می‌کنیم:

۱. زبان اخباری و انشائی، که اخبار قابل صدق و کذب است برخلاف انشاء (مثل امر و نهی و...)

۲. زبان حقیقی و مجازی، که معنای حقیقی لفظ، همان معنای اصلی و اولیه است؛ اما معنای مجازی استعمال لفظ در غیر معنای حقیقی به کمک قرینه است؛

۳. زبان کنایی، که دلالت غیر صریح بر مطلب دارد؛ مثل ضرب‌المثل‌ها؛

۴. زبان رمزی (نمادین، تأویلی) که علامت یا اشاره‌ای که بر معنا و مفهومی پوشیده دلالت دارد که ظاهر نیست؛

۵. زبان تمثیلی، که نوعی تشبیه است از بیان غیر مستقیم چیزی در قالب حکایت است که پیامی اخلاقی، دینی، عرفانی و یا اجتماعی را به صورت رازآلود بیان می‌کند؛

۶. زبان اسطوره، (سمبلیک)^۲ یا تخیل محض که برای سرگرمی است و معمولاً

۱. تحلیل زبان قرآن و روش‌شناسی فهم آن، دکتر محمد باقر سعیدی روشن، ص ۲۰ - ۲۲.

۲. دکتر شاکر زبان اسطوره را زبان سمبلیک می‌نامد. (مبانی و روش‌های تفسیر، ص ۱۰۳)

پیمای دینی و اخلاقی یا اجتماعی دربر ندارد؛ مثل افسانه‌های باستانی ایران و یونان^۱؛
۷. زبان عرفی: زبان عمومی مردم که خالی از اصطلاحات پیچیده علمی و ادبی
است و گاه همراه مسامحه و مبالغه است.

۸. زبان ادبی: زبانی که در آن از فنون ادبی و بلاغی مثل استعاره و تشبیه و کنایه به
صورت گسترده استفاده شود و شورانگیز و دلرباست. این زبان بر مقوله هنر و
زیباشناختی، احساس و خیال استوار است و صراحت کمتری دارد؛

۹. زبان علمی (زبان علوم تجربی) که براساس تجربه محسوسات استوار است و از
ویژگی‌های آن دقیق بودن، کمی بودن نداشتن ابهام و مجاز و دلالت التزامی است^۲؛

۱۰. زبان چند ساحتی: یک زبان ممکن است هم‌زمان دارای کارکردهای مختلف
باشد؛ مثلاً: یک گزاره اخباری، هم توصیف واقعیت کند و هم تحریک‌آمیز باشد.
و یا یک گزاره انشائی هم تأثیرآفرینی روانی داشته باشد و هم حکایت از واقع
باشد؛ مثل گزاره‌های قرآنی که این‌گونه است.^۳

۱۱. زبان چند لایه (بطون): گاهی یک زبان حقایقی چند لایه را دربر دارد که هر
لایه آن برای سطح فهم خاصی قابل دسترسی است. و دست‌یابی به لایه‌های زیرین
نیازمند تلاش فکری یا معنوی است. مثل قرآن که دارای بطون است.

تذکر: با کاوش در آیات قرآن می‌توان نمونه‌هایی از همه زبان‌های فوق در قرآن و
احادیث تفسیری یافت؛ مگر مورد ششم، یعنی زبان اسطوری؛ چرا که قرآن حاکی از
واقع و حقیقت است و مطالب خیالی و بیهوده در آن راه ندارد.^۴ البته عرفی بودن زبان
قرآن نیز به معنای راه‌یابی تسامح‌های رایج در قرآن نیست.

روی‌کردهای جدید زبان دین در غرب و نسبت آن با قرآن

از آن‌جا که متون تحریف شده «تورات» و «انجیل» کنونی در دسترس متفکران غربی
بود که گاهی با یافته‌های علوم تجربی تعارض پیدا کرده و گاهی مسائلی هم‌چون

۱. نک: تحلیل زبان قرآن سعیدی روشن، ص ۲۱۵ - ۳۲. (با تلخیص)

۲. همان، ص ۱۰۳ - ۱۰۴.

۳. تحلیل زبان قرآن، ص ۲۲.

۴. فصلت، آیه ۴۲.

تثلیث را مطرح نموده‌اند - که قابل توجیه عقلانی نیست - از این‌رو متفکران غربی روی‌کردهای جدید برای زبان دین مطرح کرده‌اند از جمله:

۱. بی‌معنا انگاری زبان دین

براساس این دیدگاه، روش آزمون صحت گزاره‌ها منحصر در روش تجربی است. از این‌رو گزاره‌های دینی، فلسفی، اخلاقی و عرفانی که قابل آزمون تجربی نیستند، بی‌معنا هستند.^۱

بررسی: در مورد این روی‌کرد زبان چند مسئله قابل ملاحظه است:

نخست: جمله «راه آزمون صحت گزاره‌ها منحصر به روش تجربی است» خود یک گزاره‌ای است که با روش تجربه اثبات نشده است. پس این یک تناقض‌نما (پارادوکس) است.

دوم: روش تجربی، خود همراه مبانی فلسفی و عقلی مثل اصل علیت و واقعیت داشتن و استحاله جمع نقیضین است.

سوم: گزاره‌های قرآنی، همگی از سنخ اخبار نیستند؛ بلکه بسیاری از آنها انشاء است. که قابل تجربه نیست.

چهارم: بسیاری از گزاره‌های قرآنی قابل آزمایش تجربی هستند؛ مثل گزاره‌های بهداشت جسمی و روانی انسان که در صحت جسم و روح و روان و نیز جامعه مؤثراند.^۲

بنابراین این دیدگاه در مورد «قرآن کریم» صادق نخواهد بود.

۲. کارکرد گرایی در زبان دین

بر اساس این دیدگاه به جای آن‌که به معناداری زبان پردازیم، بهتر است که به کارکردهای زبان، توجه کنیم. پس نباید در صدد توصیف جهان باشیم، ارزش یک تبیین به آن است که

۱. این دیدگاه پوزیتیویست‌هاست برای اطلاعات بیشتر نک: علم و دین، ایان باربور، ترجمه خرمشاهی، ص ۱۵۳؛ تحلیل زبان قرآن، سعیدی روشن، ص ۱۱۵ ۱۲۳؛ فلسفه دین، رشاد، ص ۱۰۱ ۱۰۲؛ دائرةالمعارف فلسفی، پل ادوارد، ج ۳ و پوزیتیویسم منطقی، خرمشاهی.

۲. نک: اسلام و بهداشت روان، مجموعه مقالات همایش دین و بهداشت روان، دانشگاه علوم پزشکی ایران، نشر معارف و نیز فلسفه احکام، احمد اهتمام و پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، نگارنده.

می‌خواهیم با آن‌چه کار کنیم و هر حوزه (هنری، اخلاقی، دینی، علمی و فلسفی) باید راهبردی را در پیش گیرد که برای رسیدن به مقاصد خود مناسب‌تر می‌داند و البته هر سنخ زبانی منطق خاص خود را دارد. زبان دین هیچ‌گونه واقع‌نمایی و حکایت‌گری ندارد. آری زبان دین‌داری کارکردهای غیر معرفتی است و این جمله «خدا هست» ناظر به واقعیت آرمان‌های انسان است، نه چیزی ورای آن. ایمان دانش جدیدی به بار نمی‌آورد، بلکه هستی جدیدی و زبان دین تذکر تعهد است، مثل زبان عشق...^۱.

بررسی

نخست: کارکرد داشتن زبان دین با واقع‌نمایی آن منافات ندارد؛ همان‌طور که در عصر ما کارکردهای گزاره‌های قرآنی در تأمین بهداشت روانی فرد و جامعه و نیز، تأثیر عبادت و معنویت در پایین آوردن بزهکاری^۲ و اجرای عدالت اقتصادی و... بارها مشاهده و ثابت شده است و در عین حال، واقع‌نمایی این گزاره‌ها محفوظ مانده است.

دوم: واقع‌نمایی گزاره‌های قرآنی آن قدر روشن است که برخی معاصران، ادعای بدهت عقلایی و وجدانی درباره آن کرده‌اند.^۳ و اصولاً واقع‌نما نبودن گزاره‌های قرآنی با این متن الهی ناسازگار است (در ذیل دیدگاه بعدی توضیح بیشتری خواهد آمد).

۳. نماد انگاری زبان دین (شناختاری غیر واقع‌گرا)

براساس این دیدگاه، گزاره‌های دینی معرفت بخش هستند؛ اما معنای حقیقی و غیر نمادین نیست؛ یعنی گزاره‌های ناظر به خدا، دارای مفهومی نمادین هستند و مدل‌های دینی، حکایات، استعاره‌ها و تمثیل‌ها گوهر اصلی دین است. که به احکام حقیقی قابل ترجمه نیست.^۴

۱. این روی‌کرد تحلیل زبانی خوانده می‌شود، نک: تاریخ فلسفه، کاپلستون، ترجمه خرمشاهی، ج ۸، ص ۵۳۵ چ ۴۳۸. علم و دین، ص ۲۸۳ چ ۲۸۵؛ تحلیل زبان قرآن، ص ۱۲۴ به بعد، فلسفه دین، ص ۱۰۳

چ؛ درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، نگارنده، ص ۲۵۳ به بعد.

۲. نک: اسلام و بهداشت روان، همان.

۳. فلسفه دین، رشاد، ص ۱۰۳.

۴. نک: علم و دین، ایان باربور، ص ۲۸۳، تحلیل زبان قرآن، سعیدی روشن، ص ۱۴۰ به بعد؛ فلسفه دین، رشاد، ص ۱۰۳ و درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، نگارنده، ص ۲۵۳ به بعد.

بررسی

نخست از آن جا که قرآن به زبان عرف و عقلا نازل شده است، عناصر معمول در زبان مردم در آن یافت می‌شود؛ از جمله تمثیل، استعاره، مجاز در قرآن وجود دارد و اصولاً این یکی از پیش فرض‌های بنیادین تفسیر قرآن است؛ ولی این مطلب با واقع‌نمایی زبان قرآن منافات ندارد؛ یعنی: به خاطر قالب‌های زبانی و محدودیت‌ها از کلمه: ﴿يَدُ اللَّهِ﴾ (فتح، ۱۰) استفاده می‌شود؛ ولی مقصود قدرت خداست که امری واقعی است. یا داستان آدم و حوا در عین این که داستان آموزنده‌ای است، ولی واقع‌نما است؛ یعنی: حقیقتی بوده که در قالب داستان آمده است. بلی برخی گزاره‌های دینی مسیحیت، مثل تثلیث قابل توجیه عقلی نیستند؛ از این رو نمادین تفسیر شده‌اند؛ ولی روشن است که اصل مسئله تثلیث بوده است.

دوم: این ادعا که متون دینی از جمله کل قرآن نمادین و غیر واقع‌نما باشد، ادعای گزاف و بدون دلیل است؛ چرا که وجود برخی تمثیل‌ها و استعاره‌ها و مجازها، این مطلب را اثبات نمی‌کند.

سوم: واقع‌نمایی و شناختاری بودن گزاره‌های قرآنی، امری مشهود و وجدانی است؛ چون از طرفی گزاره: ﴿وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا﴾ (یس، ۳۸) یا گزاره: ﴿وَتَرَى الْجِبَالَ تَحْسِبُهَا جَامِدَةً وَهِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ﴾ (نمل، ۸۸) و مانند آنها، خبر از حرکت خورشید و زمین می‌دهند و دلالت روشنی دارند و در همان حال، گزاره‌ای در راستای توجه انسان به خدا هستند.^۱

و از طرف دیگر، قرآن بارها تأکید کرده که مطالب باطل، خلاف حق، خرافات و دروغ در قرآن راه ندارد^۲ و هیچ موردی نیز در این رابطه به اثبات نرسیده است.

ویژگی‌های زبان قرآن و قواعد کاربردی آن

۱. واقع‌نمایی زبان قرآن

گزاره‌های قرآن در مورد تاریخ، اقوام، قصه‌ها و... همگی حکایت واقعیت است و خیالی،

۱. نک: پژوهشی در اعجاز علمی، قرآن از نگارنده.

۲. نک: فصلت، آیه ۴۲؛ اسراء، آیه ۵؛ طارق، آیه ۱۴ و ...

اسطوره‌ای و افسانه نیست؛ چون در قرآن باطل راه ندارد و قصه‌های آن حق است^۱. اگر کسی زبان قرآن را سمبلیک و اسطوره‌ای و غیر واقعی و بی‌معنا بداند^۲، تفسیر و ترجمه قصه‌های قرآن رنگ دیگری خواهند گرفت.

۲. عناصر فنی زبان قرآن

اگر زبان قرآن را زبان عرفی بدانیم، می‌توانیم تغییرات مختصری در مورد کلمات معادل داشته باشیم؛ ولی اگر زبان قرآن را فنی و علمی بدانیم، پذیرش تغییرات مشکل است. برای مثال: در زبان عرف فارسی می‌توان کلمه «زودپز» را به جای کلمه «فشارپذیر» (Pressure cooker) به کاربرد با آن که تکیه یکی بر مکانیسم عمل و تکیه دیگری بر نتیجه عمل است^۳.

البته در مورد قرآن می‌توان گفت زبان عرف خاص است، اما وقتی قرآن در مورد احکام و قوانین شرعی مثل ارث، قصاص، ازدواج، طلاق، عبادات و مالیات خمس و زکات و... سخن می‌گوید با زبان فنی و علمی دقیق مطالب را بیان می‌کند که تسامحات عرفی در آنها راه نداشته بلکه مضر است.

بنابراین که لازم است پژوهشگر به این نکته زبان‌شناختی قرآن توجه کند که گرچه زبان قرآن عرف خاص است، اما گاه با زبان فنی و علمی دقیق سخن گفته و دقت در ترجمه و تفسیر را می‌طلبد.

مثال: ﴿فَإِنْ كُنَّ نِسَاءً فَوْقَ اثْنَتَيْنِ فَلَهُنَّ ثُلُثَا مَا تَرَكَ وَإِنْ كَانَتْ وَاحِدَةً فَلَهَا النِّصْفُ﴾ (نساء، ۱۱)؛

ترجمه آیه‌الله مکارم: و اگر فرزندان شما [دو دختر و] بیش از دو دختر باشند، دو سوم میراث از آن آنهاست؛ و اگر یکی باشد نیمی [از میراث] از آن اوست.

ترجمه جمعی: و اگر آن [وارث] آن دخترانی [دو یا] بیش از دو باشند، پس دو

۱. ﴿إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْقَصَصُ الْحَقُّ﴾؛ (آل عمران، آیه ۶۲).

۲. برای اطلاع از تئوری‌های زبان، نک: زبان دین، دکتر علی زمانی؛ تحلیل زبان قرآن و روش‌شناسی فهم آن، دکتر محمد باقر سعیدی، روش و مبانی و روش‌های تفسیری، دکتر محمد کاظم شاکر.

۳. مجله مترجم، ش ۱۰، ص ۴۳.

سوم میراث، فقط برای آنان است و اگر (وارث) یک [دختر] باشد، پس نیمی [از میراث] فقط برای اوست.

توجه به این نکته لازم است که در این آیات، تقدیم ماحقه‌التاخیر موجب حصر شده که مورد غفلت برخی مترجمان واقع شده است و این غفلت می‌تواند در تفسیر نیز اثر بگذارد.

۳. اصطلاحات خاص در زبان قرآن

زبان قرآن هرچند که همان زبان قوم و بر اساس عرف شکل گرفته، اما دارای اصطلاحات خاص بوده که معمولاً با معنای لغوی آن متفاوت است. این واژگان با مطالعه در قرآن و مقایسه آیات آن معنا پیدا می‌کنند. اگر مترجم قرآن به اصطلاح بودن این واژه‌ها توجه نکند و همان معنای لغوی آنها را اخذ نماید گرفتار لغزش خواهد شد.

مثال: واژه «کافر» به معنای «پوشیده» است^۱ اما در «قرآن کریم» به منکران اصول دین، مثل نبوت و معاد اطلاق می‌شود. هم‌چنین واژه «ایمان» در اصل به معنای «آرامش و اطمینان» است^۲. اما در اصطلاح قرآن به معنای اعتقاد به خدا، معاد و... است.

واژه «زکات» نیز به معنای «رشد و پاکی» است^۳؛ ولی در قرآن به معنای مالیات خاص به کار رفته است.

تذکر: همان‌طور که در زبان مبدأ (عربی) اصطلاحات خاص وجود دارد، در زبان مقصد نیز اصطلاحات خاصی یافت می‌شود که باید به آنها توجه داشت تا گرفتار لغزش در ترجمه نگردید.

مثال: ﴿وَإِنْ تَخَالَطُوهُمْ﴾ (بقره، ۲۲۰) که «مخالطه» در فارسی به معنای «آمیزش» است؛ اما در عصر ما واژه آمیزش در عرف فارسی به معنای آمیزش جنسی استعمال می‌شود؛ این‌رو نمی‌توان آن را در برابر «مخالطه» به کار برد.

۱. مفردات؛ راغب اصفهانی، ماده «کفر».

۲. همان، ماده «امن».

۳. همان، ماده «زکا».

۴. عناصر عرفی و عقلایی زبان قرآن

زبان قرآن مثل زبان مردم دارای عام و خاص، مطلق و مقید، کنایات، مجازات، تشبیهات، مثال‌ها و ضرب‌المثل‌هاست.

از این رو بر اساس اصول محاوره عقلایی تفسیر و ترجمه شده^۱. و براساس عرف اهل زبان، کنایات و ضرب‌المثل‌ها و... معنا می‌شود.

برای مثال آیه: ﴿يَا أُخْتَ هَارُونَ﴾ (مریم، ۲۸)، اگر بدون توجه به ضرب‌المثل بودن آن معنا شود این گونه می‌شود: «ای (مریم) خواهر هارون».

و همین است که برخی مستشرقان را در مورد قرآن به لغزش انداخته، تا آنجا که گفته‌اند این مطلب خطای تاریخی در قرآن است، چون هارون عَلَيْهِ السَّلَام برادر موسی عَلَيْهِ السَّلَام ده‌ها سال قبل از مریم، مادر عیسی عَلَيْهِ السَّلَام می‌زیسته و از این رو مریم نمی‌تواند خواهر هارون عَلَيْهِ السَّلَام باشد^۲.

درحالی‌که این جمله ضرب‌المثلی است در بنی اسرائیل و برای کسی بسیار پاک بود استعمال شده و به او می‌گفتند: «یا اخت هارون» یعنی: «ای هم‌چون خواهر هارون، در پاک‌ی». و این سخنی است که در حدیثی از پیامبر عَلَيْهِ السَّلَام حکایت شده و در برخی تفاسیر نیز بدان تصریح کرده‌اند^۳.

و نیز در مورد تعبیراتی هم‌چون: ﴿ضَرَبْنَا فِي الْأَرْضِ﴾ (بقره، ۲۷۳) که به معنای «مسافرت» است و نیز تعییر: ﴿مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ﴾ (مؤمنون، ۶ و...) که به معنای کنیزان است. چنان‌چه مفسر قرآن به این عناصر عرفی و عقلایی زبان قرآن توجه نکند، هم‌چون مستشرقان فوق به خطا خواهد رفت.

۵. تطور زبان مبدأ (و مقصد)

معنای واژه‌ها در طول اعصار تغییر می‌کند؛ برای مثال: واژه «مکروه» در عصر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در آیه: ﴿كُلُّ ذَلِكَ كَانَ سَيِّئُهُ عِنْدَ رَبِّكَ مَكْرُوهًا﴾^۴ به معنای «ناپسند» است؛

۱. قوانین اصول محاوره عقلایی در دانش «اصول فقه» مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲. نک: دفاع عن القرآن، عبدالرحمن بدوی، ص ۱۶۱ و دائرةالمعارف قرآن، لایدن، ج ۱، مدخل هارون. Exycyclopoedia of the Quran, Andrew Rippin.

۳. مجمع البیان، طبرسی، ذیل آیه ۲۸، مریم و نیز نورالثقلین، ج ۳، ص ۳۳۳ و نمونه، ج ۱۳، ص ۵۱.

۴. اسراء، آیه ۳۸.

به طوری که شامل گناهان کبیره، هم چون: قتل و زنا و... می شود، که در آیات قبل آیه ۳۸ سوره «اسراء» مطرح شده و «ذلک» به آنها باز می گردد؛ اما همین واژه «مکروه» بعد از عصر امام صادق علیه السلام به معنای «کار جایزی است که ترک آن بهتر باشد» که در عصر ما نیز همین معنای دوم مصطلح است.

لازم است مترجم برای ترجمه دقیق آیات به این تطور معنایی توجه داشته و با توجه به فضا و زمان نزول آیه، معنای اصلی رابه دست آورد و گرنه گرفتار لغزش در ترجمه خواهد شد؛ البته همین تطور در زبان مقصد نیز وجود دارد؛ یعنی: در طول اعصار، معنای واژه های فارسی و... تغییر می کند؛ پس اولاً: نمی توان از مترجمان قبلی تقلید کرد و همان واژه ها را بدون بررسی معنایی جدید دوباره به کار برد؛ ثانیاً: بر همین اساس روشن می شود که ما در هر عصری نیاز به ترجمه و تفسیر جدید از قرآن داریم، تا بر اساس واژه های جدید و مناسب فهم مخاطب و نسل جوان ترجمه و تفسیر صورت گیرد.

۶. چند ساحتی بودن زبان قرآن

در احادیث متعددی از پیامبر صلی الله علیه و آله، اهل بیت علیهم السلام و صحابه حکایت شده که «قرآن کریم» دارای ظاهر و باطن است؛^۱ یعنی: علاوه بر دلالت ظاهری، دارای معنای پنهان است که گاه با الغای خصوصیت به دست می آید^۲ و گاه با راهنمایی اهل بیت علیهم السلام و راسخان در علم و دانشمندان که به منبع الهی متصل هستند روشن می شود.

هرچند که امکان بیان همه بطون قرآن همواره ممکن نیست، ولی توجه به این نکته در پژوهش تفسیر قرآن لازم است؛ چرا که گاه لازم می آید برای فهم آیه به قرائنی که ما را به بطن رهنمود می شود مراجعه کنیم. این گونه از قرائن در احادیث تفسیری (در منابع تفسیر روایی هم چون: نورالثقلین، البرهان و...) بیان شده است.^۳

۱. نک: بحارالانوار، ج ۹۲، ص ۷۸ به بعد.

۲. آیه الله محمد هادی معرفت دسترسی به بطن را از راه الغای خصوصیت می داند. (نک: التفسیر الاثری الجامع، ج ۱، ص ۲۹ به بعد).

۳. رک: منطق تفسیر قرآن (۱) مبانی و قواعد تفسیر، نگارنده، مبحث بطن قرآن.

چکیده

در فصل دوم به روش‌های تحقیق عمومی مثل بنیادی و کاربردی و شیوه‌های فرعی آنها اشاره شد. سپس روش‌های تحقیق اختصاصی تفسیر و علوم قرآن به هشت روش تقسیم شد. که عبارتند از: اول: روش درون‌متنی و برون‌متنی که روش تحقیق برون‌متنی به چند شیوه فرعی تحلیل عقلی، تحقیق تجربی، تحلیل تاریخی و تحلیل عرفانی و شهودی تقسیم می‌گردد. و دومین تقسیم روش تحقیق تطبیقی (بین قرآن و کتب مقدس و شیعه و اهل سنت و قرآن و علوم) و غیر تطبیقی است. و سومین تقسیم تحقیق تک رشته‌ای و میان رشته‌ای است. و چهارمین تقسیم در مورد مطالعات قرآنی ظاهری و باطنی است و پنجمین تقسیم در مورد (سندی و محتوایی) و هفتمین تقسیم در مطالعات قرآنی شیوه سمانیتک و هرمنوتیک است و هشتمین تقسیم در تحقیقات قرآنی درباره مطالعات زبان‌شناختی و نشانه‌شناختی است.

پرسش و پژوهش

۱. مقصود از روش تحقیق هم‌بستگی در قرآن چیست؟ پنج مثال از آیات قرآن و تحقیقات انجام شده ذکر کنید.
۲. منظور از روش تحلیل عرفانی چیست؟ با ذکر مثال از تفاسیر عرفانی توضیح دهید.
۳. روش مطالعه نشانه‌شناختی قرآن رادر سوره «فجر» پیاده کنید.
۴. روش مطالعه زبان‌شناختی را در سوره «مدثر» پیاده کنید.
۵. موضوع توحید را به صورت مطالعات تطبیقی در قرآن و «آپانشادها» و «انجیل» بررسی کنید.
۶. موضوع «شرایط مدیر» را در قرآن و دانش مدیریت به صورت تحقیق میان رشته‌ای بررسی کنید.
۷. آیه وضو را با روش تحقیق فقهی و حدیث مورد بررسی قرار دهید.
۸. هرمنوتیک هایدگر و گادامر را با هرمنوتیک شلایر ماخر مقایسه و بررسی نمایید.
۹. موضوع «امامت» را به صورت تطبیقی در آیه ولایت بین شیعه و مذاهب اهل سنت بررسی کنید.
۱۰. آیه: ﴿هُدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾ را با استفاده از روش تأویلی، باطنی و جری مورد بررسی قرار دهید.

مجاز برای نمایندگی ها و طلاب المصطفی

روش های پژوهش در تفسیر

اهداف: ۱) شناخت فرایند تحقیق در مورد یک آیه؛ ۲) شناخت روش تحقیق در تفسیر ترتیبی؛ ۳) شناخت روش تحقیق در تفسیر موضوعی.

درآمد

«قرآن کریم» دو چینش دارد، یکی به ترتیب نزول که طی ۲۳ سال از سوی خدای متعال بر ما نازل شده است. دوم چینش رایج قرآن (مصحف) که از سوره «حمد» شروع و به سوره «ناس» ختم می شود. هرچند که در مورد چرایی، چگونگی و تاریخ پیدایش این دو چینش سخن زیاد است؛^۱ اما این نکته روش است که بر اساس این دو چینش، دو شیوه تحقیق و مطالعه در قرآن شکل گرفته است که گاهی از آن با عنوان شیوه «تفسیر ترتیبی» و شیوه «تفسیر موضوعی» یاد می شود.

در هر یک از این دو شیوه مطالعاتی، می توان از روش های تفسیر معتبر (مثل تفسیر قرآن به قرآن، روایی، عقلی، اجتهادی، اشاری و علمی) بهره جست؛ همان طور که می توان از روش های تحقیق برون قرآنی و درون قرآنی بهره گرفت. در یک مطالعه قرآنی برای دستیابی به تحقیق و تفسیر کامل یک آیه، لازم است از هر دو شیوه و روش های تفسیری و رویکردهای تحقیقی استفاده شود. از این رو نخست، مراحل اجرایی تفسیر کامل یک آیه را بررسی می کنیم و سپس، دو شیوه تفسیر ترتیبی را مورد بحث قرار می دهیم.

۱. ر.ک: پژوهشی در تاریخ قرآن، دکتر سید محمد باقر حجتی؛ تاریخ قرآن و التمهید فی علوم القرآن، محمد هادی معرفت و درسنامه تاریخ قرآن، محمدحسین محمدی.

نخست: فرایند تحقیق و مطالعه در مورد یک آیه

شیوه پژوهش و تفسیر هر آیه قرآن با توجه به محتوای آن تفاوت‌های جزئی با هم‌دیگر دارد؛ یعنی: اگر محتوای یک آیه حکم فقهی بوده یا اشاره‌ای علمی به طبیعت، مطلبی اخلاقی و یا سرگذشت اقوام و افراد باشد، هر یک بُعدی خاص خود را دارد که نیازمند مطالب جنبی و شیوه‌ها و راهکارهای روش‌شناختی ویژه در تفسیر است.

ولی ما در این جا آیه‌ای را مد نظر قرار می‌دهیم که همه این ابعاد را دارا باشد. و به صورت طبیعی هر آیه‌ای که یکی از این ابعاد را نداشته باشد، مرحله خاص آن را در پژوهش و تفسیر نخواهد داشت.

یادآوری: در این مراحل، فرض آن است که پژوهشگر و مفسری دارای شرایط لازم وجود دارد که با منابع تفسیر و علوم مورد نیاز مفسر آشنا بوده، پیش فرض‌های بنیادین تفسیر را می‌شناسد و بدان‌ها توجه دارد و اکنون می‌خواهد در عمل، اقدام به پژوهش و تفسیر قرآن کند؛ بنابراین ما مراحل عمل تفسیر را مورد بررسی قرار می‌دهیم. و گام به گام با محقق و مفسر پیش می‌رویم.

۱. هدف‌شناسی

این مرحله شامل زیر مجموعه‌های زیر می‌شود:

الف) شناخت اهداف کلی قرآن؛

ب) شناخت اهداف کلی سوره؛

ج) شناخت هدف یا اهداف کلی آیه.

از آن جا که هر یک از این اهداف به تفسیر آیه جهت می‌دهد، شناخت آنها اولین گام در پژوهش و تفسیر آیه به شمار می‌آید.

۲. فضاشناسی

این مرحله شامل زیر مجموعه‌های زیر است:

۱. بررسی پیشینه محتوای آیه در ادیان قبل از اسلام (مثل تورات و انجیل و

ملحقات آنها با استفاده از مطالعات تطبیقی بین ادیان)؛

۲. بررسی پیشینه محتوای آیه در عرب جاهلی؛
۳. بررسی شأن نزول آیه (مکان، زمان و علت نزول)؛
۴. بررسی ترتیب نزول آیه (مکان و زمان نزول آیه در طی ۲۳ سال نزول آیات قرآن)؛
۵. بررسی جغرافیای تاریخی نزول آیه (مکی و مدنی).

البته ممکن است این موارد برای هر آیه قرآن وجود نداشته باشد؛ ولی برای هر کدام از آیات که وجود دارد بررسی آنها لازم است؛ چون شناخت این موارد می‌تواند به عنوان قراین برون متن در تحقیق آیه مؤثر واقع شود و یا ما را به تفسیر مناسب‌تر رهنمون سازد.

۳. واژه‌شناسی و معناشناسی

این مرحله شامل زیر مجموعه‌های زیر می‌شود:

الف) واژه‌شناسی لغات آیه: یعنی ریشه‌یابی واژه‌ها در منابع لغوی، حدیثی و... تا به فهم نزدیک‌تری از معنای لغات در صدر اسلام برسیم.

ب) ترکیب‌شناسی آیه: تجزیه و ترکیب آیه؛ یعنی شناخت نکات صرفی و نحوی آیه می‌تواند در فهم بهتر آیه به ما کمک کند؛

ج) شناخت مجاز، کنایه و... در آیه: با استفاده از علوم معانی، بیان و بدیع می‌توان نکات مربوط به فصاحت، بلاغت، مجاز، کنایه و... را در آیه شناخت. این مطلب در فهم و تفسیر آیات قرآن بسیار مؤثر است؛

د) زبان‌شناسی آیه: شناخت زبان قرآن در هر آیه لازمه فهم و مقدمه تحقیق و تفسیر صحیح آیه است؛

ه) قرائت‌شناسی: بررسی قرائت متواتر آیه (و در صورت لزوم بررسی قرائت‌های دیگر آیه) مقدمه فهم آیه و پایه تحقیق و تفسیر آیه است.

۴. ظاهرشناسی با قرینه‌شناسی

این مرحله شامل زیر مجموعه‌های زیر است:

الف) بررسی قراین درون‌متنی: یعنی یک آیه با آیات دیگر قرآن چه رابطه‌ای دارد

و تأثیر آیات دیگر بر معنای این آیه چیست؛ برای فهم این مطلب توجه به نکات زیر لازم است.

نخست: بررسی این که آیه محکم یا متشابه است و اگر متشابه است با توجه به کدام آیه محکم تفسیر یا تأویل می شود؛

دوم: بررسی این که آیه ناسخ است یا منسوخ و اگر منسوخ است، ناسخ آن چه آیه ای است؛

سوم: بررسی سیاق آیه؛ یعنی: فضای حاکم بر آیات یا جملات قبل و بعد که می تواند بر معنا و تفسیر این آیه تأثیرگذار باشد؛

چهارم: بررسی آیات مشابه در لفظ و مشابه در موضوع؛

پنجم: بررسی آیاتی که به ظاهر با این آیه مخالف است: گاه مخالفت لفظی و گاهی مخالفت محتوایی است.

این مرحله در حقیقت همان تفسیر موضوعی قرآن است که برای فهم هر آیه (حتی در تفسیر ترتیبی) لازم است و بدون آن، قراین درون قرآنی که در فهم و تفسیر آیه مؤثر است از دست رفته و تفسیری ناقص و گاهی غلط از آیه ارائه می شود.

ب) بررسی قراین برون متنی: که این قراین شامل موارد زیر هستند:

نخست: بررسی احادیث پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام که در تفسیر آیه مؤثر است؛

دوم: بررسی برهان های عقلی که در تفسیر آیه مؤثر است؛

سوم: بررسی علوم تجربی قطعی که در تفسیر آیه مؤثر است.

تذکر: در این مرحله لازم است از روش های تفسیری قرآن به قرآن، روایی، عقلی، علمی، به طور کامل بهره گرفت و به مکاتب و گرایش های تفسیری فلسفی - عقلی - اثری و... نیز توجه کافی مبذول دانست^۱.

۵. تأویل شناسی

توجه به قراین عقلی یکی از مراحل تفسیر است که گاهی منتهی به تأویل می شود. آیات قرآن، دارای تفسیر و تأویل هستند؛ بنابراین همان طور که از تفسیر ظاهری

۱. رک: منطق تفسیر قرآن (۲) روش ها و گرایش های تفسیر قرآن، نگارنده.

برخوردار بود، تفسیر باطنی و تأویلی نیز دارند. از این‌رو روش تفسیر عقلی قرآن شکل گرفته و نیز قاعده ارجاع متشابهات به محکّمات جریان یافته است. پس در این مرحله، تأویل آیه، با استفاده از قاعده ارجاع متشابهات به محکّمات و گاه با کمک برهان عقلی و روایات قطعی به دست می‌آید.

۶. بطن‌شناسی و پیام‌گیری

بطن‌گیری از آیه، با استفاده از روایات، یعنی روشی که اهل‌بیت علیهم‌السلام در ضمن تفاسیر روایی به ما آموختند صورت می‌گیرد؛ یکی از تصویرهای بطن قرآن، اخذ قاعده کلیه از هر آیه است.^۱

قرآن، کتابی جاودانه است که برای زمان‌ها، مکان‌ها و نسل‌هاست. این جاودانگی وابسته به پیام‌های آن برای هر نسل است که به صورت قواعد کلی با توجه به هدف آیه استخراج و بر مصادیق جدید تطبیق می‌شود. این پیام‌گیری با استفاده از بطن قرآن یا بهره‌گیری از قاعده جری و تطبیق انجام می‌گیرد؛ این پیام‌ها از نوع دلالت الزامی آیه هستند که ضوابط خاصی در استنباط آنها حاکم است.^۲ البته پژوهشگر قرآن، باید در این مرحله دقت کافی داشته تا برداشت‌های شخصی را به جای پیام‌های آیه (با توجه به هدف آیه و الغای خصوصیت و بر اساس ضوابط به دست می‌آید) ارائه نکند، که منتهی به تفسیر به رأی شود.

۷. پیشینه‌شناسی آیه در تفاسیر (بررسی دیدگاه‌های مفسران)

با استفاده از روش مطالعات تطبیقی بین مذاهب اسلامی، دیدگاه‌های مفسران شیعه و اهل سنت در مورد هر آیه بررسی می‌شود که گاه در آنها قراین تهیه آیه نهفته است (البته تقلید از مفسران جایز نیست).

۱. این مطلب بر اساس دیدگاه خاص آیه‌الله معرف است که بطن را به معنای اخذ قاعده کلیه از آیه و تطبیق بر مصادیق جدید می‌داند. (نک: التفسیر الاتری الجامع، ج ۱، ص ۲۸ و مبحث بطن از منطق تفسیر قرآن (۱) نگارنده، که معانی دیگری از بطن قرآن را بررسی و معرفی می‌کند).

۲. ر.ک: منطق تفسیر (۱) نگارنده، مبحث بطن و قاعده جری.

۸. تفکر خلاق و جمع‌بندی (استنباط و اجتهاد)

بعد از اجرای هفت مرحله پیشین، مفسر قرآن به جمع‌بندی مباحث می‌پردازد و با تأمل و تفکر در قراین داخلی و خارجی و بطن و تأویل آیه و نیز با استفاده از مبانی، قواعد و روش‌های تفسیری، به تفسیر جامعی از آیه رسیده و بعد از بررسی اقوال مفسران استنباط نهایی خود را از آیه بیان می‌کند، که در این صورت موافق یکی از تفسیرهای قبلی مفسران بوده و یا تفسیری جدید از آیه است. البته تفکر خلاق پژوهشگر و تفسیر اجتهادی در این مرحله می‌تواند او را به تولید علم رهنمون شده. و نکات تفسیری جدیدی را ارائه نماید.

یادآوری: اکثر موارد فوق با مثال‌هایی در ضمن روش تحقیق اختصاص تفسیر و علوم قرآن بیان شد و برخی نیز در ضمن روش تحقیق در تفسیر ترتیبی و موضوعی بیان خواهد شد.

مراحل مطالعاتی یک آیه (از نگاهی دیگر)

فرایند تحقیق و تفسیر آیه را به صورت جزئی نیز می‌توان مرحله‌بندی کرد:

۱. قرائت‌شناسی؛
۲. معناشناسی (واژه‌شناسی و نشانه‌شناسی)؛
۳. زبان‌شناسی (مباحث ادبی مثل صرف و نحو، ترکیب آیه و زبان قرآن)؛
۴. فضاشناسی (تاریخی و جغرافیایی)؛
۵. نزول‌شناسی (ترتیب نزول آیات و سوره‌ها)؛
۶. بررسی قراین درون متنی (تفسیر موضوعی و سیاق)؛
۷. تأویل‌شناسی (بررسی قراین عقلی)؛
۸. حدیث‌شناسی آیه؛
۹. هدف‌شناسی (آیه، سوره و قرآن)؛
۱۰. ظاهرشناسی آیه؛
۱۱. بطن‌شناسی و پیام‌گیری؛

۱۲. بررسی علمی آیه (مباحث میان رشته‌ای)؛

۱۳. بررسی تطبیقی آیه (اقوال مفسران شیعه و سنی و بررسی بین ادیان)؛

۱۴. تفکر خلاق و جمع‌بندی (استنباط و اجتهاد)؛

مثال: ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ﴾. (قدر، ۱)

دوم: روش تحقیق در تفسیر ترتیبی

مقدمه

مقصود از «تفسیر ترتیبی»، تفسیر قرآن بر اساس چینش آیات در ضمن سوره‌هاست که این چینش به دو صورت است یکی به ترتیب نزول و دوم به ترتیب مصحف؛ به عبارت دیگر: در تحقیقات و مطالعات قرآنی گاه ترتیب و چینش آیات رعایت نمی‌شود و آیات مربوط به هر موضوع در کنار هم گرد می‌آیند، که نتیجه آن شیوه تفسیر موضوعی است. گاه چینش آیات در ضمن سوره‌ها به هم نمی‌خورد که در این صورت اگر چینش سوره‌ها نیز به هم نخورد تفسیر ترتیبی، به ترتیب مصحف (قرآن رایج کنونی) حاصل می‌شود؛ و اگر چینش سوره‌ها تغییر نکرد و براساس نزول مرتب، مطالعه و تفسیر شوند، تفسیر ترتیبی، به ترتیب نزول حاصل می‌شود. در تاریخ تفسیر شیعه و اهل سنت از هر سه شیوه فوق استفاده شده است و هر یک مبانی و قواعد و نتایج خاص خود را دارد.

الف) روش تحقیق در تفسیر به ترتیب مصحف

در مطالعات ترتیبی قرآن، براساس مصحف (قرآن کنونی) محقق، آیات را به ترتیب، از آغاز سوره «حمد» تا پایان قرآن یا از آغاز هر سوره تا پایان آن بررسی می‌کند. در این روش به قرآن به عنوان یک کل مجموعی ترتیبی نظر می‌شود؛ از این‌رو در این روش مطالعه قرآن، سیاق آیات و چینش سوره‌ها جایگاه ویژه‌ای دارند.

محصول روش مطالعات و تحقیقات ترتیبی قرآن همان «تفسیر ترتیبی» است که از دیر باز مورد توجه قرآن‌پژوهان بوده است تفسیرهای ترتیبی، هم‌چون: «تفسیر عیاشی»،

تفسیر تبیان» اثر شیخ طوسی، مجمع البیان تألیف طبرسی، المیزان، اثر علامه طباطبایی و... در شیعه و تفسیر جامع البیان اثر طبری، تفسیر کبیر اثر فخر رازی و تفسیر فی ظلال القرآن تألیف سید قطب در اهل سنت از این نمونه هستند.

مبانی و قواعد

روش مطالعه و تحقیق قرآن، بر اساس ترتیب مصحف، بر پیش فرض‌ها و قواعدی استوار است که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

۱. پذیرش اعتبار چینش آیات و سوره‌ها در مصحف یعنی قرآن کنونی که در عصر پیامبر ﷺ و یا در عصر عثمان گردآوری شده.^۱ و مورد تأیید ائمه اطهار علیهم السلام نیز قرار گرفته است. در هر صورت در جمع قرآن بر اساس دستور الهی جایگاه آیات مشخص شده و بر اساس حکمت سوره‌ها منظم شده است. بنابراین، چینش کنونی قرآن و ارتباط آیات و حتی سوره‌ها معتبر است از این رو برخی از مفسران قرآن مثل طبرسی در مجمع البیان به ارتباط آخر هر سوره با اول سوره بعد توجه کرده و آن را بیان نموده‌اند.

مثال: طبرسی در ابتدای سوره «غاشیه» می‌نویسد: چون سوره «اعلی» با ترغیب به آخرت تمام شد، سوره «غاشیه» را با بیان احوال آخرت شروع کرد». و در آغاز سوره «بلد» می‌نویسد: «چون که سوره «فجر» با یادآوری نفس مطمئنه تمام شد، در این سوره، وجه اطمینان را بیان کرد».

۲. قاعده سیاق در مطالعات قرآن بر اساس ترتیب مصحف، جایگاه ویژه‌ای دارد؛ هر چند که ممکن است در مطالعات مربوط به ترتیب نزول و حتی تفسیر موضوعی نیز گاهی به سیاق توجه شود؛ ولی روش مطالعه به ترتیب مصحف بر اساس سیاق شکل می‌گیرد و هر چند که سیاق قاعده ظنی است^۲ اما مخالفت با آن جز با قرینه قطعی ممکن نیست.

۱. در این مورد دو دیدگاه بین ارباب علوم قرآن وجود دارد؛ ر.ک: علامه معرفت، پژوهشی در تاریخ قرآن، سید محمد باقر حجتی و... البیان، آیه‌الله خوئی، التمهید، ج ۱.
 ۲. ر.ک: منطق تفسیر قرآن (۱) مبانی و قواعد تفسیر، نگارنده، قاعده سیاق.

قلمرو و محدودیت‌ها

مطالعات قرآنی به ترتیب مصحف در تمام روش‌های تفسیری (مثل تفسیر قرآن به قرآن، روایی، عقلی، علمی و اشاری) قابل اجراست. در ضمن روش تحقیق به ترتیب مصحف می‌توان از روش‌های تحقیق درون قرآن و برون قرآن کمک گرفت؛ همان‌طور که از شیوه سمانتیک و مطالعات تطبیقی و میان رشته‌ای می‌توان بهره برد. اما این روش مطالعه و تحقیق، نمی‌تواند تمام دیدگاه قرآن نسبت به یک موضوع را برتابد؛ مگر آن‌که در ضمن آن به تفسیر موضوعی نیز پرداخته شود؛ همان‌طور که علامه طباطبایی رحمته‌الله در تفسیر ترتیبی خود با استفاده از روش تفسیر قرآن به قرآن، به تفسیر موضوعی آیات نیز پرداخته است؛ برای مثال: ذیل آیه ۱۸۳ - ۱۸۵ سوره «بقره» به بحث موضوعی قرآنی در پیرامون نزول قرآن در ماه رمضان و نزول تدریجی پرداخته^۱ و ذیل آیه ۱۹۰ - ۱۹۵ سوره «بقره» بحث موضوعی قرآن در مورد جهاد را ارائه نموده‌اند.^۲ و ذیل آیه ۲۱۳ «بقره» به بحث موضوعی قرآن در مورد انسان^۳ و نیز عصمت انبیا و نبوت پرداخته‌اند.^۴

آسیب‌شناسی

روش مطالعه و تحقیق قرآن به ترتیب مصحف ممکن است چند آسیب را به دنبال داشته باشد:

۱. تصویر ناقص از موضوعات قرآنی:

اگر در مطالعات قرآنی تنها به روش تحقیق به ترتیب مصحف اکتفا شود، نتیجه آن فقط تفسیر ترتیبی خواهد بود، در آن صورت، معمولاً تصویری ناقص از موضوعات قرآنی به دست می‌آید. چون همه آیات مشابه، مخالف و مرتبط با موضوع هر آیه بررسی نمی‌شود. گاه نیز، این تصویر رهزن بوده و موجب انحراف در تفسیر می‌شود؛

۱. المیزان، ج ۲، ص ۱۵.

۲. همان، ص ۶۴.

۳. همان، ص ۱۱۱ - ۱۳۰.

۴. همان، ص ۱۳۴ - ۱۴۷.

همان‌طور که در مورد «اشاعره» و «معتزله» در مسئله «جبر و تفویض» اتفاق افتاده است. این آسیب را به دو صورت می‌توان رفع کرد:

نخست این‌که: در ضمن مطالعه ترتیبی قرآن، به مطالعه موضوعی آن نیز توجه شود؛ دوم این‌که: در عرض تفسیر به ترتیب مصحف، تفسیرهای موضوعی نگاشته شوند. تا مکمل هم‌دیگر باشند.

۲. غفلت از نظم منطقی نزول آیات:

اگر در مطالعات قرآنی به روش تحقیق و تفسیر به ترتیب مصحف اکتفا شود، به طور طبیعی محقق به ترتیب نزول سوره‌ها و آیات توجه نمی‌کند و در نتیجه، گاهی جای آیات منسوخ قبل از ناسخ قرار می‌گیرد و حتی نوعی آشفتگی در آیات به چشم می‌خورد.

برای مثال در سوره «بقره» تحدی به آوردن مثل یک سوره قرآن می‌شود؛^۱ در حالی که در سوره «هود» که چندین سوره بعد از آن است، تحدی به آوردن مثل ده سوره قرآن می‌شود؛^۲ یعنی: تحدی از کم به زیاد سیر کرده است که بر خلاف سیر منطقی و طبیعی تحدی است؛ ولی اگر ترتیب نزول را در نظر بگیریم این سیر روندی منطقی خواهد داشت؛ یعنی: نخست در سوره «هود» که در ترتیب نزول ۵۲ است، تحدی به آوردن ده سوره شده است؛ سپس در سوره «بقره» که در ترتیب نزول ۸۷ است تنازل شده و تحدی به آوردن یک سوره شده است؛ یعنی: حال که نمی‌توانستید ده سوره مثل قرآن بیاورید لاف‌ل یک سوره بیاورد.^۳

ب) روش تحقیق به ترتیب نزول

در این شیوه، قرآن بر اساس ترتیب نزول سوره‌ها مورد مطالعه و تحقیق قرار می‌گیرد؛ یعنی: محقق از ترتیب مصحف کنونی (حمد، ناس) می‌گذرد و بر اساس روایات، تحقیق و تفسیر خود را از سوره «علق» شروع می‌کند و به سوره «مائده» یا «نصر» به پایان می‌برد.^۴

۱. ﴿فَاتُوا بِسُورَةٍ مِّنْ مِّثْلِهِ﴾؛ (بقره، آیه ۲۳).

۲. ﴿فَاتُوا بِعَشْرِ سُورٍ مِّثْلِهِ﴾؛ (هود، آیه ۱۳).

۳. برای اطلاع از سیر نزول سوره‌ها ر.ک: التمهید، معرفت، ج ۱، ص ۱۳۵.

۴. ر.ک: همان.

در این شیوه محقق به قرآن به عنوان یک کل نازل شده می‌نگرد که ارتباط نزولی آیات در طول ۲۳ سال آن را به هم‌دیگر گره زده است. محصول روش مطالعات و تحقیقات نزول قرآن، همان تفسیر به ترتیب نزول است که مورد توجه قرآن‌پژوهان بوده است، تفسیر «بیان المعانی علی حسب ترتیب النزول» اثر عبدالقادر ملاحویش آل غازی و تفسیر «پایه پای وحی»، تألیف مهندس مهدی بازرگان و نیز تفسیر معارج التفکر و دقائق التدبیر، اثر عبدالرحمن حسن حنبله که میدانی از این نمونه‌اند.

مبانی و قواعد

مطالعات قرآن بر اساس نزول، پیش فرض‌ها و قواعد زیر استوار است:

۱. انتخاب چیش جدید برای سوره‌های قرآن

بر اساس این روش، چیش کنونی سوره‌ها در مصحف (حمد - ناس) به عنوان مبنای مطالعه، تحقیق و تفسیر قرآن قرار نمی‌گیرد؛ مگر آن که کسی معتقد شود که مصحف کنونی به ترتیب نزول است، یا هم چون آیه‌الله خوئی معتقد باشد که جمع قرآن به صورت مصحف کنونی در عصر پیامبر ﷺ صورت گرفته است.^۱ بنابراین، اثبات مبنای جدید در چیش سوره‌ها بر اساس روایات نقل شده از عصر پیامبر ﷺ لازم است (در پایان همین مبحث جدول چیش نزولی مشهور نقل می‌شود). البته حکایت شده که مصحف امام علی علیه السلام بر اساس ترتیب نزول بوده است که اکنون در دسترس ما نیست و صرفاً نقل‌هایی از چیش آن وجود دارد که می‌تواند مورد توجه و بررسی قرار گیرد.^۲

۲. کم‌رنگ شدن سیاق سوره‌ها

عدم ارتباط آخر هر سوره با اول سوره بعد در قرآن، یعنی سیاق سوره‌ها در مطالعات نزولی قرآن جایی ندارد.

حتی ممکن است بر اساس برخی از روایات که زمان و مکان خاص نزول برخی

۱. رک: بیان فی تفسیر القرآن، ص ۲۳۸ - ۲۵۷.

۲. رک: همان، ج ۱، ص ۲۹۲.

آیات یا قسمتی از یک آیه مثل آیه تطهیر (احزاب، ۳۳) را به صورت خاص بیان می‌کند، پیوند آن آیه با آیات قبل و بعد زیر سؤال برود و در نتیجه، سیاق آیات نیز در آن مورد کارایی نداشته باشد؛ بنابراین در مورد «آیه تطهیر» گفته می‌شود که ربطی به قبل و بعد آیه که در مورد زنان پیامبر ﷺ است، ندارد!

حتی ممکن است مسئله تا آنجا پیش رود که کسی بگوید در تحقیقات و مطالعات نزولی قرآن اصل بر عدم وجود سیاق در مصحف کنونی است مگر در جایی که ثابت شود آیات یا سوره‌ها ارتباط نزولی دارند یعنی در جایی که یک سوره، مثل سوره «انعام»، یا چند سوره یا یک دسته از آیات مرتبط با هم دیگر نازل شده است که در این جا سیاق، هست اما سیاق، نزولی است.

۳. جایگاه ویژه فضای تاریخی آیه

در شیوه مطالعات نزولی قرآن، روایات اسباب النزول، شأن نزول، مکی و مدنی و روایات تاریخی صدر اسلام در مورد آیات، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده و اصولاً بدون بررسی تاریخی آیه و تعیین زمان نزول آن نمی‌توان اقدام به مطالعه و تحقیق و تفسیر کرد؛ یعنی: قراین تاریخی و روایی نقش زیادی در مطالعات پیرامون نزول قرآن دارد.

۴. لزوم جابه‌جایی سوره‌ها و آیات

در شیوه مطالعات نزولی قرآن لازم است که محقق برخی سوره‌ها و آیات را جابه‌جا نموده و در کنار آیات و سوره‌های دیگر قرار دهد؛ این امر، گاه به صورت تفسیر موضوعی جلوه‌گر می‌شود. این شیوه می‌تواند نتایج جالب تربیتی نیز به دنبال داشته باشد. در این شیوه آیات ناسخ بعد از منسوخ قرار می‌گیرد.

مثال: آیات مربوط به شراب‌خواری:

در چینش مصحف کنونی، جایگاه چهار سوره و آیه مربوط به شراب این گونه است:

۱. بقره، ۲۱۹: ﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ﴾؛ از

تو درباره شراب و قمار می‌پرسند؛ بگو: «در آن دو، گناه [و زیانی] بزرگ و سودهایی برای مردم است.

۲. نساء، ۴۳: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَىٰ حَتَّىٰ تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ وَلَا جُنُبًا إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ حَتَّىٰ تَغْتَسِلُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفْوًا غَفُورًا﴾؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! در حالی که مست هستید [به مسجد و] نماز نزدیک نشوید، تا بدانید چه می‌گویید؛ و [هم‌چنین] در حال جنابت [به نماز و مسجد وارد نشوید]. تا غسل کنید - مگر این‌که [مسافر و] ره‌گذر باشید - و اگر بیمار بوده، یا مسافر هستید، [و] یا یکی از شما، از مکان پست (دست‌شویی) آمده و یا با زنان تماس (جنسی) داشتید و آبی (برای وضو یا غسل) نیافتید، پس بر زمین پاک (نیکو) تیمم کنید و بر چهره‌هایتان و دست‌هایتان بکشید؛ به راستی خدا، بسیار بخشنده [و] بسیار آمرزنده است.

۳. مائده، ۹۰ - ۹۱، ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رَجَسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾؛ إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعِدَاةَ وَالْبَعْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ﴾؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! شراب، قمار، بت‌ها و چوب‌های شرط‌بندی، فقط پلیدند [و] از کار شیطان‌اند؛ پس، از آن‌ها [دوری کنید، باشد که رستگار شوید. شیطان، به سبب شراب و قمار می‌خواهد در بین شما فقط دشمنی و کینه ایجاد کند و شما را از یاد خدا و از نماز بازدارد؛ پس آیا شما [به شراب‌خواری و قماربازی] پایان می‌دهید؟!]

۴. نحل، ۶۷، ﴿وَمِنْ ثَمَرَاتِ النَّخِيلِ وَالْأَعْنَابِ تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَكَرًا وَرِزْقًا حَسَنًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ﴾؛ و از محصولات درختان خرما و انگورها، [شراب] مستی‌بخش و روزی نیکو از آن می‌گیرید؛ قطعاً، در آن‌ها، نشانه‌ای است برای گروهی که خرد می‌ورزند.

ترتیب نزول سوره‌های فوق این‌گونه است: ۱. «نحل» (هفتادمین سوره نازل شده است)؛ ۲. «بقره» (هشتاد و هفتمین سوره نازل شده است)؛ ۳. «نساء» (نود و دومین سوره نازل شده است)؛ ۴. «مائده» (صد و سومین یا صد و چهارمین سوره نازل شده است).^۱

در بررسی مفاد آیات فوق براساس مصحف با مشکل روبه‌رو می‌شویم؛ چرا که در سوره پنجم (مائده) شراب‌خواری را عملی شیطانی معرفی می‌کند که لازم است از آن اجتناب شود؛ ولی در سوره شانزدهم (نحل) با نرمی از شراب سخن گفته می‌شود؛ درحالی‌که در بررسی نزولی آیات (نه تنها) این مشکل حل می‌شود، بلکه یک شیوه تربیتی در برخورد با مفسد اجتماعی ارائه می‌شود؛ یعنی: قرآن برای برطرف کردن مشکل شراب‌خواری که جامعه صدر اسلام به صورت گسترده گرفتار آن بوده است. نخست در سوره هفتادم (نحل) با ملایمت یادآور می‌شود که ممکن است از انگور شراب مست‌کننده یا رزق نیکو (مثل آب انگور) تهیه شود.

دوم، در سوره هفتاد و هشتم (بقره) باز هم به نرمی، از منافع مادی و گناه بزرگ شراب‌خواری یاد می‌شود.

سوم، در سوره نود و دوم (نساء) حضور شراب‌خواران در نماز را ممنوع می‌کند و این هنگامی است که پیامبر ﷺ تازه به مدینه آمده و کم‌کم جامعه اسلامی شکل می‌گیرد.

چهارم، در سوره ۱۱۳ یا ۱۱۴ قرآن (مائده) با قاطعیت شراب‌خواری را ممنوع می‌سازد. و این درحالی است که سوره «مائده» در اواخر عمر پیامبر ﷺ و اوج قدرت حکومت اسلامی ایشان در مدینه نازل شده است.

در این شیوه، قرآن با یک سنّت غلط به تدریج برخورد نموده و مردم را تربیت می‌کند. این روش می‌تواند الگویی تربیتی برای هر جامعه نومسلمان در برخورد با شراب‌خواری باشد؛ همان‌طور که الگویی برای هر عصر و جامعه در برخورد با مفسد اجتماعی دیگر است. این شیوه‌ای است که علامه معرفت از آن با عنوان «نسخ تدریجی» (نسخ مشروط و تمهیدی) یاد کرده و در تبیین «برده‌داری» و آیات مربوط به «زنان»، «نفی خشونت» از آنان و نیز، آیات «صفح»، «قتال» و... از آن شیوه بهره‌جسته است.^۱

۵. بیان نسخ تدریجی برخی سنّت‌ها و احکام در قرآن، براساس مطالعات نزولی قرآن؛

۶. تأثیر ترتیب زمانی آیات در فهم و تفسیر قرآن.

تذکر: دو مورد اخیر از توضیحات بندهای قبل روشن شد.

۱. رک: شبهات و ردود، علامه معرفت، ص ۱۴۹ - ۱۸۵.

قلمرو و محدودیت‌ها

قلمرو و محدودیت‌های روش مطالعات نزولی قرآن هم‌چون روش مطالعات ترتیبی به ترتیب مصحف است؛ یعنی: در این روش می‌توان از روش‌های تفسیری متنوع (قرآن به قرآن، عقلی، روایی، اشاری و علمی) بهره برد؛ همان‌طور که می‌توان روش‌های تحقیق درون‌متنی و برون‌متنی و نیز از روش تحقیق تطبیقی و میان‌رشته‌ای را به‌کار گرفت. البته روش تحقیق، مطالعه و تفسیر نزولی قرآن نمی‌تواند تصویر کاملی از موضوعات قرآنی ارائه کند؛ مگر آن‌که در ضمن آن یا در عرض آن به مطالعات موضوعی بپردازیم.

آسیب‌شناسی

مطالعات قرآنی به ترتیب نزول با همه امتیازاتی که برخوردار است، دارای کمبودها و آسیب‌هایی نیز هست، از جمله:

۱. عدم دسترسی به ترتیب نزول قطعی آیات و سوره‌ها:

همان‌طور که گذشت، مصحف امام علی که به ترتیب نزول بوده در اختیار ما نیست و روایات و دیدگاه‌های ترتیب نزول سوره‌ها و آیات نیز، مختلف است. هم‌چنین تحقیقات مستشرقان نیز در زمینه تاریخ‌گذاری آیات و سوره‌ها قابل اعتماد نبوده و دارای مشکلات علمی است.^۱ از این‌رو بر محققان لازم است که تلاش زیادی در این زمینه انجام دهند تا ابهامات ترتیب سوره‌ها و آیات برطرف شود.

۲. عدم دسترسی به تصویر و تفسیر کاملی از موضوعات قرآنی:

همان‌طور که در مطالعات ترتیبی قرآن به ترتیب مصحف گذشت، شیوه مطالعه ترتیبی نمی‌تواند تصویر کاملی از موضوعات قرآنی به محقق ارائه کند، مگر آن‌که در کنار آن از تفسیر موضوعی استفاده شود و یا در ضمن تفسیر ترتیبی، بررسی موضوعی نیز صورت گیرد (همان‌گونه که در مثال شراب‌خواری گذشت).

۱. ر.ک: تاریخ‌گذاری قرآن، دکتر محمد جواد اسکندرلو.

چینش نزولی مشهور سوره‌های قرآن

| | | | | |
|--------------|--------------|--------------|--------------|----------------|
| مکی | ۲۵. القدر | ۵۰. الاسراء | ۷۵. السجدة | ۹۹. الطلاق |
| ۱. العلق | ۲۶. الشمس | ۵۱. یونس | ۷۶. الطور | ۱۰۰. البینة |
| ۲. القلم | ۲۷. البروج | ۵۲. هود | ۷۷. الملک | ۱۰۱. الحشر |
| ۳. المزمّل | ۲۸. التین | ۵۳. یوسف | ۷۸. الحاقة | ۱۰۲. النصر |
| ۴. المدثر | ۲۹. قریش | ۵۴. الحجر | ۷۹. المعارج | ۱۰۳. النور |
| ۵. الفاتحة | ۳۰. القارعة | ۵۵. الانعام | ۸۰. النبأ | ۱۰۴. الحج |
| ۶. المسد | ۳۱. القيامة | ۵۶. الصافات | ۸۱. النازعات | ۱۰۵. المنافقون |
| ۷. التکویر | ۳۲. الهمزة | ۵۷. لقمان | ۸۲. الانفطار | ۱۰۶. المجادلة |
| ۸. الأعلى | ۳۳. المرسلات | ۵۸. سبا | ۸۳. الانشقاق | ۱۰۷. الحجرات |
| ۹. اللیل | ۳۴. ق | ۵۹. الزمر | ۸۴. الروم | ۱۰۸. التحريم |
| ۱۰. الفجر | ۳۵. البلد | ۶۰. غافر | ۸۵. العنکبوت | ۱۰۹. الجمعة |
| ۱۱. الضحی | ۳۶. الطارق | ۶۱. فصلت | مدنی | ۱۱۰. التغابن |
| ۱۲. الشرح | ۳۷. القمر | ۶۲. الشوری | ۸۶. المطففین | ۱۱۱. الصف |
| ۱۳. العصر | ۳۸. ص | ۶۳. الزخرف | ۸۷. البقرة | ۱۱۲. الفتح |
| ۱۴. العاديات | ۳۹. الاعراف | ۶۴. الدخان | ۸۸. الانفال | ۱۱۳. المائدة |
| ۱۵. الكوثر | ۴۰. الجن | ۶۵. الجاثية | ۸۹. آل عمران | ۱۱۴. براءة |
| ۱۶. التكاثر | ۴۱. يس | ۶۶. الاحقاف | ۹۰. الاحزاب | |
| ۱۷. الماعون | ۴۲. الفرقان | ۶۷. الذاریات | ۹۱. الممتحنه | |
| ۱۸. الكافرون | ۴۳. فاطر | ۶۸. العاشية | ۹۲. النساء | |
| ۱۹. الفیل | ۴۴. مریم | ۶۹. الكهف | ۹۳. الزلزال | |
| ۲۰. الفلق | ۴۵. طه | ۷۰. النحل | ۹۴. الحديد | |
| ۲۱. الناس | ۴۶. الواقعة | ۷۱. نوح | ۹۵. محمد | |
| ۲۲. التوحيد | ۴۷. الشعراء | ۷۲. ابراهيم | ۹۶. الرعد | |
| ۲۳. النجم | ۴۸. النمل | ۷۳. الانبياء | ۹۷. الرحمان | |
| ۲۴. عبس | ۴۹. القصص | ۷۴. المومنون | ۹۸. الانسان | |

سوم: روش تحقیق در تفسیر موضوعی

مفهوم‌شناسی و قلمرو

روش مطالعه، تحقیق و تفسیر موضوعی در برابر روش مطالعه، تحقیق و تفسیر ترتیبی قرار دارد. هنگامی که در مطالعات و تحقیقات قرآنی چینش آیات (ترتیب مصحف یا ترتیب نزول آیات و سوره‌ها) رعایت نشود و مجموعه‌ای از آیات (موافق، مخالف و مشابه) مربوط به یک موضوع یا مسئله در کنار هم مورد بررسی قرار گیرند، تفسیر موضوعی حاصل می‌شود.

در این روش، آیات قرآن قرینه‌ای برای فهم و تفسیر آیات دیگر قرار می‌گیرند؛ یعنی: از روش تفسیر قرآن به قرآن و روش تحقیق درون متنی استفاده می‌شود؛ البته در روش تحقیق موضوعی می‌توان از روش‌های تفسیری دیگر (مثل روش روایی، عقلی، علمی و اشاری) و نیز، از روش‌های تحقیق برون متنی و مطالعات تطبیقی و میان رشته‌ای استفاده نمود و از آن‌جا که مطالعات تطبیقی، میان رشته‌ای و موضوعات برون قرآنی در مطالعات موضوعی نقش زیادی دارند، برخی از اقسام فرعی مطالعات و تفاسیر موضوعی را شکل داده‌اند؛ هم‌چون تفسیر موضوعی میان رشته‌ای، تفسیر موضوعی تطبیقی و تفسیر موضوعی برون قرآنی.

آیه‌الله مکارم تفسیر موضوعی را این‌گونه تعریف می‌کند:

آیات مختلفی که درباره یک موضوع در سرتاسر قرآن مجید در حوادث و فرصت‌های مختلف آمده است، جمع‌آوری و جمع‌بندی گردد و از مجموع آن، نظر قرآن درباره آن موضوع و ابعاد آن روشن گردد.^۱

البته مطالعات موضوعی «قرآن کریم»، دارای اقسامی است؛ مثل تفسیر موضوعی درون قرآنی (تفسیر موضوعی سنتی)، تفسیر موضوعی برون قرآنی، تفسیر موضوعی تطبیقی و تفسیر موضوعی میان رشته‌ای.^۲ تعریف فوق‌الذکر در مورد تفسیر موضوعی سنتی صادق است؛ اما بقیه اقسام مطالعات و تفاسیر موضوعی را شامل نمی‌شود. در این‌جا لازم است قبل از بیان اقسام مطالعات موضوعی قرآن، چند مطلب را بیان کنیم.

۱. پیام قرآن، ناصر مکارم شیرازی، ج ۱، ص ۲۱.

۲. این اقسام در ادامه خواهد آمد.

این شیوه از مطالعه قرآنی را به این دلیل تفسیر موضوعی نامیده‌اند که تفسیر، از یک موضوع شروع شده و آن‌گاه دیدگاه قرآن در مورد آن بررسی و مورد جست‌وجو قرار می‌گیرد.

هم‌چنین این شیوه را «تفسیر توحیدی» نیز می‌نامند؛ چرا که تجربه بشری و قرآن را جمع نموده و نظریه‌ای واحد را در موضوع ارائه می‌کند. گاه نیز، این شیوه را «تفسیر تقطیعی» می‌نامند؛ چرا که آیات قرآن را تقطیع کرده و جدای از آیات قبل و بعد سوره مورد بررسی قرار می‌دهد.

الف) پیشینه

مطالعات موضوعی قرآن سابقه طولانی دارد؛ اما رشد تفسیر موضوعی قرآن پدیده‌ای نوآمد به شمار می‌آید که در چند دههٔ اخیر بالنده شده است. هنگامی که به میراث مکتوب مفسران قرآن و محدثان مراجعه می‌کنیم متوجه می‌شویم که در احادیث پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام از شیوهٔ مطالعات موضوعی (که نوعی تفسیر قرآن به قرآن و موضوعی نیز به شمار می‌آید) استفاده شده است.^۱

در گذشته نیز این شیوه به صورت کم‌رنگ در میان مفسران وجود داشته است. کتاب‌هایی هم‌چون: احکام القرآن، اثر محمد بن صائب کلبی (م ۱۴۶ ق.)؛ زبدة البیان، اثر محقق اردبیلی؛ کنز‌العرفان، اثر فاضل مقداد و فقه القرآن، تألیف راوندی از پیشگامان مطالعات موضوعی در مبحث آیات الاحکام به شمار می‌آیند؛ بلکه کتاب‌های فقهی شیعه و اهل سنت که موضوعات قرآنی (هم‌چون نماز، روزه، زکات و...) را با توجه به آیات و روایات مورد بررسی قرار می‌داده‌اند نوعی تفسیر موضوعی رقیق به شمار می‌آید.

در دو دههٔ اخیر، شیوه تفسیر موضوعی از بالندگی خاصی برخوردار گردیده و تفاسیر متعددی در موضوعات متنوع نگاشته شد؛ از جمله تفسیر موضوعی منشور جاوید، اثر آیه‌الله سبحانی؛ پیام قرآن، اثر آیه‌الله مکارم؛ معارف قرآن اثر آیه‌الله مصباح

۱. نک: بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۹۴، ۱۱۰؛ پیام قرآن، ج ۱، ص ۲۳، ۲۷.

یزدی و... از نمونه‌های جدید این شیوه می‌توان از تفاسیر موضوعی ویژه جوانان نام برد که تا کنون چهار مجلد آن منتشر شده است: «قرآن و هنر»، اثر دکتر علی نصیری؛ «عجازها و شگفتی‌های علمی قرآن»، تألیف محمد علی رضایی اصفهانی؛ قرآن و بهداشت روانی»، اثر دکتر احمد صادقیان؛ قرآن و ریاضیات، تألیف سید مرتضی علوی^۱ و باز برخی دیگر، هم‌چون قرآن و پلورالیسم، تألیف محمد حسن قدردان قراملکی و قرآن و سکولاریسم، از همان مؤلف^۲.

ب) ویژگی‌ها و آثار مطالعات موضوعی قرآن

۱. در مطالعات و تفاسیر موضوعی، آیات مربوط به یک موضوع جمع‌آوری شده و مورد بررسی قرار می‌گیرند و در نهایت تفسیر جامع از موضوعات قرآنی به دست می‌آید؛ برای مثال: آیات مربوط به توحید، نبوت و معاد از تمام سوره‌های قرآن و با کمک گرفتن از فهرست‌های موضوعی و معجم‌المفهرس، جمع‌آوری و با هم‌دیگر تفسیر می‌شوند.

۲. هدف این شیوه، به دست آوردن نظر نهایی قرآن در باره یک موضوع است.

۳. در مطالعات موضوعی، آیات محکم قرآن محور قرار می‌گیرند و آیات متشابه به آنها باز گردانده می‌شود و تفسیر می‌گردد. از این‌رو ابهامات آیات متشابه بر طرف می‌شود.

۴. مطالعات موضوعی قرآن، معمولاً کاربردی و مرتبط با نیازهای زندگی بشر است و به پرسش‌های او پاسخ می‌دهد.

۵. مطالعات موضوعی قرآن، آزاد از قیود زمان، مکان و محدودیت‌های عبارتی است؛ یعنی: خصوصیات زمانی و مکانی آیات - مثلاً در قصه‌های قرآن - الغاشیه و معانی به دست آمده، به صورت قانون و قاعده کلی برای پاسخ‌گویی مصادیق جدید و موضوعات و مشکلات بشر به کار می‌رود.

۱. این آثار را مرکز تحقیقات «قرآن کریم» المهدی منتشر کرده است.

۲. این آثار را پژوهشگاه حوزه و دانشگاه منتشر کرده است.

۶. مطالعات موضوعی تطبیقی، بررسی یک موضوع، بین کتاب‌های مقدس ادیان مختلف است که موجب روشن شدن برتری‌های اسلام بر سایر ادیان می‌گردد.
۷. مطالعات موضوعی تطبیقی بین مذاهب اسلامی، زمینه‌ساز آشکار شدن نقاط قوت و ضعف آرای مفسران و روشن شدن حقایق می‌شود.
۸. مطالعات موضوعی میان رشته‌ای، زمینه‌ساز تولید علم، به‌ویژه در حوزه علوم انسانی می‌شود و بسیاری از حقایق و اعجازهای علمی قرآن را آشکار می‌کند.
۹. یکی از فواید مطالعات موضوعی قرآن، آگاهی از شرایط، علل و نتایج موضوعات و مسائل مختلفی است که در قرآن مطرح است.
۱۰. در مطالعات موضوعی قرآن اسرار و پیام‌های تازه قرآن از طریق انضمام آیات به یک‌دیگر به دست می‌آید.^۱

ج) تفاوت‌ها و محدودیت‌های مطالعات تفسیر ترتیبی و موضوعی قرآن

۱. در مطالعات، تحقیقات و تفاسیر ترتیبی، مدلول جداگانه آیات بررسی می‌شود؛ اما در مطالعات موضوعی، مدلول مرکب آیات و نظر نهایی قرآن به دست می‌آید.
۲. در تحقیقات ترتیبی قرآن، گاه از یک جنبه به موضوع نگریسته و دیدی ناقص از موضوعات قرآنی می‌دهد در حالی که مطالعات موضوعی، دیدی جامع و کامل را نسبت به موضوع ارائه می‌دهد.

یادآوری: همین نکته گاه موجب می‌شود تا افراد، در فهم آیات قرآن دچار خطا شده و یا از آیات سوء استفاده کنند؛ همین مطلب، موجب پیدایش اختلافات مذهبی یا دامن زدن به آنها شده است؛ مثلاً: کسانی که دیدگاه جبری دارند به آیاتی که ظاهری جبری دارد مثل: ﴿مَا رَمَيْتَ﴾^۲، ﴿فَيُضِلُّ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ﴾^۳ و... استناد می‌کنند و افرادی که دیدگاه تفویض و آزادی انسان را قبول دارند به آیاتی که موافق نظر آنهاست مثل: ﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا﴾^۴ استناد می‌کنند؛

۱. دو مورد اخیر از کتاب پیام قرآن، آیه‌الله مکارم شیرازی، ج ۱، ص ۲۲ - ۲۳ استفاده شد.

۲. انفال، آیه ۱۷.

۳. ابراهیم، آیه ۴.

۴. انسان، آیه ۳.

درحالی‌که اگر هر دو دسته آیات در کنار هم قرار گیرند، دیدگاه معتدل «امر بین امرین» به دست می‌آید. و همین مسئله در مورد مسئله شفاعت، شرک، توسل و مانند آنها اتفاق افتاده است.

۳. تحقیقات ترتیبی، مقدمه تحقیقات موضوعی به شمار می‌آید، همان‌طور که تفسیر موضوعی بدون توجه به تفسیر ترتیبی آیات قرآن صحیح نیست؛ چرا که بسیاری از قراین موجود در آیات قبل و بعد (هم‌چون سیاق) در مطالعات ترتیبی به دست می‌آید، ولی در مطالعات موضوعی این‌گونه نیست؛ چون سوره‌ها و آیات تقطیع می‌شوند.

۴. مطالعات ترتیبی سلبی است؛ یعنی: معمولاً بدون توجه به آیات دیگر قرآن و بدون طرح و نظریه یا موضوع قبلی انجام می‌گیرد؛ اما مطالعات موضوعی اثباتی است؛ یعنی: بررسی آیات با توجه به آیات دیگر قرآن صورت گرفته و نظر نهایی قرآن به دست می‌آید؛ به عبارت دیگر: از مطالعات ترتیبی، ارتباط آیات، مطالب و مفاهیم کشف نمی‌شود؛ به خلاف مطالعات موضوعی.^۱

۵. تفسیر ترتیبی قرآن از نص شروع می‌شود؛ اما مطالعات موضوعی قرآن از واقعیت حیات بشری شروع می‌شود؛ یعنی در تفسیر موضوعی به موضوعاتی می‌پردازیم که برای بشر رخ نموده و مشکل یا پرسش‌های بشر است. به عبارت دیگر: تفسیر ترتیبی، توضیح آیات قرآن در خلأ و بدون توجه به نیاز فعلی اجتماع است؛ اما تفسیر موضوعی، پاسخی به نیاز فعلی جامعه بشری است از این‌رو کاربردی است.

۶. مطالعات ترتیبی یک طرفه است؛ یعنی: پژوهشگر منفعّل و شنونده است، اما تفسیر موضوعی دو سویه است؛ یعنی: محقق پرسش‌گر و فعال است. او پرسش‌های بشریت را از قرآن می‌پرسد و با تفسیر موضوعی به آنها پاسخ می‌دهد و از همین جا است که مطالعات و تحقیقات موضوعی برون قرآنی شکل می‌گیرد.

۷. مطالعات و تفاسیر موضوعی، نسبت به مطالعات و تفاسیر ترتیبی، رشد علمی

۱. نک: مقاله: التفسیر القرآنی بین التجزئی و الموضوعی، مجموعه آثار شهید صدر، ج ۱۳، ض ۲۷ به بعد.

بیشتری به بار می‌آورد - همان‌طور که درباره حدیث اتفاق افتاد - یعنی: دانشوران حدیث به دو گروه محدثان و فقیهان تقسیم می‌شوند: محدثان فقط به نقل حدیث و شرح احادیث به صورت ترتیبی پرداختند (مثل مرآة العقول علامه مجلسی و...) اما فقیهان به شرح موضوعی احادیث پرداختند و آنها را در قالب علم فقه بیان کردند و همین مطلب موجب رشد حدیث موضوعی (فقه) شد؛ اما در مطالعات قرآنی، مفسران در طول صدها سال به تفسیر ترتیبی روی آوردند و به تفسیر موضوعی نپرداختند و یا کمتر پرداختند؛ از این‌رو علم تفسیر رشد کمتری یافت.

۸. مطالعات موضوعی میان رشته‌ای قرآنی، به علوم بشری توجه بیشتری مبذول داشته و از این‌رو موجب تولید علم می‌شود؛ اما در مطالعات ترتیبی این اتفاق کمتر رخ می‌دهد.

د) تحقیق موضوعی قرآن مقدم است یا تحقیق ترتیبی؟

معمولاً مطالعه، تحقیق و تفسیر ترتیبی را مقدم بر مطالعات موضوعی می‌دانند؛ چرا که مفسر، نخست باید با مفاهیم آیات آشنا شود و یک دوره به مطالعه ترتیبی قرآن پردازد تا تسلط نسبی بر تفسیر ترتیبی قرآن پیدا نموده و پس از آن به مطالعه و تفسیر موضوعی پردازد؛ اما برخی از صاحب‌نظران بر آنند که تفسیر موضوعی مقدم بر تفسیر ترتیبی؛ است چون که در تفسیر ترتیبی، نظر نهایی قرآن به دست نمی‌آید و تصویری ناقص از موضوعات و نظرگاه‌های قرآنی ترسیم می‌شود، پس برای فهم قرآن باید به سراغ تفسیر موضوعی رفت.^۱ اما به نظر می‌رسد که راه میانه‌ای نیز وجود داشته باشد که به صواب نزدیک‌تر است و آن این‌که مطالعات ترتیبی قرآن را با مطالعات موضوعی همراه کنیم. همان روشی که علامه طباطبایی رحمته‌الله در «تفسیر المیزان» پیموده است؛ یعنی: آیات قرآن را به ترتیب بررسی و تفسیر می‌کند، ولی گاه یک موضوع قرآنی (مثل معجزه، رؤیا و...) را مورد بررسی همه جانبه قرار می‌دهد و به آیات مشابه به آن کمتر می‌پردازد و به آن تفسیر موضوعی که انجام شده ارجاع می‌دهد.

۱. نک: دائرةالمعارف الاسلامیة، مقاله تفسیر، امین خولی.

ه) آسیب‌شناسی مطالعات موضوعی قرآن

نخست: تقطیع و غفلت از قراین

یکی از آسیب‌های جدی مطالعات و تفاسیر موضوعی، تقطیع است؛ یعنی: ممکن است محقق با جدا کردن آیات، از قراین موجود در آیات قبل و بعد و سیاق غافل شود. بنابراین باید مطالعات موضوعی را با مطالعات ترتیبی همراه نمود تا به این لغزش دچار نشد. برای مثال: هرگاه آیات مربوط به نبوت را بررسی می‌کنیم، هر آیه‌ای که مورد توجه قرار می‌گیرد، باید نخست به تفسیر ترتیبی آن مراجعه نمود و قراین عقلی و نقلی و سیاق آیه را بررسی کنیم و سپس آن را در فرایند تفسیر موضوعی قرار دهیم.

دوم: اقدام به تفسیر موضوعی بدون تمرین تفسیر ترتیبی

ممکن است برخی گمان کنند می‌توان بدون پیشینه تفسیری، وارد حوزه تفسیر موضوعی شده، آیات را کنار هم گذاشته و نتیجه گرفت. درحالی که مفسر قرآن شرایطی دارد که از جمله آنها ممارست و تمرین تفسیر است؛ یعنی: مفسر قرآن باید قبلاً با تفسیر ترتیبی و روش‌های تفسیری آشنا شده و سپس به تفسیر موضوعی بپردازد وگرنه ممکن است گرفتار لغزش یا تفسیر به رأی شود.

سوم: تحمیل دیدگاه‌ها بر قرآن

ممکن است مفسر با تحلیل‌های برون‌قرآنی (قبل از بررسی موضوع در قرآن)، نظر خویش را انتخاب کرده و بر قرآن تحمیل کند؛ این کار منتهی به تفسیر به رأی خواهد شد؛ درحالی‌که روش صحیح آن است که نخست آیات مربوط به موضوع گردآوری، بررسی و جمع‌بندی شد و نظر قرآن اخذ، اعلام و پذیرفته شود؛ سپس با علوم دیدگاه‌های مکاتب و مذاهب مختلف مقایسه شود و چنان‌چه دیدگاهی با قرآن مطابق بود پذیرفته و دیدگاه‌های دیگر نفی شوند. آسیب اخیر، به‌ویژه در مطالعات میان رشته‌ای و تطبیقی تفاسیر موضوعی برون‌قرآنی، جدی‌تر مطرح می‌شود و احتیاط بیشتری را می‌طلبد.

برخی از بزرگان و پیشگامان در تفسیر موضوعی نیز موارد زیر را از مشکلات تفسیر موضوعی بر شمرده‌اند:

۱. تکیه بر الفاظ معجم المفهرس و غفلت از مفاهیم قرآنی که با الفاظ دیگر به کار می‌رود؛
۲. عدم دقت در جمع‌بندی آیات؛
۳. گستردگی موضوعات و نیاز به حوصله زیاد در بررسی آنها.^۱

چهارم: اقسام مطالعات و تحقیقات موضوعی قرآن

همان‌طور که گذشت، در روش تحقیق و مطالعه موضوعی قرآن، از روش‌های تفسیری مختلف و نیز روش‌های تحقیق درون‌قرآنی و برون‌قرآنی استفاده می‌شود و در دهه اخیر در مطالعات موضوعی قرآن از روش‌های تحقیق میان رشته‌ای و تطبیقی به صورت گسترده استفاده شده که نتایج درخشانی به بار آورد؛ از این رو مطالعات موضوعی قرآن به چند شیوه فرعی تقسیم شده و حتی تفاسیر موضوعی قرآن را نیز به چند دسته تقسیم کرده است:

الف) تحقیق موضوعی درون قرآنی (تفسیر موضوعی سنتی)

این شیوه، کهن‌ترین روش مطالعه موضوعی قرآن است که بر اساس روش تفسیر قرآن به قرآن استوار بوده و محقق می‌کوشد تا با استفاده از قراین نقلی درون‌متنی به معانی و مقاصد آیات پی برده و نتایج جدیدی به دست آورد.

پیش‌فرض‌های اساسی این روش تحقیق، حجیت ظواهر قرآن، اعتبار روش تفسیر قرآن به قرآن و اصل عدم اختلاف (به صورت تضاد و تناقض) در آیات قرآن است؛ هرچند که اختلاف عرضی، مثل عام و خاص، مطلق و مفید و... در قرآن وجود دارد که از طریق تأمل در همین روش تحقیق موضوعی درون قرآنی بر طرف می‌شود همان‌گونه که در مبحث روش تحقیق درون متنی گذشت، ریشه‌های این شیوه را می‌توان در احادیث پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام به دست آورد.

۱. پیام قرآن، ج ۱، ص ۳۰، ۳۱.

تذکر: از آن‌جا که کاربردها، قلمرو، محدودیت‌ها و آسیب‌های روش تحقیق موضوعی درون قرآنی، در مبحث روش تحقیق درون‌متنی گذشت، از تکرار آن خودداری نموده و در این‌جا به ذکر مراحل اجرایی و مثال‌ها اکتفا می‌کنیم. در این روش تحقیق برای بررسی هر موضوع قرآنی به آیات زیر توجه می‌شود:

۱. آیات مشابه در لفظ و محتوا؛

۲. آیات مخالف در لفظ و محتوا؛

۳. آیات مرتبط با موضوع.

برای مثال: برای بررسی موضوع «انفاق» در قرآن لازم است تا آیات حاوی کلمات مشابه لفظ انفاق مثل «ینفقون»، «تنفقون» و... مورد بررسی قرار گیرند؛ سپس آیات مشابه محتوای انفاق مثل «فرض‌الحسنه»، «بر» و... بررسی شوند و بعد از آن آیاتی که از انفاق نهی می‌کند مثل: ﴿لَا تُنْفِقُوا عَلٰی مَنْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ﴾ (منافقون، ۷). و نیز آیات مرتبط با موضوع مثل آیات مربوط به «فقراء»، «مساکین»، «اغنیاء»، «مواد غذایی» و... بررسی شود.

فرایند تحقیق موضوعی در قرآن

برخی از صاحب‌نظران معاصر مراحل شکلی و اجرایی روش تحقیق موضوعی در «قرآن کریم» را این‌گونه بر شمرده‌اند:^۱

نخست: مرحله مقدماتی (عنوان‌یابی)

۱. انتخاب عنوان تحقیق موضوعی و کلید واژه‌های آن

نخستین کاری که در تحقیق موضوعی باید انجام داد، این است که عنوان موضوع تحقیق را با دو سه کلمه، معین و مشخص نمود؛ در این راستا توجه به چند نکته، ضروری است: برای مثال: اگر بخواهیم موضوع «ساختمان» را از دیدگاه قرآن تحقیق

۱. دکتر حسین مرادی زنجانی و دکتر محمد علی لسانی فشارکی، در کتاب روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم این موضوع را به تفصیل مورد بررسی قرار داده‌اند، که ما مطالب آنها را به صورت خلاصه و با تغییراتی ارائه نمودیم.

کنیم، ابتدا باید منظورمان را از این موضوع مشخص کنیم، تا معلوم شود که از چه جنبه‌ای می‌خواهیم در این باره تحقیق کنیم. اگر از جنبه «شهرسازی» به این موضوع نگاه کنیم، کلید واژه‌ای که به عنوان راه ورود به قرآن بر می‌گزینیم، کلمه «بلد» و یا «قریه» است و اگر بخواهیم از بُعد علوم اجتماعی به آن نگاه کنیم، کلید واژه ما کلمه «مدینه» خواهد بود. پر واضح است که اگر هر یک از این دو کلمه به جای دیگری انتخاب شود، مسیر تحقیق تا چه اندازه دگرگون خواهد شد!

عناوینی که برای تحقیق موضوعی در قرآن بر می‌گزینیم، در یک طبقه‌بندی کلی به دو نوع تقسیم می‌شوند:

نوع نخست: عناوینی که مستقیماً از قرآن دریافت شود

گاه برخی از کلمات و عبارات قرآن، توجه ما را به سوی خود جلب می‌کنند؛ چنانچه که علاقمند می‌شویم تا معنا و مفهوم و جایگاه دقیق آنها را بازشناسیم. در این صورت، تعیین کلید واژه‌های تحقیق بسی آسان است؛ زیرا عنوان تحقیق را مستقیماً از خود قرآن دریافت کرده‌ایم؛ مانند بحث «شرح صدر» در قرآن و تحقیق درباره «ابرا» در قرآن.

نوع دوم: عناوینی که از بیرون به قرآن عرضه می‌شوند

گاه مسائل و موضوعاتی مطرح می‌شوند که می‌خواهیم نقطه نظر قرآن را درباره آنها بدانیم؛ عنوان تحقیق در این گونه موارد، ممکن است مانند نوع اول حاضر و آماده نباشد و کلید واژه‌های تحقیق لزوماً در خود عنوان گنجانده نشده باشند؛ بنابراین، خودمان باید عنوان تحقیق را در قالب یک یا چند کلمه مشخص کنیم. برای مثال: اگر می‌خواهیم مسئله «خودی و غیرخودی» را در قرآن بررسی کنیم، نباید به سراغ کلمه «نفس» که برگردان عربی «خود» می‌باشد برویم. در این گونه موارد بهتر است ابتدا عنوان تحقیق را به عبارت و صورت دیگری بیان نموده و سپس آن را به عربی برگرداند، برای مثال: همین مسئله «خودی و غیرخودی» را با عبارت «از ما بودن و از ما نبودن» هم می‌شود بیان کرد. حال اگر به دنبال معادل عربی این عبارت باشیم،

متوجه حرف «مِن» و ترکیبات ساخته شده با آن مانند «فأَنَّهُ مَنِّي»، «فليس مِنِّي»، «ليست منهم في شيء» و... خواهیم شد.

۲. عرضه کلمات عنوان به معجم المفهرس

در این مرحله، کلمات تشکیل دهنده عنوان موضوع خود را - چه کلماتی که از ابتدا عربی بودند و چه آنهایی که به زبان عربی برگردانده‌ایم - با استفاده از کتاب **معجم المفهرس** به قرآن عرضه می‌کنیم. با این ترتیب، عناوین تحقیق موضوعی به دو دسته تقسیم خواهند شد:

دسته اول: عناوینی که یک یا چند کلمه از آنها در قرآن نیز عیناً و یا به صورت کلمات هم خانواده به کار رفته است؛ مانند: «هدایت»، «حیات»، «صبر» و «ایمان».

دسته دوم: عناوینی که هیچ‌یک از کلمات آنها در «قرآن کریم» به کار نرفته است؛ این کلمات به رغم عربی بودن، در بیان «قرآن کریم» استعمال نشده‌اند؛ مانند «تشویق و تنبیه»، «ادب»، «نظافت» یا «نزاکت». در این گونه موارد، کلماتی را که از نظر معنا و مفهوم به هم نزدیک‌اند و در قرآن به کار رفته‌اند، انتخاب کرده و بررسی می‌کنیم؛ برای مثال: برای بررسی «جایگاه تشویق و تنبیه در قرآن» کلید واژه‌های «انذار و تبشیر» را مورد توجه قرار می‌دهیم. اگر باز هم موفق نشدیم و نتوانستیم به کلمات کلیدی تحقیقمان دست یابیم، باید موضوعمان را به چند موضوع کوچک‌تر تقسیم کنیم و آن موضوعات کوچک‌تر را یک به یک به قرآن عرضه کنیم.

در ارتباط با برخی از موضوعات، مانند «مهدوئیت» یا «آزادی» ممکن است، نتوان کلید واژه اصلی آنها را در قرآن پیدا نمود. در این گونه موارد، می‌توان به آثار علمی و نیز آرای مفسرین مراجعه کنیم و ببینیم که ایشان در ارتباط با این موضوعات، معمولاً به کدام آیات، استناد و استشهاد کرده‌اند.

پس از تعیین عنوان و کلید واژه‌های تحقیق - که گفته شد خارج از فضای این روش تحقیق بوده و بر عهده خود محقق می‌باشد - نخستین دستورالعمل پیشنهادی این است که یک دسته کاغذ یک‌نواخت را برای نوشتن تحقیقمان آماده کنیم. یک اندازه و یک‌نواخت بودن کاغذها به این خاطر است که شخص محقق در فرایند تحقیق با علاقه و انگیزه بهتر و بیشتری کار کند.

۳. نگارش صفحه عنوان و ثبت گزارش آغاز تحقیق

در صفحه نخست، عنوان دقیق موضوع تحقیق را نوشته، آن‌گاه، کوششی را که احیاناً در جهت پیدا کردن کلمه یا کلمات قرآنی مربوط به موضوع انجام داده‌ایم، گزارش می‌کنیم.

۴. تدارک فهرست آیات اصلی

فهرست آیات اصلی، همان فهرست مرتب شده نشانی آیاتی است که کلمه موضوع، عیناً و یا به صورت کلمات هم‌خانواده در آنها به کار رفته.

در این مرحله با مراجعه به کتاب **المعجم المفهرس** نشانی آیاتی را که کلمه یا کلمات مورد نظرمان، عیناً و یا به صورت کلمات هم‌خانواده در آنها به کار رفته‌اند، روی یک کاغذ یادداشت فرعی ثبت می‌کنیم. بدیهی است که اگر کلمه موضوعمان عیناً در قرآن به کار نرفته باشد، تنها کلمات هم‌خانواده آن را در فهرست آیات اصلی مرتب می‌کنیم.

اگر عین کلمه موضوعمان به وفور در قرآن به کار رفته باشد، بهتر است به جای یک فهرست، دو فهرست برای تحقیقمان تدارک ببینیم؛ در فهرست نخست، نشانی آیاتی را که کلمه موضوع در آنها عیناً به کار رفته است، مرتب می‌کنیم و در فهرست دوم، نشانی آیاتی را که کلمه موضوع در آنها به صورت کلمات هم‌خانواده به کار رفته است با یک شماره ردیف جدید تنظیم می‌کنیم.

۵. تدارک فهرست سیاق‌ها

فهرست دیگری که باید تهیه نمود، فهرست شمارگان آیات ابتدا و انتهای سوره‌هاست. در این فهرست، محدوده سیاق آیاتی را که در فهرست پیشین استخراج کرده و نیز، تعداد آیات هر سیاق را به صورتی که در زیر مشاهده می‌شود، مشخص می‌کنیم:

| شماره ردیف آیات اصلی | شماره آیه، نام سوره، شماره سوره | شماره آیه ابتدای سیاق شماره آیه انتهای سیاق | تعداد آیات هر سیاق |
|----------------------|---------------------------------|--|--------------------|
| | | تا..... | |

تقسیم کلام‌الله مجید به ۵۵۵ واحد موضوعی (رکوعات یا سیاق‌های قرآنی)

«قرآن کریم» بر حسب تعلیم به ۵۵۵ واحد موضوعی تقسیم می‌شود. این تقسیم، از قدیم‌الایام به «رکوعات قرآنی» مشهور بوده است. این فصل بندی پر رمز و راز در بسیاری از نسخه‌های قرآن با علامت «ع» (رکوع) در پایان هر قسمت مشخص شده است.

تعیین محدودهٔ سیاق آیات اصلی، به خاطر آن است که ما بدانیم - مثلاً - آیه چهارم سوره «منافقون» (ردیف دوم فهرست صفحه ۱۳) را، در چه محدوده‌ای از آیات بعدی و آیات قبلی باید بررسی و مفهوم‌یابی نمود و برای فهم بهتر و بیشتر آن، تا چه اندازه به آیات بعد و قبل از آن مراجعه کرد و این آیه اصلی مربوط به موضوع بحث را - به اصطلاح - در چه سیاقی باید بررسی نمود.

۶. ثبت آمار و ارقام مربوط به کاربرد کلید واژه‌ها در قرآن مجید

در این مرحله، تعداد آیات هر فهرست و همچنین تعداد کلماتی را که در رابطه با موضوع بحث در آیات سراسر قرآن به کار رفته است و نیز، تعداد کل آیاتی را که با توجه به فهرست سیاق‌ها در تحقیق موضوعی خود بررسی خواهیم کرد، ارائه می‌دهیم. غالباً در این آمارها، نظم اعجاز آمیز قرآن به صورت شگفت‌انگیزی جلوه می‌کند. پس باید دقت نمود تا هرگونه نظم و هماهنگی را که در این آمارها مشاهده می‌کنیم، ثبت نماییم.

مثال: جنگ از دیدگاه قرآن

در هفده سوره قرآن، سخن از «قتال» به میان آمده است و از میان ۱۱۴ سوره قرآن، سوره چهل و هفتم «قتال» نام دارد که پیش از سوره «فتح» قرار گرفته است. اگر به یاد آوریم که نخستین و مهم‌ترین جنگ رویارویی مسلمانان با کفار که به پیروزی معجزه آسای مسلمانان پایان پذیرفت جنگ «بدر» است که در روز هفدهم رمضان سال دوم هجرت پیامبر اسلام ﷺ به وقوع پیوست، هماهنگی شگفتی جلب توجه می‌کند. از این گذشته، با نگاهی به فهرست اسامی هفده سوره مذکور که ذیلاً می‌آید، معلوم می‌شود که دست اعجاز آفرین نظم بیان قرآنی، سوره «قتال» را درست در میان هشت سوره از یک طرف و هشت سوره از

طرف دیگر که در رابطه با موضوع قتال هستند، قرار داده است. اسامی و شماره ردیف این هفده سوره در ترتیب آسمانی قرآن به این شرح است:

| | | |
|----------------|---------------|-----------------|
| ۱. مزمل، ۷۳ | ۷. حجرات، ۴۹ | ۱۳. انفال، ۸ |
| ۲. منافقون، ۶۳ | ۸. فتح، ۴۸ | ۱۴. مائده، ۵ |
| ۳. صف، ۶۱ | ۹. قتال، ۴۷ | ۱۵. نساء، ۴ |
| ۴. ممتحنه، ۶۰ | ۱۰. احزاب، ۳۳ | ۱۶. آل عمران، ۳ |
| ۵. حشر، ۵۹ | ۱۱. حج، ۲۲ | ۱۷. بقره، ۲ |
| ۶. حدید، ۵۷ | ۱۲. توبه، ۹ | |

۱. نگارش متن کامل آیه اصلی، با ذکر شماره ردیف و نشانی آن

نخستین گام در مرحله مفهوم‌یابی این است که متن کامل هر آیه اصلی را با ذکر شماره ردیف و نشانی دقیق آن، بالای یک صفحه جداگانه می‌نویسیم. درج اعراب کلمات و علائم دیگر لازم نیست. ترجمه آیه را هم نه از خودمان و نه از روی کتاب یا نوشته و یا از قول دیگران نمی‌نویسیم؛ زیرا این کار - هم‌چنان که بعداً خواهیم گفت - مانع مفهوم‌گیری مستقیم و مطمئن از آیات قرآن می‌گردد (در عین حال، مراجعه به ترجمه‌ها و تفاسیر ضروری است).

۲. تلاوت مکرر آیه

پس از نگارش متن کامل آیه اصلی و پیش از بررسی مفاهیم آن، شایسته است چند بار آیه اصلی را تلاوت کنیم. باید توجه داشت که تکرار هر چه بیشتر آیه، ما را در این روش تحقیق موفق‌تر و کامیاب‌تر خواهد کرد.

۳. بررسی مفاهیم آیه

پس از نگارش متن کامل آیه و یک یا چند بار تلاوت آن، می‌توان بررسی مفاهیم آن را شروع نمود. در این مرحله، مفاهیم، اشارات، پیام‌ها و نکاتی را که از بیان آیه به دست آورده یا از تفاسیر قرآن استفاده می‌کنیم، به صورت تفکیک شده و با شماره، زیر متن

آیه یادداشت می‌کنیم. برای نمونه به مفاهیمی که از آیه ۲۶ سوره «نازعات» (ردیف اول از فهرست آیات اصلی «عبرت در قرآن» مندرج در فهرست صفحه ۵۴) توسط یکی از دانشجویان برداشت شده است، توجه نمایید؛ گفتنی است، ارائه این نمونه، صرفاً برای تبیین روش می‌باشد و مفاهیم استخراج شده موضوعیتی ندارند.

ردیف ۱

۲۶ نازعات ۷۹

﴿ان في ذلك لعبرة لمن يخشى﴾

۱. این عبرت از عهده همگان بر نمی‌آید (لمن يخشى).
۲. فقط افراد خاصی اهل این عبرت‌اند (لمن يخشى).
۳. تنها کسانی که «خشیت» دارند می‌توانند از این عبرت، بهره‌گیرند (لمن يخشى).
۴. این چه نوع عبرتی است؟ و چه ویژگی‌هایی دارد که تنها اهل خشیت می‌توانند آن را دریابند؟
۵. چرا دیگران نمی‌توانند این عبرت را دریابند؟
۶. میان این عبرت و مسئله خشیت، یقیناً، تناسب و سنخیت خاصی برقرار است.
۷. مراد از «ذلک» چیست؟
۸. این «ذلک» چه ویژگی‌هایی دارد که بدون خشیت نمی‌شود در آن به دنبال عبرت‌گشت؟
۹. منظور از «خشیت» که شرط و لازمه این عبرت است چیست؟
۱۰. چرا به جای خشیت، صفت و شرایط دیگری ذکر نشده است؟
۱۱. چرا ضمیر اشاره به دور (ذلک) به کار رفته است؟
۱۲. شاید به این نکته اشاره داشته باشد که دریافتن این عبرت، به دورنگری خاصی نیاز دارد (ان في ذلك).
۱۳. چرا فرمود: «فی ذلک» (در آن)؟
۱۴. حرف «فی» در آیه، چه بسا حاکی از این باشد که عبرت در متن و بطن این مسئله نهفته است و برای به دست آوردن آن باید بدان نگاهی عمیق نموده و آن را زیر و رو کرد (ان في ذلك).

۴. یادداشت پرسش‌ها

ضمن بررسی و دقت در مفاهیم آیه، هرگاه سؤال یا سؤالاتی در رابطه با آیه به نظرمان رسید، هر سؤال را با یک شماره جداگانه در ردیف مفاهیم یادداشت می‌کنیم. در نمونه‌ای که گذشت، سؤالات که در لابه‌لای مفاهیم اولین آیه از آیات اصلی تحقیق موضوعی «عبرت در قرآن» برای محقق مطرح شده است، قابل توجه‌اند.

۵. بررسی مفاهیم آیه در سیاق آن

برای این‌که بتوان از آیه اصلی، مفاهیم پربارتری در جهت تحقیق موضوعی خود دریافت نمود، باید آیات قبل و بعد از آیه مورد نظر را نیز مفهوم‌یابی کرد و به اصطلاح آیه را در «سیاق» خود بررسی نمود. بهتر است برای بررسی سیاق مربوطه به منظور تکمیل و توضیح مفاهیم آیه اصلی را بررسی و نکات توضیحی و تکمیلی آنها و نیز سؤالات مربوط به آنها را در ذیل مفاهیم و سؤالات آیه اصلی یادداشت نمود.

برای مثال: در ارتباط با همین موضوع «عبرت در قرآن» وقتی سیاق آیه ردیف اول را بررسی می‌کنیم، متوجه می‌شویم که مسئله «خشیت» هم در آیه اصلی (۲۶ نازعات) آمده است ﴿لَمَنْ يَخْشَى﴾ و هم در آیه ۱۹ که در سیاق آن قرار دارد، مطرح شده است ﴿قَتَخْشَى﴾. با دیدن این مسئله متوجه می‌شویم که اصولاً میان مسئله «خشیت» با «عبرت» رابطه تنگاتنگی وجود دارد؛ در این هنگام ممکن است به تحقیق و بررسی پیرامون مسئله «خشیت از دیدگاه قرآن» علاقمند شویم؛ این علاقمندی نباید ما را از موضوع اصلی (عبرت) دور کند؛ بنابراین، همانجا قید می‌کنیم که: موضوع خشیت ارتباط تنگاتنگی با مسئله عبرت دارد و شایسته است که جداگانه مورد تحقیق موضوعی در قرآن قرار گیرد.

۶. یادداشت نظم‌ها و هماهنگی‌ها

در سراسر فرایند تحقیق موضوعی؛ چنان‌چه نظم‌ها و هماهنگی‌هایی که از هر نظر میان آیات قرآنی وجود دارند مشاهده شوند، باید همه آنها را با دقت، یک به یک یادداشت نمود. توجه روی هر مورد نظم و هماهنگی لفظی در قرآن می‌تواند ما را به

رهنمودهایی در جهت فهم معانی قرآن برساند. این نظم‌ها و هماهنگی‌ها، از هر جهت می‌توانند مدنظر قرار گیرند؛ اگرچه از جهاتی مانند موارد زیر:

الف) پایان آیات: برای مثال: همه آیات این سیاق به «ون» ختم می‌شوند، این‌که همه آیات اصلی تحقیق با این‌که در سوره‌های مختلف قرار دارند، اما پایان‌های یکسانی دارند و یا این‌که در هر سیاق یک آیه به «ون» ختم می‌شود و آیات دیگر به «ین» و... .

ب) تعداد و شماره آیات: برای مثال: شماره آیه اصلی، در این سیاق و سیاق قبلی، مشترک هستند؛ شماره آیات اصلی این تحقیق، یک در میان، زوج و فرداند؛ تعداد آیات همه سیاق‌های بررسی شده فرداند؛ سیاق اول ۹ آیه و سیاق دوم ۷ آیه و سیاق سوم ۵ آیه دارد؛ شماره آخرین آیه سیاق اول ۲۳ و شماره آخرین آیه سیاق دوم ۴۶ است و... .

ج) تعداد فرازهای آیات: برای مثال: آیات اصلی این تحقیق نوعاً مشتمل بر سه فرازند؛ فرازهای اول و سوم آیه اصلی ردیف اول، کوتاه و فراز میانی آن بلند هستند؛ اما بالعکس آیه اصلی ردیف دوم، فرازهای اول و سوم آن بلند و فراز میانی آن کوتاه می‌باشد و... .

د) موقعیت کلید واژه در آیه اصلی: برای مثال: کلمه موضوع در اغلب ردیف‌ها در ابتدای آیات اصلی قرار گرفته است؛ کلمه موضوع در ردیف اول، در ابتدای آیه اصلی و در ردیف آخر در پایان آن قرار گرفته است و... .

ذ) موقعیت آیه اصلی در سیاق: برای مثال: آیه اصلی در سیاق ردیف اول، در ابتدا و در سیاق ردیف پنجم، در وسط و در سیاق ردیف دهم (ردیف آخر) در انتهای آن قرار گرفته است و... .

ر) موقعیت سیاق در سوره: برای مثال: همه سیاق‌ها در پایان سوره‌ها قرار دارند؛ سیاق‌های اول و دوم و سوم در اواخر سوره‌ها و سیاق‌های چهارم و پنجم و ششم در اوایل سوره‌ها قرار دارند و... .

ز) موقعیت سوره‌ها در قرآن: برای مثال: این موضوع تنها در سوره‌های پایانی قرآن مطرح شده است؛ این موضوع تنها در سوره‌های آغازین و پایانی قرآن مطرح شده است؛ این موضوع فقط در سوره‌هایی که با حروف مقطعه آغاز می‌شوند، مطرح شده است و... .

س) موضوعات جنبی مطرح شده در کنار موضوع اصلی: برای مثال: در تمامی سیاق‌هایی که تا کنون بررسی کرده‌ایم، سخن از «آخرت» به میان آمده است؛ بحث آخرت در سیاق اول، قبل از آیه اصلی و در سیاق دوم، بعد از آیه اصلی و دو سیاق سوم، باز هم قبل از آیه اصلی آمده است؛ در آیه اصلی ردیف اول، در کنار موضوع اصلی، دو موضوع جنبی مطرح شده‌اند و در آیه اصلی ردیف دوم، سه موضوع و در آیه اصلی ردیف سوم، چهار موضوع مطرح شده‌اند؛ این موضوع فرعی برای چهارمین بار است که در کنار موضوع اصلی ما مطرح می‌شود و

۷. نکات تکمیلی

به‌خاطر سپاری مفاهیم و سؤالات

در سراسر جریان تحقیق موضوعی باید سعی نمود تا مفاهیمی را که به دست آورده و سؤالاتی که مطرح شده‌اند را همواره به یاد داشته باشیم، تا بتوانیم به راحتی میان مفاهیم مختلف، در ردیف‌های مختلف ارتباط برقرار نموده و آنها را به یکدیگر ارجاع دهیم و چنان‌چه احیاناً به پاسخ سؤالاتمان رسیدیم، آدرس هر سؤال را در پایان پاسخ مربوطه درج نماییم. در غیر این صورت اگر مفاهیم و سؤالات را به خاطر نسپاریم، بسیاری از لطایف، ظرایف و ارتباطات موجود میان مفاهیم مختلف، از چشم ما پنهان خواهند ماند. هم‌چنین، در این صورت، ممکن است، عملاً به پاسخ بسیاری از سؤالات دست یافت، بدون توجه به این‌که مثلاً این مفهوم، در واقع، پاسخ سؤالاتی است که در فلان ردیف مطرح شده است.

۸. بازنگری سراسری مفاهیم

هنگامی که آخرین آیه اصلی و سیاق آن مورد بررسی قرار گرفت و در واقع به پایان مرحله مفهوم‌یابی رسیدیم، جا دارد که تمامی مفاهیم به دست آمده از ردیف اول تا آخر توسط شخص محقق و یا دیگری مورد بازنگری و مرور قرار گیرد؛ در این بازنگری، توجه به چند مسئله از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است:

الف) اضافه کردن مفاهیم تازه

اگر احیاناً در حین بازنگری در مفاهیم یک ردیف، مفهوم جدیدی به نظر رسید، باید آن را در پایان مفاهیم همان ردیف یادداشت نمود.

ب) منطبق با تکمیل مفاهیم ناقص

اگر برخی از مفاهیم ناقص باشند، با افزودن کلمه‌ای نقص آنها را باید برطرف نمود؛ مثلاً، آنها را مشروط و مقید نموده و یا برای آنها استثنا قائل می‌شویم و یا تبصره‌هایی به آخر آنها می‌افزاییم و

ج) تفکیک مفاهیم درست از نادرست

در بازنگری سراسری، باید مفاهیمی را که نادرستی آنها احراز شده است، با یک علامت، یا توضیحی در کنار آنها - ترجیحاً با رنگ قرمز - از مفاهیم دیگر متمایز نمود. از خط زدن یا پاک نمودن آنها باید پرهیز شود؛ چرا که در غیر این صورت، روند طبیعی تحقیق و ترکیب دست نویس آن مخدوش می‌شود.

د) ارجاع مفاهیم مختلف به یکدیگر

در جریان بازنگری، اگر مفهومی در ارتباط با مفهوم دیگر بود (مثلاً یکی از آن دو تکمله، تبصره، توضیح و یا زیر مجموعه دیگری بود و یا به‌طور کلی از هر جهت میان آن دو رابطه قابل ملاحظای وجود داشت) آن دو را به یکدیگر ارجاع می‌دهیم؛ یعنی: در پایان هر یک، شماره مفهوم دیگری را می‌نویسیم؛ برای مثال: اگر میان دومین مفهوم از ردیف سوم (۳۲)، با چهارمین مفهوم از ردیف پنجم (۵۴) رابطه خاصی وجود داشته باشد، با درج شماره هر یک در پایان دیگری، آن دو را به یکدیگر ارجاع می‌دهیم.

ه) ارجاع سؤالات و پاسخ‌ها به یکدیگر

در ضمن بازنگری، اگر ملاحظه شد که برخی از مفاهیم، در واقع، پاسخ برخی از سؤالات مطرح شده در ردیف‌های پیشین هستند، با درج شماره سؤال در پایان پاسخ و شماره پاسخ در پایان سؤال، آن دو را به یکدیگر ارجاع می‌دهیم.

۹. مراجعه به متون تفسیری

محقق باید به خوبی در آیات قرآن تدبّر کند و مستقیم و بدون واسطه اشارات، لطایف و نکته‌های آیات را دریابد. هنگامی که کار مفهوم یا بیان آیات به پایان رسید، با مراجعه به تفاسیر و مقایسه آنها با یافته‌های خود، از یک سو، ضریب اطمینان و اعتماد خویش را به صحت مطالبی که یافته، بالا برده و از سوی دیگر، به ارزش تحقیق خود، بیش از پیش واقف خواهد شد؛ چرا که با این مقایسه ملاحظه خواهد شد که، بسیاری از لطایف و ظرایفی که از لابه‌لای آیات به دست آمده، در هیچ تفسیری یافت نمی‌شود و هیچ مفسّری به آنها دست نیافته است! علاوه بر اینها نکات و قراین جدیدی در مورد آیات به دست خواهد آمد. مطالبی را که از تفاسیر جمع‌آوری و یادداشت می‌کند باید در ادامه همان مفاهیمی که خود استنباط نموده بنویسد.

مأخذ دقیق (شماره جلد: (ج) و شماره صفحه (ص) هر یک از مطالبی را که از تفاسیر مختلف نقل می‌شود باید به دقت در پایان هر یک از آنها نوشت تا احیاناً با مطالب استنباطی خود در هم نیامیزند. بهتر است ابتدا به تفاسیر روایی مراجعه نمود و برخی از روایاتی را که در ذیل آیات مورد نظر وارد شده‌اند، یادداشت کرد و آن‌گاه بر اساس روش‌های تفسیری به تفاسیر دیگر به‌ویژه تفاسیر معتبر و جامع مراجعه نمود. شایسته است در این‌باره صورت امکان به هر دو گروه از تفاسیر (شیعی و سنی) مراجعه شود.

دوم: مرحله مفهوم‌یابی

۱. راه‌های گسترش تحقیق موضوعی

چنان‌چه پژوهشگر بخواهد در راستای موضوع مورد نظر دامنه تحقیق خود را گسترش دهد، می‌تواند از راهکارهای زیر استفاده کند:

الف) تحقیق و بررسی کلمات مترادف با کلمه موضوع

اگر موضوع تحقیق ما «صبر در قرآن باشد، پس از این‌که آیات اصلی مشتمل بر کلمه «صبر» و مشتقات آن و نیز سیاق این آیات مورد بررسی قرار گرفتند، می‌توان به منظور

گسترش دادن تحقیق موضوعی، آیات مشتمل بر کلمات مترادف با «صبر» را نیز، استخراج نمود و با همین روش تحقیق، آنها را مورد بررسی قرار داد. مثلاً: در ارتباط با همین موضوع «صبر در قرآن» می‌توان آیات مشتمل بر کلمه «استقامت» و مشتقات آن را استخراج و تحقیق نمود.

ب) بررسی کلماتی که در مسیر تحقیق قرار دارند

در طول فرایند تحقیق، برخی از کلمات، در سیر تحقیق قرار گرفته و توجه محقق را به خود جلب می‌کنند. اگر محقق بخواهد تحقیق خود را گسترش دهد، می‌تواند آیات مشتمل بر این قبیل کلمات و عبارات را استخراج نموده و بر همین منوال آنها را مورد بررسی و تحقیق قرار دهد تا بتوان ابعاد بیشتری از موضوع اصلی، آشکار نمود؛ برای مثال: اگر عنوان موضوع، «نماز در قرآن» باشد، در اغلب ردیف‌ها با مسئله «زکات» و یا مسائل دیگر درگیر خواهیم بود. و یا اگر عنوان موضوع «جایگاه یتیم در قرآن» باشد، در بسیاری از ردیف‌ها با کلمه «مسکن» و مسئله «تکذیب دین» و... مواجه خواهیم بود. حال اگر بخواهیم بر دامنه تحقیق بیافزاییم، می‌توان آیات مشتمل بر این کلمات و عبارات را در کل قرآن جداگانه فهرست نموده و مورد بررسی قرار داد.

ج) بررسی آیات در سراسر سوره

چنان‌که پیش‌تر بیان شد، در تحقیق موضوعی در قرآن، ابتدا مفاهیم آیه اصلی مورد بررسی قرار گرفته، آن‌گاه آیه، در سیاق خود مورد توجه قرار می‌گیرد. حال اگر بخواهیم از این هم فراتر رویم، می‌توان از محدوده سیاق‌ها تجاوز نموده و آیه اصلی و موضوع تحقیق را نه تنها در سیاق، بلکه در سراسر سوره‌ای که سیاق مربوطه در آن قرار دارد، مورد بررسی قرار داده و در ارتباط یک‌ایک آیات سوره با آیه اصلی و موضوع تحقیق، تدبّر نمود.

به این منظور، بار دیگر، به فهرست آیات اصلی مربوط به موضوع رجوع می‌شود تا ملاحظه شود که موضوع تحقیق در چند سوره از «قرآن کریم» مطرح شده است. آن‌گاه با تشکیل یک فهرست جدید، باید سوره‌ای را که بیشترین تعداد سیاق‌های مربوط به

موضوع را به خود اختصاص داده است، در ردیف اول این فهرست گنجانیده و بعد از آن سوره‌های دیگر را با رعایت اولویت در ردیف‌های بعدی قرار داد.

در صورت تمایل می‌توان از این هم فراتر رفته و تحقیق خود را یک مرحله دیگر، گسترش داد، به این ترتیب که سوره‌های قبل و بعد از این سوره‌ها نیز در ارتباط با عنوان موضوع و با رعایت همان اولویت، مورد بررسی قرار می‌گیرند. با این بیان، مراحل مفهوم‌یابی از آغاز تا آخرین مرحله گسترش آن، به ترتیب ذیل خواهد بود:

۱. بررسی کلمه موضوع؛
۲. بررسی کلمات و عبارات پس از آن تا آخر آیه اصلی؛
۳. بررسی کلمات و عبارات قبل از آن تا ابتدای آیه اصلی؛
۴. بررسی آیات پس از آیه اصلی تا آخر سیاق؛
۵. بررسی آیات قبل از آیه اصلی تا ابتدای سیاق؛
۶. بررسی آیه اصلی و کلمه موضوع در سراسر سوره؛
۷. بررسی سوره‌های قبل و بعد از سوره مورد نظر (ابتدا سوره بعدی، آن‌گاه سوره قبلی)؛

۲. راه‌های فشرده کردن تحقیق موضوعی

اگر احیاناً به دلیل کمبود فرصت و یا هر دلیل دیگری، تمایل به انجام چنین تحقیق موضوعی گسترده‌ای وجود نداشت می‌توان کار تحقیق را به صورت فشرده و خلاصه انجام داد؛ به این منظور از سه طریق می‌توان اقدام کرد:

الف) تحقیق موضوعی در محدوده حزب مفصل

یکی از راه‌های فشرده کردن تحقیق موضوعی این است که نه در کل قرآن، بلکه تنها در محدوده سوره‌های خاص به تحقیق و بررسی آیات مربوط به موضوع پردازیم.

ب) بررسی کلی آیات، قبل از آیه اصلی

هم‌چنان که گذشت، پس از بررسی مفاهیم آیه اصلی، می‌بایست ابتدا مفاهیم آیات بعد و سپس مفاهیم آیات قبل از آن را مورد توجه و بررسی قرار داد. حال، اگر محقق

بخواهد گستره تحقیق را قدری خلاصه کند، می‌توان، پس از بررسی دقیق آیات پس از آیه اصلی، مفاهیم آیات قبل از آن را، به صورت جمع‌بندی در دو سه نکته بیان نمود؛ یعنی به جای این که مفاهیم این آیات و ارتباط آنها با آیه اصلی، مثلاً در بیست یا سی نکته، به تفکیک یادداشت شوند، به صورت کلی و اجمالی در دو یا سه نکته جمع‌بندی و یادداشت شده و شماره این آیات، مقابل آنها نوشته می‌شود (آیات...تا...) تا معلوم شود که این چند نکته، جمع‌بندی مفاهیم آیات قبل از آیه اصلی هستند.

در صورت تمایل به خلاصه‌تر کردن تحقیق، می‌توان با آیات بعد از آیه اصلی نیز همین‌گونه رفتار کرد؛ یعنی: مفاهیم آنها را به صورت جمع‌بندی و فهرست‌وار در دو یا سه نکته یادداشت نمود.

ج) مطالعه موضوعی، به جای تحقیق موضوعی

راه دیگر خلاصه کردن تحقیق موضوعی - که البته آن را توصیه نمی‌کنیم - این است که تمامی مراحل این روش تحقیق به صورت یک مطالعه روشمند طی شوند؛ یعنی، بدون ثبت و یادداشت نکات و مفاهیم، تمام مراحل تحقیق موضوعی را به صورت مطالعه صورت گیرند.

ممکن است برخی به رغم تقید و التزامی که به روش تحقیق موضوعی دارند، به دلیل کمبود فرصت و یا هر دلیل دیگر، نتوانند تمامی مراحل این روش را ثبت و ضبط کنند. این دسته از افراد می‌توانند به جای تحقیق موضوعی در قرآن به مطالعه موضوعی - البته مطالعه روشمند - بپردازند. پر واضح است که اگر چنین مطالعه‌ای روشمند نباشد آفت‌زا بوده و ما را به مطلوب نخواهد رسانید.

سوم: مرحله گسترش یا فشرده کردن تحقیق موضوعی

۱. تدارک طرح بخش‌ها و فصل‌های تحقیق

نخستین مرحله تدوین تحقیق موضوعی، تهیه و تدارک فهرست ابواب و فصول است. به این منظور، ابتدا باید از کم و کیف مفاهیمی که به دست آمده، کاملاً آگاه بود.

این جاست که ضرورت «بازنگری سراسری مرحله مفهوم‌یابی» بیش از پیش آشکار می‌شود؛ چرا که در پرتو این بازنگری سراسری، به خوبی می‌توان دریافت که در طول تحقیق موضوعی، چه مفاهیمی به دست آمده و مفاهیم استنباط شده در چه زمینه‌هایی هستند و نیز، چه ابواب و فصولی را می‌توان براساس آنها تنظیم کرد.

برای نمونه فهرستی از سرفصل‌های مربوط به تحقیق موضوعی «عبرت در قرآن» ارائه می‌کنیم که بر اساس مفاهیم به دست آمده، ذیل آیات اصلی این موضوع و سیاق آنها، - به منظور تدارک مقاله، توسط یکی از دانشجویان - تنظیم شده است:

- مفهوم و ماهیت عبرت؛
- مکانیسم عبرت‌گیری؛
- زمینه‌ها و گستره عبرت‌گیری؛
- لوازم و شرایط عبرت‌گیری؛
- موانع عبرت‌گیری؛
- آثار و پیامدهای عبرت‌گیری؛
- اقسام عبرت؛
- ضرورت و جایگاه عبرت و عبرت‌گیری در زندگی انسان.

۲. کدگذاری مفاهیم

پس از تدارک فهرست ابواب و فصول و یا تغییر و اصلاح آن (در صورتی که از پیش تهیه شده باشد) بار دیگر باید به سراغ مفاهیم رفته و یکایک آنها را براساس عناوین ابواب و فصول تحقیق، کدگذاری نمود.

به این منظور، لازم است که ابتدا برای هر یک از عناوین ابواب و فصول، یک کد شناسایی مشخص نمود؛ برای مثال: برای هر یک از آنها، عدد و یا حرفی معین می‌شود؛ برای نمونه: به کدهای عناوین سرفصل‌های موضوع «عبرت در قرآن» که در بحث پیش گذشت توجه نمایید:

م: مفهوم و ماهیت عبرت؛

س: مکانیزم عبرت‌گیری؛

ز: زمینه‌های و سوژه‌های عبرت؛

ل: لوازم و شرایط عبرت‌گیری؛

نع: موانع عبرت‌گیری؛

ث: آثار و پیامدهای عبرت‌گیری؛

قس: اقسام عبرت؛

ض: ضرورت و جایگاه عبرت و عبرت‌گیری در زندگی انسان.

پس از این‌که کد عناوین فهرست مشخص شد، به سراغ مفاهیمی که از آیات استنباط شده رفته و از ابتدا، یکایک آنها مورد مطالعه و ارزیابی قرار می‌گیرند؛ هر کدام از مفاهیم با هر یک از عناوین ابواب و فصول سازگار بود، کد مربوطه، مقابل آن مفهوم یادداشت شده و همین‌گونه تا آخر مفاهیم، ادامه می‌یابد؛ حتی‌الامکان باید کوشید هر یک از مفاهیم را ذیل یک و حتی چند عنوان گنجانند.

چهارم: مرحله تدوین و تألیف

پس از تدارک فهرست ابواب و فصول و نیز کدگذاری مفاهیم، می‌توان شروع به نگارش نمود. در مرحله نگارش، مهم نیست که از کدام فصل شروع کرد و به کدام یک خاتمه داد. هر یک را که احساس شد آمادگی بیشتری برای نگارش آن وجود دارد، جلوتر نوشته و بعدها وقتی که همه ابواب و فصول تدوین شد می‌توان به ترتیب فهرستی که تنظیم شده، آنها را مرتب کرد.

نحوه نگارش به این صورت است که ابتدا عنوان یک فصل و یا باب انتخاب می‌شود، آن‌گاه کد این عنوان که قبلاً مشخص شده، در میان همه مفاهیم جست‌وجو می‌شود. سپس شماره مفاهیمی که دارای این کد هستند، یادداشت می‌شود و همه مفاهیمی که دارای کد مشترک هستند یک‌جا جمع شده و بنابر برخی اولویت‌ها و نیز بر اساس سلیقه خود محقق پس و پیش شده و ذیل عنوان مربوطه قرار می‌گیرند. فصول و ابواب دیگر نیز، به همین صورت به رشته تحریر در می‌آیند و وقتی تألیف همه آنها صورت گرفت، بر اساس فهرست ابواب و فصول که از پیش تدارک دیده شده. محقق نوشته‌های خود را مرتب می‌کند.

ب) تحقیق موضوعی برون قرآنی

پایه گذار این شیوه شهید صدر رحمته الله است،^۱ از دیدگاه وی باید در تفسیر موضوعی، موضوعات را از متن جامعه گرفت، یعنی نیازها و مشکلات را به صورت پرسش به محضر قرآن عرضه نمود و با جمع آوری آیات مرتبط و تفسیر موضوعی آنها، پاسخ خود را دریافت کرد. بر همین اساس در دهه اخیر تفاسیر موضوعی جدیدی در زمینه «قرآن و پلورالیسم»، «قرآن و سکولاریسم»، «قرآن و هنر» و... شکل گرفته است.

پیش فرض اساسی این شیوه تحقیق و تفسیر موضوعی آن است که قرآن در همه عصرها و مکانها پاسخ گوی نیازهای هدایتی بشر است. بر این اساس، بسیاری از موضوعات جدید که در عرصه زندگی و فرهنگ بشر بروز می کنند، می توانند موضوع تحقیق از منظر قرآن قرار گیرند؛ برای مثال: بررسی دیدگاه قرآن در مورد دموکراسی، بررسی دیدگاه قرآن در مورد شبیه سازی و... البته باید محقق در این موارد بدون پیش داوری و بدون پیش فرض وارد شده، آیات موافق و مخالف را جمع آوری و تفسیر و بررسی و نظر نهایی قرآن را اعلام کند. البته پژوهشگر در این تفسیر موضوعی می تواند از روش های تفسیری مختلف و قراین عقلی و نقلی دیگر (مثل روایات) استفاده کند و نظر نهایی اسلام را در مورد موضوع مورد بحث اعلام نماید. چنان که محمد حسن قدردان قراملکی، در کتاب قرآن و سکولاریسم و قرآن و پلورالیسم از این شیوه بهره جسته است.

ج) تحقیق موضوعی تطبیقی قرآن

روش تحقیق و مطالعه تطبیقی عبارت است از: «شناخت یک پدیدار یا دیدگاه در پرتو مقایسه (فهم و تبیین مواضع خلاف و وفاق).»^۲

۱. رک: مقدمات فی التفسیر الموضوعی للقرآن، محمد باقر صدر، ص ۲۰ - ۱۹، انسان مسئول و تاریخ ساز، همو، ترجمه فولادوند، ص ۸؛ تفسیر سوره حمد، محمد باقر حکیم، ص ۹۴؛ نیز کلیدهای فهم قرآن، علیرضا صدر الدینی، ۸۶/۲؛ مجموعه آثار شهید صدر، ج ۱۳، ص ۲۷ و مقاله: «التفسیر القرآنی بین التجزئی و الموضوعی».

۲. روش شناسی مطالعات دینی، ص ۲۵۵ - ۲۵۴.

تذکر: از آن‌جا که در مورد تعریف، دامنه، فرایند و پیشینه این روش در قرآن و تفاسیر شیعه و سنی، آسیب‌شناسی و اقسام آن، در مبحث روش تحقیق تطبیقی مطالب مفصلی بیان شده است، از تکرار آنها خودداری می‌کنیم.

این روش در مطالعات موضوعی و ترتیبی قرآن کاربرد دارد؛ ولی کاربرد آن در دهه‌های اخیر در تفاسیر موضوعی بیشتر هویدا شده است. و حداقل در دو حوزه خود را نشان داده است:

۱. تحقیق موضوعی تطبیقی بین قرآن و کتب مقدس؛ مثل: «آدم و حوا» و «لوط در قرآن و عهدین»:

مثال: علامه طباطبائی رحمته الله علیه ذیل آیات ۳۵ - ۳۹ سوره «بقره» در مورد «آدم» و آفرینش «حوا» و نیز در مورد بهشت آدم و خصوصیات او سخن می‌گوید و مطالب فوق را به صورت تطبیقی بین قرآن و «تورات» مورد بررسی قرار می‌دهد. حتی روایاتی را نقل می‌کند که می‌گوید: «مار و طاووس یاوران ابلیس در فریب دادن آدم بودند» و نیز، آفرینش «حوا» از دنده چپ «آدم» را نقل می‌کند. سپس با نقل مطالب و فصل دوم سفر اول «تورات» یادآور می‌شود که این روایات از اسرائیلیات بوده و از تورات گرفته شده است.^۱

۲. تحقیق موضوعی تطبیقی بین شیعه و مذاهب اسلامی؛ مثال: شفاعت و توحید و شرک در تفاسیر شیعه و اهل سنت.

تذکر: در این مورد می‌توان از کتاب تفسیر تطبیقی اثر دکتر فتح‌الله نجارزادگان و آیین وهابیت اثر آیة‌الله سبحانی و نیز، تفسیر موضوعی «منشور جاوید» از آثار دیگر ایشان یاد کرد، که از روش تحقیق موضوعی بین مذاهب اسلامی استفاده کرده‌اند.

د) تحقیق موضوعی میان رشته‌ای قرآن

روش تحقیق و مطالعه میان رشته‌ای، یعنی بررسی یک موضوع یا مسئله از دیدگاه دو دانش. البته در این‌جا دو دانش و رشته مرتبط با قرآن است؛ یعنی: در مسائل چند تباری که لازم است در چند رشته علمی (تفسیر و علوم دیگر) مورد مطالعه قرار گیرد.

۱. المیزان، ج ۱، ص ۱۴۰ به بعد.

تذکر: از آن جا که در مورد تعریف، اقسام، قلمرو، محدودیت‌ها و آسیب‌های این روش در مبحث روش تحقیق میان رشته‌ای، مطالب مبسوطی بیان شد، از تکرار آنها اجتناب می‌کنیم.

روش تحقیق میان رشته‌ای در مطالعات تفاسیر موضوعی و ترتیبی قرآن کاربرد دارد؛ ولی کاربرد آن در دهه‌های اخیر در تفاسیر موضوعی بیشتر هویدا شده است.

در عصر حاضر مطالعات میان رشته‌ای در مورد قرآن بسیار مورد توجه اندیشمندان قرار گرفته است؛^۱ چرا که در چند مورد مفید و مؤثر است:

۱. تفسیر آیات علمی و تبیین موضوعات علمی قرآن؛

۲. جهت‌دهی به مبانی علوم به‌ویژه علوم انسانی؛

۳. رفع توهم تعارض علم و دین؛

۴. نظریه‌پردازی‌های علمی قرآنی؛

۵. تولید علم جدید؛ شکل‌گیری دانش‌های بین رشته‌ای همان‌گونه که امروزه «روان‌شناسی دین» و «جامعه‌شناسی دین» شکل گرفته است.

مطالعات و تحقیقات میان رشته‌ای قرآنی در حوزه‌های مختلف علوم بشری شکل گرفته است؛ از جمله:

نخست: در حوزه علوم طبیعی، مانند قرآن و بهداشت، قرآن و نجوم (کیهان‌شناسی) قرآن و علوم پزشکی و...؛

دوم: در حوزه علوم انسانی، مانند قرآن و روان‌شناسی، قرآن و علوم تربیتی، قرآن و جامعه‌شناسی، قرآن و اقتصاد، قرآن و سیاست، قرآن و حقوق، قرآن و هنر و...؛

سوم: در حوزه علوم عقلی، مثل قرآن و فلسفه، قرآن و کلام و قرآن و ریاضیات؛

چهارم: در حوزه علوم شهودی، مثل قرآن و عرفان و... .

تذکر: ذیل روش تحقیق تجربی، روش تحلیل تاریخی و تحلیل عرفانی در مبحث قبل

۱. برخی مراکز مثل پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و پژوهشگاه علوم انسانی و بنیاد پژوهش‌های قرآنی حوزه و دانشگاه، مرکز تحقیقات «قرآن کریم» المهدی (گروه قرآن و علم) داخل ایران و رابطه العالم الاسلامی عربستان در مورد مباحث بین رشته‌ای قرآن و علوم، فعالیت می‌کنند و در مرکز حبان‌ی علوم اسلامی، اخیراً رشته دکتری قرآن و علوم با گرایش‌های مختلف راه اندازی شده است.

مثال‌های متعددی از مطالعات بین رشته‌ای بیان شده و آسیب‌های آنها نیز روشن گشت؛ لیکن این شیوه مطالعاتی و تحقیقاتی، مبانی و قواعد و آسیب‌های خاص خود را دارد.

چکیده

در فصل سوم فرایند تحقیق در مورد یک آیه در هشت مورد (و با نگاهی دیگر در ۱۴ مورد) بیان شد سپس روش تحقیقات ترتیبی به ترتیب مصحف و به ترتیب نزول همراه با مبانی و آسیب‌های آن بیان شد سپس تفسیر موضوعی قرآن و فرایند و مراحل برون‌قرآنی (شیوه شهید صدر) میان رشته‌ای و تطبیقی تقسیم شد. و لوازم، پیامدها و آسیب‌های هر کدام بررسی شد.

پرسش و پژوهش

۱. فرایند تحقیق علامه طباطبایی رحمته الله علیه را در آیه تطهیر مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار دهید.
۲. روش تحقیق تفسیر ترتیبی فخر رازی در تفسیر کبیر و علامه طبری در مجمع البیان را با یک‌دیگر مقایسه کنید. (در یک سوره مثل حمد).
۳. روش تحقیق تفسیر نزولی سوره «علق» را در تفسیر بیان المعانی (ملاحویش) و تفسیر معارج التفكير (المیدانی) با یک‌دیگر مقایسه کنید.
۴. آیات «ولایت» را به ترتیب نزول مرتب و بررسی کنید.
۵. موضوع «دموکراسی» را در قرآن (بر اساس نظام شوری و...) با شیوه تحقیق موضوعی برون قرآنی بررسی کنید.
۶. موضوع «ماه» را در قرآن و کیهان‌شناسی با استفاده از تحقیق موضوعی تطبیقی مورد بررسی قرار دهید.
۷. موضوع «سلیمان و لوط» را در قرآن و کتاب مقدس، تفسیر موضوعی تطبیقی کنید.
۸. موضوعات «بانکداری بدون ربا، تعاونی، تولید، مصرف، سیاست خارجی، مبنای مشروعیت و...» را با استفاده از روش تحقیق میان رشته‌ای بررسی نمایید.

مجاز برای نمایندگی ها و طلاب المصطفی

روش‌های پژوهش در علوم قرآن

اهداف: (۱) شناخت تفاوت‌های روش در موضوعات علوم قرآن؛ (۲) شناخت روش‌های خاص تحقیق در مسائل علوم قرآن. (جمع قرآن، نزول، وحی، محکم و متشابه، ناسخ و منسوخ، مکی و مدنی)

درآمد

علوم قرآن به اطلاعات قرآنی گفته می‌شود که پیرامون قرآن (برون‌قرآنی) است. رویکرد سنتی علوم قرآن شامل مسائلی هم‌چون محکم و متشابه، ناسخ و منسوخ و... می‌شود.^۱ و رویکرد جدید علوم قرآن، مباحثی هم‌چون زبان قرآن، زبان‌شناسی و... را در بر می‌گیرد.

در علوم قرآن سنتی، از اکثر روش‌های تحقیق درون‌متنی و برون‌متنی استفاده می‌شود؛ اما از آن‌جا که موضوعات علوم قرآن متنوع‌اند، به تناسب هر موضوع غالباً از روش یا روش‌های خاصی استفاده می‌شود. از این‌رو ضروری است به مهم‌ترین موضوعات علوم قرآنی و روش‌های تحقیق آنها اشاره کنیم.

الف) جمع قرآن

هر چند که مسئله جمع قرآن از زیر مجموعه‌های بحث تاریخ قرآن است که به نظر می‌رسد مسئله‌ای تاریخی باشد؛ اما همان‌طور که در روش تحقیق فقهی و روش تعلیل

۱. رک: الاتفاق فی علوم القرآن، سیوطی؛ البرهان، زرکشی؛ التمهید فی علوم القرآن، معرفت و... .

تاریخی گذشت، دو دیدگاه عمده در این مورد وجود دارد: برخی از نویسندگان علوم قرآن از روش و تحقیق فقهی در حل مسئله جمع قرآن استفاده کرده‌اند؛ اما برخی دیگر از روش تحلیل تاریخی بهره برده‌اند.

مرحوم آیه‌الله خوئی بعد از ذکر مقدمه‌ای ۲۲ مورد از احادیث جمع قرآن را نقل نموده و اشکالات زیر را به آنها وارد می‌سازد:

۱. روایات جمع قرآن بعد از نبی ﷺ از اخبار آحاد است و موجب علم نمی‌شود؛
 ۲. احادیث جمع قرآن بعد از نبی ﷺ فی نفسه متناقض است. از نظر عصر جمع کننده (عصر ابوبکر یا عمر) و فرد جمع کننده؛ همان‌گونه که این روایات با روایاتی که می‌گویند جمع قرآن در زمان پیامبر ﷺ بوده معارض است (سپس روایات اخیر را ذکر می‌کند)؛

۳. احادیث جمع قرآن بعد از نبی ﷺ با قرآن معارض است؛

۴. احادیث جمع قرآن بعد از نبی ﷺ با حکم عقل (به اهتمام نبی ﷺ و مسلمانان در مورد حفظ قرآن) مخالف است؛

۵. احادیث جمع قرآن بعد از نبی ﷺ با اجماع مسلمانان (بر تواتر قرآن) مخالف است؛

سپس نتیجه می‌گیرد که روایات جمع قرآن بعد از نبی ﷺ قابل قبول نیست و قرآن در عصر پیامبر ﷺ جمع شده است^۱ آیه‌الله معرفت نیز با ذکر مقدمه‌ای در مورد تألیف قرآن می‌نویسد: و هو بحث اشبه بمعالجة قضية تاريخية مذيّلة، عن احوال و اوضاع مرّت علی هذا الكتاب السماوي الخالد.

سپس در مورد نظم کلمات در آیات و آیات در سوره‌ها، تأکید می‌کند که به امر الهی بوده است، اما در مورد ترتیب سوره‌ها در کتاب واحد می‌نویسد که این مطلب بعد از وفات پیامبر ﷺ صورت گرفته است^۲ و کلام علامه طباطبایی^۳ و سیوطی^۴

۱. البیان فی تفسیر القرآن، سید ابوالقاسم خوئی ص ۲۵۷ - ۲۳۸.

۲. التمهید فی علوم القرآن، همان، ص ۲۸۰ - ۲۸۲.

۳. المیزان، ج ۳، ص ۷۸ - ۷۱.

۴. الاتقان، ج ۱، ص ۵۷.

نیز، سخن تفسیر علی بن ابراهیم را در بحارالانوار شاهد می‌آورد.^۱ وی سپس به نصوص تاریخی و سخنان مورخین و موافقت اصحاب حدیث در این مورد استناد می‌کند.^۲

در ادامه به قول مخالف، یعنی دیدگاه آیه‌الله خوئی و دلایل او پرداخته و با تأکید بر اشکال روش‌شناختی (که جمع قرآن مسئله تاریخی است نه عقلی و...) می‌نویسد:

لکن یجب ان یعلم: ان قضية جمع القرآن، حدث من احداث التاريخ و لیست مسألة عقلانية قابلة للبحث و الجدل فيها. و علیه فیجب مراجعة النصوص التاريخية المستندة، من غیر ان یكون مجال لتجوال الفکر فیها علی آیه حال؛ و قد سبق اتفاق كلمة المورخین و نصوص ارباب السیر و اخبار الامم و وافقهم اصحاب الحدیث طراً، علی ان ترتیب السور شیء حصل بعد وفاة الرسول ﷺ...^۳

وی آن‌گاه در ادامه گفتار خود دلایل مرحوم خوئی را نقل و نقد می‌کند. مرحوم آیه‌الله معرفت در سخنان شفاهی خود نیز به تکرار بر این اشکال روش‌شناختی به مرحوم آیه‌الله خوئی در جمع قرآن اصرار داشت که روش ایشان فقهی بوده است، نه تاریخی، با این‌که مسئله جمع قرآن امری تاریخی است.

ب) نزول قرآن

در مورد «نزول» قرآن، آیات متعددی وجود دارد، در سوره «قدر» نزول قرآن را در «شب قدر» اعلام کرده و در آیه ۱۸۵ سوره «بقره»، نزول قرآن را در ماه رمضان عنوان نموده است.

روایات تاریخی نیز، مطالبی پیرامون نزول قرآن و حالات پیامبر ﷺ در هنگام نزول آمده است.^۴ اما در مورد نزول قرآن، اختلاف نظرهایی نیز وجود دارد؛ از جمله این‌که علامه طباطبایی دو نزول دفعی و تدریجی برای قرآن قائل است و علامه معرفت، نزول

۱. بحارالانوار، ج ۹۲، ص ۴۸، ح ۷ که از تفسیر علی ابن ابراهیم نقل می‌کند.

۲. التمهید و ص ۲۸۵ و ص ۳۳۳، به بعد.

۳. همان، ص ۲۸۴.

۴. رک: بحارالانوار، ج ۱۸، ص ۲۶۰، ح ۱۲ و کمال الدین، صدوق، ص ۸۵.

دفعی قرآن را نمی‌پذیرد و شب قدر را آغاز نزول قرآن می‌داند؛^۱ بنابراین در بررسی این مبحث لازم است از روش‌های تحقیق متعدد استفاده شود، از جمله:
 نخست: روش درون‌متنی (درون قرآنی) با بررسی آیات نزول؛
 دوم: روش تحلیل لغوی، برای بررسی معانی نزول؛
 سوم: روش تحلیل تاریخی، برای بررسی آغاز بعثت و نزول قرآن و حالات پیامبر ﷺ در این زمینه و...؛
 چهارم: روش حدیثی، برای بررسی سند و محتوای احادیث مربوط به نزول و وحی؛
 از این‌رو علامه معرفت در مورد «افسانه قرائنی» از این روش بهره برده است.^۲

ج) وحی

در مورد «وحی» در قرآن آیات متعددی وجود دارد که گاه به تقسیم‌بندی اقسام وحی می‌پردازد^۳ و گاه فرشته وحی (جبرئیل) را معرفی می‌کند^۴ و گاه نیز، صفات وحی را بر می‌شمارد^۵ و...
 وحی یک مسئله اعتقادی و عقلی نیز هست که در آن امکان وحی و اثبات آن، مورد بررسی قرار می‌گیرد همان‌طور که وحی یک مسئله شهودی نیز به شمار می‌آید. از این‌رو در بررسی مسئله وحی از روش‌های تحقیق متعدد استفاده می‌شود از جمله:

نخست: روش درون‌متنی که به بررسی آیات وحی و فرشته وحی می‌پردازد؛
 دوم: روش تحلیل عقلی که امکان وحی و اثبات آن را بررسی می‌کند. از این‌رو علامه معرفت در مقدمات وحی، مطالب فلسفی نیز مطرح کرده است؛^۶

۱. رک: التمهید، ج ۱، ص ۱۰۸ به بعد و المیزان، ج ۲، ص ۱۵.

۲. التمهید فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۸۷ - ۹۰.

۳. شوری، آیه ۵۱.

۴. نجم، آیه ۳ - ۱۷ و شعراء، آیه ۱۹۳ - ۱۹۴.

۵. مزمل، آیه ۵.

۶. رک: التمهید فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۳۵.

سوم: روش تحلیل عرفانی و شهودی که اصل وحی را مورد بررسی قرار می‌دهد؛^۱
چهارم: روش تحلیل لغوی که برای بررسی معانی وحی به کار می‌رود.

د) محکم و متشابه

در «قرآن کریم» حدود دویست آیه متشابه وجود دارد^۲ که بر اساس آیه هفتم سوره «آل عمران» ﴿مِنْهُ آيَاتٌ مُّحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخْرُ مُتَشَابِهَاتٌ﴾ راهکار اساسی برای حل آیات متشابه قرآن ارجاع آنها به آیات محکم است. برای مثال: ارجاع آیه: ﴿يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ﴾ (فتح، ۱۰) به آیه: ﴿لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ﴾ (شوری، ۱۱) که بر این اساس نتیجه می‌گیریم مقصود از «ید» در این آیه دست ظاهری جسمانی نیست، بلکه قدرت الهی و مانند آن است.

البته ممکن است با الغای خصوصیت گفته شود که مقصود از محکومات، هر مطلب قطعی است؛ بنابراین شامل برهانی‌های عقلی و قطعیات سنت نیز می‌شود. به عنوان مثال برای حل آیه متشابه: ﴿يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ﴾ (فتح، ۱۰) می‌توان از برهان عقلی مبنی بر این‌که «خدا جسم نیست» استفاده کرده و ظاهر آیه را به «قدرت» تأویل کرد. همان‌گونه که از امام رضا علیه السلام در مورد «یدالله» سؤال شد و آن حضرت وجود دست مادی برای خدا را نفی کرد.^۳

در مورد متشابهات قرآن از چند روش تحقیق استفاده می‌شود:

نخست: روش تحقیق درون‌متنی (درون قرآنی - قران به قرآن)؛

دوم: روش تحلیل عقلی؛

سوم: روش تحقیق نقلی (روایی)؛

چهارم: روش مطالعات تأویلی.

البته ممکن است در برخی موارد این روش‌ها در یک آیه تداخل کنند (مثال فوق)؛

اما در مورد برخی آیات از همه آنها استفاده نشود.

۱. رک: التمهید، ج ۱، ص ۸۲.

۲. رک: التمهید فی علوم القرآن.

۳. عن الرضا علیه السلام: لا لوکان هکذا کان مخلوقاً (نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۵۰ حدیث ۲۷۹).

هـ) ناسخ و منسوخ

مسئله آیات ناسخ و منسوخ، موضوعی تاریخی است؛ از این رو در روایات تاریخی و اسباب النزول و نیز احادیث فقهی مطرح شده است. اطلاع از تاریخ گذاری آیات و سیر نزولی آنها در فهم و حل مسئله ناسخ و منسوخ تأثیر دارد.

برخی صاحب نظران مثل آیه الله خوئی رحمته الله علیه و علامه معرفت در صحت اکثر آیات ناسخ و منسوخ قرآن تشکیک نموده^۱ و فقط آیه «نجوی» (مجادله، ۱۲ - ۱۳) را می پذیرند؛ ولی همین افراد در برخی از موارد، برای حل مسئله از تحلیل های عقلی، تاریخی و درون متنی استفاده می کنند.

برای مثال: در مورد آیه: ﴿وَلَا تُقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّىٰ يَقَاتِلُوكُمْ فِيهِ فَإِن قَاتَلُوكُمْ فَاقْتُلُوهُمْ كَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ﴾ (بقره، ۱۹۱) که برخی گفته اند به وسیله آیه ﴿فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ﴾ (توبه، ۵ / ۹) نسخ شده است. بنابراین جایز است با مشرکان در حرم و غیر حرم جنگید.

ولی آیه الله خوئی با استفاده از روش درون متنی به دو آیه می پردازد و می گوید: روشن است که آیه دوم عام و آیه اول خاص است؛ پس خاص قرینه فهم عام است و در این جا نسخ واقع نشده است. وی سپس با استفاده از روش تحقیق حدیثی به برخی روایات اشاره نموده و بر این باور است که خبر واحد موجب نسخ آیه نمی شود. و نیز در مورد نسخ آیه متعه ﴿فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً﴾ (نساء، ۲۴) تشکیک می کند. ایشان نیز در استدلال خود از روش تحلیل حدیثی و تحلیل تاریخی استفاده نموده و به دلایل نسخ پاسخ می دهد.

بنابراین در مورد ناسخ و منسوخ می توان از روش های تحقیق متعدد استفاده کرد: نخست: روش تحلیل تاریخی (در روایات اسباب النزول و حکایات تاریخی نیز و شناخت آیات مکی و مدنی)؛

دوم: روش تحلیل عقلی در جمع بندی آیات و رفع اختلاف ظاهری آیات؛

۱. ر.ک: التمهید فی علوم القرآن، ج ۲، ص ۳۱۰ و نیز البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۲۸۶ - ۳۷۸.

۲. البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۳۷۲ به بعد.

سوم: روش تحلیل درون‌متنی در جمع‌بندی آیات و رفع اختلاف ظاهری آیات؛
چهارم: روش تحقیق به ترتیب نزول، برای بررسی تقدیم و تأخیر آیات و شناخت
ناسخ و منسوخ.

نسخ مشروط:

نسخ مشروط (تمهیدی - تدریجی): مقصود آن است که با تغییر شرایط، حکم سابق
نسخ شود، ولی با اعاده شرایط گذشته، حکم منسوخ قابل بازگشت باشد.
این‌گونه از نسخ در حقیقت نسخ مطابق اصطلاح مشهور نیست، بلکه احکام
متعددی است که هر یک به شرایط خاصی بستگی دارند و تغییر حکم با تغییر شرایط
لحاظ شده در متن حکم، نسخ شمرده نمی‌شود. بلکه صرفاً تغییر موضوع است که
حکم آن نیز تغییر می‌کند.

این مقوله را نسخ مشروط می‌نامند؛ چرا که رفع و اعاده حکم، وابسته به شرایط
است و نیز نسخ تدریجی و تمهیدی نام گرفته، چرا که ممکن است شارع برای برداشتن
یک سنت یا حکم در چند مرحله اقدام کند و با فراهم آوردن مقدماتی حکم جدید را
بیان کند. همان‌طور که در تحریم «شراب» و نسخ «برده‌داری»، می‌بینیم.^۱

پیشینه: «نسخ مشروط» عنوانی جدید است؛ اما محتوای آن در آثار پیشینیان
دیده می‌شود.

زرکشی (۷۹۳ ق.). از این مطلب با عنوان «نساء» یاد کرده است؛ ایشان معتقد است
که اگر حکمی دارای سببی باشد و به خاطر آن سبب حکم واجب شده باشد، چنان‌چه
سبب آن از بین رفت، حکم آن نیز تبدیل به حکم دیگری می‌شود و اگر سبب اول باز
گردد حکم اول نیز باز می‌گردد و این همان «نساء» است.^۲

ایشان آیه: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ﴾^۳ را مثال می‌زند که در آغاز دعوت
اسلام نازل شد و بعد از آن مسلمانان در مدینه توانمند شدند و خدا فرمان جهاد، امر به

۱. در ادامه مثال‌ها بیان خواهد شد.

۲. البرهان فی علوم القرآن، زرکشی، ج ۲، ص ۱۷۳.

۳. مائده، آیه ۱۰۵.

معروف و نهی از منکر صادر نمود. و اگر فرض شود روزی مسلمانان ضعیف شوند همان حکم اول باز می‌گردد. زرکشی سپس نتیجه می‌گیرد که «بنابراین، سستی ادعای کسانی که آیات جهاد را ناسخ آیات صلح و آرامش می‌دانند روشن می‌شود»^۱.

جلال الدین سیوطی (۹۱۱ - ۹۹۱ ق.) نیز کلام مشابهی دارد و از آن با عنوان «منسأ» (طبق آیه ۱۰۶ بقره) یاد می‌کند.^۲ برخی دیگر از دانشمندان نیز «نسخ مشروط» را پذیرفته و برخی آیات منسوخ را از قبیل نسخ مشروط می‌دانند؛ از جمله: صبحی صالح^۳، عبدالکریم خطیب^۴، نصر حامد ابوزید^۵، علامه معرفت رحمته الله در مورد نسخ مشروط مثال‌های متعددی آورده‌اند؛ هم‌چون:

۱. برده‌داری در قرآن:

خورشید اسلام در حالی طلوع کرد که برده‌داری بر جهانیان تحمیل شده و به صورت روش اقتصادی و اجتماعی درآمده بود. بدون تدارک دیدن مقدماتی ممکن نبود که این تجارت را ممنوع اعلام کرد و حتی عمر پیامبر صلی الله علیه و آله برای ممنوعیت آن کفایت نمی‌کرد و نیاز به زمان بیشتری داشت. اسلام در مقابل این انحراف ایستاد، اما نه به صورت صریح و علنی بلکه این امر به صورت تدریجی و مقدماتی تحقق یافت که ما آن را «نسخ تدریجی» می‌نامیم. در این رابطه مراحل زیر انجام شد:

نخست: مخالفت با سرچشمه بردگی و همه شیوه‌های به بردگی گرفتن افراد ممنوع اعلام شد؛ جز در مورد تسلط بر دشمنان در میدان جنگ، که فقط شامل مردان ضد اسلام می‌شد که در حال جنگ اسیر می‌شدند. بدین صورت افراد زیادی از دایره بردگی خارج شدند، از جمله زنان، کودکان، پیر مردان؛ یعنی: در حقیقت، الغای بردگی را از مبدأ آن به صورت غیررسمی اعلام کرد؛ هر چند که به سبب شرایط آن عصر

۱. البرهان، همان.

۲. الاتقان، ج ۲، ص ۴۱.

۳. مباحث فی علوم القرآن، ص ۲۶۹.

۴. التفسیر القرآن الکریم، ج ۱، ص ۱۲۵.

۵. مفهوم النص، ص ۱۲۳.

۶. شبهات ورود، معرفت، ص ۱۵۰ و ۱۷۴.

امکان‌پذیر نبود که بتوان مسئله اسرای جنگی را یک‌باره حل نمود؛ چون اسرای مسلمانان نزد دشمنان اسلام به صورت برده گرفته می‌شده و با آنان بد رفتاری می‌شد و اگر اسرای مشرکان و کفار آزاد می‌شدند قدرت آنها زیاد شده، بر مسلمانان فشار بیشتری می‌آوردند و مبادله اسرا ممکن نمی‌شد. پس این اسیر گرفتن، به عنوان نوعی مقابله به مثل برای مبادله بود. جالب این است که تنها آیه‌ای که به اسیران جنگی پرداخته ﴿فِيمَا مَنَّا بَعْدُ وَإِمَّا فِدَاءً حَتَّى تَضَعَ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا﴾^۱ به بردگی گرفتن اسیران را ذکر نکرده است تا این که موضوع به این قانونی دائمی برای بشر تبدیل نشود.^۲

دوم: اسلام به انسان شخصیت داد و حقوق او را یادآوری کرد تا انسان را از حالت یک چیز قابل معامله و استعمار و استعباد خارج ساخته تا مثل درخت و حیوان قابل خرید و فروش نباشد. در این باره حتی قرآن، حقوق و شرایط ازدواج بردگان و کنیزان را در ردیف حقوق افراد آزاد بیان کرد^۳ و فرمود: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ﴾^۴

ای مردم! در واقع ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را نژادها و قبیله‌هایی قرار دادیم تا یک‌دیگر را بشناسید؛ در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا، خود نگهدارترین (پارساترین) شماست؛ براستی که خدا دانای آگاه است.

و حتی از پیامبر نقل شده که «کسی نگوید: این بنده من و این کنیز من است؛ بلکه بگوید: این غلام (نوجوان) پسر و دختر من است»^۵. از جمله مکارم اخلاق پیامبر ﷺ آن بود که با بردگان غذا می‌خورد^۶ و بعدها از این شیوه، سنت شد. حتی از پیامبر حکایت شده که: از «جمله شروترترین افراد کسی را شمرده که برده خویش را بزند»^۷.

۱. محمد، آیه ۴.

۲. شبهات وردود، ص ۶ - ۱۸۵.

۳. نک: نساء، آیه ۲۵ و....

۴. حجرات، آیه ۱۳.

۵. مسند احمد، ج ۲، ص ۴۲۳.

۶. بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۱۹۹ و ۲۲۲.

۷. همان، ج ۷۱، ص ۱۴۱.

بدین صورت کرامت انسانی بردگان به آنها بازگشت و در حقیقت بردگان از نظر روحی آزاد شدند. و این در حالی بود که در «ایران» و «روم» و «هند» و حتی «اروپا» در آن زمان با بردگان بسیار بدرفتاری می‌شد و حتی در کشور «رومانی» قانونی وضع شد که صاحب برده حق داشت که برده را کشته یا به وی آزار برساند، بدون این‌که برده حق شکایت داشته باشد.^۱

سوم: اسلام راهکارهایی برای آزادی اسیران پیش‌بینی کرد (تا کم‌کم به صورت طبیعی بردگی از جامعه اسلامی برافتاد؛ چنان‌که اکنون در کشورهای اسلامی بدون این‌که قانون منع برده‌داری باشد، هیچ برده‌ای وجود ندارد).

پیامبر ﷺ برخی از اسیران را بدون تاوان آزاد کرد و از «مسیحیان نجران» مالیات (جزیه) گرفت و اسرای آنها را برگرداند.^۲

اسلام حتی کفاره برخی گناهان، مثل روزه خواری را آزاد کردن بردگان قرار داده و آزاد کردن بردگان را تشویق نمود و آن را کاری ثواب داشت.

(و) مکی و مدنی

برخی از آیات قرآن در «مکه» و برخی در «مدینه» نازل شده‌اند؛ البته در مورد معیار مکی و مدنی که زمانی است یا مکانی؟ بین صاحب‌نظران اختلاف نظر وجود دارد،^۳ مسئله مکی و مدنی در تفسیر برخی آیات و نیز در بررسی شأن نزول‌ها و بررسی آیات ناسخ و منسوخ مؤثر است. از آن‌جا که مسئله مکی و مدنی در روایات آمده است، مسئله‌ای نقلی است. پس در بررسی آیات مکی و مدنی از روش تحقیق تحلیل تاریخی استفاده می‌شود؛ چرا که این مسئله در روایات تاریخی و اسباب‌النزول مطرح می‌شود. البته در بررسی این روایات نیاز به مطالعات حدیثی (رجال و فقه الحدیث) نیز هست؛ هم‌چنان که گاه از اجماع نیز استفاده شده است.

۱. شبهات ورود، ص ۱۷۶ و بعد آن.

۲. همان، ص ۱۵۰ و ۱۸۶.

۳. رک: التمهید فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۱۳۰.

مثال: در مورد سوره «نساء» نحاس گفته است این سوره به دلیل وجود آیه ۵۸ ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ﴾ در آن مکی است؛ ولی از نگاه علامه معرفت: مفسران اتفاق نظر دارند که سوره نساء مدنی است^۱ و حدیث نحاس ضعیف‌السند است.^۲ و نیز در مورد سوره «رعد»، کلبی، مقاتل و عطاء گفته‌اند که مکی است^۳ و سید قطب به خاطر موضوعات سوره و شیوه بیان آن، معتقد به مکی است^۴؛ ولی علامه معرفت می‌فرماید که روایات ترتیب نزول بر مدنی بودن سوره «رعد» دلالت دارند.^۵ وی هم‌چنین مدنی بودن سوره «یس» و «ص» را نمی‌پذیرد، چرا که مخالف اجماع است.^۶

ز) اسباب النزول

برخی از آیات قرآن هم‌زمان با وقوع حادثه یا به علت واقعه‌ای نازل شده‌اند که این موارد در احادیث تفسیری و روایات تاریخی بیان گردیده‌اند و از آنها با عنوان «اسباب النزول» و «شأن نزول» یاد می‌شود و در فهم و تفسیر آیات و شناخت مکی و مدنی و ناسخ و منسوخ مؤثر است.

از آن‌جا که مسئله اسباب‌النزول در روایات مطرح شده، مسئله‌ای نقلی و در بررسی آنها از روش تحلیل تاریخی استفاده می‌شود. البته در بررسی این روایات، نیاز به بررسی حدیثی (رجال و فقه الحدیث) نیز هست.

علامه معرفت در مورد راه شناخت اسباب انزول با تأکید بر معیار نقد محتوایی احادیث شأن نزول می‌نویسد:

لمعرفة الصحيح من اسباب النزول طرف معهودة تعارف عليها اهل الاصلاح، من تصحيح الاسناد او الاستفاضة النقل او تواتره، مما يقطع معه من صحة الحادثة. لكن هناك وسيلة أخرى، لعلها ادق و اوفق للاعتبار و اكثر اطراً مع ضوابط دراسة التاريخ: اين يكون المأثور

۱. مجمع البیان، ج ۳، ص ۶۳.

۲. التمهید، ج ۱، ص ۱۴۷.

۳. الدر المنثور، ج ۴، ص ۴۲.

۴. فی ضلال القرآن، ج ۱۳، ص ۶۳.

۵. التمهید، ج ۱، ص ۱۴۸.

۶. همان، ص ۱۴۹ - ۱۵۰.

من شأن النزول، مما يرفع الابهام عن وجه الآية تماماً و يحل مشكلة تفسيرها على الوجه الأتم. و على قيد ان لا يكون مخالفاً لضرورة دين او متناقراً مع بديهية العقل الرشيد^۱.
 مثال: در مورد آیه: ﴿وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ﴾^۲ واحدی از ابوهریره نقل می‌کند که پیامبر ﷺ در هنگام شهادت حضرت حمزه که مثله شده بود فرمودند: «هفتاد نفر را به جای او مثله می‌کنم» جبرئیل آیات سوره «نحل» را نازل کرد.^۳
 درحالی‌که سوره «نحل» مکی است و شهادت حمزه در مدینه اتفاق افتاده است و نیز، برخی افراد «افسانه غرانیق» و «داستان ورقه بن نوفل» را نقل کرده‌اند که با قرآن و قداست نبوت سازگار نیست.^۴

چکیده

در فصل چهارم روش‌های پژوهش در موضوعات قرآنی مورد بررسی قرار گرفت و در مورد هر موضوع روش‌های ممکن یا مورد استفاده هشتگانه فصل قبل بیان و نقد و بررسی شد. از جمله در مورد جمع قرآن به دو روش تحلیل تاریخی و فقهی اشاره شد. و نیز در مورد نزول قرآن، وحی، محکم و متشابه، ناسخ و منسوخ، مکی و مدنی و اسباب النزول.

پرسش و پژوهش

۱. ویژگی‌های روش‌های تحقیق در علوم قرآن را بر شمارید.
۲. روش تحقیق سیوطی و علامه معرفت را در مورد «جمع قرآن» مقایسه کنید.
۳. روش تحقیق علامه طباطبایی در المیزان و «فخر رازی» در تفسیر کبیر را در مورد متشابهات قرآن با ذکر مثال مقایسه کنید.
۴. روش تحقیق علامه طباطبایی و علامه معرفت را در مورد «اسباب النزول» بررسی و مقایسه نمایید.
۵. مقصود از «نسخ تمهیدی» چیست؟ با ذکر مثال توضیح دهید و پیامدهای این روش را در تفسیر و علوم قرآن بیان کنید.

۱. التمهید فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۲۴۵.

۲. نحل، ۱۲۶.

۳. لبنا النقول (حاشیه جلالین، واحدی، ج ۱، ص ۲۱۳).

۴. ر.ک: التمهید فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۲۴۸.

۵

روش تحقیق در منطق فهم قرآن

اهداف: (۱) شناخت روش تحقیق در مبانی فهم قرآن؛ (۲) آشنایی با روش تحقیق در زبان قرآن؛ (۳) آشنایی با روش تحقیق در هرمنوتیک؛ (۴) آشنایی با روش نشانه‌شناسی و زبان‌شناسی. (نشانه‌شناسی، زبان‌شناسی - زبان قرآن - هرمنوتیک - مبانی فهم، قرآن و فرهنگ زمانه و...)

مفهوم‌شناسی و زیرمجموعه‌ها

اکثر مباحث جدیدی که در مطالعات قرآنی به وجود آمده است، بر تحلیل عقلی و تاریخی - اجتماعی و نیز، تحلیل فرهنگی و لغوی استوار است؛ هرچند که در این مباحث، گاه از روش درون‌متنی نیز استفاده می‌شود. از این‌رو در این مباحث از روش‌های تحقیق تحلیل تاریخی، تحلیل عقلی و گاه روش تحقیق درون‌قرآنی استفاده می‌شود:

۱. در مبانی فهم قرآن، گاه از روش تحلیل درون‌متنی (برای مثال: برای به دست آوردن اهداف قرآن، سوره و آیه) و گاه از روش تحلیل عقلی و تاریخی (برای مثال: در وحات نص قرآن و تحریف‌ناپذیری آن) استفاده می‌شود.

۲. در زبان قرآن، گاه از روش درون‌متنی (برای مثال: برای شناخت اصطلاحات قرآنی کافر، مؤمن و...) و گاه از روش تحلیل عقلی (برای مثال: برای شناخت زبان تأویلی)، گاه از روش حدیثی (مثلاً برای شناخت بطون قرآن) و گاه نیز از روش تحلیل تاریخی و لغوی استفاده می‌شود.

۳. در هرمنوتیک و سمانتیک (تفسیر قرآن بر اساس قصد مؤلف یا فهم متکلم) از روش تحقیق برون متنی، یعنی تحلیل عقلی و تاریخی (برای شواهد بحث قرآن و فرهنگ زمانه) استفاده می‌شود.

۴. در نشانه‌شناسی و زبان‌شناسی، معمولاً از تحلیل‌های عقلی، تاریخی و لغوی استفاده می‌شود. یعنی روش تحقیق برون‌متنی به کار می‌رود.

یادآوری: هرچند که گاه از مطالب فوق (نشانه‌شناسی، زبان‌شناسی، زبان قرآن، هرمتوتیک و...) به عنوان مسائل جدید علوم قرآن، یا علوم قرآن جدید یاد می‌شود؛ ولی به نظر می‌رسد که این مطالب در حوزه منطق فهم قرآن می‌گنجد و لازم است فضا و عنوان جدیدی برای آنها در کنار تفسیر علوم قرآن در نظر گرفته شود.

تذکر: این مباحث در روش تحقیق اختصاصی مورد بررسی قرار گرفت و برخی تبیین‌های انحرافی آنها نیز در روش‌های مطالعات قرآنی مستشرقان مورد بررسی قرار می‌گیرد، از این رو در این جا فقط به همین اشاره اکتفا می‌شود.

پرسش و پژوهش

۱. در مبانی فهم قرآن از چه روش‌های تحقیقی استفاده می‌شود؟ چند مورد را با ذکر مثال بررسی کنید.

۲. با چه روش تحقیقی ثابت می‌کنید که زبان قرآن اسطوره‌ای نیست؟

۳. با روش مطالعه و نشانه‌شناسی، سوره «عبس» را بررسی و تفسیر کنید.

۴. با روش مطالعه زبان‌شناسی سوره «شمس» را مورد بررسی و تفسیر قرار دهید.

۵. پیامدهای تفسیر هرمنوتیکی قرآن را بررسی و نقد نمایید.

تذکر: از آن جا که مطالب این فصل در فصول دیگر آمده است نیاز به چکیده ندارد.

۶

روش‌های مطالعات قرآنی مستشرقان

اهداف: (۱) شناخت روش‌های نو آمد مطالعات قرآنی مستشرقان؛ (۲) روش‌های مطالعاتی قرآنی مستشرقان.

درآمد

مستشرقان به خاورشناسانی گفته می‌شوند که در مورد فرهنگ، ادیان و مذاهب شرقی به پژوهش می‌پردازند؛ البته استشراق دوره‌های متعددی داشته است: گاه در خدمت استعمار غرب و همکاران آن بوده است و گاه برخی از مستشرقان رویکرد علمی داشته، حتی به حقانیت اسلام پی‌برده و مسلمان شده‌اند^۱ و برخی دیگر مغرضانه در پی ضربه زدن به اسلام برآمده‌اند^۲. هدف از این نوشتار شناخت اغراض و اهداف مستشرقان نیست؛ بلکه برآنیم که روش‌های پژوهش و مطالعه قرآنی آنان را بازکاوی کنیم.

روش‌های تحقیق مستشرقان

در نوشته‌های مستشرقان، گاه از روش‌های تحقیق مرسوم، هم‌چون روش درون‌متنی و برون‌متنی استفاده شده است، که اشکالات خاص خود را دارد؛ برای مثال: در این نوشته‌ها معمولاً از منابع اهل سنت استفاده شده و از منابع شیعه کمتر بهره برده‌اند؛ از

۱. مثل دکتر موریس بوکای فرانسوی صاحب کتاب مقایسه‌ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم.

۲. ر.ک: کتاب خاورشناسی مستشرقان (۱) و قرآن و مستشرقان، از دکتر محمد حسن زمانی و نیز مجله تخصصی قرآن و مستشرقان، ش ۱ و ۲، از مرکز تحقیقات «قرآن کریم»، المهدی علیه السلام.

این‌رو در برخی موارد داوری‌های آنها در مورد اسلام و شیعه دچار نقصان و انحراف شده است. این مطلبی است که برخی از مستشرقان مشهور معاصر، بدان اعتراف کرده‌اند؛ از جمله محمد آرکون^۱ می‌نویسد:

پژوهش‌های مستشرقین نیز خود را در نقل زبان‌های اروپایی از دیدگاه سنتی تفسیر در زمینه اسلام تسنن، قانع ساخته، پیش از آن‌که به چنین تحقیقی درباره اسلام تشیع بپردازد (و این در زمانی بود که وقایع سیاسی، سیاستمداران را قادر ساخت که درباره برتری تخصص مورد ادعای عالمان مسلمان به بحث و مناظره بپردازند^۲).

گاه مستشرقان از روش‌های مطالعات قرآنی جدید مثل نشانه‌شناسی، زبان‌شناسی، تحلیل تاریخی، انسان‌شناختی (روان‌شناختی) و... بهره جستند که در این‌جا برخی از نمونه‌های آن را بیان و نقد و بررسی می‌کنیم:

۱. مطالعات ادبی؛

۲. مطالعات نشانه‌شناختی؛

۳. مطالعات زبان‌شناختی؛

۴. مطالعات تاریخی انسان‌شناختی (روان‌شناختی، جامعه‌شناختی).

در مورد روش مطالعات قرآنی نشانه‌شناختی و زبان‌شناختی و نیز شیوه تحقیق ادبی

۱. «محمد آرکون» در سال ۱۹۲۸ م در الجزایر (روستای تاوریرت میمون) در خانواده‌ای بربری به دنیا آمد، زبان فرانسوی را به عنوان زبان دوم و زبان عربی را به عنوان زبان سوم فرا گرفت؛ او در مدارس فرانسوی آموزش دید و سپس در دانشگاه فرانسوی الجزایر ادامه تحصیل داد و در رشته تاریخ و فلسفه اسلامی از دانشگاه سوربن فرانسه فارغ التحصیل شد وی از تاریخ ۱۹۶۰ م تاکنون در دانشگاه سوربن در مقام استاد ممتاز اندیشه اسلامی تدریس می‌کند در چندین دانشگاه جهان استاد مهمان بوده و مشاور فرهنگی سازمان یونسکو به شمار می‌آید.

هاشم صاحب نویسنده سوری تبار مقیم فرانسه زیر نظر آرکون بسیاری از آثار آرکون را به عربی ترجمه کرده است. از جمله «نزاع الانسنة في الفكر العربي جبل، مسكويه و التوحيد»؛ «تاریخة الفكر العربي الاسلامي»؛ «الفكر الاسلامي قرائة عملية، الكفر الاسلامي نقد و اجتهاد»؛ این هولفکر الاسلامي المعاصر؛ من الاجتهاد الي نقد العقل الاسلامي؛ الاسلام الاخلاق و السياسة؛ العلمنة و الدين الاسلام المسيحية الغرب؛ قضايا في نقد العقل الديني؛ الاسلام الاصاله و المعاصرة و...»

۲. دائرة المعارف قرآن لیدن، مقاله نگرش‌های انتقادی معاصر و قرآن، محمد آرکون، ص ۸.

(contemporary critical views mohammad arkun)

که یکی از روش‌های تحقیق نقلی و تاریخی است، مطالبی در فصول گذشته بیان شد؛ ولی مستشرقان با نگاهی دیگر بدان می‌نگرند؛ از جمله محمد آرکون در این باره معتقد است که: این نوع رویکردها از خلاقیت و نوآوری کمتری نسبت به رویکردهای تاریخی برخوردار بوده‌اند. در سال‌های بین ۱۹۶۰ و ۱۹۸۰ م. تفسیر نشانه‌شناختی، در «فرانسه» با تأیید «گریماس» و تعدادی از شاگردانش رونق یافت. و در آن دوران، تعداد نسبتاً کمی از رساله‌های دکتری قرآن در «فرانسه» تدوین گردید؛ ولی این امکان وجود نداشت که هیچ‌یک از آنها در مقابل پژوهش‌های مربوط به «تورات» و «انجیل» که به وفور چاپ شده‌اند، انتشار یابند. به رغم آن‌که پژوهش‌های مربوط به تاریخ زبان‌شناختی عربی به‌ویژه در خلال بیست ساله اخیر به شکوفایی رسیده‌اند، رویکردهای زبان‌شناختی به قرآن، به‌خصوص در زمینه مباحث انتقادی به خوبی ارائه نشده‌اند. می‌توان این کاهش پژوهش را دلیل روشنی بر ترس و بزدلی فکری قلمداد نمود که خود از عدم تمایل محققان محتاط نسبت به بررسی متن مقدس اسلامی [کتاب آسمانی مسلمانان] نشأت گرفته است.

اما درباره رویکرد ادبی، [می‌توان گفت] در میان پژوهش‌های قرآنی، هیچ اثری با تألیف این فرای تحت عنوان «آیین‌نامه بزرگ» برابری نمی‌کند و در این زمینه هیچ‌یک از تحقیقات فراوانی که موجب احیا و غنای مطالعات مربوط به «تورات» و «انجیل» گردیده را نمی‌توان ذکر نمود. من شخصاً تصمیم دارم که به بررسی کاربرد استعاره [و مجاز] در قرآن بپردازم تا آن‌که این نقص غیر قابل تحمل را جبران کنم، نقصی که از زمان تلاش‌های قرون وسطایی در مورد پذیرش یا رد کامل جنبه استعاری در تفسیر کلام الهی وجود داشته است. کتابی توسط ابن قیم الجوزیه (م. ۷۵۱) تحت عنوان بلاغی «الصاعق المرسله في الرد على الجهمية والمعطلة» به‌وضوح گام‌هایی را در بحث پیرامون کلام وحی [الهیات قرآن] برداشته است. من این کار غنی را نادیده نگرفته‌ام؛ اما ابعاد تبیین نشده، فراوان است و آثار اندکی درباره این موضوع وجود دارند که آنها هم عمدتاً بی‌ربط هستند. خود مسلمانان متهم شده‌اند به چنین نقصی و صرفاً به آثاری از قبیل کار باقلانی (م. ۴۰۳)، جرجانی (م. ۴۷۱)، فخرالدین رازی (م. ۶۰۶)، سکّاکي (م. ۶۲۹) و به منابع گسترده اعجاز، مفتخرانه اشاره می‌نمایند. منابعی که در مقام دفاع، هنوز

با آثار معاصر (مانند: مصطفی صادق الرافعی، سید قطب، محمد شحرور) تا حد زیادی، برابری می‌کنند؛ البته چنین آثاری در برابر مخالفت رایج با استعاره و این واقعیت که نظریه قرآن مخلوق [حادث] که از چهارده قرن پیش حاکمیت داشته است، قابل ذکر نمی‌باشد. به همین دلیل، رویکردهای ادبی امروزه پیروز و غالب گردیده‌اند. پژوهش‌هایی در باب نقادی ادبی و بلاغی عربی، نتایج مثبت و منفی آثار به وجود آمده توسط اعتقادات کلامی پیرامون زبان‌شناختی و رویکردهای ادبی نسبت به متن مقدس را بشدت مورد مذاقه قرار داده است.^۱

پیرامون مطالعات تاریخی انسان‌شناختی (روان‌شناختی، جامعه‌شناختی) باید اشاره کرد که پیشتر در مورد روش تحقیق تاریخی و نقلی و نیز روش تحقیق تجربی و نیمه تجربی در تفسیر و علوم قرآن در فصول گذشته مطالبی بیان شد؛ ولی مستشرقان این روش‌ها را با نگاهی دیگر مطرح نموده و به نوعی خاص به مقایسه پژوهش‌های قرآنی با پژوهش‌های کتاب‌های مقدس دیگر و حتی کتاب‌های غیر مقدس می‌پردازند.

محمد آرکون با طرح مقدماتی در این مورد معتقد است که هدف پژوهشگر معاصر باید زیر سؤال بردن [مشکوک تلقی نمودن] همه سیستم‌های [فکری] باشد که مدعی معنا سازی هستند، اعم از آن‌که در حال حاضر موجود باشند یا نه، آنهایی که معنا و فرضیه‌های مربوط به «معنا» را ارائه می‌دهند. این همان تمایز اساسی است که بسیاری از مسائل و مشکلاتی که مطرح شده‌اند و فاقد جنبه ادراکی و معرفتی کامل هستند را در بر می‌گیرد. در پژوهش و بررسی مربوط به قرآن و کتاب‌های مشابه آن در سایر فرهنگ‌ها، مقایسه، همیشه باید کاربردی باشد؛ یعنی: پژوهشگر به بررسی فعالیت روان آدمی بپردازد، به گونه‌ای که بیانگر بینش‌های آرمانی، امیدها و آرزوهای تحقق نیافته و تکراری آن و نیز تلاش به منظور ازاله محدودیت‌های بردگی خود و نیل به تمرین دانستن در زمینه آزادی خلاق و نقادانه بوده باشد. در خصوص کتاب قرآن و رشد گسترده تاریخی آن باید گنجایش و صلاحیت دلیل را در راستای کشف اسرار و رموزی که خود مطرح ساخته است مورد تحقیق و بررسی قرار داد.

۱. همان.

به رغم این توجه مهم، نسبت به افکار آرمانی و تخیلی، مهم آن است که این حقیقت را نیز مدنظر داشته باشیم که پژوهش‌های قرآنی معاصر به‌طور قابل توجهی از پژوهش‌های مربوط به کتاب مقدس [تورات و انجیل] عقب‌تر و کندتر بوده و همیشه باید چنین مقایسه‌ای را انجام دهیم.

از نگاه آرکون تا آن‌جا که به حوزه مباحث قرآنی مربوط می‌شود، می‌توان گفت که قرآن از طریق پژوهش‌های کلامی و اهداف عملی روی کرده‌های دنیوی آن‌چنان بار معنایی [و تفسیری] زیادی را به خود گرفته است که می‌بایست یک بازیابی دقیق در مورد آن انجام گیرد تا آن سطوح کارکردی و معنایی که توسط سنت دینی و نیز ادبیات متن قرآن، مورد غفلت قرار گرفته یا به‌طور کلی از بین رفته است، کاملاً تبیین گردد.

این موقعیت، تاریخی طولانی دارد که از لحظه کتابت قرآن و بعد تبلیغ و ترویج آن در طی قرون متمادی به شکل دست‌نویس را دربر می‌گیرد تا زمان کنونی که به صورت چاپ منتشر می‌گردد. یک فرایند تاریخی موجب پیدایش طبقه روحانیت دارای قدرت فکری و سیاسی گردیده است. بار مفهومی کنونی واژه قرآن در ارتباط با شرایط اجتماعی و فرهنگی حاکم در زمان پیدایش و رشد سخنان قرآن به عنوان کتاب آسمانی که به صورت بلند و در حضور یک شنونده و به عنوان رخدادی دینی تلاوت گردیده، از شقوقی خاص برخوردار است. این اعلان را می‌توان سخنان نبوی نامید که صحنه‌ای از گفت‌وگو و ارتباط بین سه شخص دستوری [دستور زبانی] را پدیدار ساخته است:

یک متکلم که سخنان کتاب آسمانی را بیان می‌کند؛ یک مخاطب اولیه که پیام آن اعلان را به‌عنوان رخدادی دینی نقل می‌کند و یک مخاطب ثانوی به‌نام مردم (الناس) که بر حسب شرایط، متشکل از گروهی بزرگ و کوچک می‌باشد و مع هذا اعضایش در ویژگی مخاطب بودن، برابر و آزاد هستند: آن مخاطبان با هم برابرند زیرا آنها در موقعیتی یک‌سان قرار گرفته‌اند؛ یعنی: مواجه با همان زبان محاوره‌ای هستند که در اعلان پیام به‌کار رفته است. و آنها آزادند، چرا که بلادرنگ می‌توانند پاسخ مثبت یا اعلام درک کردن، یا پاسخ رد، یا تکذیب و یا تقاضای توضیح بیشتر بدهند.

درباره اهمیت فوق‌العاده تحلیلی زبان‌شناختی، اجتماعی و روان‌شناسانه از آنچه که از این به بعد، سخن نبوی خوانده می‌شود، بیشتر می‌توان بحث نمود. (برای کاربرد این ویژگی «نبوی» که به لحاظ تاریخی شدیداً مورد اعتراف مخاطب اولیه قرار گرفته است، پس از این ضرب‌المثل که «هیچ‌کس در کشور خودش پیامبر نیست» توجیهی ارائه خواهد شد.) باید خاطر‌نشان ساخت که تمام پژوهش‌های شرقی، در محدود ساختن خود به ظرافت‌های کار احیای مباحث ادبی متن (دستور زبان، تحولات لغوی، واژه‌شناسی و ترکیب عبارات) همراه بازسازی تاریخی، حقایق ساده، مفاهیم ساختار و روابط بین اشخاص در سیاق کلام را - آن گونه که از متن به دست می‌آید - نادیده گرفته‌اند.

آرکون ادامه دیدگاه‌های خویش به طرح یک پرسش می‌پردازد:

«آیا به منظور فراهم ساختن مستندات و شواهدی برای پژوهش روان‌شناختی و تاریخی جامعه‌شناختی، ضرورت دارد که به طبقه‌بندی مباحث اسلامی یا مسیحی و یا یهودی پردازیم، بدین صورت که دسته‌ای را نسبت به گرایش‌های استدلالی جدید، مانوس و بقیه آنها را کهنه یا بیگانه نشان دهیم؟»^۱

او هم‌چنین با مقایسه پژوهش‌های قرآنی با متون مقدس و غیر مقدس دیگر می‌نویسد:

از نقطه نظر پژوهش نقدانه، فرایند انتقادی، تحلیلات نظری، توجیهات و دست‌آوردهای معنادار [معناشناختی] می‌توان چنین نتیجه‌ای را دریافت نمود که قرآن تنها یکی از متون متعددی است که هم‌چون سایر متون، دارای معانی فراوان و پیچیده است. «تورات»، «انجیل» و متونی مربوط به «بودئیزم» و «هندوئیزم» همه اینها واجد این ویژگی هستند که علاوه بر این که محتوای آنها از قبل معلوم گشته مع هذا ممکن است در آینده نیز رشد تاریخی بیشتر پیدا کنند. یک سؤال اساسی در این جا مطرح می‌شود و آن این که وجه ممیز بین این گونه متون دینی با مجموعه آثار مربوط به «افلاطون» و «ارسطو» که تفاوت‌هایی با آثار اسلامی دارند و یا آثار اروپایی و آنچه که به انقلاب اکتبر فرانسه مربوط می‌شود، چیست؟ بعلاوه بدیهی است که تمسک به یک جنبه دینی

که به عنوان صحیح [مطالبی قطعی الصحه] تلقی شوند، خطر قرائت‌های تنگ‌نظرانه را در بر خواهد داشت.

وی سپس با طرح معیار معرفت‌شناختی در پژوهش‌های قرآنی در شرح آن می‌گوید: قرآن به عنوان موضوعی پژوهشی، عبارت است از مجموعه‌ای از سخنانی که ابتدا به صورت شفاهی و بعداً در شرایطی تاریخی - که هنوز تبیین نشده است - به کتابت درآمد. این مجموعه سخنان به مرور زمان از طریق تلاش نسل‌هایی از شخصیت‌های تاریخی به طرح کتاب مقدس تعالی یافت؛ کتابی که نمایانگر کلام متعالی خداست و نسبت به هر عمل، هرگونه رفتار و هر یک از افکار مؤمنانی که به عنوان مفسر مشترک این میراث به شمار می‌آیند، نظر قطعی و نهایی را اعلام می‌دارد.

در این طرح تحقیق، تعدادی از مسائل و مفاهیم مسلم و قطعی وجود دارد که در عین حال واجد موضع بیطرفانه و توضیحی کامل است، به گونه‌ای که نه تنها به جامعه پژوهشگران اندیشمند، بلکه به مؤمنانی که خود را مسلمانان سنتی و مجرب تلقی می‌کنند، توجه نموده [و داوری می‌طلبند].^۱

محمد آرکون در پایان با پیشنهاد انتشار دائرةالمعارف انتقادی نسبت به قرآن، ویژگی‌های روش‌شناختی جدید آن را پیشنهاد نموده و می‌نویسد:

طرح انتشار یک دائرةالمعارف قرآن که در ارتباط با شیوه انتقادی فرایندهای عقلی تشخیص داده می‌شود، مدت زیادی به تأخیر افتاده است؛ چنین تأخیری، دیدگاه این مقاله را راجع به تفاوت تاریخی و معرفت‌شناختی بین دلیل علمی و فلسفی - آن گونه که امروزه در غرب و جاهای دیگر اعمال می‌گردد - و دلیل اسلامی، آن‌چنان که مواضع خود را درباره اسلام و نیز در رفتار سیاسی، ضوابط قانونی، نظام‌های آموزشی و رفتارهایی که شیوه - سنتی را ترغیب می‌نماید - تأیید و اثبات می‌کند. مادامی که عالم منطق اسلامی در قالب حیطة جزم‌آمیز [تعصبی] راجع به شکل تاریخی خود آن‌گونه که از قرون سیزدهم و چهاردهم دریافت شده، عمل می‌کند، جای خالی یک دائرةالمعارف اسلامی نیز علاوه بر دائرةالمعارف اسلامی قرآن احساس می‌شود.

به منظور تحقق بخشیدن این طرح در قالب آن دیدگاه، استنتاج پیشنهادات ذیل، مفید خواهد بود:

۱. ضرورت دارد واقعیت قرآنی را از طریق قراردادن در یک موقعیت تطبیقی، توسعه بخشیم؛ یعنی: آن را نه تنها با سه دین توحیدی بلکه با انسان‌شناسی تاریخی واقع دینی و در محیطی جغرافیایی فرهنگی و جغرافیایی تاریخی مقایسه کنیم؛ به‌گونه‌ای که برای مدتی بتواند ویژگی مدیرانه‌ای به خود گیرد... .

۲. هدف باید تعمیق بخشیدن به دانش ما نسبت به عناصر سازنده وجدان ادیان توحیدی و منشأ تاریخی جهانی و حالت تمایز آنها باشد... .

۳. مفاهیم مجموعه آثار مدون رسمی، الگوی خوبی را برای نگرش تطبیقی فراهم می‌آورند، به‌گونه‌ای که خوانندگان مسلمان دائرةالمعارف قرآن را قادر می‌سازند که به نقاط و موارد پیچیدگی علمی نسبت به ادبیات اصیل به ارث رسیده از نظریه کلامی ارزش‌ها بهتر دسترسی یابند؛ ارزش‌هایی که در برابر هر نوع بررسی نقادانه مقاومت می‌کند... .

۴. در رابطه با مواردی که ارتباط مستقیم‌تری با قرآن دارد، بدیهی است آن‌چه که این‌جا آئین‌نامه تفسیر خوانده می‌شود باید هم از چارچوب سنتی تعصبی آزاد و رها باشد و هم از اصول آئین‌نامه‌ای علمی جدید. این تفسیری است که برای هر انسان، اعم از مسلمان و غیرمسلمان، شناور و فعال است و برای او زمینه آزادی را در برابر مجموعه عقاید و افکارش که از قبل دریافت نموده، فراهم می‌آورد.

این روی‌کرد می‌تواند خود را به گونه مشخصی از هر نوع تفسیر بلاغی خودسرانه، بازسازی‌های به اصطلاح منطقی و تصنعی و انسجام موهومی که بعدها از طریق تفاسیر تخیلی، ایدئولوژیکی، تدافعی، کلامی و حقوقی بر آن تحمیل شده است، برهاند [دامن خود را از این آرایش‌ها مبرا سازد].^۱

بررسی و نقد:

همان‌طور که گذشت، روش‌های مطالعات جدید نشانه‌شناختی، زبان‌شناختی، تحلیل تاریخی و حتی تحقیقات تجربی و نیمه تجربی (جامعه‌شناختی و روان‌شناختی و...) در دهه‌های اخیر مورد توجه قرآن‌پژوهان قرار گرفته و نتایج مثبتی نیز به بار آورده است که در فصول گذشته توضیح داده شد. اما به نظر می‌رسد نگاه این دسته از مستشرقان (هم‌چون محمد آرکون) با نگاه قرآن‌پژوهان مسلمان در موارد فوق متفاوت است. در

۱. همان.

این جا ضمن بررسی دیدگاه‌های محمد آرکون، به مهم‌ترین نقاط ضعف و تفاوت‌های این دو دیدگاه اشاره می‌کنیم:

۱. در این بخش، آرکون به چند نکته اشاره نموده سپس آنها را به یک‌دیگر ربط داده و در پاراگراف بعدی همین مطالبی که به صورت احتمالی مطرح می‌کند را قطعی فرض کرده است؛ بنابراین لازم است تا این چند موضوع را از هم تفکیک نمود:

الف) مقایسه قرآن و عهدین در محتوا امری پسندیده است و در بسیاری از موارد، حقانیت و طهارت قرآن را ثابت می‌کند؛ چرا که در عهدین مطالب خرافی و خلاف علم و عصمت پیامبران وجود داشته^۱ ولی در قرآن ضد این مطالب به چشم می‌خورد.

ب) مقایسه قرآن و عهدین در باب نویسندگان و تأثیرپذیری آنها از فرهنگ زمانه صحیح نیست؛ چرا که در این مورد تفاوت اساسی بین قرآن و عهدین وجود دارد. آیات «قرآن کریم» همگی توسط جبرئیل بر پیامبر ﷺ نازل شده است و پیامبر اسلام ﷺ نیز، بدون کم و زیاد کردن، همه الفاظ قرآن را به مردم ابلاغ نموده‌اند؛ به طوری که بر خلاف گفتار مرسوم واژه «قل» را در ابتدای سوره‌ها و آیات نقل کرده است. این به دلیل تهدید موجود در قرآن بود که اگر برخی مطالب زاید را به خدا نسبت دهد به شدت با او برخورد می‌شود^۲. و این قرآن در عصر پیامبر ﷺ توسط افراد متعدد نگارش یافته و به تکرار جمع‌آوری شده است و هیچ تحریفی در آن واقع نشده است^۳.

اما «تورات» و «انجیل» این گونه نبوده‌اند؛ بلکه برخی بخش‌های «تورات» هشتصد سال پس از وفات موسی ﷺ نوشته شده^۴ و حتی داستان فوت موسی در آن نقل شده

۱. بررسی این موارد از حوصله این نوشتار خارج است. نک: مقایسه‌ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم،

دکتر موریس بوکای، ترجمه ذبیح الله دبیر و نیز ر.ک: داستان آدم و لوط در تورات و قرآن.

۲. «وَأُولُو الْقَوْلِ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقْوَابِلِ * لِأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ * ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ ﴿۴۴ - ۴۶﴾»

۳. نک: الاتقان سیوطی، ج ۱، ص ۹۸، ۹۹؛ التمهید فی علوم القرآن، معرفت، ج ۱، ص ۲۷۱ به بعد؛ البیان،

خوئی، ص ۳۷۶ - ۳۷۷ و پژوهشی در تاریخ قرآن، دکتر حجتی، ص ۲۱۸.

۴. ر.ک: علم و دین، ایان باربور، ترجمه خرمشاهی، ص.

است.^۱ هم‌چنین انجیل‌ها، همگی گزارش زندگی و برخی سخنان عیسی علیه السلام است که توسط چهار نفر (لوقا، متی، مرقس و یوحنا) پس از عروج عیسی علیه السلام نگاشته شده و حتی داستان به صلیب کشیده شدن عیسی در آنها به ثبت رسیده است.^۲ و هر یک این مطالب را به نوعی گزارش کرده‌اند. علاوه بر این که هیچ کس مدعی نیست تمام مطالب عهدین سخنان مستقیم الهی باشد (مگر برخی بخش‌های خاص و اندک).

بنابراین در مورد عهدین می‌توان ادعا کرد که نویسندگان، تحت‌تأثیر فرهنگ زمانه خویش بوده و در بخش‌های عمده عهدین فهم و تفسیر خود را از تعالیم موسی علیه السلام و عیسی علیه السلام بیان کرده‌اند؛ اما در مورد «قرآن کریم» این ادعا صحیح نیست؛ چون قرآن سخن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نیست، بلکه همان‌گونه که گذشت، لفظ و معنا از خداست (برخلاف احادیث قدسی که لفظ از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و معنا از خداست؛) از این‌رو معنا ندارد که فرهنگ زمانه و خرافات آن در قرآن بازتاب پیدا کرده باشد. البته قرآن عناصر مثبت فرهنگ عرب را که مورد پذیرش عقل و فطرت بوده یا ریشه در ادیان ابراهیمی داشته نقل و تأیید کرده است (مثل حج، وفای به عهد و...) و مواردی را که خلاف عقل، فطرت و اصول مشترک ادیان بوده، نقل و نفی کرده است (مثل شرک و بت‌پرستی، دخترکشی، زنا و...) ^۳.

ج) بررسی فعالیت روان آدمی و بینش‌های آرمانی، امیدها و آرزوهای تحقق نیافته، در مورد «قرآن کریم» به چه معناست؟ اگر مقصود بررسی تأثیرات گرایش‌های مفسران در تفسیر قرآن باشد، که از این مطلب در تاریخ تفسیر و کتاب‌های روش‌شناسی تفسیر با عنوان مکاتب، مذاهب، الوان و گرایش‌های تفسیری یاد می‌شود، این مطلب حق است و در تاریخ تفسیر قرآن واقع شده است.^۴ یعنی: برخی از مفسران، گرایش‌های کلامی

۱. کتاب مقدس، سفر تثنیه، باب ۳۴.

۲. نک: انجیل متی، باب ۳۷.

۳. نک: تکویر، ۸ و مجادله، ۴۲ و....

۴. نک: التفسیر المفسرون فی ثوبه القشيب، محمد هادی معرفت؛ التفسیر والمفسرون، محمد حسین ذهبی؛ منطق تفسیر قرآن (۲) روش‌ها و گرایش‌های تفسیر قرآن، محمد علی رضائی؛ روش‌های تفسیر قرآن، سید رضا مودب؛ روش‌ها و گرایش‌های تفسیری، حسین علوی مهر؛ مبانی و روش‌های تفسیر قرآن، عمید زنجانی؛ مکاتب تفسیری، بابایی و....

اعتزالی، اشعری (مثل تفسیر کبیر اثر فخر رازی)، حتی گرایش‌های مذاهب فقهی و نیز گرایش‌های اجتماعی (مثل تفسیر نمونه و فی ظلال) و یا گرایش‌های ادبی (مثل تفسیر کشف اثر زمخشری) را در تفسیر دخالت داده‌اند.^۱

البته مفسر باید تلاش کند تا تفسیری معتدل و جامع ارائه نموده و از تأثیر سلیقه، تخصص و گرایش‌های خود در تفسیر قرآن بکاهد؛ هرچند کاوش‌های جامعه‌شناختی، روان‌شناختی و تاریخی در مورد این گرایش‌ها مفید است.

اما اگر مقصود آرکون از بررسی فعالیت‌های روان‌آدمی در مورد قرآن، همان بررسی احتمالی تأثیرپذیری پیامبر اسلام ﷺ از فرهنگ زمانه خویش بوده است، این مطلب با توجه به مطالبی که در بند «ب» گذشت متفی است.

۲. شیوه‌های جدید در پژوهش‌های قرآنی از مدت‌ها پیش آغاز شده است و ضرورت استفاده از شیوه‌های ادبی، نشانه‌شناسی، زبان‌شناسی، جامعه‌شناختی، روان‌شناختی و تاریخی در فهم و تفسیر قرآن روشن است. مفسران قرآن همان‌گونه که آرکون در ادامه مقاله متذکر می‌شود از قدیم به مباحث ادبی و زبان‌شناسی قرآن (مثل مجاز و...) می‌پرداخته‌اند و شیوه روان‌شناختی در مبحث قرآن و بهداشت روان و مانند آن، کاربردی وسیع دارد؛ همان‌طور که مباحث جامعه‌شناختی در حوزه سنت‌های اجتماعی و اندیشه‌های اجتماعی قرآن، مورد توجه مفسرانی هم‌چون سید قطب در فی ظلال، علامه طباطبایی در المیزان (مثل ذیل آیه دویست «آل عمران») و آیه‌الله مکارم شیرازی در تفسیر نمونه بوده است؛ ولی دیدگاهی که آرکون از روش‌های فوق در تفسیر قرآن مطرح نموده و در بخش‌های مختلف مقاله بر آن پافشاری می‌کند، با دیدگاه‌های مفسران قرآن در مورد این روش‌ها متفاوت است چرا که پیش‌فرض مفسران قرآن آن است که قرآن متنی الهی بوده که الفاظ و معانی آن از طرف خدا نازل شده است و پیامبر ﷺ واسطه‌ای برای رساندن این الفاظ و معانی است و شخص پیامبر نویسنده و تولیدکننده متن نیست و حق تصرف در آن ندارد؛ از این رو تحلیل تاریخی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی نمی‌تواند تأثیرات فرهنگ

۱. همان‌ها.

پیرامون پیامبر ﷺ یا خواسته‌های نفسانی و... او را در متن بنمایاند.

به نظر می‌رسد پیش فرض آرکون در مورد قرآن آن است که آن را هم‌چون متنی بشری در نظر بگیریم و به تحلیل روان‌شناختی و جامعه‌شناختی و تاریخی شخصیت آن و محیط و فرهنگ عرب صدر اسلام بپردازیم. همان‌طور که در مورد کتاب مقدس (تورات، انجیل و ملحقات آنها) و نویسندگانشان (مثل لوقا، یوحنا و...) عمل می‌شود. بنابراین نتایج این شیوه‌های پژوهشی نوین در دیدگاه آرکون و مفسران قرآن متفاوت خواهد بود. هرچند که اصولاً پیش فرض بشری بودن متن قرآن با تاریخ قرآن و آیات آن (مثل حاقه، ۴۶ و نجم، ۳) ناسازگار است؛ بنابراین مقایسه قرآن با کتاب مقدس از برخی جهات صحیح نیست.

۳. گزارشات تاریخ قرآن و کتابت آن از دیرباز در کتب علوم قرآن و کتاب‌های مستقل تاریخ قرآن بازگو شده است و همگی بر این مطلب متفق هستند که قرآن در عصر پیامبر ﷺ و توسط کاتبان وحی نوشته می‌شد. کاتبانی که بیش از چهل نفر آنها نام برده شده‌اند^۱. و حتی وسایل نوشتاری آنها مشخص^۲ و از مصحف‌های آنها نام برده شده است^۳. پس چگونه آرکون مدعی می‌شود که شرایط کتابت قرآن هنوز تبیین نشده است؟

۴. «قرآن کریم» از همان آغاز خود را «کتاب» نامید برای نمونه: (بقره، ۲؛ آل عمران، ۳ و ۷؛ نساء، ۱۰۵؛ انعام، ۹۲؛ اعراف، ۲ و...) و نام قرآن را برای خود برگزید. برای نمونه: (بقره، ۱۸۵؛ نساء، ۸۲؛ مائده، ۱۰۱؛ انعام، ۱۹؛ توبه، ۱۱۱ و...) پس این‌گونه نبوده است که قرآن در نسل‌های بعدی مسلمانان به عنوان کتاب مقدس مطرح شود. این ادعای عجیب آرکون، بدون دلیل، بلکه بر خلاف دلایل قرآنی و شواهد تاریخی است.

-
۱. نک: پژوهشی در تاریخ قرآن، سید محمد باقر حجتی، ص ۲۰۲ و ص ۲۰۳؛ تاریخ القرآن، زنجانی، ص ۴۲؛ تاریخ القرآن، دکتر عبدالصبور، ص ۵۳ - ۵۴ و تاریخ قرآن، رامیار، ص ۶۶.
 ۲. نک: الفهرست، ص ۳۶ - ۳۷، مصر: الانقان، ج ۱، ص ۹۹؛ تاریخ القرآن، زنجانی، ص ۵۳ - ۵۴؛ پژوهشی در تاریخ قرآن، حجتی، ص ۲۱۵ - ۲۱۶.
 ۳. نک: الفهرست، ابن ندیم، ص ۲۸؛ الانقان، سیوطی، ج ۱، ص ۱۰۳؛ پژوهشی در تاریخ قرآن، حجتی، ص ۳۸۵ - ۴۸۲.

۵. قرآن «نمایانگر کلام خدا نیست؛ بلکه عین کلام خداست و این مطلب از قرآن به خوبی استفاده می‌شود (همان‌گونه که در پاروقی‌های قبلی گذشت)؛ بر خلاف «انجیل» که نمایانگر سیره عیسی علیه السلام است و عین سخنان خدا نیست (مگر احتمالاً در موارد اندک که نقل مطلب از عیسی علیه السلام و فرشتگان می‌کند).

۶. ای کاش آرکون با آثار مفسران شیعی در مورد قرآن آشنا بود، از جمله: تفسیر المیزان اثر علامه طباطبایی و آثار علوم قرآنی و تفسیری آیه‌الله معرفت تا ملاحظه می‌کرد که چگونه به صورت گسترده از بحث مجاز در تفسیر قرآن استفاده کرده‌اند: علامه طباطبایی ذیل آیه: ﴿إِلَىٰ رَبِّهَا نَاظِرَةٌ﴾ (قیامت، ۲۳) و ﴿وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا﴾ (فجر، ۲۲)، سخن از مجاز عقلی می‌گوید و آیه‌الله معرفت مقاله‌ای در مورد مجاز در قرآن دارد که کاربردهای آن را مشخص و از آن دفاع می‌کند.^۱

۷. در مورد قرآن دائرةالمعارف‌های متعددی نگاشته شده است که سه دائرةالمعارف از همه مهم‌تر هستند: دائرةالمعارف قرآن کریم مرکز فرهنگ و معارف قرآن قم؛ دائرةالمعارف قرآن لیدن و دانشنامه قرآن‌شناسی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.^۲

اما پیشنهاد آقای آرکون در مورد نگارش دائرةالمعارف قرآن انتقادی مطلبی جدید است و با توجه به اهدافی که در مورد آن ذکر شده روشن می‌شود که در نهایت این طرح، قرآن به عنوان یک متن تاریخی و جغرافیایی (در حوزه مدیترانه و در حوزه فرهنگ عرب صدر اسلام) محبوس می‌شود. که این مطلب با جاودانی و جهانی بودن قرآن (که در آیات متعدد مورد تأکید قرار گرفته است)^۳ ناسازگار است.

۱. نک: مقالات محمد هادی معرفت، منتشر شده در مجموعه آثار و مقالات کنگره آیه‌الله معرفت (بهمن ۱۳۸۶ قم) پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

۲. نگارنده این دائرةالمعارف‌ها را در مقاله‌ای تحت عنوان بررسی و مقایسه دائرةالمعارف بزرگ قرآن معاصر (مجله حوزه و پژوهش، ش ۱۷ ۱۸) بررسی کردم و نیز در شماره اول مجله قرآن و مستشرقان، دائرةالمعارف قرآن لیدن را نقد و بررسی کلی نمودم. و نیز ر.ک: مجله تخصصی قرآن و مستشرقان، ش ۴۰۱.

۳. نک: قلم، ۵۲، تکویر، ۲۷، انبیا، ۱۰۷؛ در همان حال ضوابط و قواعد تفسیری عقلی و نقلی را رعایت کنیم؛ ولی تمام میراث تفسیری مسلمانان را به بهانه‌های مختلف کنار بگذاریم.

علاوه بر آن، مقصود از انتقادی بودن دائرةالمعارف روشن نیست و مشخص نشده که چگونه می‌توان تفسیری روشمند و نوآمد ارائه کرد.

۸. علاوه بر دو اشکالی که آقای آرکون به مستشرقان قرآن‌پژوه وارد کرده است، برخی از نویسندگان و مستشرق‌شناسان مسلمان نیز اشکالاتی را به روی‌کرد قرآن‌پژوهی مستشرقان وارد کرده‌اند از جمله:

۱. عموم مستشرقان، اعتقادی به اسلام و مبانی و پیش فرض‌های قرآن‌پژوهی (مثل وحیانی بودن قرآن) ندارند؛ از این رو نمی‌توانند با دیدگاه واقعی اسلام و مسلمانان در این مورد آشنا شوند؛

۲. عدم دسترسی مستشرقان به بسیاری از متون اصیل اسلامی، که باعث ضعف پژوهش‌های آنان شده است؛

۳. بهره‌گیری غالب مستشرقان از منابع اهل سنت که موجب ضعف اطلاعات و خطاهایی شده است.

۴. انتخاب گزینشی منابع اسلامی که دارای نقاط ضعف است؛

۵. تحریف برخی از معارف اسلامی توسط برخی مستشرقان برای وارد کردن اتهام به اسلام و پیامبر ﷺ؛

۶. اشتقاق، غالباً در استخدام اهداف تبشیری مسیحی یا اغراض استعماری قرار می‌گیرد و گاه زمینه‌ساز تسلط دولت‌های غربی بر کشورهای شرقی بوده‌اند.^۱

چکیده

در فصل ششم روش‌های مطالعات قرآنی متشرقان مورد بررسی قرار گرفته که شامل چهار روش عمده مطالعات ادبی، نشانه‌شناختی، زبان‌شناختی، تاریخی انسان‌شناختی (روان‌شناختی و جامعه‌شناختی) است و به نقد و بررسی آنها پرداخته شده است. و آسیب آنها پیش فرض تأثیرپذیری قرآن از فرهنگ زمانه و بشری بودن وحی شمرده شده است.

۱. ر.ک: مستشرقان و قرآن، دکتر محمد حسن زمانی، ص ۹۳ به بعد.

پرسش و پژوهش

۱. مهم‌ترین شیوه‌های مطالعات قرآنی مستشرقان را نام ببرید.
۲. مقصود محمد آرکون از مطالعات «تاریخی - انسان‌شناختی» چیست؟ نظر او را نقد و بررسی کنید.
۳. مقصود مستشرقان از «مطالعات ادبی» چیست؟ بررسی کنید.
۴. روش تحقیقی نلد که در تاریخ قرآن را بررسی و نقد کنید.

مجاز برای نمایندگی ها و طلاب المصطفی

۷

«بهداشت پژوهش»

اهداف: (۱) شناخت موارد بهداشتی ضروری پژوهشگر (بهداشت جسم و روح)؛ (۲) شناخت موارد بهداشتی ضروری پژوهش (بهداشت محتوایی و قلم)؛ (۳) شناخت آفت‌ها، موانع پژوهشگران؛ (۴) شناخت آسیب‌های پژوهش و موانع تولید علم.

درآمد

فرایند تحقق با جسم و روح انسان سر و کار دارد و هنگامی انسان می‌تواند تحقیق بهتر و مستمری انجام دهد که از جسم، روح و روان سالم‌تری برخوردار باشد. از این جاست که نقش و اهمیت بهداشت جسمی و روانی در پژوهش مطرح می‌شود. محتوای پژوهش نیز ممکن است سالم بوده یا با آسیب‌هایی مواجه باشد؛ از این روست که بهداشت محتوایی پژوهش مطرح می‌شود. در این جا مقصود از بهداشت، حفاظت جسم و روح پژوهشگر و محتوای پژوهش از آسیب‌هاست، به طوری که تحقیق به شکل مطلوب، مستمر و تأثیر گذارتری امکان‌پذیر شود.

الف) بهداشت جسم پژوهشگر

بدن انسان مرکب راهوار محقق است که اگر در تأمین و نگهداری آن دقت شود می‌تواند سالیان دراز یاور پژوهشگر باشد؛ ولی اگر از آن مراقبت نشود، به‌زودی بیمار و رنجور شده و مانع تلاش‌های سازنده محقق می‌گردد؛ یعنی: درست در هنگامی که

پژوهشگر از نظر علمی قوی و آماده بهره دهی است جسم فرتوت و رنجور می‌گردد. چه بسا پژوهشگرانی که در جوانی به سلامت و غذا و... اهمیت نداده و دچار کار افتادگی زودرس شده‌اند و چه بسیار محققانی که با مواظبت بر سلامت جسمانی، تا ایام کهن سالی به پژوهش و بهره دهی مشغول هستند. رعایت نکات زیر می‌تواند در حفاظت و سلامت جسم مؤثر باشد.

۱. رژیم غذایی مناسب

در «قرآن کریم» اصول کلی برای غذای مناسب بیان شده است؛ از جمله:

﴿كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتٍ﴾ (بقره، ۱۷۲)؛

﴿وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا﴾ (اعراف، ۳۱).

به پیامبران سفارش شده است که:

﴿يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا﴾ (مؤمنون، ۵۱).

آیات مزبور به این نکته اشاره دارند که غذای پاک و پاکیزه خوردن وظیفه‌ای الهی است که موجب تقویت جسم و مقدمه انجام کارهای شایسته می‌شود. هم‌چنین در قرآن به برخی از غذاها توجه ویژه‌ای شده است؛ از جمله در مورد عسل می‌فرماید:

﴿فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ﴾ (نحل، ۶۹). از این رو نیکوست که پژوهشگر، برنامه غذایی

مناسب روزانه مورد نیاز بدن در آن برنامه مورد توجه قرار گیرد که در آن همه احتیاجات بدن لحاظ شده باشد، که انواع ویتامین‌ها، مواد معدنی ضروری باشد. در برنامه غذایی لازم است: شیر، عسل، ماهی، مرغ، گوشت قرمز، حبوبات، انواع میوه‌ها و سبزیجات به اندازه کافی (بر اساس سن، وزن، تلاش) در نظر گرفته شود.^۱ بنابراین هیچگاه نباید تحقیق، ما را از صرف غذای مورد نیاز در وقت مناسب باز دارد.

۲. ورزش و تفریح منظم

داشتن بدن سالم و استمرار سلامت، زمینه‌ساز انجام تحقیقات مستمر و گسترده است. لازم است پژوهشگر ساعتی را برای ورزش روزانه، مثل پیاده‌روی و ورزش‌های سبک

۱. در این مورد به کتاب‌هایی که در مورد سلامت و پزشکی خانواده نگاشته شده مراجعه کنید.

دیگر در نظر گرفته و هم‌چنین ساعاتی را به عنوان ساعت فراغت، برای حضور در کنار خانواده اختصاص دهد. در این رابطه، در هفته یک ورزش سنگین (ترجیحاً دسته جمعی) مثل کوهنوردی، شنا و... نیز، مناسب است. همان‌طور که تفریح خانوادگی هفتگی ضروری است.

البته ورزش سالیانه، به صورت اردوهای بزرگ و دسته جمعی (مثل صعود به قله کوه‌ها یا...) نیز مناسب خواهد بود؛ البته کمیت و کیفیت ورزش بستگی به وضعیت جسمی افراد دارد؛ ولی حداقل آن کمی راه‌پیمایی، نرمش و به‌ویژه نرمش‌های خاص در بین ساعات مطالعه است. همان‌طور که تنظیم ساعات فراغت و تفریح بستگی به وضعیت خانوادگی دارد.

۳. بهداشت مطالعه

لازم است پژوهشگر در هنگام مطالعه نسبت به تنظیم نور دقت داشته تا نور قرمز و سفید به اندازه کافی باشد؛ نور باید به‌طور مستقیم به کاغذ نتابد، هم‌چنین از مطالعه در هنگام غروب برای اجتناب از آسیب چشم‌ها و خستگی آنها، باید پرهیز شود. صورت صحیح نشستن در هنگام مطالعه نیز مهم است؛ یعنی نباید کج (به طرف راست، چپ یا کاملاً خمیده) باشد. در این باره باید از صندلی مناسب مطالعه (شبه صندلی‌های رایانه‌ها) که گودی کمر را پر می‌کند استفاده نمود و نیز میز مطالعه باید مناسب و قابل تنظیم (مثل میزهای نقشه‌کشی) باشد تا مجبور به خم شدن زیاد نشود.

۴. پرهیز از افراط و تفریط

پژوهشگر اگر در روز حدود شش ساعت به کار پژوهش اعم از مطالعه و نگارش اشتغال داشته باشد، کافی است. البته به صورت طبیعی یک ساعت در بین اوقات کار، صرف غذا و... می‌شود و یک ساعت نیز صرف رفت و آمد و تهیه مقدمات خواهد شد که مجموعاً هشت ساعت می‌شود. البته هر پژوهشگر به‌طور معمول مطالعات جنبی و احیاناً تدریس و... نیز خواهد داشت که ممکن است کار علمی او را تا ده ساعت افزایش دهد. توجه به این نکته لازم است که هشت ساعت خواب مفید و عمیق همراه

با آرامش و اختصاص ساعاتی برای ورزش، تفریح، رسیدگی به خانواده و... نیز لازم است. بنابراین رعایت اعتدال در کار علمی لازم است و حتی ممکن است افراط در افزایش ساعات کار علمی به سلامت انسان ضرر زده و او را بیمار، رنجور و گرفتار از کار افتادگی زودرس کند.

ب) بهداشت معنوی (روحی و روانی) پژوهشگر

پژوهش، یکی از کارهای سخت و وقت گیر است که؛ از این رو تقویت روحیه و معنویت پژوهشگر می تواند تحمل و ظرفیت او را بالا برده و زمینه ساز موفقیت بیشتری شود.

از مهم ترین عوامل تقویت روحیه و معنویت:

۱. مطالعه، تحقیق و تفکر در مطالب قرآنی: این امر کاری نیکو است و بهتر است که با نیت الهی و به قصد تقرب انجام شود تا از بسیاری عبادات بهتر باشد؛ همان طور که در احادیث از امام صادق علیه السلام نقل شده است. «تفکر ساعة، خیر من عبادة سنة»^۱.

۲. حق جویی: پژوهشگر باید حق جو باشد، تنها حقیقت را بیان کند و در این راه جز از خدا نهراسد. «الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا» (احزاب، ۳۹)؛

۳. دعا و توکل: توجه به خدا و ارتباط با او از طریق دعا، یاری جویی از آفریننده هستی و توکل، انسان را به قدرت لایزال الهی متصل نموده و زمینه ساز نزول رحمت و برکات او از طریق الهامات و توفیقات علمی می شود: «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ» (طلاق، ۳)؛ از این رو در احادیث و دعاها به این مطلب توجه داده شده است که از جمله آنها دعای مطالعه قبل از شروع تحقیق است:

«اللهم اخرجني من ظلمات الوهم واكرمني بنور الفهم؛ اللهم افتح علينا ابواب رحمتك وانشر علينا خزائن علومك؛ برحمتك يا ارحم الراحمين»^۲.

۱. بحارالانوار، مجلسی، ج ۷۱، ص ۳۲۷.

۲. مصابیح الجنان، سید عباس کاشانی، ص ۳۰۲ (از خلاصة الاذکار نقل می کند).

۴. تمرین صبر و آرامش: پژوهش از کارهای سخت و وقت‌گیر است که حوصله، تحمل و استقامت می‌طلبد؛ از این رو لازم است محقق صبر پیشه کرده و حتی تمرین صبر و استقامت نماید؛ چنان‌که قرآن و احادیث به صورت مکرر ما را به صبر دعوت کرده‌اند.^۱ کم‌صبری و کم‌حوصله‌گی از آفات تحقیق است؛ چرا که موجب کم‌عمق شدن پژوهش یا ناقص شدن آن می‌گردد.

۵. پرهیز از پراکنده کاری: پراکنده نویسی و پراکنده کاری در تحقیق و داشتن شغل‌ها و مشغله‌های فکری متعدد، یکی از آفات پژوهش است. چون ذهن پژوهشگر را گرفتار تشتت نموده و از تمرکز و ژرف‌نگری جلوگیری می‌کند؛ برای مثال: در امور قرآنی نیز لازم است پژوهشگر یک حوزه را برای خود مشخص نموده (هم‌چون: حوزه تفسیر، حوزه علوم قرآن، حوزه استشراق، حوزه قرآن و علوم و...) و یک موضوع یا مسئله خاص را محور تحقیق خود قرار دهد.

ج) بهداشت محتوایی تحقیق (بهداشت قلم)

محتوای پژوهش، اصل و مغز آن است که اگر سالم باشد، سلامت فکر و تعالی فرهنگی مخاطب را در پی دارد و اگر با آسیب مواجه باشد، موجب آسیب فرهنگی عمومی و تخصصی جامعه بشری می‌شود و چه بسا که زمینه پیدایش جنگ فرهنگی و برانگیختن تعصبات و جنگ و خونریزی در جامعه شود. از این رو پژوهشگر باید به نکات زیر توجه کند تا محتوای پژوهش از گزند آسیب‌ها مصون بماند.

۱. **ارائه مطالب عالمانه:** پژوهشگر باید به دنبال مطالب محکم و مستدل باشد؛ یعنی: از منابعی استفاده کند که ارزش علمی برخوردار بوده و از نظریه‌ای مستدل و دارای استحکام دفاع نموده و مطالب را مورد نقد علمی قرار دهد.

۲. **ارائه مطالب منصفانه:** محقق باید به دنبال حق بوده و به صورت منصفانه، دیدگاه‌های مخالف و موافق را نقل و نقد کند؛ یعنی: نقاط قوت و ضعف هر مطلب را بیان و سپس دیدگاه و نظریه‌ای را بپذیرد که منطقی و مستدل باشد؛ در این رابطه او

۱. ر.ک: آل عمران، آیه ۲۰۰، بقره، آیه ۱۵۳ و ...

باید از تعصبات قومی و مذهبی و نیز تقلید در تحقیق دوری گزیند و گرنه نوشتار او از استانداردهای یک تحقیق علمی برخوردار نبوده و فاقد ارزش علمی خواهد بود.

۳. **ارائه مطالب مؤدبانه:** رعایت احترام شخصیت‌ها، اقوام، ادیان و مذاهب دیگر، یکی از لوازم پژوهش است و تأثیر تحقیق را در افکار و دل مردم افزون‌تر می‌کند. در مقابل، نوشتاری که در آن رعایت شئون اخلاقی و حرمت قلم نشده، موجب تنفر مخاطبان و منزوی شدن نویسندگان و نوشته‌های او می‌شود.

«عن النبي ﷺ: انا اهل بيت لا نستخدم من لا يتأدب مع الله ولا يستحي منه في خلوته؛»
از پیامبر ﷺ حکایت شده که: در واقع ما خاندان، کسی را که در محضر خدا ادب نرزد و در خلوت از او حیا نکند، به خدمت نمی‌گیریم.»

از این رو لازم است نویسندگان از مطالب تفرقه‌انگیز که بر ضد وحدت مسلمانان است؛ بپرهیزد چرا که وحدت یک اصل قرآنی است: ﴿وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا﴾ (بقره، ۱۰۳) که بر همه زندگی مسلمانان حاکم است. همان‌طور که باید از کاربرد الفاظ رکیک و توهین‌آمیز اجتناب نموده و حتی استفاده از الفاظ عامیانه نیز تا حد امکان بپرهیزد. البته این مطلب مانع از نقد مؤدبانه، عالمانه و منصفانه نظرات دیگران نیست.

۴. **ارائه مطالب صحیح:** محتوای پژوهش، همان‌گونه که باید از نظر علمی صحیح، مستدل و منطقی باشد، از نظر شکلی نیز باید صحیح باشد؛ یعنی ضمن رعایت شیوه درست نویسی قواعد دستوری باید از غلط نویسی پرهیز شود. گاه حتی تغییر شکل یک حرف یا تایپ غلط آن، کل نوشتار را مبهم یا نادرست جلوه می‌دهد. این مطلب به‌ویژه در نقل آیات، احادیث و ترجمه‌های آنها از حساسیت بیشتری برخوردار است. برای ارتقای کیفیت نوشتار لازم است که پژوهشگر از کلمات و جملات زیبا و جدید (به صورت معتدل نه افراطی) استفاده کند.

۵. **پرهیز از نقل مطالب غیر مستند و غیر مجاز:** در هر پژوهش لازم است تمام آیات، روایات، نقل قول‌ها، به منابع معتبر مستند باشند و محقق از ادعاهای بدون دلیل

پرهیز کند. همان‌طور که باید در نقل قول و نقل مطالب، رعایت امانت‌داری صورت گیرد؛ یعنی: نقل مطالب دیگران بدون استناد به آنها نوعی سرقت علمی به شمار می‌آید. چنان‌که نقل مطالب طولانی از کتاب‌ها و مقالات نیز ارزش علمی نوشتار را پایین می‌آورد.

د) آفت‌ها و موانع پژوهشگران

آفت‌شناسی، آسیب‌شناسی و مانع‌شناسی پژوهش را از دو جهت می‌توان بررسی کرد: نخست از ناحیه پژوهشگر و دوم از ناحیه پژوهش؛ که در این‌جا جهت نخست را مورد بحث قرار می‌دهیم. مهم‌ترین آفت‌ها و آسیب‌های پژوهشگران که مانع پژوهش‌های عمیق و مستمر می‌شوند عبارتند از:

۱. **تعصب‌های قومی، مذهبی:** این امر زمینه‌ساز پژوهش‌های غیر عالمانه، غیرمنصفانه و غیرمؤدبانه است.

۲. **عدم شجاعت علمی در نظریه‌پردازی و نقد آثار دیگران:** این موضوع زمینه‌ساز پژوهش‌های مقلدانه و غیر عالمانه می‌شود. بر پژوهشگر لازم است که مؤدبانه، منصفانه و عالمانه به نقد نظرات دیگران پرداخته و تلاش کند دیدگاه‌های نو ارائه کند و بداند که همیشه ارائه نظرات جدید با مشکلاتی همراه است، ولی عاقبتی شیرین دارد و موجب پیشرفت علمی بشریت می‌شود.

۳. **تقلید در پژوهش و شخصیت زدگی:** که زمینه‌ساز پژوهش‌های غیر عالمانه، غیرمنصفانه و غیرمؤدبانه می‌شود.

۴. **کم صبری و کم حوصله‌گی:** پژوهشگر یا خانواده و نزدیکان او، از جمله آفت‌هایی است که بسیاری از پژوهشگران را از اصل تحقیق یا استمرار آن باز می‌دارد. پیرامون لزوم صبر و استقامت پژوهشگر در بخش‌های قبلی، مطالبی بیان شد؛ اما برای رفع کم صبری اطرافیان پژوهشگر، می‌توان راهکارهای زیر را پیشنهاد کرد:

- شریک کردن همسر و فرزندان در ثمرات پژوهش، مثل اهدای کتاب (در صفحه نخست آن) به همسر یا یکی از فرزندان. یا دادن جوایز و هدایایی که به نویسنده اعطا شده به آنان.

- تشویق همسر و فرزندان به تحصیل و مطالعه یا حفظ قرآن و احادیث و زمینه‌سازی در این رابطه.

- هم‌نشینی با خانواده در ساعاتی مشخص و تأمین نیازهای روحی، عاطفی و تفریحی آنها. برای مثال پژوهشگر می‌تواند بیشتر مطالعات خود را در ساعات آغاز صبح، که معمولاً خانواده خواب هستند انجام داده و ساعات دیگر را به خانواده اختصاص دهد. هم‌چنین جمعه‌ها و ایام تعطیل به رفع نیازهای خانواده پرداخته و آنها را به مکان‌های زیارتی، تفریحی و جلسات برد.

- سامان دادن جلسات هفتگی برای خانواده در داخل خانه یا در سطح همسایگان و فامیل.

۵. دنیازدگی: در احادیث نقل شده است که پیامبر ﷺ دائماً دعا می‌فرمود: «... لاتجعل الدنيا اكبر همنا ولا مبلغ علمنا! الهی! دنیا را مقصد بزرگ ما و نهایت علم ما قرار نده.»

هدف اساسی محقق باید همواره جلب رضایت الهی و حق‌جویی باشد و بداند که رزق به دست خداست و او نمی‌گذارد که خادمان علم و قرآن با مشکل جدی روبه‌رو شوند. دنیازدگی و حرص و آز انسان محقق را خوار می‌سازد و گاه به آن‌جا منتهی می‌شود که پژوهشگر باید از حقایق علمی چشم‌پوشد تا به مطامع دنیوی خود برسد و همین مطلب باعث بی‌ارزش شدن نوشته‌های او می‌شود.

۶. راحت‌طلبی: گاه راحت‌طلبی، پژوهشگر را به سوی موضوعات تکراری و کم‌فایده سوق می‌دهد و این یکی از آفت‌های کارهای علمی، به‌ویژه در پایان‌نامه‌نویسی است. پژوهشگری موفق است که به سراغ موضوعات نوآمد و مشکل‌رفته و در خدمت به جامعه انسانی علم را گامی به پیش ببرد.

۷. توجه زیاد به مباحث و مستحبات و باز ماندن از واجبات علمی: در این باره از امام علی علیه السلام روایتی است که: لاقربة بالنوافل اذا اصرت بالفرائض.^۲

۸. عدم مراجعه پژوهشگر به منابع اصیل و متعبر و سرقت علمی از دیگران.

۱. بحارالانوار، مجلسی، ج ۹۵، ص ۳۶۱.

۲. نهج البلاغه، کلمات قصار، ۳۹.

۹. **تحمیل نظر پژوهشگر:** محقق باید بدون پیش فرض‌های غیر ضروری وارد تحقیق شود. تا بتواند به صورت منصفانه به تحقیق و داوری بپردازد؛ وگرنه گرفتار تفسیر به رأی می‌شود که حرام و ممنوع است.

۱۰. **عدم انتقادپذیری:** پژوهشگر همان‌گونه که در هنگام داوری در مورد دیگران انصاف را رعایت می‌کند، نسبت به خود نیز منصف است و اگر اشکالی به آثار علمی شد و ملاحظه نمود که اشکال مزبور وارد است آن را می‌پذیرد و تشکر می‌کند و این همواره منش اخلاقی قرآن پژوهان بزرگ بوده است؛ برای مثال: کسی در مورد آثار علمی مرحوم علامه معرفت رحمته الله جزوهای انتقادی نوشته بود؛ هنگامی که بنده موضوع را به اطلاع ایشان رساندم، آن مرحوم فرمودند: «ببینید اگر برای چاپ جزوه خود، مشکل مالی دارد، بگویید تا به او کمک کنیم».^۱ این قرآن‌پژوه سترگ، آن‌قدر روح بزرگ و اخلاق کریمانه داشت که حاضر بود هزینه مالی کند تا مخالفش بتواند سخن خود را منتشر کند.

هـ) آسیب‌شناسی و موانع تولید علم

درآمد

پژوهش در حوزه‌های علمیه سابقه‌ای بیش از هزار سال دارد و عمر آن به درازای عمر تدریس و تحصیل در این حوزه‌ها است. مفسران، فقیهان، متکلمان و فیلسوفان بزرگ شیعه و اهل سنت، همواره در طول تاریخ اسلام به پژوهش اهمیت داده و می‌دهند؛ ولی این سابقه طولانی با فراز و نشیب‌هایی همراه بوده است که لازم است علل و عوامل آنها بررسی شده و چراغ راه آیندگان گردد. آنچه که مهم است وضعیت فعلی پژوهش در حوزه‌های علمیه است که البته جدای از وضعیت پژوهش در مراکز دانشگاهی و وضعیت پژوهش در کل کشور ایران بلکه منطقه و جهان نیست؛ و با آنها در تعامل است. به دیگر سخن: در مورد وضعیت پژوهش در حوزه‌های علمیه، می‌توانیم آن را از چند زاویه مورد بررسی قرار داد:

۱. آفتاب معرفت یادنامه چهلم آیه‌الله معرفت.

نخست: سیر تاریخی پژوهش‌های حوزوی و فراز و نشیب‌ها و علل آنها؛
دوم: رابطه پژوهش در حوزه‌های علمیه با مراکز علمی داخل و خارج کشور و راه
کارهای تعامل و تأثیر گذاری و استفاده از تجربیات علمی دیگران؛
سوم: وضعیت فعلی پژوهش در حوزه‌های علمیه و بررسی آماری و تحلیل آن؛
چهارم: آسیب‌شناسی پژوهش در حوزه‌های علمیه در عصر حاضر.
آنچه که این مقاله در پی آن است مورد اخیر است؛ هر چند که بررسی وضعیت
پژوهش از زوایای دیگر نیز ضروری و مفید است.

تقسیم‌بندی آسیب‌ها

عوامل منفی در فرایند پژوهش از چند جهت قابل تقسیم هستند:
الف) عوامل مربوط به پژوهشگر در برابر عوامل مربوط به مراکز پژوهشی
(مدیریت پژوهش)؛

ب) عوامل مادی و اقتصادی در برابر عوامل معنوی و نقایص علمی؛

ج) عوامل روان‌شناختی و جامعه‌شناختی، روش‌شناختی و اجرایی.

در این مقاله، تلاش بر آن است که فارغ از دغدغه‌های تقسیم‌بندی‌های مرسوم به
جمع‌آوری کلیه آسیب‌ها بپردازیم و تا حد امکان استقصای کامل صورت گرفته و از
جهت‌گوناگون به عوامل آسیب‌گر توجه داده شود.

آسیب‌های پژوهش‌های حوزه دین

الف) آسیب‌های روش‌شناختی

۱. خلط تحقیق با اطلاع رسانی آموزشی و ترویجی

(خلط وظایف تبلیغی با تحقیقات اساسی):

پژوهشگر مسئله محور است؛ یعنی: مشکل و موضوع خود را تحلیل کرده و به
مسائل یا مسئله تبدیل می‌کند؛ آن‌گاه به دنبال حل آن مسئله رفته و برای آن فرضیه‌ای
ارائه و نوآوری می‌کند؛ اما آموزش و اطلاع رسانی ترویجی، موضوع محور یا مشکل

محور است؛ از این رو به مقدمات، حواشی، مصادیق و ابعاد و جوانب موضوع می پردازد و هدف آن اقناع مخاطب یا پر کردن ذهن او از معلومات است، نه حل مسئله و نوآوری. از آن جا که حوزه های علمیه سه وظیفه تبلیغ آموزش و پژوهش را به عهده دارند، گاه افراد این سه مطلب را با هم خلط می کنند و پژوهش های آنان تبدیل به اطلاع رسانی تبلیغی یا آموزشی شده و نتایج لازم را به دنبال نمی آورد.

۲. تبارشناسی نکردن مسائل

گاه برخی از مسائل تک تبار MONO - ORIGEN هستند؛ مانند مسائل فقهی یا نماز و یا مسائل شیمی که درباره آنها نیازی به مطالعات میان رشته ای نیست. گاه برخی از مسائل چند تبار MULITPU - ORIGEN هستند.^۱ مثل ماهیت ایمان که از منظر کلام، تفسیر قرآن و روان شناسی قابل بررسی است و نیز علل خودکشی که از منظر روان شناسی، جامعه شناسی، اقتصاد، کلام و فقه قابل مطالعه و تحقیق است.

در این گونه از مسائل نیاز به مطالعات میان رشته ای و تطبیقی است؛ وگرنه پاسخ کامل را نمی توان به دست آورد؛ برخی از پژوهشگران به تبارشناسی مسائل توجه نمی کنند؛ از این رو مسئله را تک بعدی و ناقص می بینند و پژوهش آنان نتیجه کامل نمی دهد. علاوه بر آن که خلط روش علم مورد استفاده نیز، در این باره مؤثر است.

۳. خلط گستره علوم و روش آنها

روشن است که با بهره گرفتن از روش و در چارچوب یک علم، نمی توان مسائل علم دیگر را حل کرد. روش عقلی، در فلسفه و منطق به کار می رود، روش تجربی در علوم تجربی و روش نقلی در حدیث و هیچ کدام جای دیگری را نمی گیرد؛ برای مثال: مرحوم آیه الله خوئی در مسئله «جمع قرآن» از روش فقهی در حل مسئله استفاده نموده و کوشیده است تا با ادله اربعه فقهی در مورد یک مسئله تاریخی داوری کند که جمع قرآن در زمان پیامبر ﷺ بوده است؛^۲ اما آیه الله معرفت از روش تاریخی برای حل مسئله بهره جسته و

۱. روش شناسی مطالعات دینی، ص ۱۳۰.

۲ همان، ص ۱۳۰.

روش فقهی مرسوم را در این رابطه ناکارآمد می‌داند؛ وی به این نتیجه رسیده است که قرآن بعد از پیامبر ﷺ به صورت فعلی جمع‌آوری شده است.^۱

۴. خلط یافته‌ها با اطلاعات

پژوهشگر در جریان تحقیق، نخست به اطلاعاتی خام دست می‌یابد که به آنها «داده‌ها یا یافته‌ها» می‌گویند؛ سپس این یافته‌ها مورد ارزیابی قرار می‌گیرند و اطلاعات ارزشمند و معتبر به دست می‌آیند و این اطلاعاتی که برای تحقیق پردازش می‌شوند باید از اعتبار کافی برخوردار باشند. اطلاعات شایسته و معبر اطلاعاتی هستند که مرتبط با موضوع، کامل، صادق، دقیق، واضح، نو و مستند باشند. اما گاه برخی از پژوهشگران یافته‌ها را به جای اطلاعات به کار می‌گیرند؛ حال آن‌که یافته‌ها ارزش کاربردی ندارند؛ برای مثال: کسی که هر حدیثی را در هر کتابی یافته و بدون بررسی سند و ارزیابی متن، آن را به کار برد، چنین شخصی کتاب‌ساز است، نه محقق.

۵. عدم آگاهی از روش تحقیق

هر پژوهشگر و نویسنده‌ای نیازمند روش تحقیق است، بلکه نیازمند بازآموزی و نوسازی روش تحقیق خود در طول زمان است. برخی از پژوهشگران از این نیاز اساسی غافل بوده و در نتیجه تلاش‌های آنان راه به جایی نبرده و یا شکل و سامان خوبی نمی‌یابد و استفاده بهینه‌ای از آنها نمی‌شود.

۶. آگاهی از روش تحقیق و عدم اطلاع از روش‌شناسی تحقیق

گاه محققان، روش تحقیق عمومی را می‌دانند، ولی از اقسام روش‌های تحقیق، به‌ویژه روش‌های تخصصی هر حوزه و روش پژوهش میان رشته‌ای آگاهی ندارند، از این‌رو در انتخاب روش مناسب تحقیق با مشکل مواجه می‌شوند، بنابراین لازم است که پژوهشگران علاوه بر آگاهی از روش تحقیق، از روش‌شناسی روش‌های تحقیق نیز آگاه باشند.

۱. التمهید، ج ۱، ص ۲۸۵.

۷. طرح مسائل متعدد در تحقیق واحد

چنانچه گفته شد، هر تحقیق مسئله محور است و هر چه مسئله تحقیق جزئی تر باشد، نتیجه دقیق تر خواهد بود؛ از این رو لازم است که مشکل و موضوع تحقیق به مسائل متعدد تجزیه شده و یک مسئله اصلی برای تحقیق انتخاب شود. همان طور که فقیهان نامدار اسلام برای حل موضوعات فقهی، آنها را به مسائل جزئی تقسیم می کردند و هر نوع را جداگانه مورد بررسی قرار داده و از خلط مسائل به شدت اجتناب نمودند. در مورد راهکار تجزیه موضوع به مسائل، در آینده توضیح خواهیم داد.

۸. خلط مصادیق، آثار، ابعاد و علل محتمل در تحقیق

برخی از صاحب نظران توضیه کرده اند که از راه های زیر برای تجزیه موضوع و مشکل به مسائل استفاده شود:

الف) تجزیه به علل محتمل؛

ب) تجزیه به آثار محتمل؛

ج) تجزیه به ابعاد مختلف؛

د) تجزیه به مصادیق.^۱

اگر مسائل تحقیق - همان گونه که گذشت - از هم جدا نشوند، ممکن است پژوهشگر مصادق را با ابعاد، یا آثار را با علل محتمل اشتباه کند و در تحقیق و نتیجه آن به خطا برود؛ از این رو لازم است همه این موارد از هم جدا تفکیک شوند.

۹. حصرگرایی در تبیین و نفی دیدگاه های رقیب که به صورت طولی مطرح شده است

تبیین مطالب و تشریح علت ها می تواند به صورت طولی یا عرضی مطرح شود. یک مسئله می تواند تبیین جامعه شناختی، اسطوره ای، متافیزیکی، تاریخی و... داشته باشد؛ اینها یکدیگر را نفی نمی کنند؛ چون ساحت های آنها متفاوت است؛ پس ممکن است همگی صحیح باشند، برای مثال: «علیت» می تواند تبیین متافیزیکی داشته باشد و به خدا نسبت

۱. روش شناسی مطالعات دینی، ص ۱۱۰ به بعد.

داده شود و نیز می‌تواند تبیین فیزیکی و مادی داشته باشد و به انسان نسبت داده شود. مثال دیگر نتایج روش‌های تفسیری متفاوت در مورد یک آیه است. اگر نتیجه روش تفسیر نقلی با نتیجه روش تفسیر علمی یا باطنی و یا عقلی متفاوت بود، می‌توانیم همگی را بپذیریم؛ چرا که ساحت علوم عقلی، علوم تجربی و نقلی یک‌سان نبوده و یک‌دیگر را نفی نمی‌کنند. همان‌طور که در تفسیر سوره «قدر» از این روش‌ها استفاده شده و شب قدر به شب معمولی، ۲۴ ساعت (از نظر علمی)^۱ و فاطمه علیها السلام تفسیر شده است.^۲ و این مطلب شبیه قاعده: «الجمع مهما امکن اولی من الترتک» است که در احادیث اجرا می‌شد و نیز شبیه جریان و سریان قاعده «استعمال لفظ در بیش‌تر از یک معنا» است که در اصول‌الفرقه مورد بحث بوده و در تفسیر مورد قبول بسیاری از بزرگان، هم‌چون صاحب تفسیر نمونه است.^۳

هم‌چنین یک مسئله می‌تواند از تبیین عرضی برخوردار باشد که در این صورت دو تبیین در یک سطح معرفتی هستند و ممکن است قابل جمع و سازگار باشند (مثل علل معدّه در مورد یک معلول) و ممکن است قابل جمع نباشند، چرا که با یک‌دیگر تناقض دارند؛ مثلاً وقتی دو تبیین جامعه‌شناختی از یک مسئله وجود داشته باشد، در این‌جا ناچاریم یکی را انتخاب کنیم و نظریه رقیب را از صحنه خارج سازیم. آری خلط تبیین طولی و عرضی و نیز، حصرگرایی در پژوهش، موجب نفی بدون دلیل دیدگاه‌های رقیب می‌شود.

۱۰. تفسیر مسبوق به نظریه

برای فهم متن و تفسیر آن دو‌گونه می‌توان عمل کرد:

الف) تفسیر مسبوق به نظریه

یعنی انسان پیشاپیش دیدگاه خود را در مورد موضوع تحقیق انتخاب کرده باشد، سپس به تحمیل دیدگاه خود بر متن بپردازد. علامه طباطبایی رحمته الله علیه این شیوه را «تطبیق» نامیده

۱. همان.

۲. ر. ک: تفسیر نمونه، ج ۲۷، ذیل سوره قدر.

۳. تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۱۴۰، ج ۳۰.

است.^۱ و در احادیث اسلامی نیز از آن با عنوان «تفسیر به رأی» یاد می‌شود.^۲ البته تفسیر به رأی اقسام و مصادیقی دارد که این مطلب یک مصداق آن است.

ب) تفسیر مسبوق به مسئله

یعنی پژوهشگر مسئله خود را بر متن (مثلاً قرآن) عرضه کند و به صورت بی‌طرفانه نظر متن را مورد مطالعه قرار دهد، که در این صورت یا مسئله مقبول متن و یا مردود است و یا اصلاً در متن مطرح نشده است. یکی از آسیب‌های تحقیقات اسلامی، تفسیر مسبوق به نظریه است که همان تفسیر به رأی قرآن و احادیث بوده و پژوهش را به کژ راه می‌برد.

۱۱. عدم توجه به تاریخ علم

دیدگاه‌های علمی در مورد مسائل هر علم در طول تاریخ تغییر نموده و غالباً هر دیدگاه در نظریه‌های بعد اثر می‌گذارد و گاه یک مسئله بین چند علم یا چند مذهب دست به دست می‌شود و شکل اولیه آن تغییر می‌کند.

مطالعه تاریخ و تحلیل مسائل، مطالب و دیدگاه‌ها و دلایل را معنادار می‌کند و نوعی شناخت سلف در پرتو خلف است. عدم توجه به تاریخ مسئله و علم، مانع فهم درست مطلب می‌شود. حکایت شده است که مرحوم آیه‌الله بروجردی رحمته‌الله در تحقیقات فقهی و حدیثی خود این‌گونه عمل می‌کرد و به فضای صدور احادیث و دیدگاه علمای اهل سنت و تاریخ مسئله توجه ویژه داشت.

از جمله مسائلی که سرنوشتی شگفت و قابل مطالعه در این زمینه دارد، مسئله اجماع در فقه و اصول اهل سنت و شیعه است. این یکی از آسیب‌های آموزش و پژوهش در علوم حوزوی است که کمتر به تاریخ علم اصول، علم فقه و... پرداخته و گاه همه مطلب در چند نفر از دانشمندان خلاصه می‌شود.

۱. المیزان، ج ۱، ص ۶ (مقدمه).

۲. امالی صدوق، طبع نجف، ص ۶؛ توحید صدوق، طبع بیروت، باب ۳۶، ص ۲۶۴ و تفسیر طبری، ج ۱، ص ۲۷.

۱۲. کم توجهی به نیازسنجی در انتخاب موضوعات پژوهشی

روش صحیح انتخاب موضوع آن است که در انتخاب موضوع تحقیق به معیارهای زیر توجه شود:

الف) نیاز جامعه و مراکز علمی؛

ب) استعداد و توان پژوهشگر؛

ج) علاقه پژوهشگر؛

د) ضرورت پژوهش در موضوع.

در بسیاری از موارد مراکز پژوهشی و پژوهشگران از روش صحیح برای انتخاب موضوع و مسئله پیروی نمی‌کنند، بلکه گاه برای رفع تکلیف اقدام به انتخاب موضوع پایان‌نامه می‌کنند.

لازم است موضوعات و مسائل هر حوزه پژوهشی، خود، موضوع یک پژوهش وسیع کاربردی قرار گیرند و در اختیار پژوهش‌گران قرار داده شوند.

۱۳. پرداختن بیش از حد به مباحث نظری و دور شدن از مباحث کاربردی و راهبردی

انواع تحقیقات بنیادی، راهبردی و کاربردی، همه مورد نیاز هستند؛ اما گاه آن قدر به پژوهش‌های بنیادی و نظری اهمیت داده شده و مسائل ذهنی، مورد پژوهش یا بازپژوهی قرار می‌گیرند که از تحقیقات کاربردی غفلت شود؛ چرا که به مسائل عینی جامعه توجه کافی مبذول نمی‌شود. و این یکی از آسیب‌های جدی در حوزه علوم اسلامی است. که نمونه‌های عینی آن را در بخشی از مسائل بی‌ثمر «اصول فقه» و مانند آن می‌بینیم. (هر چند که بسیاری از مسائل اصول فقه مفید و ضروری است).

۱۴. عدم توجه به ویرایش آثار

ویرایش، دارای پنج مرحله است:

الف) ویرایش فنی (مثل نقطه، ویرگول و...);

ب) ویرایش محتوای (مثل جابه جایی کلمات و...);

ج) ویرایش عمیق (مثل کم و زیاد کردن کلمات...);

د) باز نویسی متن (مثل استفاده از الفاظ جدید در متن و...):

ه) باز آفرینی متن (مثل کم و زیاد کردن فصول و...).

توجه به این شیوه‌ها برای زیبا سازی، جذاب، روان و زود یاب کردن پژوهش مؤثر است. یکی از آسیب‌های پژوهش‌های حوزوی - که در دهه اخیر کمتر بدان شده است - توجه نکردن به ویرایش آثار است.

ب) آسیب‌های روان‌شناختی

۱. ترس از ابراز عقیده و نظریه‌پردازی

لازم است پژوهشگر شجاعت ابراز عقیده و نظریه‌پردازی مستدل را داشته و از اعتماد به نفس قوی برخوردار باشد، تا بتواند گامی در علم به پیش نهد. اما گاه عوامل درونی مثل سستی اراده یا عدم اعتماد به نفس و ترس از شکست موجب می‌شود که پژوهشگران سال‌ها نظریه خود را اعلام نکنند و یا در ابراز عقیده دچار تقيه و مخفی کاری شوند. البته عوامل بیرونی نیز در این کار مؤثر است که در زمره آسیب‌های جامعه‌شناختی و اجرائی بیان خواهد شد. البته روشن است که این آسیب، مانع جدی در راه پیشرفت و تولید علم است.

۲. روحیه سطحی‌نگری در تحقیق

پژوهش با ژرف نگری رشد یافته و بالنده می‌شود؛ ولی برخی از پژوهشگران روحیه‌ای تسامحی و سطحی نگر دارند که این ویژگی به پیشرفت علوم ضربه‌ای غیر قابل جبران وارد می‌کند.

۳. ضعف روحیه نقدپذیری و نقادی

لازم است پژوهشگر روحیه‌ای نقادانه داشته باشد و بر هر دلیل و مسئله‌ای علامت سؤال بگذارد تا بتواند مشکلات را بشناسد و آنها را حل کند. به همان اندازه نیز پژوهشگر لازم است نقدپذیر باشد؛ یعنی: دلایل منطقی و اشکالات مخالفان خود را با شرح صدر مورد بررسی قرار دهد و اگر صحیح است بپذیرد. متأسفانه برخی از

پژوهشگران دارای چنین روحیه‌ای نیستند؛ از این رو به پژوهش‌های خود آسیب جدی وارد نموده و از رشد خود و جامعه علمی جلوگیری می‌کنند.

۴. شخص محوری و تمایل به تحقیقات فردی (فرار از عقل جمعی و ارزیابی)

پژوهش‌های جمعی نتیجه‌ای کامل‌تر و استوارتر به بار می‌آورند؛ اما محققان حوزه دین از دیرباز به تحقیقات فردی عادت کرده‌اند؛ از این رو در گوشه کتابخانه به مطالعه مشغول بوده، تحقیق خود را انجام داده و نتیجه آن را ارائه می‌کنند، این مطلب از یک جهت مفید است و آن این که استقلال محقق و اجتهاد شخصی او محترم شمرده شده. و آراء شخصی او منتشر می‌شود؛ اما از جهت دیگر محقق را از مشورت و بهره برداری از نقدها و افکار دیگران محروم می‌سازد و رشد علم را کند می‌گرداند.

در سه دهه اخیر، اگرچه برخی تحقیقات جمعی در حوزه‌های علمیه شکل گرفته است؛ هم‌چون «تفسیر نمونه» و «تفسیر راهنما» و اولین «ترجمه قرآن» از نگارنده و همکاران، که البته اینها کافی نیست؛ بلکه لازم است تا این شیوه نهادینه شده و به صورت یک فرهنگ عمومی در بین محققان متداول شود. به‌ویژه در حوزه فقه که کار جمعی زیادی را می‌طلبد.

۵. عدم رعایت اخلاق حرفه‌ای پژوهش

پژوهشگران افراد با ادب و امین هستند، به‌ویژه در حوزه دین که توصیه آن به دین داران رعایت اخلاق و امانت است. اما گاه برخی از پژوهشگران از سر غیرت دینی یا مذهبی و به خاطر آن که مخالفانشان رعایت حق و انصاف را نکرده‌اند، کلماتی می‌گویند که از قلمرو ادب نگارش و تحقیق خارج شده و توهین به دیگران به شمار می‌آید. هم‌چنین برخی از پژوهشگران که از حقوق معنوی نویسندگان دیگر آگاهی کافی ندارند، مطالب دیگران را بدون ذکر منبع نقل می‌کنند که نوعی سرقت ادبی به شمار می‌آید و این امور در مخالفت با اخلاق حرفه پژوهشگری است و از آسیب‌های اخلاقی پژوهش به شمار می‌آید. البته برخی از افراد نیز بدون رعایت این جنبه‌های اخلاقی و حقوق معنوی مؤلفین به سرقت آگاهانه ادبی دست می‌زنند که این خود نوعی انحراف روانی است که نیازمند درمان است.

۶. نوگریزی (نادیده انگاشتن موضوعات درجه اول)

برخی پژوهشگران از پرداختن به موضوعات نو در حوزه پژوهش اجتناب نموده و خود را سرگرم موضوعات کهنه، تکراری و سنتی می‌کنند؛ چرا که از شجاعت لازم برای این کار برخوردار نیستند و یا این‌که از مدیران ارشد مؤسسات تحقیقی یا جوّ حاکم بر جامعه می‌هراسند و به خاطر راحت‌طلبی حاضر نیستند به خود مرارت داده و در حوزه نوین تحقیق کنند.

در هر صورت این آسیب روانی، جدی است و مانع پیشرفت پژوهش خواهد بود به‌ویژه این‌که از تحقیقات نوین جلوگیری می‌کند.

۷. منفی‌بافی به جای تحقیق و نقد سازنده

جهت‌گیری تحقیق و نقد، باید سازنده باشد تا جامعه علمی را به پیش ببرد؛ اما برخی از افراد روحیه‌ای سلبی و منفی دارند و همواره یأس و ناامیدی را در جامعه و دانشمندان می‌دمند. این گروه به جای نقد سازنده آثار دیگران و ارائه راه‌کارهای مناسب، به تخریب می‌پردازند؛ چرا که از روحیه سازنده و احیاگر بی‌بهره بوده و با فرهنگ صحیح نقد آشنا نیستند. این یکی دیگر از آسیب‌های پژوهش به‌طور عام و پژوهشگران دینی است.

۸. شتاب‌زدگی در تحقیق و نظریه‌پردازی

تحقیق وقت‌گیر است؛ چشم‌گیر نیست. این شعار اساسی پژوهشگران حقیقی و طبیعت تحقیق است. چنان‌که گاه ممکن است نتیجه سال‌ها تحقیق تنها ده صفحه مطلب باشد. ولی برخی از پژوهشگران به دلیل عجله در کار پژوهش، به ارائه مطالب سطحی و غیر عمیق مبادرت شود و یا با ارائه نظریه‌های غیر محققانه، به کژراهه می‌روند و نه تنها باعث پیشرفت علم نمی‌شوند، بلکه مانع رشد آن نیز می‌گردند.

آری این یکی از آسیب‌های روان‌شناختی پژوهش است که با تلقین، شکیبایی و تقویت روحیه صبر و استقامت به پژوهشگران قابل رفع است.

۹. افراط و تفریط در برخورد با افکار دیگران

در حوزه تحقیق، رعایت اعتدال و انصاف یک اصل اساسی است که زمینه‌ساز شکوفایی استعدادها می‌شود؛ اما برخی از افراد، این اصل را رعایت نمی‌کنند و با برخوردهای تند، موجب دلسردی محققان و کند شدن روند تحقیقات می‌شوند؛ یا این‌که با سهل‌انگاری در نقد و بررسی، موجب ضعیف شدن نتیجه تحقیقات می‌شوند. که هر دو مورد، یعنی تند روی و سهل‌انگاری، به پژوهش آسیب می‌رساند.

۱۰. خودسانسوری (اختناق سفید)

محقق واقعی کسی است که تابع حقیقت باشد و هیچ چیزی را با حقیقت عوض نکند؛ اما برخی از افراد به خاطر عوامل روان‌شناختی هم‌چون ترس، ناامنی در حوزه نظریه‌پردازی و ضعف اراده و شخصیت، از ابراز عقاید و دستاوردهای علمی خود پرهیز می‌کنند؛ یعنی: گرفتار نوعی اختناق سفید یا خودسانسوری می‌شوند. این مطلب یکی از آسیب‌های روانی تحقیق و مانع پیشرفت علمی جامعه است. از این‌رو برنامه‌ریزان و مدیران پژوهشی لازم است که عوامل و زمینه‌های روانی و اجتماعی خود سانسوری را بشناسند و بر طرف سازند.

۱۱. مرعوب بیگانگان شدن (غرب‌زدگی)

محقق واقعی کسی است که از استقلال برخوردار بوده، مرعوب هیچ شخص یا مکتبی نشود و با آزادگی به نقد و بررسی آراء دیگران پردازد و انتخاب نظر کند؛ ولی برخی از پژوهشگران که گرفتار ضعف شخصیت هستند دچار از خودباختگی در قبال فرهنگ برتر دیگران شده و هر چه را که قدرتمندان جهان می‌گویند حق می‌پندارند و در نتیجه دل‌سپرده فرهنگ بیگانه شده و اندیشه‌های وارداتی را بدون نقد و بررسی می‌پذیرند. این حالت که نوعی ضعف روانی و از خود بیگانگی است، آسیبی جدی در راه تحقیقات است.

۱۲. تعصب‌های قومی و مذهبی

محقق حقیقی فردی آزاده و تابع حق است و حق را در هر کجا بیابد می‌پذیرد؛ اما گروهی از پژوهشگران به خاطر دلبستگی‌های قومی، مذهبی و... گرفتار تعصب شده و از حق‌پذیری دور می‌شوند؛ یعنی: به جای حق محوری، گرفتار قوم محوری یا مذهب محوری می‌شوند. البته باید توجه داشت که غیرت دینی غیر از تعصب کور است. دین اسلام حق است؛ اما این بدان معنا نیست که هر چه را ما از اسلام فهمیده‌ایم حق باشد، بلکه ممکن است با پژوهش‌های جدید برخی مطالب غیر ثابت دین، بازسازی و نوسازی شود یا حقایق جدیدی در آنها کشف شود.

ج) آسیب‌های جامعه‌شناختی

۱. چند شغله بودن محققان

تمرکز بر یک پژوهش اساسی، عامل پیشرفت پژوهشگر و علم است؛ اما گاهی عوامل جانبی مثل کمبود اقتصادی یا احساس مسئولیت‌ها، یا تحمیل‌ها موجب می‌شود که پژوهشگران چند شغله شوند که این موضوع آسیب جدی به روند پژوهش وارد کرده، آنان را گرفتار تشتت روحی و علمی نموده و از ژرف نگری باز می‌دارد.

۲. نبودن امنیت شغلی برای محققان نوپرداز و نظریه‌پردازان (توقف تولید علم به خاطر نبودن امنیت علمی)

پژوهشگری شغلی حساس است؛ چون نتیجه پژوهش ممکن است مطابق خواسته دیگران یا مخالف میل آنها باشد و در صورت دوم، امنیت شغلی و اجتماعی و گاهی امنیت جانی پژوهشگر به خطر می‌افتد؛ از این رو لازم است نهادهایی به حمایت از این‌گونه پژوهشگران بپردازند؛ چرا که هیچ پژوهشگری نمی‌تواند تضمین دهد که نتایج پژوهش و نظریه‌پردازی او موافق میل حاکمان و مدیران باشد و اگر از این‌گونه پژوهشگران حمایت نشود، میل به پژوهش کاسته شده و پیشرفت علم کند یا متوقف می‌گردد.

چه بسیار پژوهشگرانی هم چون گاليله به خاطر نظریه‌های خود محاکمه شده‌اند و چه بسیاری که به زندان افتاده یا حتی کشته شده‌اند. درحالی‌که بعدها نظریه‌های آنها اثبات شده و مورد قبول همگان واقع شده است. درست است که نوگرایی و نوپردازی و تولید علم، بهایی دارد که محققان باید آن را بپردازند؛ اما هر چه این بها سنگین‌تر باشد، پیشرفت علم کندتر شده و جامعه زیان می‌بیند. این امر گاه منجر به پدیده تأسفبار «فرار مغزها» از جامعه علمی یا کشور می‌شود که نمونه‌های آن را مشاهده کرده و می‌کنیم.

در جامعه علمی و کشوری که می‌خواهد به تولید علم، نظریه‌پردازی و پیشرفت علمی برسد، لازم است تریبون‌های آزاد یا مکان‌های مناسب یا مجلات خاص برای ارائه نظرات نو وجود داشته باشند تا بدون سانسور مطالب بین صاحب‌نظران منتشر شود و چنانچه کسی درباره آنها نقد و پاسخی دارد ارائه کند. در چنین جامعه‌ای نباید یک محقق به خاطر اظهار تردید در سند یک حدیث یا کتاب یا خدشه در یک دیدگاه مشهور مورد حمله قرار گیرد. بنابراین لازم است حوزه مسائل علمی از حوزه‌های دیگر جدا شوند تا چنین آسیب‌هایی تکرار نشود. در همین راستاست که برخوردهای فیزیکی و شبه فیزیکی با پژوهشگران و نظریه پردازان، نه تنها مفید نیست، بلکه زیان‌آور بوده و از جمله آسیب جدی برای پژوهش و تولید علم به شمار می‌آید.

۳. تحجّرگرایی

یکی از زمینه‌های فرهنگی که مانع پیشرفت علم و پژوهش در اجتماع می‌شود تحجّرگرایی است. جامعه‌ای که گرفتار این آسیب است از محقق انتظار دارد که با مشهورات مخالفت نکند؛ بلکه در راستای آنها و برای اثبات آنها بکوشد؛ چرا که مشهورات بر اذهان جامعه حاکم شده و مخالفت با آنها نوعی جرم دینی یا اخلاقی به شمار می‌آید. تحجّرگرایان با تحقیقات به صورت مشروط موافقت؛ یعنی: به شرطی که به عقاید سنتی آنان ضربه‌ای وارد نکنند و خیال آرام و غافل آنها را بر هم نزنند. درحالی‌که پژوهشگران و نظریه‌پردازی و تولید علم، نیازمند جامعه‌ای پویاست که

همواره به نقد گذشته خود پرداخته و به بازسازی و نوسازی افکار و اندیشه‌های خود مبادرت نموده و از تقلید در حوزه فکر، دوری گزیند.

۴. جناح بازی‌های سیاسی در حوزه پژوهش

جریان پژوهش نمی‌تواند رنگ سیاسی به خود بگیرد و در خدمت سیاست‌مداران و جناح‌ها و احزاب در آید. روزی که چنین اتفاقی بیفتد روز افول پژوهش و پژوهشگر است؛ چرا که نتیجه پژوهش در اختیار قدرتمندان قرار می‌گیرد که معلوم نیست همیشه عاقل و دیندار باشند و همان بلایی به سر علم می‌آید که در کشورهای استعمارگر کنونی آمده است؛ یعنی: علم نه تنها در خدمت بشر قرار نمی‌گیرد، بلکه بر ضد بشریت و در راه نابودی آنها استفاده می‌شود. از این‌رو لازم است روند تحقیقات و نیز پژوهشگران از بازی‌های سیاسی دور بمانند.

۵. عوام‌زدگی در تحقیق

طبیعت تحقیق، ژرف‌کاوی و ژرف‌نگری است؛ ولی گاه تحقیقات، سطحی و عوامانه می‌شوند و یا شکلی ژورنالیستی به خود می‌گیرند که نوعی آسیب برای تحقیق به شمار می‌آید.

۶. نقد منفعلانه نه فعال

پژوهشگران که وظیفه دفاع از پژوهش را نیز به عهده دارند، بهتر است به فکر نقد فعال باشند؛ یعنی: قبل از آن‌که تحقیق منتشر شده و اشکالات سرازیر شوند، با نظر خواهی‌های محدود و برگزاری جلسات رونمایی تحقیق، به جمع‌آوری اشکالات، شبهات و فراهم‌سازی پاسخ‌های مناسب در تحقیق بپردازند.

در حوزه‌های دینی نیز لازم است که مدافعان دین، قبل از آن‌که شبهه یا اشکالی در جامعه منتشر شود و در اذهان افراد جایگزین شود آن را مورد شناسایی قرار داده و همواره با جواب ارائه کنند وگرنه گرفتار انفعال شده و در موضع دفاعی قرار می‌گیرند و فرصت تولید علم و نظریه‌پردازی را نخواهند داشت.

۷. حیرت پراکنی در نسل نو

تحقیق موجب پیشرفت و روشنگری در سطح فرهیختگان می‌شود؛ ولی برخی از تحقیقات هنوز مراحل نهایی خود را طی نکرده، شبهات، ابهامات و سؤالاتی را ایجاد می‌کنند که موجب نگرانی و حیرت نسل نو می‌شوند لازم است در این موارد در ارائه نتایج تحقیق به افراد غیر متخصص شتاب نوزیم و حیرت پراکنی نکنیم. بنابراین یکی از آسیب‌های پژوهش آن است که به صورت زود رس در اختیار جامعه قرار گیرد و حیرت‌زا شود.

۸. خطا در تعبیر چالش‌ها

در فضای پژوهش، باید نتایج روند تحقیق را مورد بررسی قرار داد که آیا به صورت علمی انجام شده یا نه. در این باره انگیزه‌های شخصی افراد نمی‌تواند در ارزیابی علمی از تحقیق سرنوشت‌ساز باشد. از این رو ارزیابان و جامعه علمی نمی‌تواند کسی را به خاطر انگیزه خاص او در تحقیق مورد نکوهش قرار دهد.

به عبارت دیگر: چالش‌هایی که در اثر تحقیقات علمی به وجود می‌آید یا تعارض‌های ظاهری که با برخی آموزه‌های دینی پیدا می‌کند؛ نباید ما را به سمتی سوق دهد که افراد را متهم به انگیزه‌های ضد دینی کنیم و یا آنها را ضد انقلاب یا عنصر سیاسی جهت‌دار به شمار آوریم؛ چرا که ممکن است فردی دلسوز و دیندار، پژوهشی انجام دهد و به نتایجی برسد که حتی با عقاید خود نیز منافات داشته باشد. به عبارت روشن‌تر: لازم است مرز و قلمرو حوزه‌های علمی از حوزه‌های سیاسی و مذهبی جدا شده و در حوزه تحقیق به نقد علمی بسنده کنیم و گرنه امنیت اجتماعی و سیاسی پژوهشگران به خطر افتاده و گرفتار خودسانسوری می‌شوند.

۹. انقطاع نسل‌ها

ذخایر علمی ملت‌ها و مکتب‌ها، از سرمایه‌های ملی و دینی به شمار می‌آیند که لازم است مورد توجه پژوهشگران و مورد نقد، نوسازی و بازسازی قرار گیرند.

بدین ترتیب نوگرایی و تولید علم به معنای پشت پا زدن به ذخایر معتبر و صحیح گذشتگان نیست و گرنه موجب انقطاع نسل‌ها و جدا شدن نسل نو از گذشته پر ارزش خودش می‌شود؛ چرا که نسل نو از سرمایه‌ای عظیم محروم گردیده و این آسیبی بزرگ برای تحقیقات است.

د) آسیب‌های مدیریتی و اجرایی

۱. کمبود نیروهای متخصص (و عدم توجه به تربیت نیروهای متخصص)

پژوهش مبتنی بر آموزش است؛ یعنی: پیش از شروع طرح‌های تحقیقاتی لازم است که نیروهای متخصص در آن زمینه تربیت شوند؛ برای مثال: اگر ما در زمینه تفسیر و علوم قرآن اقدام به پژوهش یا نگارش دائرةالمعارف می‌کنیم، لازم است قبلاً مراکز تخصصی در این زمینه پدید آمده و نیروهایی در سطح کارشناسی ارشد و دکتری تربیت شده باشند، بلکه باید نیروهای مذکور با گرایش پژوهش تربیت شوند؛ یعنی: باید واحدهای متعددی را در زمینه روش تحقیق در علوم قرآن و تفسیر دائرةالمعارف نویسی بگذرانند ولی گاه این ضرورت احساس نشده یا به مرحله عمل نمی‌رسد؛ از این‌رو کار پژوهش با خطاهای زیاد، ریزش‌ها و تلف شدن وقت و امکانات همراه بوده و سال‌ها طول می‌کشد تا نیروهای تجربی در ضمن کار تحقیق پرورشی یابند که البته درصد آنها در کل نیروهای به کار گرفته شده بسیار اندک است و این امر خود یکی از علل ضعف برخی پژوهش‌های حوزوی و نیز طولانی شدن طرح‌هاست.

۲. حجم زیاد مؤسسات پژوهشی در مقایسه با پژوهشگران

توسعه پژوهش امری طبیعی و لازم است؛ اما تأسیس مؤسسات پژوهشی هم عرض و نهاد سازی‌های بی‌مورد و نیز، حکومتی و فرمایشی کردن پژوهش، یکی از آسیب‌های جدی در امور پژوهش است.

آیا ما به اندازه این مؤسسات جدید، پژوهشگر تربیت کرده‌ایم؟ آیا بهتر نیست به جای صرف امکانات اقتصادی، نیروی مدیریتی و... در سامان‌دهی مراکز جدید پژوهشی، به تزریق امکانات و سرمایه به مراکز موجود بپردازیم.

۳. کمبودهای اقتصادی و عدم حمایت مالی از پژوهش و پژوهشگران

هرگاه در کشوری علم و ثروت در دو جهت مخالف یکدیگر حرکت کند، نباید انتظار پیشرفت سریع دانش و تولید علم داشته باشیم. محقق هم‌چون هر انسان دیگری نیازهای طبیعی و مالی دارد که اگر تأمین نشود، دغدغه‌های اقتصادی، فکر او را به خود مشغول داشته و مانع تفکر ژرف و تمرکز علمی می‌شود. از این رو لازم است مدیریت تحقیق، در زمینه‌های زیر از محققان حمایت جدی کند:

الف) تأمین هزینه‌های زندگی محققان (اعم از مسکن، حقوق و...);

ب) تأمین نیازهای سخت‌افزاری (مثل: کتاب، رایانه و...);

ج) تأمین فضای مناسب تحقیق.

گاه مشاهده می‌شود که در مراکز تحقیقی همه نیروها تأمین می‌شوند، ولی در پرداخت هزینه‌های پروژه‌های پژوهشی به محققان سخت‌گیری زیادی صورت می‌گیرد؛ چنان‌که بهترین بخش ساختمان‌ها به نیروهای اداری اختصاص می‌یابد و زیر زمین‌های کم نور، مرطوب و نامناسب به کتابخانه اختصاص یافته و در اختیار پژوهشگران قرار می‌گیرند که نتیجه آن کاهش کیفیت کار محققان در اثر بیماری‌ها و مشکلات دیگر است. حال آن‌که باید بهترین فضا برای کار پژوهشگران اختصاص یافته و کتابخانه‌های شبانه‌روزی با امکانات رفاهی فراهم شوند تا کار پژوهش با سرعت و سلامت به پیش برود.

با نگاهی به بودجه پژوهش و تناسب آن با بودجه‌های جاری و... در کل کشور ما و نیز در حوزه و دانشگاه‌ها، نمودارهای هشدار دهند و تفاوت‌های وحشت‌آوری را مشاهده خواهیم کرد. تجربه برخی کشورها بعد از جنگ بین‌المللی دوم، مثل ژاپن، آلمان و روسیه در افزایش حقوق صد در صدی اعضای هیئت علمی و نتایج مثبت آن نمونه موفق‌تری ارائه کرده است.

۴. چند شغل داشتن مدیران

مدیریت نیاز به فکر، برنامه‌ریزی، تمرکز و وقت‌گذاری دارد؛ بنابراین مدیری که چند شغل داشته باشد، نمی‌تواند همه آنها را به صورت مطلوب اداره کرده و نظارت نماید.

این یکی از آسیب‌های مدیریت‌ها در همه زمینه‌ها و به‌ویژه در پژوهش در کشور و حوزه است. گاه برخی افراد تا سی مدیریت دارند و طبیعی است که انتظار کار موفق از آنها نباید داشته باشیم. البته گاه کمبود نیروی مدیریتی کار آمد و با تجربه مطرح می‌شود که سخن حقی است و باید برای آن برنامه‌ریزی شود.

۵. واگذاری امور به افراد غیر متخصص در مدیریت پژوهشی

حوزه مدیریت پژوهش یکی از حساس‌ترین حوزه‌های مدیریتی است به‌طوری‌که گفته می‌شود از نوع «مدیریت در حوزه‌های مدیریت‌ناپذیر» است؛ چرا که روحیه محققان بسیار حساس بوده و برخوردهای نامناسب و غیر فنی و نظارت غیر علمی آسیب جدی به پژوهش و پژوهشگران وارد می‌سازد. اما با این وجود گاه مشاهده می‌شود که به خاطر حاکمیت روابط بر ضوابط، مدیران غیر متخصص و غیر علمی در رأس مراکز پژوهشی قرار می‌گیرند و در تصمیم‌سازی‌ها نقش اصلی را بازی می‌کنند که این خود نوعی بازی با پژوهش است و پیامدهای منفی به دنبال دارد.

گاه مشاهده می‌شود کسی که در حوزه‌های دیگر ناکارآمد بوده وارد حوزه مدیریت پژوهشی می‌شود. گاه نیز برای این که افراد بیکار نباشند، یا پرستیژی داشته و کاری آبرومند برای خود دست و پا کنند به تأسیس مؤسسات پژوهشی روی می‌آورند که روشن است این آسیب تا چه اندازه جدی و ویرانگر است. از پیامدهای این‌گونه مدیریت‌ها، انجام کارهای تکراری و غیر مفید و غیر عمیق است؛ چرا که مدیریت پژوهشی، دارای اطلاع کافی از موضوعات نو پدید و معیارهای و قواعد آن رشته نبوده از این رو گاهی جلوی تحقیقات مفید را می‌گیرد و یا به دلیل ضعف علمی خود و ترس از زیر سؤال رفتن از ورود محققان به حوزه‌های نو جلوگیری می‌کند.

۶. افراط و تفریط در ضوابط و مقررات پژوهشی

پژوهش نیاز به مقررات و ضوابط و واقع‌بینانه و حمایت‌گرانه دارد تا روند کار را قانون‌مند کند و حمایت‌گر پژوهشگر باشد. برخی از مراکز و مؤسسات از نداشتن قوانین مدون رنج می‌برند؛ به‌طوری‌که حقوق پژوهشگران ضایع شده و به مشکلات آنان رسیدگی نمی‌شود.

برخی مراکز از افراط در تدوین و ابلاغ مقررات، دچار سردرگمی و قوانین دست و پاگیر می‌شوند، به طوری که پیشرفت طرح‌های تحقیقی با کندی رو به رو می‌شود. افراط و تفریط در زمینه مقررات پژوهشی یکی از آسیب‌های پژوهش است. برای رفع این مشکل لازم است تا قوانینی استاندارد در سطح ملی تعریف و در تمام مراکز به‌طور یکسان لازم‌الاجرا شوند. البته مقررات خاص هر مرکز پژوهشی مورد احترام است، اما مثلاً تفاوت ساعات کار پژوهشگران هیئت علمی از ۸۰ ساعت تا ۱۶۰ ساعت در شهر قم، در دو مرکز پژوهشی که فاصله آنها به یک کیلو متر نمی‌رسد و کار مشابهی انجام می‌دهند قابل قبول نیست؛ بلکه ظلمی فاحش است که تحت عنوان مقررات داخلی اعمال می‌شود.

۷. یک طرفه بودن قراردادهای پژوهش و بی‌ثباتی آنها

در کشور ایران و به‌ویژه در حوزه‌های علمیه، تاسیس مرکز یا تدوین قوانینی برای دفاع از حقوق محققان لازم است. عجیب است که برای حمایت از معلمان تشکیلات خاصی وجود دارد و اجازه پایمال شدن حقوق آنان را نمی‌دهد؛ اما برای پژوهشگران چنین مرکز یا قوانینی وجود ندارد؟!

گاه حقوق معنوی و مادی پژوهشگران در قراردادهای پژوهشی که معمولاً سودجویانه و یک طرفه از سوی مؤسسات تحقیقی آماده‌سازی می‌شود پایمال می‌گردد و محققان برای نیازهای مالی یا نیاز به نشر، حمایت و... ناچارند به این قوانین تن در دهند. جالب‌تر این است که معمولاً حق فسخ قرار داد یا تعطیل بدون ارائه دلیل برای هر مؤسسه‌ای محفوظ است و محقق حق درخواست جبران خسارت ندارد یا اگر چنین تقاضایی داشته باشد قوانینی برای حمایت از او وجود نداشته یا اگر باشد ضامن اجرایی آن مشخص نیست! این مطلب موجب عدم امنیت شغلی پژوهشگران می‌شود.

محقق حق دارد که نام او بر روی جلد اثری که حاصل عمر اوست درج شود. ولی گاه نام صاحب سرمایه به جای محقق بر روی جلد نقش می‌بندد؟! که این مسئله به معنای پایمال شدن حقوق معنوی محقق است! اکثر قراردادهای پژوهشی در ایران به صورت خرید اثر است؛ درحالی‌که هر محقق از آن‌جا که آینده و دوران کارافتادگی

دارد، نیازمند حمایت مالی است؛ با توجه به این که یک اثر ده‌ها بار توسط یک ناشر چاپ می‌شود، بدون آن که محقق از درآمد ناشی از حقی داشته باشد. این امر نه تنها که عادلانه نیست، بلکه نوعی سودجویی و استثمار محققان است. محقق باید برای خدا کار کند؛ ولی ناشر و مؤسسات تحقیقی نیز باید برای خدا کار کنند و نباید همه حقوق مادی در جیب صاحب سرمایه سرازیر شود! و محقق در فقر و نیاز دائمی به سر ببرد!

۸. عدم هماهنگی و تعامل مراکز پژوهشی و نهادهای نظام اسلامی

پژوهش کالایی است که مصرف کننده خاص خود را دارد. یکی از مصرف کنندگان اصلی نتایج پژوهش‌ها، نظام اسلامی و نهادهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... هستند؛ ولی گاه دیده می‌شود که تولید کننده با مصرف کننده هیچ ارتباطی ندارند. این مطلب آسیبی دو سویه دارد: از طرفی به نهادهای نظام ضربه می‌زند که نمی‌توانند راه کوتاه و صحیح را به خوبی تشخیص دهند و مشکلات خود را حل کنند و از سوی دیگر به پژوهشگران و مؤسسات پژوهشی ضربه می‌زند که از موضوعات جدید و کاربردی محروم می‌شوند و کم کم به سمت پژوهش در خلأ پیش می‌روند. از این رو لازم است در این مورد برنامه ریزی جدی صورت گیرد و حلقه‌های مفقوده شناسایی شده و آسیب‌ها برطرف شوند و طرفین ملزم به همکاری و تأمین نیازهای یکدیگر باشند.

۹. کم توجهی به ابزارهای پژوهشی جدید و فراهم نکردن آنها

مدیر موفق کسی است که مجموعه خود را به پیشرفته‌ترین امکانات مجهز ساخته و دائماً به نوسازی و بازسازی و تجهیز آن بپردازد؛ اما برخی از مدیران ناآگاه بیشترین سرمایه را صرف ساختمان و زیباسازی دکورها و برگزاری مهمانی‌ها و هزینه‌های غیر ضروری می‌کنند و از فراهم کردن کمترین امکانات هم‌چون رایانه و اینترنت در دسترس، یا کتاب‌های جدید، کارگاه‌های آموزشی و سفرهای علمی اعضای هیئت علمی و پژوهشگران دریغ می‌ورزند؛ بلکه اینها را نوعی هزینه زاید و غیر ضروری به

حساب می‌آورند و انتظار دارند محققان با همان ابزارهای صد سال قبل، به تولید علم بپردازند و دانش به سرعت رشد کند، زهی خیال باطل.

محققی که در الازهر مصر حوزه دین نمی‌داند چه می‌گذرد یا در شهر لیدن در کشور هلند (مرکزی که دائرةالمعارف قرآن در نگارش یافته) چه رخ می‌دهد، مراکز شرق‌شناسی و روش‌های نوین تحقیق را نمی‌شناسد، چگونه می‌تواند با دنیای مدرن به رقابت بپردازد؟!!

عجیب است که ابزارهای علمی مراکز آموزشی و پژوهشی برای رؤسای آنها و عده‌ای از اطرافیان و نور چشم‌ها تدارک دیده می‌شود؛ اما برنامه‌ریزی آموزشی و پژوهشی و انجام آنها به عهده دیگران قرار می‌گیرد؟! تا هنگامی که این فرهنگ بر مراکز آموزشی و پژوهشی ما حاکم است، انتظار چندانی در مورد تولید علم نباید داشت.

ه) آسیب‌های علمی

۱. نداشتن تصور مناسب از پژوهش و نقد

پژوهش چیست؟ و نقد کدام است؟

پژوهش پردازش اطلاعات برخوردار از انتظام است که متعلق به گستره خاصی از علوم بوده و دارای هویت جمعی است که به نوآوری می‌انجامد.^۱ اما گاه پژوهش، با مطالعات پراکنده و یا مطالعات آموزشی یا ترویجی و نیز، اطلاع‌رسانی خلط می‌شود و در نتیجه نتایج مطلوب به دست نمی‌آید. البته در برخی از مراکز، مانند حوزه‌های علمیه همه این موارد لازم است؛ اما باید مرزهای هر یک تعریف شده و مشخص شود.

گاه افراد انتظار دارند که پژوهش نتایجی در راستای ترویج و تبلیغ داشته باشد که البته همیشه این اتفاق نمی‌افتد، بلکه گاه پژوهش مشهورات ذهنی ما را باطل می‌سازد که در آن صورت لازم است مطالعه و برنامه ریزی خاصی برای فرهنگ‌سازی نوین - بر اساس نتایج جدید پژوهش به دست آمده انجام شود تا ذهنیت مردم را تغییر دهیم و کم کم مطالب حق را جایگزین دیدگاه‌های، اما باطل نماییم.

۱. ر.ک: روش‌شناسی مطالعات دینی، احد فرامرز قراملکی، ص ۲۵.

در مورد نقد نیز همین مسئله صادق است: ما معمولاً از نقد میراث گذشتگان خود گریزان بوده و در مقام عمل حاضر نیستیم به پالایش آثار تفسیری، روائی و... خود همت گماریم؛ حتی متأسفانه گاهی با کسانی که نقدی در این زمینه ارائه کنند نیز برخورد می‌شود.^۱ آری این یکی از آسیب‌های تحقیق است که لازم است به خوبی درک و شناسایی شده و راهکارهایی برای آن اندیشیده شود تا موانع نوآوری، تولید علم و نقد جدی بر طرف گردد.

۲. رعایت نکردن اصل مسبوقیت پژوهش به آموزش

در این مورد چنان‌که در مباحث پیش گفته بیان شد، آموزش بر پژوهش مقدم است و هر محقق باید در زمینه کاری خود متخصصی آموزش دیده باشد وگرنه پژوهشگر غیر متخصص، قواعد و قوانین علم مربوط به موضوعات جدید و حائز اهمیت و ابعاد آنها را نمی‌شناسد و در نتیجه پژوهشی غیر حرفه‌ای و ناقص ارائه می‌کند و گاه به کژراهه می‌رود و سالیان زیادی عمر خود و امکانات را تلف می‌سازد.

متأسفانه فرهنگ تخصص قبل از پژوهش در حوزه‌ها هنوز جای خود را به خوبی باز نکرده و هر کس به خود اجازه می‌دهد بدون گذراندن رشته تخصصی مربوط، در حوزه تفسیر، حدیث، فقه و.. پژوهش و اظهار نظر غیر عالمانه کند.

۳. عدم شناخت ساختار زبان متن

هر مسئله پژوهشی لازم است که گونه‌شناسی شود و در طبقه خاص خود قرار گیرد. تا روشن شود که آیا مسئله ذهنی، واقعی یا زبانی است. و اگر مسئله زبانی است، با چه زبانی سخن می‌گوید.

برای مثال: آیا زبان قصه‌های قرآن، واقع‌نما است یا تمثیلی، اسطوره‌ای، کنایی و مجازی است؟ آیا معنادار است، یا فقط برانگیزنده احساس افراد است؟ تا وقتی که

۱. ر.ک: داستان‌های زندگی علامه طباطبایی رحمته‌الله در کتاب **جرعه‌های جان‌بخش**، غلامرضا زواره و محققان دیگر که در این زمینه با مشکلات جدی روبه رو شده‌اند.

محقق مسئله زبان متن مودر پژوهش را تعیین نکند، تحقیق او جهت صحیح پیدا نمی‌کند، بلکه مبهم بودن زبان، آسیب جدی برای پژوهش به دنبال دارد.

۴. مطالعات تاریخی و فلسفی و... بدون توجه به پیامدهای آن در عصر حاضر

مطالعات تاریخی هر موضوع در سیر تطور آن لازم است. تاریخ به معنای مطالعه پیشینه حادثه و آینده حوادث است؛ یعنی: ما نمی‌توانیم زندگی پیامبر ﷺ و ائمه علیهم السلام و... را بدون توجه به حال و آینده مطالعه کنیم. بلکه تاریخ، به معنای شناخت سلف در پرتو خلف است.

برای مثال، ما قرآن و قصه‌های آن را طوری مطالعه نموده و تفسیر نماییم که درمان دردهای عصر خویش را در آن بیابیم و مصادیق جدید قوم «عاد» و «ثمود» و فرعون و موسی ﷺ را پیدا کنیم و این همان مطلبی است که امام رضا ﷺ از امام صادق ﷺ روایت می‌کند که فرمود:

لان الله تبارك وتعالی لم يجعله لزمان دون زمان ولالانس دون ناس؛ فهو في كل زمان جدید.^۱

مطالعه مسائل فلسفی نیز همین روش را می‌طلبد؛ یعنی: اصالت وجود و مسائل دیگر فلسفه اسلامی، نتایجی و پیامدهایی در حوزه‌های جامعه‌شناسی، سیاست، روان‌شناسی و... دارد که باید روشن شود.

یکی از آسیب‌های علمی پژوهش‌های اسلامی آن است که دنباله، پیامد، نتایج و آثار آن در عصر حاضر تحلیل و تبیین نشد. و مسائل فلسفه، تفسیر قرآن و تاریخ به صورت مسائل ذهنی و نظری باقی بماند.

۵. دخالت افراد غیر متخصص در پژوهش در حوزه‌های تخصصی

در این مورد در مباحث قبل مطالبی بین شد که از جمله می‌توان به ذیل بند دوم همین بخش اشاره نمود.

۱. بحارالانوار، ج ۶۲، ص ۱۵.

۶. فراهم نشدن فرصت‌های مطالعات برای اساتید و پژوهشگران و در نتیجه عدم آگاهی از نظرات جدید محققان و مراکز خارج از کشور

در این مورد نیز ذیل بند نهم آسیب‌های مدیریتی مباحثی مطرح شد.

۷. عدم تسلط پژوهشگران به زبان دوم و سوم (عربی، انگلیسی و...)

ضرورت این مسئله و لزوم برنامه‌ریزی در جهت تأمین آن بر کسی پوشیده نیست. از این‌رو از توضیح آن خودداری می‌کنیم.

۸. کمبود کارگاه‌های آموزشی و پژوهشی و در نتیجه عدم اطلاع پژوهشگران از روش‌ها و پیشرفت‌های جدید در رشته مورد نظر

در این مورد نیز پیش‌تر، ذیل بند نهم، آسیب‌های مدیریتی مباحثی بیان گردید.

۹. کمبود نشست‌های علمی، نقد کتاب، نظریه‌پردازی و همایش‌های علمی تخصصی

نشست‌های علمی و نقد نیز، همایش‌های تخصصی زمینه‌ساز رشد و تعالی علوم و رشته‌های مختلف است و حتی گذراندن این موارد در اعطای رتبه‌های علمی و دانشجویی تأثیر دارد؛ ولی در حوزه‌های علمیه به این موارد توجه چندانی نمی‌شود و امتیازات آنها برای اساتید محاسبه نمی‌گردد. این خود یکی از آسیب‌های پژوهش (و حتی آموزش) در جزوه است.

۱۰. ژرف‌کاوی نکردن:

در این مورد قبلاً تحت عنوان «سطحی نگری در تحقیق» مطالبی بیان شد و روشن است که پیشرفت علوم در اثر نکته‌سنجی‌ها، ژرف‌نگری‌ها و تحقیقات عمیق تحقق می‌یابد و سطحی نگری و بی‌حوصلگی در پژوهش پیامدهای منفی دارد.

چکیده

در فصل هفتم به لوازم بهداشتی پژوهشی و پژوهشگر پرداخته شده است از جمله بهداشت جسمی (مثل رژیم غذایی مناسب، ورزش، مطالعه صحیح و...) و بهداشت

معنوی (مثل حق جوئی، توکل و دعا، صبر،...) و نیز بهداشت محتوایی (مثل ارائه مطالب عالمانه، منصفانه، مؤدبانه و پرهیز از راحت طلبی و نقل مطالب غیر مستند و غیر مجاز و ضد وحدت و...) و نیز به آسیب‌ها و موانع تولید علم اشاره شده است.

پرسش و پژوهش

۱. مقصود از بهداشت معنوی پژوهشگر چیست؟ با ذکر مثال توضیح دهید.
۲. مقصود از «بهداشت قلم» چیست؟ با بیان مثال شرح دهید.
۳. آفت‌های پژوهش را نام برده و راهکار آن را بیان کنید.
۴. موانع تولید علم را در تحقیقات دینی بیان نموده و به راهکار آن اشاره کنید.
۵. براساس آیات و روایات رژیم غذایی مناسبی را برای پژوهشگر سامان دهید.

۸

پژوهش نگاری

اهداف: (۱) شناخت شیوه طراحی هندسه پژوهش قرآنی؛ (۲) شناخت قلمرو و بایسته‌های پژوهش‌های قرآنی؛ (۳) آشنایی با موضوعات پژوهشی قرآنی؛ (۴) آشنایی با مهم‌ترین منابع پژوهش‌های قرآنی.

درآمد

آخرین مرحله تحقیق، نگارش آن است که حساسیت و ظرافت خاص خود را دارد. در این مرحله لازم است که پژوهشگر به مواردی توجه کند که در ادامه خواهد آمد. نگارش هر پژوهش دارای لوازمی است، همان‌طور که نیاز به الگو و تمرین دارد؛ از این‌رو در این فصل به مطالب زیر می‌پردازیم:

نخست: شیوه طراحی پژوهش‌های قرآنی (هندسه پژوهش)؛

دوم: قلمروها و بایسته‌های پژوهش‌های قرآنی؛

سوم: معرفی برخی از موضوعات پژوهش؛

چهارم: معرفی مهم‌ترین منابع پژوهش‌های قرآنی.

شناخت هر یک از این مراحل و موارد، در شکل‌گیری پژوهش تأثیر دارد؛ همان‌طور که محقق را در سامان دهی پژوهش یاری می‌کند.

نخست: شیوه طراحی پژوهش‌های قرآنی (هندسه پژوهش):

طراحی هندسه پژوهش و به دست آوردن طرح تحقیق مناسب، نخستین گام مؤثر برای شروع هر تحقیق است. از این‌رو طراحی آن در نگارش هر مقاله پژوهشی،

کتاب، پایان‌نامه و رساله، پیش‌شرط اساسی است. یک طرح تحقیق کامل از اجزای زیر تشکیل می‌شود:

۱. عنوان

عنوان تحقیق لازم است تا حد امکان گویا، کوتاه و زیبا باشد و در انتخاب عنوان تحقیق معیارهای زیر در نظر گرفته شود:

(الف) علاقه شخصی به موضوع؛

(ب) نیاز جامعه و ضرورت پژوهش در آن موضوع؛

(ج) توانایی پژوهشگر در موضوع تحقیق؛

در این مورد بررسی قدرت ذهن پژوهشگر و سابقه علمی او لازم است؛ برای مثال کسی که می‌خواهد در موضوع میان رشته‌ای قرآن و علوم پزشکی تحقیق کند باید قبلاً علاوه بر تخصص قرآنی با علوم پزشکی نیز آشنا باشد.

(د) در اختیار بودن منابع در زمینه موضوع تحقیق.

ویژگی‌های عنوان:

(الف) شناخت دقیق از حوزه موضوع تحقیق ارائه کند؛

(ب) نمایشگر فرضیه و سؤالات اساسی تحقیق باشد.

۲. تبیین موضوع (مسئله و اصطلاحات)

برخی از کتاب‌ها، مقالات و پایان‌نامه‌ها، موضوع محور هستند، برای مثال: موضوع «انفاق» یا «جهاد» در قرآن را مورد بررسی قرار می‌دهند؛ ولی مقالات و کتاب‌های پژوهشی، به‌ویژه رساله‌های دکتری، مسئله محوراند؛ یعنی: یک مطلب جزئی یا نظریه را مورد بررسی قرار می‌دهد.

در هر صورت لازم است که پژوهشگر موضوع یا مسئله خود را تجزیه، تحلیل و مفهوم‌شناسی نموده و آن را برای دیگران توضیح دهد، تا روشن شود که چه معنا، بُعد یا ابعاد آن مورد بحث اوست؛ برای مثال: در موضوع «تأویل قرآن» باید روشن نمود مقصود از تأویل در این پژوهش چیست و آیا مفهوم‌شناسی، مصادیق، عمل‌کرد مفسران

یا راهکار رسیدن به آن و یا جواز و امکان آن مورد بحث است. هم‌چنین محقق «مشکل اساسی» را که احساس می‌کند در این موضوع حل نشده و نیاز به پژوهش دارد، بیان می‌کند و در ادامه این قسمت به «اهمیت موضوع» نیز اشاره می‌کند.

۳. اهمیت و ضرورت

هنگامی که اهمیت هر موضوع یا مسئله برای پژوهشگر روشن شد، لازم است آن را برای دیگران نیز روشن سازد، تا حمایت لازم از او به عمل آید. برای مثال: اهمیت علمی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و... موضوع را باید روشن نمود.

۴. تاریخچه

در هر موضوع تحقیقی لازم است که سابقه پژوهش در آن موضوع روشن و بیان شود. این امر متوقف بر مطالعه موضوع در کتاب‌های منبع‌شناسی^۱، جست‌وجوی در اینترنت، کاوش در مقالات قرآنی و پرسش از متخصصان قرآنی است. روشن است که این جست‌وجو، زمینه‌ساز شناخت بهتر موضوع و ابعاد مبهم و مشکلات حل نشده آن و منابع پژوهش است که برای پژوهشگر بسیار مفید خواهد بود.

۵. انگیزه پژوهشگر

در هر تحقیق نیکوست که پژوهشگر انگیزه خود از انجام پژوهش مورد نظر را بیان کند؛ این مطلب علاوه بر آن که ارزش تاریخی دارد، فضای تحقیق را نیز روشن می‌سازد. برای مثال: ممکن است کسی به پژوهش درباره مباحث «قرآن و مستشرقان» با انگیزه پاسخ به شبهات و دفاع از مطالعات قرآنی مستشرقان، یا با هدف ترویج و توسعه اهداف استعماری، مبادرت کند؛ البته نیکوست که محققان قرآنی با انگیزه الهی و علمی، یعنی با قصد تقرّب به خدا و خدمت به قرآن به پژوهش عالمانه و منصفانه بپردازند.

۱. این کتاب‌ها در ادامه همین فصل معرفی می‌شود.

۶. پرسش‌های تحقیق

هر تحقیق می‌تواند دارای دو گونه پرسش باشد:

الف) پرسش یا «پرسش‌های اصلی»، که به مسئله موضوع تحقیق می‌پردازد؛
ب) پرسش یا «پرسش‌های فرعی» که به مسائل مرتبط و لوازم موضوع تحقیق می‌پردازد.
مثال: محبت اهل بیت علیهم‌السلام در قرآن.

پرسش اصلی

آیا در آیات قرآن به محبت اهل بیت علیهم‌السلام سفارش شده است؟

پرسش‌های فرعی

- مقصود از مودت اهل بیت علیهم‌السلام در آیه: ﴿إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ﴾ (شوری، ۲۳) چیست؟
و تفاوت آن با محبت و خُلّت کدام است؟
- آیا محبت اهل بیت علیهم‌السلام واجب است یا مستحب؟
- آثار و نتایج محبت اهل بیت علیهم‌السلام چیست؟

۷. اهداف پژوهش

«اهداف پژوهش» همان نکاتی است که محقق می‌خواهد آنها را اثبات یا نفی نموده - که بعد از تحقیق به آنها می‌رسد - و آنها را به صورت بیانیه‌های مثبت و کلی بیان می‌کند و در حقیقت، طراحی موضوع و پرسش‌ها برای رسیدن به این اهداف است.
مثال: محبت اهل بیت علیهم‌السلام در قرآن.
هدف محقق: اثبات ضرورت محبت به اهل بیت علیهم‌السلام و لزوم توجه مسلمانان به این امر.

۸. فرضیه تحقیق

«فرضیه»، جمله‌ای خبری است که پاسخ پرسش اصلی تحقیق به شمار می‌آید و بعد از اثبات هدف پژوهش را شکل می‌دهد.

مثال: محبت اهل بیت علیهم السلام در قرآن

فرضیه تحقیق: آیات قرآن از مسلمانان می‌خواهد که اهل بیت علیهم السلام را دوست بدانند.

۹. پیش فرض‌ها

مقصود از «پیش فرض‌ها»، مبادی و اصولی است که قبل از ورود به پژوهش به صورت مطالبی مسلم و مفروض در نظر گرفته شده است که جای بحث آنها در این پژوهش نیست - یا در علوم دیگر به اثبات رسیده است - مثال: محبت اهل بیت علیهم السلام در قرآن.

پیش فرض‌ها

الف) حجیت قرآن (به عنوان وحی الهی که نصوص و ظواهر آن بر ما حجت است)؛

ب) تحریف ناپذیری قرآن؛

ج) وجود اهل بیت علیهم السلام در تاریخ اسلام.

۱۰. نوع تحقیق و روش آن

گاه تحقیق، درون قرآنی (مثل محبت اهل بیت علیهم السلام در قرآن، انفاق - جهاد در قرآن و...) بوده و گاه برون قرآنی است (مانند قرآن و سکولاریسم)؛ هم‌چنین گاه تحقیق، میان رشته‌ای و گاه تطبیقی است. براساس نوع پژوهش روش آن مشخص می‌شود. برای مثال:

- محبت اهل بیت علیهم السلام در قرآن ← از روش تحقیق درون قرآنی استفاده می‌شود.

- لوط در قرآن و عهدین ← از روش تحقیق تطبیقی بین الادیان استفاده می‌شود.

- جبر و تفویض در قرآن ← از روش تحقیق تطبیقی بین المذاهب و گرایش

کلامی استفاده می‌شود.

- تأثیر نماز در کاهش بزهکاری ← از روش تحقیق تجربی یا نیمه تجربی

استفاده می‌شود.

- قرآن و اقتصاد ← از روش تحقیق میان رشته‌ای استفاده می‌شود.

- بررسی آیه وضو ← از روش تحقیق فقهی و حدیثی و تطبیقی استفاده می‌شود.

- قرآن و فرهنگ زمانه ← از روش تحلیل تاریخی استفاده می‌شود.
- قرآن و تأویل ← از روش درون‌قرآنی و تحلیل عقلی استفاده می‌شود.

تذکرات

۱. گاه در یک موضوع از چند روش تحقیق استفاده می‌شود.
۲. در این جا مقصود از روش تحقیق، روش‌های خاص تفسیر و علوم قرآن هستند؛ هر چند که روش‌های تحقیق عام نیز در این موارد کاربرد دارند.

۱۱. منابع پژوهش

هر رشته علمی منابع خاص خود را داشته و شناخت منابع تحقیق برای پژوهشگر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ چون او را با سابقه پژوهش آشنا می‌سازد و پیشرفت‌های بشری صورت گرفته تا آن زمان در مورد موضوع پژوهش در اختیار محقق قرار می‌دهد تا به پژوهشی تکراری مبادرت نکرده بلکه گامی به پیش نهاده و به تولید علم در گستره‌ای جدید بپردازد.

در مورد منابع پژوهش لازم است چند مطلب رعایت شود:

- الف) از منابع قدیمی استفاده شود؛ به‌ویژه در مورد لغت و تاریخچه بحث؛
- ب) از منابع جدید غافل نشویم؛ به‌ویژه در مورد استدلال‌ها و دیدگاه‌ها؛
- ج) از همه منابع (کتاب، مقالات، نرم افزارها، پایگاه‌های اینترنتی و...) استفاده شود؛
- د) بین منابع اصیل و دست اول با منابع غیر معتبر و دست چندم تفاوت گذاشته شود.

در هر پژوهش لازم است محقق مهم‌ترین منابع خود را در ابتدا (در طرح تحقیق) و در پایان تحقیق به صورت فنی فهرست نموده و ارائه نماید.

تذکر: بر محقق لازم است رعایت امانت را در نقل مطالب، مدنظر داشته و هرگاه مطلبی کوتاه از منبعی نقل کرد آدرس آن را ارائه نمود و در فهرست منابع نام آن منبع را ذکر کند وگرنه کار او نوعی سرقت علمی به شمار می‌آید. هم‌چنین نقل مطالب زیاد از

کتاب‌های دیگر در نوشتار زبینه نیست؛ برای مثال: نمی‌توان یک فصل کتاب را از منبعی دیگر نقل کرد، مگر آن‌که کتاب با امضای دو یا چند نویسنده منتشر شود.

۱۲. محدودیت‌های پژوهش و پژوهشگر

در هر تحقیق برای هر محقق می‌تواند «محدودیت‌ها» بی‌پیش‌آید که بر پژوهش او اثر گذاشته و پژوهش را ناقص سازد یا به جنبه‌ای خاص بکشد. برای مثال: کمبود منابع، نظرات خاص راهنما و ناظر یا کارفرمای طرح، فضای خاص حاکم بر مرکز علمی یا محیط کشور و جهان و یا لزوم رعایت عقاید خاص یک فرقه مذهبی ممکن است بر پژوهش اثر بگذارد. محقق این‌گونه محدودیت‌ها را در ابتدای پژوهش یادآور می‌شود، تا مخاطب از آنها اطلاع یابد و با توجه به این اطلاعات در مورد اثر داوری کند.

۱۳. سرفصل‌ها

بعد از پرسش و فرضیه تحقیق، مهم‌ترین رکن یک پژوهش سرفصل‌های آن است که بر کل تحقیق اثر می‌گذارد، آن را سامان می‌دهد و شکل نهایی تحقیق را مشخص می‌کند. سرفصل‌های تحقیق، هم‌چون نقشه ساختمان است که در نهایت ساختمان ساخته شده شبیه همان خواهد بود، از این‌رو لازم است:

الف) تمام پیش‌بینی‌های لازم در سرفصل‌ها انجام شود؛

ب) مطالعات کافی درباره موضوع صورت گرفته و آن‌گاه سرفصل‌ها تهیه شوند؛

ج) در مورد سرفصل‌ها با راهنما، مشاور و ناظر مشورت شده، بلکه با صاحب‌نظران آن رشته و متخصصان موضوع نیز رایزنی صورت گیرد؛

د) تغییر سرفصل‌ها در طول تحقیق امری طبیعی است؛ چرا که با افزایش اطلاعات پژوهشگر و تغییر دیدگاه‌های او به‌طور معمول در سرفصل‌ها تغییرات جری صورت می‌گیرد؛ ولی این امر نباید مانع پیشرفت تحقیق و بروز تغییرات اساسی در سرفصل و بازنگری‌های سریع در موضوع شود؛

ه) تعداد فصول معتدل باشد؛ یعنی: حدود پنج تا هفت فصل، متداول است؛ اگر

تعداد فصول خیلی زیاد یا خیلی کم باشد برای محقق مشکل‌زا خواهد شد؛

و) هر موضوع تحقیق به سرفصل‌های خاصی نیاز دارد و این کار نمی‌تواند تقلیدی باشد؛ ولی می‌توان اصول کلی برای حوزه‌های مختلف پیشنهاد کرد. که برخی از آنها عبارتند از:

یک: در هر سرفصل لازم است مقدمه‌ای قبل از فصول در نظر گرفته شود که طرح تحقیق (مراحل سیزده‌گانه فوق) در آن توضیح داده شود.

دو: فصل نخست هر تحقیق «به کلیات» اختصاص می‌یابد که شامل توضیحات قبل از ورود به اصل موضوع پژوهش است؛ از قبیل: مفهوم‌شناسی (معنای لغوی، اصطلاحی، استعمالات قرآنی و حدیثی موضوع)؛ تاریخچه (سیر تاریخی نگارش‌ها، مباحث و دیدگاه‌ها در مورد موضوع). ذکر برخی نکات فرعی نیز لازم است.

سه: معمولاً فصلی در مورد دیدگاه‌ها در نظر گرفته می‌شود و در موارد لزوم، دیدگاه‌های شیعه و اهل سنت، دیدگاه‌های مسلمانان و غیر مسلمانان و یا دیدگاه‌های دانشمندان غرب و شرق، یا ادیان و مذاهب و گرایش‌های مختلف در آن‌جا تقسیم می‌شود.

تذکر: برای بیان دیدگاه‌ها از دو روش نقل قول «مستقیم» (که عین سخن نویسنده در گیومه قرار می‌گیرد و آدرس مستقیم^۱ داده می‌شود) و روش نقل قول «غیر مستقیم» (که مضمون مطالب نویسنده‌ای نقل شده و آدرس غیر مستقیم^۲ داده می‌شود) استفاده می‌گردد.

چهار: معمولاً فصلی برای بیان دلایل موافقان و مخالفان و نیز قائلان به تفصیل فرضیه پژوهش در نظر گرفته می‌شود.

پنج: معمولاً فصلی به مقایسه، بررسی، نتیجه‌گیری و پیشنهادها اختصاص می‌یابد. در پایان هر تحقیق، پس از اتمام فصل، یک بخش الحاقی ضمیمه می‌شود تا در آن جمع‌بندی و نتیجه‌گیری نهایی پژوهش ارائه گردد؛ یعنی: روشن شود که پس از بررسی موضوع، دیدگاه‌ها، دلایل و نتیجه نهایی از نظر مؤلف چیست.

۱. در این مورد نام کتاب و نویسنده و شماره صفحه یا باب می‌آید.

۲. در این مورد با استفاده از علامت «ر.ک.» یا «نک.» به کتاب و صفحه یا سوره و آیه آدرس داده می‌شود.

در پایان پژوهش، چند موضوع جدید پیشنهاد می‌شود که اگر پژوهشگران بعدی خواستند درباره همین موضوع تحقیقات خود را ارائه دهند، بدانند که در چه مواردی از موضوع ابهام و خلاء وجود دارد، تا درباره آنها به پژوهش بپردازند.

این پیشنهادات می‌تواند راهگشای تحقیقات بعدی و تکمیل حلقه‌های دیگر تحقیق باشد. این امر به‌ویژه برای دانشجویانی که قصد پایان‌نامه نویسی دارند بسیار مفید است. شش: در تحقیقات بسیط (مثل قرآن و دموکراسی، قرآن و پلورالیسم، قرآن و آزادی و...) موارد پنج‌گانه فوق در سرفصل‌ها مدنظر است؛ اما در تحقیقات مرکب (مانند بررسی تفسیر تطبیقی آیه تطهیر نزد فریقین و بررسی غدیر در قرآن، حدیث و تاریخ) لازم است که:

نخست: موضوع، تحلیل و تجزیه شده و برای هر جزء آن یک فصل در نظر گرفته شود. برای مثال: در مورد موضوع «غدیر»، فصلی برای بررسی «غدیر در قرآن»، فصلی برای بررسی «غدیر در احادیث» و فصلی برای بررسی «غدیر در تاریخ» در نظر گرفته شود.

دوم: در موضوعات قرآنی که در سنت، احادیث و شأن نزول‌ها مطرح است (مانند موضوع آیه تطهیر) لازم است تا فصلی برای بحث‌های قرآنی، فصلی برای شأن نزول و فصلی برای بررسی روایات آن موضوع در نظر گرفته شود.

سوم: برای موضوعاتی که قید «در نزد فریقین» یا «در قرآن و عهدین» و مانند آنها دارند، لازم است فصلی برای بررسی موضوع در شیعه و فصلی برای بررسی موضوع در مذاهب دیگر در نظر گرفته شود. و هم‌چنین است در مورد قرآن و عهدین.

چهارم: در مواردی که موضوع میان رشته‌ای است (مانند قرآن و اقتصاد، قرآن و سیاست)، یا بین مذاهب و ادیان یا بین قرآن و کتب آسمانی دیگر یا موضوعی بین افراد و کتاب‌های آنهاست (مانند موضوع تأویل از نظر علامه طباطبایی و ابن تیمیه یا بررسی شفاعت در تفسیر المیزان و مفاتیح الغیب) لازم است که فصل خاصی برای معرفی آن علم، دین، کتاب یا شخصیت در نظر گرفته شود یا در فصل کلیات به صورت کامل معرفی شوند.

پنجم: در مواردی که موضوع بحث «روش و مبانی» است (مانند روش تفسیر قرآن به قرآن یا بررسی روش تفسیری علامه طباطبایی رحمته الله در المیزان) علاوه بر

معرفی شخصیت یا کتاب مورد نظر، لازم است در فصل خاصی روش‌های تفسیری معرفی شوند تا جایگاه بحث روشن گردد، هم‌چنین باید در فصلی خاص «نمونه‌ها و مثال‌ها» ارائه شوند.

مثال:

پایان‌نامه کارشناسی ارشد زیر رتبه نخست پایان‌نامه‌های قرآنی کشور را در سال ۱۳۸۵ احراز کرد.

عنوان: مفهوم‌شناسی بطن قرآن از منظر فریقین

دانش‌پژوه: سید حیدر طباطبایی

«فهرست مطالب»

فصل اول: کلیات

الف) طرح تحقیق؛

ب) اهمیت و ضرورت پرداختن به بطن قرآن؛

ج) فواید و آثار بُعد باطنی قرآن کریم؛

د) حکمت بُعد باطنی قرآن کریم؛

ه) بطن قرآن در بستر تاریخ؛

و) مفهوم‌شناسی واژگان مرتبط با بطن:

۱. تفسیر؛

۲. تأویل؛

۳. جری و تطبیقی.

فصل دوم: تحلیل مفهومی بطن قرآن

۱. مفهوم بطن در لغت؛

۲. مفهوم بطن در اصطلاح؛

۳. جمع‌بندی و نظریه.

فصل سوم: دلایل وجود بطن قرآن

۱. آیات؛
۲. روایات (روایات شیعه - روایات اهل سنت)؛
۳. عقل؛
۴. اتفاق دانشمندان فریقین؛
۵. جمع بندی.

فصل چهارم: جایگاه بطن قرآن در تفسیر

۱. جایگاه بطن قرآن در روش های تفسیری؛
۲. جایگاه بطن در تفسیر پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام؛
۳. جمع بندی.

فصل پنجم: دیدگاه های فریقین در مورد بطن قرآن

۱. موافقان:
 - الف) دانشمندان شیعه؛
 - ب) دانشمندان اهل سنت؛
۲. بررسی دلایل مخالفان.

فصل ششم: راهیابی به بطن قرآن

۱. امکان یا عدم امکان راهیابی به بطن قرآن کریم:
 - الف) روایات؛
 - ب) دیدگاه اندیشمندان فریقین؛
 - ج) جمع بندی؛
۲. چگونگی راهیابی به بطن قرآن کریم؛
۳. معیارها و ضوابط بطن قرآن کریم؛
۴. حجیت بطن قرآن کریم.

فصل هفتم: بررسی نمونه‌های روایی بطن قرآن

– خاتمه؛

– فهرست منابع.

تذکر: در این پایان‌نامه «طرح تحقیق» داخل فصل کلیات آمده است؛ اما در برخی از مراکز پژوهشی در فصل مستقل قرار می‌گیرد و در «جامعةالمصطفیٰ ﷺ العالمیة» به عنوان مقدمه، قبل از فصل نخست درج می‌شود.

مرحله بعد از پژوهش

الف) تدوین

بعد از انجام پژوهش، مرحله تدوین مقاله، کتاب، پایان‌نامه، یا رساله فرا می‌رسد که هر کدام نیازمند دستورالعمل خاصی است. برای مثال: برای مقالات علمی – پژوهشی، دستورالعمل‌های خاصی در اول مجلات پژوهشی ارائه می‌شود که رعایت آنها لازم است. هم‌چنین برای تدوین هر کتاب بر اساس هدف خاص نویسنده، ویژگی‌های مخاطبان و کاربرد کتاب، رعایت اصول و ضوابط خاصی لازم است. برای مثال: در تدوین «متون درسی قرآنی» ذکر این موارد در هر فصل لازم است: عنوان درس؛ هدف درس؛ مقدمه؛ تاریخچه؛ واژگان؛ دیدگاه‌ها؛ دلایل و نقد و بررسی آنها؛ نمونه‌ها؛ پرسش‌ها؛ پژوهش‌های جدید، چکیده درس و منابع جهت مطالعه بیشتر؛ اما برای تدوین «پایان‌نامه» و «رساله» موارد دیگری لازم است:

ب) نحوه نگارش پایان‌نامه از لحاظ شکلی^۱

۱. یکی از اهداف ارائه پایان‌نامه، آشنایی با شیوه و اسلوب نگارش و چگونگی تنظیم مطالب یک نوشته علمی است. در این خصوص نمی‌توان تمام مطالب را بیان نمود؛ لکن برای ایجاد هماهنگی بین پایان‌نامه‌ها، ضروری است پژوهشگران برخی از نکات را در حین تنظیم پایان‌نامه رعایت نمایند؛ از جمله هر پایان‌نامه می‌تواند شامل بخش‌های زیر باشد:

۱. در این بخش از «آیین‌نامه پایان‌نامه» مرکز جهانی علوم اسلامی با اصلاحات جزئی استفاده شد.

- صفحه عنوان یا روی جلد (طبق فرمت هر مراکز آموزش و پژوهش)؛
 - صفحه «بسم الله الرحمن الرحيم»؛
 - تقدیم (بر اساس علاقه دانش پژوه به شخصیت‌ها)؛
 - تشکر و قدردانی - بر اساس علاقه دانش پژوه - از اساتید و شخصیت‌ها؛
 - چکیده (حداکثر سیصد کلمه و ترجیحاً در یک صفحه)؛
 - فهرست جدول‌ها (در صورت نیاز)؛
 - فهرست شکل‌ها (در صورت نیاز)؛
 - سایر فهرست‌ها (در صورت نیاز)؛
 - متن اصلی پایان نامه (مشمول بر مقدمه، فصول و نتیجه‌گیری)؛
 - پیشنهادات (شامل مسائلی که می‌توانند موضوع پژوهش‌های بعدی در همین راستا باشند)؛
 - ضمائم؛
 - فهرست منابع و مآخذ؛
 - چکیده به انگلیسی یا زبان دیگر (در صورت نیاز).
- نمونه روی جلد:

جامعة المصطفی ﷺ العالمية

مدرسه عالی امام خمینی ﷺ

گروه علوم قرآن و حدیث

مفهوم‌شناسی بطن قرآن

استاد راهنما:

حجة الاسلام و المسلمین دکتر محمد علی رضایی اصفهانی (زید عزه)

استاد مشاور:

حضرت آية الله معرفت ﷺ

دانش پژوه:

سید حیدر طباطبایی

سال: ۱۳۸۵ ش

هریک از بخش‌های هر فصل با دو شماره که با خط فاصل از یک‌دیگر جدا شده‌اند، مشخص می‌گردد: عدد سمت راست بیانگر شماره فصل و عدد سمت چپ شماره ترتیب بخش مورد نظر است. در صورتی که هر بخش دارای زیر بخش باشد، شماره هر زیر بخش در سمت چپ عدد فوق قرار می‌گیرد. به عنوان مثال اگر «حجیت خبر واحد» دومین زیر بخش از بخش باشد «۷» شماره هر زیر بخش در سمت چپ عدد فوق قرار می‌گیرد؛ به عنوان مثال: اگر «حجیت خبر واحد» دومین زیر بخش از بخش چهارم فصل سوم باشد، به صورت (۳ - ۴ - ۲ - حجیت خبر واحد) نوشته خواهد شد.

ج) شماره‌گذاری شکل‌ها و جدول‌ها

شماره‌گذاری شکل‌ها و جدول‌ها نیز از همان شیوه فوق پیروی می‌کند؛ به عنوان مثال: هفتمین شکل در فصل دوم به صورت شکل (۷-۲) نوشته می‌شود. لازم به ذکر است که شماره‌گذاری شکل‌ها مستقل از جدول‌هاست.

د) شماره‌گذاری ضمایم

ضمایم رساله به حرف ابجد نام‌گذاری می‌شوند. (ابجد، هوز، حطی، کلمن، سعفص، قرشت، تخذ، ضغغ). صفحات هر یک از ضمایم به‌طور مستقل و از عدد یک شماره‌گذاری خواهد شد. شکل‌ها و جدول‌ها موجود در هر ضمیمه نیز با توجه به ضمیمه مربوط شماره‌گذاری خواهند شد؛ به عنوان مثال: دومین جدول در ضمیمه الف به این صورت زیر نوشته می‌شود: (جدول الف - ۲).

هـ) منابع

ذکر منابع می‌تواند به صورت‌های زیر باشد:

- الف) در پایان هر صفحه منبع مورد استفاده درج گردد؛ علاوه بر این که فهرست کامل آنها باید در آخر پایان‌نامه تکرار شود؛
 ب) در پایان هر فصل؛

ج) در آخر پایان‌نامه؛

ارائه منابع در آخر رساله می‌تواند به دو روش صورت گیرد:

نخست: بر حسب شماره؛

دوم: بر حسب نویسنده و سال؛ در این حالت باید نام نویسنده بر حسب حروف

الفبا درج گردد.

هرگاه قسمتی از مطالب یک منبع در بخشی از پایان‌نامه مورد استفاده قرار گیرد، باید منبع مزبور را ذکر نمود. شروع مطالب مورد استفاده و اتمام آن با علامت (") مشخص می‌گردد و بعد از اتمام مطلب مورد نظر منبع استفاده در داخل یک کروشه [] به دو صورت زیر مشخص می‌شود:

الف) شماره منبع؛

ب) نویسنده و سال.

تذکره ۱: نام منبعی که به صورت مستقیم مورد استفاده قرار می‌گیرد باید ذکر شود.

تذکره ۲: در شماره‌گذاری، نخست منابع فارسی و در پی آن منابع عربی و زبان‌های

دیگر شماره‌گذاری می‌شوند.

ج) نحوه ارجاعات منابع استفاده شده در پاورقی و فهرست مآخذ:

در این بخش سعی شده است نمونه‌های مختلف پانویس ارجاعی و نیز شیوه

انعکاس آنها در بخش فهرست مآخذ ذکر شود. در هر نمونه، نخست پانویس و سپس

فهرست مآخذ به ترتیب، با نشانه‌های «پ» و «م» از هم متمایز شده‌اند.

۱. ارجاع کتاب:

۱-۱. با یک نویسنده

پ: یداله ثمره، آواشناسی زبان فارسی (تهران: مراکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۴)، ص ۲۷.

م: ثمره، یداله، آواشناسی زبان فارسی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۴.

۱-۲. با دو نویسنده

پ: حسن تقوی و احمد فیروزنیا، ریاضیات تجربی (تهران: فردوسی، ۱۳۶۵)، ص ۹.

م: تقوی، حسن؛ فیروزنیا، ریاضیات تجربی، (تهران: فردوسی، ۱۳۶۵).

۳-۱. با سه نویسنده

پ: منوچهر قارونی، جواد خوش زبان و زهرا محمدی اردهالی، بیماری‌های ایسمیک قلب (تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۵)، ص ۱۰۱.

م: قارونی، منوچهر، خوش زبان، جواد و محمدی اردهالی، زهرا، بیماری‌های ایسمیک قلب، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۵.

۴-۱. با بیش از سه نویسنده

پ: ابوالحسن فرهودی و دیگران، بیماری‌های نقص ایمنی: تشخیص و درمان، (تهران: علمی، ۱۳۶۵)، ص ۹۵.

م: فرهودی، ابوالحسن و دیگران، بیماری‌های نقص ایمنی: تشخیص و درمان، تهران: علمی، ۱۳۶۵.

۵-۱. بدون نویسنده

پ: اطلس تشریح بدن انسان (تهران: شرکت جغرافیایی و کارنوگرافی ایران، ۱۳۶۵)، ص ۷.

م: اطلس تشریح بدن انسان. تهران: شرکت جغرافیایی و کارنوگرافی ایران، ۱۳۶۵.

۶-۱. کشف نام نویسنده از منبعی دیگر

پ: [شیفته سلطانی شیرازی]، خودآموز کتاب داری، یا چگونه یک کتابخانه کوچک بسازیم (تهران: مرکز خدمات کتابداری، ۱۳۶۰)، ص ۱۷.

۷-۱. اثری با نام مستعار پدید آورنده

پ: مهدی اخوان ثالث [م.امید]، آخر شاهنامه، مجموعه شعر (تهران: مروارید، ۱۳۴۸)، ص ۳۳.

م: اخوان، ثالث، مهدی [م.امید]. آخر شاهنامه، مجموعه شعر، تهران: مروارید، ۱۳۴۸.

۸-۱ سازمان به منزله مؤلف

پ: شرکت سهامی دارو پنخش، دارونامه، [تهران]، (۱۳۶۴)، ص ۴۱.
م: شرکت سهامی دارو پنخش، دارونامه، [تهران]، (۱۳۶۴).

۹-۱. ناظر یا ویرایشگر به منزله مؤلف

پ: نصرالله پور جوادی، ویرایشگر، درباره ویرایش، (تهران، مرکز نشر دانشگاهی، (۱۳۶۵)، ص ۷۵.
م: پور جوادی، نصر الله، ویرایشگر. درباره ویرایش، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۵.

(و) چکیده

چکیده باید حداکثر در دو صفحه و ترجیحاً در یک صفحه نگاشته شده و دارای ویژگی‌های زیر باشد:

(الف) منعکس کننده اصل موضوع باشد؛

(ب) اهداف باید مورد توجه قرار گیرند؛

(ج) از ذکر تاریخچه و روش تحقیق خودداری گردد؛

(د) روی یافته‌ها و اصلاحات جدید، نتایج و پیشنهادات تأکید شود؛

(ه) چنانچه در نگارش پایان‌نامه از روش جدیدی استفاده شده، ذکر گردد.

دوم: قلمرو و بایسته‌های پژوهش‌های قرآنی

مطالعات قرآنی حوزه‌های مختلفی دارد که لازم است پژوهشگر قبل از انتخاب موضوع، حوزه کلی پژوهش خود را انتخاب نموده و در آن حوزه نیز قلمروها و اولویت‌ها را بشناسد تا بتواند پژوهشی بایسته را تشخیص دهد. مهم‌ترین حوزه‌های کلی پژوهش‌های قرآنی دوازده مورد به شرح زیر است:

الف) حوزه علوم قرآنی سنتی

۱. وحی؛
 ۲. تاریخ قرآن؛
 ۳. ناسخ و منسوخ؛
 ۴. محکم و متشابه؛
 ۵. قرائات؛
 ۶. اعجاز قرآن (برخی ابعاد اعجاز قرآن جدید است مثل اعجاز علمی، موسیقی قرآن و...)
 ۷. و ...
- تذکر: لیست کامل این موضوعات را در کتاب‌های علوم قرآن هم‌چون: الاتقان، سیوطی، البرهان، زرکشی، التمهید فی علوم القرآن (معرفت)، می‌توان ملاحظه نمود.

ب) حوزه منطق فهم قرآن

۱. مبانی فهم قرآن؛
۲. قواعد تفسیر قرآن؛
۳. مفسر و شرایط آن؛
۴. مفاهیم بنیادین فهم قرآن، هم‌چون: تفسیر، تأویل، بطن و...؛
۵. زبان قرآن؛
۶. هرمنوتیک؛
۷. قرآن و فرهنگ زمانه؛
۸. زبان‌شناسی؛
۹. نشانه‌شناسی.

ج) حوزه روش‌ها و گرایش‌های تفسیری

۱. روش تفسیر قرآن به قرآن؛
۲. روش تفسیر روایی؛

۳. روش تفسیر اشاری؛
۴. روش تفسیر علمی؛
۵. روش تفسیر عقلی؛
۶. روش تفسیر اجتهادی (جامع)؛
۷. گرایش تفسیر ادبی؛
۸. گرایش تفسیر فقهی؛
۹. گرایش تفسیر کلامی؛
۱۰. گرایش تفسیر فلسفی؛
۱۱. گرایش تفسیر اجتماعی؛
۱۲. و ...

تذکر: روش‌ها و گرایش‌های تفسیر قرآن، به نوعی می‌توانند داخل منطق فهم قرار گیرند.

د) حوزه تفسیر موضوعی

۱. تفاسیر موضوعی درون قرآنی؛
۲. تفاسیر موضوعی برون قرآنی؛
۳. تفاسیر موضوعی میان رشته‌ای.

ه) حوزه تفسیر ترتیبی

۱. تفسیر ترتیبی به ترتیبی به ترتیب مصحف؛
 ۲. تفسیر ترتیبی به ترتیب نزول.
- تذکر: هر یک از این تفاسیر می‌تواند ظاهری، باطنی، تأویلی، روایی، عرفانی و... باشد.

و) حوزه ترجمه قرآن

۱. ترجمه قرآن برای عموم مردم؛
۲. ترجمه قرآن برای کودکان؛

۳. ترجمه قرآن برای فرهیختگان (تخصصی)؛

۴. بررسی مبانی، روش‌ها و قواعد ترجمه قرآن.

ز) حوزه مباحث میان رشته‌ای (قرآن و علوم)

۱. بررسی موضوعات بین قرآن و علوم طبیعی (هم‌چون: کیهان‌شناسی، پزشکی، زیست‌شناسی، زمین‌شناسی و...)

۲. بررسی موضوعات بین قرآن و علوم انسانی (هم‌چون اقتصاد، سیاست، مدیریت، علوم تربیتی و...)

۳. بررسی موضوعات بین قرآن و علوم بین قرآن و فلسفه و کلام؛

۴. بررسی موضوعات بین قرآن و علوم بین قرآن و علوم نقلی (هم‌چون تاریخ و...)

۵. بررسی موضوعات بین قرآن و عرفان.

ح) حوزه مباحث تطبیقی

۱. بررسی مباحث علوم قرآنی بین شیعه و اهل سنت؛

۲. بررسی مباحث تفسیری قرآنی، بین شیعه و اهل سنت؛

۳. بررسی موضوعات و معارف قرآن، بین شیعه و اهل سنت؛

۴. بررسی موضوعات و معارف بین قرآن، عهدین و کتاب‌های مقدس دیگر؛

۵. بررسی مبانی، روش‌ها، گرایش‌ها و قواعد تفسیری بین شیعه و اهل سنت؛

۶. بررسی مبانی، روش‌ها، گرایش‌ها و قواعد تفسیری بین قرآن و کتاب‌های مقدس.

ط) حوزه مباحث قرآن و مستشرقان

۱. بررسی مطالعات علوم قرآنی مستشرقان (هم‌چون: وحی‌پژوهی، تاریخ قرآن، محکم و متشابه، ناسخ و منسوخ و...)

۲. بررسی مطالعات تفسیری و محتوایی قرآن توسط مستشرقان؛

۳. بررسی دائرةالمعارف‌ها و تکنگاری‌های قرآنی مستشرقان؛

۴. بررسی روش‌های جدید مطالعات قرآنی مستشرقان؛
۵. بررسی مراکز قرآن‌شناسی مستشرقان.

ی) حوزه فقه پژوهی قرآن

۱. بررسی آیات الاحکام از منظر مفسران و فقیهان شیعه؛
۲. بررسی آیات الاحکام از منظر مفسران و فقیهان مذاهب اهل سنت؛
۳. بررسی تطبیقی آیات الاحکام از منظر فریقین؛
۴. بررسی تطبیقی آیات الاحکام از نگاه کتاب‌های مقدس.

ک) حوزه ادبیات قرآنی

۱. حوزه نحو (ترکیب آیات)؛
 ۲. حوزه صرف (تجزیه آیات)؛
 ۳. حوزه واژه‌شناسی (مفردات قرآن، غریب‌القرآن و...)
- تذکره ۱: برخی مباحث نشانه‌شناسی جدید با حوزه‌های ادبی تداخل دارند؛ از این‌رو توجه به مباحث نشانه‌شناسی در ادبیات قرآنی لازم است.
- تذکره ۲: برخی موضوعات قرآنی، بارها مورد پژوهش قرار گرفته و نیاز به بازکاوی چندانی نداشته، یا این کار حداقل از اولویت برخوردار نیست؛ مثل مسئله جمع قرآن؛ هر چند که اگر کسی چشم‌انداز و زاویه دید جدیدی در این باره، یا نظریه جدیدی را ارائه کند، می‌تواند خود، موضوع پژوهش تازه‌ای باشد.

سوم: معرفی برخی موضوعات پژوهش قرآنی

- برای شناخت موضوعات قرآنی می‌توان از راه‌های زیر عمل کرد:
- الف) فهرست پایان نامه‌های قرآنی (سه جلد، دکتر نکونام)؛
 - ب) فهرست‌های جامع؛ مانند کتاب‌شناسی جهانی «قرآن کریم» (پارسا)؛
 - ج) فهرست‌های جامع مقالات، مانند فهرست مقالات قرآنی (ده سال)؛
 - د) پرسش از صاحب‌نظران و اساتید قرآنی و مشورت با آنها.

چهارم: معرفی مهم‌ترین منابع پژوهش‌های قرآنی

براساس دوازده حوزه اساسی مطالعات قرآنی، می‌توان منابع آنها را معرفی کرد؛ ولی از آن‌جا که منابع قرآنی بسیار زیاد هستند باید به مهم‌ترین، مشهورترین و معتبرترین آنها اکتفا نمود.

۱. کتاب‌شناسی روش‌ها و گرایش‌های تفسیری

۱. ابومسلم الاصفهانی و منهجه فی التفسیر؛ ابطحی کنیوبی، ابراهیم، المدینة المنورة، رسالة ماجستير من الجامعة الاسلامية، ۱۴۰۵ هـ / ۱۹۸۵ م.
۲. البغوی الفراء و تفسیره للقرآن الکریم؛ محمد ابراهیم شریف، قاهرة، مطبعة المدينة و دارالاسلام، الطبعة الاولى، ۱۴۰۶ ق / ۱۹۸۶ م، ۵۱۵ ص.
۳. البغوی و منهجه فی التفسیر؛ عفاف عبدالغفور حمید، عمان، دارالفرقان، بغداد، مطبعة الارشاد، ۱۴۰۲ ق / ۱۹۸۲ م، ۲۲۴ ص.
۴. اتجاهات التجديد فی العصر الحديث؛ عبدالمجید عبدالسلام المحتسب، بیروت دارالفکر، الطبعة الاولى، ۱۳۹۳ ق / ۱۹۷۳ م، ۳۳۳ ص.
۵. اتجاهات التجديد فی تفسیر القرآن الکریم؛ محمد ابراهیم شریف، قاهره، دار التراث، الطبعة الاولى، ۱۴۰۲ ق / ۱۹۸۲ م، ۷۶۷ ص.
۶. اتجاهات التفسیر فی العصر الحديث؛ عفت محمّد الشرقاوی، قاهرة، رسالة ماجستير من كلية الآداب بجامعة عين الشمس، ۱۳۸۳ ق / ۱۹۶۳ م.
۷. اتجاهات التفسیر فی العصر الحديث فی مصر و سوریه؛ فضل حسن احمد عباس، جامعة الأزهر: رسالة دكتوراه من كلية اصول الدين، ۱۳۹۲ ق / ۱۹۷۲ م.
۸. اتجاهات التفسیر فی القرآن الرابع عشر؛ فهد بن عبدالرحمن بن سليمان الرومی، السعودية، بی تا، ۱۴۰۷ ق / ۱۹۸۶ م، ۳ جلد، ۱۲۳۸ ص.
۹. اتجاهات التفسیر فی مصر فی العصر الحديث؛ عفت محمّد الشرقاوی، قاهرة، رسالة ماجستير من كلية الآداب بجامعة عين الشمس، ۱۳۸۳ ق / ۱۹۶۳ م.
۱۰. اتجاهات فخرالدين الرازی فی تفسیر القرآن؛ فؤاد محمد فهمی، رسالة دكتوراه

- من كلية الآداب بجامعة الاسكندرية، ۱۳۸۴ ق / ۱۹۶۴ م.
۱۱. التفسير الصوفي للقرآن الكريم عند نجم الدين الداية؛ سيدعباس التواب هادي، رسالة دكتوراه من كلية اصول الدين بجامعة أم القرى، ۱۴۰۰ ق / ۱۹۸۰ م.
۱۲. التفسير العلمي للقرآن في الميزان؛ احمد عمر ابوحجر، بيروت، دار قتيبة، الطبعة الاولى، ۱۴۱۱ ق / ۱۹۹۱ م، ۵۶۳ ص.
۱۳. التفسير العلمي للقرآن و تاريخ تطوره؛ محمد على سلامة، القاهرة، مكتبة الأدب، ۱۹۹۱ م، ۱ جلد، ۱۷۰ ص.
۱۴. التفسير القرآني؛ محمد رجب البيومي، القاهرة، المؤسسة العربية الحديثة، ۱۹۸۸ م، ۱ جلد، ۲۰۷ ص.
۱۵. التفسير القرآني و اللغة الصوفية في فلسفة ابن سينا؛ حسن عاصي، بيروت، المؤسسة الجامعية، الطبعة الاولى، ۱۴۰۳ ق / ۱۹۸۳ م، ۳۹۰ ص.
۱۶. التفسير الموضوعي و الفلسفة الاجتماعية في المدرسة القرآنية؛ السيد محمد باقر الصدر، بيروت، الدار العالمية، ۱۴۰۹ ق / ۱۹۸۹ م، ۱۹۲ ص.
۱۷. التفسير النبوي؛ محمد عبدالرحيم محمد، القاهرة، مكتبة الزهراء، الطبعة الاولى، ۱۴۱۳ ق / ۱۹۹۲ م، ۱۵۰ ص.
۱۸. التفسير بالرأى؛ محمد حمد زغلول، دمشق، مكتبة الفارابي و مكتبة الاسد، ۱۹۹۹ م، ۱ جلد، ۴۸۰ ص.
۱۹. التفسير عند اهل البيت عليهم السلام؛ السيد محمد باقر الحكيم، ۵۸ ص.
۲۰. التفسير: معالم حياته، منهجه اليوم؛ امين الخولي تي. قاهره، دارالمعلمين، ۱۳۶۵ ق / ۱۹۹۴ م.
۲۱. التفسير: نشأته، تدرجه و تطوره؛ كارادة قو، مترجم: دائرة المعارف الاسلامية؛ ابراهيم خورشيد، عبدالحميد يونس، حسن عثمان، دارالكتب اللبناني، بيروت، الطبعة الاولى، ۱۹۸۲ م، ۱۰۶ ص.
۲۲. التفسير و التفاسير الحديثة؛ بهاء الدين خرّمشاهي، مترجم: عصام حسن سالم، ۲ جلد، بيروت، دار قتيبة، ۱۴۱۳ ق / ۱۹۳۳ م.

۲۳. التفسیر و المفسرون؛ محمد حسین الذهبی، قاهرة، مكتبة وهبة، ۱۴۰۹ ق / ۳ جلد.
۲۴. التفسیر و المفسرون؛ محمد هادی معرفت، مشهد، الجامعة الرضوية للعلوم الاسلامية، ۱۴۰۹ ق / ۲ جلد.
۲۵. الإتجاهات المنحرفة في تفسير القرآن الكريم دوافعها و دفعها؛ محمد حسين الذهبی، مصر، مكتبة وهبة، سومة ۱۴۰۶ ق / ۱۹۸۶م، دارالاعتصام، ۱۳۹۱ ق / ۱۱۲ ص.
۲۶. اثر القرآن على نهج التفكير النقدي عند ابن تيممة؛ محمود سعيد الكردي، لبيى، الدار الجماهيرية، اول، ۱۳۹۵ ق / ۱۹۸۶ م، ۲۳۰ ص.
۲۷. اثر المترجمات في مناهج التفسير القرآنى حتى نهاية الخامس الهجرى؛ شحات السيد زغلول، رسالة دكتوراه من كلية الآداب بجامعة الاسكندرية، ۱۳۸۸ ق / ۱۹۶۸م.
۲۸. اصول التفسير بين شيخ الاسلام ابن تيمية و بين غيره من المفسرين؛ عبدالله ديريه ابدون، مدينة منورة، رسالة ماجستير من الجامعة الاسلامية، ۱۴۰۵ ق / ۱۹۸۵م.
۲۹. اصول التفسير لكتاب الله المنير؛ خالد عبدالرحمن العك، دمشق، مطبعة فارابى، ۱۳۸۸ ق / ۱۹۶۸ م، بيروت، دارالنفايس، دوّم، ۱۴۰۶ ق / ۱۹۸۶ م، ۴۶۹ ص.
۳۰. اصول التفسير؛ (مجردا عن النقاية)، جلال الدين عبدالرحمن أبى بكر السيوطى، محقق: جلال الدين القاسمى، دمشق، بى تا، ۱۳۳۱ ق / ۱۹۱۱ م.
۳۱. اصول التفسير و قواعده (اصول التفسير لكتاب الله المنير)؛ همان.
۳۲. اضواء على خواطر الشيخ الشعراوى و منهجه فى تفسير القرآن الكريم؛ التندى، قاهره، مكتبة التراث الاسلامى، بى تا، ۱۰۴ ص.
۳۳. اعلام الدراسات القرآنية فى خمسة عشر قرنا؛ مصطفى الصاوى الجوينى، اسكندرية، منشأة المعارف، ۱۹۸۲ م، ۳۸۱ ص.
۳۴. الاسرائيليات فى التفسير و الحديث؛ محمد السيد حسين الذهبى، دارالقلم، بيروت،
۳۵. الاسرائيليات و اثرها فى كتب التفسير؛ رمزى نعاة، دمشق، دارالقلم، بيروت، دارالصياغة، ۱۳۹۰ ق / ۱۹۷۱ م، ۴۳۹ ص.
۳۶. الاضواء القرآنية فى اكتساح الأحاديث الاسرائيلية و تطهير البخارى منها؛ السيد صالح ابوبكر، بى تا، مطابع محرم الصناعية، ۱۹۳۴ ق / ۱۹۷۴ م.

۳۷. الاکسیر فی اصول التفسیر؛ أبو الطیب محمد صدیق خان بن السید حسن القنوجی الهندی.
۳۸. الاکسیر فی علم التفسیر؛ الطوفی سلیمان بن عبدالقری بن عبدالکریم الصرصی البغدادی، مصر، مكتبة الآداب، بی تا، ۳۷۶ ص.
۳۹. الواحدی و منهجه فی التفسیر؛ جودة محمد مهدي المهدي، مصر، وزارة الأوقاف المجلس الاعلی للشؤون الاسلامیة، بی تا، ۴۵۶ ص.
۴۰. الهدی إلى منهج أهل البيت فی تفسیر القرآن؛ محقق السید حسین التقوی الدهاقانی، بی جا، بی تا، ۱ جلد، ۵۵ ص.
۴۱. اهل بیت (علیهم السلام) و تفسیر قرآن؛ گروه تفسیر بنیاد فرهنگی باقرالعلوم (علیهم السلام)، قم بی تا، ۱۳۷۰ ش، (کتابخانه فرهنگ و معارف قرآن، قم، ۱ جلد).
۴۲. بحوث فی اصول التفسیر و مناهجه؛ فهد بن عبدالرحمن بن سلیمان الرومی، ریاض، مكتبة التوبة، الطبعة الاولى، ۱۴۱۳ ق / ۱۸۶ ص.
۴۳. بحوث فی تفسیر القرآن الکریم؛ (تاریخه، اتجاهاته و مناهجه) محمد ابراهیم شریف، قاهرة، مطبعة المدينة و دارالسلام، ۱۴۰۶ ق / ۱۹۸۶ م.
۴۴. بحوث فی تفسیر القرآن؛ جمال الدین عیاد، قاهرة، دارالجمالی، ۱۳۸۷ ق / ۱۹۶۷، بیروت، دارالفکر، ۱۳۹۸ ق / ۱۹۷۸ م.
۴۵. بحوث و حوارات قرآنیة؛ (الاتجاهات الموضوعی و التجزیئی فی تفسیر القرآن)، السید محمدباقر الصدر، بیروت، الدار العالمیة، ۱۴۱۴ ق / ۱۹۹۳ م، ۲۲۴ ص، از صفحه ۴۳ تا ۶۶۱.
۴۶. بین ابي حیان و الزمخشري؛ يحيى الشاوي المغربي، مخطوط بالازهر، رقم ۱۲۵۴، رافعی ۲۶۶۴۱.
۴۷. بین الشيعة و السنة دراسة مقارنة فی التفسیر و اصوله؛ علی السالوس، قاهرة، مكتبة ابن تيمية و دارالاعتصام، بی تا، ۳۱۶ ص.
۴۸. پیام قرآن؛ آية الله ناصر مكارم شيرازي، قم، انتشارات نسل جوان، ۱۳۷۹ ش، جلد اول (مقدمه‌ای در روش تفسیر موضوعی و روش‌های تفسیر قرآن).

۴۹. تاریخ التفسیر؛ قاسم القیسی، بغداد، مكتبة المجمع العراقي، ۱۳۸۵ ق / ۱۹۹۶ م، ۱۷۹ ص.
۵۰. تاریخ القرآن و التفسیر؛ عبدالله محمود شحاته، مصر، الهيئة المصرية العامة للكتاب، ۱۳۹۲ ق / ۱۹۷۲ م، ۱۹۸ ص.
۵۱. تاریخ تفسیر القرآن الکریم؛ حبیب الله جلالیان، مصحح محمد رضا آشتیانی، تهران، انتشارات اسوه، ۱۳۷۲ ش، ۱ ج، ۲۳۶ ص.
۵۲. تاریخ تفسیر و مفسرین (اردو)؛ غلام احمدیری (پاکستانی)، لاهور، ملک سنز، ۱۹۸۴ م، ۷۳۲ ص.
۵۳. تاریخ و روش تفسیر در قرآن؛ سید محمدحسین طباطبایی، تهران، بنیاد فرهنگی امام رضا علیه السلام، ۱۳۶۱ ش، ۱ جلد، ۲۲ ص.
۵۴. تأملات قرآنیة؛ (بحث منهجی فی علوم القرآن الکریم)، موسی ابراهیم الابراهیم، عمان (اردن)، دار عمار، الطبعة الاولى، ۱۴۰۹ ق / ۱۹۸۹ م، ۲۲۶ ص از ۷۲ تا ۱۰۰.
۵۵. تحقیق حول ابن عباس و مكانته فی التفسیر و المعارف الاخری؛ سید محمد باقر حجتی، بیروت، دارالروضة، اول، ۱۴۱۰ ق / ۱۹۹۰ م، ۲۲۲ ص.
۵۶. تحقیق درباره شخصیت ابن عباس و روش تفسیر او؛ سید ابراهیم میرباقری، پایان نامه دکتری از تهران، دانشکده الهیات و معارف قرآن، بی تا، ۳۷۹.
۵۷. تحقیق در تفسیر ابوالفتح رازی؛ عسگر حقوقی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۴ ش، ۲۵۰ ص.
۵۸. ترجمه و تحقیق بخشی از کتاب مذاهب التفسیر الاسلامی؛ گلذیهر، مترجم و محقق، اسماعیل نذریان، پایان نامه فوق لیسانس از دانشگاه تهران، دانشکده الهیات، ۱۳۵۴ ش، ۱۲۴ ص.
۵۹. ترجمه و تحقیق کتاب المبادئ العامة لتفسیر القرآن؛ محمد حسین علی الصغیر، مترجم: محسن مشعل، پایان نامه کارشناسی ارشد از دانشگاه تهران، بی تا، ۱۵۳ ص.
۶۰. ترجمه الفوز الکبیر فی اصول التفسیر؛ احمد شاه ولی الله الدهلوی، مترجم: محمد مثیر الدمشقی، دمشق، دارقتیبة، ۱۴۰۹ ق / ۱۳۰ ص.

۶۱. تطوّر تفسیر القرآن؛ محسن عبدالحمید، بغداد، جامعة بغداد، بیت الحکمة، بی تا، ۲۴۸ ص.
۶۲. تفسیرات ابن عباس الصحیحة فی الثلثین الخیرین من القرآن الکریم؛ آدم محمد علی، رساله دکوتراه من الجامعة الاسلامیة فی المدینة.
۶۳. تفسیرات حدیثة لقرآن المسلمین؛ بیلجون ج.م.س، لیدن بریل، ۱۳۸۱ ق / ۱۹۶۱ م.
۶۴. تفسیر الصحابة؛ مميزات، خصائصه، مصادر و قيمته العملية؛ محمد عبدالرحیم، قاهرة، مكتبة التراث الاسلامی، بی تا، ۱۱۸ ص.
۶۵. تفسیر القرآن الکریم اصوله و ضوابطه؛ علی بن سلمان العیید، ریاض، مكتبة التوبة، ۱۴۱۸ ق / ۱ جلد.
۶۶. تفسیر القرآن بالقرآن، عند اهل البيت عليهم السلام؛ خضیر جعفر، قم دارالقرآن الکریم، ۱۳۷۰ ش، ۱ جلد، ۳۰ ص.
۶۷. تفسیر القرآن بالقرآن عند العلامة الطباطبائی؛ خضیر جعفر، قم، دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۱ ق / ۴۰۰.
۶۸. تفسیر المعتزلة للقرآن الکریم، تاریخه و منهجه؛ محمود کامل احمد عبدالمنعم، مدینة منورة، رساله ماجستير من كلية الآداب بجامعة عين الشمس، ۱۳۹۳ ق / ۱۹۷۳ م.
۶۹. تفسیر به رأی و هرج و مرج ادبی؛ ناصر مکارم شیرازی، قم، مؤسسه مطبوعاتی هدف، بی تا، ۱ جلد، ۹۴ ص.
۷۰. تفسیر روحانی؛ محمدعلی لسانی فشارکی، تهران، مؤسسه چاپ و نشر عروج، ۱۳۷۶ ش، ۱ جلد، ۳۰۸ ص.
۷۱. تفسیر علمی قرآن؛ ناصر رفیعی محمدی، انتشارات فرهنگ گستر، ۱۳۷۹ ش، ۲ جلد.
۷۲. تفسیر کلامی قرآن مجید؛ محمد حسین روحانی، تهران، انتشارات توس، اوّل، ۱۳۷۰ ش، ۳۴۷ ص.
۷۳. تفسیر و تفاسیر جدید؛ بهاءالدین خرّمشاهی، تهران، انتشاران کیهان چاپ، اوّل، ۱۳۶۴ ش، ۲۳۸ ص.
۷۴. تفسیر به رأی؛ حسن عاشوری لنگرودی، پایان نامه کارشناسی ارشد / تربیت مدرس قم.

۷۵. تفسیر فتاده، دراسة للمفسر و مهنج تفسیره؛ عبدالله ابوالسعود بدر، قاهرة، عالم الكتب، ۱۳۹۹ ق / ۱۹۷۹ م، ۱۳۵ ص.
۷۶. جلوه تفسیری باطنیه؛ علی اکبر اسماعیلی، اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۷۵ ش، ۱ جلد، ۱۱۳ ص.
۷۷. درآمدی بر تفسیر علمی قرآن؛ محمد علی رضائی اصفهانی، قم، انتشارات اسوه، ۱۳۷۵ ش، ۱ جلد، ۵۱۵.
۷۸. دراسات فی التفسیر و المفسرون؛ عبدالقهار داود العانی، بغداد، مطبعة رسعد، ۱۹۸۷ م، ۱ جلد، ۲۳۴.
۷۹. روش شناسی تفسیر قرآن؛ بابائی و دیگران، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه.
۸۰. روش ها و گرایش های تفسیری؛ حسین علوی مهر، انتشارات اسوه، سال ۱۳۸۱ ش.
۸۱. روش های تفسیر قرآن؛ جعفر نکونام، بی جا، بی نا، ۱۳۷۵ ش، ۱ جلد، ۱۳۵ ص.
۸۲. روش های تفسیر قرآن؛ سید جعفر سجادی، تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۴۰۱ ق / ۱ جلد، ۱۲۵ ص.
۸۳. روش های تفسیر قرآن؛ سیدرضا مؤدب، انتشارات اشراق، ۱۳۸۰ ش، قم.
۸۴. الراغب الاصفهانی و جهوده فی اللغة و الادب؛ عمر عبدالرحمن الساریسی، اردن (عمان) مکاتبه الاقصی، ۱۴۰۷ ق / ۱۹۸۷ م، ۲۹۸ ص از ص ۲۰۳ تا ۲۲۶.
۸۵. شناخت جریان علمی نگری به قرآن (روش تفسیر علمی)؛ فروغ پارسا، تهران، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۲ ش، ۱ جلد، ۳۴۹ ص.
۸۶. صوفیه، مکتب و روش آنها در تفسیر؛ سید نورالدین ابطحی، بی جا، بی نا، بی تا، ۱ جلد، ۱۶۴ ص.
۸۷. ظاهرة التفسیر العلمی للقرآن الکریم؛ خلیل ابراهیم ابوذیاب، عمان، دارعمّار، ۱۹۹۹ م، ۱ جلد، ۳۷۶ ص.
۸۸. قانون تفسیر؛ سید علی کمالی دزفولی، تهران، انتشارات کتابخانه صدر، ۱۳۹۶ ق / ۱ جلد، ۴۹۵ ص.
۸۹. قرآن پژوهی؛ (هفتاد بحث و تحقیق قرآنی)، بهاءالدین خرّمشاهی، تهران، نشر

فرهنگ، مشرق، چاپ اول، ۱۳۷۲ ش، ۸۲۶ ص، از ص ۱۳۹ تا ۳۲۰.

۹۰. قصّة التفسیر؛ احمد الشریباص، بیروت، دارالجلبل، ۱۹۸۸ م، ۱ جلد، ۱۷۲ ص.

۹۱. قواعد التفسیر؛ محمد بن ابراهیم بن علی المرتضی الیمانی، مخطوط فی

التیموریة، رقم ۵۸۷.

۹۲. القرآن و التفسیر؛ عبداللّه محمود شحاته، مصر، الهيئة المصرية العامة، ۱۳۹۴ ق /

۱ جلد، ۲۸۳ ص.

۹۳. القواعد الحسان لتفسیر القرآن؛ عبدالرحمان بن ناصر السعدی، السعودية، دارابن

الجوزیة، الطبعة الاولى، ۱۴۱۳ ق / ۱۹۹۳ م، ۱۷۶ ص.

۹۴. القول المختصر المبين فی مناهج المفسرین؛ أبو عبداللّه محمود الحمود النجدی،

کویت، مكتبة دارالامام الذهبي، الطبعة الاولى، ۱۴۱۲ ق / ۱۰۹ ص.

۹۵. كيف نفهم القرآن، دراسة فی مذاهب التفسیر و اتجاهاتها؛ كامل موسى على

دحروج، بیروت؛ دارالمحروسة، ۱۴۱۲ ق / ۱۹۹۲ م، ۳۳۴ ص.

۹۶. لمحات فی علوم القرآن واتجاهات التفسیر؛ محمد الصباغ، بیروت، المكتب

الاسلامی، ۱۳۹۴ ق / ۱۹۷۴ م، ۲۴۰ ص.

۹۷. مباحث فی التفسیر الموضوعی؛ مصطفى مسلم، دمشق، دارالقلم، اول، ۱۴۱۰ ق /

۱۹۸۹ م، ۳۷۳ ص.

۹۸. مبادئ التفسیر؛ محمد الخضر می الدمیاطی، دمشق، دار البصائر، ۱۴۰۱۴ ق /

۱۹۸۴ م، بی جا، مطبعة النيل، ۱۳۲۱ ق / ۱۹۰۵ م.

۹۹. مبانی و روش های تفسیر قرآن؛ عباسعلی عمید زنجانی، تهران، وزارت فرهنگ و

ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۶ ش، ۱ جلد، ۳۴۳ ص.

۱۰۰. مبانی و روش های تفسیری؛ محمد کاظم شاکر، انتشارات مرکز جهانی علوم

اسلامی، ۱۳۸۲ ش.

۱۰۱. متد تفسیر قرآن به قرآن؛ ابوالفضل بهرامپور، تهران، انتشارات اسلامی، چاپ دوم،

۱۳۶۰ ش، ۱ جلد، ۷۷ ص.

۱۰۲. مدارس التفسیر القرآنی؛ مصطفى الصاوی الجوینی، اسکندریة، دار المعرفة

الجامعیة، ۱۹۹۲ م، ۲۹۷ ص.

۱۰۳. مقدمات تفسیر القرآن؛ نهضت زنان مسلمان، تهران، ۶۸ ص.
۱۰۴. مقدمة فی اصول التفسیر؛ تقی الدین احمد بن عبدالحلیم بن تیمیة، محقق: عدنان زرزور، بیروت، دارالقرآن الکریم، الطبعة الاولى، ۱۳۹۱ ق / ۱۹۷۱ م، ۱۳۷ ص.
۱۰۵. مقدمة فی اصول التفسیر؛ تقی الدین احمد بن عبدالحلیم بن تیمیة، محقق: محمود محمد محمود نصّار، بغداد، دارالتربیة، بی تا، ۱۱۲ ص.
۱۰۶. مکاتب تفسیری؛ علی اکبر بابایی، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۱ ش.
۱۰۷. مکاتب و روش های تفسیری؛ واعظ زاده خراسانی، (جزوهٔ جامعهٔ الزهراء قم)، ۳۸ ص.
۱۰۸. مناهج المفسّرين من العصر الأوّل إلى العصر الحديث؛ محمود النقراشی، السید علی، ریاض، مكتبة النهضة، الطبعة الاولى، ۱۴۰۷ م، ۳۳۴، ۲۱۹ ص.
۱۰۹. مناهج المفسّرين؛ منیع عبدالحلیم محمود، قاهرة، دارالکتاب المصری، بیروت، دارالکتاب اللبنانی، الطبعة الاولى، ۱۹۸۷ م، ۳۳۴.
۱۱۰. مناهج فی التفسیر؛ مصطفى الصاوی الجوینی، اسکندریة، منشأة المعارف، الطبعة الاولى، ۱۹۸۰ م. ۲۷۸، ۳۳۴ ص.
۱۱۱. مناهج فی تحلیل النظم القرآنی؛ منیر سلطان، اسکندریة، منشأة المعارف، بی تا، ۳۴۷ ص.
۱۱۲. منهج ابن عطیة فی تفسیر القرآن الکریم؛ عبدالوهاب فاید، قاهرة، الهيئة العامة لشؤون المطابع الامیریة، ۱۳۹۳ ق / ۱۹۷۳ م، ۴۱۱ ص.
۱۱۳. منهج الإمام الخمينی فی التفسیر؛ عبدالسلام زین العابدین، قم، مسجد اهل البيت شهید صدر، بی تا، ۱ جلد، ۱۱۱ ص.
۱۱۴. منهج الامام محمد عبده فی تفسیر القرآن الکریم؛ (دراسة موضوعية لجهود ابن القيم التفسیریة) صبری المتولی، قاهرة، دارالثقافة و النشر و التوزیع، ۱۹۸۶ م، ۱ جلد، ۴۶۹ ص.
۱۱۵. منهج الزمخشري فی تفسیر القرآن و بیان اعجازہ؛ مصطفى الصاوی الجوینی، قاهرة، دارالمعارف، ۱۹۵۹ م، ۳۰۵ ص.
۱۱۶. منهج الطبرسی فی تفسیره مجمع البیان؛ عبدالزهرة کاظم سمحاق الحجاج،

- رسالة ماجستير من مجلس كلية الفقه في جامعة الكوفة، ۱۴۱۰ ق / ۱۹۸۹ م، ۳۴۱ ص.
۱۱۷. منهج الطوسي في تفسير القرآن؛ محمد حسن آل ياسين، عراق، كاظمية، بی تا، ۴۲ ص.
۱۱۸. منهج المدرسة العقلية الحديثة في التفسير؛ فهد بن الرحمن بن سليمان الرومي، بيروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۷ ق / ۲ جلد در ۱ مجلد، ۸۸۶ ص.
۱۱۹. منهج تفسیری اهل بیت عليهم السلام؛ محمد شريفاني، قم، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد تربیت مدرس قم، ۱۳۷۳ ش، ۱ جلد، ۲۶۸ ص.
۱۲۰. موقف الامام ابن كثير من الاسرائيليات في موضوع التفسير؛ محمد ابراهيم تراوري، رسالة ماجستير من الجامعة الاسلامية بمدينة المنورة، بی تا.
۱۲۱. موقف صاحب المنار من المفسرين؛ محسن عبدالحميد، بغداد، مطبعة المعارف.
۱۲۲. الامام الشوكاني مفسران؛ محمدحسن بن احمد الغماري، السعودية، دارالشروق، الطبعة الاولى، ۱۴۰۱ ق / ۱۹۸۱ ن، ۳۵۷ ص.
۱۲۳. الامام القرطبي شيخ ائمة التفسير؛ مشهور حسن محمود سلمان، دمشق، دارالقلم، الطبعة الاولى، ۱۴۱۳ ق / ۱۹۹۳ م، ۲۶۱ ص.
۱۲۴. الامام محمد بن عبده و منهجه في التفسير؛ عبدالغفار عبدالرحيم، القاهرة، المركز العربي للثقافة و العلوم، بی تا، القاهرة، دارالانصار، ۱۴۰۲ ق / ۱۹۸۱ م، ۴۲۳ ص.
۱۲۵. المبادئ لتفسير القرآن الكريم؛ محمد حسين على الصغير، بيروت، المؤسسة الجامعية للمدرسات، بی تا، ۱۹۰ ص.
۱۲۶. المحاکمة بين أبي حيان و الزمخشري و ابن عطية؛ يحيى الشاوي الفاسي المغربي، مخطوط، بالأزهر، رقم ۱۲۵۴.
۱۲۷. المذاهب الإسلامية في تفسير القرآن؛ گلديهر، مترجم: على حسن عبدالقهار، القاهرة، مطبعة العلوم، ۱۳۶۳ ق / ۱۹۹۴ م، ۱۸۳ ص.
۱۲۸. المفسرون حياتهم و منهجهم؛ سيدمحمد على ايازي، تهران، نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي، ۱۴۱۴ ق.
۱۲۹. المنهج البياني في تفسير القرآن الكريم؛ كامل على سعفان، مصر، مكتبة الانحلو، الطبعة الاولى، ۱۹۸۱ م، ۵۰۸ ص.

۱۳۰. المنهج الحرکي، فی ظلال القرآن؛ صلاح عبدالفتاح الخالدي، جده دار المنارة، اول، ۱۴۰۶ ق / ۱۹۸۶ م، ۴۷۱ ص.
۱۳۱. النظم القرآنی فی کشف الزمخشری؛ درویش الجندی، مصر، دار النهضة، ۱۹۶۹ م، ۲۶۲ ص.
۱۳۲. نحو منهج لتفسیر القرآن؛ محمد الصادق عرجون، ریاض، دارالسعودیة، ۱۳۹۷ ق / ۱۹۷۷ م.
۱۳۳. نخستین مفسران پارسی نویس؛ موسی درودی، تهران، انتشارات نور فاطمة علیها السلام، ۱۳۶۲ ش، ۲۳۱ ص.
۱۳۴. نشأة التفسیر و اتجاه تطوره؛ احمد خليل، رسالة ماجستير من كلية الآداب بجامعة القاهرة، ۱۳۶۶ ق / ۱۹۴۷ م، ۳۶۷.
۱۳۵. نظرية تفسیر النصوص المدنیة؛ محمد شریف احمد، بغداد، وزارت الاوقاف و الشؤون الدينية، ۱۴۰۲ ق / ۱۹۸۲ م، ۳۶۷.
۱۳۶. هزار سال تفسیر فارسی (سیری در متون کهن تفسیری پارس)؛ سید حسن سادات ناصری، منوچهر دانش پژوه، تهران، نشر البرز، چاپ اول، ۱۳۶۹ ش، ۸۱۰ ص.
۱۳۷. همان؛ همو، مترجم: عبدالحلیم النجار، مصر، مكتبة الخانجي، ۱۳۷۴ ق / ۱۹۹۵ م، ۴۱۸ ص.
۱۳۸. یادنامه طبری؛ (به مناسبت ۱۱۰۰ سالگرد در گذشت طبری)، جمعی از دانشمندان، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۹ ش، ۷۵۳ ص.

۲. کتاب شناسی تفسیر (مهم ترین و مشهورترین کتب تفسیر)

۱. البیان فی تفسیر القرآن، سید ابوالقاسم الخوئی، قم، المطبعة العلمية، ۱۳۹۴ ق.
۲. التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، حسن مصطفوی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۵ ش.
۳. التفسیر الاثری الجامع، محمد هادی معرفت، الطبعة الاولى مؤسسة التمهيد، قم، ۱۳۸۳ ش.
۴. التفسیر المنسوب الی الامام الی محمد الحسن بن علی العسكري علیه السلام، قم، مؤسسة

- الامام المهدي (عج)، ۱۴۰۹ ق، (۱ جلد).
۵. التفسير لكتاب الله المنير، محمد الكرمي، قم، مطبعة العلمية، ۱۴۰۲ ق، (۷ جلد).
۶. التفسير و المفسرون في ثوبه القشيب، محمد هادي معرفة، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۴۱۸ ق.
۷. الدرّ المنتور في تفسير المأثور، جلال الدين عبدالرحمن ابن ابی بکر السيوطی، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۴ ق.
۸. الضوء و اللون في القرآن الكريم، نذیر حمدان، دمشق - بیروت، دار ابن کثیر، ۱۴۲۲ ق.
۹. تفسير آسان (منتخب از تفاسیر معتبر)، محمدجواد نجفی، تهران، کتاب فروشی اسلامیة، چاپ اول، ۱۳۶۴ ش، (۱۵ جلد).
۱۰. تفسير اثني عشری، حسین بن احمد الحسيني الشاه عبدالعظيمی، (م ۱۳۸۴ ق.)، تهران، انتشارات میثاق، چاپ اول، ۱۳۶۴ ش، (۱۴ جلد).
۱۱. تفسير احسن الحديث، سيد علي اكبر قرشي، تهران، واحد تحقیقات اسلامی بنیاد بعثت، ۱۳۶۶ ش، (۱۲ جلد).
۱۲. تفسير اطيب البيان في تفسير القرآن، سيد عبدالحسين طيب (م ۱۴۱۱ ق.)، تهران، انتشارات اسلام، چاپ سوم، ۱۳۶۶ ش، (۱۴ جلد).
۱۳. تفسير البرهان في تفسير القرآن، سيد هاشم حسيني البحراني، قم، دارالکتب العلمية، ۱۳۳۴ ش.
۱۴. تفسير التبيان في تفسير القرآن، ابو جعفر محمد بن الحسن علي الطوسي (م ۴۶۰ ق.)، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۹ ق، (۱۰ جلد).
۱۵. تفسير الجديد في تفسير القرآن الكريم، شيخ محمد السبزواری النجفی (م ۱۴۱۰ ق.)، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۲ ق، (۷ جلد).
۱۶. تفسير الجواهر الثمين في تفسير الكتاب المبين، سيد عبدالله شبر (م ۱۲۴۲ ق.)، کویت، مکتبة الالفين، ۱۴۰۷ ق، (۶ جلد).
۱۷. تفسير الحبري، ابو عبدالله الكوفي الحسين بن الحكم بن مسلم الحبري، (م ۲۸۶ ق.)، بیروت، مؤسسة آل البيت لاحياء التراث، ۱۴۰۸ ق، (۱ جلد).

۱۸. تفسیر العیاشی، محمد بن مسعود ابن عیاش السلمی قندی المعروف بالعیاشی، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۱۱ ق.
۱۹. تفسیر الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنة، محمد صادقی تهرانی، تهران، انتشارات فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۰۶ ق، (۳۰ جلد).
۲۰. تفسیر القرآن الکریم (تفسیر شبر)، سید عبدالله شبر (م ۱۲۴۲ ق.)، بیروت، دارالبلاغه للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۱۲ ق، (۱ جلد).
۲۱. تفسیر القرآن الکریم، سید مصطفی خمینی (م ۱۳۹۷ ق.)، تهران، چاپخانه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۲ ش، (۴ جلد).
۲۲. تفسیر القرآن الکریم، صدرالمأهلین محمد بن ابراهیم صدرالدین شیرازی، (م ۱۰۵۰ ق.)، قم، انتشارات بیدار، چاپ دوم، ۱۳۶۶ ش، (۷ جلد).
۲۳. تفسیر الکاشف، محمدجواد مغنیه (م ۱۴۰۰ ق.)، بیروت، دارالعلم للملایین، چاپ سوم، ۱۹۸۱ م، (۷ جلد).
۲۴. تفسیر المعین، مولی نورالدین محمد بن مرتضی کاشانی (م بعد ۱۱۱۵ ق.)، قم.
۲۵. تفسیر المنار (تفسیر القرآن الحکیم)، محمد رشید رضا، بیروت، دارالمعرفة، الطبعة الثانية.
۲۶. تفسیر المیزان فی تفسیر القرآن، محمدحسین طباطبائی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، بی تا، چاپ دوم.
۲۷. تفسیر الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز، علی بن الحسین بن ابی جامع العاملی (م ۱۱۳۵ ق.)، قم، دار القرآن الکریم، ۱۴۱۳ ق، (۱ جلد).
۲۸. تفسیر انوار العرفان فی تفسیر القرآن، ابوالفضل داورپناه، تهران، انتشارات صدر، ۱۳۷۵ ش، (۹ جلد).
۲۹. تفسیر انوار درخشان در تفسیر قرآن، سید محمد حسینی همدانی، تهران، کتابفروشی لطفی، ۱۳۸۰ ق، (۱۸ جلد).
۳۰. تفسیر بیان السعادة فی مقامات العباد، حاج سلطان محمد الجنابذی ملقب به سلطان علیشاه (م ۱۳۲۷ ق.)، تهران، مطبعه دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۴۴ ش، (۴ جلد).

۳۱. تفسیر پرتوی از قرآن، سید محمود طالقانی (م ۱۳۵۸ ش). تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۶ ش، (۶ جلد).
۳۲. تفسیر تسنیم (تفسیر قرآن کریم)، عبدالله جوادی آملی، مرکز نشر اسراء، قم، ۱۳۸۰ ش.
۳۳. تفسیر تقریب القرآن الی الاذهان، السید محمد الحسینی الشیرازی، بیروت، موسسه الوفاء، ۱۴۰۰ ق، ۳۰ جلدی در (۱۰ جلد).
۳۴. تفسیر الثعلبی (الکشف و البیان)، احمد بن محمود الثعلبی (م ۴۲۷ ق). بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ ق.
۳۵. تفسیر جامع، سید ابراهیم بروجردی، تهران، انتشارات صدر، چاپ سوم، ۱۳۴۱ ش، (۷ جلد).
۳۶. تفسیر جلاء الاذهان و جلاء الاحزان (تفسیر گازر)، ابوالمحاسن حسین بن حسن جرجانی (م، اواخر قرن نهم)، تهران، چاپخانه دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۳۷ ش، (۱۰ جلد).
۳۷. تفسیر جوامع الجامع، ابوعلی الفضل بن الحسن الطبرسی (م ۵۴۸ ق). تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۴۱۲ ق.
۳۸. تفسیر حجة التفاسیر و بلاغ الاکسیر (تفسیر بلاغی)، سید عبدالحجة بلاغی، قم، چاپ حکمت، چاپ اول، ۱۳۴۵ ش، (۱۰ جلد).
۳۹. تفسیر خسروی، شاهزاده علیرضا میرزا خسروانی (م ۱۳۸۶ ق). تهران، چاپ اسلامیة، ۱۳۹۷ ق، (۸ جلد).
۴۰. تفسیر راهنما، اکبر هاشمی رفسنجانی و جمعی از محققان مرکز فرهنگ و معارف قرآن، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، چاپ سوم، ۱۳۷۹ ش.
۴۱. تفسیر روان جاوید در تفسیر قرآن مجید، میرزا محمد تقی تهرانی، تهران، انتشارات برهان، چاپ دوم، بی تا، (۵ جلد).
۴۲. تفسیر روشن، حسن مصطفوی، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۷۴ ش، (۲ جلد).
۴۳. تفسیر روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ابوالفتح الرازی، (م ۵۵۲ ق). مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی ۱۳۷۴ ش، (۱۴ جلد).

۴۴. تفسیر سوره حمد، روح الله موسوی خمینی رحمته، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۱ ش، چاپ هفتم.
۴۵. تفسیر شریف لاهیجی، بهاءالدین محمد، شیخ علی شریف لاهیجی، (م ۱۰۸۸ ق.)، تهران، موسسه مطبوعاتی علمی، ۱۳۶۳ ش، (۴ جلد).
۴۶. تفسیر صافی، فیض کاشانی، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۲ ق، چاپ دوم.
۴۷. تفسیر عاملی، ابراهیم عاملی، مشهد، کتاب فروشی باستان و تهران، کتابخانه صدوق، ۱۳۶۳ ش، (۸ جلد).
۴۸. تفسیر علی بن ابراهیم القمی، (م حدود ۳۰۷ ق.)، قم، موسسه دارالکتاب للطباعة و النشر، چاپ سوم، (۲ جلد).
۴۹. تفسیر فرات الکوفی، ابوالقاسم فرات بن ابراهیم بن فرات الکوفی (اواخر قرن سوم هجری) تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۰ ق.
۵۰. التفسیر القرطبی، (الجامع لاحکام القرآن) محمد بن احمد القرطبی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۶ ق.
۵۱. التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، فخرالدین الرازی، بیروت، دارالکتب الاسلامیه.
۵۲. تفسیر کشاف عن حقائق غوامض التنزیل، محمود بن عمر الزمخشری، بیروت، ادب الحوزة، دارالمعرفة، دارالکتب، ۱۴۰۰ ق.
۵۳. تفسیر کشف الحقائق عن نکت الایات و الدقائق، محمد کریم العلوی الحسینی الموسوی، تهران، حاج عبدالمجید - صادق نوبری، چاپ سوم ۱۳۹۶ ق، (۲ جلد).
۵۴. تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، محمد بن محمدرضا القمی المشهدی، (قرن ۱۲ هجری) تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۶ ش، (۱۴ جلد).
۵۵. تفسیر مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ابوعلی الفضل بن الحسن الطبرسی (امین الاسلام)، تهران، المكتبة الاسلامیه، ۱۳۹۵ ق.
۵۶. تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن (کنز العرفان)، بانوی اصفهانی (امین اصفهانی): م ۱۴۰۴ ق.) تهران، نهضت زنان مسلمان، ۱۳۶۱ ش، (۱۰ جلد).

۵۷. تفسیر مقتنیات الدرر و ملتقطات الثمر، سیدعلی الحائری الطهرانی (م ۱۳۴۰ ق.). تهران، دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۲۷ ش، (۱۲ جلد).
۵۸. تفسیر من وحی القرآن، محمدحسین فضل الله، دار الزهراء، بیروت، ۱۴۰۵ ق.
۵۹. تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین، ملافتح الله کاشانی (م ۹۹۸ ق.). تهران، کتابفروشی اسلامیة، چاپ دوم، ۱۳۴۴ ش، (۱۰ جلد).
۶۰. تفسیر من هدی القرآن، سید محمدتقی مدرس، بی جا، دارالهدی، ۱۴۰۶ ق، (۱۸ جلد).
۶۱. تفسیر مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن، السید عبدالاعلی الموسوی السبزواری، نجف اشرف، مطبعة الاداب، ۱۴۰۴ ق، (۴ جلد).
۶۲. تفسیر مواهب علیه (تفسیر حسینی)، حسین واعظ کاشفی (م ۹۱۰ ق.). تهران، کتاب فروشی اقبال، چاپ اول، ۱۳۱۷ ش، (۴ جلد).
۶۳. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، تهران، دارالکتب الاسلامیة، چاپ بیست و ششم، ۱۳۷۳ ش.
۶۴. تفسیر نورالثقلین، عبدالعلی بن جمعه العروسی الحویزی، قم، المطبعة العلمية، ۱۳۸۳ ش.
۶۵. تفسیر نور، محسن قرائتی، قم، انتشارات در راه حق، ۱۳۷۴ ش.
۶۶. تفسیر نهج الیابان عن کشف معانی القرآن، محمد بن الحسن الشیبانی، (قرن هفتم) تهران، موسسة دائرة المعارف السلامیة، ۱۴۱۲ ق، ۱ جلد.

۳. کتاب شناسی مستشرقان

۱. آراء المستشرقین حول القرآن الکریم و تفسیره، «دراسة و نقد» عمر بن ابراهیم رضوان ریاض، دار الطیبة، الطبعة الاولى، ۱۴۱۳ ق / ۱۹۹۲ م.
۲. أزمة الاستشراق الحدیث المعاصر، محمد خلیفه حسن، ریاض، جامعة الامام محمد بن مسعود الاسلامیة، ۱۴۲۱ ق.
۳. استشراق و الاتجاهات الفکری فی التاريخ الاسلامی، مازن بن صلاح المطبقانی، دراسة تطبیقیة علی کتابات برنارد لويس، الرياض، المكتبة الملك الفهد الوطنية، ۱۴۱۶ ق.

۴. اضواء علی الاستشراق و المستشرقین، محمد احمد دیان، قاهرة، دارالمنار، الطبعة الاولى، ۱۴۱۰ ق / ۱۹۸۹ م.
۵. اضواء علی مواقف المستشرقین و المبشرین، ابو خلیل الشوقی، طرابلس، منشورات جمعية الدعوة الاسلامية العالمية، الثانية، ۱۴۲۸ ق.
۶. الابطال، توماس كارليل، تعريب: محمد السباعی، قاهرة، المطبعة المصرية بالازهر، الطبعة الثالثة، ۱۳۴۹ ق.
۷. الاستشراق، تاريخه و اهدافه، شبهات المستشرقین ضد الاسلام مناقشتها وردّها، احمد شلبی، القاهرة، مكتبة النهضة المصرية بی تا.
۸. الاستشراق و الخليفة الفكرية للصراع الحضاري، زقروق، محمود، مكتبة الرسالة، بيروت، ۱۴۰۵ ق.
۹. الاستشراق و الدراسات الاسلامية، عبدالواحد، عمان عبدالقاهر، دارالفرقان، الطبعة الاولى، ۱۴۲۱ ق.
۱۰. الاستشراق و القرآن العظيم، خليفة، محمد، تعريب: مروان عبدالصبور شاهين، القاهرة، دارالاعتصام، الطبعة الاولى، ۱۴۱۴ ق / ۱۹۹۴ م.
۱۱. الاستشراق و المستشرقون ما لهم و ما عليهم، مصطفى السباعی، بيروت، المكتب الاسلامی، الطبعة الثانية، ۱۴۰۵ ق / ۱۹۸۵ م.
۱۲. الاستشراق و التاريخ الاسلامی، فاروق عمر فوزی، الاهلية للنشر، اردن، ۱۹۹۸ م.
۱۳. الاسلام فی مواجهة الاستشراق العالمی، عبدالعظیم المطعنی، دار الوفا، بی جا. ۱۴۱۳ ق.
۱۴. الاسلام و شبهات المستشرقین، المقدادی، فؤاد كاظم، قم، المجمع العالمی لاهل البيت عليه السلام، الطبعة الاولى، ۱۴۱۶ ق.
۱۵. الاسلام و الاستشراق، صالح زهر الدين، بيروت، دارالندوة الجديدة، الطبعة الاولى، ۱۴۱۲ ق.
۱۶. التبشير و الاستشراق، عزت اسماعیل، محمد أحقاد علی النبی محمد و بلاد الاسلام، الاطهطاوی، الزهراء، قاهرة، ۱۴۱۱ ق.

۱۷. الدفاع عن القرآن، عبدالرحمن بدوی، الدار العالمية للكتب و النشر، بی جابی تا.
۱۸. الدفاع عن المسيحية فى الانجيل بحسب متّى، بیروت، منشورات المكتبة البولسية، الطبعة الثانية، ۱۹۸۸ م.
۱۹. الرسول فى الدراسات الاستشراقية المنصفه، محمد شريف الشيبانى، بیروت: دار الحضارة العربية، الطبعة الاولى، ۱۹۸۸ م.
۲۰. الرسول فى كتابات المستشرقين، نذیر حمدان، جدّة، دارالمنارة للنشر و التوزيع، الطبعة الثانية، ۱۴۰۶ ق.
۲۱. السنه النبويه و مكاتنها فى التشريع، عباس متولى حمادة، تقديم، محمد ابوزهرة، بی جابی تا.
۲۲. السيرة النبوية، الشيخ احمد المغنية و صالح التارونى، بیروت، دارالصفوة، الطبعة الاولى، ۱۴۱۴ ق.
۲۳. الظاهرة الاستشراقية و أثرها على الدراسات الاسلامية، ساسى سالم الحاج، مركز الدراسات العالم الاسلامى، بی جا. الطبعة الاولى، ۱۹۹۲.
۲۴. الظاهرة القرآنية «نظرية جديدة فى دراسات القرآن»، مالك ابن نبى، تعريب: عبدالصبور شاهين، قاهرة، دارالعروبة، الطبعة الاولى، ۱۹۵۸ م.
۲۵. العقيدة و الشرعية فى الاسلام، جناس جولدزيهر، تعريب و تعليق: محمد يوسف، على حسن القادر و عبدالعزيز عبدالحق، مصر، دارالكتب الحديثة، بی تا.
۲۶. الفن القصصى فى القرآن، محمد احمد خلف الله، قاهرة، مكتبة الانجلو المصرية، الطبعة الرابعة، ۱۹۷۲ م.
۲۷. القرآن الكريم معجزه و تشريع، عبدالله نيازى، عبدالكريم، مكتبه الثقافى الادبى، بی جا. الطبعة الاولى، ۱۴۰۶ ق.
۲۸. القرآن الكريم من المنظور الاستشراقى، محمد محمد ابوليلة، دارالنشر للجامعات، الطبعة الاولى، مصر ۱۴۲۳ ق.
۲۹. القرآن و المستشرقون، رايح لطفى جمعة، القاهرة، المجلس الاعلى للشئون الاسلامية، ۱۳۹۴ ق.
۳۰. القرآن و المبشرون، محمد عزّه دروّزه، بیروت، المكتب الاسلامى، الطبعة الاولى ۱۳۹۲ ق / ۱۹۷۲ م.

۳۱. المدخل لدراسة القرآن الكريم، الدكتور الشيخ محمد بن محمد ابوشهبة، بيروت، دارالجيل، الطبعة الثانية، ۱۴۱۲ ق.
۳۲. المستشرقون القرآن، دراسة لترجمان نفر من المستشرقين الفرنسيين للقرآن و آرائهم، ابراهيم عوض، القاهرة، دارالقاهرة، ۱۴۲۳ ق.
۳۳. المستشرقون و القرآن، دراسه نقدية لمناهج المستشرقين، عمر لطفى العالم، مركز دراسات العالم الاسلامى، بى.تا.
۳۴. المستشرقون و القرآن، اسماعيل سالم عبدالعال، مكة المكرمة، رابطه العالم الاسلامى، دعوة الحق، السنة التاسعة، العدد ۱۰۴، العام ۱۴۱۰ ق.
۳۵. المستشرقون الناطقون بالانجليزية، عبداللطيف طيباوى، ترجمة الدكتور قاسم السامرايى، جامعة الامام محمد بن سعود، رياض ۱۴۱۱ ق.
۳۶. المستشرقون و ترجمة القرآن، محمد صالح البنداق، بيروت، منشورات دارالافاق الجديدة الطبعة الثانية، ۱۴۰۳ ق.
۳۷. المستشرقون و من تابعهم و موقفهم من ثبات الشريعة و شمولها دراسة و تطبيقا، عابد بن محمد السفينانى، جدة، دارالمنارة للنشر و التوزيع، الطبعة الثانية، ۱۴۱۲ ق.
۳۸. المستشرقون، النجيب العقيقى، دارالمعارف، مصر، الطبعة الثالثة، ۱۹۶۴ م.
۳۹. المسيحية و الاسلام و الاستشراق، فارس الزين، محمد فاروق، دمشق، دارالفكر، الطبعة الثالثة، ۱۴۲۴ ق.
۴۰. البناء العظيم (نظرات جديدة فى القرآن)، محمد عبدالله دراز، الكويت، دار القم، الطبعة الثانية، ۱۳۹۰ ق.
۴۱. تاريخ الادب العربى، بروكلمان، كارل، تعريب: عبدالحليم النجار و ديگران، مصر، الهيئة المصرية العامة للكتاب، ۱۹۹۳ م.
۴۲. تاريخ القرآن، تودور نلدكه، تعديل: فريديريش شفالى، تعريب: جورج تامر و ديگران، بيروت مؤسسه كونراد - ادانور، الطبعة الاولى، ۲۰۰۴ م.
۴۳. تاريخ حركة الاستشراق (الدراسات العربية و الاسلامية فى اوروبا حتى بداية القرن العشرين)، يوهان فوك، تعريب: عمر لطفى العالم، دمشق، دارقتيبة، الطبعة الاولى، ۱۴۱۷ ق.
۴۴. تراث الاسلام، جمهرة من المستشرقين با شراف سير توماس آرنولد، بيروت، داراطليعة، الطبعة الثانية، ۱۹۷۲ م.

۴۵. تراث الاسلام، شناخت، جوزيف و ديگران، تعريب: د. محمد زهير السمورى و ديگران، دارالمعرفه، الطبعة الثالثة، ۱۴۱۹ ق.
۴۶. تطور الاستشراق فى دراسة التراث العربى، الناجى، بغداد، منشورات دار الجاحظ للنشر، الطبعة الاولى، ۱۹۸۱ م.
۴۷. تفصيل آيات القرآن الحكيم، لابوم، مسترک ژول، ادوار مونييه، تعريب: محمد فؤاد عبدالباقي، بيروت، دار الكتاب العربى، بى.تا.
۴۸. حاضر العالم الاسلامى، لوتروپ ستودارد، تحقيق: نويهض، تعليق: امير ارسلان، بيروت، دارالفكر، بى.تا.
۴۹. دائرة المعارف الاسلامية و نسينگ و الآخرون، تعريب: ابراهيم زكى خورشيد والآخرون، بيروت: دارالمعرفة بى.تا.
۵۰. دراسات الاستشراقية و حاضرية، محمد سالم عوفى، رياض، جامعة الامام محمد بن سعود الاسلامية، بى.تا.
۵۱. دراسات قرآنية «المستشرقون و الدراسات القرآنية»، محمد حسين على الصغير، قم، مركز النشر - مكتب الاعلام الاسلامى، ۱۴۱۳ ق.
۵۲. دراسة الكتب المقدسة، موريس بوكاي، دار رشا، بيروت
۵۳. دروس قرآنية، يوسف دره حداد، بيروت، منشورات المكتبة البوليسية، الطبعة الثانية، ۱۹۸۲ م.
۵۴. دفاع عن العقيدة و الشرعية ضد مطاعن المستشرقين، محمد الغزالى، مصر، دارالنهضة، الطبعة الثالثة، ۱۹۹۹ م.
۵۵. دفاع عن القرآن الكريم فى وجه الملاحدة و المغرين، محمود سعد، دارالمعرفة الجامعية، ۱۹۹۲ م.
۵۶. رؤية اسلامية للاستشراق، المتمدى الاسلامى، احمد غراب، الطبعة الثانية، بى.جا. بى.تا.
۵۷. رد افتراءات المبشرين على آيات القرآن الكريم، محمد جمعة بعدالله، مكة، جامعة ام القرى، الطبعة الاولى، ۱۴۰۵ ق.
۵۸. سموم الاستشراق والمستشرقين فى العلوم الاسلامية، بيروت، دارالجيل، الطبعة الثانية، ۱۴۰۵ ق.

۵۹. سیکولوجیه القصه فی القرآن، النقره النهامی، تونس الشركة التونسية للتوزيع، ۱۹۷۱ م.
۶۰. شعراء النصرانية قبل الاسلام، الادب لويس شيخو، بيروت، دارالمشرق، الطبعة الخامسة، ۱۹۹۹ م.
۶۱. صانعو التاريخ العرب، فليب حتى، تعريب: أنسى قريحة، بيروت، دارالثقافة، الطبعة الثانية، ۱۴۰۰ ق.
۶۲. قصة الحضارة، دورانت، ويل، تعريب: نجيب محمد، بيروت، دارالجيل، ۱۴۰۸ ق.
۶۳. قصص الانبياء، عبدالوهاب النجار، القاهرة، مكتبة التراث، بی تا.
۶۴. قضايا قرآنية فی الموسوعة البريطانية، فضل حسن عباس، عمان، دارالبشير، الطبعة الثانية، ۱۴۱۰ ق.
۶۵. قضايا قرآنية فی الموسوعة البريطانية، فضل حسن عباس، دارالبشير عثمان ۱۹۸۷ م.
۶۶. قواعد الحديث من فنون مصطلح الحديث، محمد جمال الدين القاسمي، تحقيق، محمد بهجة البيطار، بيروت، دار النفائس، الطبعة الثانية، ۱۴۱۴ ق.
۶۷. مذاهب التفسير الاسلامي، جولد زيهر، تعريب: عبدالحليم النجار، القاهرة، مكتب الخانجي، ۱۳۷۴ ق.
۶۸. مفاهيم جغرافية فی القصص القرآني قصة ذی القرنين، الخضر، عبدالعليم عبدالرحمن جدّة، دارالشروق، الطبعة الاولى، ۱۴۰۲ ق.
۶۹. مقالات و بحوث حول الاستشراق و المستشرقين، الحسنی الندوی، السيد أبی الحين علی، اعداد: سيد عبدالماجد الغروي، بيروت، دار ابن كثير، الطبعة الاولى، ۱۹۹۸ م.
۷۰. مقدمتان فی علوم القرآن (مقدمة كتاب المباني و مقدمة ابن عطية)، آرتور جفري، (مصحح)، مصر، مكتبة الخانجي، ۱۹۵۴ م.
۷۱. من التراثات المستشرقين على الاصول العقديّة في الاسلام، عبدالمنعم محمد عثمان الرياض، مكتبة العبيكان، الطبعة الاولى، ۱۴۲۲ ق.
۷۲. من الشرق و الغرب نظرات استشراقية في الاسلام، الدكتور محمد الغلاب، قاهره، دارالكتاب العربي، بی تا.

۷۳. نبوة محمد ﷺ في الفكر الاستشراقي المعاصر، الخضر الشايب، الرياض، مكتبة العبيكان، الطبعة الاولى، ۱۴۲۲ ق.
۷۴. نقد الخطاب الاستشراق الظاهرة الاستشراقية و أثرها في الدارسات الاسلامية، بيروت دارالمدار الاسلامي، الطبعة الاولى، ۲۰۰۲ م.
۷۵. نقد التوراة اسفار موسى الخمسة السامرية - العبرانية - اليونانية، احمد حجازي السقا، بيروت، دارالجيل، الطبعة الاولى، ۱۴۱۶ ق.
۷۶. وحى الله حقائقه و خصائصه في الكتاب و السنة نقض مزاعم المستشرقين، ضياء الدين حسن عتر، سورية، دارالمكتبي، الطبعة الاولى، ۱۴۱۹ ق.
۷۷. كيف نفهم الاسلام، فريتجوف شيون، تعريف: الدكتور عفيف دمشقية، بيروت، دارالآداب، الطبعة الاولى، ۱۹۸۷ م.
۷۸. يا اهل الكتاب (مقارنة بين القرآن الكريم و باقى كتب السماوية)، على محمد على دخيل، دارالهادى، ۱۴۲۲ ق / ۲۰۰۲ م الطبعة الاولى، بيروت.
۷۹. اسلام از دیدگاه ژول لایوم، ژول لایوم، ترجمه و اقتباس: محمد رسول دریایی، تهران، انتشارات میثم، ۱۳۶۱ ش.
۸۰. اسلام از نظرگاه دانشمندان غرب، على اصغر حکمت، (محرر و مترجم)، تهران، چاپخانه دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۱ ش.
۸۱. اسلام از نظر ولتر، جواد حدیدی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ پنجم، ۱۳۷۴ ش.
۸۲. اسلام در ایران، پطروشفسکی، ترجمه: کریم کشاورز، تهران، انتشارات پیام، ۱۳۶۲ ش.
۸۳. اسلام در زندان اتهام، ابو خلیل شوقی، تهران، انتشارات بعثت، بی تا.
۸۴. اسلام، بررسی تاریخی، همیلتون گیب، ترجمه: منوچهر امیری، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول ۱۳۶۷ ش.
۸۵. اسلام، دین وامت، لوی گارد، ترجمه: رضا مشایخی، شرکت سهامی انتشار، بی جا. ۱۳۵۲ ش.
۸۶. اعترافات دانشمندان بزرگ جهان، خیرالله مردانی، انتشارات آیین جعفری.

۸۷. آفرینش و رستاخیز، شینیا ماکینو، ترجمه: جلیل دوستخواه، تهران، مؤسسه انتشارات امیر کبیر، چاپ دوم، ۱۳۷۶ ش.
۸۸. انتقال علوم یونانی به عالم اسلامی، اولیری، دلیس، ترجمه: احمد آرام، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ دوم، ۱۳۷۴ ش.
۸۹. ایران از آغاز تا اسلام، گیرشمن، ترجمه: محمد معین، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، چاپ سوم، ۱۳۴۹ ش.
۹۰. ایران باستان از ۵۵۰ پیش از میلاد تا ۶۵۰ پس از میلاد، ویسهوفر، یوزف، ترجمه: مرتضی ثاقب فر، تهران، ققنوس، چاپ سوم، ۱۳۷۸ ش.
۹۱. برخورد آرای مسلمانان و مسیحیان، (تفاهمات و سوء تفاهمات) وات، مونتمگری، ترجمه: محمد حسین آریا، تهران، نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۳ ش.
۹۲. بیان الادیان، در شرح ادیان و مذاهب جهانی و اسلامی، ابوالمعانی علوی، محمد حسین، تصحیح: عباس اقبال آشتیانی و محمد تقی دانش پژوه، به اهتمام محمد دبیر سیاقی، تهران، روزنه، ۱۳۷۶ ش.
۹۳. بینش تاریخی قرآن، جعفری، یعقوب، تهران، نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۸ ش.
۹۴. پاسخ نقضی به سلمان رشدی یا اسلام از دیدگاه دانشمندان جهان، آل اسحاق خوئینی، علی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۰ ش.
۹۵. پیشرفت سریع اسلام، واگلیری، دکتر لراواکسیا، ترجمه: سید غلام رضا سعیدی، قم، نشر روح، بی.تا.
۹۶. تاریخ ادبی ایران، براون، ادوارد، ترجمه: علی پاشا صالح، تهران، انتشارات امیر کبیر، چاپ سوم، بی.تا.
۹۷. تاریخ اسلام (پژوهش دانشگاه کیمبریج)، آربری و دیگران، ترجمه: احمد آرام، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۷۸.
۹۸. تاریخ ایران از آغاز تا انقراض ساسانیان از صدر اسلام تا انقراض قاجاریه، پیرنیا، حسن و عباس اقبال آشتیانی، تهران، انتشارات بهزاد، چاپ دوم، ۱۳۸۲ ش.
۹۹. تاریخ باستان (یونان)، برگر و دیگران، ترجمه: صادق انصاری و دیگران، ویرایش دوم، تهران، نشر اندیشه، چاپ اول، ۱۳۷۹ ش.

۱۰۰. تاریخ بررسی قصص قرآن، بیومی مهر، محمد، ترجمه: مسعود انصاری، تهران انتشارات علمی و فرهنگی چاپ اول، ۱۳۸۳ ش.
۱۰۱. تاریخ تاریخ نگاری در اسلام، روزنتال، فرانتس، ترجمه: اسدالله آزاد، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸ ش.
۱۰۲. تاریخ تمدن اسلام و عرب، لوبون، گوستاو، ترجمه: سید هاشم حسینی، کتاب فروشی اسلامیة، بی تا. بی جا.
۱۰۳. تاریخ تمدن، دورانت، ویل، ترجمه: فتح الله مجتبیایی، ج ۵، تهران اقبال، ۱۳۳۹ ش.
۱۰۴. تاریخ جامع ادیان، جان ی ناس، ترجمه: علی اصغر حکمت، ویراستار: پرویز اتابک، ویرایش جدید، تهران، انتشارات علمی فرهنگی، چاپ دهم، ۱۳۷۹ ش.
۱۰۵. تاریخ عرب، حتی، فلیپ، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، تهران، علمی فرهنگی، چاپ سوم، ۱۳۸۰ ش.
۱۰۶. تاریخ ملل و دول اسلامی، بروکلمان، کارل، ترجمه: هادی جزائری، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۶ ش.
۱۰۷. تصویر شیعه در دائرةالمعارف آمریکانا (ترجمه و نقد مقالات شیعی دائرةالمعارف آمریکانا)، زیر نظر: محمود تقی زاده داوی، تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۸۲ ش.
۱۰۸. تمدن ایرانی، جمعی از خاور شناسان فرانسوی، ترجمه: عیسی بهنام، تهران، علمی فرهنگی، چاپ سوم، ۱۳۸۱ ش.
۱۰۹. چهره یهود در قرآن، طباره، عفیف عبدالفتاح، ترجمه: سید مهدی آیه الله، انتشارات جهان آرا، بی جا. بی تا.
۱۱۰. حیات مردان نامی، پلوتارک، ترجمه: مشایخی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۳۸ ش.
۱۱۱. خاورشناسی در روسیه و اروپا، بار تولد، دلایمر، ترجمه: حمزه سر دادور، تهران انتشارات ابن سینا، چاپ اول، ۱۳۵۱ ش.
۱۱۲. خاورشناسی و توطئه خاورشناسان، جمیله، مریم (مارگرت مارکوس)، ترجمه: غلام رضا سعیدی، قم، دارالتبلیغ، ۱۳۵۱ ش.

۱۱۳. دائرةالمعارف مستشرقان، عبدالرحمن بدوی، ترجمه صالح طباطبایی، تهران، انتشارات روزنه، ۱۳۷۷ ش.
۱۱۴. درآمدی بر اسلام، شیمیل، آنه ماری، ترجمه: عبدالرحیم گواهی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۵ ش.
۱۱۵. درآمدی بر تاریخ قرآن، بازنگری و بازنگاری مونتمگری وات، بل، ریچارد، ترجمه: بهاءالدین خرمشاهی، قم، مرکز ترجمه قرآن مجید به زبان‌های خاوری، چاپ اول، ۱۳۸۲ ش.
۱۱۶. دفاع از قرآن در برابر آرای خاورشناسان، بدوی، عبدالرحمن، ترجمه: سید حسن سیدی، مشهد، آستان قدس رضوی، چاپ اول، ۱۳۸۳ ش.
۱۱۷. دیپاچه‌ای بر جهان باستان، دوبلویس، لوکاس و روبارتوس و ان دراسپک، ترجمه: مرتضی ثاقب فر، تهران، انتشارات ققنوس، چاپ اول، ۱۳۷۹ ش.
۱۱۸. راز بزرگ رسالت، سبحانی، جعفر، تهران، کتابخانه مسجد جامع تهران، ۱۳۵۸ ش.
۱۱۹. رویکردی جامعه‌شناختی بر شرق‌شناسی، ترنر، برایان اس، پست مدیرنیسم و جهانی شدن، ترجمه: محمد علی محمدی، (تهران: یادآوران، چاپ اول، ۱۳۸۴ ش.
۱۲۰. زبان قرآن، فراستخواه، مقصود، تهران، انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۷۶ ش.
۱۲۱. زندگینامه پیامبر اسلام، آرمسترانگ، کارن، ترجمه: کیانوش حشمتی، تهران، انتشارات حکمت، چاپ اول، ۱۳۸۳ ش.
۱۲۲. سیر تاریخی و ارزیابی اندیشه شرق‌شناسی، دسوقی، محمد، ترجمه: محمود رضا افتخارزاده، تهران، نشر هزاران، چاپ اول، ۱۳۷۶ ش.
۱۲۳. سیمای اسلام، ویلیان چیتیک، ساچی کوموراتاو، ترجمه: عبدالرحیم گواهی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۸ ش.
۱۲۴. شرق‌شناسی و اسلام‌شناسی غربیان، زمانی، محمد حسن، موسسه بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۵ ش.
۱۲۵. شرق‌شناسی، إدوارد، سعید، ترجمه: عبدالرحیم گواهی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۸۲ ش.

۱۲۶. طلوع و غروب زردشتی گری، زهر، آر.سی.، ترجمه: تیمور قادری، تهران، انتشارات فکر روز، چاپ اول ۱۳۷۵ق.
۱۲۷. عذر تقصیر به پیشگاه محمد و قرآن، دیون پورت، جان، ترجمه: غلام رضا سعیدی، شرکت انتشار، بی.جا. چاپ سوم، ۱۳۴۴ ش.
۱۲۸. عصمت، کتاب‌شناسی جهانی ترجمه‌ها و تفسیرهای چاپی قرآن مجید به شصت زبان (۱۵۱۵ - ۱۹۸۰ م.)، بنیارق - خالداران، ترجمه: محمد آصف فکرت، مشهد بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ اول، ۱۳۷۳ ش.
۱۲۹. علم و دین، باربور، ایان، ترجمه: بهاء الدین خرمشاهی، تهران، نشر دانشگاهی، ۱۳۶۲ ش.
۱۳۰. فرهنگ اسلام شناسان خارجی، خوروش، حسین عبداللهی، مقدمه: محمد تقی جعفری، اصفهان، مؤسسه مطبوعاتی مطهر اصفهان، ۱۳۶۲ ش.
۱۳۱. فرهنگ کامل خاورشناسان، ترجمه شکرالله خاکنند، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی، دفتر تبلیغات اسلامی، قم ۱۳۷۵ ش.
۱۳۲. قاموس کتاب مقدس، مستر هاکس، تهران، انتشارات، اساطیر، ۱۳۷۷ ش.
۱۳۳. قرآن را چگونه شناختم، کینت گریک، ترجمه و اقتباس: ذبیح الله منصوری، تهران، انتشارات مجید، چاپ پنجم، ۱۳۷۳ ش.
۱۳۴. کورش کبیر، گزنفون، سیرت ترجمه: وحید مازندرانی، تهران، چاپخانه بانک بازرگانی ایران، ۱۳۵۰ ش.
۱۳۵. محمد پیغمبری که از نو باید شناخت، گیورگیو، ترجمه: ذبیح الله منصوری، تهران، انتشارات امیرکبیر، بی تا.
۱۳۶. محمد در اروپا (داستان هزار سال افسانه سازی و دروغپردازی در غرب)، صمیمی، مینو، ترجمه: مهر عباس پویا، تهران، مؤسسه اطلاعات، چاپ اول، ۱۳۸۲ ش.
۱۳۷. مستشرقان و تاریخ گذاری قرآن، اسکندرلو، محمد جواد، انتشارات پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن، چاپخانه کوثر، قم، ۱۳۸۵ ش.
۱۳۸. مقایسه‌ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، بوکای، موریس، ترجمه: ذبیح الله دبیر، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۰ ش.

۱۳۹. نقد آثار خاور شناسان، حسینی طباطبایی، مصطفی، تهران، انتشارات چاپخش، چاپ اول، ۱۳۷۵ ش.
۱۴۰. نقد و بررسی آراء مستشرقان درباره قرآن، زمانی، محمد حسن، موسسه بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۵ ش.
۱۴۱. نقش کلیسا در ممالک اسلامی، خالدی، مصطفی و عمر فروخ، ترجمه: مصطفی زمانی، با تجدید نظر و اصلاحات قم، انتشارات پیام اسلام، چاپ ۱۲، بی تا.
۱۴۲. نقشه‌های استعمار در راه مبارزه با اسلام، محمود صواف، محمد، ترجمه: سید جواد هشترودی، بی.جا.بی.تا.بی.نا.
۱۴۳. نگرش تاریخی بر رویارویی غرب با اسلام، ثواقب، جهانبخش، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۹ ش.
۱۴۴. واژه‌های دخیل در قرآن مجید، جفری، آرتور، ترجمه: فریدون بدره‌ای، تهران، انتشارات طوس، چاپ اول، ۱۳۷۲ ش.
۱۴۵. یونانیان و بربرها (روی دیگر تاریخ)، بدیع، میر مهدی، ترجمه: احمد آرام، تهران، نشر پرواز، چاپ دوم، ۱۳۶۴ ش.
۱۴۶. یونانیان و پارسیان، بنگسون، هرمان، ترجمه: تیمور قاری، تهران، فکر روز چاپ اول، ۱۳۷۶ ش.

نشریات

۱۴۷. اهداف مطالعات اسلامی، فرنال، ترجمه: حسین نجاتی، کار و کارگر (۳۰ / ۱۰ / ۱۳۷۷ ش).
۱۴۸. بازتاب فرهنگ زمانه در قرآن، خرماهی، بهاء الدین، بینات، ش ۵، (بهار ۱۳۷۴ ش).
۱۴۹. اسلام، وحی، نبوت، عبدالکریم سروش، مجله آفتاب، شماره ۱۵. انتشارات کویر، (اردیبهشت ۱۳۸۱ ش).
۱۵۰. بررسی جدیدترین آراء مستشرقان پیرامون قرآن (میزگرد)، اندیشه صادق، ش ۱۵، (تابستان ۱۳۸۳ ش).

۱۵۱. تأملی در ایرادهای مستشرقان بر وحیانی بودن قرآن، راشدی نیا، اکبر، قسبات، ش ۲۹، (پائیز ۱۳۸۲ ش).
۱۵۲. تصویری از پیامبر اسلام در دائرةالمعارف آمریکانا، حتی، فلیپ، ترجمه: حسن عبدی، شیعه‌شناسی، ش ۵، (بهار ۱۳۷۸ ش).
۱۵۳. خاورشناسان و فرقه‌شناسی، نوری، محمد، هفت آسمان، ش ۱، (بهار ۱۳۷۸ ش).
۱۵۴. درآمدی بر معرفی مستشرقان و قرآن پژوهی، روشن ضمیر، محمد ابراهیم، مجله دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ش ۴ و ۵، (تابستان و پائیز ۱۳۸۳ ش).
۱۵۵. زبان تاریخی قرآن، نمادین یا واقع نمون (گفتگو)، معرفت، محمد هادی، پژوهش‌های قرآنی، ش ۳۵ - ۳۶، (پائیز و زمستان ۱۳۸۲ ش).
۱۵۶. زبان دین، آملینگارش، تدوین: محمد رضا مصطفی پور، پاسدار اسلام، ش ۲۴۵، (بهمن ۱۳۸۱ ش).
۱۵۷. زبان‌شناسی دین در المیزان، عنایتی راد، محمد جواد، پژوهش‌های قرآنی، ش ۹ - ۱۰، بهار و تابستان ۱۳۷۶).
۱۵۸. زبان قرآن، ذکاوتی، قراگزلو، علی رضا، بینات، ش ۵، (بهار ۱۳۷۴ ش).
۱۵۹. زبان قوم، نه فرهنگ ایشان، حسینی طباطبایی، مصطفی، بینات، ش ۶، (تابستان ۱۳۷۴ ش).
۱۶۰. قرآن در عصر اصلاحات (رنسانس)، رحمتی، محمد کاظم کتاب ماه (دین)، ش ۶۴ و ۶۳، (دی و بهمن ۱۳۸۱ ش).
۱۶۱. کارکرد استعماری شرق‌شناسی و ایران‌شناسی، مصطفوی، علی اصغر، گزارش، ش ۱۱۲، (خرداد ۱۳۷۹).
۱۶۲. مراکز پژوهشی ایران‌شناسی، رهبر، کاظم، فرهنگ و پژوهش، ش ۱۰۰ (آذر ۱۳۸۱ ش).
۱۶۳. مشکل ما در فهم قرآن (کنکاشی در زبان قرآن)، موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم، نامه مفید، ش ۸، (زمستان ۱۳۷۳ ش).
۱۶۴. معرفی چند اثر برجسته مستشرقان، ربیعی آستانه، مسعود، بینات، ش ۳۰، (تابستان ۱۳۸۰ ش).

۱۶۵. نتایج توجه و اهتمام خاورشناسان آلمانی به قرآن، هدیدی، ترجمه: سید مرتضی حسینی، اندیشه صادق، ش ۱۵، (تابستان ۱۳۸۳ ش).
۱۶۶. نظر اجمالی بر ترجمه‌های لاتینی قرآن مجید، بابزن، هارتموت، ترجمه علی رضا انوشیروانی، ترجمان وحی، ش ۷، (شهریور ۱۳۷۹ ش).
۱۶۷. نقد دائرةالمعارف قرآن لیدن، زمانی، دکتر محمد حسن، پژوهش‌های فلسفی - کلامی (فصل نامه علمی ترویجی دانشگاه قم)، ش ۱۷ - ۱۸، (پائیز و زمستان ۱۳۸۲ ش).
۱۶۸. نقش شرق شناسان در خدمت به نشر میراث اسلامی - عربی، نمله، علی ابراهیم، ترجمه: علی زاهدپور، فصلنامه کتاب‌های اسلامی، ش ۶، (پائیز ۱۳۸۰ ش).
۱۶۹. واقع نمای گزاره‌های تاریخی قرآنی، ساجدی، ابوالفضل، قبسات، ش ۲۵، (پائیز ۱۳۸۱ ش).

۴. کتاب‌شناسی تفسیر علمی

۱. اسماعیل پاشا، عبدالعزیز، الاسلام و الطب الحدیث (اسلام و طب جدید یا معجزات علمی قرآن)، ترجمه: سید غلام رضا سعیدی، تهران، انتشارات برهان، ۱۳۲۲ ش ۲۰۶ ص.
۲. اسماعیل پور، علی، موسیقی در تاریخ و قرآن، تهران، انتشارات ناس، ۱۳۶۸ ش، ۲۹۵ ص.
۳. اهتمام، احمد (م ۱۳۴۶ ش)، فلسفه احکام، اصفهان، چاپخانه اسلام، ۱۳۴۴ ش (در دو جلد تنظیم شده که جلد دوم هنوز منتشر نشده است)، ۳۴۳ ص.
۴. اعرابی واعظ، سید اسماعیل، «قرآن کریم» از نظر موازین بهداشتی جدید، تهران، انتشارات کتابفروشی و چاپخانه تابان، ۱۳۴۶ ش، ۱۹۲ ص.
۵. اعرابی، عبدالحمید، الکون و الأرض و الانسان فی القرآن العظیم، دمشق - بیروت، دار الخیر، ۱۴۱۵ ق، ۳۹۱ ص.
۶. افتخاریان، سید جواد، قرآن و علوم روز، تهران، مطبوعاتی افتخاریان، ۱۳۶۲ ش، ۴۴۴ ص.
۷. ایمانی راد، جمشید، قرآن و گیاه خواری، تهران، چاپخانه سعید نو، ۱۳۹۸ ق، ۱۱۲ ص.

۸. احمد، حنفی، التفسیر العلمی للآیات الکوئیة فی القرآن، مصر، دارالمعارف، ۱۹۶۰ م، ۴۳۹ ص.
۹. احمدی، محمود، اعجاز عددی «قرآن کریم» و ردّ شبهات، انتشارات مسعود احمدی، ۱۳۷۱ ش، ۲۸ ص.
۱۰. ابوالسعود، رفیق، اعجازات حدیثة علمیة و رقمیة فی القرآن، دمشق، دار المعرفة، ۱۴۱۰ ق / ۱۹۹۱ م، ۱۴۲ ص.
۱۱. امین، احمد، راه تکامل، ترجمه بهشتی، لاری وامامی، تهران، دار الکتب الاسلامیة، هفت جلد.
۱۲. ابن العجوز، احمد محی الدین، معالم القرآن فی عوالم الأکوان، بی جا، دارالندوة الجدیة، ۱۴۰۷ ق.
۱۳. احمدی، محمود، معجزات قرآن در عصر فضا و کامپیوتر، انتشارات مسعود احمدی، ۱۳۶۴ ش.
۱۴. الاسکندرانی، محمد بن محمد، کشف الأسرار النورانیة فیما یتعلق بالأجرام السماویة، بی جا، بی تا.
۱۵. الامیری، محمد وفا، الوان من اعجاز القرآنی، حلب، دارالرضوان، بی تا.
۱۶. بازرگان، مهدی (۱۲۸۶ - ۱۳۷۳ ش)، باد و باران در قرآن، تهران، به اهتمام سید محمد مهدی جعفری، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۵۳ ش. ۱۶۴ ص.
۱۷. بازرگان، مهدی (۱۲۸۶ - ۱۳۷۳ ش)، راه طی شده، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ هشتم، بی تا، ۲۴۸ ص.
۱۸. همان، مطهرات در اسلام، شرکت سهامی انتشار، چاپ دوم، ۱۳۳۳ ش.
۱۹. بهبودی، محمد باقر، هفت آسمان، تهران، کتابخانه مسجد جعفری قیطریه، ۱۰۶ ص.
۲۰. بوکای، موریس، القرآن و العلم الحدیث، مصر، دار الطلائع، ۱۹۹۳ م، ۹۶ ص.
۲۱. بوکای، موریس، مقایسه‌ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، ترجمه مهندس ذبیح الله دبیر، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۵ ش، چاپ سوم، ۳۳۸ ص.
- همین کتاب تحت عنوان «عهدین، قرآن و علم» توسط حسن حبیبی ترجمه شده است، تهران، انتشاران سلمان، ۱۳۵۷ ش، ۳۴۰ ص. عنوان اصل کتاب این است: The

اثر نیز، تحت عنوان «التوراة و الإنجیل و القرآن و العلم الحديث» توسط انتشارات دارالکندی، بیروت، ۱۳۹۸ ق، چاپ شده و نیز ترجمه عربی دیگری از آن تحت عنوان «دراسة الكتب المقدسة في ضوء المعارف الحديثة» توسط دارالمعارف، قاهره، ۱۹۷۸ م انتشار یافته است.

۲۲. باقر، محمدامین، الاسلام والاكتشافات الحديثة، قم، المطبعة العلمية، ۱۴۱۲ ق، ۲۴۸ ص.

۲۳. باب السلام، دوشیزه م، الله و قرآن از دیدگاه علم، تهران، مشعل آزادی، ۱۳۵۵ ش، ۸۰ ص.

۲۴. بو علی سینا، شیخ الرئیس، رسائل ابن سینا، طبع هندی، بی تا (در کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی (قم) موجود است).

۲۵. البار، محمد علی، خلق الانسان بين الطب والقرآن، بی جا، الدار السعودية للنشر، بی تا.

۲۶. بی آزار شیرازی، عبدالکریم، خدا و اختراعات از دیدگاه علم و قرآن، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ نهم، ۱۳۷۰ ش، پنج جلد.

۲۷. همان، قرآن و طبیعت، تهران، انتشارات بعثت، ۱۳۵۲ ش، ۰ حد اقل شش جلد آن چاپ شده است).

۲۸. بلادی، سید عبدالعزیز، آسمان های هفت گانه، بی جا، مؤسسه مطبوعاتی عطایی، ۱۳۵۸ ش.

۲۹. برکه، عبدالغنی محمد، الاعجاز القرآنی (وجوه و اسرار)، بی جا، مکتبه وهبه، بی تا.

۳۰. باب الحوائجی، نصر الله، عقاید داروین و دانش ژنتیک، تهران، بحث نظریه اسلام.

۳۱. پاک نژاد، دکتر سید رضا (شهادت ۱۳۶۰ ش.)، اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، تهران، چاپ اسلامی، ۱۳۶۱ ش، بیش از ۳۵ جلد.

۳۲. شناخت جریان علمی نگری به قرآن (روش تفسیر علمی)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس تهران، ۱۳۷۲ ش (به چاپ نرسیده است).

۳۳. تحسین، عامر، حقائق القرآن و العلم الحديث، عراق، شركة معمل و مطبعة الزهراء الحديثة المحدودة، ۱۴۰۶ ق، ۱۱۷ ص.

۳۴. تجلیل، ابوطالب، راه‌های خداشناسی در طبیعت، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۲ ش، ۱۷۲ ص.
۳۵. الجابی، سلیم، النظرية القرآنية الكونية حول خلق العالم، دمشق، مطبعة نصر، ۱۹۹۲ م، ۲۱۹ ص.
۳۶. جرّار، بسّام نهاد، اعجاز الرقم في القرآن الكريم مقمدا تنتظر النتائج، بيروت، المؤسسة الاسلامية للطباعة و الصحافة والنشر، ۱۴۱۴ ق / ۱۹۹۴ م، الطبعة الثانية، ۱۷۵ ص.
۳۷. الجندي، المستشار عبدالحليم، القرآن و المنهج العلمي المعاصر، القاهرة، دارالمعارف، ۱۴۰۴ ق / ۱۹۸۴ م. ۳۵۳ ص.
۳۸. الحمصي، نعيم، فكرة اعجاز القرآن، بيروت، مؤسسة الرسالة، الطبعة الثانية، ۱۴۰۰ ق، ۴۸۰ ص.
۳۹. الحسيني، خلف محمد، دليل الحيران في آيات من القرآن، القاهرة، دارالنهضة مصر للطبع و النشر، ۲۰۰ ص.
۴۰. حافظ ابراهيم، المستشار مدحت، الاشارات العلمية في القرآن الكريم، القاهرة، مكتبة غريب، ۱۹۹۲ م، ۲۷۰ ص.
۴۱. حجازي، سيد عبدالرضا، رسالت قرآن در عصر فضا، تهران، كانون انتشار، چاپ ششم، خرداد ۱۳۵۶ ش، ۴۱۳ ص.
۴۲. حسين الحلبي، محمد علي، الكون و القرآن يبحث في علم الفلك، بغداد، مطبعة الجامعة، ۱۴۰۵ ق، ۲۲۱ ص.
۴۳. حقيقي، ك - م، فروغ دانش جديد در قرآن و حديث: شيراز، انتشارات لوکس، دو جلد.
۴۴. حكيمة، محمد رضا، القرآن و العلوم الكونية، مطابع دار القبس للصحافة و الطباعة و النشر، ۱۴۵ ص.
۴۵. حكيمة، محمود، قرآن، انسان و طبيعت، قم، مركز انتشارات دار التبليغ اسلامي.
۴۶. الخطيب، عبدالغني، قرآن و علم روز، ترجمه دكتور اسد الله مبشرى، تهران، مؤسسه مطبوعاتي عطايي، ۱۳۶۲ ش، ۲۵۲ ص.
۴۷. خير الاحمر، عبدو محمد، الكون و النسبية بين القرآن الكريم والنظرية، دمشق، مكتبة الاسد، ۱۹۹۴ م، ۱۲۸ ص.

۴۸. خرمشاهی، بهاء الدین، قرآن پژوهشی (هفتاد بحث و تحقیق قرآنی)، تهران، مرکز نشر فرهنگی مشرق، ۱۳۷۲ ش، ۸۲۶ ص.
۴۹. همان، تفسیر و تفاسیر جدید، تهران، انتشارات کیهان، ۱۳۶۴ ش.
۵۰. خلیفه، خلیفه عبدالسمیع، الرياضیات فی القرآن الکریم، قاهره، مکتبه النهضة المصرية، ۱۹۸۷ م، ۱۹۰ ص.
۵۱. الخطیب، عبدالغنی، اضواء من القرآن علی الانسان و نشأة الكون و الحیاة دمشق، مکتبه دار الفتح ۱۳۹۰ ق ۱۹۷۰ م، ۲۶۴ ص.
۵۲. الخشت، محمد عثمان، من اعجاز القرآن و لیس الذکر کالاثنی، دراسة من منظر الاسلام والعلوم الحديثة، قاهره، مکتبه القرآن للطبع والنشر و التوزیع، ۱۴۰۴ ق، ۱۴۲ ص.
۵۳. خلیفه، رشاد، اعجاز قرآن، تحلیل آماری حروف مقطعة، ترجمه و ضمائم: سید محمد تقی آیت اللهی، شیراز، سازمان چاپ دانشگاه شیراز، ۱۳۶۵ ش، ۲۸۴ ص.
۵۴. الخالدي، صلاح عبدالفتاح، البيان في اعجاز القرآن، الأردن، دار عمّار، ۱۹۸۹ م، ۴۰۳ ص.
۵۵. الخوئی، السید ابوالقاسم، البيان في تفسير القرآن، قم، المطبعة العلمية، ۱۳۹۴ ق، ۵۷۵ ص؛ (ترجمه همین کتاب به نام «مرزهای اعجاز» توسط جعفر سبحانی، تهران، کانون انتشارات محمد، ۱۳۶۳، ۲۰۰ ص؛ و نیز ترجمه آن به نام «بیان در علوم و مسائل کلی قرآن»، هبسی، نجمی، نشر مجمع ذخایر اسلامی، ۱۳۶۰ ش).
۵۶. خلیل، عماد الدین، مدخل الی موقف القرآن الکریم من العلم، بی جا، مؤسسه الرسالة، بی تا.
۵۷. دعوتی، میر ابوالفتح، آفرینش جهان از دیدگاه قرآن کریم، قم، بی نا، ۱۳۶۲ ش، ۳۹ ص.
۵۸. دراز، محمد عبدالله، البناء العظیم، نظرات جدیدة فی القرآن، طبعة السعادة، ۱۹۶۹ م.
۵۹. دیدات، احمد، القرآن معجزة المعجزات، القاهرة، مکتبه القرآن بی تا.
۶۰. د. فضع، بسام، الکنون و الانسان بین العلم و القرآن، سوریه، مطبعة الشام، ۱۴۱۱ ق، ۲۵۶ ص.
۶۱. الدهان، سعید ناصر، القرآن و العلوم، کربلا، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۸۵ ق، ۱۷۸ ص.
۶۲. دهنیه، عبدالکریم، هكذا عرفت ربّي، قاهره، المکتب الثقافی للنشر و التوزیع، ۱۹۸۹ م، ۱۹۰ ص.

۶۳. الدباغ، مصطفی، وجوه من الاعجاز القرآنی، الاردن، مكتبة المنار، الطبعة الثانية، ۱۴۰۵ ق / ۱۹۸۵ م، ۱۹۲ ص.
۶۴. دياب، محمود، الاعجاز الطبّي فی القرآن الكريم باللغة العربيّة والإنجليزية، القاهرة، دار الشعب، ۱۴۰۸ ق / ۱۹۸۸ م، ۱۴۴ ص.
۶۵. الذهبي و محمد حسين، التفسير و المفسرون، بی جا، دار الكتب الحديثة، ۱۳۹۶ ق - ۱۹۷۶ م، دو جلد (به جلد ۲ ص ۴۹۱ به بعد مراجعه فرماید).
۶۶. همان، الاتجاهات المنحرفة فی تفسير القرآن الكريم، دارالاعتصام، ۱۳۹۶ ق.
۶۷. روحانی، سيد ضياء الدين، معجزه جاويدان، قم، چاپخانه حکمت، ۱۳۷۷ ق، ۳۲۰ ص.
۶۸. رازی، فخر الدين (۵۴۴ - ۶۰۴ ق.)، تفسير كبير (مفاتيح الغيب)، بيروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۱ ق / ۱۹۹۰ م، ۳۲ جلد، (به جلد ۲ و ۴، ص ۱۶۳ به بعد مراجعه فرماید).
۶۹. الرافي، مصطفى صادق، اعجاز القرآن و البلاغة النبویة، بيروت، دارالكتاب العربي، ۱۳۹۳ ق / ۱۹۷۳ م، ۳۵۰ ص، (اين كتاب تحت عنوان «اعجاز قرآن و بلاغت محمد ﷺ» توسط عبدالحسين بنالدين به فارسی ترجمه و بنياد قرآن، در چاپ دوم، ۱۳۶۱ ش، آن را منتشر کرده است).
۷۰. رستگار الجويبارري، يعسوب الدين (معاصر)، تفسير البصائر، قم، مؤلف، ۱۴۱۳ ق، ۶۰ جلد (بعضی از مجلدات چاپ نشده است، به بند ۱، ۵۶ مراجعه کنید).
۷۱. رشيد رضا، محمد (۱۸۶۵ - ۱۹۳۵ م)، تفسير القرآن الحكيم، الشهير بتفسير المنار، بيروت، دارالمعرفة، الطبعة الثانية، بی تا، ۱۲ جلد (به جلد ۱، ص ۷ به بعد مراجعه فرماید).
۷۲. رهسپار، احمد، دين ارکان طبيعت، بی جا، كانون انتشار شريف، بی تا.
۷۳. همو و محسن ملا کاظمی، اعجازها و شگفتی های علمی قرآن، قم ۱۳۸۵ ش.
۷۴. همو، شگفتی های اعجاز آمیز قرآن، قم، نشر معارف، ۱۳۸۴ ش.
۷۵. همو، دانش مهر، قم، انتشارات پژوهش های تفسير و علوم قرآن، ۱۳۸۵ ش.

۷۶. همو، علوم مهر، قم، انتشارات پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن، ۱۳۸۵ ش.
۷۷. راسل. ل.ا.ک، کاربرد روش سیستم‌ها به ضمیمه تعبیر قرآن آربری، ترجمه محمد جواد سهلانی، تهران، مؤسسه انتشارات بعثت، ۸۰ ص.
۷۸. رضائی اصفهانی، محمد علی، درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، قم، انتشارات اسوه، ۱۳۷۵ ش.
۷۹. همو، پژوهش در اعجاز علمی قرآن، دو جلد، قم، انتشارات پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن، ۱۳۸۱ ش.
۸۰. الزیدی، کاصد یاسر، الطبیعة فی القرآن الکریم، عراق، وزارة الثقافة و الاعلام، دار الرشید للنشر، ۱۹۸۰ م، المركز العربی للطباعة و النشر، بیروت)، ۵۳۴ ص.
۸۱. زکی، احمد، مع الله فی السماء، دار الهلال، ۲۱۵ ص، (این کتاب در کتابخانه مرکز فرهنگ قرآن قم موجود است).
۸۲. زمانی، مصطفی، پیشگویی‌های علمی قرآن، قم، انتشارات پیام اسلام، ۱۳۵۰ ش، ۱۵۸ ص.
۸۳. الزرشکی، بدرالدین محمد بن عبدالله (۷۵۴ - ۷۹۴ ق.)، البرهان فی علوم القرآن، تحقیق یوسف عبدالرحمن المرعشلی، و...، بیروت، دارالمعرفة، ۱۴۱۰ ق / ۱۹۹۰ م، ۴ جلد، (به جلد ۲ ص ۱۸۱ به بعد مراجعه کنید).
۸۴. سید قطب (۱۹۳۳ م.)، فی ضلال القرآن، بیروت، داراحیاء التراث العربی. الطبعة الخامسة، ۱۳۸۶ ق - ۱۹۶۷ م، (۸ جلد).
۸۵. سرفرازی، عباسعلی، رابطه علم و دین، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی. ۱۳۶۴ ش.
۸۶. سبزواری، حاج ملا هادی (متولد ۱۲۱۲ ق.)، شرح منظومه، ایران، انتشارات دارالعلم، بی تا، (به قسمت فلسفه، ص ۲۶۹ به بعد مراجعه فرمایید).
۸۷. السلیم، محمد ابراهیم، التداوی بالقرآن، بی جا، مكتبة القرآن، بی تا.
۸۸. سید محمود، محمد، الطب القرآنی يُعالج السحر و المسّ الشیطانی، بی جا، دار الندوة العالمية.
۸۹. تفسیر الآیات الکوئیة فی القرآن الکریم، مصر، الهيئة المصرية العامة للكتاب، ۱۹۸۵ م، ۳۲۱ ص.

۹۰. سبحانی، جعفر (معاصر)، برهان رسالت، تهران، انتشارات کتابخانه صدر، ۱۳۹۸ ق، ۳۲۰ ص.
۹۱. همان، منشور جاوید، اصفهان انتشارات کتابخانه عمومی امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام، ۱۴۰۱ ق / ۱۳۶۰ ش، ۱۰ جلد، به (جلد ۴ ص ۹۱ به بعد مراجعه فرماید؛ بعضی مجلدات از انتشارات اسلامی قم است).
۹۲. همان، داروینیسیم یا تکامل انواع، با مقدمه سید هادی خسروشاهی قم، انتشارات توحید، بی تا، ۱۵۹ ص.
۹۳. همان، تفسیر صحیح آیات مشکله قرآن، تنظیم سید هادی خسروشاهی، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، انتشارات توحید، ۱۳۷۱ ش، ۳۳۶ ص.
۹۴. السيد الجمیلی، الاعجاز الكونی فی القرآن، قاهرة، دار زاهد القدسی، ۱۹۸۸ م، ۱۷۶ ص، الاعجاز الطبی القرآن، بیروت، دار و مكتبة الهلال، ۱۹۸۷ م، ۳۳۵ ص.
۹۵. سادات، محمد علی، زنده جاوید اعجاز جاویدان، تبریز، انتشارات فلق، ۱۳۷۵ ش، ۸۸ ص.
۹۶. السيد أرنأؤووط، محمد، الاعجاز العلمي فی القرآن الكريم، القاهرة، مكتبة مدبولی، ۱۹۸۹ م، ۴۴۸ ص.
۹۷. السعيد، عبدالله عبدالرزاق، الاعجاز الطبی فی القرآن و الاحادیث النبویة الرطب و النخلة، جلد، الدار السعودیة للنشر و التوزيع، ۱۴۰۵ ق / ۱۹۸۵ م، ۳۶۷ ص.
۹۸. السیوطی، جلال الدین عبدالرحمن ابی بکر (م ۹۱۱ ق.)، الاتقان فی علوم القرآن، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۰۷ ق، دو جلد، به (جلد ۲، ص ۲۷۱ - ۲۸۲ مراجعه کنید).
۹۹. ساعی، محمد یوسف، التساؤلات الكونیة علی ضوء العلم و القرآن، دمشق، دار المعرفة، ۱۴۱۵ ق، ۶۰ ص.
۱۰۰. سحابی، یدالله، قرآن و تکامل، تهران، انتشارات راه امام، ۸۰ ص، خلقت انسان در بیان قرآن، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ سوم، ۱۳۵۱ ش.
۱۰۱. همان.
۱۰۲. سید الاهل، عبدالعزيز، من اشارات العلوم فی القرآن الكريم، بیروت، دارالنهضة الحدیثة، ۱۳۹۲ ق، ۱۷۲ ص.

۱۰۳. السببيني، عدنان، سُرْبِهِمَا يَاتَانَا، بيروت، الدار الشاميه، دمشق دار القلم، ۱۴۱۳ ق، ۱۳۶ ص.
۱۰۴. السيد غنيم، كارم، الجراد في القرآن الكريم و العلم الحديث، قاهرة، دار الصحوة للنشر و التوزيع، ۱۴۰۹ ق، ۲۷۶ ص، (اين كتاب علاوه برنويسنده فوق يك نويسنده ديگر دارد: عبدالعظيم محمد الجمال).
۱۰۵. الشريف، عدنان، من علوم الارض القرآنية (الثواب العلمية في القرآن الكريم)، بيروت، دار العلم للملايين، ۱۹۹۳ م، ۲۳۲ ص.
۱۰۶. همان، من علم الطب القرني، بيروت، دار العلم للملايين، ۱۹۹۰ م، ۳۳۶ ص.
۱۰۷. همان، من علم الفلك القرآني (الثواب العلمية في القرآن الكريم)، بيروت، دار العلم للملايين، ۱۹۹۱ م، ۱۷۰ ص.
۱۰۸. شمسي باشا، حسان، النوم و الارق و الاحلام بين الطب و القرآن، جدة - السعودية، دار المنارة للنشر و التوزيع، ۱۴۱۱ ق، ۲۱۶ ص.
۱۰۹. شريف عبدالكريم، خواطر و تأملات فكرية بين الأدب و العلم و القرآن، مصر، اخبار اليوم، ادارة الكتب و المكتبات، ۱۴۰۸ ق، ۲۴۶ ص.
۱۱۰. شهيدى، فضل الله، قرآن و كتابهاى علمى در رابطه هفت آسمان و هفت زمين و خلقت انسان، با مقدمه و اهتمام قاسم صافى، به ضميمه سه مقاله ديگر، تهران، چاپ خواجه ۱۳۶۰ ش، ۸۷ ص.
۱۱۱. الشحات، على احمد، الاعجاز الطبى فى القرآن الكريم الطب الوقائى، القاهرة، المؤسسة العربية الحديثة، ۱۵۹ ص.
۱۱۲. الشهرستاني، السيد هبة الدين، الاسلام و الهيئة اسلام و هيئت، ترجمه سيد هادى خسرو شاهى، چاپ چهارم، تهران، شركت سهامى انتشار.
۱۱۳. الشيخ امين، البكرى، التعبير الفنى فى القرآن، بى جا، دار الشروق، ۱۹۷۳ م.
۱۱۴. الشاطبى، ابواسحاق، الموافقات فى اصول الاحكام، بى تا، چاپ مصطفى محمد.
۱۱۵. شحاته، عبدالله، تفسير الآيات الكونية، بى جا، دار الاعتصام، بى تا.
۱۱۶. شريعتى، محمد تقى، تفسير نوين، تهران، دفتر نشر فرهنگ معارف اسلامى، ۱۳۳۵ ش، ۴۳۵ ص.

۱۱۷. صافی گلپایگانی، لطف الله، به سوی آفریدگار، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۰ ش، ۱۲۸ ص.
۱۱۸. صادقی، محمد، زمین و آسمان و ستارگان از نظر قرآن، تهران، کتاب فروشی مصطفوی، چاپ دوم، ۱۳۵۶ ش، ۳۴۶ ص.
۱۱۹. همان، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنّة، قم، انتشارات فرهنگ اسلامی، الطبعة الثانية، ۱۴۰۸ ق، (۳۰ جلد).
۱۲۰. الصرايرة، محمد، آیات للموقنین، الاردن، مكتبة المنار، ۱۴۰۵ ق، ۱۲۸ ص.
۱۲۱. صدقی، نعمت، معجزة القرآن، القاهرة عالم الكتب، ۱۹۷۱ م، ۲۲۰ ص.
۱۲۲. صدر المتألهين، محمد بن ابراهيم صدر الدين الشيرازي (م ۱۰۵۰ ق.)، تفسير القرآن الكريم، قم، انتشارات بيدار، الطبعة الثانية ۱۳۶۶ ش، (۷ جلد به جلد ۲ ص ۲۶۹ مراجعه فرماید).
۱۲۳. ضياء الدين عتر، حسن، المعجزة الخالدة، بيروت، دارابن حزم، الطبعة الثانية، ۱۴۰۹ ق / ۱۹۸۹ م، ۴۳۲ ص.
۱۲۴. طالقانی، سيد محمود (م ۱۳۸۵ ش.)، پرتوی از قرآن، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۴۸ ش، جلد ۲، ص ۳۱۹، (شش جلد آن به چاپ رسیده است).
۱۲۵. طباطبایی، سيد محمد حسين، اعجاز قرآن، قم، بنياد علمی و فکری علامه طباطبایی، ۱۳۶۲ ش، ۱۵۳ ص.
۱۲۶. همان، الميزان فی تفسير القرآن، طهران دار الكتب الاسلامية، ۱۳۹۷ ق، ۲۰ جلد (به ج ۱۴ ص ۲۷۹ و... مراجعه کنید).
۱۲۷. همان، قرآن و قانون تنازع بقاء، قم، انتشارات اهلبيت، ۱۳۶۰ ش، ۱۶۸ ص.
۱۲۸. الطاهري، طارق شفيق، تكوين الجنين في القرآن، بغداد، مطبعة المعارف، ۱۹۵۸ م، ۷۰ ص.
۱۲۹. طنطاوی جوهری، الجواهر فی تفسير القرآن، دارالفکر، بی جا، بی تا ۱۳ جلد.
۱۳۰. طيرة. عبدالفتاح محمد، خلق الانسان دراسة علمية قرآنية، مصر، الهيئة المصرية العامة للكتاب، بی تا.
۱۳۱. عبده، محمد، تفسير القرآن الكريم جزء عم، مصر، الجمعية الحریة الاسلامية (و

نشر ادب حوزه)، ۱۳۴۱ ق، الطبعة الثانية، ۱۹۰ ص.

۱۳۲. عبدالرضا علی، صادق، القرآن والطب الحديث، بیروت، دارالمؤرخ العربی، بی تا.

۱۳۳. عمر ابوحجر، احمد، التفسیر العلمی للقرآن فی المیزان، بیروت - دمشق، دارقتیبة، ۱۴۱۱ ق / ۱۹۹۱ م، ۵۶۳ ص.

۱۳۴. عظیم زاده اردبیلی، فائزه، جلوه‌های اعجاز در قرآن کریم، بی جا، سازمان تبلیغات اسلامی.

۱۳۵. عقاد، عباس محمود، قرآن و مکتب تکامل، ترجمه: سید خلیل خلیلیان، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۵۸ ش.

۱۳۶. عبدالصمد، محمد کامل، اعجاز العلمی فی الاسلام، مصر، الدار المصرية للبناء، بی تا.

۱۳۷. عبدالعزيز، محمد کامل، الاطعمة القرآنية غذاء و دواء، بی جا، مکتبة القرآن، بی تا.

۱۳۸. العک، خالد عبدالرحمن، غلیة حياة الانسان كما یصورها الدين و العلم، بی جا، دار الالباب، بی تا.

۱۳۹. عبدالجبار، شاکر، ملامح کونیة فی القرآن، بغداد، مکتبة الشرق الجديد، ۱۹۸۵ م، ۱۲۷ ص.

۱۴۰. عبدالله، محمد محمود، مظاهر کونیة فی معالم قرآنیة، بیروت، دارمکتبة التریبة، ۱۶۰ ص.

۱۴۱. همان، الطلب القرآنی غذاء و دواء، بیروت، دارالکتب العلمیة، بی تا.

۱۴۲. عادل ابوالخیر، محمد، اجتهادات فی التفسیر العلمی فی القرآن الکریم، مصر، مرکز الدلتا للطباعة، ۱۲۰۸ ق / ۱۹۸۸ م، ۱۳۴ ص.

۱۴۳. عبدالجواد، احمد، الشمس والقمر بحسبان، دمشق، مطبعة محمد هاشم الکتبی، ۱۴۰۵ ق، ۱۸۰ ص.

۱۴۴. عباس، فضل حسن و نساء فضل، اعجاز القرآن الکریم، المکتبة الوطنیة، ۱۴۱۲ ق / ۱۹۹۱ م، ۳۸۱ ص.

۱۴۵. علی لفته، جلیل، نفعات من الاعجاز الطبی فی القرآن کریم، ۱۱۴۰ ق، ۱۹۹۰ م، ۱۴۸ ص.

۱۴۶. عبدالعزيز، محمد كمال، اعجاز القرآن في خلق الانسان، دراسة في الانف والاذن و الحنجرة في ضوء الطب و علوم القرآن و الحديث، القاهرة، مكتبة ابن سينا، ۸۵ ص.
۱۴۷. عبدالعزيز، عبدالحميد محمد، الاعجاز الطبى في القرآن الكريم، القاهرة، مكتبة ابن سينا، ۱۴۳ ص.
۱۴۸. عليوى، ابن خليفة، معجزة القرآن العشرين في كشف رباعية و ثلاثية اوامر القرآن الكريم، دمشق، دار الايمان، ۱۴۰۳ ق / ۱۹۸۳ م، ۱۱۰ ص.
۱۴۹. عرفان، حسن، پژوهشى در شيوههاى اعجاز قرآن، قم، دار القرآن الكريم، ۱۴۱۱ ق / ۱۳۶۹ ش، ۱۳۲ ص.
۱۵۰. عفيفى، محمود سراج الدين، قوانين الله و ليست قوانين الطبيعية، القاهرة، دار الفكر العربى، الطبعة الثانية، ۱۹۷۹ م، ۱۷۶ ص، (در چاپ دوم، عبارت «آيات التوحيد» به عنوان اضافه شده است).
۱۵۱. عيتانى، محمد، القرآن في ضوء الفكر المادى الجدلى، بيروت، دار العودة، چاپ دوم، ۱۹۸۱ م، ۱۱۷ ص.
۱۵۲. عروة، احمد، العلم و الدين مناهج و مفاهيم، دمشق، دارالكفر، ۱۴۰۸ ق، ۱۹۶ ص.
۱۵۳. عطيه، حسن حامد، خلق السموات والارض في ستة ايام في العلم و القرآن، تونس، مؤسسات عبدالكريم بن عبدالله، ۱۹۹۲ م، ۲۳۵ ص.
۱۵۴. عبدالجبار، شاکر، القرآن يفك لغز الارض، بغداد، مطبعة اسعد، ۱۹۸۵ م، ۱۵۵ ص.
۱۵۵. على البنى، محمد، نحل العسل في القرآن و الطلب، مصر، الأهرام التجارية القاهرة، ۱۹۸۷ م، ۲۰۵ ص.
۱۵۶. غزالى، ابو حامد (م ۵۰۵ ق.)، احياء العلوم (الاحياء)، بيروت، دار المعرفة، ۱۴۰۲ ق / ۱۹۸۲ م، چهار جلد، (به جلد اول ص ۲۸۹ به بعد مراجعه فرمايد).
۱۵۷. همان، جواهر القرآن، دمشق - بيروت، المركز العربى للكتاب، بى تا.
۱۵۸. الفندى، محمد جمال الدين، مع لقرآن في الكون، مصر، الهيئة المصرية العامة للكتاب، ۱۹۹۲ م، ۲۱۰ ص.
۱۵۹. فواز عراجى، ابراهيم، القرآن و علوم العصر الحديث، بيروت، دار النهضة العربية، ۱۴۰۹ ق، ۱۳۹ ص.

۱۶۰. الفندی، محمد جمال الدین، الله و الكون، مصر، الهيئة العامة للكتاب، ۱۹۸۷ م، ۴۷۰ ص.
۱۶۱. الفکری، السید علی، القرآن، ينبوع العلوم و العرفان، دار احیاء الکتب العربیة، ۱۳۷۰ ق / ۱۹۵۱ م، چاپ دوم، (۲ جلد).
۱۶۲. الفندی، محمد جمال الدین، شگفتی‌هایی از اعجاز در «قرآن کریم»، ترجمه سید حسین میر دامادی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۱ ش، ۲۱۱ ص.
۱۶۳. القیساوی، عبدالله، القرآن علی ضوء العقل، مصر، بی تا، بی نا.
۱۶۴. قرقوز، احمد (عبدالحمید دیاب)، مع الطب فی القرآن الکریم، دمشق، مؤسسه علوم القرآن و منشورات الرضی - زاهدی، قم، ۱۴۰۴ ق، ۲۰۴ ص.
۱۶۵. قبلان، هشام، مع القرآن فی الدین و الدنیا، بیروت - پارسی، منشورات بحر المتوسط و عویدات، ۱۹۸۶ م، ۳۸۳ ص.
۱۶۶. کواکبی، عبدالرحمن، طبایع الاستبداد و مصارع الاستعباد، حلب، طبع حلب، ۱۹۵۷ م.
۱۶۷. گلشنی، مهدی، قرآن و علوم طبیعت، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۴ ش، ۱۷۳ ص، (این کتاب به عربی هم ترجمه شده و تحت عنوان «القرآن و معرفة الطبيعة» انتشار یافته است)، دار الاضواء للطباعة والنشر و التوزیع، بیروت، ۱۴۱۰ ق، ۱۶۸ ص.
۱۶۸. مرادی، ایمان، راز آسمان‌های هفت گانه، اصفهان، معاونت فرهنگی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، ۱۳۷۳ ش، ۱۰۴ ص.
۱۶۹. محمودی، عباس علی، ساکنان آسمان از نظر قرآن، تهران، نهضت زنان مسلمان، چاپ چهارم، ۱۳۶۲ ش، ۱۶۷ ص.
۱۷۰. مروّ، یوسف، العلوم الطبیعة فی القرآن، بیروت، منشورات مروّة العلیمة، ۱۳۸۷ ق، ۲۸۲ ص.
۱۷۱. مکارم شیرازی، ناصر (متولد ۱۳۰۵ ش)، تفسیر به رأی، قم مطبوعاتی هدف، چاپ هفتم، ۱۳۶۷ ش، ۹۶ ص.

۱۷۲. مکارم شیرازی، ناصر (معاصر)، قرآن و آخرین پیامبر، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۳۴۱ ص.
۱۷۳. مکارم شیرازی، ناصر (با همکاری جمعی از نویسندگان)، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۴ ش، (۲۷ جلد).
۱۷۴. همان، پیام قرآن (تفسیر موضوعی)، قم، مدرسه الامام امیرالمؤمنین علیه السلام، ۱۳۶۷ ش، (۹ جلد تاکنون).
۱۷۵. معرفت، محمد هادی (۱۳۸۵ ش.)، التمهید فی علوم القرآن جلد ششم: اعجاز علمی قرآن، (این کتاب هنوز به چاپ نرسیده است و ما آن را نزد نویسنده محترم ملاحظه کردیم).
۱۷۶. محمود، مصطفی، القرآن کائن حی، بیروت، دارالعودة، ۱۵۵ ص.
۱۷۷. محمود اسماعیل، محمد، الاشارات العلیمة فی الآیات الکوئیة فی القرآن الکریم، مصر، دار الدعوة للنشر و التوزیع، ۱۴۱۱ ق، ۱۴۷ ص.
۱۷۸. محمد حسب البنی، د. منصور، القرآن الکریم و العلم الحدیث، مصر، هیئة المصریة العامة للکتاب، ۱۹۹۰ م، ۳۳۳ ص.
۱۷۹. المظفر، محسن عبدالصاحب، القرآن و الاحوال المناخیة (دراسة قرآنیة)، نجف اشرف، منشورات دار الاضواء ۱۹۶۴ م، ۱۷۲ ص.
۱۸۰. محمدی زنجانی، علی، قرآن و اختراعات جدید، قم، چاپخانه اسلام، ۲۸۰ ص.
۱۸۱. مصباح یزدی، محمد تقی (معاصر)، جهان شناسی (مجموعه معارف قرآن ۲)، انتشارات در راه حق، ۱۳۶۲ ش، ۱۶۸ ص.
۱۸۲. همان، خلقت انسان از نظر قرآن، محمد تقی مصباح (محمود محمدی عراقی)، قم، انتشارات شفق.
۱۸۳. همان، معاف قرآن، قم، انتشارات در راه حق، ۱۳۶۷ ش، ۵۲۰ ص.
۱۸۴. محی الدین العجزوز، احمد، معالم القرآن فی عوالم الاکوان، مؤسسة دار الندوة الجدیة، بیروت، ۱۴۰۷ ق، ۳۱۴ ص.
۱۸۵. المحجری، یحیی سعید، آیات قرآنیة فی مشکاة العلم، قاهرة، دار النصر للطباعة الاسلامیة، ۱۹۹۱ م، ۴۵۲ ص.

۱۸۶. مطهری، مرتضی (شهادت ۱۳۵۸ ش.)، قرآن و مسئله‌های از حیات، بی جا، بی نا، بی تا.
۱۸۷. مهران، جمال الدین حسین، آیات من الاعجاز العلمی فی القرآن الکریم، مصر، مکتبة الأنجلو المصریة، ۱۹۹۲ م، ۱۰۲ ص.
۱۸۸. محمد سراج الدین زکرا، ا.د (السيدة اصلاح اسماعیل آمین)، اعجاز القرآن فی وقایة الانسان، القاهرة، نهضة مصر، ۱۹۹۳، م ۱۲۷ ص.
۱۸۹. مسلم، مصطفی، مباحث فی اعجاز القرآن، جدّه - السعودیة، دار المنارة، ۱۴۰۸ ق / ۱۹۸۸ م، ۲۹۵ ص.
۱۹۰. مجلسی، محمد باقر (م ۱۱۱۱ ق)، بحار الانوار، تهران، المکتبة الاسلامیة، ۱۳۵۸ ش، ۱۱۰ جلد، در جلد ۵۷ و ۵۸ (السماء و العالم)
۱۹۱. المرسی، ابوالفضل، تفسیر قرآن، بی جا، بی تا، بی نا.
۱۹۲. مشکینی اردبیلی، علی (معاصر)، تکامل در قرآن، ترجمه: حسینی نژاد، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، بی تا، ۸۰ ص.
۱۹۳. مهاجری، مسیح، نظریه تکامل از دیدگاه قرآن، تهران، دفتر نشر فرهنگی اسلامی، ۱۳۶۳ ش، ۷۸ ص.
۱۹۴. المحجری، د. یحیی، آیات قرآنیة فی مشکوة العلم، بی جا، المختار الاسلامی، بی تا.
۱۹۵. المطیعی، محمد نجیب، تنبیه العقول الانسانیة لما فی القرآن من العلوم الكونیة و العمرانیة، حلب، مکتبة احمد ربیع، بی تا.
۱۹۶. محمد محی الدین، حسین ناجی، تسعة عشر ملكاً (بیانان فریة الاعجاز العددی للقرآن خدعة بهائیة)، مصر، الزهراء للاعلام العربی، بی تا.
۱۹۷. نوفل، عبدالرزاق، الاعجاز العددی للقرآن الکریم، القاهرة، مطبوعات الشعب، الطبعة الثانية، ۱۹۸۶ م، ۱۷۴ ص، در سه جلد
۱۹۸. همان، الله و العلم الحديث، القاهرة، مؤسسة دار الشعب، ۱۹۷۷ م، ۲۰۲ ص.
۱۹۹. همان، القرآن و العلم الحديث، بیروت، دار الكتاب العربی، ۱۳۹۳ ق، ۲۲۵ ص.
۲۰۰. همان، قرآن بر فراز اعصار، قم، انتشارات نهضت، ۱۳۴۹ ش، ۳۰۳ ص. ترجمه و پاورقی: ابو مسلم بهرام پور و محمود شکیب با مقدمه یحیی نوری.

۲۰۱. همان، من الآيات العلمية، القاهرة - بيروت، دارالشروق، ۱۴۰۹ ق، ۱۳۱ ص.
۲۰۲. همان، اسرار و عجب، بيروت، دارالكتاب العربي، ۱۵۹ ص.
۲۰۳. نظیری، یحیی، قرآن و پدیده‌های طبیعت از دید دانش امروز، تهران، سحاب کتاب، ۱۳۵۸ ش، ۱۸۸ ص، با مقدمه محمد تقی شریعتی.
۲۰۴. نوری، حسین (معاصر)، دانش عصر فضا، قم، نشر مرتضی، ۱۳۷۰ ش، ۲۵۰ ص.
۲۰۵. قرآن و روان‌شناسی، ترجمه عباس عرب، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۶۷ ش، ۳۸۰ ص.
۲۰۶. النجدی، حمید، الاعجاز العلمی فی القرآن الکریم، دمشق، مطبعة الشام، ۱۴۱۴ ق / ۱۹۹۳ م، ۱۸۱ ص.
۲۰۷. نیازمند شیرازی، یدالله، اعجاز قرآن از نظر علوم امروزی، تهران، شرکت چاپ مهین، چاپ چهارم، ۱۳۳۵ ش، ۱۹۱ ص.
۲۰۸. النجدی، ابوزهرا، من الاعجاز البلاغی و العددی للقرآن الکریم، الوكالة العالمية للتوزيع، ۱۹۹۰ م
۲۰۹. نجمی، محمد صادق (و هاشم هریسی)، شناخت قرآن، بی نا، ۱۳۶۱ ش، ۳۲۸ ص.
۲۱۰. وحید الدین خان، الاسلام يتحدی (مدخل العلمی الی القرآن)، تعریب اظفر الاسلام خان، قم، الطبعة الثالثة، دار الجيل المسلم، ۱۹۷۳ م.
۲۱۱. هارون، د. نبیل عبدالسلام، کشف الاعجاز فی القرآن و التزه، القاهرة، مكتبة ابن سینا، ۸۰ ص.
۲۱۲. هیتو، محمد حسن، المعجزة القرآنية (الاعجاز العلمی والغیبی)، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۹ ق ۱۹ م.
۲۱۳. الهاشمی، عبدالمنعم، الالوان فی القرآن الکریم، بی جا، در ابن حزم، بی تا.

۵. حوزه علوم قرآن

حوزه سنتی:

۱. البرهان فی علوم القرآن، بدر الدین زرکشی.
۲. الاتقان فی علوم القرآن، جلال الدین سیوطی (۹۱۱ ق.).

۳. التمهید فی علوم القرآن، محمد هادی معرف (۱۳۸۵ ش).
۴. علوم قرآنی، همو (انتشارات التمهید).
۵. علوم قرآن، همو (انتشارات سمت).
۶. آموزش علوم قرآنی (ویژه نوآموزان)، همو.
۷. علوم قرآن (سطح ۱ و ۲)، جوان آراسته.

حوزه جدید:

۱. زبان دین و قرآن، ابوالفضل ساجدی.
۲. تحلیل زبان قرآن و متدلوژی فهم آن، محمد باقر سعیدی روشن.
۳. زبان دین، علی زمانی.
۴. قرآن و فرهنگ زمانه، حسن رضا رضایی.
۵. مقاله قرآن و فرهنگ زمانه، محمد علی رضایی اصفهانی، مجله معرفت، ش ۲۶.
۶. بررسی تطبیقی تأویل و هرمنوتیک، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۷. مقاله نشانه‌شناسی، علی رضا قائمی نیا، مجله تخصصی قرآن و علم، ش ۱.
۸. مقاله زبان‌شناسی، علی معموری، مجله تخصصی قرآن و علم، ش ۱.

۶. حوزه ترجمه قرآن

۱. منطق ترجمه قرآن، محمد علی رضایی اصفهانی، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۶ ش.
۲. مجله ترجمان وحی، مرکز ترجمه قرآن به زبان‌های غیر فارسی، ش ۱ - ۲۱.
۳. قرآن ناطق، جلد اول، عبدالکریم بی‌آزار شیرازی.

۷. حوزه ادبیات قرآنی

۱. الجدول فی اعراب القرآن، محمود صافی.
۲. سلسبیل، علیدوست.
۳. اعراب القرآن، محمد درویش.

۴. معجم اعراب الفاظ القرآن الکریم، طنطاوی.
۵. اعراب القرآن، نخاس.
۶. البحر المحيط، ابوحنیفان.
۷. الدر المصون، سیمین حلبی.
۸. تفسیر کشاف، زمخشری.

۸. حوزه فقه پژوهشی قرآن

۱. فقه القرآن (آیات الاحکام تطبیقی)، محمد فاکر میبدی.
۲. فقه القرآن، راوندی.
۳. زبدة البیان، مقدس اردبیلی.
۴. تفسیر قرطبی.

۹. حوزه منطق فهم قرآن

۱. قواعد التفسیر عند الفریقین، محمد فاکر میبدی.
۲. منطق تفسیر قرآن «۱» (مبانی و قواعد تفسیر)، محمد علی رضایی اصفهانی.
۳. قواعد التفسیر، عثمان السبت.
۴. اصول التفسیر و قواعد، خالد عبدالرحمن العک.
۵. قواعد الحسان، سعدی.
۶. روش شناسی تفسیر، بابائی و دیگران.

۱۰. حوزه تفسیر تطبیقی

۱. تفسیر تطبیقی، فتح الله نجار زادگان.
۲. مبانی تفسیر تطبیقی، همو.
۳. التفسیر الاثری الجامع، محمد هادی معرفت.

۱۱. حوزه تفسیر موضوعی

۱. منشور جاوید: جعفر سبحانی (۱ - ۱۰).

۲. پیام قرآن، ناصر مکارم شیرازی (۱ - ۱۰).
۳. تفسیر موضوعی قرآن مجید، عبدالله جوادی آملی.
۴. تفسیر موضوعی ویژه جوانان (۱ - ۴).
- الف) قرآن و هنر، علی نصیری.
- ب) قرآن و بهداشت و روان، احمد صادقیان.
- ج) قرآن و ریاضیات سید مرتضی علوی.
- د) اعجازها و شگفتی‌های علمی قرآن، رضائی ملا کاظمی.
۵. تفسیر موضوعی، جمعی از نویسندگان، نشر معارف.

۱۲. منابع حدیثی

الف) تفاسیر روایی:

در بخش منابع تفسیری گذشت؛ ولی مهم‌ترین تفاسیر روایی عبارتند از:

۱. تفسیر نور الثقلین، عروس حویزی (از شیعه).
۲. تفسیر البرهان، محدث بحرانی (از شیعه).
۳. تفسیر صافی، فیض کاشانی (از شیعه).
۴. التفسیر الاثری الجامع، محمد هادی معرفت (از شیعه).
۵. تفسیر جامع البیان، طبری (از اهل سنت).
۶. تفسیر الدر المنثور، سیوطی (از اهل سنت).

ب) کتب روایات شیعه:

۱. کافی، کلینی.
۲. تهذیب، شیخ طوسی.
۳. استبصار، شیخ طوسی.
۴. متن لایحضره الفقیه، شیخ صدوق.
۵. نهج البلاغه، سید رضی.
۶. وسائل الشیعه، شیخ حرّ عاملی.

۷. بحار الانوار، علامه مجلسی.
۸. المحاسن، بوخالد برقی.
۹. علل الشرایع، صدوق.
۱۰. تحف العقول، ابن شعبه حرانی.
۱۱. جامع الاحادیث شیعه، معزی.
۱۲. الحیاء، محمد رضا حکیمی.
۱۳. میزان الحکمة، محمدی ری شهری.

ج) کتب روایات اهل سنت:

۱. موطأ، مالک.
۲. صحیح بخاری.
۳. صحیح مسلم.
۴. سنن ترمذی.
۵. سنن ابو داود.
۶. سنن نسائی.
۷. کنز العمال.
۸. جامع الاصول من احادیث الرسول، ابن اثیر.
۹. مجمع الزوائد و منبع الفوائد، هیثمی.

پرسش و پژوهش

۱. مهم ترین و معتبرترین منابع را در روش شناسی تفسیر قرآن بر شمارید و هر کدام را در پنج سطر توضیح دهید.
۲. با تحقیق میدانی در کلاس خود بررسی کنید که چه کسانی به قلمروهای پژوهش های قرآنی علاقمند هستند چرا.
۳. یک موضوع قرآنی انتخاب نموده و هندسه پژوهش آن را سامان دهی کنید.

۴. با تحقیق میدانی در میان اساتید خود، ده موضوع جدید پیرامون پژوهش‌های قرآنی پیدا کنید.

۵. با تحقیق میدانی از پنج مرکز پژوهش قرآنی، حوزه‌های پژوهش و موضوعات جدید آنها را شناسایی کنید.

در سالروز ورود امام خمینی ره به ایران ۱۳۸۶/۱۱/۱۲ ش ویرایش نخست این نوشتار پایان یافت و در تاریخ ۱۳۸۷/۸/۲۲ ویرایش دوم آن به اتمام رسید.

والحمد لله رب العالمین

فهرست منابع

۱. ابن ابراهیم، فرات کوفی، تفسیر فرات الکوفی، موسسه چاپ و نشر وابسته به وزارت ارشاد اسلامی، ۱۴۱۰ قمری، اول.
۲. ابن حنبل، احمد، مسند احمد، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۱۵، الطبعة الثالثة.
۳. ابن منظور، لسان العرب، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۸ هـ. ق، اول.
۴. ابوریه، محمود، اضواء علی السنة المحمدیه، قم، نشر البطحاء الطبعة الخامسة، بی تا.
۵. اسحاق فیاض، محمد، محاضرات فی الاصول، تقریرات بحث خارج اصول آیه الله خویی.
۶. اسکندرلو، محمد جواد، مستشرقان و تاریخ گذاری قرآن، انتشارات پژوهش های تفسیر و علوم قرآن، قم، ۱۳۸۵.
۷. الالوسی، ابوالفضل شهاب الدین انسیه محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع، ۳۰ جلد.
۸. آمدی، علی بن محمد، الاحکام فی اصول الاحکام، تحقیق: سیدالجمیل، چاپ دوم، بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۹۸۶ م.
۹. آملی، سید حیدر، جامع الاسرار و منبع الانوار، بیروت، ۱۴۲۶ هـ ق، الاولى.
۱۰. انصاری، شیخ مرتضی، فرائد الاصول، قم، مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۱۹ ق، چهار جلدی.
۱۱. آنفرد کرلینجر، ترجمه حسن پاشا شریفی و جعفر نجفی زاده مبانئ پژوهش در علوم رفتاری، (تهران، آوای نور، ۱۳۷۴) ج ۱.
۱۲. اهتام، احمد، فلسفه احکام، ۱۳۴۴ ش، چاپخانه اسلام، اصفهان.
۱۳. بابائی و دیگران، روش شناسی تفسیر قرآن، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، قم، ۱۳۷۹.
۱۴. بابایی، علی اکبر، مکاتب تفسیری، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۱ ش.
۱۵. باریور، ایان، علم و دین، ترجمه بهاء الدین خرمشاهی، مرکز نشر دانشگاهی؛ تهران، ۱۳۸۵، چ پنجم.
۱۶. بدوی، عبدالرحمن، الدفاع عن القرآن ضد منتقديه، مكتبة مدبولی، مصر، بی تا.

۱۷. بوکای، موریس، ترجمه مهندس ذبیح الله دبیر، مقایسه‌ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، چاپ سوم، ۱۳۶۵ ش.
۱۸. پاک نژاد، دکتر سید رضا، اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، ۱۳۵۰ ش، کتابفروشی اسلامی، ج ۱ و ۱۱.
۱۹. جوهری، طنطاوی، الجواهر فی تفسیر القرآن، بی جا، دارالفکر، بی تا، ۱۳ جلدی.
۲۰. حامد ابوزید، نصر، مفهوم النص، بیروت، المركز الثقافی العربی، الطبعة الرابعة، ۱۹۹۸ م.
۲۱. حاجتی، دکتر سید محمد باقر، پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ نهم، ۱۳۷۵ ش.
۲۲. الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق: الشیخ محمد باقر المحمودی، الطبعة: الأولى سنة الطبع: ۱۴۱۱ ۱۹۹۰ م، لناشر: مؤسسة الطبع والنشر التابعة لوزارة الثقافة والإرشاد الإسلامي مجمع إحياء الثقافة.
۲۳. حسینی استر آبادی، سید شرف الدین علی، تأویل الآیات الظاهرة فی فضائل العترة الطاهرة، موسسه نشر الاسلام، وابسته به جامعه مدرسین قم، اول، ۱۴۰۹ قمری.
۲۴. الحویزی، عبدالعلی بن جمعه العروسی، تفسیر نور الثقلین، ۱۳۸۳ ق، المطبعة العلمية، قم، پنج جلدی.
۲۵. خراسانی، آخوند، کفایة الاصول، شرح سیدمحمد حسین شیرازی، قم، دارالایمان، ۱۴۰۶ ق، پنج جلدی.
۲۶. خرمشاهی، بهاء الدین، پوزیتویسم منطقی، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۸ ش، چ دوم.
۲۷. خمینی، روح الله موسوی، آداب الصلوة، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، ۱۳۷۲، چاپ سوم.
۲۸. خمینی، سید مصطفی، تفسیر القرآن الکریم، انتشارات مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۴۱۸ ق، چ اول.
۲۹. خوئی، آیه الله سید ابو القاسم، البیان فی تفسیر القرآن، ۱۳۹۴ ق، المطبعة العلمية، قم.
۳۰. دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران، مقالات همایش نقش دین در بهداشت روان، آذر ۱۳۷۶ ش، تحقیق مجید یوسفی لویه، ناظم حسن پور.
۳۱. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷، دوم.
۳۲. دیاب، دکتر عبد الحمید و دکتر احمد قرقوز، مع الطب فی القرآن الکریم، مؤسسه علوم القرآن، دمشق، ۱۴۰۴ ق، الطبعة السابعة.
۳۳. دیلمی، حسن بن ابی الحسن، ارشاد القلوب الی الصواب، انتشارات شریف رضی، اول، ۱۴۱۲ قمری.

۳۴. الذهبی، محمد حسین، التفسیر والمفسرون، ۱۳۹۶ ق، دار الکتب الحدیثه، بی جا، الطبعة الحدیثه، دو جلدی.
۳۵. رازی، ابوالفتوح، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، (م ۵۵۲ ق) مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی ۱۳۷۴ ش، ۱۴ جلدی.
۳۶. رازی، فخرالدین، تفسیر کبیر (مفاتیح الغیب)، ۱۴۱۱ ق، دار الکتب العلمیه، بیروت، ۳۲ جلد.
۳۷. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، المكتبة الرضویه، تهران، ۱۳۳۲ ش.
۳۸. رامیار، محمود، تاریخ قرآن، مؤسسه انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۶۲ ش.
۳۹. رسائل ابن سینا، چاپ هند، ۱۹۰۸ م (در کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی در قم موجود است).
۴۰. رشید رضا، محمد، تفسیر المنار تفسیر القرآن الکریم، بیروت، دارالمعرفة الطبعة الثالثة، بی تا، ۱۲ جلدی.
۴۱. رضایی اصفهانی، دکتر محمد علی، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ج ۲، انتشارات کتاب مبین، ۱۳۸۰ ش.
۴۲. رضایی اصفهانی، محمد علی، درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، قم، انتشارات اسوه، ۱۳۷۶ ش، ۵۱۷ ص.
۴۳. رضایی محمد علی، مقاله معانی جمع قرآن، مجله صحیفه مبین، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۴ ش.
۴۴. رضایی اصفهانی، محمد علی، منطق تفسیر قرآن (۱) روش‌ها و گرایش‌های تفسیر قرآن، نشر جامعه المصطفی ص العالمیه، قم، ۱۳۸۵ ش.
۴۵. رضایی اصفهانی، دکتر محمد علی، منطق تفسیر قرآن (۲) روش‌ها و گرایش‌های تفسیر قرآن، نشر جامعه المصطفی ص العالمیه، قم، ۱۳۸۵ ش.
۴۶. روش‌شناسی مطالعات دینی، احمد فرامرزی قراملکی.
۴۷. زبیدی حسینی، سید محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۳۹۲ ق.
۴۸. زرقانی، محمد عبدالعظیم، مناهل العرفان فی علوم القرآن، مطبعة داراحیاء الکتب العربیه، بی جا، بی تا.
۴۹. زرکشی، بدرالدین محمد بن عبدالله، البرهان فی علوم القرآن، ۱۴۱۰ ق، دارالمعرفة، بیروت، چهار جلد.
۵۰. زمانی، محمد حسن، مستشرقان و قرآن، مؤسسه بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۵، چ اول.
۵۱. سبحانی، جعفر، تفسیر صحیح آیات مشکله قرآن، تنظیم سید هادی خسرو شاهی، قم، مؤسسه امام صادق ع، (انتشارات توحید)، ۱۳۷۱ ش.
۵۲. السعدی، عبدالرحمان بن ناصر، القواعد الحسان لتفسیر القرآن، عربستان سعودی، دارابن

- الجوزية، اول، ۱۴۱۳ هـ - ۱۹۹۳ م، ۱۷۶ ص.
۵۳. سعیدی روشن، دکتر محمد باقر، تحلیل زبان قرآن و روش‌شناسی فهم آن، قم، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۳ ش.
۵۴. سید قطب، تفسیر فی ظلال القرآن، بیروت دار احیاء التراث العربی، الطبعة الخامسة، ۱۳۸۶ ق.
۵۵. السیوطی، الإتقان فی علوم القرآن، دار الفکر بیروت لبنان، الطبعة: الأولى، سنة الطبع: ۱۴۱۶ - ۱۹۹۶ م.
۵۶. السیوطی، جلال الدین عبدالرحمن ابن ابی بکر، الدر المنثور فی تفسیر الماتور، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۴ ق.
۵۷. شاکر، کاظم، روش‌های تأویل قرآن (مناهج تأویل القرآن).
۵۸. شاکر، محمد کاظم، مبانی و روش‌های تفسیری، انتشارات مرکز جهانی، ۱۳۸۲، اول.
۵۹. شانه‌چی، کاظم مدیر، علم الحدیث و دارایة الحدیث، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۲ ش.
۶۰. شبر، سید عبداللہ، تفسیر القرآن الکریم (تفسیر شبر)، (م ۱۲۴۲ ق)، بیروت، دارالبلاغه للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۱۲ ق، ۱ جلدی.
۶۱. صدوق، شیخ ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، التوحید، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دوم، ۱۳۹۸ قمری (۱۳۵۷ شمسی).
۶۲. صدوق، شیخ ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، الامالی، انتشارات کتابخانه اسلامیة (منشورات اعلمی، بیروت)، نوبت چهارم، اصلاحات ۱۳۶۲.
۶۳. صدوق، شیخ ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، کمال الدین و تمام النعمة، انتشارات دارالکتب الاسلامیة قم، دوم، ۱۳۹۵ قمری.
۶۴. الصفار، محمد بن الحسن، بصائر الدرجات، تحقیق: تصحیح و تعلیق و تقدیم: الحاج میرزا حسن کوچہ باغی، سنة الطبع: ۱۴۰۴ ۱۳۶۲ ش، المطبعة: مطبعة الأحمدی طهران، الناشر: منشورات الأعلمی طهران.
۶۵. طباطبایی، علامه سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، قم، ۱۳۹۳ ق، ۲۰ ج.
۶۶. طباطبایی، محمد حسین، قرآن در اسلام، بنیاد اسلامی، ۱۳۶۱ ش.
۶۷. الطبرسی، ابوعلی الفضل بن الحسن (امین الاسلام)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، المكتبة الاسلامیة، ۱۳۹۵ ق، چ پنجم.
۶۸. طبری، ابو جعفر محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۳۹۳ ق، دار المعرفة، بیروت، ۳۰ جلد در ۱۲ مجلد.
۶۹. طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، الاستبصار فیما اختلف من الاخبار، دارالکتب الاسلامیة، تهران، ۱۳۹۰ ق.

۷۰. طوسی، شیخ ابوجعفر محمدبن الحسن، التبیان فی تفسیر القرآن، (م ۴۶۰ ق) قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۹ ق، ۱۰ جلدی.
۷۱. عمید زنجانی، عباس علی، مبانی و روش های تفسیر قرآن؛ تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اول، ۱۳۶۶ ش، ۱ جلد، ۳۴۳ ص.
۷۲. العیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، تحقیق: الحاج السید هاشم الرسولی المحلاتی الناشر: المکتبة العلمیة الإسلامیة طهران.
۷۳. فاکر میبدی، فقه القرآن (تفسیر تطبیقی آیات الاحکام).
۷۴. قاسمی، محمد جمال الدین، محاسن التأویل (تفسیر قاسمی)، موسسه تاریخ عربی، بیروت، بی تا.
۷۵. قریشی، سید علی اکبر، ۱۳۶۱ ش، قاموس قرآن، دار الکتب الاسلامیة، تهران، چاپ سوم، هفت جلد در سه مجلد.
۷۶. قمی، شیخ عباس، سفینه البحار، دارالاسوة للطباعة و النشر، طهران، ۱۴۱۶ ق.
۷۷. کاشانی، محمد محسن فیض، تفسیر صافی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۰۲ ق، الطبعة الثانية، ۵ جلدی.
۷۸. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول الکافی، ترجمه سید جواد مصطفوی، تهران، بی تا.
۷۹. گروهی از نویسندگان، اسلام و بهداشت روان (مجموعه مقالات همایش دین و بهداشت روان دانشگاه علوم پزشکی ایران)، نشر معارف.
۸۰. مؤذنب، دکتر سید رضا، روش های تفسیر قرآن، قم، دانشگاه (انتشارات اشراق)، ۱۳۸۰ ش.
۸۱. مجلسی، علامه محمد تقی، بحار الانوار، المکتبة الاسلامیة، تهران، ۱۱۰ جلد، ۱۳۸۵ ش.
۸۲. مجله تخصصی قرآن و مستشرقان، ش ۱، ۴، مرکز تحقیقات «قرآن کریم» الهمدی.
۸۳. مجله طب و تزکیه، ش ۲۹، ۱۳۷۷ ش، ص ۷۸، مقاله بررسی تأثیر آوای «قرآن کریم» بر کاهش اضطراب، علیرضا نیکبخت.
۸۴. محدث نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، حسین، تحقیق و نشر موسسه آل البيت (علیه السلام)، قم، اول، ۱۴۰۸ قمری.
۸۵. مرادی زنجانی، حسین و محمد علی لسانی فشارکی، روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم.
۸۶. مراغی، احمد مصطفی، تفسیر مراغی، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۸ هـ ق.
۸۷. مطهری، شهید مرتضی، ۱۳۷۲ ش، علل گرایش به مادی گری، انتشارات صدرا، تهران، قم، جلد اول مجموعه آثار.
۸۸. مظفر، محمد رضا، ۱۳۶۸ ش، اصول الفقه، انتشارات المعارف الاسلامیة، تهران، چهار جلد در دو مجلد.
۸۹. مظفر، محمد رضا، المنطق، دارالتعارف للمطبوعات، بیروت، ۱۳۶۸ ش، ۱۴۰۲ ق.
۹۰. معرفت، آیه الله محمد هادی، ۱۴۱۷ ق، التمهید فی علوم القرآن، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، ج ۶.

۹۱. معرفت، محمد هادی، التفسیر الاثری الجامع، مؤسسة التمهید، قم، ۱۳۸۳ ش، الطبعة الاولى.
۹۲. معرفت، محمد هادی، التفسیر والمفسرون فی ثوبة القشيب، مشهد، الجامعة الرضوية العلوم الاسلامية ۱۴۱۸ ق و همان، ترجمة علی خیاط، انتشارات ذوی القربی، ۱۳۸۰ ش.
۹۳. معرفت، محمد هادی، تاریخ قرآن، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۲ ش، چ ۵.
۹۴. معرفت، محمد هادی، شبهات و ردود حول القرآن الکریم، مؤسسه تمهید، قم، ۱۴۲۴ هـ.ق، چ دوم.
۹۵. معرفت، محمد هادی، مصاحبه، مجله حوزه و پژوهش، ش ۱۷، ۱۸، ۱۳۸۵ ش.
۹۶. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، تصحیح الاعتقاد، کنگره جهانی هزاره مفید قم، دوم، ۱۴۱۳ هـ.ق.
۹۷. مک اولیف، سروراستار دکتر دمن جان دائرةالمعارف قرآن، لایدن، مدخل های هارون و
۹۸. مکارم شیرازی، ناصر، پیام قرآن؛ قم، انتشارات نسل جوان، ۱۳۷۹ ش، جلد اول (مقدمه‌ای در روش تفسیر موضوعی و روش های تفسیر قرآن).
۹۹. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دار الکتب الإسلامية، تهران، ۱۳۷۴ ش، چ اول.
۱۰۰. میرزاخانی، حسین، عیون الاخبار، منشورات المطبعة الحیدریه، نجف، ۱۳۹۰ هـ.ق.
۱۰۱. نادری، عزت الله و سیف نراقی، مریم، روش های تحقیق و چگونگی ارزشیابی آن در علوم انسانی.
۱۰۲. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، مکتبه الاسلامیه، قم ۱۲۶۶ هـ.
۱۰۳. نعمان بن محمد مغربی، اساس التأویل، دارالشفافة، بیروت، بی تا.
۱۰۴. واعظی، احمد، درآمدی بر هرمنوتیک، مؤسسه فرهنگ دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۸۰.
۱۰۵. وسائل الشیعه (تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعة)، شیخ حر عاملی، محمد بن حسن تحقیق و نشر، مؤسسه آل البيت علیهم السلام قم، اول ۱۴۰۹ قمری.

۶۱. اندیشه سیاسی اجتماعی امام خمینی (ره) / غلامحسن مقیمی
۶۲. مبانی و روش های تفسیری / محمد کاظم شاکر
۶۳. آموزش فارسی به فارسی (مقدمه) (۱/۱) / اصغر فردی، احمد زهرایی، محمد ناطق
۶۴. آموزش فارسی به فارسی کتاب چهارم / اصغر فردی، احمد زهرایی
۶۵. کارآمدی فقه شیعه در حل معضلات نوظهور سیاسی / اوگین آکبولاک
۶۶. ویژگی های مجازات در اسلام / علی شریفی
۶۷. رابطه هست و باید / علیرضا ناصری
۶۸. خلاصه البيان في تفسير القرآن ج ۱ / سید هاشم میردامادی نجف آبادی مقدمه و تحقیق: سید مجتبی میردامادی
۶۹. خلاصه البيان في تفسير القرآن ج ۲ / سید هاشم میردامادی نجف آبادی مقدمه و تحقیق: سید مجتبی میردامادی
۷۰. خلاصه البيان في تفسير القرآن ج ۳ / سید هاشم میردامادی نجف آبادی مقدمه و تحقیق: سید مجتبی میردامادی
۷۱. خلاصه البيان في تفسير القرآن ج ۴ / سید هاشم میردامادی نجف آبادی مقدمه و تحقیق: سید مجتبی میردامادی
۷۲. خلاصه البيان في تفسير القرآن ج ۵ / سید هاشم میردامادی نجف آبادی مقدمه و تحقیق: سید مجتبی میردامادی
۷۳. خلاصه البيان في تفسير القرآن ج ۶ / سید هاشم میردامادی نجف آبادی مقدمه و تحقیق: سید مجتبی میردامادی
۷۴. خلاصه البيان في تفسير القرآن ج ۷ / سید هاشم میردامادی نجف آبادی مقدمه و تحقیق: سید مجتبی میردامادی
۷۵. تاریخ امپراطوری عثمانی / محمد رضا بارانی
۷۶. مبانی انسان شناسی پیشرفت / امان الله فاضلی، محمد علی نظری، محمد علی جوادی، نورا... نظری
۷۷. خدیو یوم الدار نخستین سند ولایت / مصطفی عزیزی علویچه
۷۸. هویت فلسفه اسلامی / تهران خلیل اویج
۷۹. پدیده وحی از دیدگاه علامه طباطبائی / رحمت ... احمدی
۸۰. شاخص های ارزیابی تسهیل مبادلات در بازار اسلامی / محمد جمال خلیلیان اشکلری
۸۱. ادراک حسی از دیدگاه حکمت صدرایی و مبانی فیزیک / سید یوسف موسوی
۸۲. بررسی تطبیقی دفاع در اسلام و حقوق بین الملل / سید محمد امین هاشمی
۸۳. درمان بحران های روحی از دیدگاه قرآن / محمد هادی قربانی
۸۴. آموزش فارسی به فارسی کتاب سوم / مرکز آموزش زبان و معارف اسلامی
۸۵. مبانی وقف و ابتداء / محمد رضا شهیدی پور
۸۶. آسیب شناسی روابط گروه های قومی شیعه در افغانستان / محمد حسین فیاض
۸۷. آموزش ترجمه و مفاهیم قرآن ج ۱ / علی بمان ملک احمدی
۸۸. آموزش ترجمه و مفاهیم قرآن ج ۲ / علی بمان ملک احمدی
۸۹. آموزش ترجمه و مفاهیم قرآن ج ۳ / علی بمان ملک احمدی
۹۰. آموزش ترجمه و مفاهیم قرآن ج ۴ / علی بمان ملک احمدی
۹۱. آموزش ترجمه و مفاهیم قرآن ج ۵ / علی بمان ملک احمدی
۹۲. آموزش ترجمه و مفاهیم قرآن ج ۶ / علی بمان ملک احمدی
۹۳. صفات خدا در کلام اسلامی و کلام مسیحی (قرون وسطی) / شاهد علی هادی
۹۴. مراتب توحید الهی در حکمت متعالیه و اثر پذیری از قرآن و سنت / خلیل موسوی
۹۵. نقش مسلمانان در انتقال تمدن اسلامی به اروپا / محمدصادق رضوانی
۹۶. نقد و بررسی رفتارهای سیاسی و اجتماعی فاتحان مسلمانان در قرن اول هجری / مصطفی خرمی
۹۷. بررسی فقهی وکالت زن در دعاوی و مجلس / محمد صادق فیاض
۹۸. الگوی پیشنهادهای بانکداری بدون ربا برای کشور آذربایجان / الدار علی حسین اف
۹۹. بررسی عصمت انبیا از دیدگاه شیخ طوسی و فخرالدین رازی / افضل الدین رحیم اف
۱۰۰. اسرار الصلاة میبیدی / محمد رضا افضلی
۱۰۱. هفدهمین جشنواره بین المللی شیخ طوسی (جهان اسلام و بیدارگری) / جمعی از مولفان
۱۰۲. بهره‌ها در سرتاریخ راندینشه (جماعتی از شیعیان اسماعیله طیبیه هند) / تکمیل راجانی
۱۰۳. عقل در قرآن و تمدن اسلامی / سید امیر حسین اصغری، امیر عباس صالحی
۱۰۴. خورشید پهبود / سید رشید صمیمی
۱۰۵. آئین الینک الاسلامی / عبدالله حیدری
۱۰۶. اسلام در روسیه (اسلام در سرزمین گولا) / اداریوسف، دولتچینا، کوستووا، سینونکینا... و
۱۰۷. فرصتی دوباره / حسن بسطامی
۱۰۸. جمع میان احکام ظاهری و واقعی / محمد عیسی دانش
۱۰۹. علوم قرآن مقدماتی / صدیق حسین
۱۱۰. آداب و احکام تلاوت قرآن کریم / محمد باقر معرفت
۱۱۱. اسلام، جهانی شدن و جهانی سازی / مهدی امیدوی نقابری
۱۱۲. الگوی بانکداری اسلامی / محمد جواد محقق نیا
۱۱۳. واژه شناسی قرآن مجید / شهید غلامعلی همایی
۱۱۴. بررسی تطبیقی خیر و شر از دیدگاه ابن عربی و ابن سینا / حسن امینی
۱۱۵. حاکمیت و حکمرانی در نهج البلاغه / محمد مهدی بابور گل افشانی
۱۱۶. آشنایی با جوامع حدیثی شیعه و اهل سنت / علی نصیری

۱. مسائل جدید کلامی و فلسفه دین ج ۱ / عبدالحمید خسروپناه
۲. مسائل جدید کلامی و فلسفه دین ج ۲ / عبدالحمید خسروپناه
۳. مسائل جدید کلامی و فلسفه دین ج ۳ / عبدالحمید خسروپناه
۴. مجموعه مقالات همایش بین المللی امت اسلامی، مبانی و مؤلفه ها ج ۱ / مجموعه مؤلفان
۵. مجموعه مقالات همایش بین المللی امت اسلامی، مبانی و مؤلفه ها ج ۲ / مجموعه مؤلفان
۶. سیری در آیین مسیحیت / علی الشیخ
۷. اسرائیلیات، تخریب ها و تحریف های یهود / سیف الله مدهر چهارچری
۸. بررسی مقایسه ای ماهیت و حقوق ایمان بین ملاصدرا و آکویناس / غلام سخی احسانی
۹. آشنایی با معارف قرآن، قصه های قرآنی: تفسیر موضوعی / صالح فتادی
۱۰. تاریخ فلسفه اسلامی / جمعی از مولفان
۱۱. ارتباط چهره به چهره / مرکز توسعه منابع انسانی
۱۲. ارزش یابی آموزشی / مرکز توسعه منابع انسانی
۱۳. آشنایی با اختلالات شناختی / مرکز توسعه منابع انسانی
۱۴. اخلاق اجتماعی / مرکز توسعه منابع انسانی
۱۵. اخلاق دوست یابی / مرکز توسعه منابع انسانی
۱۶. در سنامه عقاید / علی شیروانی
۱۷. تاریخ حدیث / سید رضا مؤدب
۱۸. منطق پیشرفته / عسکری سلیمانی امیری
۱۹. آشنایی با آموزه های اسلام (سال اول دبیرستان) / علی بمان ملک احمدی
۲۰. آشنایی با آموزه های اسلام (سال دوم دبیرستان) / علی بمان ملک احمدی
۲۱. آشنایی با آموزه های اسلام (سال سوم دبیرستان) / علی بمان ملک احمدی
۲۲. آشنایی با آموزه های اسلام (سال اول راهنمایی) / علی بمان ملک احمدی
۲۳. آشنایی با آموزه های اسلام (سال دوم راهنمایی) / علی بمان ملک احمدی
۲۴. آشنایی با آموزه های اسلام (سال سوم راهنمایی) / علی بمان ملک احمدی
۲۵. تاریخ اروپا ۲ / محمد مسعود آرنی
۲۶. تاریخ ادبیات فارسی ۱ / محسن مؤمن، مرتضی زرقاق پور، محسن اسماعیلی، غلامعلی گرابی
۲۷. آموزه های بنیادین علم اخلاق ج ۱ / محمد فتحعلی خانی
۲۸. آشنایی با فقه شافعی / نصیب الله عمرف
۲۹. تربیت دادرسی و قضاء در عصر امویان / اسد الله رضایی
۳۰. تربیت بدنی و سلامت جسمانی / محسن اکبرپوربونی، سید محسن حسینی مراد آبادی، حسین صبوری، محمد رضا خرابی، مهدی فهیمی
۳۱. اصول و روش های حفظ قرآن / سید علی میرداماد نجف آبادی
۳۲. تفکر عقلی در کتاب و سنت / حمید رضا نیا
۳۳. درس هایی از اخلاق / اداره تربیت مجتمعه آموزش عالی امام خمینی (ره)
۳۴. درآمدی بر نظریه عدالت در اسلام / عبد الله جعفری
۳۵. گزیده کلبه و دمنه / محمد رضا نیک زاد
۳۶. فرق و مذاهب کلامی / علی ربانی گلپایگانی
۳۷. درآمدی به شیعه شناسی / علی ربانی گلپایگانی
۳۸. فلسفه تاریخ / جواد سلیمانی
۳۹. در سنامه مفردات قرآن مجید / غلامعلی همایی
۴۰. علوم قرآن مقدماتی / صدیق حسین
۴۱. آشنایی با فقه حنفی / معروف جان رحیم جان اف تحقیق و باز نویسی / خیر الله فیض الله اف
۴۲. پژوهشی در جلوه های امامت و ولایت در جریان عاشورا / خدیجه صالحی
۴۳. انسجام سیاسی در جوامع چند فرهنگی / امان الله شفاوی
۴۴. بیت العزل معرفت / محمد فولادی، بهاء الدین اسکندری
۴۵. آداب و احکام تلاوت قرآن کریم / محمد باقر معرفت
۴۶. در سنامه فقه الحدیث (کتاب فضل العلم، کتاب الحجة، کتاب العشره) / محمد امینی
۴۷. تاریخ علوم اصول و فقه در شیعه / یعقوب علی برچی
۴۸. شاخص تکریم مشتری / نعمت اله پناهی پروچردی
۴۹. آشنایی مقدماتی با فلسفه اسلامی / سید زهیر المسلیبلی
۵۰. آشنایی با صحیفه سجادیه / محمد علی محمد جعفری
۵۱. مفاهیم در اصول فقه و کاربرد آن در حل مسائل فقهی و حقوقی / علی مظهر قراملکی
۵۲. در سنامه روش های تفسیر قرآن / محمد علی رضایی اصفهانی
۵۳. آشنایی با تاریخ تفسیر و مفسران / حسین علوی مهر
۵۴. حفظ موضوعی قرآن کریم (اعتقادات، احکام و اخلاق) / سید علی میرداماد نجف آبادی
۵۵. کلام تطبیقی (نبوت، امامت و معاد) / علی ربانی گلپایگانی
۵۶. کلام تطبیقی (توحید، صفات و عدل الهی) / علی ربانی گلپایگانی
۵۷. آموزش فارسی به فارسی (کتاب کار ۷) / اصغر فردی، احمد زهرایی، جعفر مؤمنی
۵۸. در سنامه روش آموزش و مهارت های کلاس داری قرآن کریم / رحمت عابدی
۵۹. آموزش فارسی به فارسی (کتاب کار ۶) / اصغر فردی، احمد زهرایی، جعفر مؤمنی
۶۰. از قیادبان تا یمنگان / محمد رضا یوسفی، رقیه ابراهیمی شهرآباد

منشورات مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی

۱۷۴. دروس فی تاریخ الادیان / حسین توفیقی
۱۷۵. المبادئ البغویة عند الأصولیین / ماجد الصیمری
۱۷۶. الشوراقیه فی الحکومة الاسلامیه / رعد کاظم العالمی
۱۷۷. صلح الحدیبیہ و حقیقہ الرؤا ان قراه جدیده فی الاهداف و سیر الاحداث و مصادر الرویه / السید حسین السید البدری
۱۷۸. بررسی دیدگاه‌های تقریبی امام خمینی و مولانا مودودی / سید حسن مهدی کاظمی
۱۷۹. حکم منکر ضروری الدین / سلیمان علی رضا
۱۸۰. ضوابط الرضاغ، الجزء الأول / السید محمد باقر الداماد، تصحیح: سید مجتبی میرداماد
۱۸۱. ضوابط الرضاغ، الجزء الثاني / السید محمد باقر الداماد، تصحیح: سید مجتبی میرداماد
۱۸۲. الخراج فی فقه الامامی / عبدالملک رضا هادی
۱۸۳. اهداف التربية الاسلامیه / مکرزباحت الحوزة و الجامعة
۱۸۴. معرفة ابواب الفقه (تألیف تحریر الوسیله للامام الخمینی) / محسن الفقیهی
۱۸۵. دوراهل البیت فی تفسیر القرآن الکریم / السید توقیر عباس کاظمی
۱۸۶. نبراس الادهان فی اصول الفقه المقارن، الجزء الخامس / السید مرتضی الحسینی الکرگانی
۱۸۷. الفقه المقارن (العبادات و الاحوال الشخصیه) / السید کاظم المصطفوی
۱۸۸. نبراس الادهان فی اصول الفقه المقارن، الجزء الرابع / السید مرتضی الحسینی الکرگانی
۱۸۹. البرنامج التدريسی للحلقة الثانية، ج۱ / محمود العبدانی
۱۹۰. المدخل الی الاقتصاد الاسلامی / مکرزباحت الحوزة و الجامعة
۱۹۱. دروس تمهیدیه فی اصول العقائد / صادق الساعدی
۱۹۲. نبراس الادهان فی اصول الفقه المقارن، الجزء الثالث / السید مرتضی الحسینی الکرگانی
۱۹۳. تاریخ الحوزات العلمیة و المدارس الدینیة عند الشیعة الإمامیه ج۱ / ابوانس
۱۹۴. تاریخ الحوزات العلمیة و المدارس الدینیة عند الشیعة الإمامیه ج۲ / ابوانس
۱۹۵. تاریخ الحوزات العلمیة و المدارس الدینیة عند الشیعة الإمامیه ج۳ / ابوانس
۱۹۶. تاریخ الحوزات العلمیة و المدارس الدینیة عند الشیعة الإمامیه ج۴ / ابوانس
۱۹۷. تاریخ الحوزات العلمیة و المدارس الدینیة عند الشیعة الإمامیه ج۵ / ابوانس

انگلیسی

۱۹۸. مهارت های قرائت قرآن (سطح ۱) - تجوید / محمد رضا ستوده نیا
۱۹۹. نگین آفرینش / محمد امین بالآستانیان
۲۰۰. سلسله مقالات (سلسله مقالات در گفتن اسلام اسلامی) / عبدالمجید حکیم الهی
۲۰۱. فرهنگ اصطلاحات حقوق فقه / علیرضا هادی
۲۰۲. مقدمه ای بر فلسفه اسلامی معاصر / محمد فنایی اشکوری
۲۰۳. گفتارهایی در باب علم / امام خمینی
۲۰۴. گفتارهایی در باب علم / امام خمینی
۲۰۵. گفتارهایی در باب قلب و احوال آن / امام خمینی
۲۰۶. گفتارهایی در باب توحید / امام خمینی
۲۰۷. گفتارهایی در باب مسایل کلامی / امام خمینی
۲۰۸. گفتارهایی در باب یاد خدا و اخلاص / امام خمینی
۲۰۹. گفتارهایی در باب صفات مؤمنان / امام خمینی
۲۱۰. گفتارهایی در باب حب دنیا / امام خمینی
۲۱۱. گفتارهایی در باب ردائیل اخلاقی / امام خمینی
۲۱۲. گفتارهایی در باب فضایل اخلاقی / امام خمینی
۲۱۳. درآمدی بر اصول فقه، رهیافتی شیعی / علیرضا هادی
۲۱۴. آشنایی با علوم اسلامی / شهید مرتضی مطهری
۲۱۵. تعلیم و تربیت در اسلام / شهید مرتضی مطهری
۲۱۶. دیدگاهی اسلامی در باب نظریه معرفت / شهید مرتضی مطهری
۲۱۷. انسان و سرنوشت / شهید مرتضی مطهری
۲۱۸. شیخ مرتضی مطهری اصلاح گرو مجدد اندیشه اسلامی / خنجر حمیه
۲۱۹. قرآن و علوم طبیعت / مهدی گلشنی
۲۲۰. مسابلی در باب اسلام و علم / مهدی گلشنی
۲۲۱. آیا علم می تواند دین را نادیده بگیرد؟ / مهدی گلشنی
۲۲۲. جامعه شناسی برای دانشجویان مسلمان ج۱ / شجاع علی میرزا
۲۲۳. جامعه شناسی برای دانشجویان مسلمان ج۲ / شجاع علی میرزا
۲۲۴. علوم اسلامی: نجوم، کیهان شناسی و هندسه / علی اکبر رضایی
۲۲۵. معرفت شناسی در اندیشه کلاسیک اسلامی / فرشاد فرشته صنعی
۲۲۶. انسان شناسی برای دانش آموزان مسلمان / حمید پارسانیا، شجاع علی میرزا
۲۲۷. سلسله مقالات مطالعات اسلامی ج۱ / جمعی از نویسندگان
۲۲۸. سلسله مقالات مطالعات اسلامی ج۲ / جمعی از نویسندگان
۲۲۹. سلسله مقالات مطالعات اسلامی ج۳ / جمعی از نویسندگان
۲۳۰. سلسله مقالات مطالعات اسلامی ج۴ / جمعی از نویسندگان
۲۳۱. حقائق قرآن و تمدن اسلامی / سید امیر حسین اصغری، امیرعباس صالحی
۲۳۲. طهارت اهل کتاب / محمد حسین مختاری

فرانسوی

۲۳۳. درسنامه روش آموزش و مهارت های کلاس داری قرآن کریم / رحمت عابدی / ذوالقعدة نصرالله

۱۱۷. تفسیر مقدمه مانی قرآن کریم / محمد علی رضایی اصفهانی
۱۱۸. تاریخ تشکیلات در اسلام / محمد رضا شهیدی پاک
۱۱۹. حدیث و علوم جدید (منطق فهم احادیث علمی) / محمد علی رضایی اصفهانی
۱۲۰. بررسی مقایسه ای ماهیت و حقیق رؤا بین ملا صدرا و اکتویاس / غلام سخنی احسانی
۱۲۱. درس هایی از اخلاق / اداره تربیت مجتمع آموزش عالی امام خمینی
۱۲۲. تربیت اخلاقی در سیره اهل بیت / غلامحسین ناطقی
۱۲۳. درسنامه تاریخ تحلیلی اهل بیت / مجید حدیدی نیک
۱۲۴. تفکر عقلی در کتاب و سنت / حمید رضا نیا
۱۲۵. درسنامه فقه الحدیث (کتاب فضل العلم، کتاب الحججة، کتاب العشره) / محمد امینی
۱۲۶. مهارت در نوشتن / بهاء الدین اسکندری
۱۲۷. دانش فقه الحدیث / محمد حسن زبانی بیرجندی
۱۲۸. سیاست خارجی قدرت های بزرگ / محمد ستوده آرنی
۱۲۹. تاریخ اسلام در آسیای میانه و قفقاز / غلامحسین حسین زاده شانه چی
۱۳۰. مسابلی حقوقی در سازمان / محسن منتظی
۱۳۱. انسان شناسی فرهنگی با رویکرد تبلیغ بین الملل / محمد رضا آقایی
۱۳۲. منطق تفسیر قرآن ۴ (مباحث جدید دانش تفسیر) / محمد علی رضایی اصفهانی
۱۳۳. فرهنگ اصطلاحات اصول / مجتبی ملکی اصفهانی
۱۳۴. درس نامه تاریخ تشیع ۱ / سید لطف الله جلالی
۱۳۵. اصول و روش های آموزش مفاهیم دینی به نوجوانان / حمید الله رضایی
۱۳۶. ساز و کار بانکداری اسلامی / محمد جواد توکلی
۱۳۷. ماهیت و چیستی شیپرفت در اسلام / سید عبدالحمید ثابت، محمد علی نظری و نصرالله نظری
۱۳۸. بررسی تطبیقی منابع تاریخی شیعی و سنی درباره تعامل حضرت علی و خلفا تا قرن ۵ هجری / سید ابرار حسین نقوی
۱۳۹. مقایسه ای عوامل سقوط تمدن ها از دیدگاه ابن خلدون و توین بی / سید محمد جمال موسوی
۱۴۰. مشروعیت اقامه حدود و تعزیرات در عصر غیبت / سید باقر محمدی

عربی

۱۴۱. الآداب الاسلامیه، ج ۱ / محمد عنابدیل / کمال السید / ج ۴
۱۴۲. قراءة نقدیة فی تاریخ القرآن للمستشرق ثیودور نولکه / حسن علی حسن مطر الهانمسی
۱۴۳. دروس فی علوم القرآن / حسین جوان آراسته
۱۴۴. نافذة علی الفلسفة / صادق الساعدی
۱۴۵. دروس تمهیدیه فی الفقه الاستدلالی ج۱: العبادات / الشیخ باقر الایروانی
۱۴۶. دروس تمهیدیه فی الفقه الاستدلالی ج۲: عقود / الشیخ باقر الایروانی
۱۴۷. دروس تمهیدیه فی الفقه الاستدلالی ج۳: عقود ۲ و الاقباعات / الشیخ باقر الایروانی
۱۴۸. دروس تمهیدیه فی الفقه الاستدلالی ج۴: الاحکام / الشیخ باقر الایروانی
۱۴۹. کتاب التطبيق ۱ / شاکر محمود افضلی، میثم الربیعی
۱۵۰. کتاب التطبيق ۲ / شاکر محمود افضلی، میثم الربیعی
۱۵۱. کتاب اللغة العربیة ۲ / شاکر محمود افضلی، میثم الربیعی
۱۵۲. مناهج البحث فی القرآن الکریم / محمد علی لسانی فاشراکی، حسین مرادی زنجانی
۱۵۳. بحوث فقهیة معاصرة فی الاقتصاد والعلاقات الدولیة / مرتضی الترابی
۱۵۴. دروس تمهیدیه فی العقیدة الاسلامیه / علی شیروانی
۱۵۵. الفُوروات الدینیة و المذهبیة و الفقهیة علی ضوء مدرسة اهل البیت / علی الوائلی
۱۵۶. فلسفة الاخلاق / حسن معلمی
۱۵۷. مدخل عام لدراسة فقه القرآن المقارن / خالد غفوری الحسنی
۱۵۸. بهجة الایام فی الرد علی مغالطات الادی فی الاحکام / السید فالح عبد الرضا الموسوی
۱۵۹. تفسیر مقدمه مانی قرآن کریم (التفسیر التمهید للقرآن الکریم) / محمد علی رضایی اصفهانی
۱۶۰. مقام المرأة / شهید مرتضی مطهری
۱۶۱. النبئی الکریم / فی مواجهة الاحراف الجاهلی / سید فالح عبد الرضا موسوی
۱۶۲. فقه العقود المالیة / یعقوب علی البرجی
۱۶۳. حجیة السنة الشریفة دراسة اصولیة / حیدر حریب الله
۱۶۴. مجموعه مقالات همایش اندیشه های قرآنی امام خمینی (افکار و رؤی قرآنیة للامام الخمینی) / مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی
۱۶۵. تاریخ الاسلام فی الصین بین الماضي والحاضر / محمود شمس الدین
۱۶۶. دروس موجزة فی علم الرجال و الدراریة / جعفر سبحانی تبریزی
۱۶۷. دروس فی نصوص الحدیث و نهج البلاغة / مهدی المهریزی
۱۶۸. التبلیغ مناهاجه و اسالیبه / جعفر الجباری
۱۶۹. الکلام و العقائد (التوحید و العدل) / رضا برزجکار
۱۷۰. دروس فی علم الدراریة / سید رضا مؤذب
۱۷۱. حقائق خلافة النبوی / محمد علی حیدرة
۱۷۲. الانسجام السياسی فی المجتمعات المتعددة الثقافات (انسجام سیاسی در جوامع چند فرهنگی) / امان الله شفاغی
۱۷۳. المدخل الی التربية و التعلیم و الاسلام (اهداف تربیت از دیدگاه اسلام) / سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت)

۲۳۴. الکافی اصول ج/۴ / محمد بن یعقوب کلینی / فریده مهدوی دامغانی
 ۲۳۵. الکافی اصول ج/۵ / محمد بن یعقوب کلینی / فریده مهدوی دامغانی
 ۲۳۶. سوسیوپولیتیک و هابیت در آفرینهای مرکزی / علی ماکا

آلبانیایی

۲۳۷. هدف از زندگی / شهید مرتضی مطهری / ادلیرا عثمانی
 ۲۳۸. دین و دنیا / شهید مرتضی مطهری / ادلیرا عثمانی
 ۲۳۹. المرسل و الرسول و الرسالة / سید محمد باقر صدر / محمد مصطفی
 ۲۴۰. جهاد اکبر یا مبارزه با نفس / امام خمینی ﷺ / ردیس شکو
 ۲۴۱. درس هایی از قرآن ۲ / محسن قرآنی / اکیم عبد الله
 ۲۴۲. درس هایی از قرآن ۳ / محسن قرآنی / اکیم عبدالله
 ۲۴۳. اعجاز علمی در قرآن ۱ / عبد الدائم الکحل / بلدار شهو
 ۲۴۴. پیرامون انقلاب اسلامی / شهید مرتضی مطهری / ادلیرا عثمانی
 ۲۴۵. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران / ادلیرا عثمانی
 ۲۴۶. بلبل بدبخت در زندگی علمی / حافظ هدایت مانه /
 ۲۴۷. منتخب کلمات قضاار از سید علی خامنه ای / / ولنت مریا
 ۲۴۸. پیروزی رحمت (فلسفه و وحی در آثار ملاصدرا) / محمد رستم / ادین لوحیا
 ۲۴۹. این است اسلام / محمد حسن قدیری ایبانه / ادلیرا عثمانی
 ۲۵۰. اشعار از بابا ملکی / بابا ملکی /
 ۲۵۱. اخلاق و رشد معنوی / سید مجتبی موسوی لاری / منتور چادری
 ۲۵۲. درس هایی از قرآن ۴ / محسن قرآنی / اکیم عبدالله
 ۲۵۳. پیش به سوی جامعه آرمانی / مرکز نور / منتور چادری

اردو

۲۵۴. مفاهیم اساسی نظریه ولایت فقیه (نظریه ولایت فقیه کی بنیادی اصول) / مصطفی جعفر پینشه فرد / محسن رضا جعفری
 ۲۵۵. اندیشه سیاسی شهید مطهری / مجموعه مؤلفان / عون علی کریمی
 ۲۵۶. اتحاد الفریقین / محمد بشیر
 ۲۵۷. احکام بانوان (احکام خواتین) / محمد وحیدی / سید شمع محمد رضوی
 ۲۵۸. تاریخ سیاسی اسلام (سیرت رسول خدا) / رسول جعفریان / طارق حبیب / سید کمال اصغر زیدی
 ۲۵۹. گزیده غزالی و حکم و دررالکلم / عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی / محمد فائز باقری
 ۲۶۰. تعلیم و تربیت از نظر اسلام (تعلیم و تربیت اسلام کی نظرمین) / مراکز تربیت معلم / اخلاق حسین پکھناوری
 ۲۶۱. مجموعه دفاع از پیامبر اعظم ﷺ / پیغمبر اکرم ﷺ / سی متعلق دفاعی مباحث کاسلسله) / علی اصغر رضوانی / اقبال حیدر حیدری
 ۲۶۲. صلاه الجمعه دراسة فقهیة و تاریخیة (نماز جمعه کافقهی اور تاریخی پس منظر) / عزالدین رضانزاد / ماحسن رضا جعفری
 ۲۶۳. یکصد پرسش و پاسخ درباره نماز (نماز کی باری مین ۱۰۰ سوالات و جوابات) / مجتبی کلباسی / اخلاق حسین پکھناوری
 ۲۶۴. عصر زندگی و چگونگی آینده انسان و اسلام / محمد حکیمی / اخلاق حسین پکھناوری
 ۲۶۵. راز آفرینش اهل بیت ﷺ (خلف اهل بیت علیهم السلام کاراز) / سید محمد علی موسوی / اقبال حیدر حیدری
 ۲۶۶. سیره اهل بیت ﷺ در جذب مخالفان (اهل بیت ﷺ کی سیرت مین جذب مخالفین) / سید محسن مهدی زیدی /
 ۲۶۷. آشنایی با معارف قرآن، قصه های قرآنی؛ تفسیر موضوعی ۱ (قرآنی معارف سی آشنایی تفسیر موضوعی ۱، قرآنی قصی / صالح قنادی / اقبال حیدر حیدری
 ۲۶۸. پرسش ها و پاسخ های برگزیده ویژه محرم (سؤال و جواب قیام امام حسین ﷺ) / مجموعه مؤلفان / سید نجم الحسن نقوی
 ۲۶۹. میزان فی تفسیر القرآن (علامه طباطبایی اور میزان کی تفسیری روش) / علی اوسی / رجب علی حیدری
 ۲۷۰. وهابیت؛ مبانی فکری و کارنامه علمی / جعفر سبحانی تبریزی / محمد سبطین
 ۲۷۱. مصونیت قرآن از تحریف (تحریف قرآن کی بطلان کا تحلیلی جائز) / محمد هادی معرفت / عارف حسین مبارک
 ۲۷۲. نقد احادیث مہدویت از دیدگاه اهل سنت / محمد یعقوب بشوی / محمد یعقوب بشوی
 ۲۷۳. تاریخ شیعیان کشمیر / غلام محمد گلزار
 ۲۷۴. قانون مناکحات (کتاب النکاح) / سید افتخار حسین نقوی نجفی /

تاجیکی

۲۷۵. نهج الفصاحة / غلامحسین مجیدی / عبد الهاشم میرزایف / شمس الدین عصام الدین، امام علی علی اف

چینی

۲۷۶. هدایة العلم فی تنظیم غزالی / سید حسین شیخ الاسلامی / جانگ چی هوا
 ۲۷۷. القرآن الکریم و معانیة باللغة الصينية مع شرح مختصر / سلیمان بای چی سو
 ۲۷۸. شناخت اسلام / محمد حسینی بهشتی، جواد باهنر / علی جیانگ جینگ
 ۲۷۹. مجموعه مقالات ویژه پیامبر اعظم / جمعی از مولفان / سلیمان بای چی سو
 ۲۸۰. تفسیر سوره حجرات / ناصر مکارم شیرازی / سلیمان بای چی سو
 ۲۸۱. تفسیر سوره قدر / ناصر مکارم شیرازی / سلیمان بای چی سو

۲۸۲. تفسیر سوره حج / ناصر مکارم شیرازی / سلیمان بای چی سو
 ۲۸۳. رساله حقوق امام سجاد ﷺ / سلیمان بای چی سو
 ۲۸۴. المختار من الأحادیث النبویة / عبدالله ابن محمد قاضی الصدقی / سلیمان بای چی سو
 ۲۸۵. الكلمات الفصاحة: معطوف و حکم سماحة الامام خمینی / نمایندگی چین
 ۲۸۶. تفسیر سوره جمعه / ناصر مکارم شیرازی / سلیمان بای چی سو
 ۲۸۷. تعلیم الصلاة مع الترجمة الصينية / کمال سید / حلیمه
 ۲۸۸. تفسیر سوره لقمان / ناصر مکارم شیرازی / سلیمان بای چی سو
 ۲۸۹. دعای کمال / عیسی های شی وو
 ۲۹۰. همه باید بدانند / ابراهیم امینی / نمایندگی چین
 ۲۹۱. سیره پیامبر با نگاهی به قرآن کریم / محسن قرآنی / سلیمان بای چی سو
 ۲۹۲. بانوی نمونه اسلام حضرت فاطمه (س) / ابراهیم امینی / امینه
 ۲۹۳. منشور عقاید امامیه / جعفر سبحانی / سلیمان بای چی سو
 ۲۹۴. مجموعه مقالات ویژه حضرت فاطمه (س) / جمعی از مولفان / سلیمان بای چی سو
 ۲۹۵. اصل الشیعة و اصولها / محمد حسین آل کاشف / سلیمان بای چی سو
 ۲۹۶. الآداب الاسلامیة / مرکز انتشارات / جیوشی

ترکی زبکی

۲۹۷. پنجاه درس اصول عقائد در قرآن کریم / ناصر مکارم شیرازی / انجمن اندیشه نور

آذری

۲۹۸. والاثرین بندگان، شرح و تفسیر آیات / ناصر مکارم شیرازی / رضا شکراف
 ۲۹۹. خداشناسی / محمد رضا کاشفی / رضا شکراف

اندونزی

۳۰۰. مجموعه مقالات فلسفه قیام امام حسین ﷺ / جمعی از مولفان
 ۳۰۱. معاد شناسی ملاصدرا / خالد الولید
 ۳۰۲. پژوهشی در نسبت دین و عرفان / سید یحیی پیریمحمد شمس عارف
 ۳۰۳. شیعه در اسلام / سید محمد حسین طباطبائی / احسن محمد
 ۳۰۴. زیباترین سخن / حبیب الله احمدی / امام غزالی
 ۳۰۵. قرآن و سکولاریسم / محمد حسن قدران فرملکی / عمار فوزی هریادی
 ۳۰۶. نگاهی قرآنی به فشار روانی / اسحاق حسینی کوهساری / محمد حبیبی امرالله
 ۳۰۷. معجزه شناسی / محمد باقر سعیدی روشن / عمار فوزی هریادی
 ۳۰۸. زن در آینه جمال و جلال / عبدالله جوادی آملی / مهدار احمد حسن صالح و صابر موناو
 ۳۰۹. اسلام و مقتضیات زمان / مرتضی مطهری / احمد سوباندی
 ۳۱۰. قرآن و پولولریزم دینی / محمد حسن قدران فرملکی / عبد الرحمن عرفان
 ۳۱۱. انسان کامل / مرتضی مطهری / عبدالله حمید باید
 ۳۱۲. مدیریت سیاسی از دیدگاه خواجه نصیر الدین طوسی / حسین خردمردی / محمدمشتمس عارف
 ۳۱۳. آشنایی با قرآن / شهید مرتضی مطهری / محمد جواد باقری
 ۳۱۴. معاد در قرآن / عبد الله جوادی آملی / محمد عبدالغدر الکاف / مقداد ترکان
 ۳۱۵. مسأله شناخت در اسلام / شهید مرتضی مطهری / محمد بحرالدین
 ۳۱۶. عقل و وحی / حسن یوسفیان، احمد حسین شریفی / عمار فوزی هریادی
 ۳۱۷. رهبری نسل جوان / شهید مرتضی مطهری / عارف مولیادی، سالم بهیمچی
 ۳۱۸. اجلی الهی / ملا صدرا / ایران کورنیانوان
 ۳۱۹. تفکرات فلسفی آیت الله مصباح یزدی / محسن لبیب /
 ۳۲۰. معرفت و اشراق در اندیشه سهروردی / حسین ضیایی / محمد افیف، المعین مونیر
 ۳۲۱. رساله فقاء الله / جواد ملکی تبریزی / محمد الکاف
 ۳۲۲. هرمنوتیک شرق و غرب / عبد الهادی ویجی مناری /
 ۳۲۳. کلام جدید / حسن یوسفیان / علی پسرلواغی
 ۳۲۴. عصمة الانبیاء / محمد بن عمر فخرزازی / یوسف آناس
 ۳۲۵. آموزش فلسفه / محمد تقی مصباح یزدی / موسی کاظم، صالح باقر
 ۳۲۶. سیر تطور تفکر سیاسی امام خمینی / نجف لک زایی / مختار لطفی
 ۳۲۷. جامعه مدنی / حمید مولانا / یوسف باقریه، امام غزالی
 ۳۲۸. نظریه سیاسی اسلام در حکومت / امام خمینی ﷺ / محمد انس مولا جلا
 ۳۲۹. مسأله شناخت / شهید مرتضی مطهری / محمد جواد باقری
 ۳۳۰. ارتداد و آزادی / سید حسین هاشمی / ناصر دیمیاطی
 ۳۳۱. تاثیر مبانی فلسفی در متون دینی از دیدگاه امام خمینی ﷺ / محمد رضا ارشادی
 نیا / ایوان ستیانوان

هندی

۳۳۲. گزیده غزالی و حکم و دررالکلم / عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی / سید قمر غازی
 ۳۳۳. کردی

۳۳۴. اربعین امام خمینی (چهل حدیث) / امام خمینی ﷺ / سید علی حسینی مؤذن
 ۳۳۵. آشنایی با صحیفه سجادیه / امام زین العابدین ﷺ / سید علی حسینی مؤذن

میانپاری

۳۳۶. منتخب نهج الدعا / محمد محمدی ری شهری / سید علی اختر جعفری (تین تون)
 ۳۳۷. سنددی

۳۳۸. سیری در نهج البلاغه / شهید مرتضی مطهری / مرتضی علی مطهری
 ۳۳۹. پرتو پژوهش ج / مجتمع آموزش عالی فقه / سرفراز مهدی چانودی

منشورات مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی

۳۲۸. پرتویزهوش ج ۲/ مجتمع آموزش عالی فقه / سرفراز مهدی چاندیو
 ۳۲۹. اخلاق معاشرت (اسلامی زندگی جا اخلاقی اصول) / جواد محدثی / نائب علی کمیلی
ترکی استانبولی
 ۳۲۰. روش های آسبب زادر تربیت از منظر تربیت اسلامی / محمد رضا قائمی مقدم / رضوان مراد التون
 ۳۲۱. سبک رهبری امام خمینی / عباس شفيعی / آیتکین دوسون اغلو
 ۳۲۲. بررسی مسایل تربیتی جوانان در روایات / محمد علی حاجی ده آبادی ، سید علی حسینی زاده / حسن بدل
 ۳۲۳. تحلیل زبان قرآن و روش شناسی فهم آن / محمد باقر سعیدی / روشن / کنعان چامورجو
 ۳۲۴. روش شناسی تفسیر قرآن / علی اکبر بابایی ، غلامعلی عزیزی کیا ، مجتبی روحانی زاد ، محمود رجیبی / میکائیل گورل
 ۳۲۵. سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت / (تربیت فرزند) / ۱ / سید علی حسینی زاده / نورجان التون
 ۳۲۶. سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت / (تربیت فرزند) ج ۲ / محمد داودی / نورجان التون
 ۳۲۷. سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت / (تربیت فرزند) ج ۳ / محمد داودی / نورجان التون
 ۳۲۸. آشنایی با علوم حدیث / علی نصیری / محمد مهدی توران
 ۳۲۹. الاخلاق / سید عبد الله... / شتر / ابوز توران
 ۳۳۰. مکاتب تفسیری / علی اکبر بابایی / کنعان چامورجو
 ۳۳۱. مکاتب تفسیری / ۲ / علی اکبر بابایی / کنعان چامورجو
 ۳۳۲. بهداشت روانی با نگرش به منابع اسلامی / محمد رضا سالاری فر ، سید مهدی موسوی اصل ، محمد صادق شجاع ، محمد دولتشاه / کنعان چامورجو
 ۳۳۳. علوم قرآنی / محمد هادی معرفت / یوسف تازه گون
 ۳۳۴. مدیریت علوی / ابوظالب خدمتی ، عباس شفيعی ، علی آقاییپور / نورجان التون
 ۳۳۵. آشنایی با ادیان بزرگ / حسین توفیقی / محمد کارادومان
 ۳۳۶. دقایقی با قرآن / محسن قرآنی / هدایت کوشاچا
 ۳۳۷. تفسیر سوره انسان و حجرات / جعفر سبحانی تبریزی ، ناصر مکارم شیرازی / رسول نور ، یونس گورل
 ۳۳۸. فرق و مذاهب کلامی / علی ربانی گلپایگانی / یونس گورل
 ۳۳۹. مبانی و ویژگی های عرفان نظری امام خمینی / محمد رضا غفوریان / اسماعیل اوجی
 ۳۴۰. اسلام و تفاوت های جنسیتی در نهادهای اجتماعی / حسین بوستان / جعفر دربندی
 ۳۴۱. ربا / جمعی از نویسندگان / یعقوب کماک

روسی

۳۶۲. مواظ مسیح / محمد جواد شعبانی / مفرد / ساحاروکوف آلکسی نیکالویچ
 ۳۶۳. تاریخ آموزش در اسلام / آناتولی الیف
 ۳۶۴. فقه تربیتی / علیرضا اعرافی / سامارا گوزال
 ۳۶۵. آموزش خواندن قرآن کریم / ناظم زینال اف
 ۳۶۶. اقتصاد ما / محمد اقرصاد / تاراس جرنینکو

فارسی

۳۶۷. اصول و روش های آموزش مفاهیم دینی به نوجوانان / حمید الله رضایی
 ۳۶۸. انسان شناسی فرهنگی با رویکرد تبلیغ بین الملل / محمد رضا آقایی
 ۳۶۹. آشنایی با جوامع حدیثی شیعه و اهل سنت / علی نصیری / ج ۳
 ۳۷۰. آشنایی با صحیفه سجاده / محمد علی مجد قهیبی / ج ۳
 ۳۷۱. آشنایی با علم رجال / سید محمد نجفی بزدی
 ۳۷۲. آموزش ترجمه و مفاهیم قرآن ج ۱ / علی بمان ملک احمدی
 ۳۷۳. آموزش ترجمه و مفاهیم قرآن ج ۲ / علی بمان ملک احمدی
 ۳۷۴. آموزش ترجمه و مفاهیم قرآن ج ۳ / علی بمان ملک احمدی
 ۳۷۵. آموزش ترجمه و مفاهیم قرآن ج ۴ / علی بمان ملک احمدی
 ۳۷۶. آموزش ترجمه و مفاهیم قرآن ج ۵ / علی بمان ملک احمدی
 ۳۷۷. آموزش ترجمه و مفاهیم قرآن ج ۶ / علی بمان ملک احمدی
 ۳۷۸. آموزش فارسی به فارسی (کتاب کار) / اصغر فردی ، احمد زهرایی ، جعفر مؤمنی / ج ۴
 ۳۷۹. آموزش فارسی به فارسی (کتاب کار) / اصغر فردی ، احمد زهرایی ، جعفر مؤمنی / ج ۴
 ۳۸۰. آموزش فارسی به فارسی (مقدمه) / اصغر فردی ، احمد زهرایی ، محمد ناطق / ج ۴
 ۳۸۱. آموزش فارسی به فارسی کتاب چهارم / اصغر فردی ، احمد زهرایی / ج ۳
 ۳۸۲. آموزه های بنیادین علم اخلاق ج ۱ / محمد فتحعلی خانی / ج ۳
 ۳۸۳. برداشت های مختلف از تقریب مذاهب اسلامی / محمد طاهر اقبالی
 ۳۸۴. بررسی تاریخ نگر محمد عابد الجابری / سید محمد علی نوری
 ۳۸۵. بررسی تطبیقی عالم خیال از دیدگاه ابن سینا ، شیخ اشراق و ملاصدرا / محمد خان کاظمی
 ۳۸۶. پرتویزهوش ج ۳ / مجتمع آموزش عالی فقه
 ۳۸۷. تاریخ تشکیلات در اسلام / محمد رضا شهیدی پاک
 ۳۸۸. تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی / محمد رضا کاشفی / ج ۴
 ۳۸۹. تأثیر نقش پیامبر اکرم / در عالم وجود (با رویکرد به مسئله توسل) / معصومه کلی گلی
 ۳۹۰. تجسم اعمال از دیدگاه علامه طباطبایی و رشید رضا در میزان و المنار / صدیقه قهیبی

مجاز برای نمایندگی ها و طلاب المصطفی

عربی
 ۳۲۳. الآداب الاسلامیة ، ج ۱ / محمد عندلیب / کمال السید / ج ۴
 ۳۲۴. الآداب الاسلامیة ، ج ۲ / محمد عندلیب / کمال السید / ج ۴
 ۳۲۶. ادول الاجتهاد عند الشیعة (الامامة) / عدنان فرحان تنبیه / ج ۲
 ۳۲۷. الاحوال الشخصية (النکاح) / السید محمد النجفی / ج ۲
 ۳۲۸. الاشارة فی السيرة العبدیة للنبی و اهل البیت / محمد جمعه شیخ زاده / کمال الحزبوی
 ۳۲۹. الامامة عند الحلی و القوشین بنی النص و الاختیار / عبیر جمیل شرارة
 ۳۳۰. البرزنامح التدریسی للحلقة الثانیة ، ج ۱ / محمود العبدانی
 ۳۳۱. البرزنامح التدریسی للحلقة الثانیة ، ج ۲ / محمود العبدانی
 ۳۳۲. السنن الالهیة الاجتماعیة فی القرآن / احمد مراد خانی الطهرانی / السید عبد الامیر البرزی / السید عبد العبدانی فی الاحادیث
 ۳۳۳. المدخل الی تاریخ التفسیر و المفسرین (آشنایی با تاریخ تفسیر و مفسران) / حسین علوی مهر / جعفر الخزاعی
 ۳۳۴. المطلاعة و النصوص العربیة (غیر الناطقین بها) / السید عبد الهادی الشریفی
 ۳۳۵. الهجرة و المهاجرون فی القرآن / کریم / مریم علی حسن الهاشمی
 ۳۳۶. الهیة فی التنویر / تصحیح و تعلیق / حسین شیرافکن / ج ۲
 ۳۳۷. الوجیزی فی تاریخ الاسلام (الجزء الاول) / سید منذر حکیم / تالخیص / محمود السیف

تاجیکی

- ۴۹۹. آشنایی با صحیفه سجاده‌یه/ علی ابن الحسین/ الیاس قاسم اف
- ۵۰۰. تحف خاواده از نگاه قرآن و حدیث/ محمد محمدی ری شهری/ حکیم جان کمال اف
- ۵۰۱. جایگاه اهل بیت علیهم‌السلام از دیدگاه امام ابوحنیفه/ محمد شفق خواتی/ حکیم جان کمال اف
- ۵۰۲. حکمت نامه پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم / محمد محمدی ری شهری/ حکیم جان کمال اف
- ۵۰۳. حکمت نامه پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم / محمد محمدی ری شهری/ حکیم جان کمال اف
- ۵۰۴. حکمت نامه لقمان/ محمد محمدی ری شهری/ حکیم جان کمال اف
- ۵۰۵. سنن النبی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم / محمد حسین طباطبایی/ حکیم جان کمال اف
- ۵۰۶. نبرد حق و باطل/ شهید مرتضی مطهری/ حبیب الله منان
- ۵۰۷. نظری به نظام اقتصادی در اسلام/ شهید مرتضی مطهری/ سید برهان اکبر
- ۵۰۸. نهج البلاغه/ سید رضی/ الیاس قاسم اف

قوانلی

- ۵۰۹. اخلاق اهل بیت علیهم‌السلام / سید محمد مهدی صدر/ محمد باری
- ۵۱۰. پرتویزهش ج ۱ / مجتمع آموزش عالی فقه / محمد باری
- ۵۱۱. تاریخ اسلام (از جاهلیت تا رحلت پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) / مهدی پیشواهی / محمد باری
- ۵۱۲. نشانه‌هایی از دولت موعود/ نجم الدین طیبی / محمد باری

بینگالی

- ۵۱۳. پرتویزهش ج ۱ / مجتمع آموزش عالی فقه / محمد منیر حسین خان
- ۵۱۴. چشم اندازی به حکومت مهدی علیه‌السلام / نجم الدین طیبی / محمد عبد القیوم
- ۵۱۵. چهل حدیث سیره نبوی/ جواد محدثی / سیده شهربانو زیدی
- ۵۱۶. همسرداری / ابراهیم امینی / محمد عبد القیوم
- ۵۱۷. ولایت فقیه (ساختار حکومت اسلامی) / امام خمینی علیه‌السلام / محمد عبد القدوس

آذری

- ۵۱۸. آیات ولایت در قرآن/ ناصر مکارم شیرازی/ مردان زال اف

اندونزی

- ۵۱۹. پرتویزهش ج ۱ / مجتمع آموزش عالی فقه / اکمل کامل

پشتو

- ۵۲۰. چشم اندازی به حکومت مهدی علیه‌السلام / نجم الدین طیبی / سرفراز علی مهدی

ترکی استانبولی

- ۵۲۱. چشم اندازی به حکومت مهدی علیه‌السلام / نجم الدین طیبی / رسول نور، سرکان انلو، محمد کارادومان
- ۵۲۲. ششم ولایت/ عبدالله جوادی آملی/ قادری چلیک
- ۵۲۳. مثال های آموزنده قرآن/ جعفر سبحانی تبریزی/ رضا شکراف

روسى

- ۵۲۴. فقه و عقل / ابوالقاسم علی دوست / یوسف آقایی

چاپ ۱۳۹۱

فارسی

- ۱. اسلام و اصلاح فرهنگی / مؤلف: زکی میلاد ت: آیت اله خزانی
- ۲. آثار تربیتی جلوه‌های اخلاقی قیام عاشورا/ محمد عارف صداقت
- ۳. آشنایی با اصول و روش های ترجمه قرآن (خلاصه کتاب منطق ترجمه قرآن) / محمد علی رضایی اصفهانی
- ۴. آشنایی با تاریخ و منابع حدیثی / علی نصیری / ج ۲
- ۵. آموزش احکام همراه با استفتائات مقام معظم رهبری مدظله العالی / محمد حسین فلاح زاده / ج ۷
- ۶. آموزش فارسی به غیرفارسی زبانان / فاطمه اکبری
- ۷. آموزش فارسی به فارسی کتاب ج ۱ / احمد زهرایی و اصغر فردی
- ۸. آموزش فارسی به فارسی کتاب ج ۲ / احمد زهرایی و اصغر فردی
- ۹. آموزش فارسی به فارسی کتاب ج ۳ / مرکز آموزش زبان و معارف اسلامی / ج ۳
- ۱۰. بیره‌ها (هیفات هالی از دعای هشتم صحیفه سجاده‌یه) / حجت منگنه چی
- ۱۱. پرتویزهش شماره ۹۱ الی ۹۶
- ۱۲. التزام تاگزیر تحلیلی بر ابراهیمزاده ایالات متحده آمریکا در مواجهه با بیداری اسلامی / مؤلف امیل نخله ت: علی محمد ساهقی
- ۱۳. حقوق اهل بیت علیهم‌السلام در تفاسیر اهل سنت / محمد یعقوب بشوی / ج ۲
- ۱۴. درآمدی بر علم کلام اسلامی / عزالدین رضانزاد
- ۱۵. درآمدی بر تریبالیسم بررسی و نقد مبانی / علی الهی تبار
- ۱۶. درآمدی بر مناسبات روحانیت و دولت اسلامی با تأکید بر دیدگاه امام خمینی علیه‌السلام / علی مصدق
- ۱۷. درآمدی به تاریخ علم اصول / مهدی علی پور/ ج ۳
- ۱۸. دردری (مجموعه سروده های شاعران پارسی گوی خراسان بزرگ درباره حادثه عاشورا) / سیدحسن احمدی نژاد بلخی بلخایی
- ۱۹. درسنامه تفسیر تربیتی ج ۱ / محمد حسین محمدی

- ۴۴۸. الجوزیفری تاریخ الاسلام (الجزء الثالث) / سید منذر حکیم / تلخیص: محمود السیف
- ۴۴۹. الجوزیفری تاریخ الاسلام (الجزء الثاني) / سید منذر حکیم / تلخیص: محمود السیف
- ۴۵۰. الجوزیفری تاریخ الاسلام (الجزء الرابع) / سید منذر حکیم / تلخیص: محمود السیف
- ۴۵۱. الوقف فی الشریعة الاسلامیة، دراسة فقهیة مقارنة علی المذاهب الخمسة/ السید عادل الموسوی الخربان
- ۴۵۲. بداية الأصول / سید رضا پیمبرپور
- ۴۵۳. تاریخ النقاقة و الحضارة الاسلامیة/ محمد رضا کاشفی / انور الرصافی
- ۴۵۴. تخطيط الأسرة و تنظیمها/ محمد حسین خلیق
- ۴۵۵. تغییر قیمة العمالات الورقیة دراسة مقارنة بین الفقه الامامی و المذاهب الأربعة / ریاض عبد الصمد الداغر
- ۴۵۶. جوهرة الخلقفة (فی معرفة العقیدة الحققة) / محمد مهدی حائری پور، مهدی یوسفیان، محمد امین بالادستیان / رعد کاطع عبد
- ۴۵۷. دراسات تمهیدیة فی الفقه الامامیة/ السید محمد النجفی الیزدی
- ۴۵۸. درس تمهیدیة فی اصول الفقائد/ صادق الساعدی / ج ۶
- ۴۵۹. درس تمهیدیة فی الفقه الاستدلالی ج ۱: العبادات / الشیخ باقر الیروانی / ج ۱
- ۴۶۰. درس تمهیدیة فی الفقه الاستدلالی ج ۲: عقود / الشیخ باقر الیروانی / ج ۸
- ۴۶۱. درس تمهیدیة فی الفقه الاستدلالی ج ۳: عقود و الاقاعات / الشیخ باقر الیروانی / ج ۸
- ۴۶۲. درس تمهیدیة فی الفقه الاستدلالی ج ۴: الاحکام / الشیخ باقر الیروانی / ج ۸
- ۴۶۳. دروس فی البلاغة / شیخ معین دقیق العاملی / ج ۷
- ۴۶۴. دروس فی الشیعة و التبلیغ / علی ربانی گلپایگانی / انور الرصافی / ج ۳
- ۴۶۵. دروس فی علوم القرآن / نذیر الحسنی
- ۴۶۶. ضوابط الرضاع، الجزء الاول / السید محمد باقر الداماد، تصحیح: سید مجتبی میرداماد
- ۴۶۷. ضوابط الرضاع، الجزء الثاني / السید محمد باقر الداماد، تصحیح: سید مجتبی میرداماد
- ۴۶۸. کتاب التطبیق ۱ / شاکر محمود افضلی، میثم الربیعی / ج ۲
- ۴۶۹. کتاب التطبیق ۲ / شاکر محمود افضلی، میثم الربیعی
- ۴۷۰. کتاب التطبیق ۳ / شاکر محمود افضلی، میثم الربیعی
- ۴۷۱. کتاب اللغة العربیة ۲ / شاکر محمود افضلی، میثم الربیعی
- ۴۷۲. کتاب اللغة العربیة ۳ / شاکر محمود افضلی، میثم الربیعی
- ۴۷۳. فن جهاد الی جهاد/ سید حسن فیروزآبادی / عبد الکرم الجنابی
- ۴۷۴. منطق تفسیر القرآن ۱ (اصول وقواعد التفسیر) / محمد علی الرضایی الاصفهانی / احمد الأرقی و هاشم ابوخمسن
- ۴۷۵. نافذة علی علم الفرق و المذاهب الاسلامیة / شکیب بن بدیة الطیلبی
- ۴۷۶. نبراس الازهان فی اصول الفقه المقارن، الجزء الاول / السید میر تقی الحسینی الکرکاتی
- ۴۷۷. نبراس الازهان فی اصول الفقه المقارن، الجزء الثاني / السید میر تقی الحسینی الکرکاتی

انگلیسی

- ۴۷۸. پاسداری از مرقد پیامبران و امامان / جعفر سبحانی تبریزی / فریده مهدوی دامغانی

فرانسوی

- ۴۷۹. اصول کافی ج ۱ / محمد بن یعقوب کلینی / فریده مهدوی دامغانی
- ۴۸۰. اصول کافی ج ۲ / محمد بن یعقوب کلینی / فریده مهدوی دامغانی
- ۴۸۱. اصول کافی ج ۳ / محمد بن یعقوب کلینی / فریده مهدوی دامغانی
- ۴۸۲. التبلیغ مناهجه و السالیبه / جعفر الجباری / تعب اماله لیانگی
- ۴۸۳. به سوی قرآن (روانخوانی و متنس باقر قرآن) / ابوالفضل خوش منش
- ۴۸۴. تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی / محمد رضا کاشفی / هارون مکومبه
- ۴۸۵. فرق و مذاهب کلامی / علی ربانی گلپایگانی / ابراهیم مونتنوتو
- ۴۸۶. نافذة علی الفیلسفة / صادق ساعدی / ابراهیم مونتنوتو

ایتالیایی

- ۴۸۷. صحیفه مبارکه سجاده‌یه (آشنایی با صحیفه سجاده‌یه) / امام زین العابدین علیه‌السلام / فریده مهدوی دامغانی / ج ۲

اردو

- ۴۸۸. احکام ازدواج دائم و موقت مطابق با فتاوی مراجع عظام / سید حجت موسوی خواتی / فیروزعلی بنبارسی
- ۴۸۹. احکام حجاب و عفت / حمید جلفایی / سید هادی حسن رضوی
- ۴۹۰. آزادی و دین سالاری / جعفر سبحانی تبریزی / سید مراد رضا رضوی
- ۴۹۱. پله پله تا آسمان علم (آسمان علم تک قدم به قدم) / محمد عابدی / سیده وجیهه اکبرزیدی
- ۴۹۲. تاریخ و سیرت معصومین ج ۲ / سید منذر حکیم / سید کمیل اصغرزیدی
- ۴۹۳. خطبه حضرت زینب در کاخ بیزید / سید توقیر عباس کاطمی
- ۴۹۴. درسنامه تاریخ عصر غیبت / مسعود پورسید آقایی / محمد رضا جباری، حسن عاشوری، سید منذر حکیم / اخلاق حسین پکهناروی
- ۴۹۵. شیعه شناسی / علی ربانی گلپایگانی / سید منظر صادق زیدی
- ۴۹۶. صحیفه شهادت فرمودات امام حسین علیه‌السلام / محمد صادق نجمی / سید حسن مهدی حسینی، سید حسن اختررضوی اعظمی
- ۴۹۷. قانون عقل و وحی / مهدی زاده / اخلاق حسین پکهناروی
- ۴۹۸. کلیات فقه اسلامی / حسن قاسمیان / سید مبین حیدر رضوی

مجاز برای نمایندگی ها و طلاب المصطفی

منشورات مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی

۱۱. آشنایی با آموزه‌های اسلام (اول دبیرستان) / علی بمان ملک احمدی
۱۲. آشنایی با آموزه‌های اسلام (دوم دبیرستان) / علی بمان ملک احمدی
۱۳. آشنایی با آموزه‌های اسلام (سوم دبیرستان) / علی بمان ملک احمدی
۱۴. فرهنگ یا متون حدیث و نهج البلاغه / مهدی مهریزی
۱۵. آشنایی با متون روایی معارفی / عبدالمجید زهادت
۱۶. آموزش احکام (همراه با استفتائات مقام معظم رهبری) / محمدحسین فلاخزاده
۱۷. آموزش فارسی به فارسی کتاب کار چهارم / مرکز آموزش زبان و معارف اسلامی
۱۸. بررسی احوال فرزندان امام موسی کاظم (ع) و نقش آنها در تاریخ تشیع / سید یاسین زاهدی
۱۹. پژوهشی در علم رجال / اکبر ترابی
۲۰. پژوهشی تطبیقی در روایات تفسیری فریقین / مهدی رستم نژاد
۲۱. پژوهشی در علم رجال / اکبر ترابی
۲۲. بلورالاسم دینی و قرآن / موسی ابراهیمی
۲۳. پیوندهای نماز / محسن قرآنی
۲۴. تاریخ فلسفه اسلامی (ویراست جدید) / جمعی از مؤلفان
۲۵. تاریخ فلسفه غرب ۱ / مهدی بنایی
۲۶. تاریخ قرآن / محمدحسین محمدی
۲۷. تجزیه جهان اسلام چرایی و پیامدها / علی اصغر رجاء
۲۸. تمدن و فرهنگ شیعیان افغانستان / عبدالقیوم آینی
۲۹. جایگاه مردم در نظام سیاسی دینی از منظر آیه الله نائینی و شهید صدر / میرزا حسین فاضلی
۳۰. چکیده پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد، ج ۱ / معاونت آموزش
۳۱. حقوق بین‌الملل اسلامی / عبدالحکیم سلیمی
۳۲. حقوق بین‌الملل خصوصی / محمد مهدی کریمی نیا
۳۳. دایرةالمعارف فرهنگ ملل، ج ۱ / پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی (ع)
۳۴. درسنامه اخلاق / جواد محمندی
۳۵. درسنامه روش‌های تفسیر قرآن / دکتر محمد علی رضایی اصفهانی
۳۶. درسنامه وضع حدیث / ناصر رفیعی محمدی
۳۷. دستور زبان فارسی / حمید نصیریان
۳۸. دعای مکارم اخلاق (در پی‌توقران حدیث) / حجت منگه چی
۳۹. دقایقی با قرآن / محسن قرآنی
۴۰. دل باخته / حاج میرزا عبدالحسین قدس
۴۱. دیدگاه مذاهب اسلامی در مورد تفاوت دین زن و مرد و ادله آنها / محمد یاسین احسانی
۴۲. رابطه قدرت و عدالت در فقه سیاسی / غلام سرور اخلاقی
۴۳. ریاضی مقدماتی / غلامرضا صفایی صادق
۴۴. زنان در افغانستان / محمد آصف محسنی (حکمت)
۴۵. سیره اخلاقی و تربیتی معصومین (ع) / محمد احسانی
۴۶. شیوه‌ای نو در آموزش عروض و قافیه / محمد رضا نیکرود
۴۷. عقل و ایمان از دیدگاه ابن رشد، صدر المتعالیهین شیرازی و ایمانوئل کانت / علاءالدین ملک‌اف
۴۸. فرهنگ اصلاحات اصول / مجتبی ملکی اصفهانی
۴۹. فرهنگ واژگان فارسی به انگلیسی / مرکز آموزش زبان و معارف اسلامی
۵۰. فرهنگ واژه‌گان فارسی به چینی / مرکز آموزش زبان و معارف اسلامی
۵۱. فرهنگ واژه گان فارسی به روسی / مرکز آموزش زبان و معارف اسلامی
۵۲. فرهنگ واژه‌گان فارسی به عربی / مرکز آموزش زبان و معارف اسلامی
۵۳. فرهنگ واژه‌گان فارسی به فرانسه / مرکز آموزش زبان و معارف اسلامی
۵۴. فرهنگ واژه‌گان فارسی به مالایو / مرکز آموزش زبان و معارف اسلامی
۵۵. قیام مهدی (ع) منتظر ماست / سیدحسن فیروزآبادی
۵۶. کتاب شناسی تعلیم و تربیت در اسلام / بهروز رفیعی
۵۷. کتاب کار دستور زبان فارسی / حمید نصیریان
۵۸. کمک درسی زبان روسی / علی مدبر چهار برجی
۵۹. الگوی فرازنگی / معاونت پژوهش
۶۰. مبانی فقهی انقلاب اسلامی در اندیشه امام خمینی (ع) / علی اکبر ناصر
۶۱. مجموعه مقالات چهاردهمین جشنواره بین‌المللی پژوهشی شیخ طوسی، ج ۱ / جمعی از مؤلفان
۶۲. پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی (ع) / پژوهشگاه انقلاب اسلامی
۶۳. مجموعه مقالات نخستین همایش اندیشه سیاسی اجتماعی امام خمینی (ع)، ج ۲ / جمعی از مؤلفان
۶۴. مجموعه مقالات همایش زبان در افغانستان، ج ۵ / جمعی از مؤلفان
۶۵. مشاهیر تشیع در افغانستان، ج ۱ / عبدالمجید داود ناصری
۶۶. معرفت شناسی / حسن معلمی
۶۷. معرفت شناسی باوردینی از دیدگاه شهید مطهری و اولین پلنیتینگا / علاءالدین ملک‌اف
۶۸. مقایسه تطبیقی اندیشه مهدویت در اسماعیلیه و امامیه / قدیر محمد اف
۶۹. منشور رفیض / به کوشش جمعی از مؤلفان
۷۰. نقد نظریه تجربه دینی با تأکید بر قرآن / شیرعلی شجاع
۷۱. ویژه‌نامه اخترتابان / جمعی از مؤلفان
۷۲. ویژه‌نامه همایش دین، فرهنگ و رسالت علمای افغانستان / نمایندگی جامعه المصطفی (ع) در افغانستان

۲۰. درسنامه درایة الحدیث / سید رضا مؤذب / ج ۳
۲۱. درسنامه عقاید / علی شیروانی / ج ۷
۲۲. رهیافتی به منظومه فکری حضرت امام خمینی (ع) و رهبر معظم انقلاب در حوزه فرهنگ و تربیت / جمعی از محققان دفتر فرهنگی فخرالانمیه به سفارش جامعه المصطفی (ع) / ج ۲
۲۳. شکوه کلام در نهج البلاغه / حسن امیرانصاری
۲۴. علم درایة تطبیقی / سید محمد رضا مؤذب / ج ۲
۲۵. فصلنامه اطلاع رسانی
۲۶. فلسفه اشک / سید عبدالله حسینی
۲۷. قرآن و امام حسین (ع) (تحلیل استشادات قرآنی و روایات تفسیری امام حسین (ع)) / حسین مطهری محب
۲۸. کوثر معارف شماره ۲۲
۲۹. مبانی کلامی فارسی اعجاز قرآن / روح الله رضوانی
۳۰. مجموعه مقالات همایش بین‌المللی قرآن و مستشرقان / جمعی از مؤلفان
۳۱. منطق ترجمه قرآن / محمد علی رضایی اصفهانی / ج ۲
۳۲. منطق مقدماتی / ابوالفضل روحی / ج ۲
۳۳. نشریه پژوه شماره ۵۲
۳۴. ویژه نامه استشراق / جمعی از مؤلفان

عربی

۳۵. ولایت الفقیه و الحکومه الاسلامیه فی عصرالغیبه / ودیع الحدیدی
۳۶. القداس فی الشعرالعربی الحدیث فی سوریه ولبنان وفلسطین / جهاد فیض الاسلام
۳۷. دراسات الاسلامیه فیعلم نفس النعمورحله الطفولة مراحل النعموموقدمات التربية / سعید کاظم العذاری
۳۸. النحو الجامع / سید حمید الجزایری / ج ۲
۳۹. القراءات والاحرف السبعة / عبدالرسول الغفاری
۴۰. القراء والمناقشه / مؤلف میثم الربیع؛ محمد الحدیدی؛ شاکر افضلی
۴۱. التعلیم المصوّر / مؤلف میثم الربیع؛ محمد الحدیدی؛ شاکر افضلی

انگلیسی

۴۲. نهج البلاغه / مؤلف: سید رضی ت: سید علی رضا
۴۳. کتاب احادیث (چهل حدیث) / مؤلف: سید علی لوسانی ت: سید علی فرید محمدی

فرانسوی

۴۴. امام اخلاق سیاست / مؤلف: سید حسن اسلامی / ت: ابراهیم مونتو

اردو

۴۵. قرآن و امام حسین (ع) / مؤلف محسن قرآنی / ت: سید نصرت علی جعفری / ج ۲

قیدلیبی

۴۶. آشنایی با احکام / ت: منتظر داگلاس بنگالون
۴۷. شیعه پاسخ می‌گوید / ت: منتظر داگلاس بنگالون

پشتو

۴۸. شفاعت / مؤلف: سید حسن طاهری خرم آبادی ت: سرفراز علی محمدی
۴۹. رویکرد اخلاقی برابروهای و هابیت / مؤلف: سید حسن طاهری خرم آبادی / ت: محمد رحیم درانی

ویغوری

۵۰. نهج البلاغه / مؤلف سید رضی ت: آ عبد الرحمن (ما موهای مای)، آ سامساق (ما سولیا)

اندونزی

۵۱. شفاعت / مؤلف: حسن طاهری خرم آبادی ت: احمد مزوفی امین
۵۲. رویکرد عقلانی برابروهای و هابیت / نجم الدین طیبسی ت: حسن تونو

تایلندی

۵۳. جایگاه زن از دیدگاه امام خمینی (ع) / مؤلف: محمد شریف کت سیبمون

چاپ ۱۳۹۰

فارسی

۱. اسلام در هند / دکترمحمد رضا موحدی
۲. سیدباز قرآن / سیدرضا مؤذب
۳. اعجاز قرآن و مصونیت از تحریف / محمد مهدی اسکندرنلو
۴. انقلاب اسلامی ایران در زمینه‌ها و فرآیند شکل‌گیری / محمد مهدی باباپور
۵. آداب و اخلاق پزشکی در اسلام / ت: محمدرضا صالح
۶. آشنایی با اندیشه سیاسی شهید صدر / علی رضا بی‌نیاز، محمد مهدی باباپور، منصور میراحمدی
۷. آشنایی با اندیشه سیاسی شهید مطهری / علی رضا بی‌نیاز، محمد مهدی باباپور، منصور میراحمدی
۸. آشنایی با آموزه‌های اسلام (اول راهنمایی) / علی بمان ملک احمدی
۹. آشنایی با آموزه‌های اسلام (دوم راهنمایی) / علی بمان ملک احمدی
۱۰. آشنایی با آموزه‌های اسلام (سوم راهنمایی) / علی بمان ملک احمدی

۱۳۰. مساله حجاب / ت: سید اکرم خان زیاد الله
 ۱۳۱. مسئولیت والدین در قبال فرزندان / ت: محمد الله حلیم اف
 ۱۳۲. مقام و منزلت ازواج / محمد رحیمی
 ۱۳۳. نگاهی به مسیحیت / ت: محمد الله حلیم اف

آذری

۱۳۴. اهل بیت در قرآن و سنت / ت: رضا شکراف
 ۱۳۵. آداب معاشرت (از نگاه معصومین) / ت: محمد خلیل اف
 ۱۳۶. پرتویزهش، ج ۱ / ت: رضا شکراف
 ۱۳۷. پرتویی از فضائل امیرالمؤمنین علی / ت: علاءالدین ملکاف
 ۱۳۸. بلورالاسم دین، حقیقت و کثرت / ت: علاءالدین ملکاف
 ۱۳۹. پیامبر از نگاه قرآن و اهل بیت / ت: علاءالدین ملکاف
 ۱۴۰. توحید و زیارت / ت: محمد خلیل اف
 ۱۴۱. جسم انگاری خدا از نگاه شیعه و سنی / ت: حسین مهدی اف
 ۱۴۲. حکمت‌نامه زنان / توفیق اسد اف و افضل الدین رحیم اف
 ۱۴۳. حیات پیامبر اسلام حضرت محمد / ت: علاءالدین ملکاف
 ۱۴۴. خصائص امیرالمؤمنین / ت: جبرئیل آبی اف
 ۱۴۵. زندگی در پرتو اخلاق / ت: رضا شکر بیگلی
 ۱۴۶. سیری در صحیحین / ت: رشاد اکبر اف
 ۱۴۷. شفاعت / ت: المان اقام اعلان اف
 ۱۴۸. صد و پنجاه درس زندگی / ت: اسماعیل اسماعیل اف
 ۱۴۹. عقل، ایمان و انسان‌شناسی / ت: علاءالدین ملکاف
 ۱۵۰. گفتنمان مهدویت زبان آذری / ت: علاءالدین ملکاف

اردو

۱۵۱. آداب دعا / رجب علی حیدری
 ۱۵۲. پرتویزهش، ج ۱ / سید سعید اختر رضوی
 ۱۵۳. تعلیمات قرآن / موسسه قرآن و معنوت
 ۱۵۴. تفسیر القرآن وهو الهدی و الفرقان / سید محمد عباس رضوی
 ۱۵۵. معارف قرآن و معنوت / موسسه قرآن و معنوت

استانبولی

۱۵۶. پرتویزهش، ج ۱ / ت: رسول نور
 ۱۵۷. عدل الهی از دیدگاه امام خمینی / گردآورنده: بحری اکیول

هوسایی

۱۵۸. التریبه الدینیة / ت: محمد میسر

ایتالیایی

۱۵۹. صحیفه سجادیه / فریده مهدوی دامغانی

فولانی

۱۶۰. تاریخ اسلام زندگی حضرت زهرا / ت: محمد باری
 ۱۶۱. سیری پیشوایان / ت: محمد باری

پشتو

۱۶۲. پرتویزهش، ج ۱ / ت: محمد رحیم درانی

فارسی

۱. از سی مرغ تا سیمرغ / محمدرضا یوسفی
 ۲. از قیادایان تا یگانگان / محمدرضا یوسفی، رفیه ابراهیمی شهرآباد
 ۳. آسیب شناسی تمدن اسلامی / علیرضا عالمی
 ۴. آشنایی با تاریخ تفسیر و مفسران / حسین علوی مهر
 ۵. آشنایی با صحیفه سجادیه / محمد علی مجد فقیهی
 ۶. آموزش فارسی به فارسی (کتاب کار ۵، ۶، ۷) / اصغر فردی، احمد زهرایی، جعفر مقیمی
 ۷. آموزه‌های بنیادین علم اخلاق، ج ۲ / محمد فتحعلی خانی
 ۸. با نور قرآن هدایت شدم / ت: محمد قاسم احمدی
 ۹. بدایة المبتدی، ج ۲ / سید یونس استرویشنی، قمرالدین افضل
 ۱۰. برهین جهان‌شناختی از دیدگاه ابن سینا و اگویناس / حمید زکی
 ۱۱. پرتویزهش، ج ۱ / معاوضت پژوهش مجتمع آموزش عالی فقه
 ۱۲. تاریخ پیامبر و اهل بیت / ج ۱، ۲ / علی ملک پیمان احمدی
 ۱۳. تاریخ تحلیلی آندلس / محمدرضا شهیدی پاک
 ۱۴. تاریخ تحلیلی مغرب / محمدرضا شهیدی پاک
 ۱۵. تاریخ حدیث / سید رضا مؤبد
 ۱۶. تفسیر تطبیقی (پرسی تطبیقی مبانی تفسیر قرآن و ...) / فتح الله نجارزادگان
 ۱۷. جایگاه جامعه المصطفی العالمیه در بعثت جهانی / اداره کل دفتر ریاست
 ۱۸. جامعه المصطفی العالمیه
 ۱۹. جهانی در خلوت / مرتضی طالبی
 ۲۰. چهل حدیث در مورد انسجام اسلامی / جمعی از مؤلفان مجتمع امام خمینی
 ۲۱. حفظ موضوعی قرآن کریم سید علی میرداماد نجف آبادی

۷۲. ویژه‌نامه همایش شیخ طوسی / پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی
 ۷۳. همایش حوزه‌های علمیه افغانستان / نمایندگان جامعه المصطفی / افغانستان
 ۷۴. یهودیت / محمد حسین طاهری آکردی

عربی

۷۵. أسالیب التبلیغ عند الأنبياء دراسة قرآنية / السيد منتظر الموسوی (الجابری)
 ۷۶. أولیاء عقد النکاح / حمودی حسن عباس الصیف
 ۷۷. آية الأظهار بین عالمیة الإسلام والعولمة المعاصر / ریاض عبدالرحیم الباهلی
 ۷۸. پرتویزهش، ج ۱ / ت: رعد الحجاج
 ۷۹. تأثیر الثورة الاسلامیة علی البلدان العربیة / ت: عبدالکریم بحرأوی طعمه
 ۸۰. التبتیل فی التجدید والتزیل / حسن عالمی بکتاش
 ۸۱. تداویبات الثورة الاسلامیة فی العالم الاسلامی / دکتر منوچهر محمدی
 ۸۲. تطور حركة الأجهاد عند الشیعة الإمامیة / عدنان فرحان تنها
 ۸۳. التفسیر الترویجی للقرآن الکریم / شیخ هاشم ابوخمسن
 ۸۴. تهذیب البلاغه فی تلخیص مختصر المعانی لسعد الدین التفتازانی / علی عرب خراسانی
 ۸۵. الحریة الاقتصادية ضوابطها وحدها فی الفقه الاستدلالی / عبدالکریم بحرأوی
 ۸۶. الحقوق الزوجیة / سوسن علی حسین (دادرس)
 ۸۷. الحکومة الاسلامیة فی رویة الأمام خمینی / ت: محسن زین العابدین
 ۸۸. الحکومة الاسلامیة والولاية الفقیهیه فی رویة الأمام خمینی / ت: محسن زین العابدین
 ۸۹. الذکر الباهر فی مقتضیات الجواهر / السيد جمال الدین پور
 ۹۰. دراسة أدلة إثبات وجود الواجب فی ضوء الحکمة المتعالیه / السيد أحمد السيد صلاح الموسوی

۹۱. دراسة تطبيقية مبدأ التكافؤ في الترجمة (من الفارسية إلى العربية) / انور بنام الرصافي
 ۹۲. دروس تمهيدية في الفقه الاستدلالی، لتفغیج ج ۲ و ۳ / الشيخ باقر الایروانی
 ۹۳. دروس تمهيدية في الفقه الاستدلالی، ج ۱ / الشيخ باقر الایروانی
 ۹۴. دروس تمهيدية في الفقه الاستدلالی، ج ۲، ۳ / الشيخ باقر الایروانی
 ۹۵. دروس في الاصول الفقه المقارن / مجید النیسی
 ۹۶. دروس في التاريخ الفقه و ادواره / آية الله جعفر السبحانی
 ۹۷. دروس في علم الدرابة / ت: قاسم البيضانی
 ۹۸. دروس في نصوص الحديث ونهج البلاغة / ت: انور الرصافي
 ۹۹. شقائق الرجال / عادل المزیعل المباحی
 ۱۰۰. علم الدرابة المقارن / ت: انور الرصافي
 ۱۰۱. الفقه المقارن (العبادات والأحوال الشخصية) / سيد كاظم مصطفى
 ۱۰۲. القواعد الفقهية (قاعدة لأمرن، حجية البيئة و...) / السيد محمد كاظم المصطفى
 ۱۰۳. قيام المهدي امامنا المنتظر / السيد حسن فيروز آبادی
 ۱۰۴. مبانی نقد متن الحديث / قاسم البيضانی
 ۱۰۵. النجوم الزاهرة في اثبات خلافة الأئمة الطاهرة / السيد خليل الشوكی

انگلیسی

۱۰۶. آشنایی با تاریخ تفسیر و مفسران / ت: حامد حسین وفار
 ۱۰۷. آشنایی با صحیفه سجادیه / ت: حامد حسین وفار
 ۱۰۸. حفظ موضوعی قرآن کریم / ت: حامد حسین وفار
 ۱۰۹. خاطرات امیرالمؤمنین / ت: علی فرید محمدی
 ۱۱۰. در آستان رحمت / فریده مهدوی دامغانی
 ۱۱۱. در آغوش نور ولایت / سید علی فرید محمدی
 ۱۱۲. قیام مهدی / منتظر ماست / ت: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی
 ۱۱۳. نگاهی دوباره به نظریه شفاعت / ت: سلام جودی

فرانسوی

۱۱۴. آموزش احکام / ت: البیژه کابنا
 ۱۱۵. پیام آور رحمت / فریده مهدوی دامغانی
 ۱۱۶. در آستان رحمت / فریده مهدوی دامغانی
 ۱۱۷. سرودهای عاشورایی / فریده مهدوی دامغانی
 ۱۱۸. فلسفه اخلاق / ت: ابراهیم منتونو
 ۱۱۹. نامه‌های امیرالمؤمنین / فریده مهدوی دامغانی

تاجیکی

۱۲۰. اهل بیت در قرآن و سنت / ت: حکیم جان کمالی
 ۱۲۱. بحثهای پیرامون اسلام / حکیم جان کمالی
 ۱۲۲. پرتویزهش، ج ۱ / ت: حکیم جان کمالی
 ۱۲۳. تفسیر سوره عنکبوت / ت: شهرالدین محمد امین
 ۱۲۴. چهل حدیث مقام زن در روایات / محمد رحیمی
 ۱۲۵. حکمت‌نامه جوان / حکیم جان کمالی
 ۱۲۶. حکمت‌نامه کودک / ت: حکیم جان کمالی
 ۱۲۷. دنیا و آخرت / ت: حکیم جان کمالی
 ۱۲۸. سید جمال الدین مصلح شرق / ت: سید اکبر برهان
 ۱۲۹. شرح چهل حدیث خداشناسی / بحرالدین قربان

مجاز برای نمایندگی ها و طلاب المصطفی

چاپ ۱۳۸۹

۷۷. تاریخ شیعیان کشمیر / غلام‌محمد گلزار
 ۷۸. تحریف قرآن کی بطلان کاتحلیلی جائز / ت: عارف حسین مبارک‌پوری
 ۷۹. ترجمه گزیده غرر الحکم و درر الکلم / ت: محمد فائز باقری
 ۸۰. چگونه قرآن را حفظ کنیم / شهریار پرهیزگار
 ۸۱. قصه‌های قرآنی. قرآن قصی / صالح فنادی
- ترکی استانبولی**
۸۲. عقاید اسلامی در پرتو قرآن حدیث و عقل / ت: بحری اکیول
- پنجابی**
۸۳. چهل حدیث اسراف / ت: محمد ابوسعید
- هوسایی**
۸۴. رابطه والدین با فرزندان / حافظ محمد سعید
 ۸۵. زندگی زناشویی / حافظ محمد سعید
- ایتالیایی**
۸۶. صفات شیعه / ت: عباس دیپالما
- ازبکی**
۸۷. آموزش مفاهیم قرآن کریم / ت: شیرعلی اف
- هندی**
۸۸. ترجمه گزیده غرر الحکم / سید قمر غازی
۲۱. خلوص کامیاب / عبدالحسین طالعی، مرتضی طالبی
 ۲۲. درآمدی بر سوره اهل بیت ﷺ / حسین عبدالمحمدی
 ۲۳. درسامه آیات الاحکام جزایی / محمد مهدی کریمی نیا
 ۲۴. درسامه صرف / علی عرب خراسانی
 ۲۵. درسامه عقاید / علی شیروانی
 ۲۶. دیکشنری فارسی. اندونزی / یانور فبری ن
 ۲۷. رهیافتی به منظومه فکری امام خمینی ﷺ و مقام معظم رهبری / جمعی از محققان دفتر فرهنگی فخرالانامه ﷺ
 ۲۸. شناخت استعمار / مصطفی اسکندری
 ۲۹. قرآن کتاب رشد و تعالی / روح الله دهقانی
 ۳۰. قصه‌های قرآنی / صالح فنادی
 ۳۱. مبانی و روش‌های تفسیری / محمد کاظم شاکر
 ۳۲. مبانی و اصول طراحی کتاب درسی / محمد شریفی نیا
 ۳۳. مجموعه مقالات پرترسیزدهمین جشنواره شیخ طوسی / جمعی از مؤلفان
 ۳۴. مجموعه مقالات نخستین همایش اندیشه سیاسی امام خمینی ﷺ، ج ۱ / مجتمع آموزش عالی امام خمینی ﷺ
 ۳۵. مجموعه مقالات همایش زنان در افغانستان، ج ۱ / ستاد برگزاری همایش
 ۳۶. مقام محبت الهی از منظر حکمت و عرفان نظری و عملی / محمد حسین خلیلی
 ۳۷. منشور جامعه المصطفی ﷺ العالمية
 ۳۸. منطق پیشرفته / عسکری سلیمانی امیری
 ۳۹. مهدویت در ادیان آسمانی / ابراهیم کوثری
 ۴۰. مهندسی اوقات فراغت / محمد علی متولیان، احمد هوشمند
 ۴۱. نخل نسیم / حسن ابراهیم زاده
 ۴۲. نظام حقوقی اسلام / جلیل فتوایی

عربی

۴۳. بحوث فی علم الرجال / آیه‌الله محمد آصف المحسنی
 ۴۴. تاریخ الحدیث / سید رضا مودب
 ۴۵. التعرف علی خط التبتی / مرتضی الشعیبانی
 ۴۶. دروس تمهیدیه فی السیره القادة الهداة، ج ۱-۲ / سید منذر حکیم
 ۴۷. دروس فی الفقه المعاملات (البیع) / السید محمد کاظم المصطفوی
 ۴۸. دروس فی المسیحیه / علی الشیخ
 ۴۹. دروس فی المناهج والاتجاهات و التفسیریه للقرآن / ت: قاسم البیضانی
 ۵۰. دروس فی علوم القرآن / حسین جوان آراسته
 ۵۱. دروس فی فقه الاستدلالی، ج ۱ / عبد‌الکریم آل نجف
 ۵۲. دروس موجزة فی علمی الرجال والدراية / آیه‌الله جعفر سبحانی
 ۵۳. العلم فی إطار الدین / عبد‌الکریم الجنابی
 ۵۴. قرآن‌الحسین وحده المنهج والهدف / السید لیث الحیدری
 ۵۵. المحکم و المتشابه / عبد‌الرسول غفاری
 ۵۶. المرأة فی الاسلام / عبد‌الرسول غفاری
 ۵۷. معجم الاعمال المتداولة و مواطن استعمالها / السید محمد الحیدری
 ۵۸. معرفة ابواب الفقه / محسن الفقهی
 ۵۹. النسخ بین المفسرین / عبد‌الرسول غفاری
 ۶۰. وعایة الحکمة فی شرح نهاية الحکمة / حسین عشاقی الاصفهانی

انگلیسی

۶۱. اشعار عاشورایی، ج ۲ / محمد رضا فخرروحانی

فرانسوی

۶۲. سخنان حسین بن علی ﷺ از مدینه تا کربلا / ت: فریده مهدوی دامغانی

تاجیکی

۶۳. اربعین مولانا جامی / داستان حفظ‌زاده
 ۶۴. پدر و مادر و معلم من را خوب تربیت کن / ت: سید امان‌الله بابایوف
 ۶۵. پیامبر اعظم ﷺ / رجب جمعه‌خان
 ۶۶. تفسیر سوره محمد ﷺ / محسن قرآنی
 ۶۷. حرمت شراب / روح‌الله قلندر
 ۶۸. فضیلت صدقه / مصطفی علی
 ۶۹. مقام پدر و مادر / محمد رحیمی
 ۷۰. مقام قرآن کریم / اسماعیل محی‌الدین
 ۷۱. مقام نماز / عبد‌الهاشم میرزا

آذری

۷۲. حجاب چرا و چگونه / ت: جمال‌الدین شکراف
 ۷۳. دعا و توسل / حسن طاهری خرم‌آبادی
 ۷۴. سرنوشت از دیدگاه علم و فلسفه / ت: رضا شکراف
 ۷۵. قرآن کریم چنانکه هست / ایلقار اسماعیل زاده

اردو

۷۶. آداب اسلامی، ج ۲ / محمد عبداللیب